

بزرگترین گردهمایی دانشجویان علوم بهداشتی
The 12th
Student scientific Conference
 on Innovation in Health Sciences

دوازدهمین همایش دانشجویی
 تازه های علوم بهداشتی کشور
 اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



بسج دانشجویی
 دانشگاه علوم پزشکی
 شهید بهشتی
 برگزار می نماید

دفتدی چه مقالات
 ارائه شده در همایش



محورهای
 همایش

- * بهداشت عمومی
- * اپیدمیولوژی
- * بهداشت حرفه ای و ایمنی کار
- * بهداشت محیط
- * ارگونومی و سلامت در بلایا

دانشجوی خلاق
 کلید توسعه سلامت



دبیرخانه

تهران، بزرگراه چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریاری
 بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی
 دبیرخانه دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

WWW.IHSC.BSBMU.IR
 IHSC.BSBMU@GMAIL.COM
 ۰۲۱ ۲۲۴۳ ۱۵۹۷ / ۰۹۰۳۸۰۸۷۰۸۶
 @TAZEHA_12



اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

شناسنامه کتابچه

عنوان: مجموعه چکیده مقالات دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

گردآورنده: دبیرخانه دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

تعداد صفحات: ۳۲۹ صفحه

ویراستار: آتنا رفیعی پور

صفحه آرایی و طراحی جلد: مصطفی راسخی نژاد

تاریخ انتشار: خرداد ماه سال ۱۳۹۸

محل نشر: واحد بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



آدرس: تهران، بزرگراه شهید چمران خیابان یمن، میدان شهید شهریار، بلوار دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دبیرخانه دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

پست الکترونیک: ihsc.bsbmu@gmail.com

وب سایت: <http://ihsc.bsbmu.ir>

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۹۸۲۸



مجموعه چکیده مقالات
دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی
۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

برگزار کننده

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

با همکاری

کمیته تحقیقات دانشجویان دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
انجمن علمی دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

حامیان همایش

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

بسمه تعالی

"تولید علم و تحقیقات، حیات آینده کشور است"

مقام معظم رهبری

همایش تازه های علوم بهداشتی با هدف فراهم آوردن بستری برای عرضه یافته های جدید پژوهشی و نشانگر شور و نشاط علمی در میان دانشجویان عزیز است که توسط جمعی از افراد علاقه مند به حوزه سلامت شکل گرفته است. برگزاری همایش های علمی در عرصه بهداشت و سلامت راهی برای شکوفایی خلاقیت و اظهار توانمندی محققان جوان در حیطه پژوهش و تحقیق می باشد. ارتقای سلامت در جامعه بر محوریت پیشگیری از بروز پیامدهای ناخواسته و ناخوشایندی که می تواند زندگی افراد را در معرض تهدید قرار دهد، هدفی متعالی است که در این عرصه متخصصان علوم بهداشتی رسالت مهمی را بر گردن خود دارند و بنابراین تلاش این متخصصان به منظور آشنایی با علوم روز و همچنین به کارگیری یافته های نوین علمی در بهبود وضعیت معیشتی مردم جامعه بایستی به صورت مستمر افزایش یابد. بر کسی پوشیده نیست که جایگاه علوم بهداشتی در پیشگیری از بروز بیماری ها و کاهش نرخ مرگ و میر در طول تاریخ درخور تقدیر بوده است و از همین رو نیازمند توجه بیشتر مسئولین و دست اندرکاران عرصه سلامت به این مهم هست.

امید است با ارتقای توانمندی دانشجویان و محققان علوم بهداشتی و همچنین بسیج جامعه علمی با هدف تحقق شعار "پیشگیری بهتر از درمان"، بتوانیم به جایگاه برحق بهداشت در حوزه تصمیم گیری های کلیدی در عرصه پهناور سلامت و افزایش کیفیت زندگی در افراد جامعه دست پیدا کنیم که بدون تردید این مهم در سایه بالا بردن روحیه تحقیق و تفحص و خودباوری امکان پذیر خواهد بود.

دکتر اکبر اسلامی

ریاست دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی



بسمه تعالی

"برای ترقی و پیشرفت هیچ روشی بهتر از تحقیق و پژوهش نیست"

حضرت علی(ع)

پویایی در زمینه روزآمد کردن علوم بهداشتی راهی برای ارتقای سطح سلامت جامعه است و برگزاری نشست‌های علمی یکی از بهترین روش‌های به اشتراک گذاری ایده‌ها و آشنایی افراد با تحقیقات نوین و کاربردی است. در همین راستا و با استعانت از خداوند متعال دوازدهمین دوره از همایش تازه‌های علوم بهداشتی به همت جامعه بسیج دانشجویی و جمعی از دانشجویان دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ و با شعار "دانشجوی خلاق، کلید توسعه سلامت" برگزار گردید.

در این دوره از همایش ۶۶۸ مقاله از دانشجویان و پژوهشگران فعال عرصه بهداشت و سلامت در پنج پنل تخصصی بهداشت عمومی، بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، بهداشت محیط، اپیدمیولوژی و ارگونومی و سلامت در بلایا توسط داوران مورد تأیید انجمن علمی دانشجویی و کمیته تحقیقات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از سرتاسر کشور مورد ارزیابی و بازبینی قرار گرفت. مقالات منتخب جهت ارائه در دوازدهمین دوره از همایش تازه‌های علوم بهداشتی با برخورداری از سطح بالای علمی، نشان دهنده توانمندی دانشجویان و محققان عزیز در راستای حل معضلات بهداشتی کشور با ارائه راهکارهای نوین علمی و خلاقانه است. بنابراین پژوهشگران عرصه سلامت را می‌توان به عنوان پتانسیل‌های ارزشمند در جهت مشارکت در سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت و بهداشت دانست. از همین رو امیدواریم با برگزاری همایش تازه‌های علوم بهداشتی توانسته باشیم تلاش در زمینه ارتقای دانش در گستره علوم روز و همچنین تقویت روحیه جستجوگری در نهاد مستعد و خلاق دانشجویان عزیز را بارور سازیم تا با گام برداشتن در مسیر تحقیق و تفحص، سعی در حل معضلات موجود و پیشبرد اهداف عرصه سلامت در سطوح کشوری و جهانی داشته باشند.

و من الله التوفیق

آتنا رفیعی پور

دبیر علمی دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور





به نام خدا

خدای متعال را سپاسگزاریم که این توفیق نصیبمان شد تا در دوازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور میزبان اساتید گرانقدر، محققین گرامی، اعضای محترم هیئت علمی و مسئولین محترم از سراسر دانشگاه های کشور باشیم.

برگزاری دوازدهمین دوره از همایش حاصل تلاش و برنامه ریزی های متعددی بود که توسط کمیته اجرایی و کمیته علمی برنامه ریزی و اجرا گردید تا بتوانیم به هدف متعالی برگزاری همایشی در شأن اساتید و دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کشور برسیم و زمینه ساز ظهور و تاثیرگذاری پژوهشگران و علاقمندان به حوزه علوم بهداشتی باشیم. در این راستا امیدواریم همراهان همیشگی و محققان ارجمند کمی و کاستیها را بر بضاعت اندک ما ببخشایند و مارا در پربار برگزار کردن همایشی از جنس خودشان همراهی فرمایند. در کمال امتنان قدردان حضور پربار کلیه عزیزان، اساتید، پژوهشگران و دانشجویان در این گردهمایی ملی بوده و هستیم. امیدواریم که گام کوچکی در پیشبرد رسالت ارتقای نظام سلامت در کشور برداشته باشیم و بر مصداق حدیث متبرکه که "العلم یزکوا علی الانفاق" بر منتهای هدف خود که انتشار علم و دانش است، دست یافته باشیم.

مصطفی راسخی نژاد

دبیر اجرایی دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور





رئیس همایش: جناب آقای دکتر اکبر اسلامی (رئیس دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

نائب رئیس همایش: جناب آقای دکتر محمد حسین وزیر (معاون فرهنگی و دانشجویی دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر اجرایی: مصطفی راسخی نژاد (دانشجوی دندانپزشکی و معاونت امور تشکیلات بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

دبیر علمی: آتنا رفیعی پور (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای)

مدیران علمی پنل

پنل بهداشت عمومی: سودابه یارمحمدی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت)
پنل اپیدمیولوژی: سارا عظیمی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی اپیدمیولوژی)
پنل بهداشت حرفه ای و ایمنی کار: زهرا محمدی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه ای)
پنل بهداشت محیط: سودا فلاح (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت محیط)
پنل ارگونومی و سلامت در بلایا: ایمان فرهی آشتیانی (دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت‌ها)

اعضای کمیته علمی

زهرا پنجعلی، صدیقه حسین آبادی، صابر مرادی، حسین مظفر سعادت، محمد آقا علی، الهام بزمی، سجاد رحیمی پردنجانی، منصوره علی پور عنبرانی، فاطمه زارع، مریم متاجی امیررود

اعضای کمیته اجرایی

کمیته اجرایی: محمد رضا بهره‌بر (بخش برادران)، نفیسه باقری دیجه (بخش خواهران)
اطلاعات: محمد رضا بهره‌بر
مسئول دبیرخانه: فاطمه رواقی اردبیلی
رسانه: سید هادی حسینی (مسئول کمیته)، نیوشا میکیلانی، محمد یاسین برکول، مهنا رفیعی آفتابداری، فاطمه کاویانی، اسما گوگانی، فرانک مرادی
پشتیبانی: مجتبی علیخان نژاد (مسئول کمیته)، محمد حسن زاده





انتظامات: عباس محمدحسینی (مسئول کمیته)، کیوان کریمی، فریبا ملک حسینی، عطیه هادی، فاطمه نوروزی، مهسا ملکی، حدیث یحیی زاده، نگین محمدی، محدثه خارستانی، زهرا جگری، رقیه جوان مرد، فاطمه باقری مزرعه، فاطمه سادات مرتضوی ترکی، مبینا مجتهد، حانیه زالی، مهشاد مبصر، مریم ندیری، نگار عزیزپور فرد، فاطمه طوقانی کروئی، زهرا سیفی، مهین حسین زاده، مریم باقری، سارا منصور بقاهی، تبسم سیاری

تشریفات: امین شعبانعلی (مسئول کمیته)، محمدجواد اکبری

اپراتورینگ: معین خالویی (مسئول کمیته)، فاطمه شیخ

نصب پوستر: میثم احمدی، آرمین ادگی، محمد حسین محمدی، بامداد میر اسماعیلی

اجرای کارگاه: عباس پروانه، سید حسین نظری، کیوان کریمی

سخنران های کلیدی

- ✓ پنل بهداشت عمومی: آقای دکتر حسین حاتمی (مدیر گروه محترم MPH دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- ✓ پنل اپیدمیولوژی: آقای دکتر سید عباس متولیان (مدیر گروه محترم MPH و عضو محترم هیئت علمی گروه اپیدمیولوژی دانشگاه ایران)
- ✓ پنل بهداشت حرفه ای و ایمنی کار: آقای دکتر محمدجواد جعفری (نائب رئیس انجمن صنفی متخصصین بهداشت حرفه ای و ایمنی کار ایران)
- ✓ پنل بهداشت محیط: آقای دکتر احمدرضا یزدانبخش (مدیر محترم گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- ✓ پنل ارگونومی و سلامت در بلایا: خانم دکتر کتایون جهانگیری (عضو محترم هیئت علمی گروه سلامت در بلایا و فوریت های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) و خانم آرزو دهقانی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

مدرسین کارگاههای آموزشی

- ✓ سمپوزیوم چالش های بازرسی کار: آقای مهندس مجتبی ذکایی، آقای مهندس امید جابری، آقای مهندس صابر مرادی
- ✓ فرصت های کارآفرینی در نظام سلامت: آقای دکتر نادر جهان مهر
- ✓ بی خطر سازی پسماندهای آزمایشگاهی: آقای دکتر سید نادعلی علوی
- ✓ راهکارهای مؤثر در ارائه مقالات: آقای دکتر داود خراسانی زواره





داوران حضوری پنل

✓ پنل بهداشت عمومی

- خانم دکتر مریم محمدی (عضو هیئت علمی گروه بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- خانم دکتر مرضیه لطیفی (دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت)
- خانم دکتر لیلا نجفی (عضو هیئت علمی گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان)
- آقای سید فهیم ایراندوست (دانشجوی دوره دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی ایران)

✓ پنل اپیدمیولوژی

- آقای دکتر سید سعید هاشمی (مدیر گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- آقای دکتر کورش اعتماد (عضو هیئت علمی گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- خانم طاهره علی نیا (دانشجوی دوره دکتری تخصصی اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- آقای عباس عباسی قهرمانلو (دانشجوی دوره دکتری تخصصی اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی ایران)

✓ پنل بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار

- آقای دکتر مصطفی پویاکیان (عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- آقای دکتر مجید بیاتیان (رئیس دانشکده بهداشت و مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران - پزشکی)
- خانم مهندس شیوا سوری (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی همدان)
- آقای مهندس مهدی قاسمی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)

✓ پنل بهداشت محیط

- آقای دکتر محمد رفیعی (عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- خانم دکتر مهرنوش ابطحی (عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- خانم مهندس نازک امانی داز (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- آقای مهندس ساسان فریدی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی تهران)

✓ پنل ارگونومی و سلامت در بلایا

- دکتر داود خراسانی زواره (مدیر گروه سلامت در بلایا و فوریت های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- دکتر مهناز صارمی (مدیر گروه ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- کیومرث الله بخشی (دانشجوی دوره دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)
- سعید قانع (دانشجوی دوره دکتری تخصصی ارگونومی دانشگاه علوم پزشکی تهران)



داوران غیر حضوری

✓ پنل بهداشت عمومی

فاطمه زارع، منصوره علی پور عنبرانی، آمنه پور اسماعیل درسته، نجمه الملوک امینی، مریم متاجی امیر رود، فاطمه حسینی، سمیرا محمدی، فاطمه محمدخواه، سمیرا دانشور، مهناز خلیفه نیل ساز، نگین نیک سادات، راضیه رضایی، محمد رضا شیخی چمان، زهره کریمیان کاکلکی، راضیه پیروزه، زاهد رضایی، میترا دو گونچی، الهام چارچیان خراسانی، محمد حسین دلشاد، سید فهیم ایران دوست، سمیه عظیمی، محمود کریمی، معصومه زین العابدینی، فاطمه پور حاجی، سید حمید حسینی، مصطفی ملکی، زینب غلام نیا شیروانی، فریبا شهرکی ثانوی، سکینه گرایلو، زهرا رحیمی خلیفه کندی، الهه رحیمی نیا، راضیه کیخایی، یعقوب مدملی، مجتبی آزاد بخت، فاطمه ریسی دهکردی، آرمان لطیفی، مرتضی حقیقی، فاطمه عادل راد، کامران ایران دوست، رضا صادقی، لیلا نجفی، سهیلا مجیدی، هاجر حقیقی، سیده الهه حسینی، یوسف شعبانی، آمنه مرزبان، نیره کثیری، میترا فقیهی، زکيه سادات حسینی، مراد علی زارعی پور، کامل قبادی داشت بی، نورا رفیعی، ندا احمد زاده توری، توحید بابا زاده، فهیمه رشیدی، جواد یوسفی لبنی، سعید محمد پور، اعظم گودرزی

✓ پنل اپیدمیولوژی

فهام خامسی پور، سیده سارا عظیمی، سجاد رحیمی پردنجانی، محمد آقاعلی، حوریه رحیمی نیا، جلیل حسینی، سعید خشنود، نادر مهدوی، یوسف خانی، فاطمه هداوندسیری، رضوان رجب زاده، جمیله رحیمی، ندا ایزدی، حسین مظفر سعادت، نازنین فکری، اعظم بی درفش، محمد حسین پناهی، ندا اسمعیل زاده ها، زهرا حسین خانی، الهه رفیعی، الهام بزمی، مرضیه مرادی، طوبی رضایی، علی رضا زمستانی، پروین خلیلی

✓ پنل بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

سمیه بلقن آبادی، زینب موسویان اصل، معصومه وهابی شکرلو، احسان محمدی، حکیمه زمانی بادی، مهشید بهرامی، روح اله فلاح مدواری، فریدون لعل، زهرا مرادپور، زهرا پنجعلی، محسن عسگری، زینب جمالی زاده، صدیقه حسین آبادی، یونس سهرابی، زهرا محمدی، شیوا سوری، آتنا رفیعی پور

✓ پنل بهداشت محیط

علیرضا علا، سودا فلاح، محمود یوسفی، ضحی حیدری نژاد، مجید رادفرد، کاوه خیرخواه رحیم آباد، حشمت اله مرادپور، ملیحه موذنی، محبوبه دهواری، میلاد موسی زاده، شهرام صادقی، محسن یزدانی، مجتبی یگانه، یوسف پورعشق، پری تیموری، مریم غلامی، فاطمه کریمی نژاد، علی عظاملکی، مصطفی صدری دلیک، فاطمه آمره، عبدالله درگاهی

✓ پنل ارگونومی و سلامت در بلایا

بهرام کوهنورد، اعظم ملکی قهفرخی، پیام خانلری، علیرضا مرتضی پور صوفیانی، ضیاء سعدونی، آرزو دهقانی، رضا شهابی، سعیده مسافرچی



محورهای همایش

➤ بهداشت عمومی

محورهای همایش:

- سلامت معنوی در دستیابی به فرد، خانواده و جامعه سالم
- سبک زندگی سالم و ارتقای سلامت و کیفیت زندگی
- خودمراقبتی برای حفظ سلامت
- سلامت سالمندی
- سلامت اجتماع محور و حاشیه نشینی
- کنترل بیماری های غیر واگیر با سبک زندگی سالم
- به کارگیری تئوریها و مدل ها در آموزش و ارتقای سلامت
- رویکردهای نوین در توسعه سواد سلامت
- مسئولیت پذیری و پاسخگویی در ارتقای سلامت
- آینده پژوهشی در آموزش بهداشت و ظرفیت سازی برای ارتقای سلامت

➤ اپیدمیولوژی

محورهای همایش:

- اپیدمیولوژی و مدیریت بیماری ها و آسیب های اجتماعی
- اپیدمیولوژی حوادث و بلایا
- اپیدمیولوژی اجتماعی و مؤلفه های تعیین کننده سلامت
- اپیدمیولوژی بالینی
- اپیدمیولوژی و سلامت روان
- نقش اپیدمیولوژی در ارزشیابی مداخلات بهداشتی، درمانی و ارتقای نظام سلامت
- اپیدمیولوژی و سیاستگذاری، ارزشیابی و عدالت در حیطه سلامت
- نقش اپیدمیولوژی در رفع چالش های بهداشتی
- مدیریت داده ها، اطلاعات و دانش در سیستم های بهداشتی





➤ مهندسی بهداشت حرفه ای و ایمنی کار

محورهای همایش:

- شناسایی، ارزشیابی و کنترل عوامل زیان آور فیزیکی و شیمیایی محیط کار
- مهندسی فاکتورهای انسانی و مدیریت آن در محیط کار
- سم شناسی شغلی و ارزیابی ریسک بهداشتی
- طب کار و ارتقاء سلامت شغلی
- مدیریت ریسک و مدیریت بحران
- ایمنی صنعتی و تجزیه و تحلیل علل حوادث صنعتی با رویکرد پیشگیرانه
- ارزیابی ریسک و مدل سازی پیامد در بهداشت حرفه ای و ایمنی
- استاندارد سازی سیستم های مدیریتی، ایمنی، بهداشت و محیط زیست
- مدیریت در ارائه خدمات بهداشت حرفه ای
- اخلاق در بهداشت حرفه ای
- فن آوری های نوین در حوزه ایمنی و بهداشت حرفه ای
- ارتقای اقتصادی در سایه بهداشت حرفه ای
- نقش مهندسی بهداشت حرفه ای در توسعه تکنولوژی های سبز

➤ مهندسی بهداشت محیط

محورهای همایش:

- رویکردهای نوین در کنترل آلودگی های محیط زیست (هوا، آب و فاضلاب، صدا، پسماند و ...)
- کیفیت آب و هوا با رویکرد ارتقاء سلامت
- مدیریت بحران در محیط زیست
- اثرات آلودگی هوا بر تغییر اقلیم
- مدیریت پسماندهای شهری و صنعتی
- آلودگی و پالایش خاک
- بهداشت و ایمنی اماکن عمومی، بیمارستان و مواد غذایی
- نقش بهداشت محیط در تولید انرژی های تجدید پذیر
- مدل سازی در تشخیص انتشار و کنترل آلودگی های محیط زیست
- ارزیابی خطرات محیط زیست، مدیریت ریسک و اکوسیستم های طبیعی
- بهداشت محیط زیست و اهداف توسعه پایدار





➤ ارگونومی و سلامت در بلایا

محورهای همایش:

- ارگونومی فیزیکی
- ارگونومی محیطی
- ارگونومی شناختی
- ارگونومی سازمانی و مشارکتی
- مدیریت اطلاعات و ارتباطات و ارزیابی خطر حوادث و بلایا: چالش ها و راهکارها
- راهکارهای پیشگیری و کاهش اثرات بلایا و مشارکت اجتماعی در کاهش خطر
- سلامت روانی - اجتماعی در حوادث و بلایا
- اخلاق، عدالت و تعهد در حوادث و بلایا
- اقدامات بشر دوستانه بین المللی و شناخت خطر حوادث و بلایا
- نقش مدل سازی، آینده پژوهی، دانش و فناوری های نوین در شناخت خطر





فهرست مطالب

متون سخنرانی دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

- ۱ **بهداشت عمومی**
- ۲ Obesity consequences from people's perspective living in Kurdish regions of Iran: A qualitative content analysis
- ۳ تأثیر نوسانات اقتصادی بر نرخ مرگومیر در کشورهای سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴
- ۴ ارزیابی عملکرد بیمارستان‌های تأمین اجتماعی استان مازندران با استفاده از مدل پابن لاسو
- The Role of Repetition and Reinforcement (by peer group) in Oral Health Education Program as a Base for Health Belief Model (HBM) among Iranian Primary schools Students –Cluster Randomized Controlled Trial
- ۵ **اپیدمیولوژی**
- The Relationship Between Human Development Index and Its Components with Thyroid Cancer Incidence and Mortality: Using the Decomposition Approach
- ۷ Association between caffeine intake and cognitive function in adults: data from National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES) 2013–2014
- ۸ Investigation Epidemiological Status, Spatial and Temporal Distribution of Human Brucellosis in Kohgiluyeh & Boyerahmad Province during 2011-2017
- ۹ بررسی دیدگاه های متخصصین در خصوص ابعاد مشارکت مردم در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب: یک مطالعه کیفی
- ۱۰ **بهداشت حرفه ای و ایمنی کار**
- ۱۱ تأثیر ابعاد ذرات دی اکسید سیلیسیوم غیر کریستالی بر بروز سمیت برون تنی در رده سلولی A549 ریه انسانی
- ۱۲ بهبود روش ارزیابی ریسک حریق و انفجار در یک پالایشگاه گازی با استفاده از منطق فازی
- ۱۳ ارائه یک روش استخراج نوین بر پایه فیبر غشایی توخالی جهت تعیین استیک آنهیدراید در هوا
- ۱۴ طراحی و اجرای ساینسز انبساطی - جذبی به منظور کاهش صدای سیستم تهویه مطبوع و آسایش صوتی در یک محیط اداری
- ۱۵





- بهداشت محیط ۱۶
- کارایی حذف کروم از فاضلاب صنایع آبکاری توسط لجن خشک به عنوان یک جاذب ارزان قیمت ۱۷
- بررسی اثرات بهداشتی ذرات معلق (PM2.5) در هوای شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵ با استفاده از مدل AirQ+ ۱۸
- مقایسه کارآمدی فناوری های متداول غیرسوز بی خطر ساز پسماند های عفونی بر اساس روش HTA ۱۹
- ارگونومی و سلامت در بلایا ۲۰
- راهکارهای ارتقای ایمنی تخلیه اضطراری جمعیت از ایستگاه های مترو شهر تهران مبتنی بر یافته های مطالعه کیفی ۲۱
- اجرای مداخله با استفاده از یک برنامه ارگونومی مبتنی بر مدیریت استرس شغلی در قسمت مونتاژ یک کارخانه تولید قطعات خودرو ۲۲

متون پوسترهای دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی

- بهداشت عمومی ۲۴
- ارتقا رفتار حمل کوله پشتی در دانش آموزان دختر دوره متوسطه: کاربردی از آموزش همسالان ۲۵
- بررسی ارتباط بین سلامت معنوی با سواد سلامت در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ ۲۶
- عوامل مرتبط با سواد سلامت زنان در ایران: مرور سیستماتیک و متاآنالیز ۲۷
- عوامل مرتبط با سلامت معنوی در ایران: مرور سیستماتیک ۲۸
- تاثیر موسیقی درمانی بر درمان کودکان طیف اتیسم: مطالعه مروری ۲۹
- بررسی اختلال پارکینسون و ارائه راهکار درمانی در سالمندی: مطالعه مروری ۳۰
- بررسی بروز انواع آفازی در سالمندان: مطالعه مروری ۳۱
- بررسی شناسایی تعداد بیماران آلوده به ویروس هپاتیت B و تعیین عوامل تأثیر گذار بیماری در شهرستان اسدآباد از سال ۹۳ تا ۹۶ ۳۲
- بررسی سطح استرس و تأثیر آن بر عملکرد کارکنان مراکز خدمات سلامت شهرستان تویسرکان ۳۳
- ارتباط سلامت معنوی و اضطراب در سالمندان بستری شده در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷ ۳۴



- ۳۵..... بررسی وضعیت خودمراقبتی و تفاوت های جنسیتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷
- ۳۶..... بررسی ارتباط سطح سواد بهداشتی و خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷
- ۳۷..... بررسی میزان آگاهی از بهداشت فردی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع دبستان شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷
- ۳۸..... بررسی ارتباط کیفیت زندگی و شیوع بیماری های مزمن در سالمندان شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷
- ۳۹..... رضایت از خدمات اجتماعی، رفاهی و توان بخشی در بین سالمندان تحت پوشش اداره بهداشتی شهرستان خدابنده
- ۴۰..... بررسی تاثیر آموزش بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی بر رفتار غربالگری سرطان پستان در رابطین سلامت شهر ابهر، سال ۱۳۹۷
- ۴۱..... بررسی تاثیر فعالیت های ورزشی مبتنی بر سلامت همراه در ارتقای توانبخشی بعد از جراحی سرطان پستان
- ۴۲..... زالو درمانی در طب سنتی ایران
- ۴۳..... تولید گیاهان دارویی: از سلامت جامعه تا تجاری سازی و رونق داخلی
- ۴۴..... تاثیر استفاده از EMR بر روی تبلت های DOTECH بر کاهش خطاهای دارویی پرستاران در بخش مراقبت های ویژه
- ۴۵..... بررسی تاثیر به کارگیری ربات های کمکی در خود مراقبتی سالمندان مبتلا به زوال عقلی
- ۴۶..... بررسی تاثیر تکنولوژی گوشی هوشمند در سلامت روانی
- ۴۷..... بررسی قابلیت واقعیت مجازی برای توانبخشی سکنه مغزی
- ۴۸..... بررسی سیستم مشاوره مبتنی بر گوشی هوشمند برای مدیریت آسیب های مزمن فشار
- ۴۹..... بررسی تاثیر به کارگیری سنسورهای بی سیم در ارائه مراقبت مطلوب برای بیماران بخش مراقبت های ویژه
- ۵۰..... بررسی قابلیت تکنولوژی تله درموسکوپي مبتنی بر گوشی هوشمند برای تشخیص زود هنگام سرطان پوست
- ۵۱..... بررسی اثر تله مانیتورینگ مبتنی بر گوشی هوشمند بر بیماران مبتلا به نارسایی قلبی
- ۵۲..... مروری بر تاثیر آموزش تغذیه بر حسب مزاج بر ریفلاکس معده به مری
- ۵۳..... مروری بر کنترل دیابت از طریق تلفن همراه؛ مدل ها و تأثیرات
- ۵۴..... رابطه بین اعتیاد به اینترنت، رشد اجتماعی و رفتارهای بهداشتی در نوجوانان زرین دشت
- ۵۵..... رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل مرتبط در سالمندان
- ۵۶..... پیشگویی کننده های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل ارتقاء سلامت پندر
- ۵۷.....



- کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل ارتقاء سلامت پندر ۵۸
- سواد سلامت یک عامل مؤثر بر سبک زندگی سالمندان: یک مرور سیستماتیک ۵۹
- اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) بر بهزیستی روان شناختی و تاب آوری زنان دیابتی نوع ۲ ۶۰
- بررسی میزان اثربخشی برنامه خودمراقبتی آرتريت روماتوئید بر روی افسردگی در زنان سالمند مبتلا به بیماری آرتريت روماتوئید: کارآزمایی تصادفی کنترل دار ۶۱
- بررسی میزان اثربخشی برنامه خودمراقبتی آرتريت روماتوئید بر روی علائم بیماری آرتريت روماتوئید در زنان سالمند شهر تبریز: کارآزمایی تصادفی کنترل دار ۶۲
- راهکارهای فعالسازی خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از پرونده الکترونیک سلامت (EHR) ۶۳
- مروری بر مطالعات انجام شده در مورد ارتباط بین درآمد و نابرابری سلامت ۶۴
- بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و افسردگی در سالمندان ۶۵
- بررسی تاثیر سلامت معنوی بر سلامت روان در پرستاران: مطالعه مروری ۶۶
- تاثیر به کارگیری الگوی خودمراقبتی اورم بر بهبود کیفیت خواب بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس ۶۷
- مقایسه اثربخشی رژیم های ترکیبی دوز ثابت با رژیم های مجزا در درمان بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت- یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده ۶۸
- بررسی تأثیر صندوق های بازنشستگی بر کیفیت زندگی سالمندان شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی، سال ۱۳۹۷ ۶۹
- بررسی موانع اجرایی پرستاری جامعه محور از دیدگاه پرستاران بیمارستان گنجویان دزفول در سال ۱۳۹۷ ۷۰
- مقایسه میزان رضایت زناشویی در زنان سالم و زنان مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به بیمارستان امام حسن مجتبی (ع) دزفول سال ۱۳۹۷ ۷۱
- رابطه بین تله نرسینگ و آموزش به بیماران مزمن: مروری سیستماتیک ۷۲
- تاثیر مصرف کورکومین در درمان کبد چرب در بیماران دیابتی نوع ۲: مروری سیستماتیک ۷۳
- تاثیر ویتامین D بر تسکین درد در بیماران مبتلا به فیبرومیالژیا: مرور سیستماتیک ۷۴
- بررسی کیفیت زندگی و تاثیر حمایت اجتماعی در روند بهبود بیماران مبتلا به نارسایی قلبی شهرستان شوشتر ۷۵
- بررسی سلامت معنوی در زندگی پرستاران: مرور سیستماتیک ۷۶
- بررسی دلیل سرطان پستان و شیوع آن در پرستاران: مروری سیستماتیک ۷۷
- راهکارهای مؤثر برای افزایش امید در بیماران مبتلا به سرطان ۷۸
- بررسی رابطه بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی سالمندان شهر شیراز در سال ۱۳۹۷ ۷۹
- بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان سالمندان شهر شیراز در سال ۱۳۹۷ ۸۰

- ۸۱..... رابطه بین سلامت معنوی و خودکارآمدی در زنان باردار شهر شیراز در سال ۱۳۹۷.....
- ۱۳۹۷..... مقایسه سلامت معنوی در مادران دارای کودک سالم و مادران دارای کودک مبتلا به بیماری مزمن در شهر شیراز سال ۱۳۹۷.....
- ۸۲.....
- ۸۳..... تأثیر کلاس های آمادگی برای زایمان در انتخاب نوع زایمان: مروری سیستماتیک.....
- ۸۴..... مزایای تغذیه انحصاری با شیر مادر و عوامل مؤثر در تداوم آن: مرور سیستماتیک.....
- ۸۵..... نیازسنجی آموزش خودمراقبتی سلامت باروری دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۷.....
- ۸۶..... شناسایی عوامل مرتبط با چاقی کودکان پیش دبستانی شهر سراب از دیدگاه مادران: یک مطالعه کیفی.....
- ۸۷..... بررسی رابطه سلامت معنوی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۷.....
- ۸۸..... بررسی ارتباط سواد سلامت با عملکرد تغذیه ای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در ۱۳۹۷.....
- بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری در خصوص کنترل عفونت های بیمارستانی در ایران: مطالعه
 ۸۹..... مرور سیستماتیک.....
- ۹۰..... عوامل خطر زایمان سزارین با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی.....
- ۹۱..... بررسی علل بروز بتا تالاسمی در ایران: یک مطالعه مروری.....
- ۹۲..... بررسی ارتباط بین تعداد ساعات خواب با سلامت روان در کارکنان ذوب آهن اصفهان.....
- ۹۳..... تأثیر فعالیت های هوازی بر خواب سالمندان.....
- ۹۴..... آموزش های خود مراقبتی و بهبود شاخص های اسپیرومتری در بیماران مبتلا به آسم.....
- ۹۵..... بررسی ۸ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.....
- بررسی عملکرد کارکنان بهداشتی در خصوص مشاوره شیردهی در مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم
 پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶.....
- ۹۶.....
- ۹۷..... ارزیابی عملکرد بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: سال ۱۳۹۷.....
- ۹۸..... بررسی فراوانی علل بارداری پرخطر در مادران باردار تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۹۶.....
- ۹۹..... بررسی پنج ساله علل مرگ مادران باردار در حوزه بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.....
- ۱۰۰..... بررسی رابطه سلامت معنوی با تمایل به انجام جراحی زیبایی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان.....
- ۱۰۱..... بررسی تأثیر آروماتراپی بر بهداشت سالمندی و تسکین درد.....
- بررسی تأثیر برنامه توانمندسازی دانش آموزان روستایی در جهت پیشگیری از تب مالت: کاربرد مدل اعتقاد بهداشتی توسعه
 ۱۰۲..... یافته.....



- بررسی کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به بیمارستان امام حسن مجتبی (ع) شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۷ ۱۰۳
- اثرات گیاهان دارویی بر گرفتگی زنان یائسه: مقاله مروری سیستماتیک ۱۰۴
- ارتباط شاخص های هماهنگی رشدی با وزن مادر، سن مادر و وزن کودک هنگام تولد ۱۰۵
- طراحی الگوی کاربردی مراقبت از سالمندان در مراکز نگهداری در ایران با استفاده از فن دلفی ۱۰۶
- خدمات فراهم شده در سیستم های مراقبت سالمندی: یک مطالعه مروری نظام مند ۱۰۷
- خانه سالمندان مطلوب از دیدگاه سالمندان شهر گرگان ۱۰۸
- مجتمع های مسکونی حمایتی سالمندان: یک مطالعه مرور سیستماتیک ۱۰۹
- رابطه بین سلامت معنوی و افسردگی در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی اسفراین ۱۱۰
- عوامل مرتبط بر رفتارهای تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر اسفراین ۱۱۱
- ارزشیابی عملکرد بیمارستان های ایران قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت: یک مطالعه مروری ۱۱۲
- بررسی شیوع و عوامل مرتبط با خود درمانی در بین دانشجویان دانشگاه های شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۸ ۱۱۳
- بررسی اثربخشی مکمل چای سبز در مقایسه با مکمل های فیبر، کافئین و ال کارنیتین بر کاهش وزن در افراد چاق: یک متاآنالیز شبکه ای ۱۱۴
- نگرش پرستاران به مراقبت معنوی و تاثیر آن در ارائه مراقبت معنوی به بیمار: مطالعه مروری ۱۱۵
- بررسی تاثیر درک مراقبت معنوی دانشجویان پرستاری بر کیفیت آرایه مراقبت معنوی بیماران: مطالعه مروری ۱۱۶
- بررسی نگرش نسبت به اصول اخلاق حرفه ای در کارکنان پایگاه های سلامت و عوامل موثر بر آن در شهر اسفراین در سال ۱۳۹۸ ۱۱۷
- بررسی تاثیر آموزش سلامت بر توانمند سازی رابطین بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۵ ۱۱۸
- تاثیر آموزش بر آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر دوره اول مقطع دبیرستان شهرستان اردبیل نسبت به ارتقاء بهداشت دهان و دندان ۱۱۹
- بررسی میزان آگاهی از اهمیت مراقبت پیش از بارداری زنان در سنین باروری شهر آبیگلو سال ۱۳۹۳ ۱۲۰
- بررسی عوامل پیش بینی کننده سقط در شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۵ ۱۲۱
- بررسی آگاهی و نگرش دانشجویان دختر علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به زایمان طبیعی و سزارین و عوامل موثر بر آن هادر شهرستان اسفراین سال ۹۷-۹۸ ۱۲۲
- مروری بر تاثیر خود مراقبتی بر کیفیت زندگی مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس ۱۲۳
- بررسی سبک زندگی و عوامل خطر ابتلا به دیابت در ایران ۱۲۴



- ۱۲۵..... بررسی وضعیت شاخص DMFT در جمعیت عشایری شهرستان کوهرنگ، ۱۳۹۷
- ۱۲۶..... بررسی و ارتقای فرایند اندازه گیری فشار خون در مجتمع های سلامت شهر تبریز- ۱۳۹۶
- ۱۲۷..... کیفیت مشتری در بیماران مبتلا به سکته قلبی در درمانگاه قلب و عروق شهید مدنی شهر تبریز: ۱۳۹۲
- ۱۲۸..... جایگاه آموزش مجازی در کیفیت یادگیری دانشجویان پرستاری
- ۱۲۹..... بررسی ارتباط فعالیت های ورزشی با کیفیت خواب در سالمندان: مطالعه مروری
- ۱۳۰..... بررسی تاثیر استفاده از تلفن همراه بر مطالعه دانشجویان دانشگاه های شهر ایلام در سال ۱۳۹۷
- ۱۳۱..... بیشترین عوامل حادثه ساز رانندگی در تهران: مروری ساده
- ۱۳۲..... مقایسه روند زمانی منفی شدن اسمیر خلط بیماران مسلول تحت درمان با داروهای ترکیبی و مجزا و عوامل موثر بر آن
- ۱۳۳..... تاثیر سبک زندگی بر استئوپروز زنان
- ۱۳۹۷..... بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران در زمینه بیماریهای مقاربتی در سال ۱۳۹۷
- ۱۳۴.....
- ۱۳۵..... Quality of life in Elderly: A Population Based Study in Shiraz, Iran
- ۱۳۶..... Concern toward HIV Acquisition in Youths of Iran: A Systematic Review Study
- ۱۳۷..... Relationship between breast feeding and breast cancer: Systematic review
- ۱۳۸..... Association of food insecurity with depression in pregnant women
- ۱۳۹..... The relationship between breastfeeding with dietary patterns of children aged 7 to 10 years old
- Investigating the Causes of Nutrition with Synthetic Milk in Children under the age of one year covered by Shahid
- ۱۴۰..... Beheshti University of Medical Sciences:2019
- ۱۴۱Fast food consumption and factors influencing in FASA population: A population-based study from southern Iran
- A survey on the relationship between health literacy and fast food consumption in the general population of Fasa, A
- ۱۴۲..... population-based study from southern Iran
- The association between osteocalcin and C-reactive protein; a relation of bone with inflammation: a systematic review
- ۱۴۳..... and meta-analysis
- ۱۴۴..... Screening of Alzheimer disease in Elderlies Population of Shiraz, Iran
- ۱۴۵..... Quality of life in Elderly : A Population Based Study in Shiraz, Iran
- ۱۴۶..... Low Rate of Condom Use among Sexually Active Youths of Iran: A Review Study
- ۱۴۷..... Processing of wireless peripheral sensors for monitoring blood pressure
- ۱۴۸..... Surveillance of smartphone-based remote monitoring in prenatal care



- ۱۴۹ An Intelligent Smartphone-Based Traumatic Technology for Early Skin Cancer Diagnosis
- ۱۵۰ Evaluating smartphone technology capabilities in the operating room (systematic review)
- ۱۵۱ The Impact of Digital Technology on the Treatment of Disease Respiratory Disorders
- ۱۵۲ Reproductive and Sexual Health Information in Youths of Iran: A Review Study
- ۱۵۳ **اپیدمیولوژی**
- ۱۵۴ برآورد شاخص مرگ مادر در ایران در سال های ۸۹ تا ۹۳ با روش صید- باز صید (Capture-Recapture)
- ۱۵۵ میزان شیوع اختلالات گفتاری در کودکان: مطالعه مروری
- ۱۵۶ بررسی اپیدمیولوژیک بیماری سالک در شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶
- ۱۵۷ بررسی رابطه بین مصرف کورکومین در پیشگیری از ابتلا به سرطان روده بزرگ: مرور سیستماتیک
- ۱۵۸ تاثیر متادون بر عملکرد جنسی (مروری سیستماتیک)
- ۱۵۹ بررسی وضعیت پرخاشگری کودکان پیش دبستانی شهر خرم آباد و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۷
- ۱۶۰ اپیدمیولوژی بیماری سل ریوی و خارج ریوی در استان چهارمحال و بختیاری طی سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۶
- ۱۶۱ شیوع کم وزنی کودکان زیر ۶ سال در شهرستان لردگان طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴
- ۱۶۲ بررسی موارد حیوان گزیدگی در شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۷
- ۱۶۳ کسر منتسب به جمعیت بیماری فشارخون در اثر چاقی در استان کهگیلویه و بویراحمد
- ۱۶۴ بررسی وضعیت ارتباطات بین فردی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پرستاری و مامایی
- ۱۶۵ مطالعه تطبیقی عوامل موثر بر مدیریت مشارکت جامعه در کنترل همه گیری
- ۱۶۵ بیماری های عروق کرونر قلب
- ۱۶۶ بررسی اپیدمیولوژی بیماری تب مالت در شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶
- ۱۶۷ پیش بینی مقایسه ای نوزاد نارس با مدل های درخت تصمیم و شبکه عصبی مصنوعی
- ۱۶۸ شیوع افسردگی در زنان باردار و عوامل موثر بر آن در شهر خرم آباد
- ۹۵-۹۶ تعیین فراوانی و علل مسمومیت در بیماران مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان های شهر قم طی سالهای ۹۵-۹۶
- ۱۶۹
- ۱۷۰ بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در یازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی در سال ۹۷
- ۱۷۱ تفاوت تحقیق کیفی و کمی با نگاهی عمیق



- ۱۷۲..... بررسی میزان آگاهی و نگرش مادران در رابطه با سوانح و حوادث کودکان زیر پنج سال در شهر اراک
- ۱۷۳..... بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری هایبوتیروئیدی در زنان باردار شهرستان خوانسار، استان اصفهان
- ۱۷۴..... بررسی تاثیر متفورمین درمیزان بهبودی عوارض سکتة مغزی ایسکمیک
- ۱۷۵..... میزان بروز بتا تالاسمی ماژور و علت آن در شهرستان کرمان طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶
- The effect of genetic counseling and health care in reducing the incidence of major beta- thalassemia in Kerman County
۱۷۶..... in 2017
- Prevalence of Obesity and Overweight in Iranian Children under 5 Years: A Systematic Review and Meta-analysis
۱۷۷.....
- ۱۷۸..... Quality of life in Elderly Iranian population, an umbrella systematic literature review
- ۱۷۹..... The relationship between Internet addiction and depression: A mini-review
- The incidence of Minor β -thalassemia among Individuals participated in Premarital Screening Program in Ardabil
۱۸۰..... province: North-west of Iran
- ۱۸۱..... Rabies in Iran: A review
- ۱۸۲..... بهداشت حرفه ای و ایمنی کار**
- ۱۸۳..... بررسی اختلالات تیروئیدی در میان شاغلین کارخانه تولیدکننده آفت کش های ارگانوفسفره در سال ۱۳۹۷
- ۱۸۴..... تاثیر افزایش سن و اضافه وزن بر شاخص های زیست حرکتی و عوامل خطرزای قلبی- عروقی آتش نشانان
- ۱۸۵..... مرور، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حادثه پلاسکو در سال ۱۳۹۵
- ۱۸۶..... مرور، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حادثه آتش سوزی پتروشیمی بوعلی ماهشهر در سال ۱۳۹۵
- بررسی سطح سرمی مالون دی آلدهید خون کارگران مواجهه یافته با گردوغبار سیلیس کریستالی در معدن سنگ آهن گل
۱۸۷..... گهرسیرجان
- بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر جو ایمنی محیط کار با استفاده از پرسشنامه نوردیک NOSACQ-50 در یک صنعت
۱۸۸..... فلزکاری
- ۱۸۹..... بیماری های ناشی از استرس حرارتی در خشکشویی های مدرن تهران: مروری
- ۱۹۰..... ارزیابی و اندازه گیری شدت روشنایی در مدارس ابتدایی شهر دهدشت در سال ۱۳۹۷
- ۱۹۱..... بررسی عوامل موثر بر میزان کمردرد پرسنل اتاق عمل
- ۱۹۲..... ارزیابی ریسک مخاطرات بالقوه کارخانه نساجی به روش تجزیه و تحلیل حالات شکست (FMEA) و اثرات ناشی از آن ...
- ۱۹۳..... ارزیابی ریسک خطر در ICU و CCU بیمارستان با استفاده از روش مدل آنالیز مقدماتی خطر (PHA)



- ۱۹۴ بررسی مخاطرات احتمالی به روش تجزیه و تحلیل حالات شکست (FMEA) در بخش های ICU و CCU بیمارستان..... ۱۹۴
- ۱۹۵ ممیزی ساختار های داربست با رویکرد پیشگیرانه از نظر رعایت الزامات ایمنی داربست بندی در پروژه های ساخت و ساز کشور..... ۱۹۵
- ۱۹۶ بررسی سطوح رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل های متحرک در صنایع ساخت و ساز کشور و ارتباط آن با عوامل روانی- اجتماعی ۱۹۶
- ۱۹۷ بررسی تاثیر مداخلات آموزشی و فنی بر بهبود فرهنگ ایمنی و درک ریسک موقعیتهای خطرناک کار در ارتفاع در میان کارگران پروژههای ساخت و ساز کشور..... ۱۹۷
- ۱۹۸ بررسی میزان مواجهه با صدای محیط کار و ارتباط آن با استرس شغلی و اختلال خواب در میان کارگران یکی از پروژههای عمرانی کشور ۱۹۸
- ۱۹۹ ارزیابی میزان مواجهه با صدای محیط کار و ارتباط آن با فشار خون و بیماری های ایسکمیک قلبی: متاآنالیز ۱۹۹
- ۲۰۰ بررسی وضعیت ماکروارگونومی یک پروژه ساختمان سازی و ارتباط آن با فرهنگ ایمنی سازمان ۲۰۰
- ۲۰۱ ارزیابی فیبر غشایی توخالی جهت نمونه برداری از دی متیل هیدرازین نامتقارن ۲۰۱
- ۲۰۲ مقایسه دو روش جهت ارزیابی ریسک مواجهه با مواد شیمیایی در آزمایشگاه ها ۲۰۲
- ۲۰۳ بررسی میزان شدت صدا و اثرات آزاردهندگی آن در شیفت های مختلف بر روی کارکنان بیمارستانهای شهر مریوان..... ۲۰۳
- ۲۰۴ بررسی و اولویت بندی مولفه های تاثیرگذار بر HSE خوابگاه های دانشجویی براساس روش ANP..... ۲۰۴
- ۲۰۵ شناسایی و اولویت بندی مخاطرات HSE در صنایع لاستیک سازی با استفاده از رویکرد تلفیقی HEMP & AHP..... ۲۰۵
- ۲۰۶ بررسی مقایسه های سه روش RULA، NERPA و LUBA در پیش بینی میزان ریسک بروز اختلالات اسکلتی - عضلانی اندام فوقانی در کارکنان یک صنعت تولید لوازم خانگی ۲۰۶
- ۲۰۷ ارزیابی شاخص های بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی (HSE) پارک ها و فضای سبز شهر کاشان در سال ۹۷..... ۲۰۷
- ۲۰۸ بررسی تاثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری های قلبی-عروقی ۲۰۸
- ۲۰۹ بررسی تاثیر اختلالات اسکلتی-عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران ۲۰۹
- ۲۱۰ ارزیابی نیروی فشاری وارد بر کمر به روش یوتا (UTAH) در کارگران یک صنعت لبنیات ۲۱۰
- ۲۱۱ بررسی تاثیر استقرار سیستم های مدیریتی مرتبط با HSE (بهداشت، ایمنی، محیط زیست) بر شاخص های حوادث در صنایع استان آذربایجان شرقی در یک دوره ده ساله ۲۱۱
- ۲۱۲ فرسودگی شغلی و برخی عوامل مرتبط با آن در پرستاران بیمارستان امام خمینی اسفراین در سال ۱۳۹۸..... ۲۱۲
- ۲۱۳ ارزیابی ریسک گردوغبار قابل اشتعال در صنایع با ریسک انفجار در شهرستان شاهرود ۲۱۳
- ۲۱۴ شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی منجر به حوادث در مدیریت نورد کارخانه ذوب آهن اصفهان با استفاده از روش تجزیه و تحلیل فاکتور های انسانی و طبقه بندی سیستم..... ۲۱۴

- ارزیابی بار ذهنی کار در پرسنل نورد ۳۰۰ ذوب آهن با استفاده از شاخص NASA-TLX و بررسی فاکتورهای موثر بر آن... ۲۱۵
- بررسی حساسیت اخلاقی پرستاران و ارتباط آن با رضایت بیماران از خدمات ارائه شده توسط پرستاران مراکز آموزشی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی سمنان ۲۱۶
- دیسترس اخلاقی و ارتباط آن با تمایل به ترک خدمت در تکنولوژیست های اتاق عمل مراکز منتخب آموزشی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران ۲۱۷
- بررسی مروری میزان رعایت اصول بهداشت دست در کارکنان اتاق عمل بیمارستانهای دولتی شهر تهران ۲۱۸
- طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه علائم غیراختصاصی برای کارکنان در معرض مواجهه با نانومواد ۲۱۹
- ارتباط ویژگی های شخصیتی با مشکلات روانی: مطالعه ای مقطعی بر روی نمونه ای بزرگ از بزرگسالان اصفهان ۲۲۰
- ارزیابی ریسک سقوط از ارتفاع در یک پروژه کار در ارتفاع با استفاده از روش فازی فرایند تحلیل سلسه مراتبی (AHP) ۲۲۱
- ارزیابی و مدیریت ریسک در کارگاه های تراشکاری و جوشکاری در یکی از صنایع فلزی شهر اصفهان با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حالات شکست و اثرات آن (FMEA) ۲۲۲
- تجزیه و تحلیل حوادث لیفتراک به روش Accident weed با رویکرد پیشگیرانه ۲۲۳
- بررسی میزان فرسودگی شغلی در کارکنان فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور ۲۲۴
- بررسی اثر مثبت اندیشی بر روی عملکرد ایمنی افراد در کارکنان پالایشگاه نفت ۲۲۵
- مدلسازی پیامد ناشی از پارگی کامل مخزن وینیل کلراید از مخزن یک مجتمع پتروشیمی با استفاده از روش PHAST ۲۲۶
- ارزیابی آلودگی صوتی و تأثیر آن بر روی پارامترهای فشارخون و ضربان قلب، در کارکنان صنعت نفت ۲۲۷
- Assessment of Safety Culture (HSE) in Power Distribution Company in Ilam Province in 2018 ۲۲۹
- A cross-sectional questionnaire survey of the most factors associated with needle-stick injuries among hospital nurses ۲۳۰
- in Sari city, Iran
- ۲۳۱ **بهداشت محیط**
- ۲۳۲ بررسی اثرات سمی میکروپلاستیکها
- ۲۳۳ بررسی کیفیت میکروبی، فیزیکی-شیمیایی، خوردگی و رسوبگذاری آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان مرند در سال ۱۳۹۷
- ۲۳۴ فناوری گیاه پالایی: مروری بر حذف فلزات سنگین توسط گیاهان در خاک های آلوده
- ۲۳۵ ارتباط نگرش مذهبی با رعایت اصول بهداشت مواد غذایی در دانش آموزان دبیرستانی یزد
- ۲۳۶ بررسی خواص فیزیکی، شیمیایی و میکروبیولوژی آبهای زیرزمینی سبزوار در سال ۱۳۹۴ (حاصل تخریب قناتها)



- ۲۳۷..... اندازه گیری میزان نیترات و نیتريت آب شرب منطقه جوين شهرستان سبزوار در سال ۱۳۹۳
- ۲۳۸..... جانمایی سیستم های کنترل آلودگی هوا در کارخانجات آسفالت شهر اهواز
- ۲۳۹..... ارزیابی عملکرد و وضعیت بهداشتی مراکز بازیافت مواد زائد جامد در شهرستان های جویبار و قائمشهر در سال ۱۳۹۷..
- ۲۴۰..... بررسی شاخص های کشوری بهداشت محیط شهرستان ساری در سالهای ۹۶-۱۳۹۳
- بررسی عملکرد ثبت فعالیتهای بهداشت محیط در سامانه جامع بازرسی مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی
شهرستان ساری در سال ۱۳۹۷..... ۲۴۱
- ۲۴۲..... بررسی غلظت فلزات سنگین در سبزیجات کشت شده در محدوده دفن پسماند جامد شهر تهران در سال ۱۳۹۷
- ۲۴۳..... وضعیت مدیریت پسماندهای آزمایشگاهی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۶
- ۲۴۴..... کیفیت میکروبی آب شرب شهرستان بهبهان در سال ۱۳۹۷
- ۲۴۵..... بررسی کیفیت میکروبی آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶
- بررسی کارایی سیستم نیزارممنوعی (با علف و تیور) با جریان عمودی در حذف سرب و روی از فاضلاب صنعتی در شمال
خوزستان ۲۴۶
- بررسی میزان غلظت فلزات سنگین (سرب، کادمیوم و مس) در رژلب جامد، مایع و مدادی عرضه شده در استان گیلان.. ۲۴۷
- ۲۴۸..... مطالعه آلودگی صوتی در منطقه ۱۵ شهرداری شهر تهران
- بررسی تاثیر آموزش بر آگاهی رابطين مراکز سلامت جامعه نسبت به تب مالت در شهر گناباد..... ۲۴۹
- تعیین میزان غلظت بنزوات سدیم در نمونه های دوغ توزیع شده در سطح شهر تهران ۲۵۰
- مروری بر استراتژی های پس از برداشت و قبل از برداشت برای جلوگیری و سمیت زدایی مایکوتوکسین ها در زنجیره غذایی
..... ۲۵۱
- حذف کدورت از آب با استفاده از سامانه فیلتر بافل دار..... ۲۵۲
- بررسی وضعیت بهداشت محیط و ایمنی خانه های فرزند مشهد در سال ۱۳۹۵..... ۲۵۳
- بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران زن شهرستان تایباد از انواع بیماری های واگیر شغلی مرتبط در سال ۹۵
..... ۲۵۴
- بررسی وضعیت بهداشت محیط سلف سرویس های دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ۲۵۵
- بررسی شاخص های بهداشتی آب استخرهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۱۳۹۶..... ۲۵۶
- ارزیابی طرح تفکیک پسماندهای خشک با ارزش از مبداء در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۱۳۹۷..... ۲۵۷
- بررسی عملکرد لجن فعال در تصفیه فاضلاب بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا و کیفیت پساب خروجی در سال ۹۷
..... ۲۵۸



- ۲۵۹ بررسی آگاهی و نگرش دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شوشتر در ارتباط با بهداشت و ایمنی مواد غذایی در سال ۱۳۹۷
- ۲۶۰ بررسی کارایی جاذب بیسموت اکسی‌بیدید (BioI) در حذف رنگ متیلن بلو از محلولهای آبی
- ۲۶۱ حضور ترکیبات سرطان زا در هوای کلان شهرها
- ۲۶۲ تولید بیودیزل از روغن های سرخ کردنی دورریز در حضور کاتالیست هتروژن
- ۲۶۳ حذف الکتروشیمیایی کروم شش ظرفیتی از فاضلاب با استفاده از الکترودهای مش استیل
- ۲۶۴ مطالعه اثر تیوگلیکولات جهت سنجش آهن در مطالعات بهداشت محیط
- ۲۶۵ ظرفیت سنجی میزان تولید متان از پسماند تولیدی استان خراسان رضوی با استفاده از روش IPCC
- ۲۶۶ ارزیابی رفتارهای پر خطر بهداشتی در مراجعین به استخرهای شنا
- ۲۶۷ ارزیابی سمیت رنگ بیسیک بلو ۴۱ پس از تخریب فتوکاتالیستی توسط نانوکامپوزیت ZnO/Y-Zeolite به وسیله دافنیا مگنیا
- ۲۶۸ تاثیر ذرات معلق هوا (PM2.5) بر میزان ابتلا کودکان به اوتیسم : بررسی مروری
- ۲۶۹ حذف بیولوژیکی فرمالدئید از جریان هوا با استفاده از سیستم بیوفیلتر
- ۲۷۰ تجزیه فنتون هتروژنی رنگ راکتیو بلک ۵ بوسیله نانوکامپوزیت مگنتیک MWCNTs/Fe₃O₄ در محلول های آبی
- ۲۷۱ حذف دی متیل هیدرازین نامتقارن از هوای آلوده توسط فرآیند گیاه پالایی
- ۲۷۲ بررسی وضعیت بهداشت محیط دبیرستان های شهرستان نوشهر در سال تحصیلی ۹۴-۹۳
- ۲۷۳ کارایی اشعه های VUV و UVC در غیرفعالسازی باکتری اشرشیاکلی در آب آلوده
- ۲۷۴ مروری بر حضور آلاینده های نوظهور در منابع آب و اثرات آنها بر محیط زیست و سلامت انسان
- ۲۷۵ بررسی وضعیت مدیریت بهداشت محیط بیمارستان های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷
- ۲۷۶ بررسی مهمترین بیماریهای ناشی از رخدادهای سیلاب و راهکارهای جلوگیری از آنها
- ۲۷۷ بیماری های شایع در مسیر پیاده روی بزرگ اربعین و ارائه راهکارهای جلوگیری از آنها (مطالعه موردی: مرز چذابه)
- ۲۷۸ بررسی کارایی فیلتر دو لایه با بستر ماسه کوارتز و سر باره صنایع فولاد در حذف آلاینده ها از پساب خروجی از تصفیه خانه فاضلاب به روش برکه تثبیت اختیاری
- ۲۷۹ مروری بر کاهش آمین های آروماتیک چند حلقه ای به عنوان عاملی جهش زا و سرطان زا در مواد غذایی
- ۲۸۰ مروری بر کاهش تشکیل آکریلامید در سیب زمینی سرخ شده
- ۲۸۱ مروری بر کاربرد انواع روش های فیتیک بری در سبوس برنج
- ۲۸۲ مروری بر کاربرد ارگانوژل در فرآورده های گوشتی

- Application of response surface methodology for the adsorption optimization of reactive dyes onto recoverable
 ۲۸۳ magnetic carbon
- ۲۸۴Determination of process developing effects of cement factory on PM10 dispersion using AUSTAL 2000 model
- ۲۸۵ Study of Physical & Chemical Properties of Solid Waste in Mashhad- 2016
- ۲۸۶ Does pristine polystyrene nanoparticles exposure at different dose cause behavioral disorders in rats?

۲۸۷ ارگونومی و سلامت در بلایا

- ۲۸۸ بررسی تاثیر کفیوش ارگونومیک و سطح سخت بر توزیع فشار کف پایی در افراد سالم هنگام ایستادن
- بررسی میزان آگاهی و نگرش در مورد کمک های اولیه هنگام سوانح و حوادث در پرسنل خدماتی شهرستان شوشتر در سال
 ۲۸۹ ۱۳۹۷
- ۲۹۰ بررسی خشونت و رفتارهای پرخطر اجتماعی در محیط کاری و راهکارهای کاهش آن: مقاله مروری
- ۲۹۱ عوامل موثر بر تصادفات جاده ای و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن
- ۲۹۲ بررسی عوامل خطر سبک زندگی مردم شهر شیراز در ارتباط با پیشگیری از سرطان
- ۲۹۳ تأثیر تمرینات تایچی بر عملکرد حرکتی بیماران پارکینسون
- ۲۹۴ کاربرد سندلی های پویا در ارتقا توجه و کاهش تکانش گری کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی: مقاله مروری
- ارزیابی ریسک ارگونومیک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی به روش ارزیابی خستگی عضلانی (MFA) در کارگران
 آرماتوربندی در یک سازه عمرانی بزرگ
 ۲۹۵
- بررسی عوامل ایجاد کننده استرس شغلی در پرستاران بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) تهران در سال ۱۳۹۷
 ۲۹۶
- ضرورت آموزش اخلاق حرفه ای در حوادث و بلایا در سیستم بهداشت و درمان ایران
 ۲۹۷
- بررسی میزان آمادگی پرستاران در حوادث و بلایا در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷
 ۲۹۸
- عوامل موثر بر شیوع اختلال تحمل گلوکز در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور: مروری سیستماتیک
 ۲۹۹
- رابطه بین دین داری و افسردگی در جوامع اسلامی: مروری سیستماتیک
 ۳۰۰
- اهمیت نقش مراکز بهداشتی و درمانی در مدیریت و کاهش خطر در بلایا
 ۳۰۱
- بررسی اثر زلزله بر سلامت روان جامعه و راهکارهای حفظ سلامت
 ۳۰۲
- بررسی ارگونومی ناشی از ایستادن طولانی مدت در کارکنان اتاق عمل: مطالعه مروری
 ۳۰۳
- Prevalence of job burnout and its related factors among nurses of Imam Khomeini medical education Center in Ilam
 ۳۰۴ city at 2018





Comparing cardiac patients' stress coping strategies and healthy individuals in Mostafa Khomeini Hospital in Ilam in ۲۰۵..... 2018

The relationship between burnout and mental health of nurses in teaching hospitals affiliated with Ilam University of ۲۰۶..... Medical Sciences in 2018

۲۰۷..... The effects on shift work schedules on Self-rated health and fatigue: a cross-sectional study



دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



متون سخنرانی

دوازدهمین دوره از همایش تازه های علوم بهداشتی





بهداشت عمومی



Obesity consequences from people's perspective living in Kurdish regions of Iran: A qualitative content analysis

Mohammad Hosein Taghdisi¹, Seved Fahim Irandoost¹, Tahereh Dehdari¹, Bahman Bayangani², Nammam Ali Azadi³

¹ Department of Health Education and Health Promotion, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: fahim.irandost@gmail.com

² Assistant Professor, Social Sciences Department, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran

³ Assistant Professor, Department of Biostatistics, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Overweight and obesity are one of the most public health problems in the world. Considering obesity prevalence and its widespread health, economic, psychological and social consequences, this study aimed to explain the consequences of obesity among women and men in the Kurdish region of Mukryan.

Methods: The present qualitative study was conducted in the Mukryan Kurdish region in West Azerbaijan province in Iran from June 2017 to November 2017. Data were collected by deep interview, focus group and dialogue with 111 obese and thin men and women and various fields experts who were selected by purposive sampling, and analyzed by qualitative content analysis technique of conventional type and Graneheim and Lundman steps.

Results: Data analysis results were classified in 2 categories and 12 subcategories: Favorable consequences of normal obesity (Social acceptance, Internalization of obesity, Reproduction of the family institution), Unfavorable consequences of extreme obesity (Decreasing agency, Physical-psychological dysfunctionalities, Family fragility, Prevalence of passive leisure, Clothing obligation, Social Objectivity, Exogenous and endogenous social exclusion, Imposing economic costs, Devaluation of life).

Conclusion: With due attention to unfavorable consequences of extreme obesity on health, illness, social issues and costs, simultaneously with the adoption of preventive approaches to obesity through targeted policies in education, health literacy, promotion of sport culture, development of sports context especially for women, improving recreational facilities, and etc, appropriate planning and interventions should be designed and applied for changing the behavior, culture and community beliefs in dealing with obesity phenomenon.

Keywords: *Obesity, Overweight, Qualitative Research, Mukryan region*



تأثیر نوسانات اقتصادی بر نرخ مرگومیر در کشورهای سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

عبدالرضا موسوی^۱، عزیز رضاپور^۲، مریم سلیمانی موحد^۳، سمیرا علی پور^۴

^۱ مرکز تحقیقات علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: mousaviabdoreza_1371@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۵ کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: نوسانات اقتصادی شامل دوره‌های رونق و رکود، از مهم‌ترین موضوعاتی است که جهت تدوین برنامه‌ها و سیاست کلان اقتصادی بایستی مدنظر قرار گیرد. بر طبق تئوری‌های اقتصادی و مطالعات صورت گرفته شرایط اقتصادی می‌تواند شرایط سلامت جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بهبود شرایط اقتصادی در بلندمدت موجب بهبود وضعیت سلامت می‌شود اما در کوتاه مدت الزاماً این‌گونه نیست. از این‌رو در این مطالعه به بررسی اثر نوسانات اقتصادی بر نرخ مرگومیر زیر یک سال و نرخ مرگومیر زیر پنج سال در بین کشورهای سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در یک دوره زمانی پانزده ساله پرداخته شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش کشورهای سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۰ بوده و اطلاعات مربوط به هر یک از متغیرهای مطالعه از سایت بانک جهانی استخراج شده است. پس از گروه‌بندی کشورها بر اساس شاخص توسعه انسانی به سه گروه، تخمین مدل‌ها با استفاده از رهیافت اقتصادسنجی داده‌های تابلویی و نرم‌افزار EViews نسخه ده صورت گرفت. در کنار نوسانات اقتصادی اثر متغیرهای نرخ بیکاری، درصد مخارج سلامت از درآمد ملی و نرخ شهرنشینی نیز بررسی شد.

یافته‌ها: در گروه اول شامل کشورهای با شاخص توسعه انسانی خیلی بالا؛ نوسانات اقتصادی بر نرخ مرگ و میر زیر یک سال و نرخ مرگومیر زیر پنج سال اثر منفی داشت، اما نرخ بیکاری و مخارج سلامت با نرخ مرگومیر زیر یک سال و نرخ مرگومیر زیر پنج سال رابطه معناداری نداشتند. در گروه دوم، شامل کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا از جمله ایران؛ نوسانات اقتصادی و مخارج سلامت با نرخ مرگومیر زیر یک سال و نرخ مرگومیر زیر پنج سال ارتباط معناداری نداشتند، اما نرخ بیکاری اثر مثبت بر نرخ مرگومیر داشت. در گروه سوم شامل کشورهای با شاخص توسعه انسانی متوسط و پایین؛ نوسانات اقتصادی و نرخ بیکاری اثر معناداری بر نرخ مرگومیر نداشت اما مخارج سلامت اثر منفی بر نرخ مرگومیر داشت. همچنین افزایش شهرنشینی کاهش نرخ مرگومیر را در پی داشت.

نتیجه‌گیری: اثر نوسانات اقتصادی و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی بر نرخ مرگومیر با توجه به شاخص توسعه انسانی متفاوت بود. با توجه به رابطه مستقیم نرخ بیکاری و نرخ مرگومیر در گروه دوم از جمله کشور ایران؛ رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال باعث بهبود شاخص‌های سلامت می‌شود. همچنین مخارج سلامت الزاماً به بهبود شاخص‌های سلامتی منجر نمی‌شود و باید به وجود زیرساخت‌های لازم و نظارت کافی نیز توجه شود.

واژگان کلیدی: نوسانات اقتصادی، نرخ بیکاری، مخارج سلامت، مخارج سلامت، نرخ مرگومیر



ارزیابی عملکرد بیمارستان های تأمین اجتماعی استان مازندران با استفاده از مدل پابن لاسو

گیسو علیزاده^۱، معصومه قلیزاده^۲، آدینه جعفرزاده^۳، محمد فاروق خسروی^۴

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی سیاستگذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۴ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه آموزشی علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: khosravi.mohammad1@yahoo.com

زمینه و هدف: ارزیابی منظم شاخص های عملکردی بیمارستان برای آگاهی میزان مطلوبیت و کیفیت فعالیت های خدمات درمانی ضروری و مهم می باشد. یکی از روش های مهم ارزیابی هم زمان شاخص های عملکردی استفاده از مدل پابن لاسو می باشد. لذا هدف ما در این مطالعه ارزیابی عملکرد بیمارستان های تأمین اجتماعی در استان مازندران می باشد.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع توصیفی بوده و جامعه آماری آن کلیه بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی استان مازندران می باشد. برای ارزیابی عملکرد بیمارستان ها شاخص های اشغال تخت، متوسط طول اقامت و گردش تخت طی دوره ۵ ساله (۱۳۹۲-۱۳۹۶) به تفکیک هر بیمارستان محاسبه و استخراج شد. سپس با توجه به ارتباط میان این شاخص ها، به منظور مقایسه بیمارستانها موقعیت آن ها در نواحی چهارگانه نمودار پابن لاسو مشخص گردید.

یافته ها: نتایج نشان می دهد که بیمارستان های مورد مطالعه از نظر شاخص های عملکردی در وضعیت مناسبی قرار دارند اما با تأثیر هم زمان این شاخص ها در نمودار پابن لاسو مشخص شد که تنها بیمارستان های حکمت و بوعلی نکا در محدوده کارا قرار دارند. نمودار پابن لاسو نشان می دهد که عملکرد بیمارستان های مذکور روند رو به رشدی را داشته و به ناحیه کارا (ناحیه ۳) رسیده اند.

نتیجه گیری: مدل پابن لاسو ابزاری می باشد که می تواند با تحلیل هم زمان شاخص های اشغال تخت، گردش تخت و طول مدت اقامت عملکرد بیمارستان ها را تحلیل کند. مدیران و سیاست گذاران با استفاده از نتایج این مدل می توانند با برنامه ریزی درست از حداکثر ظرفیت تخت های بیمارستانی استفاده بهینه را ببرند و از اتلاف هزینه تخت های مازاد جلوگیری کنند و هزینه های حوزه سلامت صرفه جویی نمود.

واژگان کلیدی: درصد اشغال تخت، میزان چرخش تخت، متوسط اقامت بیمار، نمودار پابن لاسو





The Role of Repetition and Reinforcement (by peer group) in Oral Health Education Program as a Base for Health Belief Model (HBM) among Iranian Primary schools Students –Cluster Randomized Controlled Trial

Azam Goodarzi¹, Alireza Heidarnia², Sedigheh Sadat Tavafian², Mohammad Eslami³

¹ Ph.D. Health Education and Health Promotion, Department of Health Education and Health Promotion, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: a.goodarzy@modares.ac.ir

² Professor, Department of Health Education and Health Promotion, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor of Population Health, Family and Schools Office, Ministry of Health and Medical Education, Tehran, Iran

Background and Aim: Peer group have been shown to play a key role in the sustainability of the effect of Oral Health Education (OHE) programs. The present study aimed to evaluate the repetition and reinforcement by the peer group in an OHE program based on Health Belief Model for primary students.

Methods: The present research was based on a cluster randomized controlled trial study. The population was selected from fifth-grade female students in Tehran in 2017. Accordingly, three schools in district 14 were randomly selected as the sample. The students were randomly divided into two intervention and one control groups. The first group received OHE by School-Nurse (SN) and reinforcement by peer group (SNP). The second group received OHE only by SN without any reinforcement. The intervention groups received four OHE sessions. All of the groups were received the pre- and post- test. Then, they were exposed to post-intervention after 3 and 6 months. The data were collected by using the researcher-made questionnaire based on the two constructs of the HBM. In addition, Plaque Disclosing Tablets (PDTs) were used for determining Dental Plaque (DP). Finally, repeated measure ANOVA for data analysis.

Results: Perceived benefits and self-efficacy in the SNP and SN groups were significantly different after four-OHE session, compared to their baseline ($P \leq 0.01$) and control group. In addition, the difference was constant after six-month follow up ($P < 0.05$). Further, the Oral Health Behavior (OHB) in the three groups were significantly different after six-month follow up ($P \leq 0.01$). OHB increased significantly 6 months after the intervention, compared to the SN and control groups ($p < 0.01$). However, dental plaque (DP) in SNP group reduced significantly by four OHE sessions, compared to the amount in SN and control groups after 3 and 6 months ($P \leq 0.01$). However, DP increased significantly in the control group, compared to the baseline in the intervention ($P < 0.01$).

Conclusion: The Health Ambassador Students (HAS) plays a key role in the success of a theory-based intervention in schools by using repetition and reinforcement strategy.

Keywords: Repeated and reinforced oral health education, Dental health education, Peer group, School- nurse, Dental plaque



اپیدمیولوژی



The Relationship Between Human Development Index and Its Components with Thyroid Cancer Incidence and Mortality: Using the Decomposition Approach

Mokhtar Soheylizad¹, Salman Khazaei²

¹ PhD candidate, Student Research Committee, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. Email: m.soheylizad@yahoo.com

² Assistant professor of Epidemiology, Vice-Chancellor for Research and Technology, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

Background and Aim: The relationship between age specific-rates of thyroid cancer (TC) and human development index (HDI) and also its components can be a new direction for planning by policy makers. This study aimed to identify the relationship between TC incidence and mortality rates by gender, and HDI and its components in different regions of the world.

Methods: An ecological study was conducted; the data was obtained from the GLOBOCAN project in 2012. Inequality in TC estimates (age-specific incidence and mortality rates), according to the HDI and its components was calculated. Concentration index (CI) was used to estimate inequality and CI was decomposed to determine contribution of HDI and its components in inequality.

Results: The concentration index was 0.29 (95% CI: 0.21 - 0.38) and -0.15 (95% CI: -0.23 - 0.06) for incidence and mortality of TC by HDI, respectively. The important contributors in inequality for incidence rates of TC were life expectancy at birth (0.30), mean years of schooling (0.26), and expected years of schooling (0.18). The important contributors in inequality of mortality rates were mean years of schooling (0.19), expected years of schooling (0.17), and urbanization (0.17).

Conclusion: According to the results of this study, global inequalities exist in the TC incidence and mortality rates; incidence rates of TC are more concentrated in countries with high HDI, yet inequality index showed that deaths occurred more in disadvantaged countries.

Keywords: *Human Development Index, Thyroid Cancer, Decomposition*

Association between caffeine intake and cognitive function in adults: data from National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES) 2013–2014

Sohrab Iranpour¹, Hossein Mozafar Saadati², Fatemeh Koochi³

¹ Department of Community Medicine, School of Medicine, Ardabil University of Medical Sciences, Ardabil, Iran

² Department of Clinical Epidemiology, School of Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, I.R. Iran

³ Social Determinants of Health Research Center, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

Background and Aim: There was considerable controversy about the relationship between caffeine consumption and cognitive function. In some studies, there was an interaction between caffeine and sex in relation to cognitive function. Thus, we aimed to evaluate the association between caffeine intake and cognitive function in a large, nationally representative sample of US adults. We also aimed to evaluate whether there is an interactive effect of sex.

Methods: We used data from the 2013–2014 NHANES. To conduct a cross-sectional analysis, our research subjects were older adults aged 60 years or above (N = 1440). The individual's cognitive functions were evaluated using the Consortium to Establish a Registry for Alzheimer's disease (CERAD) Word List Learning Test, the CERAD Word List Recall Test, the Animal Fluency test, and the Digit Symbol Substitution Test (DSST). Higher scores represent better cognitive function for all tests. The collected 24-h dietary recall data in the survey cycle were used to estimate the food intakes in this study. The amount of the consumed caffeine was estimated from all caffeine-containing foods and beverages. Participants were categorized based on the quartiles of caffeine intake. SPSS version 18 was used for analysis. After preliminary analyses, in each dimension of cognitive, we calculated and used median value as cut-off point and assessed the association between each dimension (binary) and caffeine intake using logistic regression analysis in different models. Adjustment was done for potential covariates; age, sex, family PIR, education, marital status, history of disease, sleep disorders, thyroid problems, physical activity, social support, smoking, and some nutrients. $P < 0.05$ was considered statistically significant. In all analyses, we considered sampling design complexity by specifying primary sampling units (PSUs), strata, and weights using the complex samples module in SPSS.

Results: In all dimensions of the cognitive function, just the highest quartile of caffeine intakes was associated with the cognitive function in the crude model. The trend also existed just in the crude model (P trend < 0.05). After adjusting for potential confounders in further models, the association was marginally significant in CERAD Word List Recall Test, but was not significant in other dimensions of cognitive function. In subgroup analyses, a statistically significant interaction was noted between caffeine intake and gender in relation to the CERAD Word List Recall Test ($p=0.02$).

Conclusion: This study found that caffeine intake was positively related to CERAD Word List Recall Test. The relations were stronger among male than female.

Keywords: caffeine, cognitive, impairment, interaction





Investigation Epidemiological Status, Spatial and Temporal Distribution of Human Brucellosis in Kohgiluyeh & Boyerahmad Province during 2011-2017

Sajjad Rahimi Pordanjani¹, Ali Atamaleki², Masoud Amiri³, Hasan Askarpour³, Behnaz Rahimi Pordanjani⁴

¹ Ph.D Student of Epidemiology, Department of Epidemiology, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

² School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Department of Statistics and Epidemiology, School of Public Health, Shahid Sadoughi University of Medical Sciences, Yazd, Iran. Correspondence: asakarpourh@gmail.com

⁴ Bsc in Public Health, School of Public Health, Shahrekord University of Medical Sciences, Shahrekord, Iran

Background and Aim: Brucellosis is one of the most common diseases between humans and livestock, and its occurrence in susceptible areas can be affected by climate variables and geographical location. The purpose of this study was to investigate the epidemiological characteristics and determine the risk factors related to spatial distribution of human brucellosis in Kohgiluyeh and Boyerahmad provinces.

Methods: This is a cross-sectional descriptive-analytic study in which 741 patients with brucellosis were entered in the study for 7 years. ArcGIS v.10.2 software was used to create a spatial distribution map. In this software, Kernel and Hotspot tests were used to determine the main sources of disease in the province. The analysis of this study was performed using SPSS v.24 software using Chi-square, independent t-test and Anova with a significance level of $p=0.05$.

Results: Seasonal pattern of brucellosis was observed in this province with significant increase in spring and summer ($P<0.001$). The highest incidence rate was found in ranchers (40%) and housewives (33.6%) ($P<0.001$). From the total patients, 91.1% had a history of contact with the livestock and 91.4% of them had a history of using non-pasteurized dairy products ($P<0.001$). The Nearest Neighbor data analysis showed that the dispersion of incidence points was not followed normal mode and had clustered dispersion ($P<0.001$). The highest incidence of the disease (20 per 10000 people) was observed in Kohgiluyeh city which was centered in Dehdasht. Based on the results of Kernel analysis, four density centers of the disease with an incidence rate of more than 0.3 per square kilometer were identified in the province. According to the Hotspot analysis, the central focus was identified as the main center of the disease ($P<0.05$).

Conclusion: According to the findings of this study, it can be said that climatic features affect the incidence of brucellosis. Regular and periodic vaccination of livestock is necessary to prevent the incidence of disease and reduce the prevalence in spring and summer in this province.

Keywords: Kohgiluyeh and Boyerahmad, Brucellosis, Incidence, Spatial Distribution, GIS



بررسی دیدگاه های متخصصین در خصوص ابعاد مشارکت مردم در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب: یک مطالعه کیفی

ویدا صادق زاده^۱، کتایون جهانگیری^۲، محمود محمودی مجدآبادی فراهانی^۳، ماه منیر محمدی^۴

^۱دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲دانشیار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. k.jahangiri@sbmu.ac.ir

^۳استاد، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴استادیار، گروه قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: از مهم ترین گونه های ضروری مشارکت آگاهانه و فعال مردم در امر مدیریت، برنامه ریزی و کنترل همه گیری بیماری های غیرواگیر چون بیماری های عروق کرونر قلب می باشد که با توجه به شیوع بالای آن یکی از دغدغه های کنونی جامعه است. لذا این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه های متخصصین در خصوص ابعاد مشارکت مردم در کنترل بیماری های عروق کرونر قلب انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا انجام شده است. ۱۷ مصاحبه با متخصصین، کارشناسان و مدیران در حوزه مشارکت های مردمی در بخش قلب و عروق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان های مردم نهاد و انجمن های خیریه با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف در سال ۱۳۹۶ انجام شد. داده ها با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته گردآوری و سپس با روش تحلیل محتوی تحلیل شدند.

یافته ها: در این پژوهش ۵ تم اصلی از تجارب مشارکت کنندگان به دست آمد که شامل «سیاست گذاری»، «برنامه ریزی»، «سازمان دهی»، «هماهنگی» و «تامین مالی» بودند.

نتیجه گیری: مقابله با همه گیری بیماری های غیرواگیر و عوامل خطر آن ها، نیازمند مداخلات گسترده، موثر و فعال تمامی سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط در درون و برون بخش سلامت است. برنامه های دقیق مبتنی بر جامعه، بخش مهمی از استراتژی حل این معضل جهانی می باشند. بنابراین شناخت عوامل خطر، سیاست گذاری در چگونگی مقابله و در نهایت کاهش روند روز افزون آن ها می تواند تأثیر به سزایی در کاهش بیماری های عروق کرونر قلب داشته باشد.

واژگان کلیدی: ابعاد مشارکت مردم، بیماری های عروق کرونر قلب، دیدگاه های متخصصین، کنترل همه گیری





بهداشت حرفه ای و ایمنی کار







سخنرانی برتر

تأثیر ابعاد ذرات دی اکسید سیلیسیوم غیر کریستالی بر بروز سمیت برون تنی در رده سلولی

A549 ریه انسانی

منصور رضازاده آذری^۱، آتنا رفیعی پور^۲، جلال پور احمد جکتاجی^۳، فریبا خداقلی^۴، یداله محرابی^۵

^۱استاد تمام، بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۲دانشجوی دکتری تخصصی، بهداشت حرفه ای، انجمن علمی دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
rafieepour.a@sbmu.ac.ir

^۳استاد تمام، سم شناسی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۴دانشیار، علوم اعصاب، مرکز تحقیقات علوم اعصاب، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۵استاد تمام، اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: دی اکسید سیلیسیوم غیر کریستالی (SiO_2) از ترکیبات رایج پوسته زمین است که در نتیجه فرایندهای انسانی یا طبیعی، افراد را در معرض مواجهه با خود قرار می دهد. از طرف دیگر نانوذرات SiO_2 به دلیل خصوصیات فیزیکوشیمیایی متفاوت از ابعاد میکرونی خود به عنوان یکی از جذاب ترین نانومواد مورد استفاده در بسیاری از فرایندهای صنعتی، پزشکی و تحقیقاتی است که دقت در ارزیابی دقیق خطر و اثرات سوء آن بر سلامت انسان ضروری می باشد. در مطالعه حاضر به بررسی و مقایسه سمیت ذرات سیلیس در دو بعد میکرونی و نانومتریک در یک مطالعه برون تنی بر روی رده سلولی A549 پرداخته شد.

روش کار: نانوذرات SiO_2 از شرکت US Research Nano Material با درجه خلوص ۹۹/۵٪ خریداری شد و میکروذرات SiO_2 نیز از طریق فرایند آسیاب سنگ اوپال زرد نامیبیا تا ابعاد کمتر از ۱۰ میکرون به دست آمد و طی فرایند اسید شویی تخلیص گردید. سپس رده سلولی A549 ریه انسان پس از کشت در دو بازه زمانی ۲۴ و ۷۲ ساعته با غلظتهای ۱۰، ۵۰، ۱۰۰ و ۲۵۰ از ذرات SiO_2 در دو اندازه میکرونی ($\leq 5 \mu\text{m}$) و نانومتریک ($\leq 100 \text{ nm}$) مواجهه داده شد و تأثیر آنها بر میزان زیست پذیری سلول و پتانسیل غشای میتوکندری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: درجه خلوص نانوذرات SiO_2 پس از تخلیص در حدود ۹۹/۷۵٪ بدست آمد. نانوذرات و میکروذرات SiO_2 در هر دو بازه زمانی ۲۴ و ۷۲ ساعته و در رفتار وابسته به غلظت منجر به کاهش در میزان بقای سلولی و پتانسیل غشای میتوکندری شد ($P > 0.05$). همچنین نتایج نشان داد با افزایش زمان مواجهه با نانوذرات SiO_2 اثرگذاری بر میزان بقای سلولی بیشتر از ابعاد میکرونی آن می باشد. در حالیکه در دو بازه زمانی مورد بررسی کاهش در پتانسیل غشای میتوکندری در مواجهه با ابعاد میکرونی بیشتر از ابعاد نانومتریک آن بود و فاکتور زمان تأثیر منفی بر کاهش پتانسیل غشای میتوکندری نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که کاهش در اندازه ذرات SiO_2 غیر کریستالی منجر به کاهش در قابلیت نفوذ به میتوکندری و در نتیجه افزایش بقای سلولی می شود. وقوع چنین پدیده ای می تواند به دلیل سهولت بیشتر فرایند پاکسازی نانوذرات در مقایسه با میکروذرات توسط لیزوزوم های درون سلولی باشد که نرخ نفوذ به درون میتوکندری و اثر گذاری بر بقای سلولی را کاهش می دهد. از این رو انجام مطالعات بیشتر در خصوص مسیرهای ایجاد سمیت ذرات در ابعاد مختلف به منظور کاربرد ایمن تر آنها در علوم مختلف توصیه می شود.

واژگان کلیدی: نانوذرات، میکروذرات، SiO_2 رده سلولی A549، سمیت، برون تنی



بهبود روش ارزیابی ریسک حریق و انفجار در یک پالایشگاه گازی با استفاده از منطق فازی

وحید احمدی مشیران^۱، آیسا قاسمی کوزه کنان^۲، حمیدرضا جمشیدی سولوکویی^۳، علی کریمی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۴ دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: alikarimi57@gmail.com

زمینه و هدف: برای حفظ ایمنی صنایع فرایندی، روش های مختلف شناسایی و ارزیابی و کنترل خطرات وجود دارد. یکی از این روش ها در ارزیابی ریسک حریق و انفجار، شاخص DOW است که فاکتور خطرات را در رابطه با مواد و فرایند های مختلف استفاده میکند تا خطر حریق و انفجار را مرحله به مرحله ارزیابی و تعیین کند. مطالعه حاضر جهت بهبود روش آنالیز ریسک حریق و انفجار و مدیریت آن ها از روش منطق فازی استفاده کرده است تا میزان عدم قطعیت (خطا در رسیدن به نتیجه صحیح) را کاهش دهد.

روش کار: در مطالعه توصیفی حاضر بعد از بررسی فرایند تفکیک گاز، به منظور مطالعه بیشتر بر روی تجهیزاتی که دارای سطح ریسک بالا بودند، شاخص DOW به کار گرفته شد. سپس برای بهینه سازی رفتار پارامترهای تاثیرگذار بر شاخص DOW از منطق فازی استفاده گردید. تا میزان صحت نتایج بدست آمده افزایش یابد.

یافته ها: مقادیر ریسک حاصل از بهینه سازی منطق فازی برای هر چهار ماده شیمیایی بیشتر از شاخص حریق و انفجار محاسبه شد. در هر دو روش، درجه ریسک متان طبق شاخص حریق و انفجار ۲۶۲/۱ و برای منطق فازی ۲۶۵/۶ بیشتر از سایر گازها بود. در مقابل، کمترین مقدار درجه ریسک مربوط به بوتان بود (شاخص حریق و انفجار ۲۳۱/۳ و بر اساس منطق فازی ۲۴۸/۶ تشخیص داده شد). علی رغم درجه ریسک های متفاوت در هر دو روش (روش های DOW و روش فازی) و همچنین برای هر چهار ماده شیمیایی، سطح ریسک تعیین شده برای همه موارد "خیلی زیاد" به دست آمد.

نتیجه گیری: برای وقوع یک حریق یا انفجار مجموعه ای از عوامل با یکدیگر ادغام می گردند. شاخص های کمی که قبلا ارائه داده شده است، علاوه بر صرف زمان زیاد برای دستیابی به نتایج، به دلیل پیچیدگی محاسباتی اغلب جواب های نهایی آن ها نادرست و به دور از واقعیت است. بنابراین استفاده از منطق فازی روش مناسبی برای کاهش خطا و کاهش زمان محاسبات می باشد و نتایجی که ارائه می دهد به واقعیت نزدیک تر بوده و از حساسیت بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: شاخص حریق و انفجار، F&EI، DOW، منطق فازی، واحد فرایندی، Fuzzy



ارائه یک روش استخراج نوین بر پایه فیبر غشایی توخالی جهت تعیین استیک آنهیدراید در هوا

فرزانه ملابهرامی^۱، عبدالرحمن بهرامی^۲، الناز طاهری^۱، مریم فرهادیان^۳

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
 ۲ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات ایمنی و بهداشت شغلی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. ایمیل: Bahrami@umsha.ac.ir
 ۳ استادیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: استیک آنیدرید مایعی با بوی تند می باشد که می تواند باعث التهاب چشمی، ادم و کدورت قرنیه، التهاب مجاری تنفسی و التهاب پوستی شود. کاربرد اصلی این محصول در تولید مواد ترموپلاستیک سلولزی مانند استات سلولزی می باشد که خود در تولید الباف و فیلترهای سلولزی و انواع کامپوزیت ها کاربرد دارند. همچنین آنیدرید استیک در تولید مواد دارویی مانند آسپرین به عنوان واکنشگر عمل می کند. حد مجاز توصیه شده این ماده توسط NIOSH، ۵ ppm است و در مقادیر کم سبب تاثیر بر سلامت انسان می شود. تاکنون روش های متعددی جهت نمونه برداری از استیک آنهیدراید در هوا پیشنهاد گردیده که هر یک دارای معایبی می باشند. بنابراین این پژوهش با هدف توسعه روش و تعیین شرایط بهینه نمونه برداری از این ماده در هوا با فیبرغشایی توخالی و مقایسه آن با روش ۳۵۰۶ انسیتوی ملی ایمنی و بهداشت شغلی آمریکا انجام گردید.

روش کار: نمونه برداری با استفاده از فیبرغشایی توخالی دارای جاذب ترکیبی هیدروکلراید هیدروکسیل آمین و سدیم هیدروکسید همزمان با روش توصیه شده ای انجمن ایمنی و بهداشت شغلی NIOSH 3506 از اتاقک استاندارد در آزمایشگاه انجام گردید. پس از طی مراحل آماده سازی تجزیه نمونه ها با دستگاه اسپکتروفتومتر صورت گرفت. از متدولوژی سطح پاسخ (RSM) و طراحی کامپوزیت مرکزی (CCD) برای بهینه سازی دبی نمونه برداری استفاده گردید. تاثیر دیگر پارامترهای نمونه برداری مانند حجم گذر شکست، زمان نگه داری و carryover نیز بر روی فیبرغشایی توخالی مطالعه گردید.

یافته ها: یافته ها نشان دادند که تکرارپذیری در یک روز و در بین روزها به ترتیب برابر ۰/۰۷۹-۰/۱۱ و ۰/۰۸۱-۰/۱۴ است. حد تشخیص دستگاهی (LOD) و حد تشخیص کمی (LOQ) به ترتیب برابر با ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۸ نانوگرم بر میلی لیتر می باشد. درصد بازیافت جهت بررسی زمان نگه داری پس از گذشت ۷ روز در دمای ۲ درجه سانتی گراد بالاتر از ۹۷٪ بود.

نتیجه گیری: با توجه به سازگاری نتایج روش توسعه داده شده با NIOSH 3506؛ نمونه برداری با فیبر غشایی توخالی به عنوان روشی ساده با حساسیت بالا جهت نمونه برداری از استیک آنهیدراید پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: استیک آنهیدراید (AA)، فیبر غشایی تو خالی (HF)، اسپکتروفتومتر، هوا، جاذب مایع، متدولوژی سطح پاسخ (RSM)



طراحی و اجرای ساینسر انبساطی – جذبی به منظور کاهش صدای سیستم تهویه مطبوع و آسایش صوتی در یک محیط اداری

زهرا مرادپور^۱، قاسم حسام^۱

^۱ دانشجوی دکتری مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: z.moradpoor69@gmail.com

زمینه و هدف: صدای زمینه ای فرکانس پایین ناشی از سیستم تهویه مطبوع در بسیاری از ساختمانها مثل ساختمانهای اداری وجود دارد که به دلیل حرکت سرعت بالا و تلاطم جریان هوا از داخل کانال می باشد. در اغلب سیستم های تهویه مطبوع جهت میرایی صدا از ساینسر استفاده می شود.

روش کار: صداسنجی و آنالیز فرکانس در ایستگاههای کاری افراد طبق متد استاندارد انجام شد. سپس با توجه به میزان کاهش صدای مورد نیاز، ساینسر انبساطی جذبی با استفاده از جاذب فوم اکوستیک شانه تخم مرغی ساخته و نصب شد. از شاخصهای آسایش صوتی، PNC و SIL جهت بررسی کارایی سیستم کنترلی استفاده گردید.

یافته ها: تراز فشار صوت پیش از کنترل صدا در اتاقها بین ۵۷/۸ تا ۶۱/۱ دسی بل A و فرکانس اصلی صوت ۱۲۵ هرتز بود. ساینسری با ابعاد ۱×۱×۱/۴ متر و ورودی و خروجی ۰/۴۵×۰/۴۵ متر که داخل آن توسط جاذبی با سطح ۸/۹ متر مربع پوشش داده شده است توانست تراز فشار صوت را بین ۱۳ تا ۱۴/۲ دسی بل کاهش دهد. شاخصهای PNC و SIL نیز به ترتیب به میزان متوسط ۱۴/۳۳ و ۱۵/۳۱ دسی بل کاهش یافتند.

نتیجه گیری: نتایج بکارگیری ساینسر انبساطی جذبی با استفاده از جاذب فوم اکوستیک شانه تخم مرغی توانست تراز فشار صوت را به میزان متوسط ۱۳/۶ دسی بل A کاهش دهد و شاخصهای آسایش آکوستیکی PNC و SIL را از مقادیر بالاتر از حدود مجاز به حدود توصیه شده برای دفاتر اداری برساند.

واژگان کلیدی: آلودگی صوتی، ساینسر، سیستم تهویه مطبوع





بهداشت محیط







سخنرانی برتر

کارایی حذف کروم از فاضلاب صنایع آبکاری توسط لجن خشک به عنوان یک جاذب ارزان

قیمت

محسن حقیقی^۱، الهام حیدری^۲، فاطمه کریمی نژاد^۳

^۱ کارشناس ارشد بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.
^۲ کارشناس ارشد بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
^۳ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: Kariminezhadf3@mums.ac.ir

زمینه و هدف: حذف فلزات سنگین از فاضلاب های صنعتی به عنوان یک چالش بزرگ در مطالعات اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در بین فلزات سنگین، کروم به دلیل اکسیداسیون سخت و قابلیت سرطان زایی و ایجاد مخاطرات جدی بر روی اندام های داخلی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کروم یکی از آلاینده های عمده در فاضلاب صنایع آبکاریست که به دلیل ویژگی های آن، سبب هزینه بر شدن تصفیه این فاضلاب ها می گردد. لذا به کارگیری روش های تصفیه تکمیلی ارزان قیمت با کارایی مناسب به عنوان چالش بزرگی مطرح است. بر این اساس، هدف از مطالعه حاضر به کارگیری لجن خشک تولید شده به عنوان یک جاذب ارزان قیمت در حذف کروم از پساب صنایع آبکاری است.

روش کار: مطالعه حاضر در مقیاس آزمایشگاهی انجام شد. پساب از کارگاه های آبکاری در سه نوبت جمع آوری و به آزمایشگاه انتقال داده شد. بعد از سنجش غلظت کروم در پساب، فاضلاب های سنتتیک حاوی کروم در رنج ۱۵۰-۵۰ میلی گرم در لیتر ساخته و مورد آزمایش قرار گرفت. لجن خشک نیز از تصفیه خانه فاضلاب شهری تهیه، خشک، کوبیده و الک (مش ۱۲۰-۵۰) شد. در نهایت تاثیر پارامترهای pH (۴-۱۱)، زمان (۱۰ تا ۱۲۰ دقیقه)، غلظت جاذب (۲-۱۰ گرم در لیتر) مورد بررسی قرار گرفت. اندازه گیری کروم توسط دستگاه جذب اتمی شعله اندازه گیری شد. آنالیز ساختاری لجن نیز توسط SEM و FTIR مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله توسط نرم افزار Excel 2016 و SPSS-16 آنالیز شد.

یافته ها: نتایج مطالعه ی حاضر نشان داد ماکزیمم میزان حذف کروم در pH برابر ۵، زمان تماس ۱۲۰ دقیقه، غلظت ورودی ۵۰ میلی گرم در لیتر و غلظت جاذب برابر ۸ گرم در لیتر ۸۱/۴۶ درصد حاصل شد. میزان حذف با افزایش pH و غلظت ورودی کروم کاهش و با افزایش زمان ماند افزایش یافت. همچنین افزایش دز جاذب تا غلظت ۸ گرم در لیتر سبب افزایش میزان حذف شد و در غلظت ۱۰ گرم در لیتر کاهش مجدد در کارایی سیستم مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه ی حاضر نشان داد استفاده از لجن خشک به عنوان یک جاذب ارزان و در دسترس می تواند به عنوان یک گزینه مناسب در حذف کروم از پساب صنایع آبکاری مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مطالعات تکمیلی جهت بررسی و پیشنهاد روش مناسب دفع لجن تولیدی پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: کروم، صنایع آبکاری، لجن، جاذب

بررسی اثرات بهداشتی ذرات معلق (PM_{2.5}) در هوای شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵ با استفاده

از مدل AirQ+

حشمت اله مرادپور^۱، عباس شاهسونی^۲، حسین حاتمی^۳، محمد مهدی امین^۴

^۱ دانشجوی MPH بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۲ استادیار گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۳ استاد و مدیر گروه MPH، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

^۴ استاد گروه بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

زمینه و هدف: ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون در هوای شهری به عنوان یک عامل خطر عمده مرگ و میر ناشی از بیماری های قلبی، بیماری های مزمن انسداد ریوی، عفونت های حاد دستگاه تنفسی تحتانی در کودکان، سرطان ریه و سگته های مغزی شناخته شده است. هدف از این مطالعه بررسی اثرات بهداشتی PM_{2.5} در سال ۱۳۹۵ در شهر اصفهان با استفاده از مدل AirQ+ است.

روش کار: داده های کیفیت هوای شهر اصفهان از اداره کل محیط زیست استان اخذ گردید پس از اعتبار سنجی بر اساس معیارهای سازمان بهداشت جهانی، ارزیابی اثرات بهداشتی منتسب به PM_{2.5} با استفاده از نرم افزار AirQ+ که توسط سازمان جهانی بهداشت تهیه و پیشنهاد شده است، برآورد گردید.

یافته ها: متوسط کل مرگ و میر و مرگ به دلیل سگته های قلبی، بیماری های مزمن انسدادی ریه، عفونت حاد دستگاه تنفس تحتانی کودکان کمتر از ۵ سال، سرطان ریه و سگته مغزی در سال ۱۳۹۵ در شهر اصفهان به ترتیب ۶۶۲، ۲۵۴، ۲۱، ۸، ۱۱۶ و ۲۵۰ مورد بود. متوسط مرگ و میر به علل فوق به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، به ترتیب ۳۴، ۱۹، ۳، ۱، ۸ و ۱۸ مورد بود.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که اقدامات مدیریتی و سیاست های بهداشت محیطی برای بهبود کیفیت هوا در شهر اصفهان بسیار ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: ذرات معلق، آلودگی هوا، اثرات بهداشتی، شهر اصفهان

مقایسه کارآمدی فناوری های متداول غیرسوز بی خطر ساز پسماند های عفونی بر اساس

روش HTA

رامین زادغفاری^۱، یگانه پرتوی^۲ شهرام عباس زاده^۳

^۱ دکترای تخصصی مهندسی شیمی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
^۲ دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز دانشجوی^۳ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی شیمی گرایش بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
 ایمیل: 3rajemonir@gmail.com

زمینه و هدف: با توجه به مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی زباله های بیمارستانی، مدیریت پسماندهای بیمارستانی در اکثر کشورهای در حال توسعه یک چالش مهم زیست محیطی بوده که باید از روش های سازگار با محیط زیست، اقتصادی و در عین حال با کارایی بالا در امحای این زائدات استفاده کرد. در این مطالعه با استفاده از روش HTA در بین روش های متداول در جامعه ایران شامل؛ روش شیمیایی بی خطر سازی پسماندهای عفونی، روش اتوکلاو، روش هیدروکلاو و روش ماکروویو، که به منظور بی خطر سازی پسماندهای عفونی مورد استفاده قرار می گیرند، مقایسه ای علمی انجام دادیم تا در نهایت کارآمدترین روش را به فعالین و شاغلین این حوزه معرفی نماییم.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و جامعه آماری کلیه بیمارستان ها و مراکز بهداشتی درمانی استان آذربایجان شرقی که دارای سیستم بی خطر سازی پسماند های عفونی هستند در نظر گرفته شده است. تعداد روش های مورد مطالعه ۴ عدد و شامل؛ کمی کلاو، اتوکلاو، هیدروکلاو و ماکروویو می باشد که با در نظر گرفتن روش غیر احتمالی از نوع "در دسترس"، کلیه بیمارستان های استان آذربایجان شرقی جزو نمونه اولیه بوده و برای بررسی روش های چهارگانه مورد بحث در مطالعه حاضر، برای هر روش ۲ نمونه (مجموعاً ۸ نمونه) به روش نمونه گیری تصادفی از نوع طبقه بندی انتخاب شدند. ابزار گرد آوری اطلاعات چک لیست استاندارد HTA بوده و شامل ۳ بعد ایمنی، اثر بخشی، کارایی بوده است.

یافته ها: یافته های مطالعه حاضر نشان می دهد که در ۸ نمونه مورد مطالعه به طور کلی روزانه ۱۶۸۵ کیلوگرم پسماند عفونی تولید شده که برای بیخطر سازی آن از روش های هیدروکلاو، کمی کلاو، اتوکلاو و ماکروویو استفاده می شود. بررسی ها نشان داد که اتوکلاو با ۹۱/۷ درصد ایمن ترین و با ۷۶/۸ درصد اثربخش ترین و با ۸۱/۳ درصد کاراترین و در مجموع با ۸۹/۴ درصد کارآمدترین روش از بین روش های متداول غیرسوز بی خطر ساز پسماندهای عفونی است.

نتیجه گیری: با لحاظ اینکه روش اتوکلاو مثل روش ماکروویو در صورت نیاز به خرد کردن از دستگاه خرد کن خارجی استفاده خواهد نمود، روش اتوکلاو کارآمدترین روش خواهد بود.

واژگان کلیدی: HTA، پسماند های عفونی، بی خطر ساز

ارگونومی و سلامت در بلایا



راهکارهای ارتقای ایمنی تخلیه اضطراری جمعیت از ایستگاه های مترو شهر تهران مبتنی بر

یافته های مطالعه کیفی

فاطمه نوری^۱، داود خراسانی زواره^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۲ دانشیار، گروه سلامت در بلایا و فوریت‌ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: davoud.khorasani@gmail.com

زمینه و هدف: توسعه ساخت و بهره برداری از سامانه حمل و نقل ریلی مترو در شهرهای پرجمعیت کشورهای با درآمد متوسط و بالا جهان همزمان با افزایش جمعیت استفاده کننده از آن، مشکلات ایمنی جمعیت در مواجهه با حوادث و شرایط اضطراری را در ایستگاه های مترو بیش از پیش نموده است. گرچه تخلیه اضطراری ایستگاه به عنوان یکی از وظایف مهم مرتبط با ایمنی مسافران در زمان وقوع شرایط اضطراری مورد توجه دولت ها و سازمان بهره برداری از شبکه مترو می باشد اما خطرات تخلیه جمعیت انبوه از ایستگاه ها نیز انکارناپذیر است. از اینرو، هدف اصلی این مطالعه شناسایی عوامل موثر بر تخلیه ایمن جمعیت از ایستگاه های مترو و ارائه راهکارهایی جهت تخلیه ایمن جمعیت مبتنی بر تجربه مدیران ارشد، مدیران عملیاتی و ذینفعان در مترو تهران می باشد.

روش کار: در این مطالعه با ۱۳ نفر از مدیران ارشد، مدیران میانی، کارکنان عملیاتی مترو، مسافران مترو در شهر تهران و همچنین صاحب نظران ایمنی مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. و برای آنالیز داده های این مطالعه کیفی از رویکرد تحلیل محتوا استفاده شده است.

یافته ها: بر اساس یافته های این مطالعه عوامل موثر در تخلیه اضطراری ایمن جمعیت از متروها در چهار طبقه اصلی شامل مسافران، سازمان، ارتباطات و محیط شناسایی شدند. سپس زیر طبقات اصلی فرهنگ و شیوه تعامل و همکاری مسافران، تصمیم گیری صحیح و بموقع، اطلاع رسانی و موقعیت تخلیه اضطراری به عنوان مهمترین یافته های این مطالعه مورد بحث واقع شده است و راهکارهایی برای ارتقای ایمنی مسافران زمان تخلیه اضطراری ایستگاه مترو ارائه شده است.

نتیجه گیری: چالش های اصلی تخلیه اضطراری ایمن در این مطالعه شامل فرهنگ و شیوه تعامل و همکاری مسافران، تصمیم گیری صحیح و بموقع، اطلاع رسانی و موقعیت تخلیه اضطراری می باشد. با این حال کمبود رویکرد ارتقای ایمنی مسافران در برنامه توسعه شبکه حمل و نقل ریلی مترو تهران نگرانی غالب مدیران و کارکنان عملیاتی می باشد. از اینرو تغییر نگرش سیاست گذارها از تمرکز بر توسعه کمی ارائه خدمات حمل و نقل مسافری به ارتقای ایمنی و سپس کیفیت سفر مسافران به عنوان یک نیاز فوری در راستای بهبود ایمنی مسافران مترو در این مطالعه مطرح می باشد.

واژگان کلیدی: تخلیه اضطراری، ایمنی مسافران، تخلیه اضطراری جمعیت، تخلیه اضطراری مترو



اجرای مداخله با استفاده از یک برنامه ارگونومی مبتنی بر مدیریت استرس شغلی در قسمت مونتاژ یک کارخانه تولید قطعات خودرو

انوشیروان صفری شیرکوهی^۱، شهناز طباطبایی^۲، مهناز صارمی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران
^۲ دانشیار گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران. ایمیل: sh.tabatabaei@sbm.ac.ir
^۳ دانشیار گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

زمینه و هدف: کار مونتاژ خودرو اغلب در یک محیط کاری با مشکلات فیزیکی انجام می شود که می تواند عامل مهم استرس در میان کارگران باشد. هدف از انجام این مطالعه اجرای مداخله با استفاده از یک برنامه جدید تحت عنوان ارگونومی مبتنی بر مدیریت استرس شغلی (Ergo-JSI) می باشد که ترکیبی از مدیریت استرس شغلی با ارگونومی یا بهبود شرایط کار بوده و با یک جهت گیری واحد، تمرکز یکسانی بر هر دو مولفه دارد.

روش کار: این مطالعه از نوع مداخله ای و به صورت میدانی با جامعه آماری ۸۰ نفر از پرسنل شاغل در بخش مونتاژ یک کارخانه تولید قطعات خودرو که بصورت تمام شماری انتخاب شدند، صورت گرفت. برنامه مداخله ارگونومی مبتنی بر استرس شغلی (Ergo-JSI) به مدت ۸ هفته اجرا شد و ابزار گردآوری چک پوینتهای ارگونومی سازمان بین المللی کار (ECP) و چک پوینتهای پیشگیری از استرس در محیط کار/ سازمان بین المللی کار بودند.

یافته ها: مداخله مبتنی بر نتایج حاصل از چک لیستها، تصمیم گیری و مشارکت کارگران بصورت بحث گروهی متمرکز (FGD) و آموزش استرس شغلی بود. در این مداخله موارد بهسازی در زمینه وضعیت ایمنی، بهداشت و شرایط کار شامل نگهداری و حمل مواد (۶ مورد)، ابزارهای دستی (۱ مورد)، ایمنی ماشین آلات (۱ مورد)، طراحی ایستگاه کار (۴ مورد)، روشنایی (۲ مورد)، محوطه و ساختمان (۱ مورد)، تسهیلات رفاهی (۱ مورد)، سازماندهی کار (۳ مورد) و اقدام درباره عوامل ایجاد کننده استرس شامل رهبری و عدالت در کار (۱ مورد)، کنترل شغلی (۲ مورد)، تقاضاهای شغلی (۲ مورد)، حمایت اجتماعی (۴ مورد) و اطلاعات و ارتباطات در محل (۱ مورد) بود.

نتیجه گیری: استفاده از برنامه Ergo-JSI می تواند نتایج مثبتی را در جهت کاهش استرس محیط کار داشته باشد. تلفیقی از بهسازی محیط کار و مدیریت استرس شغلی همراه با تلاش برای پیدا کردن راه حل با استفاده از رویکرد مشارکتی (FGD) مزایایی را ارائه می دهد که باید در مطالعات آینده بررسی شود.

واژگان کلیدی: ارگونومی، مدیریت استرس شغلی، Ergo-JSI



دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



متون پوسترهای

دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی



بهداشت عمومی



ارتقا رفتار حمل کوله‌پشتی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه: کاربردی از آموزش

همسالان

نیلوفر داداشی^۱، صدیقه سادات طوافیان^۲، زینب غلام نیا شیروانی^۳

^۱ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
^۲ استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل: tavafian@modares.ac.ir
^۳ دکترای تخصصی آموزش بهداشت، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC)، دانشگاه علوم پزشکی بابل. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

زمینه و هدف: کوله‌پشتی از رایج‌ترین راه‌های حمل وسایل به مدرسه است که حمل ناصحیح آن می‌تواند منجر به آسیب‌های عضلانی-اسکلتی در دانش‌آموزان گردد. آموزش از طریق همسالان می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای حمل صحیح داشته باشد. هدف، بررسی اثربخشی آموزش همسالان بر حمل کوله‌پشتی در دانش‌آموزان است.

روش کار: این کارآزمایی تصادفی شاهددار (۱۳۹۶-۹۷) بر روی ۹۲ دانش‌آموز دختر دوره اول متوسطه (۴۶ نفر در هر گروه آزمون و کنترل) در بهنمیر شهر استان بابل سر با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای اجرا شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته معتبر آگاهی، نگرش و رفتار در زمینه نحوه حمل کوله‌پشتی بود. برنامه آموزشی در چهار جلسه (۳۰۰ دقیقه) توسط همسالان آموزش دیده با روش سخنرانی برنامه‌ریزی شده، بحث گروهی، نمایش عملی و روانی برگزار گردید. داده‌ها توسط SPSS-21 در قبل و شش ماه پس از مداخله تحلیل شدند.

یافته‌ها: ۹۲ دانش‌آموز با میانگین سنی 13.9 ± 0.71 شرکت کردند. در گروه آزمون، میانگین آگاهی 0.28 ± 0.28 ، نگرش 0.56 ± 0.39 و رفتار 0.36 ± 0.19 قبل از مداخله تفاوت معناداری با این نمرات 0.29 ± 0.25 ، 0.45 ± 0.39 و 0.35 ± 0.19 در کنترل نشان نداد ($P > 0.05$). بعد آموزش این امتیازها با تفاوت معنادار به ترتیب به 0.71 ± 0.27 ، 0.57 ± 0.14 و 0.31 ± 0.21 ارتقا یافت ($P < 0.01$) ولی در گروه کنترل این گونه نبود ($P > 0.05$). میانگین وزن کوله‌پشتی، نسبت وزن کوله‌پشتی به وزن دانش‌آموز و مدت زمان حمل (دقیقه) در گروه آزمون قبل از آموزش به ترتیب به ترتیب 0.57 ± 0.14 ، 0.1 ± 0.1 و 0.81 ± 0.46 بود که شش ماه بعد با تفاوت معناداری به 0.92 ± 0.40 ، 0.2 ± 0.06 و 0.6 ± 0.93 رسید ($P < 0.01$) ولی در گروه کنترل، میانگین قبل 0.65 ± 0.93 ، 0.2 ± 0.1 و 0.33 ± 0.15 و بعد 0.81 ± 0.35 ، 0.2 ± 0.09 و 0.1 ± 0.43 متفاوت نبودند ($P > 0.05$). ۱۵ نفر (۳۲٪) از دانش‌آموزان آزمون کوله‌پشتی را بصورت دوطرفه حمل می‌کردند که شش ماه بعد به ۳۴ نفر (۷۳٪) رسید ($P < 0.01$) اما در کنترل تفاوت معناداری در قبل (۱۴ نفر، ۳۰٪) و پس از مداخله (۱۴ نفر، ۳۰٪) مشاهده نشد ($P > 0.05$).

نتیجه‌گیری: آموزش از طریق همسالان نقش موثری در ارتقا دانش، نگرش، رفتار، نسبت وزن کوله‌پشتی به دانش‌آموز و نحوه حمل و همچنین کاهش وزن و مدت زمان حمل در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه داشت. پیشنهاد می‌شود این یافته‌ها در طراحی مداخلات آموزشی در نمونه‌های بیشتری از این گروه هدف مهم بکار رود تا در صورت تکرار نتایج مشابه بتوان آن را به سازمان‌های مربوطه جهت اجرا ارائه نمود.

واژگان کلیدی: حمل کوله‌پشتی، دانش‌آموز، آموزش همسالان، اختلالات اسکلتی-عضلانی



بررسی ارتباط بین سلامت معنوی با سواد سلامت در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷

زهرة زاده احمد^۱، الهام چارچقیان خراسانی^۲، محبوبه عبدالهی^۳، سیده بلین توکلی ثانی^۴

^۱ گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: echaroghchian@yahoo.com

^۳ گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
^۴ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: سلامت معنوی یکی از ابعاد چهارگانه سلامت می باشد و سواد سلامت توانایی فرد در به دست آوردن، تحلیل کردن، و فهمیدن اطلاعات و خدمات اولیه بهداشتی است که به آن نیاز دارد تا بتواند در مورد مسائل مربوط به سلامتی خود مشارکت داشته و تصمیم های درستی را اتخاذ کند. این مطالعه به بررسی رابطه بین سلامت معنوی و سواد سلامت در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ پرداخته است.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی-تحلیلی) می باشد که بر روی ۲۶۹ نفر از زنان مراجعه کننده به مراکز جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. روش نمونه گیری بصورت نمونه گیری چند مرحله ای بوده است و از دو پرسشنامه سلامت معنوی پالوتزیان والیسون و سواد سلامت هلیا استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS18 با آزمون های آماری کای دو، تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون انجام گردیده است.

یافته ها: میانگین سنی زنان مورد مطالعه $28/96 \pm 5/82$ سال بود و میانگین نمره سلامت معنوی $88/13 \pm 72/34$ و سواد سلامت $42/5 \pm 92/85$ می باشد. در ۵۵٪ افراد، سواد سلامت در سطح مرزی و در ۸۲٪ سلامت معنوی در سطح متوسط قرار داشت. در این مطالعه بین سواد سلامت و سلامت معنوی رابطه معنی داری مشاهده نشد ($r = 0/08$, $P \text{ value} = 0/20$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که ارتباطی بین سلامت معنوی و سواد سلامت وجود ندارد اما سواد سلامت افراد مورد مطالعه و سلامت معنوی آنها در حد مطلوب نمی باشد. لذا باید در جهت ارتقا این موارد برنامه ریزی نمود.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، سواد سلامت، زنان



عوامل مرتبط با سواد سلامت زنان در ایران: مرور سیستماتیک و متاآنالیز

نوشین پیمان^۱، الهام چارقچیان خراسانی^۲، سیده بلین توکلی ثانی^۳، آرزو اروچی^۴

^۱ استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: echaroghchian@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۴ دانشجوی دکتری تخصصی آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: سواد سلامت بعنوان یک معضل عمده در حوزه سلامت در حال ظهور است و زنان به عنوان اولین جمعیت برای تأکید بر افزایش سواد سلامت شناسایی شده اند زیرا سواد سلامت آنها تأثیر مستقیم بر سلامت آنها و خانواده شان دارد، لذا این مطالعه با هدف بررسی عوامل مرتبط با سواد سلامت زنان در ایران بصورت مرور سیستماتیک و متاآنالیز انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مروری بدون محدودیت زمانی تا مرداد ۱۳۹۷ بر اساس پروتکل مقالات مروری سیستماتیک و متاآنالیز (PRISMA) انجام شد. اطلاعات مورد نیاز در در پایگاه های اطلاعاتی ISI, Scopus, PubMed, Google scholar, SID, Magiran, Iranmedex با استفاده از واژگان کلیدی literacy, numeracy, health literacy و Iran و سواد، سواد سلامت، سواد بهداشتی، ایران توسط دو نفر از پژوهشگران به صورت مستقل جستجو شده است. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار CMA2 انجام شد.

یافته ها: در جستجوی اولیه ۶۲۲ مقاله یافت شدند که بعد از لحاظ کردن شرایط ورود به مطالعه، در نهایت ۸ مقاله وارد مطالعه شدند که ۳ مقاله ارتباط بین سواد سلامت با خودکارآمدی و ۵ مقاله ارتباط بین سواد سلامت با رفتارهای خود مراقبتی را مورد بررسی قرار داده بود. نتایج ارتباط مثبت و معنی داری بین سواد سلامت در زنان با رفتارهای خود مراقبتی (۰/۱۷-۰/۶۰): $r=0/36, 95\% CI: 0/28-0/65$ و خودکارآمدی (۰/۴۷، ۹۵٪ CI: ۰/۲۸-۰/۶۵) را نشان داد.

نتیجه گیری: بین سواد سلامت با رفتارهای خودمراقبتی و خودکارآمدی ارتباط معنی دار اما ضعیفی وجود دارد. لذا باید در برنامه هایی که در جهت افزایش سواد سلامت زنان انجام می گیرد به ارتقا خودکارآمدی و رفتارهای خودمراقبتی توجه نمود.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، زنان، ایران



عوامل مرتبط با سلامت معنوی در ایران: مرور سیستماتیک

مهری السادات مهدیزاده^{۱،۴}، الهام چارقچیان خراسانی^{۲،۴}، کبرا عابدیان کاسگری^{۳،۴}

^۱استادیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۲دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
 ایمیل: echaroghchian@yahoo.com
^۳دانشجوی دکترای تخصصی آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۴مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

زمینه و هدف: سلامت معنوی آخرین بعدی است که به تعریف سلامت اضافه شده است و بر ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی سلامت تأثیر گذار است. این مطالعه با هدف بررسی عوامل مرتبط با سلامت معنوی در ایران انجام شده است.

روش کار: دستورالعمل پریسما برای این مطالعه استفاده شد و مقالات پژوهشی بررسی شده به زبان فارسی و انگلیسی با جستجو کلمات کلیدی سلامت معنوی، معنویت و ایران spiritual health , Spirituality, Spiritual well-being و Iran در پایگاه داده ای معتبر google scholar تا پایان ۱۹ فوریه ۲۰۱۹ یا بهمن ۱۳۹۷ انجام شده است.

یافته ها: در جستجوی اولیه ۴۶۶۰ مقاله یافت شدند که پس از حذف موارد تکراری و لحاظ کردن شرایط ورود به مطالعه در نهایت ۶۳ مقاله وارد مطالعه شدند. نتایج نشان داد ارتباط مستقیم و معنی داری بین سلامت معنوی با شادکامی، رضایت شغلی، کیفیت زندگی، تناوب دعا کردن، میانگین معدل تحصیلی، امید، امید به زندگی، سلامت روان، جهت گیری مذهبی، هوش معنوی، نگرش معنویت، مراقبت معنوی، سازگاری عاطفی، دعا، انسجام خانواده، خودکارآمدی، رضایت زندگی، سلامت عمومی، اعتقادات مذهبی، معنای زندگی، نگرش مذهبی، خویشترداری، تاب آوری، رضایت زناشویی، رفتارهای مدنی، اشتیاق تحصیلی، خوش بینی، درجه مذهبی بودن، مهارت اجتماعی، نگرش نسبت به حجاب، بهزیستی ذهنی، درگیری شغلی اعضای هیئت علمی، منبع کنترل درونی و راهبرد مسأله مدار و خودکارآمدی تحصیلی وجود دارد و ارتباط معکوس و معنی داری بین سلامت معنوی با افسردگی، اضطراب اجتماعی، بار مراقبتی در مراقبان خانوادگی بیماران مبتلا به سرطان، اضطراب مرگ، استرس درک شده، شدت درد، اضطراب، احساس تنهایی، خود ارضایی جنسی، اعتیاد به اینترنت، باورهای غیرمنطقی، استرس شغلی، میزان بروز افکار خودکشی، استرس، اضطراب امتحان، احساس ناامیدی، تکانشگری، تنش، سکون زدگی و منبع کنترل بیرونی وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت عوامل مرتبط با سلامت معنوی که در این مرور نظامند لیست گردید، باید در جهت ارتقا سلامت معنوی افراد جامعه ایرانی تدابیری اندیشید.

واژگان کلیدی: سلامت، سلامت معنوی، ایران



تأثیر موسیقی درمانی بر درمان کودکان طیف اتیسم: مطالعه مروری

لیدا حسن زاده^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی گفتار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: L.hasanzadeh1374@gmail.com

زمینه و هدف: براساس پژوهش های حاصله اتیسم یا در خود ماندگی از جمله اختلالات روانپزشکی است که مشکلات عمده این افراد در سنین بعد از سه سالگی دیده می شود و علائمی از جمله تکرار حرکات، عدم برقراری ارتباط اجتماعی، ناتوانی در بکارگیری مهارت های گفتاری می باشد. این مطالعه با مروری هدفمند بر آخرین مقالات منتشر شده در این زمینه به بررسی تأثیر موسیقی بر درمان علائم کودکان طیف اتیسم می پردازد.

روش کار: از واژگان کلیدی "موسیقی درمانی"، "درمان"، "کودک"، "طیف اتیسم" برای جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google scholar، SID در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. ۴۸ مقاله حاصل جستجو بود که بعد از مطالعه عنوان و خلاصه، از ۱۷ مورد از مرتبط ترین آنها برای نگارش این مقاله استفاده شده است.

یافته ها: کودک اتیستیک در زمینه ارتباطات اجتماعی و مهارت های گفتاری تاخیر قابل توجهی نسبت به همسن و سالان طبیعی خود دارد. این کودکان از تکرار آهنگ های موسیقی لذت میبرند. موسیقی ساختارهای لیمبیک مغز را تحت تأثیر خود قرار می دهد و پاسخ های کودکان را تحریک نماید و مهارت های ارتباطی آنها را بهبود میبخشد. مهارت های موسیقی بر عملکرد نیمکره راست مغزی تأثیر می گذارد که باعث افزایش مهارت های زبانی در کودکان اتیستیک می شود.

نتیجه گیری: هدف موسیقی درمانی افزایش مهارت های ارتباطی و زبانی و کاهش علائم اتیسم می باشد که با ابزارهای موسیقی می توان به این کودک کمک کرد.

واژگان کلیدی: موسیقی درمانی، درمان، کودک، طیف اتیسم



بررسی اختلال پارکینسون و ارائه راهکار درمانی در سالمندی: مطالعه مروری

لیدا حسن زاده^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی گفتاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: L.hasanzadeh1374@gmail.com

زمینه و هدف: این بیماری بر اثر از بین رفتن سلول های ترشح کننده ماده ای به نام دوپامین (که یک انتقال دهنده عصبی) است رخ می دهد. افزایش نسبت استیل کولین به دوپامین در عقده های قاعده ای مغز موجب علائم ترمور، سفتی عضلات و کندی حرکات می شود. این علائم مخصوصاً وقتی که در یک سمت بیشتر از سمت دیگر پدیدار شود، تشخیص پارکینسون داده می شود مگر اینکه علائم دیگری همزمان وجود داشته باشد که بیماری دیگری را نمایان می شود. این مطالعه با مروری هدفمند بر آخرین مقالات منتشر شده در این زمینه به بررسی اختلال پارکینسون و ارائه راهکارهای درمانی در دوران سالمندی می پردازد.

روش کار: از واژگان کلیدی "بررسی"، "اختلال"، "پارکینسون"، "درمان"، "سالمندی" برای جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google scholar، SID در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. ۲۸۶ مقاله حاصل جستجو بود که بعد از مطالعه عنوان و خلاصه، از ۲۲ مورد از مرتبط ترین آنها برای نگارش این مقاله استفاده شده است.

یافته ها: این بیماری اغلب در سنین ۵۰ تا ۷۰ سالگی ایجاد می شود و میزان شیوع آن در مردان بیشتر از زنان است. طبق مطالعات انجام شده می توان از طریق مصرف میوه و درمان های خانگی و ورزش از بروز پارکینسون جلوگیری نمود هرچند این اختلال درمان قطعی ندارد اما می توان با دارودرمانی، جراحی، تحریک مغز از بروز آن جلوگیری کرد.

نتیجه گیری: بیماری پارکینسون یک اختلال عصبی تدریجی است که در اثر کاهش سلول های مغزی تولیدکننده دوپامین به وجود می آید. نبود این سلول ها منجر به از دست دادن کنترل ماهیچه های صاف و لرزش های غیرقابل کنترل می شود.

واژگان کلیدی: بررسی، اختلال، پارکینسون، درمان، سالمندی



بررسی بروز انواع آفازی در سالمندان: مطالعه مروری

لیدا حسن زاده^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی گفتاردرمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ایمیل:

L.hasanzadeh1374@gmail.com

زمینه و هدف: آفازی یک اختلال ناشی از ضایعه اکتسابی مغز است که با آسیب مدالیته های زبانی شامل صحبت کردن، شنیدن، خواندن، نوشتن است که ناشی از نقص حرکتی، حسی، هوشی یا اختلال روانی نباشد که باید حتما زبان را تحت تاثیر قرار دهد. عوامل اصلی این اختلال ممکن است نورولوژیکی یا ضایعه اکتسابی باشد. این مطالعه با مروری هدفمند بر آخرین مقالات منتشر شده در این زمینه به بررسی انواع آفازی در افراد سالمند می پردازد.

روش کار: از واژگان کلیدی "بروز"، "آفازی"، "سالمند" برای جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google Scholar، SID در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. ۶۶ مقاله حاصل جستجو بود که بعد از مطالعه عنوان و خلاصه، از ۱۳ مورد از مرتبط ترین آنها برای نگارش این مقاله استفاده شده است.

یافته ها: در افراد سالمند، این نوع آسیب مغزی که ممکن است بر اثر سکته مغزی رخ دهد و علائمی از جمله کاهش انعطاف پذیری پاسخ، مداومت در تکرار، پاسخ های تاخیردار، اختلال در آگاهی از خود، ناتوانی در پیش بینی خطاها و اختلال در پردازش زبانی باشد. براساس محل ضایعه ما انواع آفازی های بروکا، ورنیکه، انتقالی، transcortical motor، transcortical sensory، global naming را مشاهده می کنیم که هر کدام براساس مدالیته های آسیب دیده مخصوص خود باید درمان شوند.

نتیجه گیری: هدف از درمان آفازی توانا ساختن بیمار برای برقراری ارتباط حداکثری در حضور اختلالات باقی مانده ارتباطی است.

واژگان کلیدی: بروز، آفازی، سالمند



بررسی شناسایی تعداد بیماران آلوده به ویروس هپاتیت B و تعیین عوامل تأثیر گذار بیماری در شهرستان اسدآباد از سال ۹۳ تا ۹۶

مریم سنگین آبادی^۱، زهرا سنگین آبادی^۱، لیلا نجفی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسدآباد، همدان، ایران. ایمیل: maryamsanginabadi1374@gmail.com
^۲ استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان و مدیر آموزش و تحقیقات دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسدآباد، همدان، ایران

زمینه و هدف: عفونت مزمن هپاتیت B یکی از عمده ترین مشکلات بهداشتی در جهان است. ایران از نظر آندمیسیته عفونت مزمن هپاتیت B جزء کشورهای مزواندیمیک (۲٪ تا ۷٪) محسوب می شود هدف این مطالعه بررسی میزان شیوع عفونت مزمن هپاتیت B و شناسایی عوامل مؤثر در مبتلا شدن به این ویروس در شهرستان اسدآباد بوده است.

روش کار: این پژوهش، مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی می باشد. تعداد بیماران شناسایی شده شامل ۴۶ مرد و ۲۳ زن مبتلا به ویروس هپاتیت B و با توجه به الگوی تزریقی انتقال هپاتیت C، ۳۴ مرد و ۱ زن از مردم شهرستان اسدآباد می باشند که جمع آوری داده ها از طریق مراجعه به معاونت بهداشتی شهرستان و مصاحبه با کارکنان واحد مربوطه انجام گرفت. اطلاعات حاصل با کمک نرم افزار Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۷۴/۱۹ درصد مردان و ۳۷/۰۹ درصد از زنان مبتلا به ویروس هپاتیت B و ۹۷/۱۴ درصد از مردان و ۲/۸۵ درصد زنان مبتلا به ویروس هپاتیت C هستند. که این نتایج حاکی از شیوع هپاتیت در میان مردان نسبت به زنان است.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر سابقه مداخلات دندانپزشکی و خون و فرآورده های خونی و مادر به کودک را بعنوان عوامل خطر ساز هپاتیت B&C گزارش می کند. براین اساس مراکز دندانپزشکی و آندوسکوپی نیازمند آموزش بیشتر در زمینه روش های کاهش انتقال این بیماری می باشند.

واژگان کلیدی: هپاتیت، بیماران آلوده، عوامل تأثیر گذار



بررسی سطح استرس و تأثیر آن بر عملکرد کارکنان مراکز جامع خدمات سلامت شهرستان

تویسرکان

دکتر لیلا نجفی^۱، زینب خالدیان^۲، دکتر عباس مزینانی^۳، دکتر فرید یوسفی^۴، دکتر منصور حیدری^۵، دکتر

محمد جواد محمدی^۶، مریم سنگین آبادی^۷

^۱ استادیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران، مدیر آموزش و تحقیقات دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسدآباد، همدان، ایران. ایمیل: lnajafikia@gmail.com

^۲ عضو هیأت علمی گروه مامایی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

^۳ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران

^۴ استادیار مرکز تحقیقات بیماریهای عفونی و گرمسیری، انستیتوی تحقیقات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران، رییس دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسدآباد، همدان، ایران

^۵ دانشیار دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

^۶ استادیار گروه بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اهواز، اهواز، ایران

^۷ دانشجوی رشته بهداشت عمومی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اسدآباد

زمینه و هدف: استرس شغلی مسأله مهمی بوده، که نقش زیادی در سلامت جسمی و روانی دارد و نیاز به مدیریت استرس دارد. اگر استرس به درستی مدیریت شود باعث افزایش انرژی، انگیزه، بهره وری و رشد می گردد، در حالی که استرس کنترل نشده، مانع عملکرد و پیشرفت افراد می شود.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی، توصیفی - تحلیلی و کاربردی می باشد. به منظور انجام این پژوهش، کلیه کارکنان مراکز خدمات جامع شهری و روستایی به تعداد ۱۲۰ نفر به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه می باشد. همچنین از آزمونهای آماری مرتبط نیز نظیر آزمون t، آزمون علامت، کولموگوروف - اسمیرنوف استفاده شد. به منظور سنجش میزان استرس در کارکنان مراکز خدمات جامع شهری و روستایی شهرستان تویسرکان از پرسشنامه چهارگزینه ای و جهت سنجش عملکرد از چک لیست و نمرات پایش فصلی کارکنان استفاده شد.

یافته ها: اکثر افراد از میزان استرس پایینی برخوردار بودند. بین میانگین متغیر میزان استرس افراد با عملکرد های متفاوت اختلاف معناداری وجود دارد. به عبارتی بین عملکرد افراد و میزان استرس آنان رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های این پژوهش و تجزیه و تحلیل آنها می توان چنین عنوان نمود که از دیدگاه اکثریت جامعه مورد پژوهش، استرس عامل مهمی در کاهش عملکرد آنها می باشد و به همین دلیل لازم است که هم مدیران و هم کارکنان برای آن اهمیت ویژه ای قائل شوند و راه کارهایی را به منظور کاهش استرس در محیط کار و زندگی به کار گیرند.

واژگان کلیدی: استرس، استرس شغلی، عملکرد، کارکنان، مرکز بهداشتی و درمانی



ارتباط سلامت معنوی و اضطراب در سالمندان بستری شده در بخش مراقبت های ویژه

بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷

محمد رسولی بدرانی^۱، علی حاتمی^۱، محمد مهناءزاده^۱، محمد نیکزادیان^۲، محمد رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، خوزستان، ایران. ایمیل: nikzadian_m@ajums.ac.com
^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: استرس و دل نگرانی های معنوی یکی از شایعترین مشکلات مددجویان بستری در بخش های مراقبت ویژه می باشد. این چالش در سالمندان به دلیل اختلال در فرایند سازگاری آنان بیشتر احساس می شود. تحقیقات اخیر نشان داده سلامت معنوی با وضعیت جسمانی و روانی افراد مرتبط می باشد؛ اما ارتباط سلامت معنوی با اضطراب شخصیتی و موقعیتی هنوز مبهم است. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سلامت معنوی و اضطراب در سالمندان بستری شده در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه تحلیلی - مقطعی در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ بر روی ۷۴ بیمار قلبی سالمند بستری در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر انجام شد که روش نمونه گیری افراد در دسترس بود. معیار ورود به پژوهش تمایل آگاهانه برای شرکت در پژوهش و معیار خروج نیز تکمیل ناقص پرسشنامه ها تعیین گردید. اطلاعات با استفاده از فرم اطلاعات دموگرافیک، پرسش نامه سلامت معنوی الیسون و پالوتزین و اضطراب اسپیلبرگر از مددجویان بدست آمدند. داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، تی مستقل و آنووا در نرم افزار SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: اغلب مددجویان (۶۸٪/۹۱) در رده سنی ۶۰ تا ۷۰، مونث (۶۰٪/۸۱)، متأهل (۷۱٪/۶۲) و بی سواد (۵۶٪/۷۵) بودند. میانگین نمره سلامت معنوی ۹۳/۸۵ و اضطراب شخصیتی $8/33 \pm 42/61$ در محدوده متوسط و میانگین نمره اضطراب موقعیتی $27/96 \pm 59/82$ و در محدوده بالا بود. نتایج بدست آمده حاکی از ارتباط منفی معنی داری، بین سلامت معنوی وجودی و مذهبی با اضطراب موقعیتی و شخصیتی بود ($P < 0/05$) و نیز بیشترین ارتباط همبستگی بین سلامت معنوی و اضطراب شخصیتی وجود داشت ($P = 0/003$).

نتیجه گیری: باتوجه به اهمیت ارتباط مستقیم، بین سلامت معنوی و اضطراب، پرستاران می توانند با شناسایی و رفع نیازهای معنوی مددجویان نقش موثری در کاهش اضطراب سالمند داشته باشند.

واژگان کلیدی: اضطراب، سلامت معنوی، سالمندان، بخش مراقبت های ویژه



بررسی وضعیت خودمراقبتی و تفاوت های جنسیتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری

در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷

محمد رسولی بدرانی^۱، علی حاتمی^۱، محمد مهناءزاده^۱، محمد نیکزادیان^۲، محمد رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian_m@ajums.ac.ir
^۳ کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: جنسیت عاملی غیرقابل تعدیل در انجام رفتارهای خودمراقبتی می باشد. با وجود این نظریه که زنان در خودمراقبتی از مردان بهتر هستند، شواهد بسیار اندکی برای به چالش کشیدن این دیدگاه موجود است. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت خودمراقبتی و تفاوت های جنسیتی در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه تحلیلی- مقطعی بر روی ۱۴۷ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی بستری شده در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر صورت گرفت به روش نمونه گیری سرشماری انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه خودمراقبتی نارسایی قلبی (SCHFI)، پرسشنامه سنجش افسردگی اختصاصی بیماران قلبی (CDS) و سنجش وضعیت عملکرد شناختی (MMSE) جمع آوری سپس داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی نظیر کای اسکوئر، من ویتنی، کروسکال والیس، تی تست و رگرسیون لجستیک و توسط نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین امتیاز خودمراقبتی در مردان $43/89 \pm 13/19$ و در زنان $35/61 \pm 10/76$ از نمره بود. در مدل رگرسیونی جنسیت در تمام زمینه های خودمراقبتی به عنوان پیش بینی کننده مهم خودمراقبتی مطرح نشد، تنها در زمینه اعتماد به نفس رابطه معنی داری نشان داد که متذکر این بود زنان نسبت به مردان از نظر وضعیت اعتماد به خود در حیطه خودمراقبتی از شانس کمتری برخوردار می باشند.

نتیجه گیری: نظر به اینکه در تمامی زمینه ها، زنان وضعیت خودمراقبتی بدتری داشتند، لذا پیشنهاد می گردد که در شناسایی این نوع بیماران در معرض خطر خود مراقبتی ضعیف و طراحی برنامه های درمانی و مراقبتی آنان، با توجه به اهمیت آسیب پذیری و تاثیر روحی- روانی بیشتر بیماری بر بانوان، جنس را به عنوان یک عامل پیش بینی کننده قلمداد کرد.

واژگان کلیدی: جنسیت، خودمراقبتی، نارسایی قلبی



بررسی ارتباط سطح سواد بهداشتی و خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه

کننده به بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷

محمد رسولی بدرانی^۱، علی حاتمی^۱، محمد مهناءزاده^۱، محمد نیکزادیان^۲، محمد رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian_m@ajums.ac.ir
^۳ کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: سواد بهداشتی به معنای توانایی شخص در کسب، پردازش و فهم اطلاعات پایه و خدمات بهداشتی مورد نیاز جهت تصمیم گیری صحیح بهداشتی می باشد. بالا بودن سطح سواد بهداشتی در کیفیت مراقبت و درمان بیماری های مزمن نظیر دیابت تاثیر بسزایی دارد. زیرا این بیماران نیاز به خودمراقبتی در طول عمر خود دارند. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط سطح سواد بهداشتی و خود مراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع ۲ مراجعه کننده به بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۶۴ بیمار مبتلا به دیابت نوع ۲ انجام گرفت که با استفاده از روش در دسترس طی سه ماه انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های سواد بهداشتی بزرگسالان ایرانی (HELIA) و خلاصه فعالیت های خودمراقبتی بیماران مبتلا به دیابت (SDSCA) استفاده گردید. داده ها با استفاده از آزمون های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمون های استنباطی همچون ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۶۲/۰۳٪ بیماران از سطح سواد بهداشت پایینی برخوردارند. سطح خودمراقبتی در بیماران شرکت کننده در مطالعه در وضع نیمه مطلوبی (۹/۵۳ ± ۳۰/۱۶) قرار داشت. همچنین سواد بهداشتی با خودمراقبتی در دو زمینه، شامل رژیم غذایی و فعالیت بدنی، دارای ارتباط آماری معنی داری نبود (p > ۰/۰۵).

نتیجه گیری: بیماران مبتلا به دیابت برای کنترل موفقیت آمیز بیماری خود، مستلزم آگاهی، نگرش و عملکرد مطلوبی جهت بکارگیری خودمراقبتی هستند. لذا پیشنهاد می شود در برنامه های راهبردی آموزش بهداشت از طرف دولت، به مقوله سواد بهداشتی توجه ویژه ای شود.

واژگان کلیدی: سواد بهداشتی، خودمراقبتی، دیابت



بررسی میزان آگاهی از بهداشت فردی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع دبستان شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷

محمد رسولی بدرانی^۱، علی حاتمی^۱، محمد مهناءزاده^۱، محمد نیکزادیان^۲، محمد رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian_m@ajums.ac.com
^۳ کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: بهداشت فردی بیانگر تمامی فعالیت ها و اقداماتی است که دانش آموزان برای حفظ و تامین سلامت خود انجام می دهند. و یکی از موثرترین راه های ترویج آن در سطح خانواده، آموزش رفتار های بهداشتی در سطح مدارس می باشد. این پژوهش به منظور تعیین بهداشت فردی و عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع دبستان شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه توصیفی - مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۶۸ نفر از دانش آموز مقطع ابتدایی، باکسب رضایت کتبی آگاهانه و به روش نمونه گیری سرشماری صورت گرفت. اطلاعات با استفاده از فرم دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد موجود در سایت مادسیج، گردآوری شدند و با استفاده از روش های آمار توصیفی و آزمون های استنباطی نظیر t مستقل، ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در این پژوهش دانش آموزان با میانگین سنی $11/43 \pm 1/76$ وارد مطالعه شدند. ۵۰/۵۹ درصد پایه پنجم، ۳۷/۵ درصد پایه ششم و بقیه پایه چهارم می باشند. ۷۶/۷۸٪ دارای معدل خیلی خوب، و ۵۵/۳۵٪ اطلاعات خود در این زمینه را از خانواده کسب کرده بودند. میانگین نمره آگاهی در رابطه با بهداشت فردی این افراد $4/88 \pm 18/00$ بوده که بیانگر آگاهی متوسط در این خصوص می باشد. بین میانگین آگاهی و جنسیت، پایه و معدل تحصیلی، شغل پدر، تعداد فرزندان و روش کسب اطلاعات ارتباط آماری معنی داری وجود نداشت ($P > 0/05$). همچنین بین سن و میزان آگاهی در زمینه احیا همبستگی منفی و غیرمعنی دار آماری مشاهده شد ($p = 0/09$) ($r = -0/14$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد میزان آگاهی اکثریت دانش آموزان مورد مطالعه از بهداشت فردی متوسط بود. با توجه به شایع شدن چالش های بهداشتی در سنین ابتدایی و نتایج این پژوهش، برنامه ریزی و یاد دهی با بکارگیری از روش های نوین همچون آموزش از طریق فضای مجازی، کلاس های آموزشی چندرسانه ای و تقویت سطح دانش خانواده ها و آموزگاران ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: بهداشت فردی، آگاهی، دانش آموزان، مدارس



بررسی ارتباط کیفیت زندگی و شیوع بیماری های مزمن در سالمندان شهرستان شوشتر در

سال ۱۳۹۷

محمد رسولی بدرانی^۱، علی حاتمی^۱، محمد مهنازاده^۱، محمد نیکزادیان^۲، محمد رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian_m@ajums.ac.ir
^۳ کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: آخرین مرحله از تکامل انسان، سالمندی می باشد که در این مرحله باید به انتظارات و نیاز های سالمندان برای ارتقاء سطح سلامت و بالا بردن کیفیت زندگی آنان اهمیت داده شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط کیفیت زندگی و شیوع بیماری های مزمن در سالمندان شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است.

روش کار: این مطالعه توصیفی- مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۸۶ نفر از سالمندان شهرستان شوشتر که از نظر ذهنی هوشیار و قادر به تصمیم عاقلانه بودند انجام شد که روش نمونه گیری از نوع خوشه ای بود. معیار ورود به پژوهش تمایل آگاهانه برای شرکت در پژوهش و معیار خروج نیز تکمیل ناقص پرسشنامه ها تعیین گردید. اطلاعات با استفاده از فرم اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه ی کیفیت زندگی SF-36 بدست آمدند. اطلاعات مربوط به مددجویان و نوع بیماری با استفاده از پرونده بیماران گردآوری شد. داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی، آزمون تی تست و ANOVA در نرم افزار آماری SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: یافته ها حاکی از این بود که میانگین کل کیفیت زندگی در نمونه های مورد بررسی $58/63 \pm 21/45$ بود و با متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و وضعیت سلامت فعلی ارتباط معنی دار آماری داشت ($p < 0/05$) و نیز یافته ها نشان داد که ۸۷٪ از مددجویان حداقل از یک بیماری مزمن رنج می بردند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که کیفیت زندگی سالمندان را تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد و اکثر آن ها حداقل به یک بیماری مزمن مبتلا هستند. بنابراین لازم است در برنامه ریزی هایی که جهت بالابردن شرکت در اجتماع، بهبود خدمات رسانی بهداشتی در سالمندان انجام می پذیرد، اهتمام ویژه ای به این عوامل داده شود.

واژگان کلیدی: سالمندان، کیفیت زندگی، بیماری های مزمن



بررسی شیوع سل در مشاغل مختلف در معاینات دوره ای (طب کار) در رباط کریم

یاشار نظری^۱

^۱ کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی ایران، شبکه بهداشت رباط کریم، تهران، ایران. ایمیل: yashi_senfi@yahoo.com

زمینه و هدف: اشتغال در برخی از مشاغل به عنوان یک ریسک فاکتور برای بیماری سل محسوب می شود. ایران از مناطق آلوده به سل محسوب می شود که از علل شیوع آن در قشر کارگر و مشاغل مختلف می توان به فقر مالی، فقر بهداشتی، کمبود امکانات، ورود مهاجران افغانی و احداث کارخانه ها اشاره کرد. این پژوهش با هدف تعیین میزان شیوع سل ریوی اسمیر مثبت در مشاغل مختلف در معاینات دوره ای طب کار شهرستان رباط کریم انجام شده است که براساس علائم بالینی، آزمایش خلط، تست مانتو، سمع ریه غیرطبیعی و یافته های مثبت رادیوگرافی سینه به نفع بیماری سل ریوی می باشد.

روش کار: این مطالعه به روش توصیفی مقطعی که از فروردین سال ۱۳۹۶ شروع و تا مورخه ۱۳۹۷/۵/۳۱ اجرا شده است و براساس میزان مراجعین مشاغل مختلف جهت معاینات دوره ای طب کار در شهرستان رباط کریم بوده است که تعداد ۷۰۲۵ نفر کارگران مشاغل مختلف در کل سال ۹۶ و تعداد ۳۴۷۰ نفر کارگران مشاغل مختلف در ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۷ که در قالب طرح معاینات دوره ای طب کار در دو دوره در کل سال ۱۳۹۶ و پنج ماهه اول ۱۳۹۷ مورد معاینات بالینی و تنفسی قرار گرفتند. در کل ۵۰۳ نفر از افراد مشکوک به بیماری سل ریوی ارجاعی به مرکز نمونه خلط و تست پوستی و گرافی قفسه سینه و معاینه بالینی مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس وضعیت شغلی بیشتر آنان مشاغل کارگری (تراشکاری، کشاورزان، ریخته گری و ذوب فلزات، حفر معادن، دامداران، کارگر خدماتی - کارخانه تولید پلاستیک قرار داشتند. بیشترین علائم به ترتیب شامل سرفه مزمن، تنگی نفس، کاهش اشتها، کاهش وزن، تعریق، خستگی، تب، خلط خونی و در قفسه سینه بود.

یافته ها: میانگین سنی کارگران بررسی شده ۳۲/۰۸ در کل سال ۹۶ بوده و از ۲۹۳ نفر کارگران مشاغل مختلف مشکوک ارجاعی به مرکز در کل سال ۹۶ تعداد ۵ نفر مبتلا به بیماری سل ریوی اسمیر مثبت با شیوع ۱/۷ درصد و در ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۷ میانگین سنی کارگران بررسی شده ۳۷/۴ سال بوده و از ۲۱۰ نفر کارگران مشاغل مختلف ارجاعی به مرکز تعداد ۶ نفر بیمار سل ریوی اسمیر مثبت با شیوع ۲/۳ درصد شناسایی شد. که نشان دهنده افزایش میزان شیوع سل ریوی در کارگران قشرهای مختلف می باشد.

نتیجه گیری: یافتن در مجموع ۱۱ بیمار سل ریوی اسمیر مثبت در کل مورد مطالعه که ۵ نفر بیمار مبتلا به اسمیر مثبت ریوی در طی معاینات یکساله ۹۶ و ۶ بیمار در ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۷ در بین کارگران مشاغل مختلف و پرخطر موید شیوع بالای سل اسمیر مثبت در بین قشر کارگر در مقایسه با موارد قابل انتظار در جامعه می باشد. بر اساس این مطالعه بایستی سل را بعنوان یک بیماری شغلی و کارگران قشرهای مختلف به عنوان گروه پرخطر مد نظر پزشکان قرار گرفته و توجه ویژه مسئولین امر را به پرسنل این بخش می طلبد.

واژگان کلیدی: سل، مشاغل، معاینات طب کار



رضایت از خدمات اجتماعی، رفاهی و توان بخشی در بین سالمندان تحت پوشش اداره

بهزیستی شهرستان خدابنده

دکتر حسین مطلبی^۱، دکتر سعید موسوی^۲، شهین قاسمی^۳

^۱ گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: hm1349@gmail.com

^۲ گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته بهداشت باروری گرایش جامعه نگر دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: سالمندان نیازمند دریافت خدمات متنوعی می‌باشند. سالمندان از یکسو به دلیل کهولت سن و کاهش توانایی‌های عملکردی و از سوی دیگر به این دلیل که یکی از آسیب‌پذیرترین قشرهای جامعه هستند، می‌بایست تحت توجه و حمایت‌های لازم قرار گیرند و نیازهای آنان در ابعاد جسمی، اجتماعی و روانی ارزیابی و بررسی شود. هدف این پژوهش بررسی میزان رضایت از خدمات ارائه شده به سالمندان تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان خدابنده بود.

روش کار: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به شیوه توصیفی - پیمایشی انجام شده است. نمونه آماری این پژوهش ۸۳ نفر از سالمندان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهرستان خدابنده بود که با روش تمام شماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه بود که پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha=0/833$) و روایی آن با رویکرد صوری و محتوایی تایید شد. داده‌های پژوهش از طریق محاسبات آمار توصیفی و آزمونهای دوجمله‌ای و فریدمن تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج پژوهش، ۴۲٪ مشارکت کنندگان مرد و ۵۸٪ زن بود. ۶۰٪ از شرکت کنندگان در رده سنی ۶۵ تا ۷۵ سال و ۹۸٪ دارای تحصیلات تا ابتدایی و ۶۱٪ درصد متاهل بودند. بر اساس یافته‌های آزمون دوجمله‌ای، میزان رضایت سالمندان از خدمات آموزشی، خدمات توان بخشی، خدمات پزشکی، خدمات رفاهی متوسط به بالا و خدمات مشاوره‌ای و پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی کمتر از متوسط گزارش گردید ($p < 0.05$). جنسیت با رضایت از خدمات توان بخشی ارتباط معنی دار ($P = 0/001$) داشت به طوری که میزان رضایت در مردان بیشتر از زنان بود. جنسیت با رضایت از خدمات آموزشی ($P = 0/139$)، رضایت از خدمات پزشکی ($P = 0/139$)، رضایت از خدمات رفاهی ($P = 0/11$) و رضایت از خدمات مشاوره‌ای و پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی ($P = 0/27$) ارتباط معنی داری نداشت.

نتیجه گیری: با توجه به رضایت کمتر از متوسط در بعد خدمات مشاوره‌ای و پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی ارائه شده به سالمندان، انتظار می‌رود که مدیران و تصمیم گیران اداره بهزیستی شهرستان خدابنده در بهبود بعد خدمات مشاوره‌ای و پیشگیری از معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی تمرکز بیشتر داشته باشند تا بدینوسیله سلامت جسمی و روحی سالمندان جامعه تضمین شود.

واژگان کلیدی: سالمندان، رضایت از خدمات، خدمات آموزشی، خدمات توان بخشی، خدمات پزشکی، خدمات رفاهی، خدمات مشاوره‌ای، پیشگیری از معلولیت‌ها، آسیب‌های اجتماعی



بررسی تاثیر آموزش بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی بر رفتار غربالگری سرطان پستان در

رابطین سلامت شهر ابهر، سال ۱۳۹۷

حسین مطلبی^۱، سعید موسوی^۲، زهرا عسگری^۳

^۱ گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران، ایمیل: hm1349@gmail.com

^۲ گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته بهداشت باروری گرایش جامعه نگر دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: در بین انواع سرطان‌ها، سرطان پستان شایع‌ترین سرطان هست و دومین سرطان شایع در بین زنان در جهان است. آگاهی از روش‌های غربالگری و انجام مرتب تست‌های تشخیصی در کاهش شیوع انواع مهاجم سرطان و مرگ‌ومیر ناشی از آن نقش به‌سزایی دارد. لذا این مطالعه باهدف بررسی تأثیر آموزش بر اساس الگوی اعتقاد بهداشتی با زبان محلی بر رفتار غربالگری سرطان پستان در رابطین سلامت شهر ابهر انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر، یک کار آزمایشی کنترل‌شده تصادفی بود. از میان ۴۰۰ نفر از رابطین سلامت مراکز جامع سلامت شهر ابهر، ۷۲ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها ابزار الگوی اعتقاد بهداشتی با ۶۱ سؤال در هشت مؤلفه بود که ضریب آلفا کرونباخ آن ۰/۹۰٪ گزارش شده است. در مرحله اول پرسشنامه دموگرافیک و ابزار الگوی اعتقاد بهداشتی توسط گروه کنترل و مداخله تکمیل شد. سپس برای گروه مداخله ۷ جلسه آموزش گروهی (به مدت ۱۲۰ دقیقه) هفته‌ای یک‌بار، بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی تشکیل شد. بعد از مداخله مجدداً پرسشنامه توسط هر دو گروه مداخله و کنترل تکمیل شد. داده‌ها با آزمون‌های آماری تحلیل کوواریانس، تی و کای-دو تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: آزمون تی مستقل و کای دو نشان داد که دو گروه مداخله و کنترل از نظر اطلاعات دموگرافیک سن، سن شروع عادت ماهانه، سواد، شغل، درآمد، تعداد فرزندان، نحوه شیردهی، بیماری‌های پستان در خود فرد و نزدیکان و انجام خودآزمایی پستان همسان بود ($P < 0/05$). بین میانگین نمرات حساسیت درک شده، شدت درک شده فواید و موانع درک شده از خودآزمایی، خودکارآمدی، موانع درک شده از ماموگرافی قبل از مداخله در سطح ($P < 0/05$) دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. فقط در مورد فواید درک شده از ماموگرافی تفاوت معنادار بود. نتایج آزمون کوواریانس بعد از مداخله بین میانگین امتیازات حساسیت درک شده، فواید و موانع درک شده از غربالگری سرطان پستان (خودآزمایی پستان و ماموگرافی)، خودکارآمدی، در گروه آزمون و کنترل تفاوت معنی‌داری را نشان داد ($P > 0/05$) ولی در مورد شدت درک شده و انگیزه سلامت تفاوت معنادار نبود ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که آموزش با توجه به زبان و فرهنگ هر منطقه می‌تواند آگاهی زنان را در مورد روش‌های غربالگری سرطان پستان بالا ببرد و باعث بالا رفتن موارد غربالگری در بین زنان و تشخیص زودهنگام سرطان پستان شود و عوارض ناشی از سرطان پستان را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، مدل اعتقاد بهداشتی، غربالگری، خودآزمایی پستان و ماموگرافی



بررسی تاثیر فعاليت های ورزشی مبتنی بر سلامت همراه در ارتقای توانبخشی بعد از جراحی سرطان پستان

مبینا گل محمدی^۱، علی حاجی پور طالبی^۲، مریم ناصری دهکلانی^۳، مرضیه نوروزی^۱، ناهید رجایی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران
^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
^۴ مربی، گروه مادران و نوزادان، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت مداخلات زود هنگام برای جلوگیری از عود مجدد بعد از درمان و ارتقای توانبخشی در مبتلایان به سرطان پستان، با نگرش به اصل ارتقای توان بخشی در بیماری های غیر واگیر در سند چشم انداز طرح تحول نظام سلامت، در این مطالعه به بررسی تاثیر فعاليت های ورزشی مبتنی بر سلامت همراه در ارتقای توانبخشی بعد از جراحی سرطان پستان می پردازیم

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری- سیستماتیک با جست و جوی وسیع پایگاه های اینترنتی، نشریات معتبر، Scopus، SID، Google Scholar و با کلمات کلیدی Physical exercise، Mobile Health، Social Media، Breast cancer، و ترکیب آنها در محدوده زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ استفاده شد که از ۱۳۰ مقاله یافت شده، ۴۶ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردید

یافته ها: خستگی، اضطراب و افسردگی و محدودیت عملکرد اندام فوقانی و متعاقب آن کاهش استقامت عضلات بعد از جراحی بر کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان پستان موثر است. مطالعات متعددی اثرات مثبت فعاليت های ورزشی مناسب در بهبود عملکرد قلبی و مقاومت عضلانی، بعد از جراحی سرطان پستان را نشان می دهند. از طرفی با توجه همه گیری استفاده از اینترنت و رسانه های اجتماعی، می توان ارائه خدمات بالینی و آموزش را با کمک این تکنولوژی به بیماران تسهیل کرده و کیفیت زندگی آنان را ارتقا بخشید.

نتیجه گیری: بررسی های صورت گرفته نشان دهنده آن بود که آموزش فعاليت های ورزشی مستلزم وقت و هزینه بسیاری برای بیماران است. استفاده از تکنولوژی سلامت همراه در ارتقای دانش و عملکرد افراد بعد از جراحی سرطان پستان می تواند مفید باشد، که در این خصوص مطالعات بیشتر جهت ارائه مداخلات صحیح به بیماران را می طلبد.

واژگان کلیدی: سرطان پستان، فعاليت های ورزشی، سلامت همراه، توانبخشی



زالو درمانی در طب سنتی ایران

مبینا گل محمدی^۱، فاطمه کلروزی^۲، علی حاجی پور طالبی^۳، مریم ناصری دهکلانی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران
^۲ عضو هیئت علمی گروه پرستاری کودکان دانشگاه علوم پزشکی آجا، دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
^۴ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

زمینه و هدف: طب سنتی از قدیمی ترین روش های درمانی جوامع بشری بوده است، این روش مجموعه اقداماتی است که به صورت کل نگر در جهت حفظ و برگرداندن سلامتی انجام می شود. مزیت این شیوه آن است که می تواند با توجه به مزاج هر فرد، درمانی سازمان یافته به وی ارائه دهد. زالو درمانی یکی از این درمان هاست. هدف از ارائه این مقاله، مروری بر تاریخچه زالو درمانی در طب سنتی ایران است.

روش کار: این مطالعه مروری جامع است. به منظور یافتن اطلاعات مرتبط جستجو از طریق پایگاه های اطلاعاتی معتبر فارسی زبان شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، سایت جامع علوم انسانی و پایگاه مرکز اطلاعات علمی کشور و پایگاه های انگلیسی زبان Google Scholar و pubmed استفاده شد.

یافته ها: زالو درمانی در ایران قدمتی پنج هزار ساله دارد. تاکنون بیش از ۶۵۰ گونه زالو شناسایی شده که البته همه آنها خاصیت درمانی ندارند به دلیل وجود آنزیمی به نام هیرودین در بزاق زالو که دارای خاصیت آنتی کوآگولان است، در پیشگیری از انعقاد خون در بیماران قلبی، بیماری های پوستی مثل آبسه و کاهش درد و التهاب ناشی از آرتروز و فشار خون از آنها استفاده می شود. سایر کشورها نیز از این روش استفاده می کنند اما وجه تمایز طب سنتی زالو درمانی در ایران و کشورهای دیگر، توجه خاص طب ایرانی به مزاج هر فرد می باشد.

نتیجه گیری: شناخت مزاج هر فرد و پاکسازی بدن از سموم قبل از استفاده از هرگونه روش درمانی با طب مکمل می تواند فرایند درمان را هرچه بیشتر تسریع بخشد که این شرط می تواند با آگاهی هر چه بیشتر کادر درمان در این زمینه و تعامل صحیح پزشک و بیمار تحقق یابد.

واژگان کلیدی: زالو درمانی، طب سنتی، مزاج شناسی



تولید گیاهان دارویی: از سلامت جامعه تا تجاری سازی و رونق داخلی

مبینا گل محمدی^۱، علی حاجی پور طالبی^۲، مریم ناصری دهکلانی^۳، مرضیه نوروزی^۱، ناهید رجایی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران
^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
^۴ مربی، گروه مادران و نوزادان، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

زمینه و هدف: در زمینه رشد گیاهان دارویی، کشور ایران یکی از بهترین مناطق جهان است که دارای یازده گونه اقلیم آب و هوایی و بیش از ۷۵۰۰ گونه گیاهی و حدود ۲۳۰۰ گونه گیاه دارویی یکی از بهترین مناطق در زمینه رشد گیاهان دارویی است و میتوان با تلفیق دو یا چند از این گیاهان، داروهای موثرتر و سریع‌الاثرترا برای پیشبرد جامعه در جهت سلامتی و نیز در زمینه تجاری سازی این گیاهان گامی مهم را برداشت. آماده کردن زمین زراعی از زمان کاشت تا برداشت و نهایتاً تولید محصول گیاهی مفید و موثر از اقدامات مهم نحوه استفاده مطلوب از این نعمت خدادادی است

روش کار: این مطالعه مروری جامع است. به منظور یافتن اطلاعات مرتبط جستجو از طریق پایگاه های اطلاعاتی معتبر فارسی زبان شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، سایت جامع علوم انسانی و پایگاه مرکز اطلاعات علمی کشور و پایگاه های انگلیسی زبان Google Scholar و pubmed استفاده شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان داد که عملیات زراعی، توجه به نوع خاک و عاری از آلودگی بودن آن، دفع آفات و بیماری زایی و عدم مصرف سموم زیان بار، زمان و نحوه برداشت و مدیریت دقیق و حتی در وهله اول شناخت دقیق گیاهان دارویی و مراقبتهای بعد از برداشت و آگاهی دقیق پرسنل کادر درمان و مردم و کشاورزان در جهت مصرف صحیح داروهای گیاهی و حتی تربیت افراد متخصص در جهت پرورش گیاهان مفید و استفاده درست از آن می تواند راهکاری جهت داشتن محصولی با کیفیت و اثربخشی بهتر این روش باشد.

نتیجه گیری: بررسی های بیانگر آن بود که کشت گیاهان دارویی به طور نوین می تواند در رونق بخشی اقتصاد داخلی و افزایش صادرات و حتی دستاوردهای نو موثر باشد تا بتوان باری دیگر با بازگشت به طبیعت در جهت رسیدن به سلامت ایده آل گام برداشت.

واژگان کلیدی: گیاهان دارویی، تجاری سازی سلامت، طب مکمل



تأثیر استفاده از EMR بر روی تبلت‌های DOTECH بر کاهش خطاهای دارویی پرستاران در بخش مراقبت‌های ویژه

علی حاجی پور طالبی^۱، محمد رشیدی فرد^۱، فاطمه پیروی^۲، نجمه بازیار نژاد^۲، مبینا گل محمدی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: alihajipour1375@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران، ایران

زمینه و هدف: حوادث خطرناک ناشی از خطاهای دارویی یکی از بزرگترین چالش‌ها در بخش مراقبت‌های ویژه می‌باشد. بیماران در این بخش‌ها نسبت به خطاهای پزشکی بسیار حساس هستند و قادر به تحمل آسیب‌های ناشی از آن نیستند. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین استفاده از سیستم الکترونیک ثبت اطلاعات پزشکی بر روی تبلت‌های DOTECH و تأثیر آن بر کاهش خطاهای دارویی در بخش مراقبت‌های ویژه است.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری - سیستماتیک با جستجوی وسیع پایگاه‌های اینترنتی مانند SID، pubmed، Google scholar، JSC، scopus انجام شد. محدوده زمانی مطالعه در طول سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ در نظر گرفته شد. نتایج جستجو در حدود ۱۵۶ مقاله بود که پس از بررسی از نظر عنوان، چکیده و امکان دسترسی به متن کامل و حذف موارد نامرتب، ۸۴ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردید و وارد مطالعه شد.

یافته‌ها: مطالعات صورت گرفته از بررسی مقالات نشان داد که شایع‌ترین خطای دارویی پرستاران شامل اشتباه در دز داروی دریافتی بیمار (۳۸/۶٪) می‌باشد. در رابطه با عوامل مرتبط با خطاهای دارویی، ۴۳/۵٪ در ارتباط با عوامل مربوط به رونویسی، ۲۵/۵٪ عوامل ارتباطی، ۱۷/۲٪ عوامل مربوط به شرایط کاری، ۱۱٪ عوامل مربوط به بسته بندی و ۲/۸٪ عوامل مربوط به داروخانه بوده است. نتایج مطالعه همچنین نشان داد که استفاده از تبلت‌ها باعث کاهش قابل توجه در خطاهای رونویسی و دز اشتباه دارو می‌شود و استفاده از برنامه ثبت نسخه الکترونیک پزشکی (EMR) بر روی تبلت‌ها می‌تواند منجر به کاهش اشتباهات انسانی به خصوص در بیمارستان‌های آموزشی شود.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل بیانگر آن بود که استفاده از EMR بر روی تبلت‌های DOTECH تأثیر بسزایی در کاهش خطاهای دارویی توسط پرستاران در بخش مراقبت‌های ویژه دارد.

واژگان کلیدی: مراقبت‌های ویژه، خطاهای دارویی، EMR



بررسی تأثیر به کارگیری ربات های کمکی در خود مراقبتی سالمندان مبتلا به زوال عقلی

علی حاجی پور طالبی^۱، فاطمه کیانی مهر^۲، مبینا گل محمدی^۳، فاطمه پیروی^۲، نجمه بازیار نژاد^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: alihajipour1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران

زمینه و هدف: یکی از برجسته ترین دستاوردهای قرون اخیر پدیده پیر شدن جمعیت است. با افزایش جمعیت سالمندان به میزان بیماری شایع دوره سالمندی افزوده می شود که یکی از فراوان ترین آنها بیماری زوال عقلی است. شیوع این بیماری با بالا رفتن سن به شکل تصاعدی افزایش می یابد و طبق آمارهای گزارش شده سازمان بهداشت جهانی، تا سال ۲۰۵۰ تعداد افراد مبتلا به زوال عقل به سه برابر مقدار کنونی خود می رسد، که می تواند سازمان های ارائه کننده مراقبتهای سلامت را با مشکلات فراوانی روبه رو کند. تکنولوژی ربات های هوشمند از جمله راهکارهایی است که می تواند با ارائه خدمات کنترلی، برقراری ارتباط، هشدارها و یادآورها کمک شایانی به رفع این مشکل کند. لذا برنامه ریزی برای خود مراقبتی افراد مسن دارای زوال عقلی با استفاده از فناوری های عصر از جمله ربات ها می تواند یکی از راهکارهای نوین در این زمینه باشد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری نظامند با جستجوی وسیع پایگاه های اینترنتی Google scholar, SID, pubmed, ISC، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه انجام شد. برای جستجو از زبان ورودی فارسی و انگلیسی استفاده شد و محدوده زمانی برای انتخاب مقالات در نظر گرفته نشد. در حدود ۱۴۰ مقاله در نتیجه جستجو یافت گردید که از این میان پس از بررسی عنوان، چکیده، متن کامل و حذف موارد تکراری و نامرتبط، حدود ۸۲ مقاله مرتبط با پژوهش وارد مطالعه شد.

یافته ها: نتایج حاصل نشان داد که ربات های کمکی به طور کلی در دو بخش عملی و احساسی کمک کننده هستند. این نوع ربات ها در چهار نوع عملگر، دوربرد، کنترلی، برنامه نویسی به منظور سرگرمی و خلاقیت، به صورت خود مختار عمل می کنند. ربات هایی که وظیفه روانی را بر عهده دارند نیز تعاملات اجتماعی و روانی از قبیل فراموشی لحظه ای یا برقراری ارتباط با سایر افراد را عهده دار هستند. بنابراین ربات های درمانی در زمینه های مختلف مانند نظم، تعاملات اجتماعی و واکنش های روانی استرسی به نوبه خود اثر مثبتی داشته اند.

نتیجه گیری: مطالعات صورت گرفته نشان داد که استفاده از فناوری رباتیک می تواند به فرایند خود مراقبتی افراد با زوال عقلی بسیار کمک کند زیرا ربات ها دارای فناوری های هیبریدی مانند سنسورهای حرکتی، سنجشی و .. می باشند که کنترل بیمار به وسیله آن آسان می گردد.

واژگان کلیدی: زوال عقل، ربات، خود مراقبتی، دمانس



بررسی تاثیر تکنولوژی گوشی هوشمند در سلامت روانی

علی حاجی پور طالبی^۱، بهزاد جلیلیان^۲، مهدی رجبی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

زمینه و هدف: رویکردهای بهداشتی چندگانه برای افرادی که با مشکلات روانی روبه رو هستند امکان پذیر، قابل قبول و امیدوار کننده است. یکی از مفیدترین مدل‌ها استفاده از تکنولوژی گوشی هوشمند برای کمک به همه افراد به خصوص افراد دارای مشکلات روانی است که بتوانند علاوه بر استفاده از آن در شرایط عادی، در شرایط اضطراری برای برخورداری از خدمات اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی از آن استفاده کنند. با توجه به نرخ بالای ناتوانی و فقر در میان افراد مبتلا به بیماری‌های شدید از جمله بیماری‌های روانی، بسیاری از افراد، واجد شرایط استفاده از برنامه سلامت همراه مبتنی بر تلفن همراه هستند. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر تکنولوژی گوشی هوشمند در سلامت روانی در نظر گرفته شد.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مروری - سیستماتیک با جستجوی وسیع پایگاه‌های اینترنتی Google Scholar، SID، Scopus، ISC، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه انجام شد. برای جستجو از زبان ورودی انگلیسی و کلمات کلیدی Self-care, smartphone technology, mental illness و ترکیب آنها در محدوده زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. در حدود ۱۲۴ مقاله یافت شد که پس بررسی از نظر عنوان، چکیده و متن کامل مقاله و حذف موارد تکراری و نامرتب، حدود ۴۷ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان داد که تکنولوژی گوشی هوشمند چند جانبه استراتژیک قادر خواهد بود که دسترسی بیماران دارای مشکلات روانی را به بهداشت و سلامت علی‌الخصوص در بیمارانی که توانایی پرداخت هزینه مراقبت‌های حضوری خود را ندارند؛ امکان پذیر کند که در صورت همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی برای خود مراقبتی مبتنی بر تلفن همراه، هزینه‌های تکنولوژی موبایل کاهش خواهد یافت.

نتیجه گیری: بررسی‌های صورت گرفته بیانگر آن بود که با همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی سلامت و شرکت‌های سخت افزاری و نرم افزاری تلفن همراه می‌توان فیلم‌های آرامشی هدایت شده، سیستم یادآوری داروها و ابزارهای خود مراقبتی مبتنی بر شواهد را بر روی تلفن همراه نصب کرد که در بررسی‌های آینده نگر صورت گرفته مشخص شد که استفاده از برنامه‌های خود مراقبتی بهداشت روان مبتنی بر تلفن همراه در سال‌های آینده در اختیار میلیون‌ها نفر قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: خود مراقبتی، تکنولوژی گوشی هوشمند، بیماری‌های روانی



بررسی قابلیت واقعیت مجازی برای توانبخشی سگته مغزی

علی حاجی پور طالبی^۱، بهزاد جلیلیان^۲، مبینا گل محمدی^۲، فاطمه پیروی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران

زمینه و هدف: امروزه تکنولوژی نقش بسزایی در درمان بیماری ها و کمک به بهبود بیماری ها داشته است از جمله : واقعیت مجازی که اخیرا این تکنولوژی به عنوان روش های درمانی در محیط های بالینی مورد استفاده قرار می گیرند. هدف اصلی این مطالعه تعیین اثر بخشی واقعیت مجازی در مقایسه با مداخلات جایگزین یا عدم مداخله در عملکرد و فعالیت اندام های فوقانی می باشد و همچنین تعیین اثربخشی واقعیت مجازی در مقایسه با مداخلات جایگزین یا عدم مداخله در راه رفتن و حفظ تعادل، محدودیت فعالیت و کیفیت زندگی می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مروری - سیستماتیک با جستجوی وسیع پایگاه های اینترنتی Google Scholar, SID, Scopus, Rehab, Stroke, Virtual Reality و کتب مرتبط در این زمینه انجام شد. برای جستجو از زبان ورودی انگلیسی و کلمات کلیدی Reality و ترکیب آنها در محدوده زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. ۱۲۴ مقاله در نتیجه جستجو یافت شد که پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل و حذف موارد تکراری و نامرتب، حدود ۴۷ مقاله مرتبط با پژوهش وارد مطالعه شد.

یافته ها: بررسی های صورت گرفته بیانگر آن بود که واقعیت مجازی دارای برخی از مزایا نسبت به رویکردهای درمانی سنتی می باشد و به افراد دچار سگته مغزی، فرصت انجام فعالیت های روزمره را بدهد. همچنین، ویژگی های متعددی از برنامه های واقعیت مجازی وجود دارد که ممکن است به این معنا باشد که بیماران زمان بیشتری را در درمان صرف می کنند و برای انجام فعالیت ها انگیزه بیشتری داشته باشند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان داد که واقعیت مجازی در مقایسه با رویکردهای درمانی متعارف اثرات قابل توجهی بر سرعت قدم زدن یا تعادل دارد. همچنین در این مطالعه بهبود عملکرد و فعالیت اندام فوقانی در نتیجه استفاده از واقعیت های مجازی دیده شد و گزارش در خصوص عوارض جانبی آن ناچیز بود.

واژگان کلیدی: توانبخشی، سگته مغزی، واقعیت مجازی



بررسی سیستم مشاوره مبتنی بر گوشی هوشمند برای مدیریت آسیب های مزمن فشار

علی حاجی پورطالبی^۱، فاطمه کیانی مهر^۲، مبینا گل محمدی^۳، فاطمه پیروی^۳، نجمه بازیار نژاد^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: alihajipour1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران

زمینه و هدف: امروزه با توجه به استفاده گسترده از وب پیشرفت های زیادی در ارتباطات تلفنی صورت گرفته است. در حال حاضر امکان جمع آوری و انتقال اطلاعات پزشکی از طریق اینترنت با استفاده از زیرساخت های پلتفرم و برنامه های کاربردی گوشی های هوشمند برای جمع آوری بخش زیادی از اطلاعات وجود دارد. با این وجود مبتلا شدن به بیماری های مزمن رو به افزایش است که به طور کلی این بیماران نیاز به نظارت مستمر و دقیق از دوره بالینی خود دارند. تلاش های زیادی برای به حداقل رساندن هزینه و زمان درمان مبتلایان به بیماری های مزمن به ویژه سالمندان در حال انجام است. لذا هدف از مطالعه حاضر بررسی سیستم مشاوره مبتنی بر گوشی هوشمند برای مدیریت آسیب های مزمن فشار می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری- سیستماتیک با جست و جوی وسیع پایگاه های اینترنتی Google، SID، scopus، ISC، Scholar، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه انجام شد. برای جست و جو از زبان ورودی انگلیسی و کلمات کلیدی telemedicine، smart-phone، Managment و ترکیب آنها در محدوده زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۵ استفاده شد و تعداد ۱۵۶ به دست آمد که پس از بررسی از نظر عنوان، چکیده و متن کامل و حذف موارد تکراری و نامرتب حدود ۴۸ مقاله وارد مطالعه شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان داد که سیستم مشاوره مبتنی بر گوشی هوشمند نه تنها برای ترویج نظارت و مدیریت آسیب بلکه برای تسهیل روند بهبودی نیز اهمیت دارد. همچنین استفاده از گوشی هوشمند برای مدیریت آسیب های مزمن فشار به بیمار این اجازه را می دهد تا به تاریخچه اطلاعات خود دسترسی پیدا کند. با توجه به بررسی های صورت گرفته می توان به این نتیجه رسید که تفاوت اندازه گیری واقعی با اندازه گیری به کمک گوشی هوشمند در مدیریت آسیب های مزمن فشار در حداقل مقدار می باشد.

نتیجه گیری: مطالعات صورت گرفته بیانگر آن بود که استفاده از گوشی هوشمند برای مدیریت آسیب های مزمن فشار به کیفیت زندگی و کاهش طول مدت اقامت در بیمارستان و دوره درمان افراد مبتلا به بیماری مزمن کمک می کند و این نشان می دهد که این سیستم یک ابزار مفید برای صنعت مراقبت بهداشتی است. همچنین استفاده از سیستم مشاوره گوشی هوشمند برای آسیب های مزمن فشار به دلیل جلوگیری از ارجاعات مکرر باعث صرفه جویی در وقت و هزینه می شود و نیز به دلیل جلوگیری از مداخلات اضافی دیگران امنیت بالاتری نسبت به روش معمول دارد.

واژگان کلیدی: تله مدیسین، سیستم مشاوره تلفنی، مدیریت بیماری، بیماری مزمن، گوشی هوشمند



بررسی تاثیر به کارگیری سنسورهای بی سیم در ارائه مراقبت مطلوب برای بیماران بخش مراقبت های ویژه

علی حاجی پور طالبی^۱، محمد رشیدی فرد^۱، مهدی رجبی^۲، بهزاد جلیلیان^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل:

alihajipour1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

زمینه و هدف: بخش مراقبت های ویژه یکی از مهم ترین بخش های بیمارستانی می باشد. در این بخش، بیماران به وسیله کابل های ارتباطی به مانیتورها متصل هستند که این کابل ها مانعی برای پرسنل پرستاری در جهت انجام وظایف خود به نحو مطلوب و نیز مانع از حرکت آزادانه بیمار در بیمارستان می شوند. با توسعه سریع تکنولوژی، فناوری های بی سیم راه حلی برای این مشکل به شمار می روند. این مطالعه با هدف شناسایی مسائل مربوط به نظارت بر بیماران با پایش مهمترین پارامترهای پزشکی طراحی شد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری - سیستماتیک با جستجوی وسیع پایگاه های اینترنتی Google, SID, pubmed, scopus, ISC, scholar، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه و بدون محدودیت زمانی انتشار مقالات انجام شد. تعداد ۲۵۶ مقاله به دست آمد که پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل و حذف موارد تکراری و نامرتبط، ۱۲۳ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردید.

یافته ها: نتایج حاصل نشان داد که استفاده از سنسورهای بی سیم در بیماران بخش مراقبت های ویژه باعث تسهیل حرکت بیماران در محیط بیمارستان و ثبت دقیق و کامل تمامی پارامترهای پزشکی می شود و نیز مانعی برای ریزش داده های حساس بیماران بخش مراقبت های ویژه می باشد.

نتیجه گیری: مطالعات صورت گرفته بیانگر آن بود که استفاده از سنسور های بی سیم به جای کابل های متصل به بیماران بخش مراقبت های ویژه، سبب افزایش دقت اندازه گیری پارامترهای پزشکی حیاتی و نیز افزایش کیفیت زندگی و امنیت بیماران می شود.

واژگان کلیدی: واحد مراقبت های ویژه، تکنولوژی، سنسورهای بی سیم



بررسی قابلیت تکنولوژی تله در موسکوپي مبتنی بر گوشی هوشمند برای تشخیص زود هنگام

سرطان پوست

علی حاجی پور^۱، فاطمه کیانی مهر^۲، مهدی رجبی^۳، فاطمه پیروی^۴، نجمه بازاریار نژاد^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: alihajipour1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران

زمینه و هدف: امروزه علم پزشکی برای پیشرفت نیازمند فناوری های نوینی در قالب سلامت مبتنی بر تکنولوژی گوشی هوشمند می باشد که نقش مهمی را در درمان و پیشگیری از بیماری ها مانند سرطان پوست ایفا می کند. تله درموسکوپي به بیماران این اجازه را می دهد تا تصاویری از ضایعات پوستی را برای تشخیص از راه دور به یک متخصص پوستی ارسال کنند. در حال حاضر تکنولوژی تلفن همراه تله درموسکوپي برای افرادی که در معرض خطر ابتلا به سرطان پوست هستند ناشناخته است. هدف مطالعه حاضر بررسی قابلیت تکنولوژی تله درموسکوپي مبتنی بر گوشی هوشمند در تشخیص زود هنگام سرطان می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری-سیستماتیک با جست و جوی وسیع پایگاه های اینترنتی scopus، SID، ISC از طریق موتور جستجوگر گوگل اسکولار، نشریات معتبر و کتب مرتبط در این زمینه انجام شد. برای جست و جوی زبان ورودی انگلیسی و کلمات کلیدی Smartphone, Skin Cancer, Telemedicine, Dermoscopic Trap و ترکیب آنها در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. تعداد ۱۵۶ مقاله یافت شد که پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل مقاله و حذف موارد تکراری و نامرتب حدود ۴۸ مقاله مرتبط با پژوهش انتخاب گردید.

یافته ها: با توجه به بررسی های صورت گرفته استفاده از تله درموسکوپي مبتنی بر گوشی هوشمند برای تشخیص زود هنگام سرطان پوست، دقت تشخیصی بالاتری نسبت به تشخیص چهره به چهره دارد. همچنین استفاده از تله موسکوپي تلفن همراه مزایایی همچون دسترسی به مراقبت، کاهش زمان انتظار، صرفه جویی در هزینه و ارجاع کارآمد را به دنبال دارد و افراد برای پذیرش تله موسکوپي برای تشخیص زود هنگام سرطان پوست اشتیاق بیشتری نسبت به مشاوره و درمان چهره به چهره دارند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته نشان داد که استفاده از تله درموسکوپي مبتنی بر گوشی هوشمند باعث بهبود عملکرد در معاینه پوستی می شود و برنامه مفیدی برای کاربران آن می باشد. همچنین با توجه به مطالعات انجام شده بعضی از مشکلات استفاده از تله درموسکوپي مربوط به عدم امکان اتصال گوشی همراه به اینترنت در بعضی از افراد و عدم امکان برچسب گذاری تصاویر و شخصی سازی برنامه ها اشاره کرد.

واژگان کلیدی: گوشی هوشمند، سرطان پوست، تله مدیسین، تله درموسکوپي



بررسی اثر تله مانیتورینگ مبتنی بر گوشی هوشمند بر بیماران مبتلا به نارسایی قلبی

علی حاجی پور طالبی^۱، محمد رشیدی فرد^۱، فاطمه کیانی مهر^۲، مبینا گل محمدی^۳، فاطمه پیروی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات سلامت، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی آجا، ایران، تهران

زمینه و هدف: نظارت بر مراقبت از بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی به منظور جلوگیری از بستری شدن یک مفهوم در حال ظهور می باشد. در دسترسی به تلفن همراه و پیشرفت های سریع در زمینه ارتقای کاربرد آن، چشم اندازهای جدیدی را به سوی تعامل تلفیقی بین بیماران و متخصصین مراقبت های بهداشتی ایجاد کرده است. در مطالعه حاضر به بررسی تاثیر تله مانیتورینگ با استفاده از فناوری اینترنت و تلفن همراه بر درمان بیماران مبتلا به نارسایی قلبی پرداخته شد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مروری- سیستماتیک با جست و جوی وسیع نشریات معتبر، کتب مرتبط، پایگاه های وسیع اینترنتی Google Scholar, SID, ICS, Scopus و تجزیه و تحلیل آنها صورت گرفت. برای جست و جو از زبان ورودی انگلیسی و کلمات کلیدی Heart disease, mobile, tele monitoring, technology و ترکیب آنها در محدوده زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. تعداد ۱۱۴ مقاله یافت گردید که پس از بررسی عنوان، چکیده و متن کامل مقاله و حذف موارد تکراری و نامرتبط حدود ۴۳ مقاله مرتبط وارد مطالعه شدند.

یافته ها: در نتایج مطالعه نشان داد که استفاده از تله مانیتورینگ مبتنی بر تلفن همراه و اینترنت به علت جلوگیری از ارجاعات مکرر به متخصص باعث صرفه جویی در وقت و هزینه می شود. مطالعات نشان می دهد که اغلب بیماران قادر به وارد کردن دوزهای روزانه مصرف داروها و علائم حیاتی خود با استفاده از تله مانیتورینگ مبتنی بر تلفن همراه و اینترنت می باشند اگرچه در افراد مسن مبتلا به نارسایی قلبی این توانمندی کمتر مشاهده شد که به علت توانایی کمتر این افراد در استفاده صحیح از تلفن همراه و اینترنت می باشد.

نتیجه گیری: توسعه یک مفهوم مراقبت یکپارچه برای انسجام مطلوب وظیفه نظارت از راه دور به جریان های کاری و فرایندهای پزشکان متخصص، پزشکان عمومی و پرستاران مراقبت در خانه یک نیاز جامعه بیماران مبتلا به نارسایی قلبی است. بررسی های صورت گرفته نشان می دهد که تله مانیتورینگ مبتنی بر تلفن همراه و اینترنت به عنوان ترمینال های بیمار، می تواند موجب کاهش تکرار و مدت زمان بستری شدن بیماران مبتلا به نارسایی قلبی در بیمارستانها شود.

واژگان کلیدی: تله مانیتورینگ، نارسایی قلبی، گوشی هوشمند



مروری بر تاثیر آموزش تغذیه بر حسب مزاج بر ریفلاکس معده به مری

علی مستانی جهرودی^۱، سعیده سادات سجادی^۱، ریحانه حاتمی نصر^۱، نرگس اسکندری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ایمیل: mastaniali77@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: ریفلاکس معده به مری از جمله شایعترین اختلالات مزمن دستگاه گوارش در تمام گروه های سنی است که تغییر شیوه زندگی میتواند به عنوان روشی کارآمد در درمان آن موثر باشد. مزاج در طب سنتی ایرانی مفهومی کلیدی در تعریف سلامت و بیماری و نقطه عطف فیزیوپاتولوژی بیماری هاست. هر ماده خوراکی اعم از غذاها و داروها دارای مزاج خاصی بوده و بر بدن افراد تاثیرگذار است. هدف از این مطالعه مروری بر تاثیر آموزش تغذیه بر حسب مزاج بر درمان ریفلاکس معده به مری است.

روش کار: در این مطالعه مروری متداول با استفاده از کلیدواژه های تغذیه، آموزش، مزاج و ریفلاکس معده و بهره گیری از موتور جستجوگر گوگل اسکولار، مقالات مرتبط با موضوع جمع آوری و تاثیرات آموزش تغذیه بر حسب مزاج بر بیماری ریفلاکس معده به مری استخراج شد.

یافته ها: براساس نتایج مطالعات انجام شده پس از آموزش تغذیه بر حسب مزاج، دفعات سوزش سردل، دفعات بازگشت اسید، مدت سوزش سردل، مدت بازگشت اسید، شدت سوزش سردل، شدت بازگشت اسید و درجه انتشار سوزش سردل در گروه آموزش نسبت به گروه کنترل بهبودی قابل ملاحظه ای داشت. همچنین پس از انجام مداخله؛ افزایش کیفیت زندگی در گروه آموزش نسبت به گروه کنترل مشاهده شد.

نتیجه گیری: براساس نتایج بدست آمده از مطالعات، آموزش اصلاح تغذیه بر حسب مزاج میتواند بعنوان روشی کارآمد و ارزان در روند بهبود و کنترل بیماری و افزایش کیفیت زندگی بیماران مبتلا به ریفلاکس معده استفاده شود. همچنین با توجه به کم بودن مطالعات انجام شده در این زمینه، لزوم انجام مطالعات بیشتری در زمینه ارتباط اصلاح مزاج با سلامتی انسان مشاهده می شود.

واژگان کلیدی: تغذیه، مزاج، آموزش، ریفلاکس معده به مری



مروری بر کنترل دیابت از طریق تلفن همراه؛ مدل ها و تاثیرات

علی مستانی جهرودی^۱، عتیده امیری^۱، نرگس اسکندری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ایمیل:

Mastaniali77@yahoo.com

^۲ استاد یار و عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: دیابت یک معضل عمده بهداشتی در سرتاسر دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. سازمان جهانی بهداشت تخمین میزند که بیش از ۲۲۰ میلیون دیابتی در سراسر دنیا وجود دارد و این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۳۶۶ میلیون نفر خواهد رسید. حضور نزدیک به تلفن های همراه در همه جا این فرصت را فراهم می سازد تا افراد مبتلا به دیابت در زمان واقعی به مراقبت های لازم دسترسی داشته باشند. هدف از این مطالعه مروری بر مدل ها و تاثیرات استفاده از امکانات تلفن همراه در کنترل دیابت است.

روش کار: مطالعه حاضر مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه کنترل دیابت از طریق تلفن همراه است. جهت دستیابی به اهداف مطالعه با استفاده از کلیدواژه های تلفن همراه، دیابت، diabetes، telemedicine، mobile phone در موتور جستجوگر گوگل اسکولار تعداد ۱۶ مقاله مرتبط و مربوط به سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ استخراج و به دقت مطالعه شد.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان دهنده استفاده از تلفن همراه بعنوان ابزاری جهت ارسال پیام های بهداشتی و آموزش خودمراقبتی (از طریق پیامک، اینترنت و پیام رسان های اجتماعی)؛ ردیابی و پایش سلامت (ثبت مقدار قند خون، وزن، فعالیت ها، انسولین و...)؛ کنترل رژیم غذایی (اندازه گیری و کنترل کربوهیدرات دریافتی)؛ و تشکیل گروه های همسان (با هدف ارتباط افراد مبتلا با هم) می باشد و می تواند آموزش هایی با محتوای فعالیت و ورزش (تشویق، آموزش و اندازه گیری فعالیت های ورزشی) و یادآوری فعالیت های بهداشتی (مانند انجام آزمایش ها، تزریق انسولین، مصرف دارو و...) و رژیم صحیح غذایی را در اختیار بیماران قرار دهد. همچنین مطالعات نشان دهنده تاثیرات مثبت این مداخلات بر روی کنترل قندخون، بهبود HbA1c، کاهش نمایه توده بدنی، افزایش خودمراقبتی و رفع موانع آن و اصلاح باورهای بهداشتی است.

نتیجه گیری: با توجه به اثرات مثبت و متعدد خدمات تلفن همراه بر کنترل بیماری دیابت، در دسترس بودن این ابزار برای همگان و گستردگی و تنوع خدمات تلفن همراه، استفاده از این ابزار جهت آموزش، کنترل بیماری و پیگیری بیماران مبتلا به دیابت پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: دیابت، تلفن همراه، پیام کوتاه، برنامه تلفن همراه، خودمراقبتی، کنترل



رابطه بین اعتیاد به اینترنت، رشد اجتماعی و رفتارهای بهداشتی در نوجوانان زرین دشت

آمنه مرزبان^۱، ابوذر انصاری^۱، فاطمه بریزی^۲، سعیده طاهرزاده^۳، نگار فانی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
^۲ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه فرهنگیان فارس، شیراز، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۴ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. ایمیل: negarfani69@gmail.com

زمینه و هدف: استفاده از اینترنت به شکل مفرط از مشکلات اساسی و پیچیده عصر حاضر است که موجب بروز اختلالات روانی می شود و سلامت و بهداشت روانی فرد را به خطر می اندازد. از این رو این تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت، رشد اجتماعی و رفتارهای بهداشتی در نوجوانان انجام گرفت .

روش کار: تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری آن کلیه دانش آموزان مقطع تحصیلی متوسطه شهر زرین دشت در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ است که تعداد ۴۵۰ دانش آموز به شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه سنجش اعتیاد به اینترنت یانگ، پرسش نامه رشد اجتماعی و ایترمن و پرسش نامه استاندارد رفتارهای بهداشتی بود. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: بین اعتیاد به اینترنت و رشد اجتماعی و رفتارهای بهداشتی همبستگی معنادار و منفی وجود داشت. همبستگی میان اعتیاد به اینترنت با خرده مقیاس های بهداشت فردی، تغذیه، ورزش، خواب و استراحت معنادار و منفی است ($P > 0/001$). بدین ترتیب که با افزایش وابستگی به اینترنت در نوجوانان، هر کدام از متغیرهای وابسته کاهش می یابد.

نتیجه گیری: اعتیاد به اینترنت در نوجوانان یک ریسک فاکتور قوی در جلوگیری از رشد اجتماعی و کاهش کیفیت روابط اجتماعی است. همچنین استفاده افراطی از اینترنت با کاهش فعالیت بدنی و افزایش بی نظمی تأثیر زیادی در افول رفتارهای بهداشتی دارد. بنابراین لازم است که مداخله های رفتاری و شناختی با هدف تغییر الگوهای استفاده از اینترنت و کامپیوتر صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: اعتیاد به اینترنت، رشد اجتماعی، رفتارهای بهداشتی



رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل مرتبط در سالمندان

آمنه مرزبان^۱، سعیده طاهرزاده^۲، نگار فانی^۳، ابوذر انصاری^۱، وحید رحمانیان^۴، زینب عنبری نوجینی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۴ مرکز تحقیقات مؤلفه های اجتماعی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران. ایمیل: zeynab.gh@gmail.com

زمینه و هدف: سالمندی، دوران مهمی از زندگی است و امروزه به دلیل بالا رفتن امید به زندگی و کاهش میزان زاد و ولد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، پدیده سالمندی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و عوامل مرتبط در سالمندان انجام شده است.

روش کار: این مطالعه توصیفی، از نوع مقطعی است. جامعه پژوهش سالمندان ساکن شهر یزد بود و تعداد ۳۵۰ نفر بعنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بود. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و به روش مصاحبه گردآوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS-24 و با استفاده از آزمون آماری مجذور کای و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: رفتار «نکشیدن سیگار» با متغیرهای جنس و تحصیلات؛ رفتار «مصرف نکردن الکل» با متغیرهای جنس، وضعیت سلامت فعلی؛ رفتار «انجام ورزش یا پیاده روی» با متغیرهای جنس، ترکیب خانواده؛ رفتار «مصرف غذای کم نمک» با متغیرهای سطح تحصیلات؛ رفتار «مصرف غذای کم چرب» با متغیرهای جنس، سطح تحصیلات و وضعیت سلامت فعلی؛ رفتار «مصرف شیر، لبنیات و غذاهای گوشتی» با متغیرهای سن، رفتار «مصرف میوه و سبزیجات تازه» با متغیرهای ترکیب خانواده، رفتار «کنترل وضعیت سلامت» با متغیرهای سن، ترکیب خانواده؛ و رفتار «کنترل فشار خون» با متغیرهای وضعیت اقتصادی ارتباط معنی‌داری داشت ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش باید در برنامه‌ریزی‌هایی بهداشتی اهمیت ویژه‌ای به عوامل یاد شده داده شود.

واژگان کلیدی: سالمندان، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت، عوامل مرتبط



پیشگویی کننده های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل

ارتقاء سلامت پندر

فاطمه استبصاری^۱، ریحانه پورجم^۲

^۱ دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: fa_estebarsari@yahoo.com

^۲ کمیته پژوهشی دانشجویان، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: ارتقاء سلامت فرآیند پویای توانمندسازی در جهت کنترل سلامتی فرد است که به عنوان بخشی از مداخلات پیشگیرانه سطح اول بر تغییرات مثبت سبک زندگی تأکید دارد. فعالیت های ارتقاء دهنده سلامت به فرد اجازه می دهد اهداف ارزشمند زندگی اش را دنبال کند. با توجه به این که برای فهم و شناخت عوامل مؤثر در تغییر رفتارهای ارتقاء دهنده سلامتی، بررسی عوامل تعیین کننده هریک از این رفتارها ضروری می باشد، هدف مطالعه حاضر تعیین پیشگویی کننده های سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل ارتقاء سلامت پندر بود.

روش کار: این مطالعه مقطعی به شیوه توصیفی با رویکرد همبستگی در ۳۰۰ زن باردار در سه ماهه دوم و سوم بارداری مراجعه کننده به مرکز سلامت جامعه شهرستان بهاباد در سال ۱۳۹۷ انجام شد. پرسشنامه های اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه سازه های مدل پندر (موانع و منافع درک شده، خودکارآمدی درک شده، عواطف درک شده، حمایت اجتماعی درک شده) و پرسشنامه سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت (HPLP-II) توسط افراد نمونه تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS-22 و با استفاده از آزمونهای آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی چندگانه انجام گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره کل رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت زنان باردار $154/9 \pm 2/2$ در دامنه (۵۰ - ۲۰۰) در سطح مطلوب قرار دارد. از بین ابعاد سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، بعد رشد معنوی با میانگین $30 \pm 3/6$ بالاترین نمره و بعد فعالیت فیزیکی با میانگین $17/8 \pm 10/2$ پایین ترین نمره را به خود اختصاص داد. از میان سازه های مدل پندر، منافع درک شده و خودکارآمدی به ترتیب با نمره میانگین $10/1 \pm 0/4$ و نمره $24 \pm 4/2$ در دامنه امتیاز ۸-۴۰، بیشترین و کمترین نمره را به خود اختصاص دادند. نتایج تحلیل مدل های رگرسیونی متغیرهای سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت و سازه های مدل پندر نشان داد که سازه های موانع درک شده، حمایت اجتماعی و منافع درک شده رابطه معنی داری با سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت دارند ($P < 0/05$) و بین شیوه زندگی ارتقاء دهنده سلامت با خودکارآمدی و موانع و عواطف درک شده نیز همبستگی معنی داری وجود دارد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده در مطالعه حاضر می توان نتیجه گرفت که سازه های الگوی ارتقاء سلامت پندر از جمله حمایت اجتماعی درک شده، منافع و موانع درک شده جهت پیشگویی سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت مناسب می باشند. پیشنهاد می شود که سیاست گذاران و برنامه ریزان جهت بهبود رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و سبک زندگی سالم، مداخلات آموزشی مبتنی بر مدل ارتقاء سلامت پندر را طراحی و اجرا نمایند.

واژگان کلیدی: زنان باردار، سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت، مدل ارتقاء سلامت پندر



کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل ارتقاء سلامت پندر

ریحانه پورجم^۱، فاطمه استبصاری^۲

^۱ کمیته پژوهشی دانشجویان، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
rpourjam76@gmail.com

^۲ دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: کیفیت زندگی مرتبط با سلامت بر ارزیابی ذهنی فرد از وضعیت سلامت کنونی تأکید دارد و به همراه فعالیت های ارتقاء دهنده سلامت موجب سطحی از فعالیت های کلی می شود که به فرد اجازه می دهد اهداف ارزشمند زندگی اش را دنبال کند. با توجه به این که برای فهم و شناخت عوامل مؤثر در تغییر کیفیت زندگی، بررسی عوامل تعیین کننده هریک از این رفتارها ضروری می باشد، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی پیشگویی کننده های کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زنان باردار بر اساس سازه های مدل ارتقاء سلامت پندر انجام پذیرفت.

روش کار: این مطالعه مقطعی به شیوه توصیفی با رویکرد همبستگی بر روی ۳۰۰ زن باردار (در سه ماهه دوم و سوم بارداری) مراجعه کننده به مرکز سلامت جامعه شهرستان بهاباد در سال ۱۳۹۷، انجام پذیرفت. داده ها از طریق پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه سازه های مدل پندر و پرسشنامه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت (SF12v2) جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در نرم افزار SPSS-22 و با استفاده از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی چندگانه انجام پذیرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که میانگین نمرات زنان باردار در زمینه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، بعد جسمی کیفیت زندگی $42/7 \pm 7/3$ ، بعد روانی کیفیت زندگی $31/5 \pm 11/8$ بوده است. از میان سازه های مدل پندر، منافع درک شده با نمره میانگین $123/4 \pm 10/1$ بیشترین نمره و خودکارآمدی با نمره $24 \pm 4/2$ با دامنه امتیازی (۴۰-۸) کمترین نمره را به خود اختصاص داده اند. با توجه به نتایج تحلیل مدل های رگرسیونی، سازه های خودکارآمدی درک شده، عواطف درک شده و منافع درک شده رابطه معنی داری با بعد روانی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دارند ($P < 0/05$) و سازه های موانع درک شده، حمایت اجتماعی، عواطف و منافع درک شده رابطه معنی داری با بعد جسمی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دارند ($P < 0/05$). نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین بعد روانی کیفیت زندگی با خودکارآمدی، موانع و منافع درک شده و شیوه زندگی همبستگی معنی داری وجود دارد ($P < 0/05$). بین بعد جسمی کیفیت زندگی با موانع و منافع درک شده همبستگی معنی داری وجود دارد ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر می توان گفت که سازه های مدل پندر جهت پیشگویی بعد روانی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت و پیشگویی بعد جسمی کیفیت زندگی مناسب است. بنابراین پیشنهاد می شود که سیاست گذاران و برنامه ریزان جهت بهبود وضعیت سلامت روان زنان باردار و کیفیت زندگی مطلوب تر و بالا بردن سطح خودکارآمدی درک شده در آنان، مداخلات آموزشی مبتنی بر مدل ارتقاء سلامت پندر را طراحی و اجرا نمایند.

واژگان کلیدی: زنان باردار، کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، مدل ارتقاء سلامت پندر



سواد سلامت یک عامل مؤثر بر سبک زندگی سالمندان: یک مرور سیستماتیک

ریحانه پورجم^۱

^۱ کمیته پژوهشی دانشجویان، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
rpourjam76@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از بارزترین تغییرات جمعیت شناختی قرن بیست و یکم، سالخوردگی جمعیت است که تمامی کشورهای جهان از جمله جمعیت ایران را شامل می شود و به عنوان یک فاکتور تأثیرگذار بر نظام اجتماعی و اقتصادی جوامع مطرح است. سبک زندگی، الگوهای رفتاری است که تحت تأثیر متقابل خصوصیات فردی، تعاملات اجتماعی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیط زندگی قرار می گیرد. سواد پایین سلامتی منجر به عواقب سلامتی ضعیف مانند میزان بالای بستری شدن در بیمارستان ها و استفاده کمتر از خدمات پیشگیرانه می شود که هر دو با هزینه های مراقبت های بهداشتی بالاتر مرتبط است. با توجه به اهمیت نقش سالمندان در جامعه، هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر بررسی سواد سلامت به عنوان یک عامل مؤثر بر سبک زندگی سالمندان می باشد.

روش کار: به منظور دست یابی به اهداف پژوهش جستجو در پایگاه های اطلاعاتی SID, Magiran, Google Scholar, PubMed, Scopus با استفاده از واژگان کلیدی سالمند، سواد سلامت، رفتارهای ارتقاءدهنده سلامتی در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۶ برای مقالات فارسی و کلید واژگان مترادف انگلیسی آنها در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۶ برای مقالات انگلیسی در پایگاه های غیر ایرانی جستجو صورت گرفت. در مرحله اول، جستجو در عنوان انجام شد و در نهایت از بین مقالات به دست آمده تعداد ۳۸ مقاله تمام متن که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که ابعاد سواد سلامت، سبک زندگی سالم و عوامل تسهیل گر در اتخاذ سبک زندگی سالم به عنوان عوامل کلیدی زندگی سالمندان تقسیم بندی می شوند. بر همین اساس مفاهیم توصیف کننده ابعاد سواد سلامت شامل سطح تحصیلات، مسئولان و رسانه ها و مفاهیم سبک زندگی سالم شامل اقدامات احتیاطی، تعاملات اجتماعی، معنویت و عادات روزمره زندگی می باشند. مفاهیم توصیف کننده عوامل تسهیل گر در اتخاذ سبک زندگی سالم شامل برآورد نیازهای دوران سالمندی و خودکارآمدی سالمندان بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که سواد سلامت محدود می تواند مانع از درک صحیح پیام ها و توصیه های بهداشتی شود، لذا ضروری است از طریق مداخلات آموزشی مؤثر و مبتنی بر برنامه های سالمندی آن را به تأخیر انداخت، از عوارض و مشکلات این دوران کاست و آن را به دوره ای مطلوب و لذت بخش تبدیل کرد. بنابراین پیشنهاد می شود که توجه بیشتر به امر سواد سلامت و سبک زندگی سالم در برنامه های ارتقاء سلامت سالمندان گنجانده شود.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، سالمند، سبک زندگی



اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) بر بهزیستی روان شناختی و تاب آوری زنان دیابتی نوع ۲

مریم نعمت‌اللهی^۱، سید علی آل یاسین^۲

^۱ کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی و احد خمین، ایمیل: maryamn1492@gmail.com
^۲ دکترای روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی خمین

زمینه و هدف: بیماری های مزمن برای مدت زمان طولانی باقی می ماند و روند پیشرفت آهسته ای دارند. دیابت شایع ترین بیماری مزمن متابولیک است که از طریق ناهنجاری در سوخت و ساز کربوهیدرات، پروتئین و چربی ها ایجاد می شود. تبعات منفی دیابت عمدتاً ناشی از مهارت های خود مراقبتی ضعیف است، لذا کیفیت انطباق فرد مبتلا و تبعیت او از یک سبک زندگی ساختارمند را می طلبد. از این رو در این مطالعه به بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) بر بهزیستی روان شناختی و تاب آوری زنان دیابتی نوع ۲ پرداخته شد

روش کار: طرح پژوهش حاضر به شیوه نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون می باشد. جامعه پژوهش کلیه زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ بود که به بیمارستان های شهرستان الیگودرز در شش ماهه اول سال ۱۳۹۷ مراجعه کرده بودند. با در نظر داشتن ملاک های ورود و خروج و به صورت نمونه گیری تصادفی ۱۸ بیمار انتخاب شدند. داشتن مهارت خواندن و نوشتن، عدم مشکل شنوایی و یا تکلم، عدم ابتلا به اختلالات حاد روانپزشکی همزمان، رضایت، گذشتن یک سال از بیماری دیابت ملاک های ورود به مطالعه در نظر گرفته شدند. در یک جلسه توجیهی برای کلیه بیماران فرایند درمان و ملاحظات اخلاقی به بیماران توضیح داده شد. در پایان جلسه به صورت تصادفی بیماران در دو گروه کنترل و شاهد قرار گرفتند. جلسات درمانی بر اساس بسته پذیرش و تعهد مطالعه ایزدی و عابدی به مدت ۱۰ جلسه به صورت گروهی و هفته ای یک جلسه به مدت انجام شد.

یافته ها: بر اساس تحلیل کوواریانس درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) بر بهزیستی روان شناختی و تاب آوری زنان دیابتی نوع ۲ اثربخش است. اثر گروه در متغیر بهزیستی روانشناختی و متغیر تاب آوری معنی دار می باشد.

نتیجه گیری: براساس یافته های به دست آمده از پژوهش درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) بر بهزیستی روان شناختی و تاب آوری زنان دیابتی نوع ۲ اثر دارد. بنابراین از این رویکرد می توان برای افزایش بهزیستی روانی و تاب آوری زنان مبتلا به دیابت نوع ۲ استفاده کرد.

واژگان کلیدی: پذیرش و تعهد، اکت، بهزیستی روان شناختی، تاب آوری، دیابت نوع ۲



بررسی میزان اثربخشی برنامه خودمراقبتی آرتریت روماتوئید بر روی افسردگی در زنان سالمند مبتلا به بیماری آرتریت روماتوئید: کار آزمایی تصادفی کنترل دار

نیر انورا^۱، حسین مطلبی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، رشته سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
^۲ دانشیار سلامت سالمندی، گروه آموزشی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ایمیل: hm1349@gmail.com

زمینه و هدف: افسردگی و آرتریت، مشکلات سلامتی ناتوان کننده و رایج در زمینه پیری هستند. شواهد، استفاده از برنامه آموزشی در زمینه افسردگی در زنان مسن مبتلا به آرتریت روماتوئید (RA) را حمایت می کند. این مطالعه باهدف بررسی میزان اثربخشی برنامه خودمراقبتی آرتریت روماتوئید بر روی افسردگی در زنان سالمند مبتلا به بیماری آرتریت روماتوئید در شهر تبریز طراحی و اجرا شد.

روش کار: در این مطالعه ۸۰ نفر از زنان سالمند مبتلا به RA به صورت تصادفی انتخاب شدند و بصورت تصادفی و مساوی به دو گروه مداخله و کنترل اختصاص داده شدند. گروه مداخله، یک برنامه آموزشی ۶ هفته ای را در کنار برنامه فعالیت فیزیکی گذراندند که هدف اصلی این جلسات افزایش دانش گروه هدف در زمینه افسردگی و افزایش اعتماد به نفس شرکت کنندگان در مدیریت و کنترل بیماریشان بود. ارزیابی ها قبل از مداخله در هفته ۱ و پس از مداخله، ۴-۵ ماه از زمان شروع مطالعه ثبت شد. جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه دموگرافیک و مقیاس افسردگی کوتاه (CES-D 10) بود.

یافته ها: کاهش معنی داری در افسردگی گروه مداخله نسبت به قبل از مداخله و گروه کنترل مشاهده شد. مقیاس افسردگی قبل از مداخله (۳/۰۷ ± ۵۳/۶۱) در گروه مداخله و (۲/۹۹ ± ۴۲/۵۶) در گروه شاهد بود. با این وجود، پس از مداخله، به میزان (۲/۱۱ ± ۳۷/۴۱) در گروه مداخله کاهش یافت، اما در گروه شاهد میانگین تغییر معنی داری (۲/۹۶ ± ۴۱/۵۶) نشان نداد. مقیاس افسردگی در گروه مداخله در مقایسه با گروه کنترل معنی دار بود. ($P < 0/001$) با این حال، تفاوت معنی داری در گروه شاهد وجود نداشت. در نتیجه، میانگین تفاوت در گروه مداخله به طور معنی داری بیشتر از گروه کنترل بود.

نتیجه گیری: یافته های تحقیق بالینی حاضر، نقش برنامه های خودمراقبتی آرتریت در ترکیب با برنامه های ورزشی را در تأثیر بر افسردگی در زنان مسن با RA نشان می دهد. اگر نتایج مطالعات آینده در افراد سالمند تأیید شود، استفاده از این برنامه آموزشی و حمایتی می تواند برای تقویت زنان مسن تر و کمک به آنها در مدیریت و کنترل افسردگی خود مفید باشد و می تواند راه را برای پیری فعال فراهم کند.

واژگان کلیدی: آرتریت روماتوئید، افسردگی، برنامه آموزشی خودمراقبتی، زنان سالمند



بررسی میزان اثربخشی برنامه خودمراقبتی آرتروز روماتوئید بر روی علائم بیماری آرتروز روماتوئید در زنان سالمند شهر تبریز: کار آزمایی تصادفی کنترل دار

نیر انور^۱، حسین مطلبی^۲، عبدالرسول صفائیان^۳، سوسن کلاهی^۴، حمید اله وردی پور^۵

^۱ کارشناسی ارشد، رشته سلامت سالمندی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۲ دانشیار سلامت سالمندی، گروه آموزشی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ایمیل: hm1349@gmail.com

^۳ مرکز ترافیک جاده، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۴ استاد گروه تحقیقات بیماری های بافت همبند روماتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۵ استاد ارتقاء سلامت، گروه آموزشی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: بیماران مبتلا به آرتروز روماتوئید از بسیاری از مشکلات فیزیکی، روانی و اجتماعی رنج می برند که موجب ناتوانی می شود. برای مقابله با این شرایط و جلوگیری از عوارض ناشی از بیماری، آنها باید مهارت های مراقبت از خود را یاد بگیرند. هدف از این مطالعه تعیین اثربخشی برنامه خودمراقبتی در زنان سالمند مبتلا به آرتروز روماتوئید بر روی علائم بیماری است.

روش کار: نمونه ها ۸۰ بیمار مبتلا به آرتروز روماتوئید مراجعه کننده به درمانگاه روماتولوژی بودند که به روش تصادفی وارد مطالعه شدند و بصورت تصادفی به گروه مداخله و گروه کنترل تقسیم شدند. گروه مداخله، برنامه خودمراقبتی ۶ هفته ای را که شامل بخش های آموزشی و ورزشی بود، دریافت کرد. ارزیابی ها قبل از مداخله و پس از مداخله، ۵-۴ ماه از زمان شروع ثبت شد. جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه دموگرافیک، مقیاس شدت درد (VAS)، مقیاس خودکارآمدی (عملکرد و سازگاری با درد) و یک سوال از خود در مورد قابلیت حرکتی بود.

یافته ها: نتایج نشان دهنده بهبود خودکارآمدی عملکرد و سازگاری با درد در مقایسه با قبل از مداخله و گروه شاهد بود ($p=0/001$). میانگین شدت درد به ترتیب در گروه مداخله در مقایسه با گروه شاهد ($p=0/498$) و نیز در گروه شاهد ($p=0/092$) از لحاظ آماری معنی دار نبود. در گروه مداخله، تغییرات معنی داری در قابلیت حرکتی دیده نشد ($p=0/362$) و نیز هیچ تغییر آماری معنی داری در گروه شاهد دیده نشد ($p=0/246$).

نتیجه گیری: در گروه مداخله نسبت به قبل از مداخله و گروه شاهد، بهبود معناداری در خودکارآمدی مشاهده شد. مطالعه ما نشان داد که برنامه آموزشی که در ترکیب با مداخلات ورزشی برای بیماران سالمند مبتلا به بیماری آرتروز روماتوئید مورد استفاده قرار می گیرد، می تواند منجر به افزایش خودکارآمدی شود. اگر نتایج توسط مطالعات آینده تایید شود، استفاده از این برنامه آموزشی می تواند مفید باشد تا باعث توانمند سازی بیماران سالمند و کمک به آنها برای مدیریت بیماری خود شده و راه را برای سالمندی فعال هموار سازد.

واژگان کلیدی: آرتروز روماتوئید، برنامه خودمراقبتی، زنان سالمند، کار آزمایی تصادفی کنترل دار



راهکارهای فعالسازی خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از پرونده الکترونیک سلامت (EHR)

مصطفی صدری دلیک^۱، سعید تیموری^۲

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: یکی از مهمترین کاربردهای فناوری در گستره بهداشت و درمان ایجاد پرونده الکترونیک سلامت (EHR) است که در برگیرنده تمامی داده های ایجاد شده توسط ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی به فرد و ثبت آنها به صورت پرونده رایانه ای است. در واقع سلامت الکترونیک بحثی است نوپا و مشترک بین رشته های انفورماتیک پزشکی، بهداشت عمومی و کسب کار، که به ارائه خدمات و اطلاعات بهداشتی از طریق اینترنت و فناوری های مرتبط با آن اطلاق می شود. سیستم پرونده های الکترونیک باعث بهبود سطح داده های مراجعین به مراکز ارائه خدمات سلامت می شود و زمانی مفید واقع می شود که اطلاعات این پرونده ها قابل دسترسی توسط کلیه خدمت گیرندگان باشند. از مزیت های مهم و اصلی استقرار پرونده الکترونیک سلامت ارتقاء کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی و رضایت بیماران و مراجعین به این مراکز می باشد.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه مروری است که با بهره گیری از مقالات موجود در زمینه پرونده الکترونیک سلامت و روش های نوین ارائه خدمات سلامت در مراکز بهداشتی و درمانی به ارائه مهمترین راهکارهای فعالسازی خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از این پرونده ها می پردازد.

یافته ها: راه اندازی خدمات با استفاده از پرونده الکترونیک سلامت مستلزم صرف هزینه ها، هماهنگی و همکاری کلیه مجریان وابسته و مرتبط و برنامه ریزی اصولی مبتنی بر نیازهای خدمت گیرندگان می باشد.

نتیجه گیری: استاندارد سازی و تنظیم محتوای پرونده های الکترونیک سلامت متناسب با نیازهای خدمت گیرندگان با در نظر گرفتن مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، راهبری سیستم EHR با استفاده از نیروی انسانی آماده و آموزش دیده، جلب مشارکت همگانی و گسترش شبکه های مخابراتی و اینترنتی در جامعه از مهمترین راهکارهای فعالسازی خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از پرونده الکترونیک سلامت می باشد.

واژگان کلیدی: پرونده الکترونیک سلامت، EHR، کیفیت خدمات، خدمت گیرندگان، بهداشت و درمان



مروری بر مطالعات انجام شده در مورد ارتباط بین درآمد و نابرابری سلامت

آسیه نمازی^۱، دکتر عزت الله عباسیان^۲

^۱ دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشکده مدیریت رفاه، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت. ایمیل: anamazi55@yahoo.com
^۲ دانشیار اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان

زمینه و هدف: درآمد به عنوان یک تعیین کننده اجتماعی مؤثر بر سلامت افراد، موضوع مطالعات متعددی در سراسر جهان است. در ایران نیز به رغم بهبود قابل توجه در شاخصهای سلامت، وجود نابرابری در سطوح سلامت، موجب توجه بیشتر پژوهشگران به عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر وضعیت سلامت افراد شده است. مطالعه حاضر با هدف جمع بندی کلی نتایج مطالعات انجام شده در کشور با محوریت ارتباط بین درآمد و سلامت افراد انجام گرفته است

روش کار: این مطالعه از نوع مرور توصیفی و بررسی اسناد بود. به منظور جمع آوری داده‌ها، مقالات چاپ شده به زبان فارسی در دو پایگاه الکترونیکی بانک اطلاعاتی بزرگ کشور با واژگان کلیدی مربوط به سلامت و درآمد مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات انجام گرفته بر اساس معیارهای ورود، در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته ها: یافته های مطالعات مورد بررسی، رابطه معنیدار بین نابرابری درآمدی و شاخص سلامت را نشان دادند. همچنین شاخص های مخارج سرانه سلامت، افزایش درآمد سرانه (کاهش فقر نسبی) و شاخص آموزش تأثیر مثبت و معنی داری بر امید به زندگی داشتند. از طرف دیگر افزایش شهر نشینی، به افزایش هزینه های سلامت منجر خواهد شد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت سلامت در زندگی، سرمایه گذاری در این بخش، بایستی به عنوان یکی از اولویتهای مهم سیاستگذاری کشورها مورد توجه قرار بگیرد. همچنین اعمال سیاستهایی برای بهبود وضعیت شهرنشینی در مناطق شهری و فراهم کردن امکانات لازم در مناطق روستایی، برنامه ریزیهای مرتبط با حمایت از اقشار آسیب پذیر جسمی و مالی جامعه برای ارتقاء وضعیت سلامت ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: نابرابری درآمد، ضریب جینی، درآمد، سلامت، ایران



بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و افسردگی در سالمندان

محدثه براتی^۱، سارا استیری^۱، فاطمه استبصاری^۲

^۱ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: baratimohadese77@gmail.com
^۲ دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

زمینه و هدف: در میان اختلالات شایع روانی، افسردگی از شایع‌ترین مواردی است که می‌تواند همه گروه‌های جامعه از جمله سالمندان را دربرگیرد. درباره چگونگی رویارویی با این اختلالات، چندین مفهوم وجود دارد. یکی از این مفاهیم، سلامت معنوی است که به عنوان یکی از ابعاد سلامت، سبب یکپارچگی سایر ابعاد آن می‌شود. اختلال در سلامت معنوی می‌تواند سبب آشفتگی و اختلالات روحی‌روانی، احساس تنهایی، افسردگی و از دست دادن معنا در زندگی شده و همچنین سازگاری با مشکلات و هماهنگی ساختارهای درونی بدن را کاهش می‌دهد.

روش کار: برای اطمینان از دقت اطلاعات ارائه شده، بررسی جامعی بر روی مقالات، بین سال‌های ۹۰ تا ۹۷ انجام شد. کلید واژه‌های مرتبط در پایگاه‌های Pubmed، Google scholar، SID، Scopus به زبان‌های فارسی و انگلیسی جستجو شد و از بین ۶۰ مقاله، ۱۲ مقاله که بالاترین همپوشانی را با موضوع داشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: سلامت معنوی در سالمندان باعث ایجاد یکپارچگی و تمامیت در آن‌ها گردیده و به زندگی این افراد، هدف و معنا می‌بخشد. سالمندانی که از سلامت معنوی برخوردار هستند، به طور موثرتری می‌توانند با بیماری و شرایط جدید زندگی خود سازگار شده و حتی مراحل آخر زندگی خود را به خوبی بگذرانند. سلامت معنوی با کیفیت زندگی بهتر، ارتقاء ابعاد مختلف سلامتی و مصونیت در برابر برخی بیماری‌ها همراه می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در مجموع می‌توان گفت معنویت و سلامت معنوی نقش عمده‌ای در سلامت روانی و جسمی افراد به خصوص سالمندان دارند و به عنوان راهکاری سودمند برای مقابله با مشکلات روانی به حساب می‌آیند. گنجاندن مداخلات مراقبت معنوی در برنامه مراقبتی سالمندان منجر به ارتقای سطح سلامت معنوی در این افراد می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با انجام پژوهش‌های مختلف در مورد این بعد از وجود انسان چه در سالمندان و چه در جامعه‌های دیگر، به شناساندن هرچه بیشتر اهمیت بعد معنوی به عنوان جزء اصلی و مرکزی در سلامتی انسان تلاش کنند.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، افسردگی، سالمندان



بررسی تأثیر سلامت معنوی بر سلامت روان در پرستاران: مطالعه مروری

محدثه براتی^۱، سارا استیری^۱، فاطمه استبصاری^۲

^۱ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: baratimohadese77@gmail.com
^۲ دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

زمینه و هدف: پرستاران بزرگترین بخش از نیروی انسانی نظام سلامت را تشکیل می‌دهند و نقش اساسی در تداوم، مراقبت و ارتقای سلامت بیماران دارند. بنابراین باید از سلامت جسمانی و روانی بالایی برخوردار باشند. سلامت روان را حالت سازگارانه، نسبتاً خوب، احساس بهزیستی و شکوفایی و استعدادهای شخص تعریف نموده‌اند. این اصطلاح عموماً برای کسی به کار می‌رود که در سطح بالایی از سازگاری و انطباق عاطفی عمل می‌کند و نه کسی که صرفاً بیمار نیست. ارتباطات زیادی بین معنویت، بهزیستی روانشناختی و سازگاری وجود دارد ولی به اعتقاد کینگ راهبردهای مقابله‌ای و تکنیک‌های حل مشکل با استفاده از معنویت، در واقع کاربردهای سازگارانه هوش معنوی می‌باشد. هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که موجب افزایش انطباق‌پذیری و در نتیجه سلامت روان افراد می‌شود.

روش کار: برای اطمینان از دقت اطلاعات ارائه شده، بررسی جامعی بر روی مقالات، بین سال‌های ۹۰ تا ۹۷ انجام شد. کلید واژه‌های مرتبط در پایگاه‌های Pubmed، Google scholar، SID، Scopus به زبان‌های فارسی و انگلیسی جستجو شد و از بین ۶۰ مقاله، ۱۰ مقاله که بالاترین همپوشانی را با موضوع داشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داده‌اند که بین سلامت معنوی و ابعاد آن یعنی سلامت مذهبی و سلامت وجودی با سلامت روانی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. پرستاران ممکن است با برخی عوامل استرس‌زا و تهدیدکننده سلامت روان همچون مشکلات بیماران، پاسخگویی به سوالات گاه و بیگاه همراهمان بیمار، شیفت‌های کاری مختلف، فرسودگی شغلی و... مواجه باشند در حالیکه سلامت معنوی به عنوان سپری در برابر مشکلات و ناراحتی‌های افراد قرار گرفته و به صورت ضربه‌گیر عمل می‌کند و با افزایش خودآگاهی، ایجاد ارتباط و پیوند با اطرافیان و دریافت حمایت اجتماعی از سوی دیگران، افزایش حس اطمینان، معنی و هدف در زندگی و مقابله و سازگاری موثر با مشکلات روانی و جسمانی در کنار دیگر مولفه‌های مرتبط با سلامت روانی، موجب بهبود و ارتقای بهزیستی افراد شده و سطح سازگاری افراد با رویدادهای زندگی به خصوص تنش‌های روزمره زندگی را افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج تحقیقات، پیشنهاد می‌شود که متخصصان و مدیران فعال در حوزه سلامت روان در جهت کاهش مشکلات روانشناختی و و ارتقاء سطح سلامت روان پرستاران بر نقش متغیرهایی نظیر سلامت معنوی، معنا در زندگی، بهزیستی معنوی و وجودی در کنار دیگر متغیرهای موثر بر سلامت جسمی و روانی بیشتر توجه کنند.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، سلامت روان، پرستاری



تأثیر به کارگیری الگوی خودمراقبتی اورم بر بهبود کیفیت خواب بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس

فاطمه سلیمان آبادی^۱، سحر سلیمان آبادی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران. ایمیل: fsoleimanabadi@gmail.com.

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

زمینه و هدف: مولتیپل اسکلروزیس یک بیماری خود ایمنی مزمن، پیشرونده و شایع دمیلائینزاسیون سیستم عصبی مرکزی است که در حال حاضر ۲/۵ میلیون نفر در جهان مبتلا به آن هستند. اختلالات خواب از شایعترین شکایات این بیماران است که تاثیر زیادی بر عملکرد و زندگی آنها دارد. لذا بکارگیری روش‌های خودمراقبتی برای این بیماران حائز اهمیت است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر به کارگیری الگوی خودمراقبتی اورم بر کیفیت خواب بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس انجام شد.

روش کار: مطالعه مروری حاضر با جستجوی مقالات به زبان فارسی و انگلیسی (۱۹۹۸ تا ۲۰۱۸) از پایگاه های اطلاعاتی Iran doc، Sid، Science direct، PubMed با کلید واژگان "خودمراقبتی"، "کیفیت خواب"، "الگوی خود مراقبتی اورم" و "مولتیپل اسکلروزیس" انجام شد. از میان مقالات یافته شده ۸ مقاله واجد شرایط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه اختلالات خواب افراد مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس در ایران، نشان داده بیش از ۸۷٪ افراد مبتلا، نوعی اختلال خواب را تجربه کرده اند. افرادی که اختلال خواب دارند نه تنها از خستگی، بلکه از اشکال در ترمیم سلولی، نقص در حافظه و یادگیری، افزایش استرس و اضطراب و کاهش کیفیت زندگی نیز رنج می برند. پژوهشها نشان داده‌اند برنامه اجرا شده جهت بهبود کیفیت خواب بیماران مولتیپل اسکلروزیس، مطابق با الگوی خودمراقبتی اورم، (با استفاده از تکنیک های آرام سازی و مدیریت موثر نشانه های رایج بیماری مثل درد، اسپاسم و مثانه نوروزنیک) موفق بوده، همچنین بهبود علائم دستگاه ادراری و اسپاسم و ضعف عضلانی را تا حدودی می توان به احتمال تأثیر مثبت مداخله در حیطه برنامه خودمراقبتی اورم دانست که خود سبب کمک به بهبود کیفیت خواب بیماران می شود.

نتیجه گیری: بایستی آموزشهای خودمراقبتی به بیماران مولتیپل اسکلروزیس توسط پرستاران و براساس الگوهایی که قادر به ترغیب مددجو و توجه به همکاری بیمار در مراقبت از خود می باشند، جهت ارتقاء سلامت جامعه، کاهش هزینه های درمانی و پیشرفت کیفیت خواب ارائه گردد. همچنین مسئولین وزارت بهداشت و سایر ارگانهای مربوطه شرایطی فراهم آورند که ضمن پیگیری مشکلات این بیماران، به تقویت انجمن های آموزشی و حمایتی، کلینیک های ویژه آموزش خودمراقبتی و تشویق بیماران به انجام فعالیت‌های خودمراقبتی توجه نمایند.

واژگان کلیدی: مولتیپل اسکلروزیس، کیفیت خواب، الگوی خود مراقبتی اورم، خودمراقبتی



مقایسه اثربخشی رژیم های ترکیبی دوز ثابت با رژیم های مجزا در درمان بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت - یک کار آزمایی بالینی تصادفی شده

سعید فلاح^۱، وحیده رئیسی^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: s.fallah@goums.ac.ir
^۲ پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زمینه و هدف: رژیم های ترکیبی با دوز ثابت و رژیم های مجزا دو رژیم مطرح در درمان بیماران مسلول هستند. از آنجا که کارآمدی درمان از اصول بنیادین کنترل بیماری سل است، لذا در این مطالعه اثربخشی این دو نوع رژیم دارویی در درمان بیماری سل مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار: مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی تصادفی شده، بر روی ۳۳۱ نفر از بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت انجام شد. تخصیص بیماران به گروه های مداخله و غیر مداخله بصورت تصادفی و درمان بیماران مطابق با پروتکل ملی مبارزه با سل ایران انجام شد. گروه مداخله با داروهای ترکیبی و گروه غیر مداخله با داروهای مجزا درمان شدند. میزان تبدیل اسمیر خلط بیماران در دو گروه درمانی از مثبت به منفی در پایان ماه های دوم، سوم و چهارم و همچنین نتیجه درمان در پایان ماه پنجم یا ششم در دو گروه مقایسه و تحلیل شد.

یافته ها: میزان تبدیل اسمیر خلط از مثبت به منفی در گروه های مداخله و غیر مداخله در پایان ماه دوم درمان به ترتیب ۷۰/۲ درصد و ۶۵ درصد، در پایان ماه سوم به ترتیب ۸۶/۳ درصد و ۹۰ درصد و در پایان ماه چهارم درمان به ترتیب ۹۴ و ۹۶ درصد گزارش گردید. میزان رخداد موفقیت در پایان دوره درمان نیز در گروه مداخله ۹۵،۳ درصد و در گروه غیر مداخله ۱۰۰ درصد بود.

نتیجه گیری: در فاز حمله ای درمان، داروهای ترکیبی اثربخشی برابر با داروهای مجزا دارند، اما موفقیت درمان شش ماهه که ملاک درمان بیماران محسوب می گردد، در داروهای مجزا بالاتر است.

واژگان کلیدی: بیماری سل، داروهای ترکیبی، داروهای مجزا



بررسی تأثیر صندوق‌های بازنشستگی بر کیفیت زندگی سالمندان شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی، سال ۱۳۹۷

هادی صدیقیان^۱، محمود یوسفی^۲، حسین مطلبی^۳

^۱ قطب علمی و آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۲ گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ شبکه بهداشت و درمان ورزقان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: hm1349@gmail.com

زمینه و هدف: در حال حاضر سالمندان، بیش‌ترین نرخ رشد جمعیتی را در دنیا در مقایسه با سایر گروه‌ها دارند. با توجه به افزایش شاخص طول عمر و امید به زندگی، مسئله مهم‌تری تحت عنوان چگونگی گذران عمر و به عبارتی کیفیت زندگی مطرح شده است که پرداختن به این موضوع ذهن صاحب‌نظران و محققین در امور سالمندی را به خود جلب نموده است پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر صندوق‌های بازنشستگی بر کیفیت زندگی سالمندان شهر تبریز انجام شد.

روش کار: این پژوهش از نوع مقطعی و توصیفی-تحلیلی بود که بر روی ۲۱۹ نفر، باهدف بررسی کیفیت زندگی سالمندان تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی در شهر تبریز انجام شد. نمونه موردنظر بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای (نسبتی) با توجه به توزیع اولیه جامع در سه نوع، صندوق پس از اخذ مجوز تحقیق به‌طور دقیق از هر صندوق انجام شد؛ و داخل طبقات نمونه‌گیری به صورت متوالی بود. برای سنجش کیفیت زندگی سالمندان از پرسشنامه کیفیت زندگی سالمندان (لیپاد) استفاده شد.

یافته‌ها: سطح کیفیت زندگی در سالمندان تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح متفاوت نیست ($P=0/123$). بین میانگین کیفیت زندگی بیمه‌شدگان بر اساس جنسیت تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ($P=0/87$). سطح کیفیت زندگی در سالمندان تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی بر اساس تعداد فرزندان متفاوت است ($P=0/005$). بین میانگین کیفیت زندگی بیمه‌شدگان متأهل و بیوه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/004$). بین بعد جسمی کیفیت زندگی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/47$). بین بعد خودمراقبتی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/57$).

بر اساس نتایج، بین بعد شناختی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/58$). بین بعد اضطراب و افسردگی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/45$). بین بعد اجتماعی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/06$). بین بعد جنسی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($P=0/44$). بر اساس نتایج، بین بعد رضایت از زندگی افراد بازنشسته بیمه‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/004$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج می‌توان با نظارت و ساماندهی وضعیت تأهل سالمندان بازنشسته، به افزایش کیفیت زندگی آنان کمک کرد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، سالمندان، صندوق‌های بازنشستگی



بررسی موانع اجرایی پرستاری جامعه محور از دیدگاه پرستاران بیمارستان گنجویان دزفول

در سال ۱۳۹۷

ضیاء سعدونی^۱، محمد نیکزادیان^۲، نوید فهیم^۳

^۱دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Ziyasadony@gmail.com

^۲کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: مراقبت خانواده محور روشی است برای برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی مراقبت بهداشتی که از طریق مشارکت های مفید دو طرفه بین مراقبت کنندگان، بیماران و خانواده ها کنترل می شود. بنابراین هدف از این مطالعه تعیین موانع اجرایی پرستاری جامعه محور از دیدگاه پرستاران بیمارستان گنجویان دزفول در سال ۱۳۹۷ می باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی می باشد. نمونه های پژوهش ۲۲۰ پرستار بیمارستان گنجویان دزفول می باشند. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده انجام گردید. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه محقق ساخته "پرستاری جامعه محور" با انجام روایی و پایایی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، مجذور کای و آزمون T-test) و واریانس یک طرفه تحلیل شدند.

یافته ها: در اطلاعات توصیفی میانگین سن و سابقه کاری پرستاران مورد مطالعه به ترتیب برابر با $30/8 \pm 3/7$ و $7/5 \pm 4/4$ سال بود. در اطلاعات تحلیلی؛ "مجهز و آماده نبودن بخش های مختلف برای اجرای مراقبت خانواده محور (۷۳٪)"، "مشکلات خانوادگی، خانواده ها (۷۱٪/۵)"، "عدم تمایل خانواده ها به حضور طولانی مدت در بخش (۶۷٪/۴)" و "نبودن حدود قانونی برای میزان دخالت بقیه اعضای خانواده در امر مراقبت از بیماران (۶۲٪)" به ترتیب بیشترین عواملی بودند که بیشترین نقش را در ممانعت از اجرای مراقبت خانواده محور در بخش های بیمارستان گنجویان دزفول را داشتند.

نتیجه گیری: طبق نتایج بدست آمده از این پژوهش، دیدگاه پرستاران مبنی بر این است که رفتار خانواده ها و نبود امکانات کافی از موانع اصلی اجرای پرستاری جامعه محور می باشد لذا پیشنهاد می شود که دولت امکانات کافی جهت اجرای پرستاری خانواده محور را در اختیار بیمارستان ها قرار دهند و همچنین در سطح جامعه، آموزش جامع و برنامه ریزی جهت فرهنگ سازی و ارتقاء آموزش عمومی در دستور کار دستگاه های اجرایی و درمانی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پرستاری جامعه محور، پرستاری، دیدگاه، موانع



مقایسه میزان رضایت زناشویی در زنان سالم و زنان مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به

بیمارستان امام حسن مجتبی(ع) دزفول سال ۱۳۹۷

مهسا مرادپور دزفولی^۱، نوید فهیم^۱، ضیاء سعدونی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian115@chmail.com

زمینه و هدف: رضایت زناشویی یکی مهم ترین و رایج ترین ملاک های ارزیابی سلامت خانواده است که می تواند انعکاسی از میزان خوشحالی افراد از روابط سالم زناشویی شان باشد. هدف از این مطالعه مقایسه میزان رضایت زناشویی در زنان سالم و زنان مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به بیمارستان امام حسن مجتبی(ع) شهرستان دزفول بود.

روش کار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر از بیماران مبتلا به سرطان پستان و ۵۰ نفر از زنان سالم خارج از بیمارستان) انجام شد. روش نمونه گیری به روش در دسترس بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری تی مستقل، تی زوجی و کای اسکوئر استفاده گردید ($P < 0/05$).

یافته ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه $42/63 \pm 3/99$ بود. با توجه به نتایج به دست آمده بین رضایت زناشویی زنان مبتلا به سرطان پستان و زنان عادی ($P < 0/001$)، همچنین بین سازگاری زناشویی دو گروه ($p < 0/001$) ارتباط معنی داری مشاهده شد که نشان دهنده سازگاری زناشویی بیشتر زنان سالم نسبت به زنان بیمار است، سطح همبستگی بین زوجین در دو گروه ($P < 0/029$) ارزیابی شد و همچنین میان ابراز محبت بین زوجین سالم در مقایسه با زوجین دارای همسر بیمار ($P < 0/030$) ارتباط معنی داری وجود داشت. نمره کلی میانگین رضایت زناشویی در زنان بیمار $145/89 \pm 17/14$ و در زنان سالم $168/51 \pm 24/36$ بود که به صورت کلی نتایج نشان دهنده پایین تر بودن رضایت زناشویی زنان بیمار نسبت به افراد سالم بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این پژوهش رضایت زناشویی در زنان بیمار به نسبت کمتر از زنان سالم بود که به نظر می رسد باید بیماران و همسران آنها از لحاظ روانشناسی مورد حمایت و مشاوره های روانشناسی و زناشویی قرار گیرند، همچنین تلاش برای افزایش اعتماد به نفس و خود باوری، به نوبه خود می تواند گام موثری در راستای ارتقاء رضایت زناشویی در بیماران باشد.

واژگان کلیدی: سرطان، سرطان پستان، رضایت زناشویی



رابطه بین تله نرسینگ و آموزش به بیماران مزمن: مروری سیستماتیک

علی شاهوردی^۱، رضا یار احمدی^۲، فردین حیدری^۲، فاطمه محمدی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران. ایمیل: ali.shahverdi1997@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۳ استادیار، دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زمینه و هدف: بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور انتظار می رود در سال ۱۴۲۰ حدود ۲۷٪ جمعیت کشور بالای ۶۰ سال باشند، و این در حالی است که اغلب افراد مسن بالای ۶۰ سال مبتلا به یک یا چند بیماری مزمن می باشند. لذا مراقبت از این جامعه نیازمند به کارگیری شیوه های جدید آموزش است. پرستاری از راه دور یا تله نرسینگ سبکی نوین در آموزش به بیماران مزمن با استفاده از وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت، تلفن و ویدئو می باشد. هدف از این مطالعه مروری بررسی رابطه بین تله نرسینگ و آموزش به بیماران مزمن می باشد.

روش کار: این جستجو در پایگاه های داده ای Iran medex ، magiran، Scopus، sid، Google scholar، Pubmed با واژگان کلیدی تله نرسینگ، آموزش به بیماران و بیماری های مزمن به صورت فارسی و لاتین انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه براساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر سه متغیر تله نرسینگ، آموزش به بیماران و بیماری های مزمن در خلاصه مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸-۲۰۰۰) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۲ مقاله، تعداد ۲۹ مقاله انتخاب و از آنها استفاده گردید.

یافته ها: طبق مطالعات انجام شده، تله نرسینگ برای بیماران مبتلا به بیماری های مزمن میتواند باعث خود کار آمدی و بهبود وضعیت سلامت فرد شود. همچنین آموزش به بیماران مزمن به وسیله تله نرسینگ سبب کاهش درخواست پذیرش در بیمارستان، کاهش هزینه ها، افزایش رضایتمندی بیماران و بهبود کیفیت زندگی بیماران شده است. در یکی از مطالعات بیان شده بود که آموزش به وسیله تله نرسینگ در خانم ها موثرتر است. گروهی از مطالعات بر این نکته تاکید داشتند که تله نرسینگ به عنوان مکمل آموزش های معمولی موثرتر واقع خواهد شد.

نتیجه گیری: نتایج کلی مطالعات نشان می دهد که تله نرسینگ دارای اثرات مثبت جهت آموزش به بیماران مزمن می باشد. با توجه به پیشرفت جوامع پیشنهاد میشود وزارت بهداشت و درمان و بخش های خصوصی به دنبال ایجاد یک مدل تله نرسینگ جامع برای تمام بیماران مزمن در نقاط مختلف کشور باشند.

واژگان کلیدی: تله نرسینگ، آموزش به بیماران، بیماری های مزمن



تأثیر مصرف کورکومین در درمان کبد چرب در بیماران دیابتی نوع ۲: مروری سیستماتیک

سپیده میثاقی^۱، فردین حیدری^۱، فاطمه محمدی پور^۲

^۱دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۲دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۳استادیار، دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

سابقه و هدف: از شایعترین بیماری های مزمن و بزرگترین مشکل بهداشت جهانی دیابت می باشد. این اپیدمی خاموش مسئول ۹ درصد کل مرگها در جهان می باشد. یکی از بیماری هایی همراه با دیابت نوع ۲، کبد چرب می باشد. کبد چرب غیرالکلی (NAFLD) حالتی شایع است که طیف وسیعی از آسیب های کبدی را شامل می شود. کورکومین ماده مؤثره گیاه زردچوبه است و عامل اصلی رنگ طلایی زردچوبه می باشد. هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین مصرف کورکومین در درمان کبد چرب در بیماران دیابتی نوع ۲ می باشد.

روش کار: این جستجو در پایگاه های داده ای Pub med، Google scholar، Scopus، sid، Iran medex، magiran با واژگان کلیدی کبد چرب، دیابت نوع ۲، کورکومین و زرد چوبه به صورت فارسی و لاتین انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه بر اساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر سه متغیر در مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸-۲۰۰۰) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و در نهایت از ۶۲ مقاله، استفاده گردید.

یافته ها: بر اساس مطالعات انجام شده شیوع کبد چرب در بیماران دیابتی در حال افزایش است و اگر این بیماران کنترل نشوند حدود ۵۵٪ به سیروز کبدی مبتلا خواهند شد. گروهی از مطالعات اثرات ضد سیروزی زردچوبه را نشان داده اند، همچنین ادعا شده است که کورکومین مانع از تجمع اسید های چرب در سلول های کبدی می شود و از طرفی محرک فعالیت آنتی اکسیدان ها است.

نتیجه گیری: از آنجایی که هیچ درمان دارویی قطعی برای کبد چرب در بیماران مبتلا به دیابت شناخته نشده است توصیه می شود مطالعاتی با جامعه اماری بالا و کیفیت بهتر توسط دیگر محققان انجام شود شاید کورکومین حلقه گم شده در مان کبد چرب در بیماران دیابتی نوع ۲ باشد.

واژگان کلیدی: کبد چرب، دیابت نوع ۲، کورکومین، زرد چوبه



تأثیر ویتامین D بر تسکین درد در بیماران مبتلا به فیبرومیالژیا: مرور سیستماتیک

سپیده میناچی^۱، فردین حیدری^۱، فاطمه محمدی پور^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران. ایمیل: sepidehmisaghi@gmail.com

^۲ استادیار، دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زمینه و هدف: فیبرومیالژیا یک سندرم مزمن است که از مشخصه‌های آن دردهای گسترده عضلانی-اسکلتی به همراه علائم سایکولوژیک است. این بیماری یک اختلال ناتوان‌کننده با شیوع بالا است و فراوانی آن در زنان بیشتر می‌باشد. ویتامین D، ویتامینی محلول در چربی است که تابش باند UVB نور خورشید باعث آغاز فرایند ساخت آن می‌شود. این ویتامین نقش‌های مهمی در سیستم عضلانی-اسکلتی انسان برعهده دارد. هدف از این مطالعه تعیین اثر ویتامین D بر تسکین درد در مبتلایان به فیبرومیالژیا است.

روش کار: این جستجو در پایگاه‌های داده‌ای Pub med، sid، Scopus، magiran، Iran medex با کلیدواژه‌های سندرم فیبرومیالژی، ویتامین D، درد، pain و fibromyalgia syndrome در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه براساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر دو متغیر تالاسمی ماژور و اختلال تحمل گلوکز در خلاصه مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸-۲۰۰۰) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۸ مقاله، تعداد ۴۶ مقاله پس از ارزیابی کیفیت انتخاب و در مطالعه حاضر از آنها استفاده گردید.

یافته‌ها: اکثر پژوهش‌ها هاپیو ویتامینوز D را در مبتلایان به فیبرومیالژیا گزارش دادند و اینکه سطوح پایین ویتامین D، باعث بالا رفتن حساسیت مرکزی و افزایش درد در اثر تحریک مکانیکی در مبتلایان به این سندرم می‌شود. در گروهی از مقالات شواهدی مبنی بر تأثیر ویتامین D بر کاهش درد منتشره در بیماران فیبرومیالژیا دیده شد، اما در دسته دیگری از مطالعات، ارتباطی بین فیبرومیالژی با کمبود ویتامین D، پیدا نشد و بعد از مصرف مکمل‌های ویتامین D بهبودی حاصل نگردید.

نتیجه‌گیری: اکثر مطالعات انجام شده بر تأثیر ویتامین D در پیشگیری از ابتلا و همچنین تسکین درد در مبتلایان به سندرم فیبرومیالژیا صحت می‌گذارند. به طور کلی، استفاده از مکمل‌های ویتامین D و قرار گرفتن بدون حفاظ در معرض آفتاب توصیه می‌شود. پاسخ قطعی به این چالش نیازمند مطالعات گسترده‌تر در مناطق مختلف با شرایط اقلیمی متفاوت است.

واژگان کلیدی: سندرم فیبرومیالژیا، تسکین درد، ویتامین D



بررسی کیفیت زندگی و تاثیر حمايت اجتماعي در روند بهبود بيماران مبتلا به نارسايي قلبي شهرستان شوشتر

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Donya_hafezi@yahoo.com
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

سابقه و هدف: ارسایی احتقانی قلب یک شرایط مزمنوشایعترین علت مراجعه به بیمارستان هادر افراد ۶۵ سال یابیشتر می باشد کهموجب کاهش سطح کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به آن میشود. کیفیت زندگی ارتباط نزدیکی با پیامدهای بالینی از جمله بستری مجدد و وقوع مرگ ومیر دارد. از این جهت، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر حمايت عاطفی و اجتماعي در روند بهبود بیماران مبتلا به نارسایی قلبی مراجعه کننده به بیمارستان خاتم شوشتر انجام گردید.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. نمونه پژوهش ۷۵ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی قلبی مراجعه کننده به بیمارستان خاتمبودند که با استفاده از دو پرسشنامه استاندارد، از لحاظ حمايت اجتماعي درک شده و کیفیت زندگی جهانی (WHOQOL-BREF) بررسی شدند. داده های جمع آوری شده با نرم افزار SPSS-16 و آزمون های آماری کای دو، t و ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از مجموع ۷۵ بیمار مبتلا به نارسایی قلبی ۴۸ نفر مذکر (۶۴٪) بودند و میانگین سنی افراد $10/3 \pm 61/4$ سال بود. ابعاد مختلف کیفیت زندگی از قبیل بعد فیزیکی (۰/۳۵/۶) بعد اجتماعي - اقتصادی (۰/۲۰/۹) بعد هیجانی (۰/۵/۸) و کل کیفیت زندگی (۰/۵۸) عمدتاً در سطح پایین تا متوسطی قرار داشتند. همه ابعاد حمايت اجتماعي درک شده با کیفیت زندگی بیماران مبتال به نارسایی قلبی ارتباط معناداری داشت ($P=0/012$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که حمايتهای اجتماعي درک شده بر روند بهبود بیماران مبتال به نارسایی قلبی و کیفیت زندگی آنها تاثیر مثبتی گذاشته و به دوستان و خانواده ی بیمار توصیه می شود بیماران خود را حمايت اجتماعي و عاطفی کنند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، حمايت اجتماعي، نارسایی قلبی

بررسی سلامت معنوی در زندگی پرستاران: مرور سیستماتیک

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: donya_hafezi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

سابقه و هدف: سلامت معنوی ابعاد مختلف زندگی را با همدیگر هماهنگ کرده و کارکرد روانی و سازگاری را تقویت می کند. کیفیت زندگی می تواند تحت تاثیر عوامل روحی- روانی و محیط های شغلی قرار گیرد. سلامت معنوی و فعالیت های مذهبی به عنوان یک منبع مهم در سازگاری با مشکلات ناشی از بیماری ها نیز شناخته شده اند. این مطالعه به بررسی سلامت معنوی در زندگی پرستاران می پردازد.

روش کار: مرور متون در پایگاه های اطلاعاتی Scholar Google، direct Science، Scopus، Pubmed، Medline از سال ۲۰۱۷-۱۹۹۸ با واژگان کلیدی سلامت معنوی، فعالیت مذهبی، پرستاران انجام گرفت. ۴۰ مقاله یافت شد که مورد بررسی قرار گرفتند و پس از ارزیابی تعداد ۱۵ مقاله انتخاب شد و در این مطالعه استفاده گردید.

یافته ها: میانگین سنی افراد تحت پژوهش $32/52 \pm 7/2$ و سابقه کاری $6/9 \pm 8/66$ سال بود $34/8\%$ را آقایان و $65/2\%$ را خانمها تشکیل می دادند. رگرسیون چندگانه نشان داد که سلامت معنوی با ابعاد مختلف کیفیت زندگی ارتباط مثبت و معنی داری دارد. آزمون رگرسیون لجستیک نشان داد که با افزایش ۱۰ درصد به نمره سلامت معنوی، نسبت شانس کیفیت زندگی خوب، $1/781$ برابر خواهد بود. استفاده از راهبردهای مقابله مذهبی در دو جنس تفاوت معناداری نداشت. با افزایش سن سلامت معنوی نیز بیشتر می شد و این رابطه از نظر آماری معنادار بود.

نتیجه گیری: سطوح بالای سلامت معنوی با ابعاد مختلف کیفیت زندگی ارتباط مثبت و معنی داری داشت.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، کیفیت زندگی، پرستاران، فعالیت مذهبی



بررسی دلیل سرطان پستان و شیوع آن در پرستاران: مروری سیستماتیک

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Donya_hafezi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

سابقه و هدف: سرطان یک بیماری مزمن و از بزرگترین مشکلات نظام جهانی سلامت محسوب می شود. در این بین سرطان پستان شایع ترین سرطان در خانم ها می باشد که بعد از سرطان ریه رایج ترین علت مرگ در اثر سرطان در سنین ۴۵-۵۵ سالگی محسوب می شود. طبق آخرین تحقیقات، تغذیه مناسب و سلامت جسمانی رابطه مستقیمی با سرطان پستان دارند. در این مقاله علت بروز سرطان پستان در پرستاران به عنوان افرادی با مشغله کاری زیاد و به دنبال آن توجه کمتر به مسئله مراقبت فردی و تغذیه مورد بررسی قرار گرفتند.

روش جستجو: مرور متون در پایگاه های اطلاعاتی Direct Science, Scopus, Pubmed, Medline و Scholar Google از سال ۲۰۱۷-۱۹۹۸ به زبان انگلیسی و با واژگان کلیدی nurse, cancer, breast cancer و به زبان فارسی با واژگان کلیدی سرطان سینه، سرطان و پرستار انجام گرفت. ۴۰ مقاله یافت شد که مورد بررسی قرار گرفتند و پس از ارزیابی تعداد ۱۵ مقاله انتخاب شد و در این مطالعه استفاده گردید.

یافته ها: استعمال سیگار به مدت بیش از یکسال به طور قابل ملاحظه ای منجر به افزایش ابتلای زنان به سرطان سینه می گردد. خطر ابتلا به سرطان در خانم هایی با وزن بالا در مقایسه با خانم های با وزن متعادل حدود ۲۵٪ بیشتر است. دریافت مکمل ویتامین D و قرار گرفتن در معرض اشعه فرابنفش خورشید اثر محافظتی در برابر بروز سرطان پستان دارند که پرستاران با ساعات شیفت های سنگین بهره کمتری از نور خورشید می برند. عامل دیگر مصرف کافئین است که اکثر پرستاران در شیفت شب و برای بیدار ماندن مصرف میکنند.

نتیجه گیری: کشور ما به برنامه ریزی برای آگاه کردن مردم با عوامل خطرزای سرطان سینه در راستای پیشگیری سطح اول نیاز دارد که مقرون به صرفه ترین گام در راستای کنترل و کاهش آمار شیوع سرطان سینه می باشد و با توجه به اینکه ارتباط معناداری بین سرطان پستان و پرستاران یافت شد نیاز به توجه بیشتر به پرستاران است.

کلمات کلیدی: سرطان سینه، پرستاران، مرور سیستماتیک

راهکارهای موثر برای افزایش امید در بیماران مبتلا به سرطان

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Donya_hafezi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

سابقه و هدف: بیماران مبتلا به سرطان با مشکلات فراوانی روبرو هستند که منجر به کاهش امید آنها می شود. امید یک احساس پیچیده چند بعدی و قوی و تاثیرگذار در بهبود بیماران مبتلا به سرطان و عوارض آن است. تقویت سطح امید در این بیماران یک اقدام مهم است و با نتایج رضایت همراه است. این مطالعه با هدف ارزیابی راهبردهای موثر برای افزایش امید در بیماران مبتلا به سرطان انجام شد.

روش جستجو: این مطالعه در پایگاه داده های عمومی مانند Google Scholar و به طور خاص پایگاه های داده ای مانند Web of Science، Science Direct و PubMed با استفاده از کلمات کلیدی مانند امید، استراتژی، سرطان، حمایت عاطفی و مشاوره در مقالاتی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ بررسی شد. در کل ۲۵ مقاله یافت شد که با توجه به مطالعه خلاصه مقالات، تعداد ۸ مقاله غیر مرتبط حذف گردید و در نهایت ۱۷ مقاله در این مطالعه بررسی شد.

یافته ها: راهکارهای موثر برای افزایش امید به بیماران مبتلا به سرطان دسته بندی شد. دسته ی اول درمان معنویت یا حضور رهبران مذهبی در یک بیمارستان یا کلینیک، برگزاری مشاوره های فردی و گروهی در بیماران بستری و مدیریت بحران در بیماران نا امید، دسته دوم راهبردهای اجتماعی مانند پشتیبانی خانوادگی و تشویق به برقراری ارتباط خانوادگی. دسته سوم راه های درمانی روانپزشکی از قبیل آموزش مهارت های مقابله با مشکلات و کمک به تنظیم روان شناختی با بیماری و تقویت مثبت، حمایتی باهدف افزایش خوشبینی و پذیرش بیماری در بیماران.

نتیجه گیری: راهکارهای امیدوارانه در بیماران در سبک های روان درمانی و مدیریت بحران و همچنین حضور رهبران مذهبی در بیمارستان مفید است.

واژگان کلیدی: راهکار، امید، بیمار، سرطان



بررسی رابطه بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی سالمندان شهر شیراز در سال ۱۳۹۷

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، اکرم همتی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: khalvatiz@yahoo.com
^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: سالمندی پدیده ای است که طی آن فرد دچار تغییرات جسمی، روحی، روانی، اجتماعی و ... می شود. امروزه جمعیت سالمندان جهان به طور چشمگیری در حال افزایش است. بنابراین توجه به کیفیت زندگی این افراد بیش از پیش حائز اهمیت است. از عوامل موثر بر کیفیت زندگی سالمندان می توان به سلامت معنوی اشاره کرد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و کیفیت زندگی سالمندان انجام شد.

روش کار: این مطالعه پژوهشی توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه ها ۱۴۰ نفر سالمند شامل ۶۸ نفر زن و ۷۲ نفر مرد به صورت تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه سلامت معنوی پولوتزین و الیسون و پرسشنامه کیفیت زندگی لیپاد بین افراد توزیع شد، سپس اطلاعات جمع آوری شدند و از طریق نرم افزار SPSS-16 مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان می دهد میانگین نمره کیفیت زندگی سالمندان و سلامت معنوی آنها به ترتیب ۴۹/۳۵ و ۸۸/۶۵ در حد متوسط بود. همچنین بین سلامت معنوی افراد و کیفیت زندگی آن ها ارتباط معناداری یافت شد $P=0/004$. همچنین نتایج نشان داد زنان کیفیت زندگی بهتری نسبت به مردان داشتند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد بین کیفیت زندگی سالمندان و سلامت معنوی آنها ارتباط معناداری وجود دارد لذا توجه به این امر در مراقبت از سالمندان از اهمیت خاصی برخوردار است.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، کیفیت زندگی، سالمندان



بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان سالمندان شهر شیراز در سال ۱۳۹۷

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، اکرم همتی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: khalvatiz@yahoo.com
^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: امروزه جمعیت سالمندان جهان رو به فزونی است. به همین دلیل توجه به حمایت های اجتماعی برای افزایش سلامت روان سالمندان بسیار اهمیت دارد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه ی حمایت اجتماعی و سلامت روان در سالمندان انجام شد.

روش کار: این مطالعه پژوهشی توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه ها ۱۰۰ نفر شامل ۵۱ زن ۴۹ مرد به طور تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه سلامت روان، پرسشنامه حمایت اجتماعی نوربک و پرسشنامه متغیرهای جمعیت شناختی بین افراد توزیع شد. اطلاعات جمع آوری و از طریق نرم افزار SPSS-16 مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان می دهد میانگین سن سالمندان ۷۱/۳۴ بود. همچنین میانگین سلامت روان ۵۷۷/۰۹ بدست آمد که وضعیتی مطلوب است. بین حمایت اجتماعی و سلامت روان ارتباط معناداری یافت شد ($P=۰/۰۲$).

نتیجه گیری: از آن جا که بین حمایت اجتماعی و سلامت روان ارتباط معناداری یافت شد، بهبود حمایت اجتماعی می تواند تاثیر مهمی بر سلامت روان سالمندان بگذارد. لذا لازم است برنامه ریزی های گسترده ای در این زمینه صورت گیرد.

واژگان کلیدی: حمایت اجتماعی، سلامت روان، سالمندان



رابطه بین سلامت معنوی و خودکارآمدی در زنان باردار شهر شیراز در سال ۱۳۹۷

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، اکرم همتی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: khalvatiz@yahoo.com
^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: سلامت معنوی به عنوان احساس رضایت بخش درونی و ارتباط موثر با خود و دیگران تعریف می شود که به معنادار کردن زندگی می انجامد. از طرفی خودکارآمدی اطمینان فرد در مورد توانایی های فردی است. سلامت معنوی و خودکارآمدی از مسائل مهم دوران بارداری محسوب می شوند. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و خودکارآمدی زنان باردار انجام شد.

روش کار: این مطالعه پژوهشی توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است. نمونه ها شامل ۱۰۰ نفر زن باردار به روش تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه سلامت معنوی الیسون و پولوتزین و پرسشنامه خودکارآمدی عمومی sherer بین افراد توزیع شد. داده ها جمع آوری و از طریق نرم افزار SPSS-16 مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین نمره خودکارآمدی زنان باردار ۷۵/۸۷ بدست آمد. نمره سلامت معنوی ۵/۶۵ درصد زنان متوسط و ۶/۴۳ درصد سلامت معنوی بالایی داشتند. بین سلامت معنوی و خودکارآمدی زنان ارتباط معناداری یافت شد $P=0.003$. هم چنین بین سلامت معنوی با سن ازدواج $p=0/001$ ، شغل $p=0/034$ و خودکارآمدی با سن ازدواج $p=0/004$ و زمان حاملگی $p=0/012$ ارتباط معناداری یافت شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان میدهد بین خودکارآمدی و سلامت معنوی ارتباط مستقیم وجود دارد. لذا توجه به ارتقای سلامت معنوی در زنان باردار در بهبود خودکارآمدی آنان مفید است.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، سلامت معنوی، زنان، بارداری

مقایسه سلامت معنوی در مادران دارای کودک سالم و مادران دارای کودک مبتلا به بیماری

مزمّن در شهر شیراز سال ۱۳۹۷

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، اکرم همتی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: khalvatiz@yahoo.com
^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: ابتلای کودک به بیماری مزمّن می تواند بر سلامتی مادر تاثیر منفی داشته باشد. سلامتی ابعاد مختلفی دارد. یکی از مهم ترین ابعاد آن سلامت معنوی نام دارد که امروزه مورد توجه محققین قرار گرفته است. لذا این مطالعه با هدف مقایسه سلامت معنوی در مادران دارای کودک سالم و مادران دارای کودک مبتلا به بیماری های مزمّن انجام شد.

روش کار: این مطالعه پژوهشی توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۲۰۰ مادر شامل ۱۰۰ مادر دارای کودک سالم و ۱۰۰ مادر دارای کودک بیمار انجام شد. پرسشنامه سلامت معنوی الیسون و پالوتزین بین افراد توزیع شد. داده ها جمع آوری و از طریق نرم افزار SPSS-16 مورد آنالیز قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج بدست آمده نشان می دهد که سلامت معنوی در گروه مادران دارای کودک سالم (۷۶/۸۷٪) به طور معناداری بیشتر از مادران با کودک بیمار (۴۳/۶۵٪) می باشد. همچنین دو گروه از نظر سلامت معنوی در ابعاد وجودی و مذهبی تفاوت آماری معناداری داشتند (P=۰/۰۳۲).

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد سلامت معنوی مادران دارای کودک سالم بالاتر از مادران دارای کودک بیمار است. بنابراین باید توجه ویژه ای به سلامت معنوی مادران دارای کودک بیمار شود.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، بارداری، بیماری مزمّن، کودکان



تأثیر کلاس های آمادگی برای زایمان در انتخاب نوع زایمان: مروری سیستماتیک

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، کبری دوستی فر^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۳ کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: kobra.dosti@yahoo.com

زمینه و هدف: زایمان یکی از حساس ترین خدمات بهداشتی و درمانی است و باید تلاش شود تا مانند سایر خدمات با کمترین هزینه و عوارض جسمی و روحی انجام پذیرد. بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش تعیین تأثیر کلاس های آمادگی زایمان در انتخاب نوع زایمان به منظور کاهش هر چه بیشتر این عوارض و هزینه های تحمیلی می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مقاله مروری سیستماتیک می باشد. ابتدا با استفاده از واژگان کلیدی زنان باردار، نوع زایمان، کلاس های آمادگی، زایمان و معادلهای مش شده آنها و با سرچ در پایگاه های اطلاعاتی Sid، Pubmed، Scopus، Web of science و موتور جستجوگر google scholar تعداد ۴۲ مقاله فارسی و انگلیسی در محدوده زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ که به صورت مطالعات توصیفی- مقطعی، نیمه تجربی، مداخله ای انجام شده بودند، به دست آمد. سپس بعد از مطالعه مقالات ۲۵ مقاله به دلیل عدم تطابق با موضوع مورد نظر، تکراری بودن، حذف گردید و در نهایت ۱۷ مقاله وارد مطالعه شدند.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعات ارتباط معناداری بین شرکت در کلاس های آمادگی زایمان و ترغیب زنان به زایمان طبیعی نشان داد ($P < 0.05$). همچنین شرکت در این کلاس ها می تواند در آگاهی و نگرش مادران و انتخاب نوع زایمان تأثیرگذار باشد و فاکتورهایی از قبیل توصیه پزشک، طول مدت بستری مادر در بیمارستان، شرایط زایمان، سن مادر، تحصیلات مادر و رضایت از زایمان می تواند در انتخاب نوع زایمان نیز مؤثر باشد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه این آموزش ها میتواند بر نگرش زنان نسبت به انتخاب نوع زایمان تأثیرگذار باشد، توصیه می شود سیاست گذاری های لازم در جهت برگزاری کلاس های آمادگی زایمان، افزایش کیفیت آنها و دسترسی آسان برای کلیه زنان باردار به عمل آورده شود و این کلاس ها به صورت گسترده تری در مراکز سلامت جامعه برگزار شود.

واژگان کلیدی: زنان باردار، آمادگی زایمان، نوع زایمان، کلاس های آمادگی



مزایای تغذیه انحصاری با شیر مادر و عوامل مؤثر در تداوم آن: مرور سیستماتیک

دنیا حافظی نیا^۱، زهرا خلوتی^۲، کبری دوستی فر^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی علوم تغذیه، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران
^۳ کارشناس ارشد آموزش بهداشت، گروه پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: kobra.dosti@yahoo.com

سابقه و هدف: تغذیه با شیر مادر خصوصاً در شش ماهه اول زندگی به عنوان بهترین فرم تغذیه ای نوزاد محسوب می شود که می تواند بر سلامتی مادر و رشد و تکامل جسمی و روحی نوزاد تأثیر بسزایی داشته باشد. لذا این مطالعه با هدف تعیین مزایای تغذیه انحصاری با شیر مادر و عوامل مؤثر در تداوم آن انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مروری سیستماتیک، مرور متون در پایگاه های داده ای فارسی و خارجی شامل SID، Magiran، Google Scholar، Pubmed، Scopus، Iran medex، با واژگان کلیدی شیر مادر، آغوز، تداوم شیردهی و معادل های مش شده آنها در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ انجام گردید و سرانجام ۴۵ مقاله که به صورت مطالعات توصیفی- مقطعی، نیمه تجربی، مداخله ای انجام شده بودند، بدست آمد که پس از ارزیابی مقالات از نظر دسترسی داشتن به متن کامل، تاریخ انتشار و تکراری نبودن سرانجام ۳۲ مقاله انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که میزان تغذیه با شیر مادر تا شش ماهگی ۵۶/۴٪ بوده است که این مقدار در پسران بیشتر از دختران بود. همچنین عواملی مانند عدم ابتلا مادر به بیماری خاص، سن مادر، شروع شیردهی در دو ساعت اول پس از زایمان، شیردهی مادر در حاملگی قبلی، عدم استفاده از پستانک، خواسته بودن حاملگی، نوع زایمان و کافی بودن شیر مادر از عوامل مؤثر در تداوم تغذیه با شیر مادر بود ($P < 0/05$) که فقط ۲۹/۷٪ مادران از این مسئله آگاهی مطلوبی داشتند؛ اما عواملی از جمله مکیدن ضعیف، امتناع کودک از تغذیه با شیر مادر، مصرف شیرخشک، اشتغال مادر، کافی نبودن شیر، مصرف قرص ضد بارداری از عوامل مؤثر در قطع شیردهی می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت فراوان تغذیه شیرخوار با شیر مادر خصوصاً در ساعات اولیه تولد، برنامه ریزی مناسب برای برگزاری کلاسهای آموزشی جهت بالا بردن آگاهی زنان از نحوه صحیح شیردهی و فواید تداوم شیردهی تا ۲ سالگی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: شیر مادر، تغذیه انحصاری، تداوم شیردهی



نیازسنجی آموزش خودمراقبتی سلامت باروری دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان در سال ۱۳۹۷

مریم هاشمی^۱، مهشید عبدی شهشهانی^۲، شهناز کهن^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ایمیل: mhashemi72.2011@gmail.com

^۲ مربی، کارشناسی ارشد مامایی، گروه مامایی و بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

^۳ دانشیار، دکتری بهداشت باروری، مرکز تحقیقات سلامت زنان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

زمینه و هدف: جوانان نقش اساسی در آینده جامعه دارند و طبق تحقیقات در این دوران با چالشهای عمده‌ای در زمینه سلامت باروری روبرو می‌باشند. از این رو بررسی نیازهای آموزشی آنها به منظور آموزش در راستای توانمندی خودمراقبتی سلامت باروری اهمیت خاصی دارد. مطالعه حاضر با هدف نیازسنجی و تعیین اولویتهای آموزشی خودمراقبتی سلامت باروری دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که اطلاعات جمع‌آوری شده از ۹۵ دانشجوی دختر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و سپس آسان در سال ۱۳۹۷ بررسی شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته شامل دو بخش اطلاعات زمینه‌ای و نیازسنجی بود. جهت سنجش روایی صوری و محتوایی از نظر متخصصین و برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک آمار توصیفی و تحلیلی و با استفاده از SPSS 18 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد اینترنت و پس از آن کتاب بیشترین منابع کسب اطلاعات دانشجویان دختر در زمینه مسائل سلامت باروری بودند. از میان روشهای آموزشی نیز بیشتر افراد روش غیرحضوری و بیش از همه نرم‌افزار تلفن همراه و پس از آن کتابچه آموزشی را انتخاب کردند. میانگین کلی نیاز آموزشی دانشجویان دختر در حد ۳/۵۱ از ۵ بود و به غیر از حیطه رفتارهای پرخطر میانگین نمره سایر حیطه‌ها به طور معناداری بیشتر از حد متوسط بود. سه اولویت آموزشی واحدهای پژوهش نیز به ترتیب سرطان دهانه رحم، خشونت علیه زنان و کیست‌های تخمدانی بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد دانشجویان دختر نیاز زیادی به آموزش خودمراقبتی در حیطه‌های مختلف سلامت باروری دارند و اجرای برنامه‌های آموزشی متناسب با نیاز ایشان با بهره‌گیری از فرصتهای آموزشی موجود در مراکز دانشگاهی به ویژه دانشگاه-های علوم پزشکی برای ارتقا سلامت و توانمندسازی آنها در کسب مهارتهای خودمراقبتی ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه بر ضرورت توجه به امر آموزش با استفاده از نرم‌افزارهای الکترونیک تاکید می‌شود.

واژگان کلیدی: نیاز آموزشی، نیازسنجی، خودمراقبتی، سلامت باروری، دانشجویان دختر



شناسایی عوامل مرتبط با چاقی کودکان پیش دبستانی شهر سراب از دیدگاه مادران: یک مطالعه کیفی

فریبا زارعی^۱، عبدالرسول صفائیان^۲، حامد رضاخانی^۳، دکتر حسین مطلبی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۲ مربی، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی خلخال، خلخال، ایران

^۴ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران. ایمیل: hm1349@gmail.com

زمینه و هدف: با توجه به گسترش چاقی در جوامع امروزی و گستردگی عوامل مرتبط با چاقی، نیاز به درک این عوامل برای ارائه ی راهکار موثر جهت کنترل چاقی و پیشگیری از بیماری های مرتبط با آن احساس می شود. رفتارها و نگرش والدین بر پیامد بهداشتی کودکان تاثیرگذار است. دانش ما در مورد نحوه تفکر والدین نسبت به عادات تغذیه ای و فعالیت بدنی کودکان در ارتباط با چاقی محدود است. در این مطالعه به بررسی علل و عوامل مرتبط با چاقی کودکان از دیدگاه مادران پرداخته است.

روش کار: این مطالعه به صورت کیفی و با روش تحلیل محتوا انجام شد. در مرحله ی اول پژوهش به ۴ مرکز پیش دبستانی جهت اندازه گیری قد و وزن کودکان مراجعه شد و محدوده ی وزن آنها بر اساس جداول سازمان جهانی بهداشت مشخص گردید. کودکانی که وزن آنها بالای صدک ۵۰ نسبت به سن و جنس بود برای ورود به مرحله ی بعدی انتخاب شدند. در مرحله بعدی مصاحبه با مادران کودکان در معرض خطر چاقی، به روش نیمه ساختار یافته، انجام شد و تحلیل نتایج مصاحبه ها با روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفت. تکنیک گروه اسمی به منظور اولویت بندی کدهای به دست آمده استفاده شد.

یافته ها: بر اساس نتایج مصاحبه ها و تحلیل محتوا، عوامل مرتبط با چاقی کودکان از دیدگاه مادران در چهار طبقه شامل فعالیت بدنی کم، حساسیت درک شده پایین، عادات غلط کودکان و عوامل ژنتیکی دسته بندی شدند. در مرحله اولویت بندی با روش گروه اسمی، مادران مهم ترین عوامل مرتبط با چاقی کودکان را شامل بازی های کامپیوتری، مصرف فست فود و تنقلات، کم تحرکی به دلیل تک فرزندی و نداشتن هم بازی، سردی هوا برای بازی یا پیاده روی، باورهای مادران و راحت طلبی می دانستند.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان می دهد که مادران از عوامل مرتبط با چاقی کودکان آگاهی داشتند ولی کودکان خود را در معرض چاقی نمی دانستند و در مورد عواقب چاقی کودکی احساس خطر نمی کردند. بنابراین نیاز است آموزش هایی در زمینه ی اهمیت چاقی کودکان و میزان وزن مناسب آنها به مادران ارائه شود و نیز اقداماتی در جهت افزایش حساسیت درک شده ی آنها انجام گیرد. نتایج این پژوهش می تواند در طراحی مداخلات خانواده محور و والد محور جهت کنترل چاقی کودکان بسیار کمک کننده باشد.

واژگان کلیدی: چاقی کودکان، پیشگیری از چاقی، تحلیل محتوا، مطالعه کیفی



بررسی رابطه سلامت معنوی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۷

سجاد بهاری نیا^۱، مهدیه خالقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد. ایمیل: sajjadbahari98@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد

زمینه و هدف: سلامت انسان از گذشته های دور در ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی قابل بررسی بوده و امروزه با توجه به ضرورت برطرف ساختن نیازهای بشر از طریق دین، سلامت معنوی نیز به ابعاد فوق اضافه شده است. با توجه به نقش سلامت معنوی در سازگاری در برابر اختلالات روانی این مطالعه با هدف بررسی رابطه سلامت معنوی با سلامت روان و نقش آن در افزایش توانمندی دانشجویان دانشگاه در برابر فشارهای روانی انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی - تحلیلی بود که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۷ انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل دانشجویان بود. حجم نمونه طبق فرمول، ۹۰ نفر محاسبه گردید. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های استاندارد سلامت معنوی پولوتزین و الیسون (۱۹۸۲) و پرسشنامه سلامت روان DASS-21 لایبوند (۱۹۹۵) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد.

یافته ها: براساس نتایج حاصل از پژوهش، ۷۵/۶ درصد زنان و ۲۴/۴ درصد مردان در این مطالعه شرکت کردند. مردان سلامت معنوی بیشتری نسبت به زنان داشتند (میانگین سلامت معنوی مردان: $94/50 \pm 13/25$) و زنان سلامت روان بیشتری نسبت به مردان داشتند. (میانگین سلامت روان زنان: $20/44 \pm 11/63$). بین سلامت معنوی و ابعاد سلامت روان (افسردگی، اضطراب و استرس) همبستگی معنی داری وجود دارد. (به ترتیب با ضریب همبستگی، $-0/498$ ، $-0/357$ ، $-0/415$).

نتیجه گیری: یافته های پژوهش بر تأثیر سلامت معنوی بر کاهش میزان استرس، اضطراب و افسردگی در دانشجویان دلالت دارد. از این رو گنجانیدن برنامه آموزشی مناسب به منظور ارتقای سطح سلامت معنوی دانشجویان و افزایش تاب آوری و مقابله آنان با مشکلات سلامت روان، در این دوره بحرانی توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، سلامت روان، دانشجویان



بررسی ارتباط سواد سلامت با عملکرد تغذیه ای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید

صدوقی یزد در ۱۳۹۷

سجاد بهاری نیا^۱، مهدیه خالقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

شهید صدوقی یزد. ایمیل: sajjadbahari98@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد

زمینه و هدف: سواد سلامت به معنای توانایی افراد برای دسترسی به اطلاعات سلامت و استفاده از آن به منظور تصمیم گیری مناسب در زمینه حفظ و ارتقای سلامت است. افرادی که از سواد سلامت بالایی برخوردار هستند، قادرند با استفاده از مهارت های شناختی اجتماعی کسب شده، در موقعیت جدید و با مؤلفه های مربوط به سلامت، عملکرد مناسبی را از خود نشان دهند. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط سواد سلامت با عملکرد تغذیه ای دانشجویان انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی، تحلیلی بود که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علوم پزشکی یزد انجام شد. جامعه مورد پژوهش شامل دانشجویان بود. حجم نمونه طبق فرمول، ۹۰ نفر محاسبه گردید. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد سنجش سواد سلامت (HELIA) دارای ۳۳ سؤال و ۵ بعد (خواندن، دسترسی، فهم و درک، ارزیابی و تصمیم گیری و رفتار) و پرسشنامه استاندارد عملکرد تغذیه ای نصرآبادی (۱۳۸۳) دارای ۱۴ سؤال و ۳ بعد (آگاهی، نگرش و عملکرد) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته ها: بر اساس این پژوهش، ۷۳/۸ درصد از شرکت کنندگان را زن و ۲۶/۲ درصد را مردان تشکیل میدادند. اکثریت دانشجویان (۸۵ درصد) مجرد بودند. و اکثریت (۸۶/۳) درصد مدرک کارشناسی داشتند. ۷۵/۵ درصد از دانشجویان سواد سلامت (در حد کافی) و ۶۷ درصد عملکرد تغذیه ای خوب داشتند. بین ابعاد سواد سلامت با عملکرد تغذیه ای، همبستگی مستقیم وجود داشت؛ یعنی با افزایش سواد سلامت، عملکرد تغذیه ای بهبود یافت (معنی داری در سطح ۰/۰۱).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه بیانگر نقش و اهمیت سواد سلامت بر عملکرد تغذیه ای دانشجویان بود. بنابراین توصیه می شود مداخلات آموزش سلامت برای ارتقاء بیشتر سواد سلامت دانشجویان افزایش یابد.

واژگان کلیدی: سواد سلامت، عملکرد تغذیه ای، دانشجویان



بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری در خصوص کنترل عفونت های بیمارستانی در ایران: مطالعه مرور سیستماتیک

زهرا فراهانی^۱، مهدیه فراهانی^۲

^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. ایمیل: zfarahani93@gmail.com

^۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی واحد علوم دارویی، تهران، ایران

زمینه و هدف: عفونت های بیمارستانی از علل مهم مرگ و میر بیماران بستری هستند. هدف اصلی برنامه کنترل عفونت های بیمارستانی، کاهش خطر ناشی از انتقال عفونت بین بیماران از طریق همکاران و پرسنل است. آموزش دانشجویان پزشکی در کنترل بیماری های مسری مانند استریل کردن وسایل هنگام معاینه و انجام پروسیجرها و رعایت حفاظت فردی در کنترل سرایت عفونت نقش بسزایی دارد. این مطالعه مروری با هدف بررسی سطح آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی و پرستاری در خصوص کنترل عفونت های بیمارستانی در ایران انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه مروری سیستماتیک با جستجو در موتور جستجوی Google scholar و پایگاه های اطلاعاتی، Iranmedex، Embase، magiran و علم نت با کلیدواژه های آگاهی، نگرش، عملکرد عفونت بیمارستانی، دانشجویان پزشکی، دانشجویان پرستاری و معادل های انگلیسی آن انجام گرفت. معیار ورود مقالاتی بودند که میزان و سطح آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان پرستاری و پزشکی را در ایران بیان می کردند و معیار خروج مقالاتی بودند که نتایج آن ها مربوط به ایران نبودند که پس از جستجو ۵۴ استخراج گردید که پس از مطالعه مقالات، ۲۲ مقاله وارد مطالعه شدند.

یافته ها: مطالعات نشان دادند که اکثر دانشجویان پرستاری آگاهی متوسط، عملکرد متوسط و نگرش مثبت در خصوص کنترل عفونت های بیمارستانی داشتند. آگاهی دانشجویان پزشکی نیز متوسط بود. در اکثر مطالعات آگاهی از عوامل عفونی بالایی اما شناخت وظایف واحد های مختلف بیمارستان و نقش پزشک در کمیته های کنترل عفونت متوسط بود. در اکثر مطالعات بین مولفه های آگاهی، نگرش و عملکرد پرستاران با متغیرهای جنسیت، سن، وضعیت تاهل، سابقه کار، بخش محل خدمت، گذراندن دوره آموزشی، سمت شغلی و نوع بیمارستان نتایج ضد و نقیض بودند. برخی از مطالعات دیگر نشان دادند بین نگرش و عملکرد ارتباط معنی داری وجود دارد ولی بین آگاهی و نگرش همچنین بین آگاهی و عملکرد نتایج ضد و نقیضی مشاهده شد.

نتیجه گیری: متأسفانه در کشور ما تاکنون به کنترل عفونت چندان پرداخته نشده است. اطلاعات ناکافی دانشجویان پزشکی نشانگر نپرداختن کافی به موضوع کنترل عفونت های بیمارستانی در دروس تئوری و واحد های عملی دانشجویان است.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، عفونت بیمارستانی، دانشجویان پزشکی، دانشجویان پرستاری، Nosocomial Infections

nursing students medical students



عوامل خطر زایمان سزارین با استفاده از مدل شبکه عصبی مصنوعی

منصور رضایی^۱، فاطمه رجعتی^۲، نگین فخری^۳

^۱ استاد تمام، گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
^۲ دانشیار، گروه آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل محیطی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
^۳ دانشجوی ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. ایمیل: n.fakhri94@yahoo.com

زمینه و هدف: زایمان سزارین به عنوان یکی از پیامدهای نامطلوب بارداری مطرح است. امروزه سعی می شود که این میزان بروز که هم اکنون رو به افزایش است، کاهش یابد. مطالعات نشان داده اند که نوع زایمان با برخی اطلاعات دموگرافیک و شرایط بدنی زنان در دوره بارداری مرتبط است. هدف از این مطالعه تعیین مهمترین عوامل خطر زایمان سزارین با استفاده از روش شبکه عصبی مصنوعی (ANN) بود.

روش کار: در این مطالعه مقطعی از میان پرونده های زنان باردار موجود در مراکز بهداشتی درمانی شهر کرمانشاه (سال های ۹۱-۱۳۸۹)، تعداد ۱۰۰ پرونده دارای زایمان سزارین و ۱۰۰ پرونده دارای زایمان طبیعی به طور تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات دموگرافیک زنان و پارامترهای آزمایشگاهی مربوط به دوره بارداری آنان (۱۶ متغیر) از پرونده ها استخراج گردید. با استفاده از روش داده کاوی ANN از نوع پرسپترون و به کار گیری نرم افزار SPSS نسخه ۲۳، مهمترین عوامل خطر زایمان سزارین تعیین شد.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سن کل نمونه مورد بررسی $27/75 \pm 6/3$ و میانگین شاخص توده بدنی (BMI) آنان $24/3 \pm 4$ بود. ۵ نفر از زنان (۲,۵٪) دو یا چند قلو باردار بودند و ۹۸ نفر (۴۹٪) اولین بارداری خود را تجربه می کردند. آنالیز حساسیت مدل ANN نشان داد که از بین ۱۶ متغیر مورد بررسی، سن، فشار خون سیستولیک، BMI، اوره ماه های اولیه بارداری و چند قلوبی جنین مهمترین عوامل خطر زایمان سزارین بودند.

نتیجه گیری: با توجه به این که اکثر عوامل خطری که در این مطالعه برای زایمان سزارین شناسایی شد قابل کنترل هستند، لذا با برنامه ریزی و آموزش زنان باردار برای نرمال نگه داشتن BMI، فشارخون و اوره و همچنین توصیه به بارداری در سنین پایین تر و نیز تحت نظر داشتن افرادی که جنین بیش از یک قلو دارند، می توان در جهت کاهش بروز زایمان سزارین اقدام نمود.

واژگان کلیدی: زایمان سزارین، شبکه عصبی مصنوعی، عوامل خطر



بررسی علل بروز بتا تالاسمی در ایران: یک مطالعه مروری

احمد مرادی^۱، محمد ادريس ارباب شستان^۲

^۱ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ایمیل: moradi.13770506@gmail.com

^۲ مربی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ایران

زمینه و هدف: تالاسمی یکی از مهمترین معضلات بهداشتی-درمانی و شایع ترین بیماری ارثی بشر امروز محسوب می شود. کشور ایران بر روی کمربند تالاسمی قرار دارد که حدود ۲۵۰۰۰ بیمار مبتلا به تالاسمی ماژور دارد و سالیانه حدود ۱۵۰۰ نوزاد مبتلا متولد می شود. بر اساس آمار، استان سیستان و بلوچستان با ۲۷۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارای ۲۳۰۰ بیمار تالاسمی ماژور، بالاترین نسبت ماژور به جمعیت را در بین استان های کشور به خود اختصاص داده است. مطالعه مروری حاضر به بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه تالاسمی و عوامل بروز آن پرداخته است.

روش کار: این یک مطالعه مروری است که مقالات با استفاده از واژگان کلیدی فارسی و انگلیسی از قبیل: بروز و تالاسمی با جستجو الکترونیکی در موتور جستجو Google Scholar و پایگاه های اطلاعاتی مانند: Medline, Scopus, Pubmed, Sid, Magiran, گردآوری شدند و داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در مجموع تعداد ۵۵ مقاله یافت شده که ۲۷ مقاله مرتبط با موضوع در حد فاصل سال های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۷ انتخاب شدند. عدم آگاهی عاقدین سنتی و والدین به اهمیت انجام آزمایشات غربالگری و نقش آنها در پیشگیری از بیماری تالاسمی، عدم اطلاع و عدم باور به امکان تشخیص قبل از تولد تالاسمی و نتایج تشخیصی با توجه به باور های دینی و مخالفت همسران از پیگیری درمان مهمترین علل نام برده شده در پژوهش های بررسی شده می باشند که با توجه به تشخیص های قابل توجه بیماری قبل از تولد و در هنگام غربالگری متاسفانه باعث افزایش موارد تالاسمی در جامعه شده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که بتا تالاسمی ماژور یک بیماری رو به رشد در جامعه ای است که با غربالگری و آموزش قابل پیشگیری است بنابراین توصیه می شود در داوطلبین ازدواج، غربالگری بیماری تالاسمی فرصتی مناسب جهت پیشگیری و کنترل آن بدست دهد همچنین با بهره گیری از وسایل ارتباطات جمعی و آموزش پیرامون بیماری تالاسمی میزان آگاهی جوانان را افزایش داد تا بروز بیماری تالاسمی کمتر شود.

واژگان کلیدی: بروز، تالاسمی، ایران



بررسی ارتباط بین تعداد ساعات خواب با سلامت روان در کارکنان ذوب آهن اصفهان

عباس خدایی مهر^۱، پریسا پورنظری^۲

^۱ کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، اصفهان، ایران. ایمیل: Abbaskhd666@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: در دهه های اخیر اصطلاح استرس به محرکی اطلاق می شود که می تواند تغییراتی در شناخت، هیجان، رفتار و فیزیولوژی فرد ایجاد کند. با توجه به اثرات جدی مشکلات خواب و تأثیر منفی آن بر روی استرس و مشکلات روان که باعث بروز مشکلات متعددی بر روی عملکرد کاری و اجتماعی افراد می شود که می تواند زندگی فرد را به دلیل غیبت از محل کار و عدم ایفای نقش مؤثر فرد در خانواده و اجتماع تحت تأثیر قرار دهد و با توجه به اینکه این گونه مشکلات در ایران و جهان شیوع بالایی دارد و هر ساله باعث خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد جوامع می شود در این مطالعه به بررسی ارتباط بین تعداد ساعات خواب و مشکلات روان در کارکنان ذوب آهن اصفهان پرداخته ایم.

روش کار: مطالعه حاضر از دسته مطالعات مقطعی بود که در سال ۱۳۹۳ در میان ۱۶۰۰۰ نفر از کارکنان ذوب آهن اصفهان جهت بررسی شاخص های فردی، خانوادگی، شغلی، اجتماعی و اقتصادی و سبک زندگی سالم انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل، کلیه شاغلین رسمی و قراردادی ذوب آهن اصفهان و شرکت های وابسته و کارکنانی که حداقل یک سال از شروع کارشان در ذوب آهن گذشته باشد و معیار خروج از مطالعه عدم تمایل به شرکت در مطالعه و بی پاسخی بخش عمده ای از سؤالات اصلی بود. نمونه گیری به شیوه خوشه ای تصادفی چندمرحله ای انجام شد که متناسب با حجم هر یک از خوشه ها به طور تصادفی نمونه گیری انجام شد. حجم نمونه نهایی ۳۰۶۰ نفر بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه GHQ-12 برای اندازه گیری سلامت عمومی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش رگرسیون لجستیک استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که ۹۱/۵ (۲۰۸۳) درصد از افراد شرکت کننده در مطالعه مرد و مابقی زن بودند. میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه ۳۷ سال بود. نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد که تعداد ساعات خواب ارتباط معنی داری با سلامت روان کارکنان دارد ($p < 0.05$). در این تحلیل، افرادی که تعداد ساعات خواب مناسبی نداشتند نسبت به افرادی که تعداد ساعات خوبی داشتند (۷-۸ ساعت خواب در طول شبانه روز) ۱/۵ برابر بیشتر مشکلات روانی را تجربه می کردند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که تعداد ساعات خواب با سلامت روان کارکنان ارتباط دارد، از اینرو مدیران صنایع می بایست اقداماتی را جهت رفع این مشکلات انجام دهند.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، سلامت روان، تعداد ساعات خواب، رگرسیون لجستیک



تأثیر فعالیت های هوازی بر خواب سالمندان

ریحانه حاتمی نصر^۱، علی مستانی جهرودی^۱، نرگس اسکندری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ایمیل:

Reyhane.hatamiii77@gmail.com

^۲ استادیار، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: افزایش سن تغییرات فیزیولوژیک متعددی از جمله اختلال خواب را به همراه دارد. داروهای شیمیایی از روش های متداول درمان اختلال خواب هستند که با عوارض جانبی متعددی همراه می باشند. فعالیت های هوازی از جمله پیاده روی یکی از روش های طب مکمل است که جهت درمان اختلال خواب توصیه شده اند. هدف از مطالعه حاضر مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه تاثیر فعالیت های هوازی بر خواب سالمندان می باشد.

روش کار: برای دستیابی به اهداف مطالعه با استفاده از جستجوگر گوگل اسکولار و کیلد واژه های سالمند، اختلال خواب، فعالیت هوازی، و پیاده روی، شش مقالات مرتبط مربوط به سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ جمع آوری گردید. مقالات به دقت مطالعه و اثرات فعالیت های هوازی بر خواب سالمندان استخراج گردید.

یافته ها: نتایج حاکی از آن است که در سالمندانی که فعالیت های هوازی مثل پیاده روی را انجام می دهند مرحله اول خواب کاهش، مرحله دوم خواب افزایش، تعداد بیدار شدن ها در طول شب کاهش، مدت زمانی که صرف به خواب رفتن میشود کاهش و کیفیت خواب بهبود می یابد. همچنین این افراد به دلیل عدم مصرف دارو دچار عوارضی مثل اعتیاد و بیدار شدن در شب و مشکل در به خواب رفتن مجدد نمی شوند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه حاضر، ورزش های هوازی از قبیل پیاده روی بر بهبود کمیت و کیفیت خواب سالمندان تاثیر مثبت دارند. در نتیجه استفاده از این روش به عنوان یک روش موثر و بدون عارضه طب مکمل جهت رفع اختلال خواب سالمندان پیشنهاد می گردد. مطالعات بیشتر در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: سالمند، اختلال خواب، فعالیت هوازی، پیاده روی



آموزش های خود مراقبتی و بهبود شاخص های اسپرومتری در بیماران مبتلا به آسم

عباس خدایی مهر^۱، پریسا پورنظری^۲

^۱ کارشناسی ارشد، رشته آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: abbaskhd666@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد، رشته آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: آموزش برنامه های خود مراقبتی باعث افزایش آگاهی بیماران نسبت به عوارض و فواید داروهای مصرفی شده و می تواند در کاهش علائم و عوارض آسم تا حدود زیادی مؤثر باشد. بدین منظور، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش یک برنامه خود مراقبتی بر بهبود شاخص های اسپرومتری در بیماران مبتلا به بیماری آسم صورت گرفته است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی با طرح دو گروهی آزمون و کنترل است. تعداد نمونه ها ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر در هر گروه) از افراد مراجعه کننده به بخش تنفسی بیمارستان الزهرا بودند که به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند و دامنه سنی ۲۰ تا ۷۵ سال داشتند. اطلاعات با استفاده از انجام تست اسپرومتری به دست آمد. آموزش به افراد طی پنج جلسه در روزهای فرد هر هفته و هر جلسه به مدت ۶۰ دقیقه داده می شد. به گروه کنترل هیچ آموزشی داده نمیشد و مراقبت های معمول را دریافت می کردند. تست های اسپرومتری در هفته اول قبل از آموزش و پایان هفته پنجم توسط تکنسین مربوطه انجام گرفت و جداول مربوطه کامل گردید.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان مطالعه ۳۵ سال بود. یافته ها نشان داد که طبق آزمون تی زوجی شاخص های PEF، PEF75%، FEV1، و PEF25-75% پس از آموزش تغییر کرده بود. میانگین شاخص های PEF و FEV1 پس از مداخله افزایش و میانگین شاخص های PEF75% و PEF25-75% پس از مداخله کاهش یافته بود. مقایسه میانگین شاخص های PEF و FEV1 بعد از آموزش برنامه خود مراقبتی بین دو گروه تفاوت معنی داری داشت ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: با توجه به مؤثر بود آموزش برنامه خود کنترلی در این مطالعه که باعث افزایش کنترل آسم و بهبود شاخص های اسپرومتری می شود، می توان نتیجه گرفت که این برنامه توانسته به عنوان یک برنامه تکمیلی آسم را کنترل کند و بر شاخص های اسپرومتری اثر بگذارد، پس می توان از آن به عنوان یک برنامه تکمیلی در کنار ورزش و رژیم غذایی مناسب به بیماران آسمی توصیه نمود.

واژگان کلیدی: آسم، آموزش برنامه خودکنترلی، تظاهرات بالینی، کنترل آسم



بررسی ۸ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

فاطمه تاج الدینی^۱، شهناز دلبر پور احمدی^۲، پروین محمدقاسم پور^۳، فرناز اهدایی وند^۴، مریم شهبازی

کاسوایی^۵، سیمین بابلی^۳

^۱ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: f.tajedin@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۴ متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ کارشناس ارشد مدیریت MBA، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: کاهش مرگ کودکان به عنوان یک تعیین کننده مهم سلامت، از اهداف توسعه هزاره محسوب می شود. مرگ بسیاری از کودکان زیر ۵ سال پس از گذار از ماه اول زندگی قابل پیشگیری است. عوامل متعدد و پیچیده ای به مرگ و میر کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه منجر می شوند. مطالعه حاضر با هدف بررسی مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و توصیفی کلیه مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ که از فرم اطلاعات اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: تعداد مرگها ۱۴۶ مورد بود. بیش از نیمی از کودکان فوت شده (۵۴,۱٪) دختر بودند. بیشترین علل فوت کودکان به ترتیب ناهنجاری مادرزادی و کروموزومی (۴۲,۵٪)، سوانح و حوادث (۱۸,۵٪)، بیماری متابولیک (۹٪) و بیماری سیستم تنفسی (۶,۸٪) گزارش شد. در بین مرگهای ناشی از حوادث نیز شایعترین علل به ترتیب غرق شدگی در استخر (۲۹,۶٪)، حمل و نقل (۱۸,۵٪) و انسداد تنفسی (۱۴,۸٪) و برق گرفتگی (۱۴,۸٪) بدست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده، طراحی و اجرای برنامه هایی از قبیل آموزشهای تئوری و عملی در زمینه انجام مراقبتهای پیش از بارداری و غربالگریهای دوران بارداری، پیشگیری از حوادث و ایمن سازی محیط سکونت در کاهش میزان مرگ کودکان موثر می باشد.

واژگان کلیدی: مرگ کودکان، ناهنجاری مادرزادی، حوادث



بررسی عملکرد کارکنان بهداشتی در خصوص مشاوره شیردهی در مراکز خدمات جامع سلامت

تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶

فاطمه تاج الدینی^۱، شهناز دلبرپور احمدی^۲، پروین محمدقاسم پور^۳، فرناز اهدایی وند^۴، سیمین بابلی^۵،

مریم شهبازی کاسوایی^۵

^۱ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

ایمیل: f.tajedin@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۴ متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ کارشناس ارشد مدیریت MBA، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: اهمیت و تاثیر تغذیه با شیر مادر در سلامت مادر و کودک، خانواده و جامعه ثابت شده است. حمایت از شیردهی توسط کارکنان بهداشتی تاثیر مفید در طول مدت شیردهی بویژه دوره تغذیه انحصاری با شیر مادر دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی عملکرد کارکنان بهداشتی در خصوص تغذیه کودکان در مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ می باشد.

روش کار: این بررسی بصورت مقطعی در کلیه مراکز خدمات جامع سلامت، پایگاههای سلامت و خانه های بهداشت وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد. در این مطالعه داده ها با استفاده از چک لیست استاندارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و توسط کارشناسان ستادی جمع آوری گردید.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که عملکرد کارکنان بهداشتی در آموزش مادر در خصوص نحوه صحیح بغل کردن شیرخوار ۸۷/۷٪، نحوه صحیح پستان گرفتن شیرخوار ۸۹/۷٪ و علائم کفایت شیردهی ۷۹/۸٪ می باشد.

نتیجه گیری: نتایج حاصله بیانگر عملکرد مطلوب کارکنان بهداشتی در آموزش نحوه شیردهی می باشد. همچنین در مورد کفایت شیردهی آموزش کارکنان و آگاهی گیرنده خدمت دارای ضعف بیشتری بود. با توجه به لزوم ارائه آگاهی لازم به مادر، انجام مداخلات مؤثر در این خصوص ضروری بنظر می رسد.

واژگان کلیدی: شیر مادر، کودک، مشاور



ارزیابی عملکرد بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی:

سال ۱۳۹۷

فاطمه تاج الدینی^۱، شهناز دلبرپور احمدی^۲، پروین محمدقاسم پور^۳، فرناز اهدایی وند^۴

^۱ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: f.tajedin@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۴ متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: شیر مادر بهترین غذا برای شیرخواران محسوب می شود. راه اندازی بیمارستانهای دوستدار کودک یک نهضت جهانی است که توسط یونیسف و سازمان جهانی بهداشت آغاز شده و هدف آن اعطاء بهترین شروع زندگی به هر نوزاد از طریق برقراری و ارائه مراقبتهای بهداشتی مناسب برای حمایت از تغذیه با شیر مادر در جوامع مختلف می باشد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی عملکرد بیمارستانهای دوستدار کودک تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: این بررسی بصورت مقطعی در ۴۰ بیمارستان دوستدار کودک وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۷ انجام شد. داده ها با استفاده از چک لیست استاندارد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و توسط کارشناسان ستاد شبکه ها و مراکز بهداشت جمع آوری گردید. داده ها وارد نرم افزار SPSS و با روشهای آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در این مطالعه امتیاز ۱۰ اقدام تدوین سیاست مدون تغذیه با شیر مادر و نصب آن در در معرض دید کلیه کارمندان (۹۷/۵٪)، آموزش کارمندان به منظور کسب مهارتهای لازم در اجرای سیاستهای فوق (۹۵٪)، آموزش مادران باردار در زمینه مزایای تغذیه با شیر مادر و چگونگی شیردهی (۹۷/۲۲٪)، کمک به مادران جهت تماس پوست با پوست و شروع تغذیه با شیر مادر (۹۷/۵٪)، آموزش مادران در مورد روش تغذیه با شیر مادر و چگونگی تداوم شیردهی در هنگام جدایی از نوزاد (۹۷/۵٪)، تغذیه انحصاری نوزاد سالم با شیر مادر و منع استفاده از غذا یا مایعات دیگر (۱۰۰٪)، اجرای برنامه هم اتاقی مادر و نوزاد در طول شبانه روز (۹۵٪)، تشویق مادران برای تغذیه با شیر مادر بر حسب تقاضای شیرخوار (۱۰۰٪)، منع کامل استفاده از شیشه شیر و پستانک (۱۰۰ درصد)، تشکیل گروههای حمایت از مادران شیرده و معرفی آنها به هنگام ترخیص به این گروهها (۹۲/۵٪) بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، اجرای اقدامات ده گانه در حد مطلوب (بالای ۹۰ درصد) بوده. با این حال با توجه به اهمیت تغذیه با شیر مادر بایستی دستورالعمل ترویج تغذیه با شیر مادر در بیمارستانهای دوستدار کودک به طور کامل اجرا شود. طراحی مداخلاتی جهت آموزش تمامی کارمندان، اجرای برنامه هم اتاقی مادر و نوزاد در طول شبانه روز و معرفی مادران به هنگام ترخیص به گروههای حمایت از مادران شیرده، در این زمینه لازم به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: ارزیابی، شیر مادر، بیمارستانهای دوستدار کودک



بررسی فراوانی علل بارداری پرخطر در مادران باردار تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی در سال ۹۶

مریم شهباز کاسوائی^۱، فاطمه تاج الدینی^۲، سیمین بابلی^۳، شهناز دلبر پور احمدی^۴، پروین محمد قاسم

پور^۳، دکتر فرناز اهدایی وند^۵

^۱ کارشناس ارشد مدیریت MBA، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران ایمیل: maryam.sh1981@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ متخصص زنان و زایمان، مدیر گروه سلامت خانواده، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: مراقبت مادران باردار یکی از اساسی ترین و مطمئن ترین راههای حفظ سلامت مادر و جنین است. بارداری فرآیندی فیزیولوژیک محسوب می گردد. اما در صورت وجود سابقه بیماری زمینه ای و یا ایجاد عوارض و مشکلات در مادر یا نوزاد، عامل خطر شناخته می شود. شناسایی به موقع گروه پرخطر، اساس مراقبت های دوران بارداری است. شناخت و تشخیص حاملگی پرخطر می تواند اولین قدم در پیشگیری از آسیب دیدن سلامت مادر باشد و خطر را برای جنین یا نوزاد کاهش دهد.

روش کار: به منظور پیگیری بهتر و کاهش عوارض حاملگی پرخطر و کاهش موارد مرگ مادری، فرمی جهت ثبت مشخصات کامل این مادران طراحی و در اختیار مراکز خدمات جامع سلامت و پایگاههای سلامت تحت پوشش قرار گرفت. لیست مذکور ماهانه جهت پیگیری بهتر به ستاد مراکز/شبکه ها ارسال گردید و در نهایت آمار استخراج شده به ستاد معاونت ارسال شد. اطلاعات و داده های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مجموع مادران باردار تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۹۶، ۲۱۹۴۰ نفر بود که ۳۳۴۸ مورد از آنها بارداری پرخطر بودند. بنابراین شیوع بارداری های پرخطر در این دانشگاه، ۱۵/۲۵٪ بود. از میان این تعداد مادر پرخطر، ۴۶۳۱ مورد خطر شناسایی گردید که موارد خطر شناسایی شده به نسبت مادران باردار پرخطر ۲۱/۱۱٪ تخمین زده شد.

نتیجه گیری: در این بررسی ۱۹/۲۸٪ از عوامل خطر شناسایی شده مربوط به وجود بیماری در مادر و ۱۱/۳۳٪ مربوط به وجود سابقه مشکلات در بارداری قبلی بود. این امر نشان می دهد که با انجام مراقبت پیش از بارداری می توان ۳۰٪ از بارداری های پرخطر را از قبل شناسایی کرد و با تشخیص و درمان به موقع، بارداری کم خطر، مرگ کمتر مادر و نوزادی سالم را انتظار داشت. بیشترین عامل شناسایی شده موارد خطر شامل فشارخون بالا، نمایه توده بدنی بالا و بیماری های دیابت، آنمی و مشکلات تیروئید بود. بنابراین با توجه ویژه به نتایج آزمایشات مادران باردار قبل و پس از زایمان و ارائه مشاوره تغذیه ای مناسب می توان در مجموع حدود ۲۸٪ از عوامل خطر را کنترل کرد و از ایجاد عارضه در مادران پیشگیری نمود.

واژگان کلیدی: بارداری پرخطر، عوارض بارداری، مرگ مادر



بررسی پنج ساله علل مرگ مادران باردار در حوزه بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

سیمین بابلی^۱، مریم شهباز کاسوائی^۲، فاطمه تاج الدینی^۳، مهرگان امامی نائینی^۴، شهناز دلبرپور احمدی^۵، پروین محمد قاسم پور^۶

^۱ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران ایمیل: sibaboli@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت MBA، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد آموزش مامایی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، MPH، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۶ کارشناس مامایی، معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: مرگ و میر مادران باردار یکی از مهمترین شاخصهای سلامت یک جامعه است و عدم دسترسی مادران به مراقبتهای مطلوب و استاندارد، عدم شناسائی موارد خطر در دوران پیش، حین و پس از زایمان و عدم انجام اقدامات لازم در حین موارد خطر می تواند این شاخص را تحت تاثیر قرار دهد. هدف مطالعه حاضر بررسی موارد مرگ و میر مادران باردار به علل مختلف طی سالهای ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۶ در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

روش کار: این مطالعه بصورت مقطعی و توصیفی انجام شد و کلیه مرگ های مادران باردار در سالهای ۹۲ لغایت ۹۶ که به علل مختلف در محدوده پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی اتفاق افتاده بود مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات از پرسشنامه وزارتتی (فرمهای پرسشگری مرگ مادر) جمع آوری گردید.

یافته ها: تعداد مرگ و میر مادران باردار به علل مختلف ۷۶ مورد بود. بیشترین وقوع مرگ (۳۴/۵٪) در محدوده سنی ۳۱ تا ۳۵ سال مشاهده شد، بیشترین مقطع فوت (۷۱/۱٪) مربوط به پس از زایمان (۵۴ نفر) و کمترین (۲۸/۹٪) مربوط به حین بارداری (۲۲ نفر) بود و با بررسی عوامل منجر به فوت بیشترین علت ۱۴/۵ درصد خونریزی و پره اکلامپسی با ۱۰/۵٪ دومین عامل فوت و سندرم هلیپ و بیماری قلبی با ۵/۳٪ سومین علت فوت مادران بود. همچنین ۷۷/۸٪ مادران زایمان کرده که فوت نمودند سزارین شده و ۲۲/۲٪ زایمان طبیعی نمودند.

نتیجه گیری: بیشترین مرگ مادران باردار در مقطع پس از زایمان خصوصاً زایمان سزارین بوده است. در این مطالعه نیز بیشترین فوت مادران بررسی شده در حوزه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز پس از انجام زایمان سزارین اتفاق افتاده است که بیانگر لزوم کنترل و نظارت پس از سزارین بوده و لازم است در جهت ترویج زایمان طبیعی برنامه ریزی بنیادی در سطح کشور صورت گیرد. همچنین شناسائی عوامل منجر به فوت به منظور کاهش مرگ و میر مادران باردار ضروری است و می بایست به عنوان یک الویت در کشور مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مادران باردار، مرگ و میر، علل منجر به فوت



بررسی رابطه سلامت معنوی با تمایل به انجام جراحی زیبایی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان

بابک معینی^۱، مختار سهیلی‌زاد^۲، الهه عزتی^۲، یونس محمدی^۳

^۱ دانشیار آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

ایمیل: elahe.ezati@gmail.com

^۳ استادیار اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: تمایل به انجام جراحی زیبایی در ایران به مدّ تبدیل شده و انجام آن یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی به‌شمار می‌آید. بنابراین، جوانان به دلایل گوناگون با صرف هزینه‌های سنگین و قبول عوارض جسمی، روانی و حتی جانی در صدد انجام این نوع جراحی‌ها برمی‌آیند. یکی از تبعات منفی انجام جراحی زیبایی تحمیل هزینه‌های سنگین معنوی بر افراد می‌باشد. با توجه به اهمیت معنویت و نقش بسزای آن در سلامتی و زندگی افراد، خانواده‌ها و به تبع آن جامعه، مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه سلامت معنوی با تمایل به انجام جراحی زیبایی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، ۳۹۷ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سلامت معنوی پولوتزین و الیسون گردآوری و با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های آماری تی مستقل، آنالیز واریانس یک‌طرفه و رگرسیون لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معنی‌داری تمام آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین نمره کلی سلامت معنوی دانشجویان $104/85 \pm 20/32$ بود. دانشجویان دختر از سلامت معنوی بالاتری برخوردار بودند ($P < 0/001$). بین میانگین نمره سلامت معنوی دانشجویان بر حسب محل سکونتشان اختلاف معنی‌داری از نظر آماری وجود داشت ($P = 0/026$). افرادی که تمایلی به انجام جراحی زیبایی نداشتند نسبت به افراد متمایل به انجام جراحی زیبایی از سلامت معنوی بالاتری برخوردار بودند اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود ($P = 0/448$). با افزایش نمره سلامت معنوی به صورت کلی و بُعد وجودی آن نسبت شانس تمایل به انجام جراحی زیبایی در بین دانشجویان کاهش یافت که از نظر آماری معنی‌دار نبود ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از مطالعه اهمیت پرداختن به موضوع سلامت معنوی در بین دانشجویان رشته‌های مختلف علوم پزشکی را مورد تاکید قرار می‌دهد. انجام برنامه‌ریزی‌های لازم جهت ارتقای سطح معنویت در بین دانشجویان پسر، دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشجویی و افرادی که تمایل به انجام جراحی زیبایی دارند ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، جراحی زیبایی، دانشجو



بررسی تاثیر آروماتراپی بر بهداشت سالمندی و تسکین درد

محمد رضا رحمان طلب^۱، مریم قاسم زاده^۲

^۱ دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: rezabakhshayesh.sbmu.ac.ir@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: به دلیل پیشروی جامعه ایرانی به سمت جامعه سالمند و درگیری سالمندان با بیماری های مزمن دردناک بر آن شدیم که روش های غیر مداخله ای را برای تسکین درد و بالا بردن کیفیت زندگی سالمندان بررسی کنیم رایحه درمانی که یکی از شاخه های طب سنتی نیز می باشد را می توان به عنوان یکی از بهترین راه حل های غیرمداخله برای برطرف کردن مشکلات ذکر شده دانست.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مروری می باشد که با جستجو و بررسی مقالات داخلی و خارجی انجام شده است تاکید بیشتر مقاله بر تاثیر رایحه درمانی بر بیماری های مزمن سالمندی و میزان تسکین درد بوده است.

یافته ها: طبق بررسی های انجام شده رایحه های زیادی را می توان برای رسیدن به این اهداف استفاده کرد برای مثال اسانس اسطوخودوس (Lavender) خاصیت ضد درد، آرام بخش، تقویت حافظه، کاهش فشارخون، تثبیت علائم حیاتی بدن، افزایش هوشیاری، کاهش اضطراب و استرس، کمک به تثبیت خلق، ضد تشنج، خواب آور، موثر در درمان آلزایمر و ضد افسردگی را داراست و اسانس اکالیپتوس خاصیت ضد درد و باز کنندگی مجاری تنفسی را داراست و همچنین از اسانس بابونه آلمانی برای کاهش ابتلا به زخم های دیابتی بهره برد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بررسی شده می توان پیشنهاد کرد که از رایحه درمانی جهت تسکین درد، ثبات علائم حیاتی و بهبود کیفیت زندگی سالمندان استفاده گردد.

واژگان کلیدی: رایحه درمانی، تسکین درد، بهداشت سالمندان، روش های غیرمداخله ای



بررسی تأثیر برنامه توانمندسازی دانش آموزان روستایی در جهت پیشگیری از تب مالت: کاربرد مدل اعتقاد بهداشتی توسعه یافته

مهسا فتاحی^۱، کمال الدین کریمیان^۲، آرمان لطیفی^۴

^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه

^۲ مرکز تحقیقات بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

^۳ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۴ گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران. ایمیل: latifiarman@gmail.com

زمینه و هدف: تب مالت به دلیل طولانی بودن دوره نقاهت بیماری، ایجاد ناتوانی در انسان و سقط جنین در دام ها مشکلات زیادی را برای کشور ایجاد کرده است. یکی از مهمترین راههای کنترل بیماری آموزش مسائل بهداشتی به گروههای درگیر با آن است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی با استفاده از مدل اعتقاد بهداشتی بر توانمندسازی دانش آموزان مقطع راهنمایی روستایی شهرستان دیواندره طراحی و اجرا گردید.

روش بررسی: مطالعه از نوع شبه تجربی با مشارکت ۲۲۰ نفر از دانش آموزان از ۳ بخش سارال، مرکزی و کرفتو انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای انجام شد و از هر بخش ۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و به گروه مداخله و کنترل اختصاص داده شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس پنج درجه ای لیکرت بود. محتوای آموزشی استفاده شده بر اساس پروتکل آموزش و ارتقاء سلامت وزارت بهداشت برای آموزش پیشگیری، کنترل و درمان بیماری تب مالت، راهنمای آموزش مربی، گروه هدف مردم بود. مداخله آموزشی در مدارس در پنج جلسه آموزشی ۱/۵ ساعته و دوبار در هفته با استفاده از روشهای سخنرانی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ و تحویل پمفلت و استفاده از اسلاید توسط ۲ نفر از کارشناسان بهداشت عمومی انجام شد. داده های مطالعه در ۳ مرحله قبل از مداخله، بلافاصله پس از آموزش و دو ماه پس از آن جمع آوری گردید و با نرم افزار SPSS 18 و آزمون t مستقل و ANOVA و آزمون های توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بین گروه های مطالعه از نظر سن، جنس، تعداد افراد خانواده، تحصیلات و شغل پدر و مادر، وجود دام در منزل، سابقه آموزش در خصوص بیماری تب مالت و سابقه ابتلا به آن در اعضای خانواده اختلاف معنی دار آماری وجود نداشت. میانگین نمره دو گروه قبل از مداخله در سازه های آگاهی، حساسیت درک شده، شدت درک شده، موانع درک شده، منافع درک شده، عملکرد، نرم های انتزاعی، اعتقادات نرمی، نگرش درباره نتایج رفتار، نگرش به تغییر رفتار یکدیگر تفاوت معنی داری وجود نداشت اما بعد از مداخله میانگین نمره در تمام سازه های مورد بررسی در گروه مداخله به طور معناداری بالاتر از گروه کنترل بود ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که استفاده از الگوی مناسب آموزشی می تواند عامل تاثیرگذاری در افزایش آگاهی، دانش و نگرش فرد نسبت به پیشگیری از ابتلا به بیماری باشد و منجر به افزایش اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده در فرد شود. از این رو استفاده از این گونه برنامه های آموزشی در سیستم بهداشتی می تواند بسیار مفید باشد.

کلمات کلیدی: آموزش، مدل اعتقاد بهداشتی، تب مالت، پیشگیری



بررسی کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به بیمارستان امام حسن

مجتبی (ع) شهرستان دزفول در سال ۱۳۹۷

مهسا مرادپور دزفولی^۱، نوید فهیم^۱، ضیاء سعدونی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian115@chmail.com

زمینه و هدف: سرطان پستان یکی از مهم ترین و شایع ترین بیماری ها در زنان است. نسبت شیوع سرطان پستان در ایران ۳۰ به یکصد هزار نفر است و سالانه حدود ۱۰ هزار نفر از زنان به این بیماری مبتلا می شوند. این بیماری سلامت و کیفیت زندگی بیماران را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد و همچنین مشکلات و محدودیت هایی برای بیمار از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی ایجاد می کند. این مطالعه با هدف تعیین کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان پستان مراجعه کننده به بیمارستان امام حسن مجتبی (ع) شهرستان دزفول انجام گرفته است.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بر روی ۵۰ بیمار مبتلا به سرطان پستان که تحت عمل ماستکتومی قرار گرفته و شیمی درمانی و پرتو درمانی را به اتمام رسانده اند، به روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. جهت جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی بیماران سرطانی (EORTC QLQ-C30 . V.3) انجام شد. داده های جمع آوری شده با نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون مجذور کای، تی مستقل و زوجی و آزمون تحلیل واریانس داده های مبتنی بر تکرار تجزیه و تحلیل شد ($P < 0/05$).

یافته ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه $42/63 \pm 3/99$ بود. نمره کلی کیفیت زندگی در افراد تحت مطالعه $70/45$ و با انحراف معیار $20/33$ تعیین شد. بین میزان عملکرد جسمانی و رضایت از زندگی رابطه معنی داری وجود نداشت، اما بین کیفیت زندگی بیمار با رضایت جنسی ($P < 0/001$)، طول دوره درمان ($P < 0/021$)، وضعیت شغلی ($P < 0/002$) و سطح اقتصادی بیمار ($P < 0/011$) رابطه معنا داری وجود داشت.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه به نظر می رسد که افزایش حمایت های اقتصادی دولت و همچنین افزایش امکانات تشخیصی و تشخیص زودرس این بیماری و شناخت عوامل روانشناختی مرتبط با کیفیت زندگی بیماران سرطانی می تواند گام موثری در افزایش کیفیت زندگی این بیماران و توانمندتر شدن بیمار جهت بازگشت به روال عادی زندگی باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، سرطان، سرطان پستان، ماستکتومی



اثرات گیاهان دارویی بر گرگرفتگی زنان یائسه: مقاله مروری سیستماتیک

حسن ناعمی^۱، سعیده قزی^۲، فاطمه نیکو^۳

^۱ استادیار، رشته بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

^۲ کارشناس، رشته مامایی، دانشکده مامایی، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ایمیل: Fateme.nico.1375@gmail.com

^۳ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

زمینه و هدف: گرگرفتگی یکی از عوارض شایع و آزار دهنده یائسگی بوده که بر کیفیت زندگی افراد یائسه تاثیر میگذارد و احساس سالم بودن را در آنان دستخوش تغییر می نماید. در حال حاضر برای درمان این حالت از هورمون درمانی استفاده می شود. از آنجا که هورمون درمانی دارای عوارض بسیار زیادی بوده و از طرفی عده ای از زنان در رابطه با آن منع مصرف دارند، استفاده از طب مکمل و گیاهان دارویی میتواند مفید واقع شود. هدف این مقاله تعیین تاثیر گیاهان دارویی در درمان گرگرفتگی ناشی از یائسگی در زنان یائسه می باشد.

روش کار: مواد و روش ها: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری-سیستماتیک میباشد و کلیه مقالات مرتبط با زبان فارسی و انگلیسی در پایگاه های الکترونیکی SID، Scopus، Google Scholar، Pubmed و Magiran بدون محدودیت زمانی مطالعه و جست و جو شدند. جست و جو با استفاده از کلمات کلیدی MENOPA و سایر کلمات وابسته به صورت منفرد و ترکیبی انجام شد.

یافته ها: در این مقاله، تعداد مقالات مرتبط با ۱۶ گیاه بررسی شدند که بیشترین آنها مربوط به گیاهان کتان، سویا و ویتاگنوس بود که بر گرگرفتگی ناشی از یائسگی در زنان تاثیر داشت. گل مغربی، شبدر قرمز، شنبلیله بیشترین نقش را در درمان گرگرفتگی ناشی از یائسگی داشتند. همچنین گیاهان رازک، علف چای و گل ساعتی، بادرنجبویه، رازیانه، عصاره ی شیرین بیان، مریم گلی، کوهوش سیاه و والرین در درمان و کاهش گرگرفتگی موثر بودند.

نتیجه گیری: تمایل به تحقیقات در زمینه تاثیر گیاهان دارویی بر گرگرفتگی ناشی از یائسگی نسبتا خوب است اما کافی به نظر نمی رسد و از طرفی تمایل زنان یائسه به استفاده از گیاهان دارویی با توجه به خطرات کمتر آنها در مقایسه با داروی های شیمیایی نیز زیاد می باشد. از طرفی میتوان به اعتقادات آنان در استفاده از گیاهان دارویی و طب سنتی اشاره نمود که باید مورد توجه قرار گیرد. این موضوع مسئولیت پژوهشگران را در زمینه گیاهان دارویی بیش از پیش سنگین می کند.

کلمات کلیدی: گیاهان دارویی، گرگرفتگی، زنان یائسه



ارتباط شاخص های هماهنگی رشدی با وزن مادر، سن مادر و وزن کودک هنگام تولد

منصوره مخبری^۱، محبوبه شیخ زاده^۲، نیلوفر رضایی^۳، ربابه رستمی^۳، محمود مخبری^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد یادگیری و کنترل حرکتی دانشگاه شیراز

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد یادگیری و کنترل حرکتی دانشگاه شیراز

^۳ دانشیار رفتار حرکتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز

^۴ دانشجوی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: m.mokhberi252@gmail.com

زمینه و هدف: اختلال هماهنگی رشدی یک اختلال ناهمگن است که منجر به ایجاد مشکلاتی در حرکات ظریف و درشت کودکان می‌شود، علاوه بر این عملکرد حرکتی این کودکان به طور معمول کندتر و بی‌دقت‌تر از همسالان خود است. رشد حرکتی که فرایندی است مداوم و در طول عمر از عوامل متعددی نظیر: وزن مادر، سن مادر و وزن کودک هنگام تولد تأثیر می‌پذیرد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط شاخص های هماهنگی رشدی با وزن مادر، سن مادر و وزن کودک هنگام تولد طراحی و اجرا گردید.

روش کار: ۷۷ کودک با میانگین سنی ۱۰/۵۸، قد ۱۴۵/۳۳، وزن ۳۸/۱۱ و شاخص توده بدنی با ۳۸/۵۸ پس از تکمیل فرم دموگرافیک توسط پرسشنامه اختلال هماهنگی رشدی مخصوص والدین ویلسون و همکاران با سه زیرمقیاس (حرکات ظریف/ دستخط، هماهنگی عمومی و کنترل در حین حرکت) مورد ارزیابی قرار گرفتند. از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش استفاده گردید. سطح معنی‌داری در پژوهش حاضر $\alpha=0/05$ در نظر گرفته شد. تمامی روند آماری با استفاده از نرم افزار SPSS-22 انجام شد.

یافته ها: نتایج تحلیل آماری حاکی از ارتباط وزن مادر هنگام تولد کودک با وزن کودک با ضریب همبستگی $r=0/849$ و در سطح $P=0/001$ و وزن تولد کودک با زیرمقیاس حرکت ظریف و دستخط با ضریب همبستگی $r=0/240$ و در سطح $P=0/040$ بود.

نتیجه‌گیری: هماهنگی حرکتی با عواملی از جمله ریخت ژنتیکی کودک و انواع ویژگی‌های مادری مرتبط است. نکته بسیار مهم این است که رابطه بین رشد و نمو پیش از تولد با رشد و نمو آینده کودک باید شناخته شود. در این مطالعه که برخی از جنبه‌های ذکر شده تأکید

شده است مشخص شد که داشتن وزن بهینه و متعادل در مادر منجر به وزن مطلوبتری در کودک خواهد شد، همچنین وزن مناسب کودک با شاخصی از جمله حرکت ظریف و دستخط کودک در آینده نیز مرتبط خواهد شد. این نتیجه‌گیری تأکیدی دیگری بر اهمیت عوامل محیط مادرنه بر رشد و نمو حرکتی کودکان می‌باشد.

واژگان کلیدی: وزن مادر، سن کودک، وزن کودک، هماهنگی



طراحی الگوی کاربردی مراقبت از سالمندان در مراکز نگهداری در ایران با استفاده از فن

دلفی

فاطمه گورسخوار^۱، حسین مطلبی^۲، فرید غریبی^۳

^۱ کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

ایمیل: Gavarskhar@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی بهداشت سالمندی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: در اواسط قرن جاری، ایران با نسبت ۳۳٪ جمعیت سالمند، رتبه سوم جهان را به خود اختصاص داد. مطالعات صورت گرفته در ایران نشان می دهد که برنامه های مراقبتی در مراکز نگهداری شبانه روزی با توجه به نیازهای مراقبتی دوره سالمندی و شرایط خاص هر سالمند توسعه نیافته است. لذا تدوین الگویی کاربردی و مبتنی بر شواهد جهت پاسخگویی به نیازهای مراقبتی سالمندان امری ضروری به نظر می رسد. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف طراحی الگوی مراقبتی سالمندان در مراکز نگهداری ایران به مورد اجرا در آمد.

روش کار: در این مطالعه ابتدا الگوهای رایج مراقبت سالمندان در جهان شناسایی گردید و در ادامه استانداردهای مراقبتی هر یک از آنها در شش حوزه بسته خدمات مرتبط با سلامت، بسته خدمات عمومی، ارائه دهندگان خدمات، شرایط برخورداری از خدمات، روش های تامین مالی خدمات و نیز تسهیلات و امکانات مراکز نگهداری به روش مرور نظام مند شناسایی گردید. سپس تمامی استانداردهای مراقبتی در پرسشنامه دلفی وارد و بر اساس دو معیار اهمیت و قابلیت اجرایی توسط صاحب نظران با حداقل ۵ سال تجربه دانشگاهی و اجرایی در عرصه سالمندی در طی دو دوره بررسی شد.

یافته ها: در دور اول دلفی از مجموع ۴۸ پرسشنامه توزیعی تعداد ۴۰ پرسشنامه گردآوری و تحلیل گردید (۸۳،۳۳ درصد میزان پاسخدهی) و از جمع ۳۰۵ استاندارد اولیه تمامی آنها به استثنای ۷۳ مورد از سوی صاحب نظران تایید شدند. در ادامه، ۷۳ استاندارد باقیمانده به دور دوم دلفی راه یافتند و در این مرحله نیز از مجموع ۴۰ پرسشنامه توزیعی، ۳۸ پرسشنامه بدست آمد (۹۵ درصد میزان پاسخدهی) که پس از تحلیل آنها، تعداد ۴۰ استاندارد مورد پذیرش قرار گرفت و سایر استانداردها از ورود به مدل نهایی بازماندند. در طی این مطالعه حوزه های مربوط به بسته خدمات سلامت، ارائه دهندگان خدمات بهداشتی، خدمات عمومی، تسهیلات و امکانات مراکز مراقبتی، شرایط برخورداری از خدمات و روش های تامین مالی به ترتیب ۳۷/۰۹، ۲۷/۲۷، ۱۵/۲۷، ۱۵/۲۷ و ۳/۲۷ و ۱/۸۱ درصد از مدل نهایی را به خود اختصاص دادند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که طیف گسترده ای از الزامات اساسی جهت اجرایی نمودن یک مدل کارآمد در عرصه مراقبت سالمندی در ایران مورد نیاز می باشد که می بایست مورد توجه مدیران و سیاستگذاران این عرصه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مراقبت سالمندی، استاندارد، تکنیک دلفی



خدمات فراهم شده در سیستم های مراقبت سالمندی: یک مطالعه مروری نظام مند

فاطمه گورسخوار^۱، حسین مطلبی^۲، فرید غریبی^۳

^۱ کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. ایمیل: Gavarskhar@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی بهداشت سالمندی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: با افزایش امید به زندگی و رشد جمعیت سالمند در جهان، تعداد افراد نیازمند مراقبت های سالمندی رو به گسترش است. با توجه به اهمیت سالمندی و تاثیرات گسترده بهداشتی و اقتصادی آن، مطالعه حاضر با هدف معرفی بسته های خدمتی فراهم شده در انواع سیستم های مراقبت سالمندی طراحی و اجرا گردید.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع مروری نظام مند است. بمنظور دستیابی به مقالات از جستجوی مطالعات مرتبط در پایگاه های داده PubMed، ProQuest، Scopus و موتور جستجوی Scholar Google با کلیدواژه های (elderly OR aging OR older OR aged OR senior) AND (care OR service) AND (long term care, Nursing Home, Hospice care, Extra care housing, sheltered housing, Home care, Respite care, assisted living, Residential facilities, retirement housing, supportive service, senior center, Day care, Health services, Housing, Administration, Organization, Characteristics, Structure, Standard)) استفاده شد. نتیجه این بررسی، دستیابی به ۴۶۳۲۷ مقاله بود. سپس تمامی مطالعات به شیوه نظام مند بر اساس مرتبط بودن عنوان، چکیده و متن کامل مقاله با هدف مطالعه مورد بررسی و غربالگری قرار گرفتند و در نهایت، تعداد ۲۴۶ مقاله وارد مطالعه گردید. معیار ورود مقالات به پژوهش حاضر شامل انگلیسی زبان بودن آنها و انتشار مطالعات در بازه زمانی سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ بود. در ادامه، خدمات ارائه شده در هر سیستم مراقبتی سالمندی بر اساس مطالعه دقیق مقالات شناسایی شد و نتیجه گیری نهایی بر اساس نوع خدمات ارائه شده و فراوانی اشاره به آنها صورت گرفت

یافته ها: پژوهش حاضر نشان می دهد که سیستم های متعددی جهت مراقبت از افراد سالمند و پاسخگویی به نیازهای متنوع مراقبتی آنان وجود دارد که می توان به خدمات مراقبت های طولانی مدت، خدمات و مراقبت های در منزل، خدمات و مراقبت های واحدهای مسکونی ویژه سالمندان، خدمات مراکز نگهداری روزانه، خدمات و مراقبت های کانون های سالمندی، خدمات و مراقبت های مراکز نگهداری شبانه روزی و مراقبت های ویژه پایان عمر اشاره نمود. با توجه به نیازهای مراقبتی سالمندان و اهداف و رسالت هر سیستم مراقبتی، خدمات گوناگونی نظیر مراقبت های فردی، خدمات حمایتی اجتماعی، مراقبت های درمانی و پرستاری، خدمات تغذیه و تحویل غذا، خدمات توانبخشی و ... در بسته های خدمتی آنان تعریف و گنجانده شده است.

نتیجه گیری: سیستم های مختلف ارائه خدمات سالمندی بر اساس رسالت خود و نیازهای گیرندگان خدمات اقدام به تدوین بسته های خدمتی می نمایند. البته توجه به اولویت خدمات مورد نیاز و در نظر گرفتن منابع تحت اختیار مراکز ارائه دهنده مراقبت سالمندی می تواند در تعیین خدمت ارائه شده موثر باشد.

واژگان کلیدی: سالمند، مراقبت طولانی مدت، مرور نظام مند



خانه سالمندان مطلوب از دیدگاه سالمندان شهر گرگان

فاطمه گورسخوار^۱، حسین مطلبی^۲، فرید غریبی^۳

^۱ کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

ایمیل: Gavarskhar@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی بهداشت سالمندی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۳ دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: نظر به اینکه اکثر سالمندان در ایران نگرش مثبتی به مراکز نگهداری شبانه روزی ندارند و سکونت در آسایشگاه را معادل طرد خود از خانواده و جامعه تلقی می کنند، شناخت عمیق دیدگاه و انتظارات آنان می تواند راهنمایی مفید در سیاست گذاری های آتی جهت ارائه الگویی موفق و کارآمد برای مراکز ارائه دهنده مراقبت های طولانی مدت به سالمندان باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه سالمندان در خصوص انتظار از الگوی بومی خانه های سالمندان در ایران به انجام رسید.

روش کار: این پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا انجام شد. داده ها از طریق برگزاری چهار جلسه بحث گروهی متمرکز در گروههای ۶-۸ نفره و با مشارکت ۲۲ نفر از سالمندان شهر گرگان گردآوری گردید. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده ها، پرسشنامه غیرساختار یافته ای بود که سوالات آن به صورت کیفی و قضاوتی از سوی صاحب نظران حوزه مطالعات کیفی و سلامت سالمندان مورد تایید قرار گرفته بود. نظرات ارائه شده در هر جلسه ضبط و ثبت گردید و سپس تمامی مطالب عنوان شده بر روی کاغذ ثبت شد و مورد بازبینی قرار گرفت. در مرحله کدگذاری، تجربیات ابراز شده از سوی مشارکت کنندگان در قالب کد ارائه گردید. سپس بر اساس درونمایه های آشکار یا پنهان موجود در کدها، کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفت و تم های فرعی مطالعه را تشکیل دادند. سپس تم های اصلی مطالعه با ادغام تم های فرعی، ایجاد و برجسب گذاری شد و در مرحله تفسیر یافته ها که شامل جستجوی الگوها، ارتباطات، مفاهیم، تعبیر در داده ها می باشد، با بررسی تم های نهایی بدست آمده به توسعه و تعبیر ایده ها و محتوای آن ها پرداختند.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه حاضر تعداد ۸ تم اصلی و ۳۰ تم فرعی شناسایی گردید. تم های اصلی شامل بسته خدمتی (با شش تم فرعی)، ارائه دهندگان خدمت (با دو تم فرعی)، تسهیلات مراکز مراقبتی (با سه تم فرعی)، ویژگی فضاهای فیزیکی (با شش تم فرعی)، شرایط برخورداری سالمندان از خدمات (با دو تم فرعی)، روش های تامین مالی (با پنج تم فرعی)، حقوق سالمندان (با سه تم فرعی) و مدیریت مراکز (با سه تم فرعی) می باشد. تم های اصلی بسته خدمتی و تسهیلات مراکز نگهداری از سالمندان دارای بیشترین کد استخراجی، به ترتیب ۳۱ و ۲۳ کد بوده اند و تم های اصلی روش های تامین مالی و شرایط برخورداری سالمندان دارای کمترین کد استخراجی، به ترتیب ۵ و ۲ کد بوده اند.

نتیجه گیری: از آنجاییکه سالمندان مورد بررسی در پژوهش حاضر به تمامی ابعاد اصلی و غالب مولفه های مراقبت و نگهداری اشاره کرده اند لذا به نظر می رسد که این سالمندان در حقوق خود آگاهی کامل دارند و به عنوان یک مطالبه اجتماعی آنها را از نظام سلامت درخواست می نمایند.

واژگان کلیدی: مطالعه کیفی، تحلیل محتوی، سالمند



مجتمع های مسکونی حمایتی سالمندان: یک مطالعه مرور سیستماتیک

فاطمه گورسخوار^۱، فرید غریبی^۲، حسین مطلبی^۳

^۱ کارشناسی ارشد سلامت سالمندی، مرکز تحقیقات مدیریت سلامت و توسعه اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. ایمیل: Gavarskhar@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده تغذیه و علوم غذایی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران
^۳ دکترای تخصصی بهداشت سالمندی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

زمینه و هدف: با رشد جمعیت سالمندان، تعداد افراد ناتوانی که نیازمند مراقبت های طولانی مدت هستند افزایش خواهد یافت. در کشورهای توسعه یافته الگوهای مختلفی جهت ارایه مراقبت های طولانی مدت سالمندان و برآورده کرده کردن نیازهای مراقبتی آنان طراحی و ایجاد شده است. مطالعه حاضر نیز با هدف شناسایی ساختار مجتمع های مسکونی حمایتی Assisted Living Facilities(ALF) به عنوان یکی از الگوهای مراقبت و نگهداری شبانه روزی افراد سالمند طراحی و اجرا شده است.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع مرور سیستماتیک است. بمنظور دستیابی به مقالات از جستجو در پایگاه های داده، Proquest, Scopus, PubMed و موتور جستجوگر Scholar Google با استفاده از کلیدواژه های aged care, Assisted living, Housing, Administration, Organization, Standard Elderly, Older, Aged, حاضر شامل انگلیسی زبان بودن آنها و انتشار در سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۸ بود که بر این اساس تعداد ۳۷۳۹ منبع به دست آمد که با توجه به مرتبط بودن عنوان، چکیده و متن مقاله با هدف مطالعه به تعداد ۳۴ مورد کاهش پیدا کرد جهت ارزیابی کیفیت مقالات مروری، مقطعی، کارآزمایی بالینی و کیفی بترتیب از ابزارهای PRISMA, STROB, CONSORT و CASP استفاده گردید و مقالاتی که حداقل ۵۰ درصد معیارهای اشاره شده در ابزار را داشتند به مطالعه حاضر وارد شدند.

یافته ها: ابعاد اصلی مراکز فعال با ساختار مراقبتی ALF عمدتاً بر پنج محور بسته های خدمتی، پرسنل ارائه دهنده خدمت، شرایط برخورداری سالمندان از خدمات، شیوه های تامین مالی و تسهیلات موجود در این مراکز متمرکز بود. خدمات ارایه شده در مجموعه های مسکونی زندگی حمایتی شامل سه دسته خدمات غیردرمانی، خدمات مرتبط با سلامت و خدمات حمایتی اجتماعی می باشد. اعضای تیم مراقبت از سالمندان شامل پرستار، کمک پرستار، پزشک، مددکار اجتماعی، سالمندیار، کارشناس توانبخشی و تغذیه بود. رایج ترین شیوه تامین مالی مربوط به بیمه تامین اجتماعی و پس از آن مراکز دولتی، خیریه و خصوصی بودند. شرایط لازم جهت برخورداری از تسهیلات شامل سن، ناتوانی و آسیب پذیری افراد، نیازهای پزشکی یا پرستاری، جنس و درآمد بود. تسهیلات موجود در ALF شامل تسهیلات بهداشتی درمانی، تفریحی و ورزشی، آموزشی و رفاهی به دست آمد.

نتیجه گیری: نتیجه مطالعه حاضر می تواند به رفع کاستی های موجود در مراکز مراقبتی سالمندان مورد بررسی کمک کند و چارچوب مناسبی را برای مدیران عرصه سالمندی در جهت ایجاد یک ساختار مراقبت سالمندان کارآمد و اثربخش فراهم کند.

واژگان کلیدی: سالمند، مراقبت طولانی مدت، زندگی حمایتی



رابطه بین سلامت معنوی و افسردگی در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی اسفراین

طاهره صفری^۱، احمد صادقی^۲، الهام زال^۱، حسین روحانی^۲، فرشته عیدی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. Ahmadsadeghi1363@gmail.com
^۳ کارشناس ارشد آمار حیاتی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: افسردگی اختلال هیجانی پیچیده ای است که می تواند تاثیرات مختلفی از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی داشته باشد؛ از طرفی سلامت معنوی جدیدترین بعد شناخته شده سلامت می باشد و ارتباط هماهنگ و یکپارچه ای را با ابعاد مختلف سلامت دارد. با توجه به اهمیت موضوع و اینکه جامعه دانشجویی یکی از عظیم ترین گروه های جامعه است و بهبود شرایط و کاهش افسردگی در آن ها می تواند در کل جامعه به نتایج مثبتی منجر شود، این مطالعه با هدف تعیین رابطه بین سلامت معنوی و افسردگی در بین دانشجویان دانشکده علوم پزشکی اسفراین در سال ۹۷-۹۸ انجام شد. **روش کار:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۲۰۹ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی اسفراین با روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد سلامت معنوی پولوتزین و الیسون و پرسشنامه استاندارد افسردگی بک بود. داده ها پس از جمع اوری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ شد و با آزمون های آماری کای اسکوئر، دقیق فیشر و شاخص های پراکنندگی تحلیل گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد وضعیت متغیر های دموگرافیک بدین صورت بوده است: دختر (۵۸/۹٪)، مجرد (۸۸٪)، خوابگاهی (۸۳/۷٪)، رشته پرستاری (۴۸/۳٪)، مقطع کارشناسی (۸۴/۲۵٪)، وضعیت اقتصادی متوسط (۷۵/۱٪)، عدم افسردگی (۳۷٪)، سلامت معنوی متوسط (۵۸٪). طبق نتایج، بین سلامت معنوی و افسردگی رابطه آماری معناداری مشاهده گردید، بدین صورت که افرادی که سلامت معنوی بیشتری داشتند، افسردگی کمتری داشتند. (p-value <= 0.001) همچنین بین سلامت معنوی با وضعیت اقتصادی و وضعیت تاهل ارتباط معنی دار وجود داشت (P > 0.05)؛ ولی بین سلامت معنوی با جنس، سکونت، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و ترم تحصیلی ارتباط وجود نداشت (P > 0.05)

نتیجه گیری: یافته ها نشان داد بین سلامت معنوی و افسردگی رابطه مثبتی وجود دارد؛ همچنین با وجود میزان بالای عوامل سلامت معنوی در بین دانشجویان با توجه به جامعه اسلامی ما و همچنین بالا بودن زمینه های افسردگی در بین آن ها می توان با ارائه ی برنامه های آموزشی مرتبط با نقش معنویت در زندگی، تا حدودی از زمینه های بروز افسردگی و در نتیجه میزان افسردگی در بین آنان جلوگیری کرد.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، افسردگی، دانشجویان، دانشکده علوم پزشکی



عوامل مرتبط بر رفتارهای تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر

اسفراین

زهرا شمشیریان^۱، احمد صادقی^۲، ریحانه نیکزاد^۱، حسین روحانی^۲، فرشته عیدی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. Ahmadsadeghi1363@gmail.com
^۳ کارشناس ارشد آمار حیاتی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: اگر چه رژیم غذایی سالم و متعادل و رفتارهای صحیح تغذیه ای در سراسر زندگی مهم است اما در دوران بارداری برای سلامت مادر و جنین از اهمیت بیشتری برخوردار است. مطالعه حاضر با هدف بررسی عوامل مرتبط بر رفتارهای تغذیه ای زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهر اسفراین براساس تئوری شناختی انجام شده است. **روش کار:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد که در سال ۹۸-۹۷ در شهر اسفراین انجام شده است. جامعه مورد مطالعه زنان باردار مراجعه کننده به پایگاه های سلامت شهری بوده که از بین آنها ۱۰۰ نفر بصورت در دسترس انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد "رفتار تغذیه ای زنان باردار بر اساس تئوری شناختی" گردآوری شد. برای تحلیل داده ها از آزمون های آماری T-test و ANOVA در نرم افزار SPSS 21 استفاده گردید.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سنی شرکت کنندگان $(6,089 \pm 28,26)$ بود. طبق نتایج، میانگین نمرات کسب شده از حیطه های مختلف پرسشنامه بدین صورت بود: آگاهی $(0,59 \pm 6,57)$ ، انتظار پیامد $(3,82 \pm 42,26)$ ، ارزش های پیامد $(2,476 \pm 38,85)$ ، خودکارآمدی $(30,55 \pm 3,675)$ ، حمایت اجتماعی $(5,496 \pm 37)$ ، خودتنظیمی $(32,08 \pm 3,396)$ ، تعیین کننده متقابل $(23,15 \pm 2,385)$ ، رفتار تغذیه ای $(7,1833 \pm 0,5428)$. نتایج نشان داد بین رفتار تغذیه ای با متغیرهای دموگرافیک ارتباط معناداری وجود ندارد. $(P > 0.05)$.

نتیجه گیری: میانگین نمرات کسب شده در حیطه های مختلف در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار داشته و فقط نمره حیطه خود کارآمدی کمی پایین است که می توان با روش های آموزشی مناسب در طرح های آینده این حیطه را نیز تقویت کرد.

واژگان کلیدی: رفتار تغذیه ای، تئوری شناختی، زنان باردار، پایگاه سلامت



ارزیابی عملکرد بیمارستان‌های ایران قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت: یک

مطالعه مروری

گیسو علیزاده^۱، معصومه قلیزاده^۲، آدینه جعفرزاده^۳، محمد فاروق خسروی^۴

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی سیاست گذاری سلامت، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت، گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

^۴ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه آموزشی علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: khosravi.mohammad1@yahoo.com

زمینه و هدف: لازمه موفقیت هر سازمانی انجام کار درست به روش درست می‌باشد. یکی از روش‌هایی که می‌تواند سازمان را به مسیر درست هدایت نماید اندازه‌گیری عملکرد آن می‌باشد لذا هدف این مطالعه اندازه‌گیری عملکرد بیمارستان‌های دولتی ایران در قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت می‌باشد.

روش کار: در پژوهش مروری حاضر، کلیه مقالات مرتبط با ارزیابی عملکرد بیمارستان‌های در قبل و بعد از اجرای طرح تحول نظام سلامت ایران بدون محدودیت زمانی مورد بررسی قرار گرفت. مقالات منتشر شده در پایگاه‌های Magiran، Iranmedex، PubMed، Scopus و موتور جستجو Google Scholar با استفاده از کلیدواژه‌های مناسب جستجو شد. برای جستجوی دستی نیز لیست منابع مقالات به دست آمده نیز بررسی شد. در نهایت مقالات به دست آمده انتخاب و تحلیل شدند.

یافته‌ها: در جستجوهای انجام گرفته، ۱۵ مقاله وارد مرحله تحلیل شد. شاخص اشغال تخت، گردش تخت و متوسط طول اقامت قبل از اجرای این طرح به ترتیب ۶۲۳/۶۳ درصد، ۴۵/۵۰ بار و ۳/۹۰ روز بوده است که بعد از اجرای این طرح به ۶۹/۱۷ درصد، ۵۰/۱۴ بار و ۳/۸۲ روز رسیده است. شاخص‌های اشغال تخت و گردش تخت با افزایش همراه بوده است و طول مدت اقامت کاهش کمی بعد از اجرای این طرح داشته است و در نهایت وضعیت بیمارستان‌های ایران بعد از اجرای این طرح بهبود یافته است.

نتیجه‌گیری: طرح تحول نظام سلامت با کاهش پرداخت مستقیم بیماران منجر به مراجعه‌ی زیاد بیماران به بیمارستان‌های مشمول این طرح شده است در نتیجه این مراکز با افزایش اشغال تخت مواجه شده‌اند. بیمارستان‌ها برای پاسخگویی به افزایش تقاضای مردم، مجبور به ترخیص زود هنگام بیماران شده‌اند و با ترخیص زود هنگام بیماران، شاخص گردش تخت افزایش یافته است و طول مدت اقامت بیماران را کاهش داده است.

واژگان کلیدی: بیمارستان، ارزیابی عملکرد، طرح تحول، نظام سلامت، ایران



بررسی شیوع و عوامل مرتبط با خود درمانی در بین دانشجویان دانشگاه های شهرستان اسفراین در سال ۱۳۹۸

الهه محمدپور قلعه نو^۱، حسین روحانی^۲، احمد صادقی^۳، زهرا افراسیابی ثانی^۱، فرشته عیدی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ دکترای آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. ایمیل: hoseinrohani3@gmail.com
^۳ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۴ کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: خوددرمانی از بزرگترین مشکلات اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی جوامع مختلف از جمله ایران محسوب می شود. بنابراین با توجه به شیوع بالا خوددرمانی در بین دانشجویان در ایران برای تغییر در رفتار افراد جامعه باید مطالعات اولیه در زمینه شیوع و فاکتورهای مؤثر بر روی این پدیده انجام گیرد تا بعنوان پایه ای برای مداخلات بعدی استفاده شود. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین شیوع خوددرمانی و برخی عوامل مرتبط با آن در دانشجویان اسفراین در سال ۱۳۹۸ صورت گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع توصیفی مقطعی با رویکرد تحلیلی بود که بر روی ۱۵۰ نفر از دانشجویان شهر اسفراین در سال ۱۳۹۸ انجام شد. روش نمونه گیری به صورت طبقه ای متناسب بود. برای جمع آوری نمونه از پرسشنامه استاندارد استفاده شد که به صورت خود اظهاری تکمیل گردید داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-21 و آزمون های کای اسکور و فیشر در سطح معنی دار $p \leq 0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سنی دانشجویان $21/46 \pm 2/7$ بود که ۴۰/۶٪ زن و ۵۹/۴٪ مرد بودند. ۱۳/۷٪ از افراد شرکت کننده دانشجوی دانشکده علوم پزشکی، ۵۳/۷٪ دانشجوی دانشگاه فنی و مهندسی و ۳۲/۶٪ دانشجوی دانشگاه پیام نور بودند که از میان آنها ۲۷/۱٪ در خوابگاه، ۵۰٪ منزل شخصی و ۲۲/۹٪ در منزل دانشجویی زندگی می کردند. در مجموع ۴۲٪ از دانشجویان در یک ماه گذشته ناراحتی جسمی و روانی داشته که ۵۰٪ از آنها اقدام به خود درمانی کرده بودند. بیشترین میزان خوددرمانی بترتیب مربوط به مصرف داروهای سرماخوردگی (۵۰٪)، آنتی بیوتیک (۳۳٪/۳)، داروهای گیاهی (۲۵٪) و داروهای ضد درد (۲۲٪/۹) بود. در نهایت اینترنت (۳۴٪/۹)، مراکز طبی (۲۰٪)، دوستان و آشنایان (۱۸٪/۲) و رسانه های گروهی (۱۳٪/۴) بیشترین تاثیر را بر میزان اطلاعات دانشجویان نسبت به داروها داشتند. در این مطالعه متغیر محل سکونت با خود درمانی ارتباط آماری معناداری نشان داد و میزان خود درمانی در دانشجویانی ساکن منازل شخصی نسبت به سایر دانشجویان بیشتر بود ($P=0/02$).

نتیجه گیری: میزان شیوع خوددرمانی در میان دانشجویانی که در منزل شخصی زندگی می کنند نسبت به سایر دانشجویان بیشتر بوده که احتمال دارد زندگی در خوابگاه باعث افزایش آگاهی دانشجویان شده باشد.

واژگان کلیدی: خوددرمانی، دانشجویان، مصرف دارو



بررسی اثربخشی مکمل چای سبز در مقایسه با مکمل های فیبر، کافئین و ال کارنیتین بر کاهش

وزن در افراد چاق: یک متآنالیز شبکه ای

حسین تقی زاده^۱، حامد کرد ورکانه^۱، سپیده برزگر^۱

^۱مرکز پژوهش های دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، تهران، ایران. ایمیل: hamedkord39@yahoo.com

زمینه و هدف: تاکنون مطالعه ای میزان اثربخشی جامع مکمل چای را نسبت به فیبر، کافئین و ال کارنیتین بر کاهش وزن افراد چاق تعیین ننموده است. بنابر این هدف از این مطالعه ارزیابی جامع مکمل چای، فیبر، کافئین و ال کارنیتین بر کاهش وزن در افراد چاق می باشد.

روش کار: پایگاههای اطلاعاتی پابمد، اسکوپوس، گوگل اسکولار و کاکرن تا تاریخ آبان ماه ۱۳۹۷ سرچ گردید. از روش pairwise برای مقایسه اختلاف میانگین کاهش وزن داروها در دو روش مستقیم (مقایسه داروها با گروه کنترل) و غیر مستقیم (مقایسه داروها با یکدیگر) استفاده شد.

یافته ها: مطالعه حاضر که بر روی ۷۳ مطالعه بالینی با جمعیت ۳۹۲۱ (۲۰۰۲ نفر گروه مداخله و ۱۹۱۹ گروه کنترل) نشان داد که مکمل کافئین (۰/۸۸- کیلوگرم؛ فاصله اطمینان ۲/۶۰- تا ۰/۸۴-) و بعد از آن مکمل ترکیبی کافئین با کاتچین (۰/۷۴- کیلوگرم؛ فاصله اطمینان ۱/۷۰- تا ۰/۲۱-)، چایی (۰/۶۱- کیلوگرم؛ فاصله اطمینان ۱/۳۳- تا ۰/۱۱-)، فیبر (۰/۳۱- کیلوگرم؛ فاصله اطمینان ۰/۷۹- تا ۰/۱۷-)، به ترتیب بیشترین تاثیر را در کاهش وزن در مقایسه با گروه دارونما دارند، به هر حال مکمل کارنیتین تاثیر بر روی کاهش وزن نداشت.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که اثربخشی مکمل چای سبز در کاهش وزن در مقایسه با فیبر و کارنیتین بیشتر و در مقایسه با کافئین و ترکیب کافئین با کاتچین کمتر می باشد.

واژگان کلیدی: چای سبز، فیبر، کافئین و ال کارنیتین، کاهش وزن



نگرش پرستاران به مراقبت معنوی و تاثیر آن در ارائه مراقبت معنوی به بیمار: مطالعه مروری

سارا استیری^۱، محدثه براتی^۲، فاطمه استبصاری^۳

^۱ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: sara78estiri@gmail.com

^۲ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: مراقبت معنوی از بیمار مجموعه فعالیت‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا بهتر بتوانند با بحران مواجه شوند و زمانی ضرورت می‌یابد که فرد دچار شک، اضطراب، بحران و فقدان شود. این حمایت شامل حمایت مذهبی، تشویق بیمار به ابراز احساسات، گوش دادن فعال و تشویق بیمار به تفکر مثبت و... است. بدین ترتیب، این گونه مراقبت‌ها موجب احساس آرامش در افراد می‌شود و رشد معنا و هدف را در زندگی در پی دارد. پرستاران به علت نداشتن آشنایی با بررسی نیازهای مذهبی و نداشتن دانش و مهارت کافی در رابطه با ارائه مراقبت‌های مذهبی، قادر به ایجاد ارتباط با بیمار نبوده و ممکن است گاهی بیمار تصور کند که در حقیقت پرستار قصد دخالت در امور مذهبی او را دارد در حالیکه اگر پرستار با نحوه ارزیابی مذهبی بیمار آشنایی داشته باشد و آن را جزئی از حرفه خود بداند و همچنین مهارت جهت برقراری ارتباطی مناسب با بیمار باشد قادر خواهد بود نیازهای معنوی بیمار را شناسایی و همانند سایر نیازهای جسمی و روحی‌اش تامین نماید.

روش کار: برای اطمینان از دقت اطلاعات ارائه شده، بررسی جامعی بر روی مقالات، بین سال‌های ۹۰ تا ۹۷ انجام شد. کلیدواژه‌های مرتبط در پایگاه‌های Pubmed، Google scholar، SID، Scopus به زبان‌های فارسی و انگلیسی جستجو شد و از بین ۴۰ مقاله ۱۴ مقاله که بالاترین همپوشانی را با موضوع داشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: هر چه درک پرستار از مراقبت معنوی بیشتر باشد مراقبت معنوی مداوم‌تری را برای بیمار انجام می‌دهد. نگرش و آگاهی پرستاران از مراقبت معنوی و عوامل موثر بر آن، باعث برآوردن نیازهای معنوی بیماران می‌شود. ظرفیت پرستاران برای تامین مراقبت معنوی به میزان معنویت آن‌ها و ابعاد آموزش مراقبت معنوی ارتباط دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد پرستارانی که در دوران تحصیل اصول معنوی را آموزش می‌بینند، مراقبت معنوی بالاتری ارائه می‌دهند و پرستاران با سطح علمی بالاتر دیدگاه مثبت تری نسبت به مراقبت معنوی داشتند. نتایج حاصل بیانگر وجود ارتباط بین سلامت معنوی و مراقبت معنوی می‌باشد به طوریکه پرستارانی که سلامت معنوی بالاتری دارند مراقبت معنوی بهتری را ارائه می‌دهند. از آنجا که مراقبت معنوی شالوده یک پرستاری کل نگر بوده لذا برای اطمینان از درک کافی معنویت در نقش پرستاری لازم است که آموزش معنویت نیز در آموزش‌های دوره پرستاری گنجانیده شود.

واژگان کلیدی: نگرش، پرستار، مراقبت معنوی، بیمار



بررسی تاثیر درک مراقبت معنوی دانشجویان پرستاری بر کیفیت ارائه مراقبت معنوی

بیماران: مطالعه مروری

سارا استیری^۱، محدثه براتی^۲، فاطمه استبصاری^۳

^۱ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: sara78estiri@gmail.com

^۲ عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، استادیار گروه پرستاری سلامت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: انسان به عنوان موجودی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی در نظر گرفته شده و در روند مراقبت از وی به تمامی ابعاد وجودی او توجه می‌شود زیرا این ابعاد پویا و موثر بر یکدیگر هستند و در کنار هم سلامتی را تشکیل می‌دهند. شواهد نشان می‌دهد که در بین این ابعاد، بعد معنوی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که بعد معنوی سایر ابعاد وجودی انسان را احاطه می‌کند و می‌تواند به عنوان یک بعد منسجم در رفاه و سلامتی هر فرد تعریف گردد. ارائه صحیح مراقبت‌های معنوی به بیماران تحت تاثیر عوامل شخصی، فرهنگی و آموزشی قرار دارد و افراد ارائه دهنده این مراقبت‌ها خود باید از سلامت معنوی و اخلاق کافی برخوردار باشند.

روش کار: برای اطمینان از دقت اطلاعات ارائه شده، بررسی جامعی بر روی مقالات، بین سال‌های ۹۰ تا ۹۷ انجام شد. واژگان کلیدی‌های مرتبط در پایگاه‌های Pubmed، Google scholar، SID، Scopus به زبان‌های فارسی و انگلیسی جستجو شد و از بین ۴۰ مقاله، ۱۵ مقاله که بالاترین همپوشانی را با موضوع داشتند، مورد بررسی قرار گرفت

یافته‌ها: بر اساس مطالعات دو عامل درک مراقبت معنوی و معنویت شخصی دانشجویان در درک صلاحیت آنان نسبت به مراقبت معنوی قابل توجه بوده‌اند و به عنوان فاکتورهای تاثیر گزار بر صلاحیت درک شده دانشجویان در امر مراقبت معنوی مطرح شده‌اند. موانع ارائه مراقبت معنوی از دیدگاه پرستاران شامل نداشتن شفافیت نقش، به رسمیت شناخته نشدن اهمیت مراقبت معنوی و نداشتن دانش و مهارت کافی است.

نتیجه‌گیری: ارائه صحیح مراقبت معنوی به بیمار نیازمند آن است که ارائه دهندگان این مراقبت‌ها درک لازم در این رابطه را داشته باشند. به این منظور، برای پرستاری از بیماران باید آموزش‌های لازم در دوران دانشجویی دریافت شود. هر چه دانشجویان پرستاری از درک و صلاحیت بالاتری در ارائه مراقبت معنوی برخوردار باشند، مراقبت و مداخلات بهتری برای بیماران خود انجام می‌دهند و پیشنهاد می‌شود عوامل موثر بر کسب مهارت‌های مراقبت معنوی و شایستگی دانشجویان جهت ارائه مراقبت معنوی جامع به بیماران شناسایی شود.

واژگان کلیدی: درک، مراقبت معنوی، دانشجو



بررسی نگرش نسبت به اصول اخلاق حرفه ای در کارکنان پایگاه های سلامت و عوامل موثر بر آن در شهر اسفراین در سال ۱۳۹۸

سارا اسمعیل زاده^۱، حسین روحانی^۲، احمد صادقی^۳، فرشته عیدی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. ایمیل: hoseinrohani3@gmail.com
^۳ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۴ کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: جوامع مختلف بر حسب نگرش خود رویکردهای متفاوتی نسبت به اخلاق حرفه ای داشته اند. اخلاق حرفه ای یکی از مقوله های چالش انگیز در حیطه کاری کارکنان پایگاه های سلامت و تمامی پرسنل این حرفه است. بنابراین نوع نگرش نسبت به اصول اخلاق حرفه ای آنها در ارائه خدمت بهتر و روابط شایسته با مددجویان و همکاران مؤثر است. این مطالعه با هدف بررسی نگرش نسبت به اصول اخلاق حرفه ای در کارکنان پایگاه های سلامت و عوامل موثر بر آن در شهر اسفراین انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی کلیه کارکنان پایگاه های سلامت شهر اسفراین شرکت داده شدند که در حدود ۳۴ نفر بودند. ابزار بررسی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بر اساس مطالعات مرتبط در این زمینه بود که از دو قسمت مشخصات دموگرافیک و ۱۷ سوال اختصاصی مربوط به نگرش تشکیل شده بود. پس از تکمیل پرسشنامه به شیوه خود اظهاری، نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از آزمون های فیشر و آنالیز واریانس و کروسکال والیس برای تعیین ارتباط بین متغیرها و برای متغیرهای توصیفی از آماره توصیفی استفاده شد.

یافته ها: تمامی شرکت کنندگان در پژوهش زنان با میانگین سنی $(3/237 \pm 29/65)$ و اکثراً متأهل $(91/2\%)$ بودند. ۳۱ نفر از شرکت کنندگان مدرک کارشناسی و ۲۸ نفر با میانگین سابقه کاری $(5/12 \pm 3/310)$ بودند. ۳۵/۴٪ از شرکت کنندگان دارای مدرک کارشناسی رشته بهداشت عمومی بودند. در بخش رضایت از درآمد اکثر افراد $(55/9\%)$ تاحدودی راضی بودند و بیشتر افراد $(52/4\%)$ در کلاس اخلاق حرفه ای شرکت نکرده بودند. ۸۸/۲ درصد شرکت کنندگان استخدام شرکتی بودند. نتایج نشان داد اکثر شرکت کنندگان ۲۰ نفر $(58/8\%)$ نگرش بسیار خوب نسبت به اصول اخلاق حرفه ای داشتند. نتایج تحلیلی نشان داد بین هیچ یک از متغیرهای مورد مطالعه و نگرش ارتباط معنی داری وجود نداشت.

نتیجه گیری: طبق نتایج به دست آمده اکثریت کارکنان پایگاه های سلامت نگرش بسیار خوب نسبت به اصول اخلاق حرفه ای داشتند. تقویت برنامه های آموزشی و برگزاری کارگاه اخلاق و مشاوره و حمایت از کارکنان پایگاه های سلامت میتواند در تقویت نگرش مثبت گامی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه ای، پایگاه های سلامت، نگرش



بررسی تأثیر آموزش سلامت بر توانمندسازی رابطین بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی

شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۵

ناطق عباسقلیزاده^۱، داود ادهم^۱، اسلام مرادی اصل^۱، مالک اباذری^۱، نجم الدین رمضان تاش^۱، رضا عباسی^۱

^۱ گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران. ایمیل: abbasireza1910@gmail.com

زمینه و هدف: با توجه به نقش محوری توانمندسازی کارکنان در برنامه های سلامت و با توجه به اینکه این قشر به عنوان نقطه اتصال جامعه جهت مشارکت در برنامه های بهداشتی محسوب می شوند توجه به مسئله افزایش صلاحیت آنان و نقش آموزش در این زمینه از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر آموزش سلامت بر توانمندسازی رابطین بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی شهرستان اردبیل انجام گردید.

روش کار: این تحقیق، پژوهش نیمه تجربی از نوع قبل و بعد با گروه آزمون و کنترل بود. جامعه آماری مطالعه کلیه رابطین مراکز بهداشتی درمانی شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۵ و نمونه مورد پژوهش ۳۲۰ نفر از رابطین مراکز بهداشتی درمانی بودند که به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه ۱۶۰ نفره آزمون و کنترل قرار گرفتند. اطلاعات مورد نیاز توسط پرسشنامه ای شامل دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالات توانمندسازی در دو نوبت قبل و بعد از انجام مداخله آموزشی (به شیوه ایفای نقش، بحث، سخنرانی) از هر دو گروه جمع آوری و با نرم افزار SPSS-22 و با استفاده از آزمونهای آماری تی تست و کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: قبل از مداخله میانگین و انحراف معیار نمره عزت نفس، خودکنترلی، خودکارآمدی، مهارت حل مسئله و اعتماد به نفس در رابطین بهداشتی در دو گروه آزمون و کنترل در حد پایین بود و از این نظر تفاوت معناداری باهم نداشتند اما پس از مداخله آموزشی نمرات مولفه های توانمندسازی در دو گروه تفاوت معناداری نشان داد ($P=0/001$). همچنین میان متغیرهای سن و تحصیلات با مولفه های توانمندسازی رابطه معناداری مشاهده گردید ($P<0/05$).

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج پژوهش نشان می دهد آموزش توانمندسازی جمعیت مورد مطالعه موثر بوده و با توجه به اهمیت مسئله توانمندسازی در ارتقای سلامت، پیشنهاد می شود توجه بیشتری به آن مبذول گردد.

واژگان کلیدی: آموزش سلامت، رابطین بهداشتی، اردبیل



تأثیر آموزش بر آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان دختر دوره اول مقطع دبیرستان شهرستان اردبیل نسبت به ارتقاء بهداشت دهان و دندان

مالک ابادری^۱، ناطق عباسقلیزاده^۱، داود ادهم^۱، اسلام مرادی اصل^۱، نجم الدین رمضان تاش^۱، رضا عباسی^۱

^۱ گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران. ایمیل: abbasireza1910@gmail.com

زمینه و هدف: پوسیدگی دندان به عنوان یک بیماری عفونی چند عاملی به شدت متاثر از عوامل متعدد مانند: تحصیلات، وضعیت اقتصادی، بعد خانوار و میزان رعایت بهداشت دهان و دندان می باشد. هدف از انجام این پژوهش سنجش تأثیر آموزش بر آگاهی و عملکرد بهداشت دهان و دندان دانش آموزان است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مداخله ای- نیمه تجربی مورد- شاهدی به روش پیش آزمون و پس آزمون بود که بر روی تعدادی از دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته بود که شامل ۲۵ سوال باز و بسته بود. اطلاعات به دست آمده وارد نرم افزار SPSS-22 گردید و نتایج نیز با استفاده از آزمون های آماری تی مستقل و تی زوجی، میانگین، انحراف معیار، درصد گیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس نتایج این پژوهش میانگین و انحراف معیار نمره آگاهی در گروه آزمون به ترتیب ۲/۶۰ و ۱۱/۱۱ و در گروه کنترل ۲/۸۶ و ۰/۹۴ نمره قبل از مداخله بود که تفاوت معنی داری را نشان نداد ($P=0/23$). اما بعد از مداخله آموزشی همین آزمون تفاوت معنی داری را بین دو گروه آزمون و کنترل در زمینه آگاهی نشان داد ($P=0/01$). همچنین این نتایج نشان می دهد که آموزش بر نگرش دانش آموزان تأثیر مثبت داشته است به طوری که ارتباط بین دو گروه مورد- شاهد قبل از مداخله از نظر آماری معنی دار نبود ($P=0/29$) ولی بعد از مداخله این ارتباط معنی دار بود ($P=0/01$). آگاهی، نگرش و عملکرد دو گروه مورد و شاهد قبل و بعد مداخله با هم مقایسه شد و بر اساس تعیین سطح معنی دار رابطه ها مشخص گردید که آموزش کاملاً موثر بوده است.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد تأثیر سخنرانی و نمایش عملی مسواک زدن بر آگاهی، نگرش و عملکرد دانش آموزان در مورد بهداشت دهان و دندان مثبت بوده است

واژگان کلیدی: آموزش، آگاهی، نگرش، بهداشت دهان و دندان، دانش آموزان، اردبیل



بررسی میزان آگاهی از اهمیت مراقبت پیش از بارداری زنان در سنین باروری شهر آبیگیلو سال ۱۳۹۳

داود ادهم^۱، اسلام مرادی اصل^۱، مالک ابادری^۱، ناطق عباسقلیزاده^۱، رضا عباسی^۱، نجم الدین رمضان تاش^۱

^۱ گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران. ایمیل: artin7503@gmail.com

زمینه و هدف: مراقبتهای پیش از بارداری شامل مداخلاتی از قبیل پیشگیری، درمان و شناسایی مخاطرات زیست پزشکی، رفتاری و اجتماعی است. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان آگاهی زنان در سنین باروری از مراقبتهای پیش از بارداری شهر آبیگیلو انجام شد.

روش کار: مطالعه توصیفی حاضر در سال ۱۳۹۳ بر روی ۲۰۰ زن در سنین باروری شهر آبیگیلو انجام گرفت. افراد به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر حیطه های مختلف اعم از ژنتیک، ایمنی، بیماری و سایر موارد از مراقبتهای قبل از بارداری بود. داده ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار SPSS-22 و آزمونهای آنالیز واریانس و تی تست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین نمره آگاهی مربوط به گروه سنی ۲۵-۳۵ سال بود. بین سطح تحصیلات و نمره آگاهی رابطه مستقیم و معنی داری مشاهده شد. همچنین آگاهی زنان شهری به طور معنی داری بالاتر از زنان روستایی بود.

نتیجه گیری: عوامل مختلفی بر نمره آگاهی زنان در سنین باروری تاثیرگذار می باشند که شناخت این عوامل جهت برنامه ریزی بهتر در مورد زنان در سنین باروری و توانمندسازی آنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

واژگان کلیدی: آگاهی، بارداری، آبیگیلو



بررسی عوامل پیش بینی کننده سقط در شهرستان اردبیل در سال ۱۳۹۵

داود ادهم^۱، اسلام مرادی اصل^۱، مالک اباذری^۱، ناطق عباسقلیزاده^۱، رضا عباسی^۱، نجم الدین رمضان تاش^۱

^۱ گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران. ایمیل: artin7503@gmail.com

زمینه و هدف: سالیانه در سراسر جهان با پدیده سقط به دلایل مختلف روبرو هستیم به طوریکه آمارهای جهانی شیوع سقط را ۱۲ درصد نشان داده است. از آنجایی که شناسایی علل سقط، کمک زیادی به درمان و جلوگیری از سقط مجدد در این افراد می کند، لذا مطالعه حاضر به منظور تعیین عوامل پیش بینی کننده سقط در شهرستان اردبیل انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت مورد - شاهدهی در استان اردبیل در سال ۱۳۹۵ اجرا شد. جامعه مورد مطالعه را تمام مادرانی که به بخشها و درمانگاههای زنان و زایمان بیمارستانهای تخصصی شهر اردبیل (مرکز آموزشی-درمانی علوی و بیمارستان تامین اجتماعی سبلان) برای زایمان یا سقط مراجعه کرده بودند، تشکیل داد. گروه مورد از بین زنان بارداری انتخاب شدند که اخیرا سقط جنین داشته اند و گروه کنترل از زنانی انتخاب شدند که اخیرا یک تولد زنده داشته اند. در طول ۲ ماه، ۲۵۰ زن بعنوان گروه شاهد و ۵۰۰ زن بعنوان گروه مورد انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با تکمیل پرسشنامه به روش مصاحبه رو در رو از تمام افراد مورد مطالعه جمع آوری و برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS-22 و آزمون رگرسیون لجستیک استفاده شد.

یافته ها: این مطالعه نشان داد بین خطر سقط جنین و تعداد حاملگی، شاخص توده بدنی، سابقه تولد نوزاد کموزن و سابقه سقط قبلی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین بین خطر سقط جنین و تعداد تولد زنده قبلی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

نتیجه گیری: از آنجاییکه شاخص توده بدنی و سابقه تولد نوزاد کم وزن در کنار عواملی همچون تعداد حاملگی قبلی و سابقه سقط به عنوان عوامل مستعدکننده سقط بیان شدند می توان گفت با اصلاح سبک زندگی و نیز آموزش های قبل از بارداری می توان از میزان بروز سقط کاست.

واژگان کلیدی: عوامل پیش بینی کننده، سقط، اردبیل



بررسی آگاهی و نگرش دانشجویان دختر علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به زایمان

طبیعی و سزارین و عوامل موثر بر آن هادر شهرستان اسفراین سال ۹۷-۹۸

فهمیه گشتاسبی^۱، حسین روحانی^۲، احمد صادقی^۳، سهیلا حاجیلی دوجی^۱، فرشته عیدی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. ایمیل: hoseinrohani3@gmail.com
^۳ دکترای مدیریت بهداشت و درمان، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۴ کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: زایمان فرایند طبیعی برای تولید نسل بشر می باشد که به دو صورت سزارین و طبیعی انجام می شود. در بسیاری از جوامع انجام زایمان با روش سزارین به یک فرهنگ تبدیل شده و بیش از نیمی از زنان داوطلبانه به انجام سزارین روی آورده اند، این در حالی است که انجام این عمل جراحی، عواقب بسیار زیادی برای مادر و جنین به همراه دارد. عوامل مختلفی از قبیل آگاهی و نگرش بر تمایل مادران نسبت به سزارین وجود دارد. در این به بررسی و مقایسه آگاهی و نگرش دانشجویان دختر علوم پزشکی و غیر علوم پزشکی نسبت به زایمان طبیعی و سزارین و عوامل موثر بر آنها در شهرستان اسفراین در سال ۹۷-۹۸ انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی بود که در بین ۱۵۶ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه های اسفراین (علوم پزشکی، فنی مهندسی، پیام نور)، انجام شده است و نمونه های مطالعه بصورت طبقه ای انتخاب شدند. ابزار گرد آوری داده های این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته بود که به روش خوداظهاری تکمیل گردیدند. داده ها وارد نرم افزار spss نسخه ۲۱ گردید و با کمک آزمون های شاخص های پراکندگی، من ویتنی و کای اسکور تجزیه و تحلیل گردیدند.

یافته ها: از میان دانشجویان مورد مطالعه اکثر آن ها سن ۲۵-۱۸ (۸۷٪/۱۸) داشتند. اکثر آن ها مجرد (۶۸/۶)، غیر علوم پزشکی (۶۰٪/۳)، سال اولی (۳۲٪/۱۱) ساکن، شهر (۷۸/۲) و محصل رشته بهداشت عمومی (۱۸٪/۱۶) بودند. میانگین آگاهی و نگرش نسبت به زایمان طبیعی و سزارین به ترتیب ۲۲/۵۸۰±۲ و ۸۷/۱۱±۲/۸۱ بود. نتایج تحلیلی نشان داد که بین آگاهی نسبت به نوع زایمان با نوع دانشگاه ارتباط معنی داری وجود داشت ($p \leq 0/005$)، به طوری که آگاهی دانشجویان علوم پزشکی بیشتر بود، اما بین نگرش نسبت به نوع زایمان و نوع دانشگاه ارتباط معنا دار آماری دیده نشد ($p \geq 0/181$).

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی نسبت به زایمان طبیعی و سزارین و عوامل موثر بر آن بیشتر از دانشجویان دانشگاه های غیر علوم پزشکی است. از این رو پیشنهاد می شود مسئولان سیستم آموزشی دانشگاه های غیر علوم پزشکی برنامه هایی برای افزایش آگاهی دانشجویان خود در زمینه نوع زایمان و عواقب آن داشته باشند.

واژگان کلیدی: زایمان سزارین، زایمان طبیعی، آگاهی، نگرش، دانشجو



مروری بر تاثیر خود مراقبتی بر کیفیت زندگی مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس

سعیده السادات سجادی^۱، علی مستانی جهرودی^۲، نرگس اسکندری^۳، عرفانه صلصالی^۴، فاطمه قلیچ

خانی^۵

- ^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم. ایمیل: negin.sajjadi2020@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم
^۳ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قم، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه مامایی
^۴ دانشجوی کارشناسی، رشته مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم
^۵ دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم

زمینه و هدف: مولتیپل اسکلروزیس یکی از بیماری های شایع و ناتوان کننده دستگاه عصبی مرکزی است. جهت تعدیل ناتوانی لازم است بیماران را حتی الامکان در زمینه مراقبت از خود و تقویت توانمندی های موجود یاری و حمایت نمود. مطالعه حاضر با هدف مروری بر تاثیر خود مراقبتی بر کیفیت زندگی مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس انجام شد.

روش کار: این مطالعه مروری از طریق جستجو در موتور جستجوگر گوگل اسکولار و با استفاده از واژگان کلیدی خودمراقبتی، کیفیت زندگی، مولتیپل اسکلروزیس انجام شد. در مجموع ۶ مقاله جمع آوری و نتایج آن ها بررسی و استخراج شد.

یافته ها: نتایج پژوهش های صورت گرفته نشان داد آموزش خود مراقبتی در مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس در چهار حیطه کیفیت زندگی شامل عملکرد جسمانی، عملکرد روانشناختی، عملکرد اجتماعی و سلامت عمومی موثر است علاوه بر این مشارکت این بیماران در انجام برنامه خود مراقبتی با بالا بردن سطح آگاهی آنان از بیماری خود، تاثیر بسزایی در بهبود شرایط روانی و خلقی و همچنین کاهش اضطراب و ترس از ناتوانی داشته است. ارتقا خود مراقبتی همچنین به بیماران مبتلا در جهت عدم وابستگی، اجتناب از بستری شدن های مکرر و کاهش هزینه های مربوطه کمک می کند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعات موجود مبنی بر ارتقا کیفیت زندگی مبتلایان به مولتیپل اسکلروزیس به دنبال ارتقا خود مراقبتی، طراحی و اجرا برنامه های مداخله ای مناسب به عنوان یک هدف پرستاری برای تمامی مبتلایان به این بیماری پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: مولتیپل اسکلروزیس، ناتوانی، کیفیت زندگی، خودمراقبتی



بررسی سبک زندگی و عوامل خطر ابتلا به دیابت در ایران

احمد واحد نصیری^۱، سالار عینی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران. ایمیل: ahmad.vahednasiri@yahoo.com

زمینه و هدف: دیابت به عنوان یکی از شایع ترین بیماری های مزمن و از جمله بیماری های غدد درون ریز است که به دلیل اختلال در متابولیسم گلوکز بر سیستم های بدن تاثیر گذار می باشد. این بیماری شایع ترین علت قطع اندام، نابینایی و نارسایی مزمن کلیه و یکی از مهم ترین عوامل خطر بیماری های قلبی و عروقی است. دیابت بیماری است که ارتباط مستقیم با سبک زندگی دارد. سبک زندگی عبارت است از یک شیوه زندگی مبتنی بر الگوهای رفتاری قابل شناخت که این الگوها از تاثیر متقابل بین ویژگی های شخصیتی یک فرد با مداخلات اجتماعی و شرایط اجتماعی- اقتصادی زندگی حاصل می شود. این مطالعه مروری است بر عوامل خطر در سبک زندگی که منجر به ابتلا به دیابت می شوند.

روش کار: مطالعه مروری حاضر با جست و جو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed, Magiran, SID, Iranmedex و موتور جست و جوگر Google Scholar و با به کارگیری واژگان کلیدی های سبک زندگی، دیابت، عوامل خطر، در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انجام گرفت. در نهایت از داده های ۹ مقاله از بین ۱۳ مقاله که دسترسی به متن کامل آنها میسر بود در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

یافته ها: بر اساس مطالعات انجام شده مهمترین عوامل سبک زندگی موثر بر ابتلا به دیابت شامل چاقی و اضافه وزن، فعالیت بدن ناکافی و کم تحرکی، سابقه خانوادگی ابتلا به دیابت، الگوی غذایی نامناسب می باشد. همچنین یک مطالعه نشان داد که الگوی غذایی حاوی مقادیر بالای غلات کامل و حبوبات خطر ابتلا به دیابت نوع دو را کاهش می دهد. مطالعات مختلف نشان داده که بین کیفیت زندگی، افسردگی، سابقه خانوادگی، سبک زندگی کم تحرک، نژاد، تولد نوزادی بزرگ، کم کاری تیروئید و ابتلا به دیابت ارتباط معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: بخش عمده ای از عوامل مرتبط با ابتلا به دیابت مربوط به سبک زندگی است. در نتیجه با افزایش آگاهی درباره سبک زندگی سالم و ارائه آموزش های لازم در جهت ارتقای سلامت و تشویق به اتخاذ سبک زندگی سالم و تعدیل عوامل خطر ابتلا به دیابت در سبک زندگی، می توان احتمال ابتلا به دیابت را کاهش داد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، دیابت، عوامل خطر، ایران



بررسی وضعیت شاخص DMFT در جمعیت عشایری شهرستان کوهرنگ، ۱۳۹۷

حمید غیبی پور^۱، ابوالقاسم شکری^۲، دکتر علی احمدی^۳

^۱ مرکز تحقیقات مدل سازی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران

^۲ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: epidemiology.shokri@gmail.com

^۳ مرکز تحقیقات مدل سازی در سلامت، دپارتمان آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران

زمینه و هدف: جمعیت عشایری به عنوان یک قشر از جامعه کمتر مورد توجه قرار می گیرد به گونه ای که از حداقل نیازهای اولیه بهداشتی کم برخوردار می باشد. در این گونه جمعیت ها به علت سخت در دسترس بودن مطالعات کمی صورت گرفته است. هدف از انجام این مطالعه بررسی وضعیت شاخص DMFT در جمعیت عشایری شهرستان کوهرنگ به عنوان یک جامعه بکر می باشد.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مقطعی - توصیفی می باشد که بر روی ۲۰۰ نفر از جمعیت عشایری شهرستان کوهرنگ در رده سنی ۱۸ تا ۶۰ سال در سال ۱۳۹۷ صورت گرفته است. داده ها با استفاده از چک لیست و مصاحبه حضوری جمع آوری گردید و روش نمونه گیری به صورت تصادفی خوشه ای انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه ۲۰۰ نفر شرکت کننده با میانگین و انحراف معیار سنی $35/49 \pm 12/00$ سال بوده وجود داشت که ۸۹ نفر (۴۴/۵۰ درصد) از آنان را مردان و ۱۱۱ نفر (۵۵/۵۰ درصد) را زنان تشکیل داده بودند میانگین و انحراف معیار سنی شرکت کنندگان در این مطالعه $35/49 \pm 12/00$ سال بوده است، نشان داده شد که مقدار میانگین شاخص DMFT برابر $8/5 \pm 0.3/64$ بوده است. و میانگین تعداد دندان های پوسیده (D)، از دست داده شده (M) و پر شده (F) هر کدام به ترتیب برابر $2/33 \pm 3/24$ ، $1/3 \pm 58/14$ و $0/41 \pm 1/26$ نشان داده شد.

نتیجه گیری: در این مطالعه نشان داده شد که میانگین شاخص DMFT بسیار بالا می باشد که لزوم توجه به پیشگیری و درمان به موقع دندان ها و همچنین توجه جدی به آموزش سلامت در این جمعیت بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: دهان و دندان، DMFT، عشایر، کوهرنگ



بررسی و ارتقای فرایند اندازه گیری فشار خون در مجتمع های سلامت شهر تبریز - ۱۳۹۶

سولماز عظیم زاده^۱، جعفر صادق تبریزی^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته سیاست گذاری سلامت، قطب علمی آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ایمیل: s.azimzadeh70@gmail.com

^۲ استاد گروه آموزشی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: فشاری خون یکی از مشکلات بهداشت عمومی در جهان می باشد که ۶ تا ۲۵٪ جمعیت بزرگسال جهان درگیر آن است. اندازه گیری فشار خون یک از شایع ترین تکنیک های مورد استفاده در تشخیص و مداخله مشکلات بهداشتی و درمانی است درحالیکه یکی از مهمترین مشکلات اغلب پزشکان و تیم سلامت، اندازه گیری صحیح و دقیق فشارخون بیماران می باشد. بنابراین این مطالعه با هدف بهبود و ارتقای فرایند اندازه گیری فشار خون در مجتمع های سلامت شهر تبریز طراحی گردید.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- مداخله ای بود که از فروردین تا دی ماه سال ۹۶ در مجتمع های سلامت خصوصی و دولتی شهر تبریز با هدف ارزیابی تطابق فرایند فشارخون با استانداردهای مربوطه و در صورت نیاز بهبود و ارتقای فرایند انجام شد. محل پژوهش مرکز دولتی سلامت مهرگان و مرکز خصوصی سلامت چشم انداز بود. حجم نمونه با استفاده از مطالعات مشابه و فرمول های آماری با حداکثر خطای ۰/۰۷، ۱۹۶ نفر محاسبه شد که به صورت نمونه گیری در دسترس از میان تمام افراد تحت پوشش که برای دریافت خدمت به مراکز سلامت مراجعه می کردند، انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه چک لیستی متشکل از ۱۸ سوال که براساس استاندارد های دفتر بیماری های غیر واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طراحی بود. در مرحله اول مطالعه مداخله ای با عنوان "برگزاری کارگاه توجیهی برای مراقبین سلامت" با همکاری و مشارکت دفتر بیماری های غیرواگیر مرکز بهداشت استان آذربایجان شرقی طراحی و انجام شد و سپس فرایند مذکور در دو مرکز سلامت، مجدداً توسط پژوهشگران ارزیابی شد تا اثربخشی مداخله انجام شده بررسی گردد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان می دهد که به طور کلی میزان تطابق فرایند اندازه گیری فشارخون با استانداردها در مرکز سلامت مهرگان قبل از مداخله ۷۴/۰۷٪ و بعد از انجام مداخله ۸۲/۴۸٪ و در مرکز سلامت چشم انداز قبل از مداخله ۷۱/۸۲٪ و بعد از انجام مداخله ۸۱/۶۳٪ می باشد که حاکی از ۹/۲۶٪ ارتقا در مرکز سلامت مهرگان و ۹/۸۱٪ ارتقا در مرکز سلامت چشم انداز می باشد که نشان از اثربخش بودن مداخله و ارتقای فرایند اندازه گیری فشار خون در مجتمع های سلامت می باشد.

نتیجه گیری: به طور کلی وضعیت فرایند اندازه گیری فشارخون در مجتمع های سلامت قابل قبول می باشد و همچنین با توجه به نتایج به دست آمده اثربخشی مداخله انجام شده محسوس و ملموس می باشد، لیکن امید است با تلاش بیشتر و پایش مستمر فرایند، وضعیت موجود هرچه بیشتر بهتر و مطلوب تر گردد.

واژگان کلیدی: اندازه گیری فشارخون، مجتمع سلامت، استانداردهای وزارت بهداشت



کیفیت مشتری در بیماران مبتلا به سگته قلبی در درمانگاه قلب و عروق شهید مدنی شهر تبریز:

۱۳۹۲

سولماز عظیم زاده^۱، جعفر صادق تبریزی^۲

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی، رشته سیاست گذاری سلامت، قطب علمی آموزشی مدیریت سلامت ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز. ایمیل: s.azimzadeh70@gmail.com
^۲ استاد گروه آموزشی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: کیفیت مشتری (Customer Quality) به ویژگی های گیرنده خدمت یا مشتری توجه دارد و به دانش، مهارت، اعتماد و اطمینان وی مرتبط می شود که بطور فعال با تیم سلامت در اتخاذ تصمیمات صحیح، انجام فعالیت های مناسب و تغییر محیط خود و رفتارهای مرتبط به سلامت همکاری می کنند. در مطالعه حاضر کیفیت مشتری در مراقبت های ارائه شده به بیماران سگته قلبی پس از ترخیص از بیمارستان، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی می باشد و نمونه مورد بررسی ۱۶۴ نفر از بیماران مبتلا به سگته قلبی می باشند که برای دریافت مراقبت به کلینیک قلب بیمارستان شهید مدنی تبریز مراجعه می کردند و به صورت در دسترس انتخاب شده بودند. کیفیت مشتری بر اساس پرسشنامه CQMHCQ اندازه گیری شد. روایی پرسشنامه در قالب روایی محتوایی بررسی و تایید گردید. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از همسانی درونی بررسی و تایید گردید ($\alpha=0/914$). برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS-21 استفاده گردید.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه میانگین نمره کیفیت مشتری در بین بیماران سگته قلبی ۵۷/۷۷ بود. بر اساس نتایج مطالعه مشخص گردید که کلیه شرکت کنندگان در مطالعه (۱۰۰٪) این اعتقاد و باور را داشته اند که مسئول حفظ و ارتقای سلامتی خودشان هستند و تنها ۶/۳٪ از بیماران سگته قلبی توانایی استمرار مراقبت ها در شرایط سخت و تحت استرس را داشتند.

نتیجه گیری: نمره پایین کیفیت مشتری در مطالعه حاضر نشانگر ضعف در توانمندی بیماران برای خودمراقبتی است. آموزش ارائه دهنده گان خدمات برای توانمند سازی بیماران و استفاده از توانمندی های آنها در ارتقای کیفیت خدمات و توجه به مراقبت های بیمار محور در این زمینه می تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت مشتری، سگته قلبی، خود مراقبتی، آگاهی گیرنده خدمت، توانمندسازی، مشارکت



جایگاه آموزش مجازی در کیفیت یادگیری دانشجویان پرستاری

محمد شاهپوری^۱، فرزانه قاسم زاده^۲، زهرا قلی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل. بابل. ایران. ایمیل: Mohammad.shahpouri@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد، رشته پرستاری، عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

^۳ دانشجوی کارشناسی، رشته زیست سلولی مولکولی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه آزاد علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: اگر سلامت جامعه را در گرو کیفیت خدمات پرستاری و نقش این گروه در امر پیشگیری و آموزش بهداشت بدانیم، با توجه به نقش تاثیرگذار این گروه در خدمات اجتماع جوامع بشری و این حقیقت که برای آموزش احتیاج به یک سیستم منظم علمی و حرفه ای می باشد، جایگاه و اهمیت آموزش مشخص می شود. در حال حاضر شیوه غالب آموزش در آموزش دانشگاهی کشور سخنرانی است. در حالی که برادشا و لاونتین در کتاب خود اشاره می کنند، سخنرانی اثر کمی در تحریک تفکر دارد. آموزش مجازی، نوعی فناوری آموزش غربی است که بر محور ارزش هایی نظیر فرد محور بودن، یادگیری مستقل، خود راهبر و فعال مبتنی است. هدف فناوری آموزش تسهیل یادگیری و بهبود عملکرد آن است. در این راستا استفاده از ابزار الکترونیکی می تواند به عنوان تکنیک و یا رسانه ای موجب تحقق این هدف شوند، زیرا یکی از بهترین کاربردهای آن ها در زمینه آموزش و یادگیری است.

روش کار: این مطالعه از نوع مقاله مروری بوده است که به بررسی متون در رابطه با آموزش مجازی و کیفیت و نحوه آموزش پرستاری در بازه زمانی (۱۳۹۰-۱۳۹۶) در بانک های اطلاعاتی SID-Magiran-Iranmedex-Pubmed-Irandoc می باشد.

یافته ها: اطلاعات بدست آمده طبق پژوهش های انجام شده نشان داده است، آموزش مجازی به تنهایی نمی تواند اهداف آموزش پرستاری را محقق سازد اما آموزش سنتی، حضوری و سخنرانی به همراه استفاده از فناوری های تکنولوژی روز دنیا می تواند کیفیت بیشتری بر آموزش دانشجویان پرستاری داشته باشد.

نتیجه گیری: به طور کلی مطالعات نشان داده اند که نگرش دانشجویان پرستاری نسبت به استفاده از آموزش مجازی مثبت بوده است. اما در خصوص رشته پرستاری، چون یک رشته بالینی است و نتیجه کیفیت حرفه ای این افراد نقش مهمی بر سلامت جامعه دارد باید آموزش های حضوری و رو در رو استاد و دانشجو باشد. اما بسنده کردن به آموزش سنتی و سخنرانی شخص استاد به تنهایی انتظارات آموزشی را برآورده نمی کند.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، دانشجویان پرستاری، تکنولوژی



بررسی ارتباط فعالیت های ورزشی با کیفیت خواب در سالمندان: مطالعه مروری

محیا عظیمی^۱، فرحناز فرنیآ^۲، عارفه خالقی^۳

^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ایمیل: mahyaazimi1998@yahoo.com

^۲ پرستاری، استادیار، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران.

^۳ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: جمعیت سالمندان یکی از مهمترین پدیده های دموگرافیک جهان در پایان قرن بیست و شروع قرن بیست و یک است. افزایش سن موجب تغییرات فیزیولوژیکی در انسان می شود و خواب به عنوان یک رفتار فیزیولوژیکی است و اختلال در آن رتبه سوم مشکلات افراد سالمند را شامل می شود. اثر بخشی روش های بدون دارو در درمان بیخوابی سالمندان کند تر از روش های دارویی است اما دوام آن بیشتر و عوارض جانبی آن کمتر است و یکی از این روش ها فعالیت های ورزشی می باشد لذا هدف از مطالعه حاضر مروری بر پژوهش های انجام گرفته در این زمینه است.

روش کار: این مطالعه ای مروری است با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی PubMed، Google scholar، SID با استفاده از واژگان کلیدی "فعالیت های ورزشی"، "کیفیت خواب"، "سالمندان"، "ارتباط" در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ انجام شد و در نتیجه ۱۰ مقاله شرایط ورود به مطالعه را یافتند.

یافته ها: با توجه به تحقیقات انجام شده بین فعالیت ورزشی و کیفیت خواب ارتباط معنا داری و مثبتی وجود دارد. در یک پژوهش خاطر نشان شده که ورزش های هوازی با شدت متوسط بر بهبود خواب موثر اند و در پژوهشی دیگر بیان شده که نه تنها فعالیت ورزشی بر کیفیت خواب موثر است بلکه بر خلق و خوی و کیفیت زندگی سالمندان نیز اثر گذار می باشند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها این چنین استنباط می شود که فعالیت های ورزشی بر کیفیت خواب اثر مطلوبی دارد و سبب بهبود کیفیت خواب می شوند ولی به علت انجام مطالعات اندک، نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه است.

واژگان کلیدی: فعالیت های ورزشی، کیفیت خواب، سالمندان، ارتباط



بررسی تاثیر استفاده از تلفن همراه بر مطالعه دانشجویان دانشگاه های شهر ایلام در

سال ۱۳۹۷

بتول دلشادی^۱، مرتضی منصوریان^۲، زهرا دلشادی^۳، عبدالحسین پورنجف^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی ایران. ایمیل: batool.delshadi@yahoo.com

^۲ استادیار، دکترای آموزش بهداشت، عضو هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

^۳ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایلام

^۴ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، عضو هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایلام

زمینه و هدف: این مطالعه با هدف تعیین تاثیر تلفن همراه بر عملکرد مطالعه دانشجویان دانشگاه های شهر ایلام در سال ۱۳۹۷ طراحی شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه های شهر ایلام با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای بود. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و با آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، آزمون کای-دو و آزمون آنالیز واریانس آنالیز شدند.

یافته ها: میزان استفاده از تلفن همراه در ۱۴/۵ درصد از دانشجویان در حد بالا، ۶۳/۲ درصد در حد متوسط و ۲۲/۲ درصد در حد پایین بود. و میزان مطالعه در ۱۱ درصد از دانشجویان در حد بالا، ۷۶ درصد در حد متوسط و ۱۳ درصد در حد پایین بود. بین میزان استفاده از تلفن همراه و میزان مطالعه ارتباط معنی دار وجود نداشت. بین میزان استفاده از تلفن همراه و سن دانشجویان ارتباط معنی دار وجود داشت. و همچنین بین میزان مطالعه با جنسیت دانشجویان، دانشگاه محل تحصیل دانشجویان، مقطع تحصیلی دانشجویان و محل سکونت دانشجویان ارتباط معنی دار وجود داشت ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: همبستگی معکوسی بین میزان استفاده از تلفن همراه و میزان مطالعه وجود داشت این همبستگی ناقص و از شدت بسیار پایینی برخوردار بود. بدین معنی که هرچه میزان استفاده از تلفن همراه بیشتر شود با شدت ضعیف تری میزان مطالعه کمتر می گردد و این همبستگی به لحاظ آماری معنی دار نبود که می تواند به دلیل فوایدی که برای دانشجویان در حیطه آموزشی مثلا نصب نرم افزارهای آموزشی و دیگر حیطه ها داشته، باشد.

واژگان کلیدی: تلفن همراه، مطالعه، دانشجویان دانشگاه



بیشترین عوامل حادثه ساز رانندگی در تهران: مروری ساده

فاطمه رحیمی^۱، محمد عنبری^۲، زهرا حضرتی میمنه^۳

^۱ دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: rahimi@razi.tums.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم

زمینه و هدف: بر اساس آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، حوادث رانندگی دومین علت مرگ و میر در ایران بوده و ۶۰٪ جراحات و تلفات ناشی از کل حوادث را به خود اختصاص میدهد، آمار جهانی به ترتیب ۹ و ۲۵٪ می باشد. انتظار میرود در سال ۲۰۲۰ میلادی تصادفات ترافیکی، به سومین علت DALY و ششمین علت مرگ و میر جهان تبدیل شود. در ایران در طی سال های اخیر سوانح رانندگی مقام نخست از نظر تعداد سال های از دست رفته عمر را دارا بوده است. در دهه اخیر تصادفات رانندگی در ایران ده درصد رشد داشته است و شیوع حوادث رانندگی نسبت به کشورهای توسعه یافته چهار برابر بیشتر است. این مطالعه با هدف شناخت عوامل حادثه ساز رانندگی در تهران انجام شده است.

روش کار: مطالعه از نوع مروری ساده بود و جستجوی مقالات در پایگاه های اطلاعاتی ایرانی SID و magiran با واژگان کلیدی های رانندگی، رانندگی پرخطر، رفتار رانندگی، رفتارهای خطرناک رانندگی، رانندگان، حوادث ترافیکی، حوادث رانندگی، تصادفات رانندگی در قسمت عنوان، بدون هیچ محدودیت زمانی برای مطالعات در بهمن ۱۳۹۷ انجام شد. ۱۸ مقاله بر اساس معیارهای پژوهش انتخاب شدند.

یافته ها: در نتیجه جستجو، پس از حذف موارد تکراری ۶۲ مقاله (۵ کیفی و ۵۷ کمی) باقی ماند. از ۶۲ مورد، ۵ موردی ناهمخوان با اهداف مطالعه، ۲۷ مطالعه خارج از تهران، ۱۱ مورد مربوط به موتورسیکلت کنار گذاشته شد. از ۱۸ مقاله باقی مانده (۱۶ کمی - ۲ کیفی)، ۲ مقاله در همایش های علمی ثبت شده و ۱۶ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی چاپ شده بود. ۳ مطالعه بررسی اپیدمیولوژیک، ۲ مورد بررسی مروری بود. یک مقاله براساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده و یک مورد براساس الگوی بازاریابی اجتماعی و مداخله ای انجام شده بود. ۳ مقاله ارتباط ویژگی های شخصیت را با رانندگی خطرناک بررسی کرده بودند.

نتیجه گیری: عوامل حادثه ساز به ترتیب تکرار در مقالات شامل موارد زیر است: عدم رانندگی بین خطوط، تعویض نایمن خطوط، دور زدن نایمن، حرکات مارپیچی و زیگزآگ، سبقت غیرمجاز، مسابقه یا حرکات نمایشی، استفاده از تلفن همراه، توقف در محل ممنوع، انجام کارهایی به غیر رانندگی در حین رانندگی، ایجاد مزاحمت برای سایر رانندگان، نداشتن کمربند، عدم رعایت فاصله طولی، شتاب بیش از اندازه خودرو، سرعت غیرمجاز، انحراف به چپ، عصبانیت در حین رانندگی و رانندگی در حالت خستگی و خواب آلودگی. هیچ کدام از مطالعات به نقش نمادها و علائم راهنمایی و رانندگی اشاره نکرده بودند.

واژگان کلیدی: رانندگی، حوادث رانندگی، ترافیک



مقایسه روند زمانی منفی شدن اسمیر خلط بیماران مسلول تحت درمان با داروهای ترکیبی و

مجزا و عوامل موثر بر آن

سعید فلاح^۱، وحیده رئیسی^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: s.fallah@goums.ac.ir

^۲ پزشک عمومی. دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زمینه و هدف: در درمان بیماران مسلول هر چه دارو موثر تر و زمان منفی شده اسمیر خلط کوتاه تر باشد، دوره انتقال بیماری کوتاه تر و کنترل بیماری در جامعه آسان تر خواهد بود. داروهای ترکیبی با دوز ثابت و داروهای مجزا دو رژیم مطرح در درمان بیماران مسلول می باشند. هدف ما در این پژوهش مقایسه روند زمانی منفی شدن اسمیر خلط در بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت تحت درمان با داروهای ترکیبی و داروهای مجزا بوده است.

روش کار: این کار آزمایشی بالینی تصادفی شده بر روی ۳۳۱ نفر از بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت انجام شد. تخصیص تصادفی بیماران با استفاده از جدول اعداد تصادفی انجام و گروه مداخله با داروهای ترکیبی و گروه غیر مداخله با داروهای مجزا درمان شدند. روند زمانی منفی شدن اسمیر خلط بیماران در پایان ماه های دوم، سوم، چهارم و ششم با استفاده از رگرسیون کاکس بسط داده شده مقایسه و تحلیل شد.

یافته ها: میزان تبدیل اسمیر خلط در پایان ماه های دوم، سوم و چهارم پس از شروع درمان در گروه های مداخله و شاهد به ترتیب ۷۰/۲۳ درصد در مقابل ۷۶/۴۷ درصد و ۵۴ درصد در مقابل ۶۷/۲۴ درصد و ۳۳/۳۳ درصد در مقابل ۶۸/۷۵ درصد بود ($p > 0.05$). متغیرهای استعمال دخانیات، وابستگی به مواد مخدر و بار باسیلی نمونه خلط تشخیصی بر زمان منفی شدن اسمیر خلط در دو گروه درمانی تاثیر گذار بودند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از عدم تفاوت در کارایی دو رژیم دارویی ترکیبی و مجزا در درمان بیماری سل از لحاظ مدت زمان لازم برای منفی شدن اسمیر خلط بیماران پس از شروع درمان است.

واژگان کلیدی: بیماری سل، داروهای ترکیبی، داروهای مجزا

تأثیر سبک زندگی بر استئوپروز زنان

عرفانه صلصالی^۱، سعیده سادات سجادی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پیوسته مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ایمیل: erfansalsali@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم

زمینه و هدف: استئوپروز شایع ترین بیماری متابولیک استخوان است که با کاهش و تخریب توده استخوانی شروع شده و در نتیجه باعث شکستگی استخوان ها می شود. استئوپروز اولیه که از کمبود استروژن ناشی می شود تشکیل دهنده ۹۵٪ از موارد است. بنابراین یائسگی یکی از عمده ترین عوامل خطر استئوپروز می باشد. طبق آمار مرکز تحقیقات روماتولوژی دانشکده علوم پزشکی تهران ۶ میلیون نفر از ایرانیان به استئوپروز مبتلا هستند و از ۵ میلیون نفر زن یائسه ۲/۵ میلیون نفر مبتلا هستند. استئوپروز کیفیت زندگی افراد مبتلا را مختل میکند و از آنجا که عوارض آن هزینه زیادی را به جامع تحمیل میکند، این مطالعه به بررسی تأثیر سبک زندگی بر ابتلا به استئوپروز زنان می پردازد.

روش کار: مطالعه حاضر، مطالعه مروری است که از طریق جستجو مقالات در موتور جستجوگر گوگل اسکولار با استفاده از کلیدواژه های سبک زندگی، استئوپروز و زنان صورت گرفته است.

یافته ها: بر اساس مطالعات موجود، عوامل خطر ابتلا به استئوپروز به دو دسته اصلاح پذیر و اصلاح ناپذیر تقسیم می شوند. عوامل اصلاح ناپذیر شامل سن، نژاد، یائسگی زودرس، سابقه اوفورکتومی و... عوامل اصلاح پذیر شامل دریافت ناکافی کلسیم و ویتامین D، استعمال دخانیات، وزن کم بدن، مصرف بیش از حد الکل، شیوه زندگی کم تحرک و تعداد بارداری و زایمان و مصرف قرص های پیشگیری از بارداری و.. می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه سلامت استخوان می تواند به طور مثبتی تحت تأثیر زندگی سالم قرار گیرد، به نظر می رسد تغییر مثبت در سبک زندگی مانند ایجاد عادات غذایی و فعالیت فیزیکی مناسب، قرارگیری در معرض مستقیم نور خورشید و پرهیز از مصرف دخانیات و الکل در پیشگیری از این بیماری موثر است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، استئوپروز، زنان



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران در زمینه

بیماریهای مقاربتی در سال ۱۳۹۷

طاهره کمالی خواه^۱، مائده پرهوده^۲، شیما عشرتی^۳، سارا وظیفه دوست^۴، فرشته فرجی^۵

^۱ گروه آموزش بهداشت و ارتقا سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

^۲ کارشناس بهداشت خانواده، مرکز خدمات جامع سلامت حضرت رقیه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناس بهداشت خانواده، مرکز جامع سلامت شهری و روستایی شماره ۱ مهران، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران. ایمیل: parvaz1994k@gmail.com

^۴ کارشناس بهداشت خانواده، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

^۵ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: بیماریهای مقاربتی به امراضی مانند ایدز، کلامیدیا، سفلیس و پاپیلوماى انسانی گفته می شود که راه اصلی انتقال آنها از طریق روابط جنسی است. مطالعه حاضر با توجه احتمال بالای ابتلای جوانان به این بیماریها و با هدف بررسی ارتباط متغیرهای دموگرافیک با آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در مورد این بیماریها تدوین گردید.

روش کار: این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد تهران شاغل به تحصیل در سال ۹۷ و از طریق نمونه گیری تصادفی خوشه ای در ۵ واحد این دانشگاه انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن با تعیین شاخص روایی محتوایی (CVI=۰/۹۳) و نسبت روایی محتوایی (CVR=۰/۹۷) بررسی شد. روایی صوری با استفاده سنجش امتیاز تاثیر ۳/۸۶ و پایایی با استفاده از روش Test-re-Test $r=0/9$ تایید شد. تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-21 صورت پذیرفت.

یافته ها: دانشجویان از واحد شمال ۲۰/۳٪، واحد شرق ۱۹/۱٪، واحد غرب ۱۹/۷٪، واحد جنوب ۱۹/۷٪، واحد مرکز ۱۹/۷٪ و از رشته های پزشکی ۰/۴٪، علوم پایه ۷/۵٪، مهندسی ۲۴/۸٪، هنر ۱۵/۲٪، انسانی ۴۳/۳٪ و سایر رشته ها ۳/۱٪ در این مطالعه شرکت داشتند. نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین آگاهی ۳۰/۴٪، نگرش ۳۷/۷۹٪ و در میانگین عملکرد ۲/۳۶٪ می باشد. بیشترین منبع کسب اطلاع از بیماریهای مقاربتی به ترتیب از اینترنت ۲۸/۸٪ و شبکه های مجازی ۲۳/۲٪ و کمترین امتیاز کسب اطلاعات در زمینه بیماری مقاربتی از رادیو و بعد از آن مراکز بهداشتی درمانی و اساتید عنوان شد.

نتیجه گیری: با توجه به مطالعه انجام شده میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه آزاد نسبت به چهار بیماری ایدز، کلامیدیا، سفلیس و پاپیلوماى انسانی بسیار پایین می باشد. نگرش به این بیماریها و عملکرد در حد متوسط قرار داشت. با توجه به نتایج این مطالعه اطلاع رسانی بیشتر و گنجاندن آموزشهای مستحکم تر در زمینه بیماریهای مقاربتی در برنامه درسی دانشگاهی و از سوی دیگر راه اندازی وب سایتها، وبلاگها و کانالهای معتبر از سوی دانشگاههای علوم پزشکی پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: دانشجویان، بیماریهای مقاربتی، آگاهی، نگرش عملکرد





Quality of life in Elderly: A Population Based Study in Shiraz, Iran

Behnam Honarvar ,Tayebe Rahmani¹ ,Maryam Azadegan¹, Amirhossein Jalalpour¹

Health policy Research Center ,Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: Tayebe.dastbas@gmail.com

Background and Aim: Elderly (more than 60 years) population of the world will be nearly doubled from 12% in 2012 to 22% in 2050. This study was conducted to assess the QOL in elderly people who are under coverage of Integrated Geriatric Care Program by public health centers.

Methods: This population based analytic cross-sectional study was conducted through a multi stage sampling. LIPAD questionnaire as a standard tool for assessment the QOL of elderly people was filled for each participant by a face to face interview. Data were analyzed in SPSS using parametric and non-parametric univariate and multiple linear regression.

Results: The mean of total QOL score of all participants was 70.2 ± 10.5 (of total score 93). All seven core components of QOL; Physical Functioning, Depression and Anxiety, Cognitive Functioning, Self-Care, Social Functioning, Life Satisfaction and Sexual functioning were correlated in order to the total score of this components. Similarly all five moderator components of QOL; Perceived Personality, Anger, Self-esteem, Social desirability and Trust in God were correlated to the total score of moderator parts of QOL respectively. Univariate analysis also showed that gender, level of education, occupational status of elderly and his/her spouse, age at the 1st marriage and being the main decision maker about family financial affairs were correlated significantly with the total score of QOL. Moreover, Multiple Linear Regression revealed that illiterate elderly ($\beta = -3.94$), elderly who were not the main decision makers about family financial affairs ($\beta = -2.99$) and female elderly ($\beta = -2.74$) had a lower QOL.

Conclusion: This study remarked that the QOL of elderly people living in Shiraz is higher than average. Moreover, policy making and interventions toward improvement of QOL in elderly population, especially through raising their level of literacy and giving a more autonomy role to them in decision making about financial affairs of their family is recommended

Keywords: *Elderly, Quality of life, LEIPAD, Shiraz, Iran*



Concern toward HIV Acquisition in Youths of Iran: A Systematic Review Study

Amirhossein Jalalpour¹, Zahra Eghlidos, Yasamin Dehghan¹, Mohammad Jaafar

Poorisa¹, Fatemeh Shaygani¹, Behnam Honarvar¹

¹ Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
amirhosseinjalalpour76@gmail.com

Background and Aim: More than 30% of all new HIV infections are estimated to occur among young people worldwide. Increasing population of young people and their age of marriage in Iran has caused increasing concern of policymakers about risky behaviors of youths in this country in recent years. According to evidences, an individual's perception of the risk of acquiring HIV is an important factor which leads to risky behaviors. This study was aimed and conducted to detect the concern toward HIV acquisition among youths of Iran.

Methods: Review of literature about HIV and risk perception was performed through extensive searching in ISI, PubMed, Scopus, and Google Scholar databases. The keywords that were used for searching were; HIV, AIDS, risk perception, alcohol, STD, drugs (Amphetamine , opium , drug), youth, young, adolescents, teens, teenagers, student. We transferred found articles to the End Note software by two authors while supervised by a third person.

Results: Among the 1036 articles surveyed, 42 met inclusion criteria finally. Findings showed that risk perception (RP) toward HIV/AIDS varied from 6.5% to 60% in different studies, especially among intravenous drug users. RP showed an inverse relationship with sexual behaviors.

Conclusions: The perception of the risk of getting AIDS is a stronger predictor of the type of risky sexual behavior in youths. Thus, it is recommended that this point be taken into account more profoundly in plans for both prevention of disease and fighting against this disease by changing of an individual's perception so that he/she does not feel immune to being afflicted by the disease.

Keywords: *HIV, Risk Perception, Perceived Risk, Concern, Youth, Young People*



Relationship between breast feeding and breast cancer: Systematic review

Fardin Heydary¹, Razyeh Shir Zadegan², Mohammad Reza Hemati³

¹ Bachelor of nursing, student research committee, Lorestan University of Medical Sciences, Khoram Abad, Iran

² master of medical nursing surgical, faculty member of faculty of nursing of nursing college, Lorestan University of Medical Sciences, Khoram Abad, Iran

³ Bachelor of nursing, student research committee, Lorestan University of Medical Sciences, Khoram Abad, Iran

Background and Aim: Breast cancer is the most common reported cancer in women. This type of cancer is the second leading cause of death from cancer in Persian women. Researchers have long emphasized that breast feeding has many benefits for mother and child. The purpose of this study was to determine the relationship between breast feeding and breast cancer in women.

Materials and Methods: This search was conducted in databases pub med, google scholar, SID, Scopus, Magiran, Iran Medex with the keywords of breast cancer, women, breast feeding, and breast in the period 2000 to 2018. Related articles to the study based on entry criteria (the simultaneous presence of both variables of breast feeding and breast cancer in the summary of the study and the date of publication of the articles from 2000 to 2018 and the withdrawal (lack of access to the full text of the articles) by two researchers independently examined 68 articles, 36 articles were selected after qualitative evaluation and used in the present study.

Results: Breast cancer etiology is still unclear, and research into risk factors and preventive factors is still unclear. The results of various studies indicate that lactation for more than 6 months could prevent breast cancer. In a group of studies, there is a reverse and significant relationship between the number of children and breast cancer. The problem that has been highlighted is that lactation can prevent breast cancer if it is a long lactation period otherwise it won't have a special effect.

Conclusion: Given the increasing trend of breast cancer in Iran and potential for many of its contributing factors, it is recommended that a curriculum be designed to encourage women to participate in screening cancers and women's awareness of the benefits of lactation for the baby and the person themselves to help prevent breast cancer is very helpful.

Keywords: *breast cancer, breast feeding, women*



Association of food insecurity with depression in pregnant women

Mahdi Khoshgoo¹, Omid Eslami¹, Mojtaba Khadem al-hosseini¹, Farzad Shidfar²,
Kiarash Tanha³

¹ Department of nutrition, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran

² Department of nutrition, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran. Email: farzadshidfar@yahoo.com

³ Department of biostatistics, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Considering the importance of the issue of food insecurity during pregnancy and the limited studies on the association of household food insecurity with depression symptoms in pregnant women, the present study was conducted to determine the prevalence of food intake and its relationship with depression symptoms in pregnant women referring to the health centers in Qom city.

Methods: This cross-sectional study was carried out on 394 pregnant women referring to the health centers in Qom in 2017. Demographic and socio-economic status of volunteers was collected by questionnaire and interviews. The food security questionnaire USDA (US Department of Agriculture) was used to assess food insecurity. The BDI_II questionnaire was used to assess the existence and severity of depressive symptoms. The significance level was considered to be $P < 0.05$.

Results: 394 pregnant women participated in this study. People with food security had lower average age ($p < 0.001$), higher education ($p < 0.001$), housewives ($p = 0.007$), younger families ($p < 0.001$) and fewer pregnancies ($p < 0.001$). In the logistic regression model, pregnant women with food insecurity had a significantly higher chance of having depression symptoms during pregnancy ($p < 0.001$).

Conclusion: The findings of this study showed that food insecurity is associated with a higher risk of developing depression syndrome during pregnancy. In order to confirm the above findings, more studies with higher sample sizes and also in other regions of Iran are needed.

Keywords: Depression-Pregnancy Symptoms-Food insecurity

The relationship between breastfeeding with dietary patterns of children aged 7 to 10 years old

Mahdi Khoshgoo¹, Leila Azadbakht², Farzad Shidfar³, Leila Janani⁴

¹ Department of nutrition, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran

² Department of nutrition, school of nutrition, Tehran University of medical sciences, Tehran, Iran

³ Department of nutrition, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran. Email: farzadshidfar@yahoo.com

⁴ Department of biostatistics, school of public health, Iran University of medical sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Evidence suggests that children's dietary preferences may be related to the type of feeding in the first year of life. The aim of this study was to determine the relationship between breastfeeding with dietary patterns in children aged 7 to 10 years old in the city of Tehran, Iran.

Methods: This cross-sectional study was carried out in 388 children aged 7-10 years old recruited from the elementary schools in Tehran, Iran. Information on the type of feeding during infancy and the duration of feeding were collected by the children's health records and interviewing with their mothers. The dietary intake of children were collected using a 168-items food frequency questionnaire. Major dietary patterns in the study population was identified by explanatory factor analysis method.

Results: Three major dietary patterns were identified including the 'western', 'healthy' and 'vegetable' dietary patterns. There was no significant relationship between the types of feeding and its duration in infancy with any of the dietary patterns. Breastfeeding for > 6 months was positively associated with child's height ($P=0.026$), while it had a negative association with the rank of birth ($p=0.01$).

Conclusion: Based on the findings of this study, there was no significant relationship between breastfeeding and major dietary patterns in children. More studies with larger sample size are warranted.

Keywords: *Depression-Pregnancy Symptoms-Food insecurity*



Investigating the Causes of Nutrition with Synthetic Milk in Children under the age of one year covered by Shahid Beheshti University of Medical Sciences:2019

Fatemeh tajedini¹, Shahnaz delbarpoor Ahmadi², parvin mohamad ghasempoor³, farnaz ehdaievand⁴, Fereshteh fozooni⁵, Sahar esmaieli dorani⁶

¹ Ms of healthcare management, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: F.tajedin@yahoo.com

² Ms of human resource management, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Bs of Midwifery, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ Gynecologist, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁵ Ms of medical education, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁶ Ms of nutrition, Deputy of Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Breast milk conforms to the nutritional needs of the infant and therefore is the most suitable feed for the infant. The aim of this study was to determine the causes of use of synthetic milk in children under the age of one year covered by Shahid Beheshti University of Medical Sciences in 2019.

Methods: In this cross-sectional and descriptive study, data collection was done in the year 2019 and census was conducted. data was obtained through electronic records and interviews with the mother and analyzed.

Results: A total of 619 children were sampled, 81% complete and 19% were fed supplemented with synthetic milk. The causes of synthetic milk use in these children are multiple (53.5%), not suitable child growth chart (18.4%), mother's chronic illness (11%), taking medicine by mother (2.4%), adoption (1.8%), parental separation (0.8%), mother's death (0.5%) and more.

Conclusion: Regarding the results of this study, proper counseling of pregnant and nursing mothers, especially mothers with unsuitable growth in their children, can play an important role in breastfeeding.

Keywords: *Breast milk, Synthetic milk, children*



Fast food consumption and factors influencing in FASA population: A population-based study from southern Iran

Azam Namdar¹, Mohammad Mehdi Naghizadeh², Marziyeh Zamani³

¹ Department of Community Medicine, School of Medicine, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

² Noncommunicable Diseases Research Center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

³ Department of Nutrition, School of Medicine, Jahrom University of Medical Science, Jahrom, Iran. Email: mzamani_rd@yahoo.com

Background and Aim: Increased fast food consumption has recently influenced community health. This study was conducted aiming to investigate Fast Food Consumption and Factors Influencing in Fasa population, south of Iran in 2017.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 421 people were selected by stratified cluster sampling. Body mass index were measured and socio economic data and demographic information were collected by interview. Participants were grouped based on their fast-food consumption frequency as non-consumer, "Low Consumer": less than once a week, "medium Consumer": 1 to 2 times a week and "high Consumer": more than twice a week.

Results: The mean age of participant's was 37.3 ± 11.5 years. 3.8% consumers were high and 70.8% were low and the other were average consumers. 11.6% had a subscription card to buy fast food, which is a decision to continue to consume in the future. 82.9% used sauces as condiments and 66.7% used carbonated beverages. 72.2% used fast food participants in the family, which means the institutionalization of consumption of this type of food in the family. The frequency of fast food consumption was significantly associated with the age of the participants ($p < 0.05$). The relationship between fast food consumption was not significant with gender, BMI, education, marital status, occupation and income level ($p > 0.05$).

Conclusion: Consumption of fast food among people in the fasa seems to have an adverse effect on dietary quality in ways that plausibly could increase risk for obesity and chronic diseases, so research and intervention strategies should focus on dietary practices of general population.

Keywords: *Fast food; Fast food Consumer; Body mass index; General population*





A survey on the relationship between health literacy and fast food consumption in the general population of Fasa, A population-based study from southern Iran

Azam Namdar¹, Mohammad Mehdi Naghizadeh², Marziyeh Zamani³

¹ Department of Community Medicine, School of Medicine, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

² Noncommunicable Diseases Research Center, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

³ Department of Nutrition, School of Medicine, Jahrom University of Medical Science, Jahrom, Iran. Email: mzamani_rd@yahoo.com

Background and Aim: Based on the definition provided by World Health Organization (WHO), health literacy is a complex of social and cognitive abilities to obtain, understand, and apply health related information for promotion of health. It has been confirmed that peoples with higher levels of health literacy had more information about their health status. Fast food is defined by a convenience food purchased in self-service or carry out eating venues without wait service. Having appropriate health literacy may be affect the consumption of fast foods. We aimed to evaluate the effect of health literacy on the fast food consumption among a general populations.

Methods: We evaluated health literacy and fast food consumption using appropriate questionnaire in 421 adult participant with age between 18-65 years in Fasa city, southern of Iran. Two step sampling cluster and then systematic sampling, was done. Data collection was done through demographic information questionnaire (sex, age, education level, occupation, income level, etc.) and a researcher-made checklist on fast food consumption and the Health Literacy for Iranian Adults (HELIA) Questionnaire, which included 33 items and in 5 dimensions (reading, access, understanding, appraisal and decision making/ intention to behave) HELIA score to 4 categories: 'inadequate', 'problematic' (which together also define 'limited' health literacy), 'sufficient and 'excellent' (which together also defined 'desired' health literacy): Inadequate= 0.0–50.0, Problematic= 50.1–66.0, Sufficient= 66.1–84.0 and Excellent=84.1-100. Data was harvested by face-to-face conversation.

Results: Most of our participants used fast foods every few months (49.9%). In addition, peoples with low or unstable income used more fast foods than other peoples ($P<0.05$). Furthermore, sandwich and hotdog were the most consumed fast foods (60.8%) and pizza was in the next step (34.9%). Moreover, sausage and soda were the most seasoning foods (66.7%). Most of our peoples used fast food as dinner(67.9%) and in with their family (72.2%), which means of institutionalizing the consumption of this type of food in the family. Fun was the most reason for use of fast food (66.5%). Most of participants completely know about the raw materials for fast food and their adverse effects. Finally, we found that health literacy in who used fast foods was lower than who didn't use fast foods. This difference also could see in the subscales of reading skills, critique, and decision-making.

Conclusion: Differences in health literacy and its parts may affect the consumption of fast food. In addition, there was a negative relationship between health literacy and fast foods consumption which also seen in reading skills, critique, and decision-making.

Keywords: Health literacy, fast food, reading skills, decision-making, general population



The association between osteocalcin and C-reactive protein; a relation of bone with inflammation: a systematic review and meta-analysis

Hossein Taghizadeh¹, Hamed Kord Varkaneh¹, Sepideh barzegar¹

¹ Student Research Committee, Department of Clinical Nutrition and Dietetics, Faculty of Nutrition and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: hamedkord39@yahoo.com

Background and Aim: A meta-analysis was performed to summarize the evidence from observational studies regarding the association between serum osteocalcin and C-reactive protein (CRP).

Methods: A systemic research of the literature databases including PubMed, SCOPUS, and Google Scholar was performed to identify the relevant studies up to March 2018. We used the random-effects model by the method of DerSimonian and Laird to calculate the overall effect size. Q-test and I^2 -statistics were used to assess between-study heterogeneity. In addition, we did subgroup analysis to detect possible sources of heterogeneity based on BMI range, gender, type of study population and age.

Results: We identified 21 studies of association between serum osteocalcin and CRP eligible for the meta-analysis. The overall effect size showed a significant inverse association between osteocalcin and CRP (Fisher's $z = -0.127$; 95% CI: -0.166, -0.088, $p < 0.0001$). However, the significant chi-squared statistic result, indicates a heterogeneity of effect sizes ($I^2 = 61.6$, $df = 20$, $p < 0.0001$). The subgroup analysis found BMI range, type of study population and age were the potential sources of heterogeneity. In addition, the strongest correlation was observed in the subgroup of obese subjects (Fisher's $z = -0.264$, $p = 0.002$), less than 60 years old (Fisher's $z = -0.111$, $p < 0.0001$) and healthy subjects (Fisher's $z = -0.115$, $p < 0.0001$).

Conclusion: These findings suggest that there is a significant inverse association between serum osteocalcin and CRP levels in the adult population.

Keywords: Osteocalcin, C-reactive protein, meta-analysis

Screening of Alzheimer disease in Elderlies Population of Shiraz, Iran

Fatemeh Jafari¹, Sanaz Amiri¹, Behnam Honarvar², Amirhossein jalalpour²

¹ Msc student, Department of Epidemiology, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: honarvarbh32@gmail.com

Background and Aim: There is a tremendous increasing trend in elderly population throughout the world compared to other age groups. Alzheimer disease (AD) is one of the prevalent disabling disorders in aging and characterized by a progressive decline in cognitive function, which typically begins with deterioration in memory. This study was conducted to evaluate the prevalence of AD in elderlies of shiraz, Iran.

Methods: In this population based and cross-sectional study through a multi stage sampling and by using Montral Cognitive Assessment (MoCA) questionnaire through a face to face interview, AD of elderly people was assessed. Data were analysed in IBM SPSS 25 statistics.

Results: This study consisted of 182 elderlies with mean age of 66.9 ± 5 years. Among interviewees, 130 (71.4%) were single, 87 (48.7%) were male and 161 (88.5%) of subjects had lower 12 years' education. Additionally, 155 (85.2%), 79 (43.4%), 67 (36.8%) and 16 (8.8%) of elderlies used to use or read mobile, book, newspaper and computer respectively. The prevalence of AD was 84.6%. The risk of Alzheimer's disease was lower in those who had higher than 12 years' education.

Conclusion: Regarding the high prevalence of AD and the role of its consequences in the various dimensions of the life of elderlies and their relatives, screening of elderlies for AD through integrative care of geriatrics in family physician program is recommended.

Keywords: *Prevalence, Screening, Alzheimer Disease, Elderlies*



Quality of life in Elderly : A Population Based Study in Shiraz, Iran

Behnam Honarvar¹, Tayebe Rahmani¹, Maryam Azadegan¹, Amirhossein Jalalpour¹

¹ Health policy Research Center ,Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: Tayebe.dastbas@gmail.com

Background and Aim: Elderly (more than 60 years) population of the world will be nearly doubled from 12% in 2012 to 22% in 2050. This study was conducted to assess the QOL in elderly people who are under coverage of Integrated Geriatric Care Program by public health centers.

Methods: This population based analytic cross-sectional study was conducted through a multi stage sampling . LIPAD questionnaire as a standard tool for assessment the QOL of elderly people was filled for each participant by a face to face interview. Data were analyzed in SPSS using parametric and non-parametric univariate and multiple linear regression.

Results: The mean of total QOL score of all participants was 70.2 ± 10.5 (of total score 93). All seven core components of QOL; Physical Functioning , Depression and Anxiety, Cognitive Functioning, Self Care, Social Functioning, Life Satisfaction and Sexual functioning were correlated in order to the total score of this components. Similarly all five moderator components of QOL; Perceived Personality, Anger, Self steam, Social desirability and Trust in God were correlated to the total score of moderator parts of QOL respectively. Univariate analysis also showed that gender, level of education, occupational status of elderly and his/her spouse, age at the 1st marriage and being the main decision maker about family financial affairs were correlated significantly with the total score of QOL. Moreover, Multiple Linear Regression revealed that illiterate elderly ($\beta = -3.94$), elderly who were not the main decision makers about family financial affairs ($\beta = -2.99$) and female elderly ($\beta = -2.74$) had a lower QOL.

Conclusion: This study remarked that the QOL of elderly people living in Shiraz is higher than average. Moreover, policy making and interventions toward improvement of QOL in elderly population, especially through raising their level of literacy and giving a more autonomy role to them in decision making about financial affairs of their family is recommended

Keywords: *Elderly, Quality of life, LEIPAD, Shiraz, Iran*



Low Rate of Condom Use among Sexually Active Youths of Iran: A Review Study

**Behnam Honarvar¹, Fatemeh Shaygani¹, Zahra Eghlidos¹, Yasamin Dehghan¹,
Amirhossein Jalalpour¹, Mohammad Jaafar Poorisa¹**

¹ Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: honarvarbh32@yahoo.com

Background and Aim: Condom use is critical for the health of sexually active people, and yet many sexually active youths may fail to use condoms consistently. We aimed to identify rate of condom use among unmarried and sexually active youths in Iran through a review study.

Methods: Review of literature was performed through extensive searching in ISI, PubMed, Scopus, and Google Scholar databases. The keywords that were used for searching were; sexual, condom, extramarital, Unmarried, illegal sex, youth, young, adolescents, teens, teenagers. We transferred found articles to the End Note software by two authors while supervised by a third person.

Results: Among the 1036 articles surveyed, 42 met inclusion criteria finally. Findings showed that 43%-84% of illegally sexually active boys and girls in Iran did not use condom, at least regularly in their sexual contacts. Younger age at sexual debut, having one lifetime sexual partner and poor HIV knowledge were significant predictors of inconsistent condom use. The reason frequently chosen for inconsistent condom use was "that it is not accessible". However, self-efficacy, gender, attitude towards HIV, knowing infected HIV person and alcohol or stimulant(s) used before sexual contact showed significant association with condom use.

Conclusions: High level of self-efficacy significantly increased the probability of condom use by boys and girls. Promote the culture of condom use and decreasing shame to provide it in community help to increase this self-efficacy. Therefore, health providers should decide to provide accessibility to condom and distributing it freely, especially among high risk youths such as drug or alcohol users.

Keywords: *Condom, Use Rate, Sex, Youth, Drug, Alcohol*



Processing of wireless peripheral sensors for monitoring blood pressure

Ali Hajipour Talebi¹, Feresteh Soltani Fard², Maryam Dehghani³, Zahra Arasteh⁴

¹ BSc Student Health Information Technology, Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Health Information Technology Expert, Student Research Committee, Lorestan University of Medical Sciences, Khorramabad, Iran

³ Msc Student, Health Information Technology, Faculty of Paramedical Sciences, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ Faculty of Paramedicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Background and Aim: Nowadays, continuous monitoring of cardiac blood pressure has a tremendous value for medicine (cardiovascular, circulation and neurology, management), health (stress and stress tracking), and fitness (performance monitoring). For processing, they use wireless sensor sensors and the environment that interact with everyday activities. The purpose of this study was to investigate the wearable and environmental wireless sensors processing and monitoring of blood pressure during daytime activities.

Methods: The present study was a systematic overview with a comprehensive search of Internet sites, validated journals, Scopus, SID, Google Scholar, ISC and related articles in this field. Wearable Sensors, Monitoring, Blood Pressure and their combinations were used to search the English input and English terms, and the time range 2010 to 2017 was considered for the selection of articles. The articles were found in about 120 articles, of which about 90 articles were included in the study, and then these articles were evaluated in terms of title, abstract and full text. After removing repetitive and unrelated, about 68 related articles Was selected by research.

Results: Based on the studies conducted, about 120 papers in this area, of which about 68 articles were included in the study, showed that wearable and environmental sensor sensors simultaneously provide information on the location of the user and the vital signs These diagnoses are based on PPG, ECG, and occupier sensors. Meanwhile, the wearable sensors measure each signal and can display sensor signals with a 1mm gauge.

Conclusion: According to the results, wearable sensor sensors require a high sampling rate and time synchronization to provide a detailed analysis of the received signals, so that the data transmission of wearable sensors from the Bluetooth speed Sampling is used for one kilohertz. Also, two radio wearable sensors enable true timing and work with environmental sensors.

Keywords: *monitoring, blood pressure, wireless sensors, wearable and environmental sensors*



Surveillance of smartphone-based remote monitoring in prenatal care

Ali Hajipour Talebi¹, Fatemeh Peirovi², Mobina Golmohammadi², Najmeh Baziarnejad²

¹ BSc Student Health Information Technology, Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Student Research Committee, Faculty of Nursing, AJA University of Medical Sciences, TehranIR- Iran

Background and Aim: One of the most important problems due to unwanted pregnancy and pre-natal care is weight gain and blood pressure, which can lead to gestational diabetes, premature birth and preeclampsia. However, using a patient's remote monitoring system in the form of a smartphone can control the factors mentioned. The purpose of the present study was to investigate smartphone-based surveillance for prenatal care.

Methods: The present study is a systematic overview in which Internet sites Scopus, SID, Google Scholar, and ISC were searched. Preventive, Pregnancy, Smartphone, Pre-natal care, and their combination were used to search the English entry language and the keywords for the selection of articles were considered between 2013 and 2018. Of the 198 articles retrieved, 135 articles were included in the study, and then these articles were evaluated in terms of title, abstract, and full text based on entry criteria. After removing repetitive and unrelated cases, about 96 articles related to research were selected.

Results: The results of the review showed that the use of a pregnancy platform, which includes remote monitoring and warning systems, leads to more patient coordination and engagement with the smartphone program to accurately measure weight and blood pressure. The purpose of these early warning systems is to complicate complications. The results also indicate that the patient's interaction with the proposed platform meets the patient's expectations for regular education in the period of pregnancy and prenatal care.

Conclusion: Studies have shown that pre-natal care goes hand in hand with smartphone technology, with care being provided in the form of remote monitoring, as well as the creation of a digital health platform. In the form of a smartphone, it is possible in the near future to collect the data needed during pregnancy, which significantly reduces the risk of pregnancy and preterm delivery.

Keywords: *remote monitoring, obsessive-compulsive disorder, smartphone, prenatal care*



An Intelligent Smartphone-Based Traumatic Technology for Early Skin Cancer Diagnosis

Ali Hajipour Talebi¹, Mobina Golmohammadi², Fatemeh Peirovi², Behzad Jalilian³,
Najmeh Bazjarnejad²

¹ BSc Student Health Information Technology, Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Student Research Committee, Faculty of Nursing, AJA University of Medical Sciences, Tehran, IR-Iran

³ Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Background and Aim: Today's science of medicine requires the development of new technologies in the form of smart phone health that is a smartphone technology that plays an important role in the treatment and prevention of diseases, one of which is skin cancer. Dermoscopy traps allow patients to send skin lesions to a dermatologist for remote diagnosis; currently, the adoption of cellular mobile telephony technology is not known by people at risk for skin cancer. Therefore, the aim of this study was to investigate the potential of smart-phone tracheoscopy technology for early diagnosis of cancer.

Methods: The present study was a systematic overview with a comprehensive search of web sites, valid journals, scopus, SID, Science Direct, ISC and Google Scholar search engine, as well as related books in this area. Smartphone, Skin Cancer, Telemedicine, Dermoscopic Trap and their combination were used to search, and the time range from 2013 to 2018 was considered for the selection of articles. The articles were found in about 121 articles, of which articles were included in the study, and then these articles were evaluated in terms of title, abstract, and full text. After removing repetitive and unrelated, about 69 related articles Was selected by research.

Results: According to our findings, we found that using smart-phone on-microscopy traps for early diagnosis of skin cancer has a higher diagnostic accuracy than face-to-face detection. And also the research suggests that the benefits of using mobile phone traps include: increasing access to care, reducing waiting times, cost savings, and efficient referral. We also found that: People are more eager than face-to-face counseling and treatment for masked traps for early detection of skin cancer.

Conclusion: The results of the studies showed that the use of smart-phone on-microscopy traps improves their function in dermatologic examination and is a useful program for them. And also, according to studies, we have found some problems with the use of dermoscopy traps; these problems include: Some people are able to connect to the Internet account on their mobile phone, and also be able to tag images and personalize the program. They were not mentioned.

Keywords: *Smartphone, Skin Cancer, Telemedicine, Dermoscopic Trap*



Evaluating smartphone technology capabilities in the operating room (systematic review)

Ali Hajipour Talebi¹, Behzad Jalilian², Mahdi Rajabi², Zahra Arasteh³

¹ BSc Student Health Information Technology, Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Faculty Research Committee, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Background and Aim: In the last decade, we have seen the growth and diffusion of smartphone technology in health care. Nowadays, the functionality of this technology is visible in the operating rooms, because it allows surgeons and even personnel to search for clinical information, communicate with colleagues, and take pictures and educational videos of it. The purpose of this study was to evaluate the capabilities of smartphone technology in the operating room.

Methods: The present study was a systematic overview with a comprehensive search of web sites, validated journals, Scopus, SID, Google Scholar, ISC and related articles in this field. The combination of them was used to search the English input language and key words Smartphone, surgical technology, operating room, and the time range from 2015 to 2018 was considered for the selection of articles. The articles were found in about 145 articles, of which about 110 articles were included in the study, and then these articles were evaluated in terms of title, abstract and full text. After removing repetitive and unrelated, about 63 related articles Was selected by research.

Results: The results of the studies showed that the use of smartphone technology in the operating room environment improves access to information and clinical education through communication with other parts of the hospital and avoids some kind of time waste of personnel and surgeons. And they sharpen their accuracy in surgical procedures and greatly reduces medical errors during surgery.

Conclusion: The studies have shown that smartphone technology has been substantially approved by the use of surgeons and operating room personnel, and somehow in the near future we will see the epidemic of this new technology in other parts of the hospital. Because of this technology, personnel have found a high level of learning and communication, and due to having strong and effective clinical training, the staff will have a high level of knowledge in their field of work.

Keywords: *Smartphone, surgical technology, operating room*



The Impact of Digital Technology on the Treatment of Disease Respiratory Disorders

Ali Hajipour talebi¹, Fatemeh Peirovi², Najmeh Bazyarnejad², Mobina Golmohammadi²

¹ BSc Student Health Information Technology, Student Research Committee, Faculty of Paramedicine, Army University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Student Research Committee, Faculty of Nursing, Aja University of Medical Sciences, Tehran, IR- Iran

Background and Aim: In a world where digital technologies change our work and manage our capital, it is unique that digital systems are proposed as a potential solution for providing clinical and cost-effective care. That these digital technologies play an important role in the treatment and prevention of diseases and respiratory disorders; in fact, digital health has had a significant impact on the recovery and control of respiratory disorders. The aim of this study was to investigate the effect of digital technology on the treatment of diseases and respiratory disorders.

Methods: The present study was a systematic overview with a comprehensive search of web sites, validated journals, Scopus, SID, Google Scholar, ISC and related articles in this field. The combination of them was used to search the English input language and the keywords Digital technology, self-management, respiratory diseases, and the time range from 2012 to 2018 was considered for the selection of articles. The articles were found in about 144 articles, of which about 93 articles were included in the study, and then these articles were evaluated in terms of title, abstract and full text. After removing repetitive and unrelated cases, about 65 related articles Was selected by research.

Results: The results of this study indicate that the use of digital technology for control and treatment of respiratory diseases, due to the prevention of repeated referrals to clinical centers, both in terms of saving time and cost-saving costs are very cost effective. It is cost effective. One of the benefits of using digital technology for respiratory illnesses is the possibility of video counseling, diagnostic services and in-person control and pulmonary rehabilitation; however, the successful implementation of digital health programs for technical, organizational, social and legal considerations. Individual levels, community and system.

Conclusion: The results of the studies showed that digital health is a potential solution to provide comfortable and flexible modes of communication and data transfer and professional ethics assessment, which in turn can be self-explanatory. Management is advocated in respiratory diseases, as well as for providing clinical and cost-effective care, which is a challenge for health systems around the world.

Keywords: *digital technology, self-management, respiratory diseases*



Reproductive and Sexual Health Information in Youths of Iran: A Review Study

Fatemeh Shaygani¹, Mohammad Jaafar Poorisa¹, Yasamin Dehghan, Zahra Eghlidos¹, Amirhossein Jalalpour¹, Behnam Honarvar¹

¹Health Policy Research Center, Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: sadaf.shaygani46@gmail.com

Background and Aim: Sexual and reproductive health information, as a form of empowerment, especially in situations where ability of certain groups to access information is restricted, can support youths to delay sexual debut, choose 'lower risk' partners and better protect themselves during sex. This, in turn, can reduce risk for HIV, HSV-2 and other STIs, while also preventing unwanted pregnancies and mortality related to young age of child-bearing in females. Achieving higher levels of sexual and reproductive health literacy also yields multiple benefits beyond health. This review study was conducted to determine the reproductive and sexual health information in young people of Iran.

Methods: Review of literature was performed through extensive searching in ISI, PubMed, Scopus, and Google Scholar databases. The keywords that were used for searching were; sexual, reproductive health, information, education, health promotion, youth, young, adolescents, teens, teenagers. We transferred found articles to the End Note software by two authors while supervised by a third person.

Results: Among the 1036 articles surveyed, 42 met inclusion criteria finally. Findings showed that both men and women and especially single men were low to moderately knowledgeable about reproductive health including genital anatomy, sexually transmitted infections and contraceptive use. The majority of respondents had positive attitudes towards implementing educational programs on sexual and reproductive health issues for young adults especially far earlier than marriage time.

Conclusions: The relatively high prevalence of sexual activity and the lack of appropriate knowledge regarding reproductive health and contraceptives pose a significant threat to the sexual and reproductive health of youths in Iran. Findings indicate that most adolescents have an unmet need for reproductive health services or available services are not friendly to them conclusively, necessity and importance of implementation of up-to-date and need-based educational programs including a variety of teaching and learning strategies such as skills to make safe sexual decision among youths of Iran is felt more than past.

Keywords: *Reproductive Health, Sex, Information, Youth, Health Promotion*





اپیدمیولوژی



برآورد شاخص مرگ مادر در ایران در سال های ۸۹ تا ۹۳ با روش صید- باز صید (Capture-Recapture)

علی رضا زمستانی^۱، آیت احمدی^۲، بهاره یزدی زاده^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: ar.zemestani@gmail.com

^۲ دکتری تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات بهره برداری از دانش سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: همبستگی شدید میزان مرگ مادر در یک جامعه با شاخص های توسعه یافتگی باعث شده که شاخص مرگ مادر به عنوان یک نشانگر توسعه یافتگی در یک جامعه نیز در نظر گرفته شد. یکی از مشکلات در داده های حاصل از منابع ثبت داده های مرگ مادر کم گزارش دهی یا به طور کلی کم شماری است که هم به علت نادر بودن رخداد در بین جامعه هدف است و هم گوناگونی منابع اطلاعاتی برای اندازه گیری مرگ مادر می باشد.

روش کار: در این مطالعه از روش تحلیل صید-باز صید سه منبعی استفاده شد. این روش می تواند مقدار کم گزارش دهی منابع مختلف جمع آوری داده ها را محاسبه کند. حجم نمونه این مطالعه شامل همه موارد مرگ مادر بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ که در نظام کشوری مراقبت مرگ مادر یا سازمان ثبت و احوال کشور یا نظام ثبت مرگ کشوری ثبت و گزارش گردیده می باشد. روش مدل های لگاریتم خطی، روش رویکرد پوشش نمونه نمونه ای و استفاده از مقدار معیارهای اطلاعاتی Akaike، مدل های برآورد تعداد جمعیت با روش صید-باز صید می باشند که در این مطالعه استفاده شده است.

یافته ها: میزان مرگ مادران از سال ۸۹ تا ۹۳ به ترتیب ۲۲/۱۵، ۲۱/۴۹، ۱۹/۵۵، ۱۹/۷۷ و ۱۸/۹۷ در یکصد هزار تولد زنده برآورد شد. همچنین میزان پوشش سه منبع بین سالهای ۸۹ تا ۹۳ به ترتیب ۷۳، ۸۳، ۸۲، ۸۰ و ۸۳ درصد تخمین زده شد.

نتیجه گیری: در نهایت نتایج این مطالعه مشخص می کند که با استفاده از سه منبع و کاربرد روش صید-باز صید می توان در مقایسه با استفاده از هریک از منابع به تنهایی تخمین یا برآورد بهتری از تعداد موارد مرگ مادر به دست آورد.

واژگان کلیدی: صید-باز صید، میزان پوشش، میزان حساسیت، مرگ مادر

میزان شیوع اختلالات گفتاری در کودکان: مطالعه مروری

لیدا حسن زاده^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی گفتار درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ایمیل

L.hasanzadeh1374@gmail.com:

زمینه و هدف: گفتار یکی از نیازهای اولیه برای هر فردی به منظور برقراری تعاملات اجتماعی در جامعه می‌باشد. اختلالات گفتاری می‌تواند بر خیلی از جنبه‌های زندگی روزمره از جمله تحصیل، شغل و تعامل تأثیر بگذارد. از آنجا که کودکان حساس‌تر هستند و بیش‌تر در معرض بعد روانی اختلال هستند این مطالعه با مروری هدفمند بر آخرین مقالات منتشر شده در این زمینه به بررسی شیوع اختلالات گفتاری در کودکان می‌پردازد.

روش کار: از واژگان کلیدی «شیوع»، «اختلالات گفتاری»، «کودک» برای جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed، Google Scholar، SID در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ استفاده شد. ۲۷۷ مقاله حاصل جستجو بود که بعد از مطالعه عنوان و خلاصه، از ۳۴ مورد از مرتبط‌ترین آنها برای نگارش این مقاله استفاده شده است.

یافته‌ها: براساس مطالعات انجام شده، میزان شیوع اختلالات گفتاری حدود ۵ تا ۱۰ درصد در کودکان می‌باشد که براساس تقسیم‌بندی حدود ۲/۵ درصد دارای لکنت، ۶/۵ درصد اختلالات تلفظی، اختلالات صدایی ۶ درصد، آپراکسی دوران کودکی ۱ درصد، اختلال یادگیری ۱۲ درصد می‌باشد که خانواده‌ها باید به محض ملاحظه موردی مشکوک در کودک خود به گفتاردرمانی مراجعه کرده تا مشکل کودک در سنین پایین برطرف شود.

نتیجه‌گیری: اختلالات گفتاری انواعی از اختلالات ارتباطی هستند که در آنها مشکلاتی در تلفظ صحیح و روان و منظم کلمات وجود دارد. این اختلالات در کودکان ممکن است تأثیرات کوتاه یا بلند مدتی بر سلامتی داشته باشد و آنها را با مشکلات تحصیلی مواجه کند. بهتر است در صورت وجود هرگونه علامتی در کودک که مطابق همسالان طبیعی خود نمی‌باشد به گفتاردرمانی برای بهبود علائم مراجعه کنند.

واژگان کلیدی: شیوع، اختلالات گفتاری، کودک



بررسی اپیدمیولوژیک بیماری سالک در شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶

مصطفی صدری دلیک^۱، سعید تیموری^۲، شهریار اکبری^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

^۳ کارشناس روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: لیشمانیوزها جزء بیماریهای مشترک انسان و دام به حساب می آیند که به علت تک یاخته های لیشمانیایی ایجاد می شوند و به دو نوع مرطوب (روستایی) و خشک (شهری) تقسیم می شوند. مخزن بیماری در لیشمانیای روستایی عمدتاً، جوندگان صحرائی از خانواده ژربیلده بوده و در نوع شهری آن، بیشتر حیوانات اهلی می باشد. با وجود پیشرفت های روزافزون در زمینه کنترل بیماری ها هنوز لیشمانیوزها در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری از معضلات بهداشتی به حساب می آیند. شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد از کانون های آندمیک لیشمانیوز جلدی به حساب می آید.

روش کار: بررسی حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی می باشد که برای این کار همه افراد مبتلا به سالک در سال ۱۳۹۶ که دارای پرونده در مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان کهگیلویه بوده، مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: در میان جمعیت ۱۴۳۳۷۱ نفری در مجموع ۱۹ مورد بیماری سالک در سال ۱۳۹۶ گزارش گردید که ۷۹٪ مبتلایان مرد، ۲۱٪ زن، ۷۳/۶٪ ساکن روستا، ۲۱/۴٪ ساکن شهر می باشند. در این مطالعه شیوع سالک با فصل سال ارتباط معناداری داشته است و ۴۷/۶٪ ابتلا در فصل زمستان و ۲۶/۴٪ در فصل بهار بوده است. شایع ترین موضع درگیری بیماری با ۲۶۴/۴٪ در صورت، ۲۶۴/۴٪ در پا و ۴۷ درصد در ساعد و دست ها بود. همه موارد بیماری از انواع سالک روستایی و ۵۸٪ در روستاهای نیمه گرمسیری شمالی شهرستان و بقیه در مناطق گرمسیری بودند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج فوق شیوع بیماری سالک در روستاهای نیمه گرمسیری شمالی شهرستان کهگیلویه به صورت آندمیک بوده است. دفع بهداشتی زباله و فضولات حیوانی در روستاها، شناسایی مخازن حیوانی بیماری جهت مبارزه و شناسایی کانون های زندگی پشه خاکی و آموزش مردم در خصوص نحوه انتقال بیماری و راه های پیشگیری از بیماری سالک از مهم ترین راهکارهای کنترل بیماری در شهرستان کهگیلویه می باشد.

واژگان کلیدی: بررسی اپیدمیولوژیک، سالک، لیشمانیوز، پشه خاکی، شهرستان کهگیلویه

بررسی رابطه بین مصرف کورکومین در پیشگیری از ابتلا به سرطان روده بزرگ: مرور

سیستماتیک

مهتاب دارابی^۱، فردین حیدری^۲، فاطمه محمدی پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران
^۳ استادیار، دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زمینه و هدف: سرطان روده بزرگ در کشورهای در حال توسعه روبه افزایش است و یکی از بزرگترین مشکلات بهداشتی جهان است. بر طبق گزارشات منتشر شده وزارت بهداشت این بیماری به عنوان سومین سرطان شایع در زنان و پنجمین در مردان مطرح می‌باشد. کورکومین ماده مؤثره ریزوم گیاه زردچوبه بوده با نام علمی (*Curcuma longa*) بوده و عامل اصلی رنگ زرد و طلایی زردچوبه می‌باشد و همچنین به عنوان مسئول بسیاری از خواص زردچوبه تشخیص داده شده است. هدف از این مطالعه مروری بررسی رابطه بین مصرف کورکومین در پیشگیری از ابتلا به سرطان روده بزرگ است.

روش کار: این جستجو در پایگاه‌های داده‌های Pub med، Google scholar، Scopus، Iran medex، Magiran و علم‌نت با کلیدواژه‌های کورکومین، سرطان روده بزرگ، زرد چوبه در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه بر اساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر دو متغیر کورکومین، سرطان روده بزرگ در مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸ - ۲۰۰۰) و معیارهای خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۷ مقاله، تعداد ۵۰ مقاله پس از ارزیابی کیفیت انتخاب و در مطالعه‌ی حاضر از آنها استفاده گردید.

یافته‌ها: بر اساس مطالعات انجام شده سرطان روده بزرگ به عنوان یکی از محدود سرطان‌های قابل پیشگیری شناخته شده است. مصرف کورکومین بر تکثیر سلول سرطانی روده بزرگ انسان (HT-29) موثر است با توجه به مسیره‌های مولکولی دخالت کننده در تکثیر سلولی و توانایی کورکومین در القای پروتئین‌های پروآپوآپتیک و مهار پروتئین‌های آنتی آپوآپتیک و مسیره‌های بقا همچون NF-KB و AKT، می‌توان آن را به عنوان یک عامل ضد سرطان روده بزرگ معرفی نمود.

نتیجه‌گیری: رعایت رژیم غذای و مصرف گیاهان دارویی به ویژه زرد چوبه به علت سهولت دسترسی و قیمت مناسب، به عنوان راهکارهایی مناسب جهت پیشگیری و درمان سرطان روده بزرگ، همواره باید مورد توجه کادر درمان به ویژه پزشکان و افراد در معرض ابتلا باشد.

واژگان کلیدی: کورکومین، سرطان روده بزرگ، زرد چوبه



تأثیر متادون بر عملکرد جنسی (مروری سیستماتیک)

منیره زارعی^۱، سروین ترابی^۱، آرزو رضایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران. ایمیل: zmonire74@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره در مامایی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بهبهان، بهبهان، ایران

زمینه و هدف: اعتیاد به مواد مخدر گسترش زیادی در جهان داشته است به طوری که امروزه تعداد زیادی از مبتلایان به این بیماری را جوانان تشکیل می دهند. یکی از مشکلاتی که بیماران در طول زمان ترک مواد مخدر تجربه می کنند اختلال عملکرد جنسی می باشد لذا هدف از این مطالعه مروری بر تأثیر متادون بر عملکرد جنسی مردان می باشد

روش کار: در این مطالعه مروری با استفاده از واژگان کلیدی‌های اختلال عملکرد جنسی، متادون و مردان در پایگاه‌های بین المللی SID, Science Direct, Pubmed و Google Scholar جست‌وجو انجام شد و ۴۵ مقاله استخراج گردید. سپس بر اساس معیارهای ورود و خروج و بر اساس چک لیست پریزما ۱۲ مقاله حذف شد و در نهایت ۳۳ مقاله از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ لیست شد و داده‌ها از آن استخراج گردید.

یافته‌ها: درمان نگهدارنده با متادون یک درمان متداول و شایع برای مصرف کنندگان مواد مخدر می باشد، با وجود اثبات بی خطر بودن نسبی متادون در مصارف طولانی مدت برخی اثرات آن از جمله سرخوشی و خواب آلودگی در هفته های اول کاهش پیدا می کند اما اثرات دیگر آن مانند کاهش میل جنسی و اختلال عملکرد جنسی تا ماه ها پس از درمان هم ادامه دارد. اختلال عملکرد جنسی از مشکلات شایع افراد وابسته به مصرف مواد افیونی است و می تواند در تمام مراحل تحریک جنسی، برانگیختگی جنسی و ارگاسم در چرخه واکنش های جنسی بوجود آید و موجب مشکلات زناشویی شود.

نتیجه گیری: نتایج مطالعات نشان می دهد یکی از دلایل عدم همکاری و قطع مصرف متادون و استفاده مجدد از مواد مخدر بروز عوارض مربوط به اختلال عملکرد جنسی است لذا تشخیص این عوارض و مدیریت مشکلات ناشی از آن باعث پایبندی بیمار به درمان نگهدارنده می شود

واژگان کلیدی: اختلال عملکرد جنسی، متادون، مردان



بررسی وضعیت پرخاشگری کودکان پیش دبستانی شهر خرم آباد و عوامل مرتبط با آن در سال

۱۳۹۷

حدیث نوری اصل^۱، مهدی بیرجندی^۲، محمدجواد بگیان کوله مرزی^۳، کلثوم نوری اصل^۴، سمیرا نوری

اصل^۵، نگین کاکاوند نژاد^۶

^۱ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران. ایمیل: hadis.nouriasl74@gmail.com

^۲ استادیار، گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران

^۳ دکترای تخصصی روانشناسی، دانشگاه رازی، ایران

^۴ دانشجوی دکترای تخصصی شیمی تجزیه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه لرستان، ایران

^۵ کارشناسی علوم آزمایشگاهی، آموزش و پرورش لرستان، ایران

^۶ کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ایران

زمینه و هدف: خشم و پرخاشگری از شایع‌ترین مشکلات کودکان و از دلایل مهم ارجاع آن‌ها به مراکز مشاوره و روان درمانی می‌باشد. بررسی وضعیت پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی با توجه به اینکه این کودکان در آینده وارد فضای مدرسه شده و ممکن است مشکلاتی در فراگیری دروس یا برخورد با همکلاسی‌های خود داشته باشند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف از این پژوهش تعیین وضعیت پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی شهر خرم‌آباد و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۷ بود.

روش کار: این مطالعه توصیفی-مقطعی روی ۳۳۲ کودک (پسر ۴۹/۴٪ و دختر ۱۶۸ ۵۰/۶٪) پیش‌دبستانی شهر خرم‌آباد انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت ترکیبی از دو روش تصادفی طبقه‌ای و خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. در این مطالعه جهت اندازه‌گیری پرخاشگری از پرسشنامه استاندارد پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی استفاده شد. در این پرسشنامه پرخاشگری کودکان در ۴ زیر مقیاس کلامی تهاجمی، فیزیکی تهاجمی، رابط ای و تکانشی مشخص می‌گردد که توسط والدین آنها تکمیل گردید. در این پژوهش، جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تحلیل چند متغیره، t مستقل و آنالیز واریانس استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره پرخاشگری پسران در زیر مقیاس کلامی تهاجمی، فیزیکی تهاجمی و رابطه‌ای به‌طور معنی‌داری بیشتر از دختران است ($P < 0/05$)، در صورتیکه در زیر مقیاس تکانشی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس وجود نداشت ($P = 0/17$). از طرفی بین گروه خونی و قومیت کودکان با ۴ زیر مقیاس پرخاشگری ارتباط معنی‌داری یافت شد. اما ارتباط معنی‌داری بین پرخاشگری و مشخصات دموگرافیک یافت نشد.

نتیجه‌گیری: این پژوهش لزوم طراحی یک مطالعه تحلیلی (مورد شاهدهی یا کوهورت) به منظور ارزیابی دقیق‌تر عوامل معنی‌دار شناسایی شده بر پرخاشگری کودکان و یک مطالعه مداخله‌ای جامع برای کاهش انواع پرخاشگری را یادآور می‌شود.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، کودکان پیش‌دبستانی، پرسشنامه



اپیدمیولوژی بیماری سل ریوی و خارج ریوی در استان چهارمحال و بختیاری طی سال های

۱۳۸۶-۱۳۹۶

مسعود امیری^۱، محسن عسکری شاهی^۲، حسن عسکری پور^۳، مهدی نادری لردجانی^۴، محمد مرادی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

^۲ گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

^۳ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

^۴ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

زمینه و هدف: سل یکی از بیماری های عفونی بسیار شایع در جهان است که باعث گرفتاری اعضاء مختلف بدن از جمله ریه ها می گردد. در حال حاضر یکی از دلایل مهم مرگ و ناتوانی به خصوص در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی اپیدمیولوژی بیماری سل در استان چهارمحال و بختیاری طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۹۶ است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی بر روی داده های ثانویه به منظور بررسی خصوصیات اپیدمیولوژیک بیماری سل طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۹۶ می باشد. متغیرها شامل جنسیت، سن، محل سکونت، شغل، سطح تحصیلات، نوع بیماری سل، محل ابتلا، سابقه زندانی، نتیجه درمان و سابقه تماس با بیمار سلی، جمع آوری گردید و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-22 توسط آماره های توصیفی و آزمون کای دو، آزمون T با سطح معناداری ۰/۰۵ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: تعداد بیماران مورد بررسی ۳۴۲ نفر می باشد که ۶۳/۲٪ دچار سل ریوی و ۳۶/۸٪ غیر ریوی بوده است از این تعداد ۵۱/۲٪ زن و ۴۸/۸٪ مرد بودند. میانگین سنی بیماران $21/66 \pm 49/79$ سال بوده است. ۵۳/۲٪ ساکن شهر و ۴۶/۸٪ در روستا سکونت داشتند. ۱/۲٪ بیماران آلوده به ویروس HIV بودند و نیز ۱۷/۵٪ سابقه تماس با بیماران سلی را داشتند. شایعترین محل ابتلا به سل غیر ریوی، سل لنفاوی (۳۲/۵٪) بود. بین ابتلا به بیماری با شغل، ملیت، سطح تحصیلات، نتیجه درمان و نوع سل ارتباط آماری معناداری مشاهده شد ($p=0/0001$). همچنین بین جنس و نوع بیماری ارتباط معنادار مشاهده نشد ($p=0/83$)

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در مطالعه حاضر اکثر بیماران دچار سل ریوی بودند مهمترین راه پیشگیری از عفونت و بیماری سل، کشف منابع انتشار عفونت و بیماری (بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت) از طریق غربالگری، آموزش، درمان به موقع و کامل این بیماران می باشد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، سل، چهارمحال و بختیاری



شیوع کم وزنی کودکان زیر ۶ سال در شهرستان لردگان طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴

مسعود امیری^۱، مهدی نادری لردجانی^۲، حسن عسکرپور^۳، سجاد رحیمی پردنجانی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. ایمیل: amirim39@yahoo.com

^۲ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

^۳ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

^۴ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

زمینه و هدف: سلامت انسان در گرو تأثیر دو عامل وراثت و محیط است. مسأله وراثت از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است ولی در عین حال تأثیر عوامل محیطی و شرایط تغذیه‌ای در حدی است که حتی گاهی فراتر از عوامل وراثتی نقش دارند. بررسی وضع رشد و نمو کودک مهمترین معیار برای شناسایی سلامت آن است و از جهت دیگر سوء تغذیه به ویژه کم وزنی تغذیه‌ای به عنوان یکی از مشکلات در کودکان مطرح می‌باشد. این مطالعه با هدف بررسی شیوع کم وزنی کودکان زیر ۶ سال در شهرستان لردگان طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ انجام شده است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی بر روی کودکان زیر ۶ سال شهرستان لردگان طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انجام گرفت. اطلاعات با روش مشاهده و مصاحبه از طریق پُر کردن پرسشنامه، در مورد متغیرهای زمینه‌ای جمع‌آوری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-22 توسط آماره‌های توصیفی، آزمون کای دو و آزمون T با سطح معناداری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه ۹۰۰ کودک مورد مطالعه قرار گرفتند. ۴۹ درصد (۴۴۱ نفر) دختر و ۵۱ درصد (۴۵۹ نفر) پسر بودند. از این تعداد کودک، ۷۰۰ نفر (۷۷/۷٪) دارای وزن طبیعی، ۱۵۵ نفر (۱۷/۳٪) دچار کم وزنی متوسط و ۴۵ نفر (۵٪) دچار کم وزنی شدید بودند. شیوع سوء تغذیه به طور نسبی در دختران کمتر از پسران بوده است. حداکثر شیوع سوء تغذیه در پسران در سن ۲ سالگی و دختران در سن ۳ سالگی بود. ۹۱/۱ درصد موارد ساکن روستا، ۸/۴ درصد ساکن شهر، ۰/۵ درصد در حاشیه شهر و منطق عشایری سکونت داشتند. در این پژوهش ارتباط معنی‌داری بین بی‌سوادی مادران و پدران، خوردن صبحانه در هفته، مکان زندگی، وعده‌ی اصلی غذا در روز، سن کودک، چند قلوبی بودن، چندمین فرزند بودن در خانواده، بستری کودک به علت بیماری و تعداد حاملگی مادر با شیوع کم وزنی وجود داشت ($P \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد که شیوع کم وزنی ترکیبی از سوء تغذیه در زمان حال و گذشته قرار دارد. با توجه به نتایج و مقایسه با وزن استاندارد، عوامل محیطی را می‌توان در تأخیر رشد وزنی موثر دانست و لذا آموزش مراقبت‌های بهداشتی و درمانی به والدین در جهت تغذیه صحیح، منجر به سلامتی کودکان در این مرحله از رشد خواهد شد.

واژگان کلیدی: شیوع، کم وزنی، کودکان زیر ۶ سال، لردگان



بررسی موارد حیوان گزیدگی در شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد طی سالهای

۱۳۹۵-۱۳۹۷

حسن عسکرپور^۱، مسعود امیری^۲، عطاله خدامرادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران. ایمیل: asakarpourh@gmail.com

^۲ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

^۳ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: حیوان گزیدگی یک مسئله مهم بهداشت عمومی در سراسر دنیا می باشد که باعث انتقال بیماری هاری می شود که از مهم ترین بیماری های مشترک حیوان و انسان است. هدف از این مطالعه بررسی موارد حیوان گزیدگی در شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه توصیفی - مقطعی می باشد، که بر روی کل موارد حیوان گزیده طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۷ که در مرکز بهداشت شهرستان بویراحمد ثبت شده بود، انجام گرفت. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار Excel2010 توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: تعداد موارد حیوان گزیده طی مدت مطالعه ۱۲۰۲ نفر بود، که ۷۰/۵٪ موارد مرد و ۲۹/۵٪ موارد زن بودند. میانگین سنی افراد حیوان گزیده ۲۰/۱±۲۹/۱۲ بود. بیشترین گزش در فصل تابستان اتفاق افتاده بود. ۷۲/۵٪ موارد در مناطق روستایی و ۲۷/۵٪ موارد در مناطق شهری صورت گرفته بود. شغل اکثر افراد حیوان گزیده (۲۸/۶٪) آزاد بود. بیشترین مورد حیوان مهاجم (۷۷/۸٪) را سگ به خود اختصاص داده بود. هم چنین بیشترین محل گزش (۶۰/۷٪) در اندام های تحتانی صورت گرفته بود. ۹۴/۴٪ از موارد کمتر از ۴۸ ساعت جهت دریافت درمان به مراکز بهداشتی درمانی مراجعه نموده بودند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت حیوان گزیدگی، جهت کنترل و پیشگیری آن اجرای برنامه های آموزشی جهت بالا بردن سطح آگاهی مردم به خصوص روستاییان، همکاری بین بخشی سازمان های ذی ربط و هم چنین واکسیناسیون سگ های صاحبدار و قلاذه سازی و عقیم سازی حیوانات ولگرد لازم و ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، حیوان گزیدگی، هاری



کسر منتسب به جمعیت بیماری فشارخون در اثر چاقی در استان کهگیلویه و بویراحمد

حسن عسکرپور^۱، مسعود امیری^۲، سیده مهدیه نماینده^۳، سجاد رحیمی پردنجانی^۴، مهدی نادری لرد

جان^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران. ایمیل: asakarpourh@gmail.com
^۲ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
^۳ گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران
^۴ دانشجوی دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۵ گروه مدیریت بیماری ها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زمینه و هدف: پرفشاری خون بعنوان یکی از مشکلات عمده بهداشتی و رو به گسترش در کشورهای در حال توسعه مطرح می باشد. عوامل مختلفی از جمله چاقی و اضافه وزن می تواند در بروز فشارخون بالا تاثیر گذار باشد. هدف از این مطالعه بررسی کسر منتسب به جمعیت بیماری فشارخون در اثر چاقی در استان کهگیلویه و بویراحمد بود.

روش کار: این مطالعه، یک مطالعه اپیدمیولوژیک کسر منتسب به جمعیت می باشد. در این مطالعه نیاز به اطلاعات مربوط به شیوع فشارخون و نسبت شانس ابتلا به فشارخون در اثر چاقی می باشد، میزان شیوع فشارخون در استان از داده های ثبت شده در نظام سلامت بیماری های غیر واگیر کشور بدست آمد و داده های مربوط به نسبت شانس چاقی در ایجاد فشارخون براساس مطالعه سطوح فشارخون، فاکتورهای خطرزا و نحوه کنترل فشارخون در بالغین شیراز بدست آمد.

یافته ها: شیوع فشارخون به ترتیب در مردان و زنان، ۲۰/۰۲ درصد و ۲۹/۳ درصد بود. نسبت شانس ابتلا به فشارخون در اثر چاقی ۳/۱ بود. که بر مبنای کسر منتسب به جمعیت ۱۳/۵ درصد از شیوع فشارخون در مردان استان کهگیلویه و بویراحمد و ۱۹/۸ درصد از شیوع فشارخون در زنان این استان منتسب به چاقی می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه چاقی و اضافه وزن جز عوامل خطر ساز قابل اصلاح و تعدیل می باشد لذا با کاهش شیوع چاقی در استان کهگیلویه و بویراحمد و به تفکیک جنس از طریق اقدامات پیشگیری و آموزشی شاهد کاهش قابل توجهی در شیوع فشارخون در این استان خواهیم بود.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، سهم منتسب به جمعیت، فشارخون بالا



بررسی وضعیت ارتباطات بین فردی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پرستاری و مامایی

آسیب نمازی^۱، سکینه مجیدی نعیمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی، دانشکده مدیریت رفاه، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت. ایمیل: anamazi55@yahoo.com
^۲ کارشناسی مامایی، مربی دانشکده پرستاری و مامایی رشت، مسئول پایگاه بهداشتی شهید خورسندی

زمینه و هدف: توانایی برقراری ارتباط صحیح یکی از مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. اهمیت ارتباط در زندگی انسان به اندازه‌ای است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیب‌های فردی و پیشرفت‌های بشری را در فرایند ارتباط دانسته‌اند. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت مهارت ارتباط بین فردی در دانشجویان و عوامل مرتبط با آن بود.

روش کار: این مطالعه بصورت پیمایشی بر روی ۲۰۳ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی رشت که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها آزمون ۱۹ گویه‌ای مهارت‌های ارتباطی بین فردی بود. همچنین متغیرهای جمعیت شناختی دانشجویان (از جمله سن، وضعیت تأهل، محل سکونت و ..) مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و مجذور کای) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان مورد بررسی $21/8 \pm 23/09$ سال بود. ۶۰/۱ درصد از دانشجویان مورد بررسی مشکل ارتباطی داشتند. در ۱ درصد از دانشجویان مشکل برقراری ارتباط بصورت حاد وجود داشت و ۳۸/۹ درصد از افراد از نظر برقراری ارتباط توانمند بودند. بین متغیر سن، ترم تحصیلی و وضعیت تأهل با نمره ارتباط بین فردی دانشجویان ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده نشد ($P > 0/05$) اما بین وضعیت درآمد آنها با نوع برقراری ارتباط بین فردی ارتباط معنی‌دار وجود داشت ($P = 0/03$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه فردیت در دنیای کنونی افزایش یافته و نتایج برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد؛ یکی از شایع‌ترین مشکلات در زوج‌های متقاضی طلاق، عدم مهارت ارتباطی است، بنظر می‌رسد برنامه‌ریزی جهت آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر برای جوانانی که در سن ازدواج قرار دارند یا اینکه تشکیل خانواده داده‌اند، می‌تواند گام موثری در جهت بهبود وضعیت ارتباطی افراد باشد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های ارتباطی، دانشجویان، توانمندی، عوامل مؤثر



مطالعه تطبیقی عوامل موثر بر مدیریت مشارکت جامعه در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب

ویدا صادق زاده^۱، کتابون جهانگیری^۲، محمود محمودی مجدآبادی فراهانی^۳، ماه منیر محمدی^۴

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشیار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: k.jahangiri@sbm.ac.ir

^۳ استاد، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ استادیار، گروه قلب، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: برای پیشگیری از بیماری های عروق کرونر قلب استراتژی های مختلفی وجود دارد که یکی از این استراتژی ها، استراتژی جامعه محور است که مبتنی بر مشارکت جامعه است. هدف برنامه های مبتنی بر جامعه، ساختن پلی ارتباطی جهت کمک به افراد و جوامع به منظور غلبه بر موانع می باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر مدیریت مشارکت جامعه در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش به صورت توصیفی تطبیقی در ۱۱ کشور (استرالیا، آلمان، امریکا، ترکیه، ژاپن، سنگاپور، سوئد، فنلاند، کانادا، کره جنوبی و ایران) با معیار های مشخص انجام شد. بانک های اطلاعاتی شامل مدلاین، پاب مد، رزنت، الزویر و گوگل اسکولار با واژگان کلیدی "بیماری های عروق کرونر قلب، مدیریت مشارکت جامعه و کنترل همه گیری" می باشد. پس از مطالعه نظام مند این روش ها، پنج مولفه اصلی برای مطالعه، استخراج و بر اساس آن ها جداول مقایسه ای طراحی شد. تحلیل با استفاده از اطلاعات موجود در جداول مقایسه ای انجام گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در مجموع تعداد ۵ عامل بر مدیریت مشارکت مردم در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب موثر شناخته شدند که شامل سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هماهنگی و تامین مالی می باشند که از این عوامل، عامل سیاست گذاری بیش ترین و عامل هماهنگی کم ترین تاثیر را در مدیریت مشارکت مردم در کنترل همه گیری بیماری های عروق کرونر قلب دارند.

نتیجه گیری: توجه به ویژگی های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، مدیریت برنامه های مبارزه با بیماری های عروق کرونر قلب، با تکیه بر بسیج منابع و استراتژی های آموزشی بلند مدت در جامعه مهم تلقی شده و ضرورت برنامه ریزی های دقیق را با استفاده از رویکرد جامعه محور در پنج حیطه سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هماهنگی و تامین مالی مشخص می سازد.

واژگان کلیدی: بیماری های عروق کرونر قلب، کنترل همه گیری، مدیریت مشارکت جامعه، مطالعه تطبیقی



بررسی اپیدمیولوژی بیماری تب مالت در شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶

مصطفی صدری دلیک^۱، سعید تیموری^۲

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: تب مالت یکی از بیماریهای مشترک بین انسان و دام می باشد که به طو حاد و نیمه حاد و یا مزمن عارض می شود. این بیماری در حیوانات بیشتر باعث گرفتاری دستگاه تناسلی ادراری و در انسان معمولا موجب تب، تعریق، ضعف، بی حالی و یا کاهش وزن می گردد. انسان به طور عمده از طریق تماس با دام های آلوده، مصرف فرآورده های لبنی یا استنشاق آئروسول آلوده در محیط های دامی و کشتارگاهها به این بیماری مبتلا می گردد. این مطالعه به منظور یافتن خصوصیات اپیدمیولوژیک بیماری تب مالت در شهرستان کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد صورت گرفته است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی در خصوص اطلاعات پرونده های بیماران مبتلا به بیماری بروسلوز می باشد که طی سال ۱۳۹۶ به مراکز بهداشتی و درمانی شهرستان کهگیلویه ارجاع گردیده است. جهت آنالیز داده های آماری از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته ها: از جمعیت ۱۴۳۳۷۱ نفر در مجموع تعداد ۳۰ مورد بیماری تب مالت در سال ۱۳۹۶ گزارش شده است که ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن بوده و ۸۶/۶٪ بیماران ساکن روستا و ۱۳/۴٪ ساکن شهر می باشند. کمترین شیوع در فصل پائیز و ۴۰ درصد در فصل بهار و ۴۰ درصد در فصل تابستان مشاهده شده است. از نظر شغلی بالاترین فراوانی مربوط به دامداران با ۳۳/۳٪ و یک نفر دامپزشک و بقیه افراد در مشاغل کشاورزی و یا آزاد می باشند.

نتیجه گیری: بروز بیماری در ۸۰٪ موارد در پنج ماه ابتدای سال بوده است. همچنین بین شغل و تماس با دام ارتباط معناداری وجود دارد. بیماران عمدتا روستایی و از نظر سنی بیشتر در دهه سوم و چهارم عمر قرار دارند. انجام واکسیناسیون به موقع دام و رعایت بهداشت شیر و فرآورده های لبنی می تواند باعث کاهش وقوع بیماری در جامعه مورد مطالعه گردد.

واژگان کلیدی: اپیدمیولوژی، تب مالت، فصل، کهگیلویه



پیش بینی مقایسه ای نوزاد نارس با مدل های درخت تصمیم و شبکه عصبی مصنوعی

فاطمه رجعتی^۱، منصور رضایی^۲، نگین فخری^۳

^۱ استادیار آموزش بهداشت، گروه آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات عوامل محیطی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
^۲ استاد آمار زیستی، گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
^۳ کارشناس ارشد آمار زیستی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. ایمیل: n.fakhri94@yahoo.com

زمینه و هدف: نارس بودن نوزادان هنگام تولد از عوامل مهم تعیین کننده مرگ و میر نوزادی و مشکل بهداشتی حل نشده ای است که عواقب نامطلوب طولانی مدت برای سلامت نوزادان دارد. هدف پژوهش حاضر بینی زودرس نارس بودن نوزادان با استفاده از روش های آماری درخت تصمیم با الگوریتم CART و شبکه عصبی مصنوعی (ANN) و نیز مقایسه این مدل ها در پیش بینی نارس بودن نوزاد بود.

روش کار: در این مطالعه مقطعی پرونده ۲۸۶ زن باردار که در سال های ۹۱-۱۳۸۹ به مراکز بهداشتی در مانی شهر کرمانشاه مراجعه کرده بودند مورد بررسی قرار گرفت. ۱۶ متغیر از پرونده آنان جمع آوری شد. متغیرهای سن و تحصیلات مادر، رتبه تولد، فاصله از بارداری قبلی، چندقلویی جنین، قد، وزن، فشارخون و نتایج آزمایشات مادر به عنوان متغیرهای پیش بین و نارس بودن یا نبودن نوزاد به عنوان متغیر پاسخ در نظر گرفته شد. با به کار گیری نرم افزار SPSS نسخه ۲۳، مدل های داده کاوی الگوریتم CART و ANN از نوع پرسپترون به داده ها برازش شده و عملکرد آن ها با هم مقایسه گردید.

یافته ها: ۱۳۴ زن که نوزاد نارس و ۱۵۲ زن که نوزاد رسیده به دنیا آورده بودند بررسی شدند. پس از برازش مدل های الگوریتم CART و ANN مشاهده شد که مقدار تمام معیارهای ارزش تشخیصی در CART کمتر از ANN است. به ازای داده های مجموعه آزمایش، به ترتیب برای مدل های مذکور، صحت برابر ۰،۶۱ و ۰،۷۷، حساسیت ۰،۴۴ و ۰،۶۸، ویژگی ۰،۷۷ و ۰،۸۳ بود. برای کل مجموعه داده ها، سطح زیر منحنی ROC مدل CART برابر ۰،۷۴ محاسبه شد که کمتر از مدل ANN (۰،۷۷) بود.

نتیجه گیری: در پیش بینی نارس بودن نوزاد، مدل ANN دارای صحت، حساسیت، ویژگی و سطح زیر منحنی ROC بالاتری نسبت به الگوریتم CART بود. میتوان چنین گفت که مدل ANN نسبت به الگوریتم CART، عملکرد بهتری در پیش بینی نارس بودن نوزاد دارد.

کلمات کلیدی: نارس بودن نوزاد، شبکه عصبی مصنوعی، درخت تصمیم، صحت، حساسیت، ویژگی



شیوع افسردگی در زنان باردار و عوامل موثر بر آن در شهر خرم آباد

زهرا اسدی پیری^۱، رسول محمدی^۲، مریم زمانی محمدی^۱، کبری همتی عوض آبادی^۱

^۱ کارشناس، رشته بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان
^۲ دکترای اپیدمیولوژی، عضو هیات علمی گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی لرستان. ایمیل: Rasool.mehr2002@gmail.com

زمینه و هدف: بارداری یک دوره حاد در زندگی زنان است که سبب تغییرات هیجانی، جسمانی و اجتماعی زیادی می شود. همچنین تحقیقات نشان می دهد دوره بارداری زمانی است که بیشترین خطر برای بروز افسردگی وجود دارد. لذا هدف مطالعه حاضر تعیین شیوع افسردگی در زنان باردار و عوامل موثر بر آن در شهر خرم آباد بود.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی بوده، کلیه زنان باردار در هفته ی ۳۰-۲۶ بارداری مراجعه کنند به پایگاه و مراکز بهداشتی درمانی شهر خرم آباد در سال ۲۰۱۸ جامعه پژوهش بودند. حجم نمونه با توجه به نرخ باروری شهر خرم آباد طی شش ماه اول سال ۱۳۹۶ برآورده شده، نمونه ها به صورت تسهیم به نسبت و از بین مراکز جامع سلامت شهری و روستایی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها شامل دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه افسردگی بک بود. برای تحلیل داده های گردآوری شده از نرم افزار SPSS-۱۸ و آزمون آماری توصیفی و کای اسکور استفاده شد.

یافته ها: تعداد شرکت کنندگان در این مطالعه ۱۱۳ زن باردار با میانگین سنی و انحراف معیار $24/6 \pm 28/55$ بود. از نظر توزیع فراوانی در سطوح مختلف افسردگی ۴۳ نفر (۳۸/۱ درصد) از زنان باردار افسردگی شدید، ۶۳ نفر (۵۵/۸ درصد) افسردگی متوسط و ۷ نفر (۶/۲ درصد) در سطح افسردگی ضعیف قرار داشتند. بین سطح تحصیلات و سطوح افسردگی ارتباط معناداری مشاهده گردید ($P=0/009$)، اما بین سایر متغیرهای دموگرافیک (جنسیت نوزاد، رتبه ی بارداری، وضعیت اشتغال فرد، سابقه افسردگی، سابقه سقط، سابقه داشتن بیماری و سابقه مصرف دارو) و سطوح افسردگی رابطه ی معناداری مشاهده نگردید.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه به نظر می رسد که شیوع افسردگی در زنان باردار شهر خرم آباد در سطح نسبتاً بالایی می باشد لذا شایسته است مدیران سیستم های بهداشتی درمانی قبل از اینکه افسردگی این دوران زمینه ساز مشکلات بیشتری برای زنان باردار و نوزاد در آینده شود مداخلات لازم از جمله غربالگری پیش از بارداری و دوران بارداری جهت تشخیص افراد در معرض خطر اجرا گردد. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد داده می شود جهت کاهش افسردگی در دوران بارداری به طراحی و اجرای مداخلات روانشناختی بپردازند.

واژگان کلیدی: زنان باردار، افسردگی، شیوع، خرم آباد



تعیین فراوانی و علل مسمومیت در بیماران مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان های

شهر قم طی سالهای ۹۵-۹۶

فاطمه پور کاظمی^۱، عابدین ثقفی پور^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. ایمیل:

Fateme.kazemy@gmail.com

^۲ استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

زمینه و هدف: امروزه با توجه به افزایش تعداد و تنوع مواد شیمیایی وارد شده به چرخه زندگی بشر، مسمومیت ها یکی از مشکلات مهم اجتماعی در عصر حاضر محسوب می شوند. این مطالعه با هدف تعیین فراوانی علل مسمومیت در بیماران مراجعه کننده به بخش اورژانس بیمارستان های شهر قم در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵ صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی کاربردی بر روی ۲۸۰ نفر که با علایم مسمومیت به بیمارستانهای نکویی/فرقانی، کامکار، شهید بهشتی شهرستان قم در سال ۹۵-۹۶ مراجعه کرده بودند صورت گرفت. داده های این مطالعه از پرونده های بیماران استخراج گردید. این اطلاعات شامل سن، جنس، علت مسمومیت و موارد فوت شده می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS و آزمون کای اسکور انجام شد.

یافته ها: بیشترین سهم مسمومیت در سال به ترتیب متعلق به مسمومیت دارویی (۵۱٪) و غذایی (۳۸٪) بوده و در بین مردان اتفاق افتاده بود. در بین افراد مسموم با داروهای شیمیایی، بالاترین مسمومیت با داروی قرص ترامادول بوده است. مسمومیت ها به شدت تحت تاثیر تغییر فرهنگ و یا مواد در دسترس و در مجموع عوامل محیطی می باشند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این مطالعه، مسمومیت دارویی از بالاترین علل مسمومیت ها در این شهرستان بوده و توصیه می شود که سطح آگاهی و نگرش مردم درباره عوارض ناشی از مسمومیت ها، افزایش یابد. به نظر می رسد با کاهش دوز داروها، می توان مسمومیت ها را کاهش داد.

واژگان کلیدی: مسمومیت، اورژانس بیمارستان، قم

بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در یازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی در سال ۹۷

حوریه رحیمی نیا^۱، الهه رحیمی نیا^۲، رویا کریمی^۳، سحر بیات^۱، پریسا محسنی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: h.rahiminia@sbmu.ac.ir
^۲ دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مدیریت و آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: از آن جایی که آموزش و پژوهش های علوم پزشکی و موضوعات مرتبط با آن به سرعت در حال رشد و توسعه می باشند و هم چنین در ارتقاء دانش نقش به سزایی را ایفا می کنند. بنابراین برگزاری همایش ها و سمینارها با هدف توسعه پژوهش و رفع مشکلات آموزشی می باشند. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در یازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی در سال ۹۷ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۹۷ به روش نمونه گیری سرشماری که شامل کل مقالات موجود در کتاب خلاصه مقالات ارائه شده در یازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی انجام شد. سپس مقالات بر اساس نوع مطالعه طبقه بندی گردید و نتایج با استفاده از آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که از تعداد کل مقالات چاپ شده در خلاصه مقالات بیشترین فراوانی مربوط به مقالات با مطالعات توصیفی ۵۱/۸٪ و بعد از آن به ترتیب مقالات مروری ۲۹/۵٪، مقالات مداخله ای ۱۲/۶٪، مقالات تحلیلی ۴/۸٪ و مقالات کیفی ۱/۹٪ می باشد.

نتیجه گیری: طبق نتایج مطالعه حاضر اکثر مطالعات همایش مذکور مربوط به مطالعات توصیفی بود. از آن جایی که مقالات در زمینه های مختلف علمی پژوهشی اطلاعات فراوانی را در اختیار دانش پژوهان قرار می دهند. بنابراین به نظر می رسد بهتر است که پژوهشگران و دانشجویان را در انجام پژوهش در راستای ارتقاء سایر مطالعات نظیر مطالعات کیفی و مداخله ای در زمینه های علوم پزشکی سوق داد.

واژگان کلیدی: متدولوژی، مقالات، دانشجویان



تفاوت تحقیق کیفی و کمی با نگاهی عمیق

الهه رحیمی نیا^۱، حوریه رحیمی نیا^۲

^۱ دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده مدیریت و آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: rahiminia@sbmu.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: اگرچه بین دو رویکرد کمی و کیفی تفاوت های آشکاری وجود دارد، اما برخی پژوهشگران معتقدند انتخاب یکی از این دو رویکرد بیشتر از آن که بستگی به روش شناسی پژوهش داشته باشد، وابسته به اصول خاص یا سنت های پژوهشی است. لذا داشتن آگاهی کامل و واضح از این دو رویکرد پژوهشی به طور عمیق به پژوهشگران در انتخاب رویکرد مناسب بسیار کمک کننده است، از این رو مطالعه حاضر با هدف کمک به محققین جوان و به ویژه دانشجویان در شناسایی و تفاوت تحقیق کیفی و کمی با نگاهی عمیق بر مطالعات صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که با مرور متون و استخراج اطلاعات بر اساس جستجوی نظام مند و اختصاصی با استفاده از کلمات کلیدی Qualitative research, Quantitative Research, Qualitative vs Quantitative Research و جستجو در پایگاه های اینترنتی ISI, ISC, Elsevier, Scopus, ERIC, Google Scholar صورت گرفت.

یافته ها: طبق نتایج مطالعات کیفی رویکرد طبیعت گرایانه داشته در حالی که مطالعات کمی رویکرد پوزیتیویسم دارد، در این مطالعه این دو پژوهش از نظر نوع رویکرد، وضعیت و نحوه آنالیز، تعمیم پذیری، ساختار بندی، ارزش ها، نوع سوالات، فرمت داده ها و نحوه جمع آوری داده ها و سایر موارد به طور عمیق مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند.

نتیجه گیری: در اصل روش های کیفی مقصود مشترکی با روش های کمی دارند، یعنی جمع آوری اطلاعاتی که پایه ای برای فکر و اقدام بیشتر فراهم خواهند آورد. با این وجود، ساختارهای آن ها متفاوت می باشند. لذا پیشنهاد می گردد تا محققین قبل از انجام هر گونه پژوهش از هر دو نوع روش کیفی و کمی آگاهی یابند.

واژگان کلیدی: تحقیق کمی، تحقیق کیفی، پژوهش

بررسی میزان آگاهی و نگرش مادران در رابطه با سوانح و حوادث کودکان زیر پنج سال

در شهر اراک

سحر بیات^۱، حوریه رحیمی نیا^۱، پریسا محسنی^۱، الهه رحیمی نیا^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اپیدمیولوژی، کمیته پژوهشی دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
ایمیل: bayatSahar170@yahoo.com
^۲ دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: امروزه در تمامی جوامع، کودکان از آسیب پذیرترین افراد در برابر حوادث هستند، ارتقای سلامت کودکان از مهم ترین شاخص های سطح سلامت یک جامعه بوده و پیش گیری از وقوع حادثه در کودکان، مستلزم رعایت نکات ایمنی است. با توجه به حس فوریت جدی در جهت پیشرفت کاهش میزان مرگ و میر کودکان بر آن شدیم تا سطح آگاهی و نگرش مادران را در رابطه با سوانح و حوادث کودکان زیر پنج سال مورد بررسی قرار دهیم.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی در سال ۹۶ به روش نمونه گیری تصادفی بر روی ۱۲۰ نفر از مادران دارای کودک زیر ۵ سال مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک انجام شد. از بین مراکز بهداشتی درمانی اراک ۳ مرکز به صورت تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه تنظیم شده بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی دارای سه بخش شامل «جمعیت شناسی»، «سوالات آگاهی» و «سوالات نگرش» بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون تی تست، آزمون ANOVA و نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سنی مادران $29 \pm 4/91$ سال که اکثر مادران (۸۲٫۵٪) خانه دار بودند. بین آگاهی مادران و جنسیت فرزندان ($P= 0/02$)، بین آگاهی مادران و میزان تحصیلات مادران ($P= 0/01$)، بین نگرش و شغل مادر ($P= 0/04$) رابطه معنی داری وجود داشت.

نتیجه گیری: طبق نتایج مطالعه حاضر به عنوان یکی از والدین مادران مهم ترین نقش را در حفظ سلامت کودکان ایفا می کنند به منظور مراقبت هر چه بهتر از کودکان و کاهش مرگ و میر تلاش می شود تا با دادن آگاهی های لازم و ضروری در این زمینه به مادران آنان را به مراقبت هر چه بهتر از کودکان خود ترغیب نماییم. لذا توجه به آموزش مادران در این خصوص می تواند زمینه مناسبی را در جهت توانمندسازی آنان در جهت پیش گیری از این مشکلات ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: آگاهی، نگرش، سوانح و حوادث، مادران



بررسی وضعیت اپیدمیولوژیک بیماری هایپوتیروئیدی در زنان باردار شهرستان خوانسار، استان اصفهان

علیرضا سلحشوری^۱، ابوالقاسم شکری^۱، حمید غیبی پور^۲

^۱ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: epidemiology.shokri@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدل سازی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران.

زمینه و هدف: اختلال عملکرد تیروئید پس از دیابت شایع ترین اختلال غدد درون ریز در دوران بارداری است و ممکن است باعث پیامدهای مضر برای مادر و جنین گردد و به سبب تاثیر قوی که بر زنان در سنین باروری دارد باعث شده است که ارزیابی عملکرد تیروئید در دوران بارداری امری مهم و شایع باشد.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که به منظور بررسی اپیدمیولوژیک بیماری هایپوتیروئید در سال ۱۳۹۶ بر روی ۲۷۰ مادر باردار تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان خوانسار انجام گردید. جمع آوری داده ها با استفاده از چک لیست صورت گرفت و کلیه داده ها بوسیله نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی (انحراف معیار) شرکت کنندگان در این مطالعه $29/10 \pm 0/33$ سال بود که ۲۵/۲۰ درصد آنها (۶۸ نفر) دچار کم کاری تیروئید بودند. میانگین قند خون ناشتا $80/68 \pm 0/44$ میلی گرم در دسی لیتر بوده است، ۲۴/۸۰ درصد سابقه مصرف داروی لئوتیروکسین را داشته اند. سابقه مرده زایی و سقط جنین در ۱۳/۰۰ درصد موارد گزارش گردید. همچنین ۵۳/۷۰ درصد آنها دارای TSH کمتر از $2/50$ mIU/L، ۳۴/۸۰ درصد دارای TSH بین $2/50$ تا 4 mIU/L بوده و ۱۱/۵۰ درصد دارای TSH بالاتر از 4 mIU/L بوده اند. در مطالعه حاضر بین متغیر قند خون و ابتلا به بیماری هایپوتیروئید رابطه آماری معنی دار مشاهده گردید ($p=0/024$).

نتیجه گیری: در این مطالعه نشان داده شد که شیوع هایپوتیروئید در مادران باردار شهرستان خوانسار بالاست که لزوم توجه به پیشگیری، غربالگری و درمان به موقع این بیماری و همچنین توجه جدی به سلامت مادران باردار ضروری است لذا پیشنهاد می شود در خصوص علت افزایش شیوع این بیماری مطالعات طولی و آینده نگر صورت گیرد.

واژگان کلیدی: هایپوتیروئید، هورمون TSH، زنان باردار، شهرستان خوانسار

بررسی تاثیر متفورمین در میزان بهبودی عوارض سکته مغزی ایسکمیک

وحید عباسی^۱، فیروز امانی^۱، رقیه اصلانیان^۱

^۱ استادیار گروه نورولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

^۲ دانشیار گروه نورولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل. ایمیل: f.amani@arums.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد بیوشیمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

زمینه و هدف: استروک، سومین علت شایع مرگ در ایالات متحده و شایعترین بیماری ناتوان کننده نورولوژیک است. سالانه حدود ۷۵۰۰۰۰ سکته مغزی در ایالات متحده رخ می دهد که حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر از آنها در نتیجه این عارضه فوت می کنند. بروز سکته مغزی با بالا رفتن سن افزایش می یابد. با توجه به اثرات محافظت کننده متفورمین در پیشگیری از آسیب های ثانویه و تحقیقت اندک در این زمینه، هدف از این کارآزمایی بالینی تصادفی دوسوکور، بررسی تاثیر متفورمین در بهبود عوارض سکته مغزی ایسکمیک می باشد.

روش کار: در این مطالعه، ۱۰۰ بیمار مبتلا به سکته مغزی ایسکمیک وارد مطالعه شده و به صورت تصادفی به دو گروه A و B تقسیم شدند. شرایط ورود به مطالعه برخوردار از علائم موضعی عصبی و شرایط خروج از مطالعه شامل خونریزی داخل مغزی، خونریزی ساب آراکنوئید (SAH)، خونریزی ساب دورا (SDH)؛ هایپوگلاسمی، کنتراندیکاسیون مصرف متفورمین، ابتلا به دیابت، ترومبوز سینوس وریدی و مشاهده عوارض دارویی بود. از مقیاس NIHSS (National Institutes Of Health Stroke Scale) برای ارزیابی تظاهرات بالینی سکته مغزی ایسکمیک استفاده شد. دو گروه به مدت ۳ ماه پیگیری شدند. متفورمین ۵۰۰ میلی گرم بصورت دو بار در روز به مدت هفت روز برای گروه A و دارونما به مدت هفت روز برای گروه B تجویز شد. قند خون بیماران هر ۶ ساعت بررسی شد تا در صورت مشاهده هرگونه عوارض، بیمار از روند مطالعه خارج شود. قبل از شروع مداخله، پرسشنامه NIHSS تکمیل گردید سپس به ترتیب یک روز، سه روز، هفت روز، یک ماه، دو ماه و سه ماه پس از مداخله پیگیری شدند.

یافته ها: در مطالعه حاضر با توجه به اثر حفاظت عصبی ثابت شده متفورمین، مصرف آن در کاهش عوارض بالینی بیماران غیردیابتی دچار سکته مغزی نقش داشت. با توجه به آنالیز داده های بدست آمده مصرف متفورمین با کاهش عوارض بالینی بیماران سکته مغزی ایسکمیک کورتیکال همراه بود. در سکته مغزی کورتیکال روزهای اول، سوم و هفتم بررسی اختلاف ظهور عوارض بالینی در بین دو گروه مورد و شاهد معنی دار نبود. ولی طی ماه اول، دوم و سوم اختلافی معنی دار از لحاظ آماری بین ظهور عوارض بالینی در دو گروه مورد و شاهد مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان می دهند که مصرف متفورمین موجب تخفیف شدت علائم و تسریع بهبودی و عملکرد بیماران دچار سکته مغزی ایسکمیک کورتیکال بعد از ماههای اول و دوم و سوم می شود. از این رو انجام تحقیقات تکمیلی در خصوص استفاده از متفورمین در بیماران دچار سکته مغزی توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: متفورمین، بهبودی، عوارض، سکته مغزی



میزان بروز بتا تالاسمی ماژور و علت آن در شهرستان کرمان طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶

عصمت رضاییگی داورانی^۱، نرگس خانجانی^۲، فاطمه محسنی تکلوی^۳، مریم رضاییگی داورانی^۴، سلیمان

دانشی^۵

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
^۲ دانشیار، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
^۳ پزشک مرکز مشاوره ژنتیک، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
^۴ دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
^۵ کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدل سازی در سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
 ایمیل: salman_epidemy@yahoo.com

زمینه و هدف: بتا تالاسمی یک نوع کم خونی ارثی اتوزومال مغلوب و شایع ترین اختلال ژنتیکی در ایران است. پیشگیری از بروز این بیماری، یکی از مهم ترین برنامه ها در نظام سلامت کشور است. هدف این مطالعه تعیین میزان بروز بتا تالاسمی ماژور و بررسی علت آن در شهرستان کرمان طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ بود.

روش کار: در این مطالعه توصیفی، همه بیماران بتا تالاسمی که طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ متولد شده بودند مشارکت داده شدند. اطلاعات بیماران از فرم کشوری بررسی اپیدمیولوژیک موارد بروز بیماریهای ژنتیک که از طریق مصاحبه حضوری با والدین بیمار و اطلاعات موجود در پرونده های ژنتیک، بهداشتی خانوار و درمان بیماران تکمیل شده بود، استخراج گردید.

یافته ها: میزان بروز تالاسمی ماژور ۰/۷۹ در ده هزار تولد زنده بود، که از میزان بروز کشوری (۱ در ۱۰۰۰۰ تولد زنده) کمتر است. از ۸ بیمار متولد شده، ۳ مورد (۳۷/۵٪) حاصل ازدواج زوجینی بودند که قبل از اجرای برنامه غربالگری ازدواج کرده بودند و از ناقل بودن خود بی اطلاع بودند. ۲ مورد (۲۵٪) جهش غیر همسان و ۱ مورد (۱۲/۵٪) با علت ناشناخته (عدم همکاری جهت تعیین نوع جهش ژن بعد از تولد کودک بیمار) بود. عدم همکاری در ۲ زوج (عدم سقط جنین مبتلا به تالاسمی و عدم انجام تشخیص قبل از تولد در زمان بارداری) از دیگر موارد علت بروز بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مهمترین علت بروز بیماری، عدم شناسایی زوجین ناقل تالاسمی ازدواج کرده قبل از شروع برنامه غربالگری مطرح شد، لذا تقویت تیم مراقبت، همکاری متخصصین زنان و ماماهاى بخش خصوصی در شناسایی زنان باردار مشکوک به تالاسمی مینور در هفته های اول بارداری و ارجاع آنها به مرکز مشاوره ژنتیک برای پیشگیری از بروز بتا تالاسمی ضروری است.

واژگان کلیدی: بروز، بتا تالاسمی ماژور، علت، کرمان



The effect of genetic counseling and health care in reducing the incidence of major beta- thalassemia in Kerman County in 2017

Esmat Rezabeigi Davarani ¹, Narges Khanjani ², Maryam Rezabeigi Davarani ³, Salman Daneshi ⁴

¹ PhD Student, Health Services Management Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences

² Associate Professor, Department of Epidemiology & Bio statistics, School of Health, Kerman University of Medical Sciences

³ PhD Student, Faculty of Psychology & Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University of Tehran

⁴ MSc, Modeling in Health Research Center, Institute for Future Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences. Email: salman_epidemy@yahoo.com

Background and Aim: Beta-thalassemia is the most common hereditary disease in Iran. The prevention and control program of major beta-thalassemia is one of the most important preventive programs in the health system. The aim of this study was to evaluate the effect of genetic counseling, and routine health care among thalassemia carrier couples in reducing the incidence of major beta-thalassemia in Kerman County, in 2017.

Methods: This was an outcome study. Data were collected by using the information recorded data in the follow up forms of thalassemia carrier couples covered by Kerman County Health Center, in 2017. In accordance with the country instruction, thalassemia carrier couples are follow up and provided health care during their years of fertility, by the health care team. These couples are first referred to selected genetic diagnostic laboratories to determine the type of gene mutation. Then, during the 10th to 14th weeks of pregnancy, chorionic villus sampling (CVS) is done. If the embryo had major beta-thalassemia, the couples will be advised for abortion.

Results: Until the end of the year 2017, 260 thalassemia carrier couples were registered in health center. 200 couples (76.9%) were sent to determine the type of gene mutation. 52 women were pregnant, in which 47 (90.3%) women performed CVS, 2 Couples (3.8%) did not cooperate to do CVS, and 3 fetuses (5.9%) were aborted for other causes before 10 weeks. After CVS, 7 fetuses (14.9%) were diagnosed with major beta- thalassemia and the rest were healthy or carriers (85.1). After counseling, all embryos with major beta- thalassemia were aborted.

Conclusion: The results showed that genetic counseling, health care, and follow up of thalassemia carrier couples has been effective in reducing the incidence of thalassemia major. It is essential to inform carrier couples about pre-natal diagnosis and prevent the birth major beta- thalassemia cases.

Keywords: *counseling, health care, thalassemia, couples, incidence*



Prevalence of Obesity and Overweight in Iranian Children under 5 Years: A Systematic Review and Meta-analysis

Yousef Moradi ¹, Sara Naderpour ¹

¹ Student Research Committee, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: Saranaderpour@gmail.com

Background and Aim: The aim of this research was to determine the prevalence of childhood obesity and Overweight in Iranian children under 5 years, using systematic review and meta-analysis.

Methods: This was a systematic review and meta-analysis study. All original studies were searched from electronic scientific databases including Medline (PubMed), Web of sciences, Google scholar, Scopus, CINHALL and the Iranian databases consist of SID (Scientific Information Database, www.sid.ir), Irandoc (Iranian Research Institute for information Science and Technology, Irandoc.ac.ir), Iranmedex (www.iranmedex.com), and Magiran (www.magiran.com) from January 1989 to August 2017. We employed random effect model to generate a pooled prevalence. The reported prevalence is presented as percent and 95% confidence interval (CI). Sources of heterogeneity among the studies were determined using subgroup analysis and meta-regression.

Results: Finally, 6 studies from different settings remained for meta-analysis in order to have a pooled prevalence estimate, which prevalence of total obesity and overweight was 8 % (95% CI 6 – 10) and 9 % (95% CI 7 – 11). Subgroup analysis for gender showed that the prevalence of obesity in boy and girls children were 9% (95% CI 6 – 13) and 7% (95% CI 4 – 10), respectively. Also pooled prevalence of overweight in boy and girls' children were 10% (95% CI 5 – 15) and 9% (95% CI 5 – 13), respectively.

Conclusion: The prevalence of obesity and overweight was higher among children younger than 5 years in Iran, but was high heterogeneity among the results of included studies. Therefore, it seems further studies are needed to substantiate the cause of the high prevalence.

Keywords: *Prevalence, Overweight, Obesity, Children under 5 years, Meta-analysis*

Quality of life in Elderly Iranian population, an umbrella systematic literature review

Elahe Jafari¹ Reza Jabbarbeigi²

¹ Msc Student in Epidemiology, Public Health School, Iran University of Medical Sciences

² Msc student in Health Services Management, Public Health School, Qazvin University of Medical Sciences.
Email: Reza.RJ.1993@gmail.com

Background and Aim: The world population is getting old rapidly aging population is the new phenomenon in Iran too. Iran is one of the developing countries, which in the recent years, has seen a growing increase in the number of elderly together with declining fertility rates. In particular, the proportion of elderly population has significantly increased from 7.22% in 2006 to 8.20% in 2011, and, according to further increase to 10.5% within 2025 and to 21.7% within 2050.

Methods: A search using MagIran, Iran doc, PubMed, Cochrane Library and Scopus was conducted using the following strategy: 'Iranian Elderly And Health-related of quality of life or Quality of life (Meta-analysis or systematic review).

Results: Seven systematic reviews investigated the quality of life in Iranian Elderly population of six meta-analyses reported. That health-related quality of life (QOL) decreased within increasing age. QOL was worse in women than in men, especially in physical-role and general health scales. Elderly people who lived in their own home and elder Iranian individuals is generally low. A significant reverse association between receiving social support (SS) and functional status was described in Iran. It may be difficult for older people to remember how often they received different types of SS in the last year. One of seven meta-analyses reported that given that QOL of elderly was almost at an average level.

Overaly studies believed Quality of life and Health Quality of life were low in Iranian Elderly population.

Conclusion: Healthy policy makers should design comprehensive programmes to improve Health-related QOL for the Iranian elderly population and should put HRQOL among elderly as priority of their agenda, providing social, economic and sychological support, as well as increasing the participation of old people in the community life and use their experiences.

Keywords: *Iranian Elderly, population, Health-related of quality of life, Quality of life, Meta-analysis, systematic review*



The relationship between Internet addiction and depression: A mini-review

Sama RostamMarouf¹

¹ Msc in Epidemiology, public health school, ShahidBeheshti University of Medical Sciences. Email: Sama.rmaruf@gmail.com

Background and Aim: One of the most important features of the advanced society is the use of the Internet in all aspects of life. Increasing use of Internet brings some problems such as Addiction to The internet. The objective of this study was to review of the association between internet addiction and depression in students.

Methods: This paper is a systematic review that we propose an overview of the internet addiction and its relationship with depression in students. Searches were conducted across electronic data bases (PubMed, SID, Google-scholar and Proquest) and by limiting studies to the last 5 years in both Persian and English, and articles with full text.

Results: According to studies, the relationship between Internet addiction and depression has been reported among adults, adolescents and students. However, the overall rate of addiction to Internet usage among students is higher than that of the general population and adolescents. The rates of depression and anxiety and stress in people who had an Internet addiction were higher than others. The effects of Internet addiction among adolescents include anxiety, depression, mood disorders, low self-esteem, impulsivity, suicide, low levels of physical activity and related health problems such as migraine, back pain, obesity. Meanwhile, depression shows the strongest link with Internet addiction. Some studies indicate that depression can lead people to use problematic use of internet. People with depression are dissociable and like to communicate indirectly with other by internet.

Conclusion: According to the findings, depression is important factor for Internet Addiction, So coping strategies are important factors to developing intervention programs and it should be targeted for effective cognitive behavioral therapy in people with Internet addiction.

Keywords: *Internet addiction, depression, coping strategies, students, mini-review*



The incidence of Minor β -thalassemia among Individuals participated in Premarital Screening Program in Ardabil province: North-west of Iran

Afshin Fathi¹, Firouz Amani²

¹ Assistant prof in pediatrics. Ardabil university of medical science. Ardabil. Iran

² Associate prof in biostatistics. Department of Pediatrics, Ardabil university of medical science. Ardabil. Iran.
Email: f.amani@arums.ac.ir

Background and Aim: The most effective way to prevent thalassemia is to screen for the disease at the population level and then to evaluate the molecularity of individuals. Considering the importance of minor β -thalassemia and its high prevalence in societies, the aim of this study was to investigate the prevalence of minor β -thalassemia in Individuals Referred to Genetic Laboratories in Ardabil province based RBC indices.

Methods: This descriptive cross-sectional study was conducted on 39620 individuals participated in the national screening program for Minor β -Thalassemia. Of them 1925 cases had mean corpuscular volume (MCV) < 80 in one person or couple which referred to HbA2 concentration check.

Results: Of all 1925 cases, 95 cases (4.93%) had HbA2>3.5 and defined as Minor β -Thalassemia. The total incidence of minor β -thalassemia among all participated people was 2.4%. Of thalassemia cases 48.4% were women and 51.6% were men. Of all β -thalassemia cases, 49.5% live in Ardabil city and rest of them live in other cities.

Conclusion: Results showed that the prevalence of minor β -thalassemia in Ardabil province was lower than country average rate and a study should be done in future for exact estimation of the disease.

Keywords: *Minor β -Thalassemia, Screening, MCH, MCV, Ardabil*

Rabies in Iran: A review

Faham Khamesipour^{1,2}, Aylin Samouie³

¹ Student research committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

² Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Background and Aim: Rabies is one of the neglected zoonotic and fully vaccine preventable viral disease with an approaching (100%) case fatality rate. The disease is commonly transmitted through the bite of rabid animals. Rabies is caused by a Lyssavirus (Rhabdoviridae) that infects the nervous system and salivary glands.

Methods: This article was conducted to explore the total number of deaths per year from dog-transmitted rabies in Iran for the period 2010 to 2014. The data extracted from the World Health Organization (WHO) website. The number of deaths cases was calculated in clinically diagnosed and laboratory confirmed cases.

Results: Maximum number of human rabies deaths were reported in 2011 (eight deaths). In 2010 and 2014, four human rabies deaths were reported. In 2012 and 2013, human rabies deaths were six and five, respectively.

Conclusion: Reinforcement of the rabies surveillance is needed to strengthened national, regional and global reporting system to control and eliminate the disease. Therefore, further studies are recommended to report the exact epidemiological data of rabies in community set up.

Keywords: *Iran, Death rate, Rabies*





بهداشت حرفه ای و ایمنی کار





پوستر برتر

بررسی اختلالات تیروئیدی در میان شاغلین کارخانه تولیدکننده آفت کش های ارگانوفسفره در

سال ۱۳۹۷

محمد امین رشیدی^۱، حسن اصیلیان مهابادی^۲، علی خوانین^۲، محمدرضا پیران عقل^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل: asilian_h@modares.ac.ir

زمینه و هدف: یکی از عمده ترین و رایج ترین حشره کش ها، ترکیبات ارگانوفسفره می باشد. اختلال در عملکرد غدد درون ریز از مهم ترین اثرات مواجهه با سموم ارگانوفسفره محسوب می شود. سموم ارگانوفسفره از طریق تاثیر بر قسمت های مختلف محور هیپوتالاموس-هیپوفیز- تیروئید باعث اختلال در هورمون های تیروئیدی می شوند. لذا هدف از مطالعه حاضر تعیین اختلالات تیروئیدی در میان شاغلین کارخانه تولیدکننده آفت کش های ارگانوفسفره است.

روش کار: این مطالعه توصیفی- تحلیلی به صورت مقطعی بر روی کارگران شاغل در کارخانه به عنوان گروه مواجهه یافته و پرسنل قسمت اداری همان کارخانه به عنوان گروه شاهد انجام شد. جامعه مورد مطالعه، جنس مذکر شاغل در کارخانه بوده و تعداد نمونه در هر دو گروه بر اساس روش سرشماری انتخاب گردید. طبق بیانیه هلسینکی، مقدار ۵ میلی لیتر خون وریدی جمع آوری شد و سرانجام فعالیت هورمون های T_3 ، T_4 ، FT_3 ، FT_4 و TSH به روش کمی لومینسانس ایمنونواسی (CLIA) اندازه گیری گردید. در نهایت تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ همچنین آمار توصیفی و آزمون های آماری تی تست و آنالیز واریانس یک طرفه صورت گرفت.

یافته ها: آزمون تی تست نشان داد که اختلاف معنی دار آماری در میانگین فعالیت هورمون های T_3 ، T_4 ، TSH و FT_3 و FT_4 بین دو گروه مواجهه یافته و شاهد وجود نداشت ($p > 0.05$) هر چند که فعالیت هورمون های T_3 ، T_4 ، FT_3 و FT_4 در گروه مواجهه یافته پایین تر از گروه شاهد و فعالیت هورمون TSH بالاتر از گروه شاهد بود. آزمون آنالیز واریانس نشان داد که در گروه مواجهه یافته بین میانگین فعالیت هورمون FT_3 با گروه های سنی و سابقه کاری اختلاف معنی دار آماری وجود داشت ($p < 0.05$). طبق نتایج آزمون تی تست در افراد سیگاری، میانگین فعالیت هورمون FT_3 بین دو گروه مواجهه یافته و شاهد به ترتیب 0.38 ± 0.06 و 0.98 ± 0.32 به دست آمد که این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: کارگران مرد شاغل در کارخانجات تولیدی سموم ارگانوفسفره دچار اختلالات تیروئیدی نیستند اما نسبت به افراد سالم احتمال بیشتری برای ابتلا به هیپوتیروئیدسم (کم کاری تیروئید) دارند.

واژگان کلیدی: آفت کش، حشره کش های ارگانوفسفره، هیپوتیروئیدسم، غده تیروئید



تأثیر افزایش سن و اضافه وزن بر شاخص های زیست حرکتی و عوامل خطرزای قلبی- عروقی آتش نشانان

آمنه مرزبان^۱، سعیده طاهرزاده^۲، نگار فانی^۳، ابوذر انصاری^۱، وحید رحمانیان^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۴ مرکز تحقیقات مؤلفه های اجتماعی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران. ایمیل: vahid.rahmani1392@gmail.com

زمینه و هدف: آتش نشانی در زمره طاقت فرساترین و خطرناکترین مشاغل است به طوری که ۹۶ درصد مرگ‌های در حال خدمت آتش نشانان در افراد بالای ۴۰ سال گزارش شده است. هدف از این مطالعه تعیین تأثیر افزایش سن و اضافه وزن بر شاخص‌های زیست حرکتی و عوامل خطرزای قلبی- عروقی سه گروه سنی آتش نشانان یزد بود.

روش کار: در این تحقیق ۱۵۰ آتش نشان از ۱۱ ایستگاه آتش نشانی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای- تصادفی ساده انتخاب شدند و در سه گروه سنی اول: ۲۵-۳۴، دوم: ۳۵-۴۴ و سوم: ۴۵-۵۴ سال تقسیم شدند. پس از اندازه‌گیری ابعاد بدنی؛ توان هوازی، بی‌هوازی، قدرت انفجاری، استقامت عضلانی، چابکی عمومی و قدرت گریپ دست به عنوان شاخص‌های زیست حرکتی و TG؛ TC؛ HDL-c؛ LDL-c؛ شاخص‌های آتروژنیک نمونه‌های خونی به عنوان عوامل پیش بینی کننده خطرزای قلبی- عروقی سنجش شد. جهت آنالیز داده‌ها از آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین شاخص‌های زیست حرکتی و عوامل خطرزای قلبی- عروقی در سه گروه سنی اختلاف معنی‌داری داشت ($P < 0.05$). به عبارت دیگر، شاخص‌های زیست حرکتی و عوامل خطرزای قلبی- عروقی در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال نسبت به دو گروه دیگر وضعیت مطلوب‌تری داشت.

نتیجه‌گیری: مطالعه نشان داد که رابطه معکوسی بین افزایش سن با فاکتورهای زیست حرکتی وجود دارد. به طوری که وضعیت جسمانی گروه‌های سنی بالاتر ضعیف‌تر از افراد کم سن‌تر می‌باشد.

واژگان کلیدی: افزایش سن، اضافه وزن، شاخص‌های زیست حرکتی، عوامل خطرزای قلبی- عروقی، آتش نشانان

مرور، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حادثه پلاسکو در سال ۱۳۹۵

فائزه فروتن^۱، سید حجت موسوی کردمیری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ایمیل: faezehfortan@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: بررسی و تحقیق در زمینه حریق و انفجارات، ترکیبی از تجربه، علم و تکنولوژی را می طلبد. آنالیز اطلاعات، پیدا کردن علت و انتشار آن باید به دور از هرگونه پیش داوری و تعصب صورت گیرد و حقیقت را بیان کند. اقدام اول در علت یابی آتش سوزی و انفجار مشخص نمودن عامل یا عوامل آتش و انفجار و کانون ایجاد آن می باشد، سپس باید پارامترهای دیگر مثل شرایط محیطی، موقعیت محل و آیتم هایی که امکان قرار دادن سه عامل مثلث حریق یعنی منبع جرقه زن حرارت، سوخت و اکسیژن را در کنار هم قرار می دهد، توجه کرد.

روش کار: در ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵ ساختمان ۱۵ طبقه پلاسکو، یکی از نمادهای توسعه شهر تهران در حدود ساعت ۸:۰۰ صبح طعمه آتش گردید. بعد از حدود ۳ ساعت عملیات اطفاء حریق توسط آتش نشانان، سازمان آتش نشانی اعلام کرد آتش سوزی اطفاء گردیده است. سپس در ساعت ۱۱:۲۰ صبح یک رشته انفجارات در ساختمان گزارش شد. ظرف چند دقیقه بعد از اولین انفجار ساختمان مجدداً درگیر حریق گردید و ظرف مدت ۱۵ ثانیه کل ساختمان آوار شد.

یافته ها: سازه ساختمان پلاسکو از نوع اسکلت فلزی بوده و ضد حریق (fire proof) نیز نشده بود، به عبارت دیگر حرارت ناشی از حریق به راحتی به اسکلت فلزی منتقل شده است. حریق اصلی در ساختمان پلاسکو از نوع سلولزی بوده است (یعنی حریق ناشی از پارچه، چوب و ... و به طور کلی حریق غیر نفتی). در مدت زمان حریق (حدود ۳ ساعت) و با ایجاد دمای 1000°C مقاومت اسکلت فلزی ساختمان پلاسکو کاملاً تحلیل رفته است، به طوری که قادر به تحمل وزن طبقات بالائی نبوده است. در این دمای بسیار زیاد، سازه ی موجود علاوه بر تحمل نیروی وزن طبقات فوقانی باید نیروهای ناشی از انبساط حرارتی ستونهای عمودی و تیرهای افقی را نیز تحمل کند. اما چون سازه دچار افت مقاومت بسیار بالائی شده است، استقامت خود را از دست می دهد.

نتیجه گیری: نحوه مدیریت حوادث غیرمترقبه در پایتختی که دچار انواع التهاب های شهری است، نشان میدهد که تهران آمادگی مقابله با بحران راندارد. ایمنی شهر باید متولی واحد داشته باشند. عدم وجود امکانات کافی برای اطفاء حریق به نظر میرسد سازمانها باید اقدام به تجهیز، نوسازی و به روز کردن آتشنشانی ها کنند تا در صورت وقوع چنین حوادثی شاهد کمترین آسیب باشیم.

واژگان کلیدی: آتش سوزی، ساختمان پلاسکو، حوادث غیرمترقبه



مرور، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حادثه آتش سوزی پتروشیمی بوعلی ماهشهر در سال

۱۳۹۵

فائزه فروتن^۱، سید حجت موسوی کردمیری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ایمیل: faezehfortan@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

زمینه و هدف: در واحدهای پالایشگاهی و پتروشیمی به دلیل شرایط فرآیندی و عملیاتی خاص، پتانسیل قابل ملاحظه‌ای از بروز حوادث وجود دارد که حادثه آتش سوزی پتروشیمی بوعلی سینا واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در ماهشهر نمونه بارزی از این نوع حوادث است. دلایل بروز حوادث در صنایع مذکور، تنوع زیادی ندارد و اکثر این حوادث از نوع نشتی، ایجاد ابر گازی و انفجار می باشد. به منظور جلوگیری از بروز حوادث مشابه، تجزیه و تحلیل به موقع حوادث، انجام اقدامات اصلاحی لازم، اتخاذ تدابیر ایمنی و فرآیند مدیریت دانش باید مورد توجه قرار گیرد.

روش کار: ۳ مخزن در بوعلی به فاصله ۲۰۰ متر از هم قرار داشتند. حریق مخزن A جزئی بود که اطفاء شد اما مخزن C که دورترین مخزن بود به کل از بین رفت و بیشترین خسارت را وارد کرد. علل رخداد حادثه: عدم توجه به مفهوم مدیریت تغییر، تغییر شیرهای موتور به گیربکس های دستی بدون توجه به تغییر در ماهیت ریسکها، عدم تغییر در روشهای اجرایی و دستورالعمل های کاری. علت آتش سوزی نشتی گاز در مخزن ۸۰۰۱ این واحد پتروشیمی اعلام شد. به دنبال این آتش سوزی تخلیه اضطراری پتروشیمی بندرامام و پتروشیمی تندگویان در دستور کار مسئولان قرار گرفت و روند مهار آتش پس از ۳ روز انجام شد.

یافته ها: بررسی های به عمل آمده نشان داد که فاکتورهای عدم رعایت برنامه ریزی تعمیرات دوره ای تجهیزات به منظور رفع اصولی عیوب کارکردی پمپهای A 8001، B و C، عدم عملکرد صحیح شیرهای قطع جریان ورودی و خروجی پمپ های مذکور، غیر استاندارد بودن عملیات ایزولاسیون ورودی و خروجی پمپ های مذکور ناشی از سهل انگاری و بی انگیزگی کاری و بکارگیری روشهای تعمیراتی سنتی و تعداد پیچ و مهره ناکافی و کم کیفیت، منجر به ایجاد آتش سوزی و کندی روند کار و عدم مهار بموقع حریق و افزایش خسارات مالی بوده است

نتیجه گیری: توصیه می شود به منظور پیشگیری از بروز حوادث مشابه، ساخت و تجهیز بیمارستان سوانح سوختگی در مناطقی با تعدد صنایع پر خطر، استفاده از تأسیسات و تجهیزات پیشگیری و اطفاء حریق ادارات و سازمان های شهری (شهرداری ها و اداره گمرک)، ممیزی مداوم و دوره ای سیستم های ثابت و سیار اعلان و اطفاء حریق مجتمع های پتروشیمی منطبق با استانداردهای بین المللی، راه اندازی و تقویت ناوگان دریایی و هوایی اطفاء حریق با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی، استفاده از پیمانکاران صاحب صلاحیت و تجربه کافی در پروژه های نفت و گاز در دستور کار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پالایشگاه، بوعلی، آتش سوزی، ماهشهر



بررسی سطح سرمی مالون دی آلدئید خون کارگران مواجهه یافته با گردوغبار سیلیس کریستالی در معدن سنگ آهن گل گهر سیرجان

منصور رضازاده آذری^۱، مهوش صفی نژاد^۲، رضوان زنده دل^۳، آتنا رفیعی پور^۴، حسن ایروانی^۵

^۱ استاد تمام، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۲ کارشناس ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل:

mah.safinejad@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۴ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۵ کارشناس ارشد، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

زمینه و هدف: معدنکاری از جمله مشاغل مهم مواجهه با گرد و غبار هوا برد حاوی سیلیس کریستالی می‌باشد. با توجه به شیوع بالای بیماری‌ها و جمعیت زیاد کارگران در معادن سنگ آهن، هدف از مطالعه حاضر بررسی تأثیر مواجهه معدنکاران با سیلیس کریستالی هوا برد بر سطح سرمی مالون دی آلدئید (MDA)، به عنوان بیومارکر استرس اکسیداتیو در نظر گرفته شد.

روش کار: در این مطالعه ۹۲ نفر از کارگران سالم غیرسیگاری معدن گل گهر سیرجان بعنوان گروه مواجهه و ۴۸ نفر از کارکنان اداری بعنوان گروه شاهد بررسی شدند. تعداد ۲۱ نمونه هوا جهت آنالیز میزان سیلیس کریستالی (SiO_2) قابل استنشاق بصورت محیطی در ایستگاه‌هایی که تمرکز کارگران در آنجا بیشتر بود نمونه برداری و به کارگران متمرکز در هر ایستگاه تعمیم داده شد. آنالیز نمونه‌ها مطابق با روش بهینه شده NIOSH7602 و با استفاده از دستگاه تبدیل فوریه مادون قرمز (FTIR) انجام شد. بمنظور تعیین سطح MDA از کیت شرکت ZellBio استفاده شد. همبستگی میان میزان مواجهه با SiO_2 قابل استنشاق و سطح سرمی MDA، توسط آزمون آماری اسپیرمن و نرم افزار SPSS تعیین شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون آماری من ویتنی، میزان مواجهه با SiO_2 قابل استنشاق و میزان MDA سرم خون در گروه مواجهه (به ترتیب: 0.4 mg/m^3 و $41.6 \mu\text{mol/L}$) را بصورت معنی‌داری بیشتر از گروه شاهد (به ترتیب: 0.3 mg/m^3 و $22.5 \mu\text{mol/L}$) نشان داد ($p < 0.001$). میزان مواجهه $66/7\%$ از کارگران گروه مواجهه با ذرات SiO_2 قابل استنشاق بیشتر از حدود استاندارد ارائه شده توسط مرکز سلامت محیط و کار ایران (0.25 mg/m^3)، بود. آزمون همبستگی اسپیرمن ارتباط مثبت معنی‌داری را میان پارامترهای مواجهه با SiO_2 قابل استنشاق و MDA در سرم گروه مواجهه نشان نداد ($r = 0.41$ و $p = 0.07$).

نتیجه گیری: علی‌رغم عدم مشاهده همبستگی آماری معنی‌دار میان پارامترهای مذکور که می‌تواند ناشی از تأثیر مواجهه همزمان یا منفرد با سایر آلاینده‌های محیط کار کارگران باشد، مواجهه بیشتر از حدود مجاز مواجهه شغلی کارگران با SiO_2 و همچنین بیشتر بودن MDA سرم خون افراد گروه مواجهه در مقایسه با افراد گروه شاهد، لزوم انجام مطالعات جامع‌تر پایش بیولوژیکی را خاطر نشان می‌نماید.

واژگان کلیدی: سیلیس کریستالی، مالون دی آلدئید، پایش بیولوژیکی، استرس اکسیداتیو، معدن سنگ آهن



بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر جو ایمنی محیط کار با استفاده از پرسشنامه

نوردیک NOSACQ-50 در یک صنعت فلز کاری

منوچهر قوجالو^۱، آتنا رفیعی پور^۲، آرش اکبری^۳

^۱ کارشناس ایمنی صنعتی و آتش نشان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی کرج، تهران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ایمیل: arsh.ak2015@gmail.com

زمینه و هدف: به منظور کاهش آمار حوادث در محیط کاری، ایجاد محیطی امن و در نتیجه کاهش هزینه های مربوطه، افزایش بهره وری و از همه مهمتر حفاظت از نیروی انسانی با استفاده از اقدامات ایمنی مبتنی بر رویکرد پیشگیرانه و واکنشی اولویت دارد. یکی از عوامل مهم برای انجام مؤثر اقدامات پیشگیرانه، بررسی جو ایمنی و فاکتورهای مؤثر بر آن می باشد. در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی (محدوده سنی، میزان تحصیلات، سابقه کار و نوع کار) بر سطح جو ایمنی در یک صنعت فلز کاری شهر صنعتی هشتگرد پرداخته شد.

روش کار: به منظور سنجش جو ایمنی محیط کار در پژوهش حاضر از پرسشنامه نوردیک NOSACQ-50 استفاده شد که روایی و پایایی آن در مطالعات مختلف تأیید شده است. پرسشنامه نوردیک با نحوه امتیازبندی در مقیاس چهار گزینه ای لیکرت توسط ۱۰۰ نفر از کارکنان یک صنعت فلز کاری تکمیل گردید. اطلاعات جمعیت شناختی شامل گروه سنی (۱۵-۲۵، ۲۶-۳۵، ۳۶-۴۵ و ۴۶-۵۵ سال)، تحصیلات (دیپلم، کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد)، نوع فعالیت (ستادی، اجرایی) و سابقه کار (۱-۵، ۶-۱۰، ۱۱-۱۵، ۱۶-۲۰ سال) بود. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS-20 و آزمون One Way ANOVA آنالیز شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره جو ایمنی در ۷ حیطة (بعد مدیریتی: شامل اولویت و توانایی ایمنی، قدرت و ایمنی، قضاوت ایمنی، بعد کارکنان: شامل تعهد ایمنی، اولویت ایمنی و ریسک ناپذیری، ارتباط ایمنی متقابل، یادگیری و اعتماد در توانایی ایمنی، و اعتماد به اثربخش بودن سیستم های ایمنی) به ترتیب ۲/۶۴±۰/۷۸، ۲/۶۶±۰/۸۰، ۲/۹۴±۰/۸۳، ۲/۰±۶۲/۸۹، ۲/۰±۷۰/۸۶ و ۲/۹۲±۰/۸۶ بود. میانگین نمره جو ایمنی در افراد مورد مطالعه، ۲/۷۲٪ به دست آمد که بیشترین میزان آن مربوط به محدوده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، افراد دارای مدرک کاردانی، نوع کار اجرایی و سابقه کار ۱ تا ۵ سال بود که به ترتیب برابر با ۴۴، ۳۸، ۸۴، ۳۹ درصد بود. نتایج آزمون ANOVA نیز نشان داد که اختلاف معناداری ($Pvalue \leq 0/001$) در سطح جو ایمنی در میان تمامی محدوده های سنی، گروه های تحصیلاتی، گروه های سابقه کاری، و نوع کار وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به نتیجه بدست آمده، نمره جو ایمنی در صنعت مورد مطالعه پایین بود و با افزایش سن، میزان تحصیلات و سابقه کار کارمندان، رابطه معکوس داشت. توصیه می شود به منظور انجام اقدامات ایمنی با رویکرد پیشگیرانه در صنایع مشابه، آموزش های لازم با هدف ارتقای جو ایمنی کارکنان صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: جو ایمنی، پرسشنامه نوردیک NOSACQ-50، صنعت فلزی



بیماری‌های ناشی از استرس حرارتی در خشکشویی‌های مدرن تهران: مروری

ملیکا هوشمندی^۱

^۱ مشخصات نویسندگان: دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: mhhsh.mh@gmail.com

زمینه و هدف: شرایط جوی محیط کار یکی از عوامل فیزیکی است که در صورت تجاوز از حدود مشخصی می‌تواند سلامت کارگران را به مخاطره اندازد.

روش کار: از کلمات کلیدی heat stress in dry cleaners و heat stress in modern dry cleaners/cleanings و پایگاه‌های اینترنتی ISI, Pub Med, Scopus SID, Science Direct, Civilika, Mag Iran استفاده گردید که ۳ مقاله به ارزیابی استرس حرارتی در خشکشویی‌های مدرن پرداخته بودند. در تهران یک خشکشویی مدرن وجود دارد که ۲۳ کارگر در آن مشغول به کار هستند.

یافته‌ها: در این مطالعه پارامترهای دما، رطوبت نسبی و میزان گردش هوا، نوع کار-گرما، متابولیسم تولید شده در حین انجام کار سبک، متوسط و سنگین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اقلیم‌پذیری (بومی شدن) و آمادگی کارگران، سن، وزن، سطح تناسب اندام فیزیکی، شرایط اقلیمی، نوع پوشش فرد، متابولیسم، مصرف الکل و داروهای دیگر، گردش هوا و رطوبت نسبی و همچنین گستره‌های از شرایط بهداشتی بر میزان حساسیت فرد نسبت به گرما تاثیر می‌گذارد. از عوارض مواجهه با گرما نیز به بروز نشانه‌های گرفتگی گرمایی، خستگی گرمایی، ضعف گرمایی، گرمازدگی و جوش‌های گرمایی اشاره شد.

نتیجه‌گیری: در محیطی که آسایش حرارتی وجود ندارد مشکلات سلامتی غیرقابل اجتناب است. زمانیکه بدن بیش از میزان ظرفیت خود، گرما دریافت کند، عملکردهای طبیعی دچار اختلال می‌شود و احتمال بروز بیماری‌ها و آسیب‌های ناشی از گرما افزایش می‌یابد. به علت بالا بودن دمای تر و تابشی در خشکشویی‌ها، مهمترین اقدام جهت کنترل گرما، اتخاذ تدابیر فنی-مهندسی بر روی سیستم سرمایشی واحدها و دیگ‌های بخار و استفاده از فضاهای فیزیکی وسیعتر برای انجام فعالیت‌های مربوطه می‌باشد و به نظر می‌رسد، استفاده از عایق‌های حرارتی مناسب و سپرهای تابشی از جنس آلومینیوم براق یا آلومینیوم یا قلع پولیش شده با بازتاب تابشی بالا می‌توانند نقش موثری در کنترل گرمای تابشی در خشکشویی‌ها ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: استرس گرمایی، خشکشویی، تهران



ارزیابی و اندازه گیری شدت روشنایی در مدارس ابتدایی شهر دهدشت در سال ۱۳۹۷

مصطفی صدری دلپیک^۱، علی علیزاده^۲، فاطمه احسانی^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

^۳ کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: حس بینایی مهم ترین و حیاتی ترین حس انسان به شمار می رود. برای دیدن خوب پیرامون خود به روشنایی نیاز است. کمبود و یا ازدیاد آن موجب ناراحتی های گوناگون مانند خستگی چشم، سردرد، نقص بینایی، خیرگی، خستگی جسمی و نیز اثرات روانی شود. هر اندازه وظایف شغلی فرد دقیق تر باشد توجه به میزان روشنایی محیط کار مهم تر خواهد بود. کیفیت مطلوب روشنایی در بهره وری و یادگیری دانش آموزان بسیار اهمیت دارد و در صورتیکه از کمیت و کیفیت مطلوبی برخوردار نباشد می تواند به عنوان یک عامل خطر در ایجاد مشکلات بینایی در آینده مطرح شود. این مطالعه با هدف ارزیابی مشکلات مربوط به روشنایی در مدارس ابتدایی شهر دهدشت صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت توصیفی، تحلیلی در سال ۱۳۹۷ در پنج مدرسه ابتدایی دارای ۴۶ کلاس درس انجام شده، همه اندازه گیری ها با استفاده از دستگاه لوکس متر مدل PM205 در فاصله ۷۵ سانتیمتری از سطح زمین به دست آمده، داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که در ۸۹٪ از کلاس ها از کیفیت روشنایی مطلوبی و ۱۱٪ دارای وضعیت نامطلوبی می باشند. حداکثر و حداقل مقدار شدت روشنایی اندازه گیری شده به ترتیب ۹۳۰ و ۱۶۴/۴ لوکس می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده علت اصلی عدم تطابق مقادیر روشنایی با استاندارد در کلاس های مورد بررسی که شدت آنها کمتر از حد استاندارد می باشند جانمایی نادرست پنجره ها و توزیع نامناسب لامپ ها، جنس و رنگ دیوارها می باشد که پیشنهاد می شود جهت برطرف نمودن این نقایص، طراحی مناسب مطابق با الگوهای استاندارد و بهره وری بیشتر با نور طبیعی انجام شود.

واژگان کلیدی: شدت روشنایی، مدرسه، دهدشت



بررسی عوامل موثر بر میزان کمردرد پرسنل اتاق عمل

الهه موسوی^۱، وحید رحمانی^۲، حامد تقی لو^۲، اسماعیل تیموری^۲، صدیقه حنانی^۲، درین نیکبخت^۲

^۱ کارشناس ارشد، رشته اتاق عمل، گروه اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.
 ایمیل: vahid.rahmani.73@gmail.com
^۱ عضو هیات علمی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: کمردرد یکی از مشکلات شایع جهان و ایران است و پرستاران نیز با توجه شرایط کاری جز گروه های پرخطر محسوب می شوند که دارای کمردرد بوده و درمان های متفاوتی برای آن ها انجام می گیرد. پرستاران اتاق عمل نیز با وضعیت بدنی نامناسب و طولانی مدت در طول عمل جراحی مواجه اند. فشارهای ایستا بر پرستاران اتاق عمل ناشی از ایستادن های طولانی حین عمل، باقی ماندن در همان وضعیت به مدت طولانی، وضعیت بدنی نامناسب حین عمل جراحی و انجام وظایف تکراری و یکنواخت به مدت طولانی و با شتاب است. فشارهای دینامیک وارد بر پرستاران اتاق عمل ناشی از فعالیت هایی است که مستلزم هل دادن، کشیدن و یا بلند کردن و سایل سنگین مانند قسمت هایی از تخت و تجهیزات جراحی است که خود از عوامل مساعد ایجاد کمردرد محسوب می شود. هدف از این مطالعه بررسی عوامل موثر بر میزان کمردرد پرسنل اتاق عمل می باشد.

روش کار: تمامی داده ها با مراجعه به پایگاه های اطلاعاتی معتبر علمی PubMed، Scopus، SID و موتور جستجوگر Google scholar و با واژگان کلیدی اتاق عمل، پرستاران اتاق عمل، کمردرد جمع آوری گردید. از عملگرهای AND، OR برای گردآوری استفاده شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل مطالعاتی بود که به بررسی انواع عوامل موثر بر میزان کمردرد پرداخت. سپس براساس معیارهای خروج از بین ۲۰ مقاله، ۱۳ مقاله انتخاب شد و پس از انجام اسکرین دوم توسط محقق دیگر ۱۰ مقاله کاملاً مرتبط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد میزان کمردرد در پرستاران اتاق عمل بالاست، همچنین فشارهای دینامیک وارد بر پرستاران اتاق عمل ناشی از فعالیت هایی مثل هل دادن، کشیدن و یا بلند کردن و سایل سنگین مانند قسمت هایی از تخت و تجهیزات جراحی خود از عوامل مساعد ایجاد کمردرد محسوب می شود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه میزان کمردرد در پرسنل پرستاری بالاست، برای پیشگیری اجرای برنامه های ارگونومیک، آموزش تکنیک صحیح حمل بار، بلند کردن بار به صورت تیمی و مطالعات وسیعتر با توجه به عوامل روانی و وظایف کاری مرتبط با کمردرد جهت پیشگیری پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: اتاق عمل، پرستاران اتاق عمل، کمردرد



ارزیابی ریسک مخاطرات بالقوه کارخانه نساجی به روش تجزیه و تحلیل حالات شکست

(FMEA) و اثرات ناشی از آن

ویدا سادات انوشه^۱، آزاده افخمی^۲

^۱ کارشناس ارگونومی، ارگونومی، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ایمیل: anooshehvida@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، بهداشت حرفه ای، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت نیروی انسانی در جامعه صنعتی، شناسایی خطاها و ارزیابی ریسک سیستم ها به منظور پیشگیری از حوادث و صدمات جبران ناپذیر ناشی از آن در صنایع امری ضروری می باشد. از این رو این مطالعه با هدف ارزیابی ریسک و شناسایی مخاطرات بالقوه و ارائه راهکار کنترلی در سه سالن کارخانه نساجی صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه یک پژوهش توصیفی مقطعی است که جهت شناسایی و ارزیابی مخاطرات کارخانه نساجی و در سالن های دولتابی، دولتانی، ریسندگی و انبار که بر روی مشاغل موجود در کارخانه نساجی صورت گرفت. در این بررسی پس از مشخص نمودن مشاغل و وارد نمودن آنها در برگه کاری FMEA، فرآیندهای با ریسک بالا شناسایی سپس حالات بالقوه خطا فهرست بندی کرده و در هر یک از این فرآیندها عدد اولویت ریسک از حاصل ضرب سه پارامتر شدت، احتمال وقوع و قابلیت کشف خطاها محاسبه و اولویت کنترلی آنها مشخص گردید. در نهایت پیشنهادات اصلاحی برای کاهش ریسک های غیر قابل قبول ارائه گردید.

یافته ها: بالاترین عدد اولویت ریسک مربوط به آسیب به کارگران به وسیله خارهای موجود در دستگاه ها و تماس با ذرات الیاف موجود در هوا می باشد و خطرات بیشتر شامل صدای بیش از حد استاندارد که نشان دهنده ریسک غیر قابل قبول در واحد مذکور می باشد

نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه میتوان نتیجه گرفت که آنالیز FMEA ابزار مناسبی برای شناسایی و اولویت بندی نقایص از نظر میزان ریسک می باشد و به بررسی دقیق پروسه پر خطر یا فرایند مستعد خطا می پردازد تا اصلاح های ضروری را که موجب کاهش فرصت رخ دادن اتفاق های نامطلوب و دور از انتظار میشود را شناسایی، ارزیابی و کنترل و نقش مثبتی در کاهش حوادث و پیامدهای ایفا کند. با توجه به این که یکی از قابلیت های مهم FMEA افزایش قابلیت اطمینان سیستم می باشد، ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت رفع نواقص سیستم مؤثر باشد و سطح ریسک و خطرات در کارخانه را تا اندازه مطلوب کاهش دهد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، FMEA، کارخانه نساجی



ارزیابی ریسک خطر در ICU و CCU بیمارستان با استفاده از روش مدل آنالیز مقدماتی خطر (PHA)

آزاده افخمی^۱، ویدا سادات انوشه^۲، علی کشاورز^۱

^۱ کارشناس ارگونومی، ارگونومی، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ایمیل: anooshehvida@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، بهداشت حرفه ای، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: امروزه با توجه به فرصت ها و خطرات موجود در بیمارستان ها شناسایی و ارزیابی ریسک های موجود و مدیریت آنها در مراکز درمانی حائز اهمیت می باشد. به دلیل وجود خطرات بالقوه در قسمت های مختلف به خصوص خطرات بیولوژیکی، فیزیکی و شیمیایی در بیمارستان ها مدیریت این موارد حائز اهمیت است. به این جهت برای کاهش آسیب های ناشی از این گونه خطرات انجام ارزیابی های اولیه جهت شناسایی مناطق خطر ضروری می باشد. از این رو مطالعه حاضر با هدف، ارزیابی ریسک در بیمارستان انجام گرفت. به این جهت این مطالعه با هدف آنالیز مقدماتی خطر (Preliminary Hazard Analysis; PHA) تلاشی در جهت فرایند آنالیز ایمنی سیستم به منظور شناسایی و طبقه بندی خطرات مرتبط با فعالیت یک سیستم، فرایند یا روش کار صورت گرفت.

روش کار: این مطالعه ی توصیفی مقطعی جهت شناسایی و ارزیابی مخاطرات بر روی بخش های مختلف موجود در بیمارستان (بخش های CCU، ICU) صورت گرفت. در این بررسی پس از مشخص نمودن مشاغل، ارزیابی به روش PHA یک آنالیز ایمنی سیستماتیک است که از آن برای شناسایی مناطق ایمنی بحرانی به منظور ارزیابی خطرات مهم و شناسایی الزامات طراحی ایمنی سیستم استفاده می گردد. با انجام این مطالعه فهرستی از خطرات غیر قابل چشم پوشی بدست می آید که شامل ارزیابی کیفی از خطر می باشد که براساس سطح ریسک ارزیابی می گردد.

یافته ها: بر اساس نتایج بدست آمده در این مطالعه در بخش های CCU و ICU خطرات بسیاری برای کارکنان این بخش وجود دارد بدین منظور ابتدا دسته بندی وظایف در قالب ۹ وظیفه و ۱۶ آسیب جمع آوری، شناسایی و فهرست بندی شدند و ارزیابی ریسک نشان داد یک مورد ریسک در سطح ریسک ۴ (قابل قبول بدون نیاز به تجدید نظر) و ۱۲ مورد در سطح ریسک ۳ (قابل قبول ولی نیاز به تجدید نظر) و دو مورد در سطح ریسک ۲ (نامطلوب) و یک مورد سطح ریسک ۱ (غیر قابل قبول) می باشد

نتیجه گیری: روش PHA جزو بهترین روش ها برای ارزیابی ریسک در بیمارستان به حساب می آید که برای آنالیز ایمنی سیستماتیک استفاده میشود که برای شناسایی مناطق ایمنی بحرانی جهت ارزیابی خطرات مهم و الزامات طراحی و ایمنی سیستم مورد استفاده قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: ریسک خطر، PHA، بیمارستان



بررسی مخاطرات احتمالی به روش تجزیه و تحلیل حالات شکست (FMEA) در بخش های

CCU و ICU بیمارستان

آزاده افخمی^۱، ویداسادات انوشه^۲، علی کشاورز^۱

^۱ کارشناس ارگونومی، ارگونومی، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ایمیل: anooshehvida@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، بهداشت حرفه ای، علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

زمینه و هدف: با توجه به شدت و فراوانی مخاطرات در بیمارستان توجه به بخش های مهمی مانند ICU و CCU حائز اهمیت است. تکنیک تجزیه و تحلیل حالات و اثرات خطا (FMEA) روشی است که برای شناسایی، ارزیابی و کنترل خطاهای بالقوه در سیستم ها و سازمان های ارائه دهنده خدمات بهداشتی مورد استفاده قرار می گیرد. لذا این تحقیق با هدف ارزیابی و مدیریت ریسک فرآیندهای جاری در بخش های ICU و CCU بیمارستان صورت گرفت.

روش کار: در این پژوهش، ابتدا فرآیندهای با ریسک بالا شناسایی و سپس از بین آنها ۱۶ وظیفه اصلی در CCU و ۱۸ وظیفه در ICU شناسایی شدند. پس از فهرست بندی حالات بالقوه ی خطا در هر یک از این فرآیندها عدد اولویت ریسک از حاصل ضرب سه پارامتر شدت، احتمال وقوع و قابلیت کشف خطاها محاسبه و اولویت کنترلی آنها مشخص گردید. در نهایت پیشنهادات اصلاحی برای کاهش ریسک های غیر قابل قبول ارائه گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در بخش CCU این بیمارستان، از بین ۳۳ خطرات شناسایی شده ۲۰ خطر از میزان استاندارد بالاتر است و در بخش ICU از بین ۲۴ خطر ۱۵ خطر از میزان استاندارد بالاتر است.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می دهد که آنالیز FMEA ابزار مناسبی برای شناسایی خطر در بیمارستان به حساب می آید، و این ارزیابی و مدیریت ریسک، در کاهش حوادث نقش بسیار مهمی را ایفا خواهد کرد.

واژگان کلیدی: ICU، CCU، FMEA مدیریت ریسک، تکنیک



ممیزی ساختارهای داربست با رویکرد پیشگیرانه از نظر رعایت الزامات ایمنی داربست بندی در پروژه های ساخت و ساز کشور

احسان آسیوندزاده^۱، علی صفری واریانی^۲، زینب جمالی زاده^۳، خلیل اعظمی^۴

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ *دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: qums.behdasht@gmail.com
^۴ دانش آموخته کارشناسی ارشد، ایمنی سلامت و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: براساس آمار سازمان جهانی کار، سقوط از داربست یکی از مهم ترین علل مرگ و میر و بروز جراحات ناتوان کننده در کارگاه های ساختمانی به شمار می آید. عدم رعایت الزامات ایمنی داربست بندی، عمده ترین نقش را در حوادث داربست بر عهده دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی سطوح رعایت الزامات ایمنی داربست بندی در کارگاه های ساختمانی انجام شد.

روش کار: این مطالعه در پروژه های ساختمان سازی، احداث صنایع سنگین و نیرو در ۳۴ جبهه کاری مختلف انجام شد. جهت ممیزی ساختارهای داربست از یک چک لیست ۱۰۸ سوالی و خود ساخته محقق که اقتباس شده از آیین نامه های ایمنی کار در ارتفاع، ایمنی در عملیات ساختمان سازی و استاندارد BS 5973: 1993 است، استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از جداول و نمودار های آماری و آزمون رگرسیون لجستیک باینری استفاده گردید.

یافته ها: هیچکدام از ساختارهای داربست مورد بررسی دارای نقشه های طراحی، روش اجرایی نصب، دستورالعمل بررسی شاغولی ساختار، ارزیابی ریسک در فاز طراحی و بررسی سطح مورد برپایی داربست از نظر مقاومت مکانیک خاک نبودند. در هیچکدام از جبهه های کاری از بادسنج استفاده نشده است. ۸۱٫۹٪ از ساختارهای داربست فاقد تگ ایمنی داربست، ۸۶٪ فاقد کفشک یا بالشتک، ۶۴٪ فاقد جان پناه فوقانی-میانی یا پاخور، ۴۴٫۳٪ فاقد پشت بند، بادبند و مهاری و ۷۹٪ از تخته های زیر پای فاقد سلامت کافی بودند. بین سطح رعایت الزامات ایمنی ساختار داربست و میزان صلاحیت داربست بند، بزرگی ساختار داربست و تعداد و سطح تحصیلات پرسنل واحد ایمنی ارتباط مستقیم و معنی دار دیده شد.

نتیجه گیری: میزان رعایت الزامات ایمنی در پروژه های ساخت بسیار پایین بوده، از این رو و با توجه به ریسک بالای ساختارهای داربست، پیشنهاد می گردد کلیه کارکنان دخیل در برپایی ساختار داربست، طبق یک برنامه مدون از جانب ادارات کل بازرسی کار استان ها در دوره های ایمنی داربست بندی شرکت نموده و مورد بازآموزی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: ممیزی، داربست، صنعت ساخت و ساز



بررسی سطوح رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل های متحرک در صنایع ساخت و ساز کشور و ارتباط آن با عوامل روانی- اجتماعی

احسان آسیوندزاده^۱، زینب جمالی زاده^۲، خدابخش زارع^۳، نوشین چمن پرور حقیقی^۳

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: hse.jamali1991@gmail.com
^۳ دانش آموخته کارشناسی، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، مرکز بهداشت والفجر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: در صنعت ساخت و ساز عوامل مختلفی وجود دارد که می تواند بر سلامت کارکنان موثر باشد. طبق تئوری دو مینیوی هاینریش، مؤلفه های روانی-اجتماعی در بیشتر مشاغل از عوامل ایجاد کننده خصوصیات و ویژگی های نامطلوب رفتاری و ایجاد شرایط و اعمال نایمن در محیط کار تلقی می شوند. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط مؤلفه های روانی-اجتماعی محیط کار با رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل های متحرک در صنایع گوناگون ساخت و ساز در ایران انجام شد.

روش کار: این پژوهش بر روی ۱۴۱ نفر از اپراتور های جرثقیل های متحرک در پروژه های ساختمان سازی، احداث صنایع سنگین و نیرو با میانگین سنی ۳۷/۰۹ سال در طول سال های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ انجام شد. جهت جمع آوری داده های مربوط به مؤلفه های روانی-اجتماعی از نسخه استاندارد پرسشنامه محتوای شغلی (JCQ) و جهت برآورد سطح رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل از چک لیست خود ساخته ی محقق که اقتباس شده از استاندارد سری ASME B30.5 است، استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از جداول توصیفی و تحلیلی، آزمون همبستگی و آزمون رگرسیون لجستیک در محیط نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین سطوح رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل با سن و سابقه کار ارتباط مستقیم معنادار و با تقابل اجتماعی، مؤلفه ماهیت شغل و مؤلفه نیازهای شغلی ارتباط معکوس معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از مطالعه حاضر حاکی از اهمیت فراوان مشکلات روانی- اجتماعی در محیط کار بوده که این مشکلات باعث کاهش رعایت الزامات ایمنی و بروز حوادث می گردد.

واژگان کلیدی: عوامل روانی-اجتماعی، رعایت الزامات ایمنی اپراتوری جرثقیل های متحرک، صنعت ساخت و ساز

بررسی تأثیر مداخلات آموزشی و فنی بر بهبود فرهنگ ایمنی و درک ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع در میان کارگران پروژه‌های ساخت و ساز کشور

احسان آسیوندزاده^۱، زینب جمالی‌زاده^۲، حدیث خوشنواز^۲

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: hse.jamali1991@gmail.com

زمینه و هدف: اعتقاد بر این است که آموزش مسائل ایمنی به‌عنوان یکی از اقدامات ایمنی پیشگام در زمینه بهبود فرهنگ ایمنی در سازمان می‌باشد. هدف از مطالعه حاضر، تعیین تأثیر مداخلات آموزشی و فنی بر فراهم آوردن محیط کاری با فرهنگ ایمنی سالم و درک کارگران از ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه مداخله‌ای، ۳۹۴ کارگر از مشاغل مختلف وارد مطالعه شدند. اطلاعات زمینه‌ای، فرهنگ ایمنی و ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شدند. پرسشنامه‌ها در سه مرحله تکمیل و جمع‌آوری شدند: مرحله قبل از مداخله، دو ماه بعد از اولین مداخله و دو ماه بعد از دومین مداخله (هشت ماه بعد از اولین مداخله). داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تعدیل بونفرونی (از سری آزمون‌های تعقیبی در تحلیل واریانس) و آزمون رگرسیون لجستیک باینری در محیط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر نشان‌دهنده تأثیر چشمگیر آموزش ایمنی بر تمام مؤلفه‌های فرهنگ ایمنی و توانمندسازی کارگران در رابطه با درک ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع بود. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که بهبود چشمگیر در فرهنگ ایمنی نشان‌دهنده نقش بسزای مداخلات آموزشی به‌عنوان عوامل اساسی در بهبود وضعیت ایمنی کارگران در سازمان می‌باشد.

نتیجه‌گیری: به طور کلی نتایج مطالعه حاضر درصدد ارتقاء درک ما نسبت به اثرات آموزش ایمنی بر فرهنگ ایمنی بویژه در رابطه با بهبود درک کارگران از ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع می‌باشد. تلاش در جهت انجام پژوهش‌های بیشتر در راستای بررسی اثربخشی مداخلات آموزشی ایمنی با افزودن عوامل انگیزشی و تأثیر آن بر فرهنگ ایمنی در صنایع مختلف ضروری به‌نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: مداخله آموزشی، مداخله فنی، فرهنگ ایمنی، ریسک موقعیت‌های خطرناک کار در ارتفاع



بررسی میزان مواجهه با صدای محیط کار و ارتباط آن با استرس شغلی و اختلال خواب در میان کارگران یکی از پروژه‌های عمرانی کشور

احسان آسیوندزاده^۱، زینب جمالی‌زاده^۲، پیمان یاری^۳، سید پوریا فاضلی^۱، خدابخش زارع^۳

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: hse.jamali1991@gmail.com
^۳ دانش آموخته کارشناسی، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت والفجر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: صدا به عنوان یک عامل خطرزای شغلی در گستره وسیعی از محیط‌های صنعتی از جمله صنعت ساخت و ساز محسوب می‌شود. هدف از مطالعه حاضر، تعیین ارتباط بین استرس شغلی ناشی از مواجهه با صدا با اختلال خواب کارگران می‌باشد.

روش کار: این مطالعه بصورت توصیفی-تحلیلی بود که در بین ۱۳۴ نفر از کارگران یکی از پروژه‌های عمرانی صنعتی کشور انجام شد. با استفاده از استاندارد ISO 9612:2009 میزان مواجهه شغلی افراد بر حسب تراز معادل ۸ ساعته با استفاده از دستگاه دزیمتر صدا اندازه‌گیری شد. برای سنجش استرس شغلی کارگران از پرسشنامه استرس شغلی پارکر و دکوتیس و جهت بررسی اختلال خواب از پرسشنامه Epworth (اپورث) استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره در محیط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره نشان دادند که صدا با ایجاد استرس شغلی در کارگران می‌تواند باعث بروز اختلال خواب در آنها گردند. براساس نتایج این مطالعه مواجهه صوتی، استرس شغلی و اختلال خواب دارای ارتباط معنادار و مستقیم می‌باشند به طوری که با افزایش میزان مواجهه صوتی، استرس شغلی و اختلال خواب افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: ارزیابی مواجهه صوتی شاغلین در صنعت ساخت و ساز نشان داد که صدا، عامل بسیار مهمی در مسائل روانی کارگران این صنعت می‌باشد. علاوه بر اثرات مستقیم صدا بر روی اختلال خواب، صدا از طریق ایجاد استرس به طور غیرمستقیم موجب تشدید اختلال خواب در افراد می‌گردد. این مطلب مؤید ضرورت توجه به شرایط این گروه شغلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مواجهه صوتی، استرس شغلی، اختلال خواب، صنعت ساخت و ساز



ارزیابی میزان مواجهه با صدای محیط کار و ارتباط آن با فشار خون و بیماری های ایسکمیک

قلبی: متاآنالیز

زینب جمالی زاده^۱، احسان آسیوندزاده^۲، خدابخش زارع^۳، نوشین چمن پرور حقیقی^۳، علیرضا بشارتی^۴، سید

محمد دانش نیا^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^۲ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: Ehsan.Asivand@gmail.com

^۳ کارشناس مهندسی بهداشت حرفه‌ای، مرکز بهداشت والفجر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

^۴ کارشناس ارشد ارگونومی، مرکز بهداشت والفجر، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: نتایج حاصل از مطالعات حاکی از آن است که در مواجهه با صدای تراز بالا، امکان تغییر فشار خون در افراد وجود دارد، اما شواهد اپیدمیولوژی در این خصوص محدود است. علاوه بر این، بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به شیوه‌ای سیستماتیک صورت گرفته است و این مسئله باعث بروز خطا در مطالعات شده است. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین مواجهه صوتی با فشار خون و بیماری‌های ایسکمیک قلبی انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر یک متاآنالیز از ۴۱ مطالعه اپیدمیولوژیک در زمینه بررسی ارتباط بین مواجهه صوتی (بصورت شغلی یا غیر شغلی) با فشار خون و بیماری‌های قلبی-عروقی می‌باشد. تیم تحقیق در این مطالعه تلاش کردند گستره‌ای از تاثیرات، از تغییرات فشار خون (سیستولیک و دیاستولیک) تا انفارکتوس میوکارد را به ازای هر ۵ دسی بل افزایش تراز صدا مورد بررسی قرار دهند. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها از نمودارها جهت نشان دادن دامنه تغییرات فشار خون به ازای افزایش تراز صوت و جهت بررسی ارتباط بین پارامترها از آزمون واریانس و کوواریانس و آزمون تعقیبی Post Hoc استفاده گردید. تمام آنالیزهای آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که ارتباط معنادار مستقیم بین مواجهه صوتی و افزایش فشار خون (فشار خون سیستولیک و دیاستولیک) وجود دارد. این ارتباط بخصوص در مواجهه با صدای ترافیکی در جاده‌ها مشهود بود. یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که مواجهه با صدای ترافیکی، خطر ابتلا به انفارکتوس میوکارد و بطور کلی بیماری‌های ایسکمیک قلبی را افزایش می‌دهد. با استناد به مطالعات مقطعی صورت گرفته (بر اساس اندازه‌گیری‌های انجام شده در کنار مشاوری‌های پزشکان متخصص)، مواجهه با صدای ترافیک هوایی ارتباط مستقیم و معنادار با استفاده از داروهای قلبی-عروقی دارد.

نتیجه‌گیری: با وجود اینکه در این مطالعه می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که مواجهه صوتی می‌تواند به افزایش شیوع بیماری‌های قلبی-عروقی کمک کند اما همچنان شواهد کافی برای اثبات ارتباط بین مواجهه صوتی و بیماری‌های ایسکمیک قلبی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: مواجهه صوتی، فشار خون، بیماری‌های ایسکمیک قلبی



بررسی وضعیت ماکروارگونومی یک پروژه ساختمان سازی و ارتباط آن با فرهنگ ایمنی سازمان

مهدی نوروزیان^۱، احسان آسیوندزاده^۱، زینب جمالی زاده^۲، پیمان یاری^۱

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران. ایمیل: hse.jamali1991@gmail.com

زمینه و هدف: سطح فرهنگ ایمنی سازمان به عنوان یکی از شاخص‌های پسیو، معیار مهمی در بررسی عملکرد ایمنی سازمان به شمار می‌آید. ماکروارگونومی نیز به عنوان یک نگرش فنی-اجتماعی که به طراحی سازمان، سیستم کار و طراحی تعامل‌های انسان-ماشین، انسان-محیط و انسان-شغل می‌پردازد، می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ ایمنی سازمان داشته باشد. در مطالعه حاضر وضعیت ماکروارگونومی یک پروژه ساختمان سازی و ارتباط آن با فرهنگ ایمنی سازمان مورد بررسی قرار گرفته است.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ۲۷۷ نفر از کارگران یکی از پروژه‌های ساختمان سازی مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌های مربوط به وضعیت ماکروارگونومی از نسخه استاندارد پرسشنامه محتوای شغلی (JCQ) و جهت جمع‌آوری داده‌های فرهنگ ایمنی از پرسشنامه استاندارد HSE استفاده گردید. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا از جداول توصیفی و تحلیلی استفاده گردید، سپس با استفاده از آزمون‌های همبستگی ارتباط بین پارامترها سنجیده شد و در نهایت جهت سنجش دقیق و دو به دوی مؤلفه‌ها آزمون تعدیل بونفرونی بکار گرفته شد. تمامی آنالیزها در محیط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام شد.

یافته‌ها: با استناد به نتایج مطالعه حاضر سطح فرهنگ ایمنی در میان کارگران پروژه مورد پژوهش پایین بود و همچنین نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و آزمون‌های آماری نشان دادند که آزمودنی‌ها سطح پایینی از فاکتورهای روانی-اجتماعی را گزارش کرده‌اند، از جمله: قدرت تصمیم‌گیری پایین و تقابل اجتماعی پایین.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بهبود فرهنگ ایمنی تاثیر بسزایی در بهینه نمودن شرایط سایکولوژیکی و اجتماعی شغل بخصوص عواملی نظیر محدودیت دامنه تصمیم‌گیری، تقابل اجتماعی و مشکلات موجود در ماهیت و نیازهای شغلی دارد. یکی از مؤثرترین راهکارهای بهبود فرهنگ ایمنی، برنامه ریزی منسجم آموزشی برای کارگران می‌باشد.

واژگان کلیدی: ماکروارگونومی، فرهنگ ایمنی، ساخت و ساز



ارزیابی فیبر غشایی توخالی جهت نمونه برداری از دی متیل هیدرازین نامتقارن

الناز طاهری^۱، عبدالرحمن بهرامی^۲، فرشید قربانی شهنا^۳، مریم فرهادیان^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات ایمنی و بهداشت شغلی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

^۲ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیق در علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
Bahrami@umsha.ac.ir

^۳ استاد، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، مرکز تحقیقات ایمنی و بهداشت شغلی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

^۴ استادیار، گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات در علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

زمینه و هدف: دی متیل هیدرازین نامتقارن از آلاینده های شغلی است که عمدتاً به عنوان سوخت راکت استفاده می گردد. این ماده دارای خواص ترانژنیک و موتاژنیک بوده و در مقادیر اندک موجب بروز آثار زیان آور بر سلامتی انسان است. حد مجاز این ماده طبق توصیه انجمن دولتی متخصصین بهداشت صنعتی آمریکا ۰/۰۱ قسمت در میلیون است. تاکنون روش های متعددی جهت نمونه برداری از دی متیل هیدرازین نامتقارن در هوا پیشنهاد گردیده که هر یک دارای معایبی می باشند. بنابراین این پژوهش با هدف توسعه روش و تعیین شرایط بهینه نمونه برداری از دی متیل هیدرازین نامتقارن در هوا با فیبر غشایی توخالی و مقایسه آن با روش ۳۵۱۵ انسیتوی ملی ایمنی و بهداشت شغلی آمریکا انجام گردید.

روش کار: نمونه برداری با استفاده از فیبر غشایی توخالی دارای جاذب اسید هیدروکلریک ۰/۱ مولار همزمان با روش توصیه شده توسط انجمن ایمنی و بهداشت شغلی ناپوش ۳۵۱۵ از اتاقک استاندارد در آزمایشگاه انجام گردید. پس از طی مراحل آماده سازی تجزیه نمونه ها با دستگاه اسپکتروفتومتر صورت گرفت. از متدولوژی سطح پاسخ و طراحی کامپوزیت مرکزی برای بهینه سازی دبی نمونه برداری استفاده گردید. تاثیر دیگر پارامترهای نمونه برداری مانند حجم گذر شکست، باقی مانده مواد بر روی فیبر و زمان نگه داری نیز بر روی فیبر غشایی توخالی مطالعه گردید.

یافته ها: نتایج نشان دادند که دبی بهینه جهت نمونه برداری ۹/۹۰ میلی لیتر بر دقیقه است. تکرارپذیری در یک روز و در بین روزها به ترتیب برابر ۰/۰۸۲-۰/۱ و ۰/۰۹۲-۰/۱۲ است. حد تشخیص دستگاهی و حد تشخیص کمی به ترتیب برابر با ۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۶ نانوگرم بر میلی لیتر می باشد. درصد بازیافت جهت بررسی زمان نگه داری پس از گذشت ۷ روز در دمای ۲ درجه سانتی گراد بالاتر از ۹۵٪ بود.

نتیجه گیری: با توجه به سازگاری نتایج روش توسعه داده شده با ناپوش ۳۵۱۵؛ نمونه برداری با فیبر غشایی توخالی به عنوان روشی ساده با حساسیت بالا جهت نمونه برداری از دی متیل هیدرازین نامتقارن پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: دی متیل هیدرازین نامتقارن، فیبر غشایی تو خالی، اسپکتروفتومتر، هوا، جاذب مایع، متدولوژی سطح پاسخ



مقایسه دو روش جهت ارزیابی ریسک مواجهه با مواد شیمیایی در آزمایشگاه ها

الناز طاهری^۱، فرزانه ملابهرامی^۱، مریم فرخ زاد^۱، فخرالدین قاسمی^۲، محمد جواد عساری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

^۲ استادیار مرکز تحقیقات ایمنی و بهداشت شغلی، گروه ارگونومی، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

^۳ استادیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، مرکز تحقیقات ایمنی و بهداشت شغلی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران. ایمیل: Asari@umsha.ac.ir

زمینه و هدف: کارکنان آزمایشگاه در مواجهه با انواع مواد شیمیایی هستند. به علت مواجهه کارکنان آزمایشگاه ها با این مواد شیمیایی، احتمال بروز اثرات زیان آور برای سلامتی و سرطان زایی وجود دارد. در نتیجه، ارزیابی ریسک در این آزمایشگاه ها یکی از مهم ترین مسائل جهت جلوگیری از وقوع این اثرات است. بنابراین این مطالعه با هدف ارزیابی ریسک مواجهه با مواد شیمیایی و مقایسه دو روش، "ارزیابی ریسک نیمه کمی مواد شیمیایی" و "سطوح غربالگری منطقه ای" انجام شد.

روش کار: جهت اجرای ارزیابی نیمه کمی از کتابچه راهنمای "ارزیابی ریسک بهداشتی ناشی از مواجهه با مواد شیمیایی خطرناک در محل کار" ورژن ۲۰۱۸ تهیه شده توسط وزارت بهداشت و ایمنی شغلی مالزی مورد استفاده قرار گرفت. در روش، "سطوح غربالگری منطقه ای" پس از مراجعه به سایت اصلی سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا از نرم افزار موجود در آن جهت محاسبه سطوح غربالگری استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان دادند که روش "سطوح غربالگری منطقه ای" یک روش دقیق و بدون قضاوت شخصی جهت غربالگری اولیه و اولویت بندی است. "ارزیابی ریسک نیمه کمی مواد شیمیایی" نیز روشی ساده و آسان برای استفاده جهت ارزیابی ریسک انواع آزمایشگاه های شیمیایی بوده که ریسک را در سطوح مختلف را دسته بندی می کند. "ارزیابی ریسک نیمه کمی مواد شیمیایی" برای گستره وسیعی از مواد شیمیایی قابل استفاده بوده، اما شامل پارامترهای موثر کمتری نسبت به روش "سطوح غربالگری منطقه ای" است که بر نتایج تاثیر گذار می باشد.

نتیجه گیری: بررسی مزایا و معایب این دو روش نشان داد که آنها می توانند به عنوان مکمل یکدیگر جهت ارزیابی ریسک مواد شیمیایی، اولویت بندی اقدامات کنترلی، شناسایی مشاغل و مناطق با ریسک بالا در آزمایشگاه ها مورد استفاده قرار گیرند.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، ارزیابی ریسک نیمه کمی مواد شیمیایی، سطوح غربالگری منطقه ای



بررسی میزان شدت صدا و اثرات آزاردهندگی آن در شیفت های مختلف بر روی کارکنان

بیمارستانهای شهر مریوان

هدایت عباسی^۱، کیوان سلیمی^۱، فرشاد سبحانی^۲، کیوان ساعدپناه^۳، آرزو حاجی عزیزی^۴

- ^۱ کارشناس مهندسی بهداشت حرفه ای، شبکه بهداشت و درمان شهرستان مریوان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران. ایمیل: keyvansalimi865@gmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران
^۳ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران
^۴ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

زمینه و هدف: براساس تعرف کرایتر؛ صدا، انرژی صوتی قابل شنیدنی است که تاثیرات بدی روی سلامت فیزیولوژیکی و روانی دارد. فراهم کردن محیطی سالم جهت ارائه خدمات درمانی مناسب در بیمارستانها از بدیهیات است. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت میزان شدت صدا و احساس آزردهندگی ناشی از صدا در کارکنان بیمارستانهای شهر مریوان در سال ۹۷ است.

روش کار: مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی - تحلیلی و مقطعی در بیمارستانهای فجر و بوعلی شهر مریوان است. اندازه گیری تراز معادل فشار صوت در سه شیفت صبح، عصر و شب و در بخش های مختلف با استفاده از دستگاه صدا سنج پیشرفته مدل B&K انجام گرفت. همچنین پرسشنامه آزار صوتی (NAS) در بین ۱۲۰ نفر از کارکنان در هر دو بیمارستان توزیع و تکمیل گردید.

یافته ها: میانگین شدت صدا در هر دو بیمارستان $4/3 \pm 62/7$ dBA بود. در بین کارکنان، ۸/۸ درصد احساس آزردهندگی صوتی ناچیز، ۲۵/۷ درصد احساس آزردهندگی متوسط، ۲۵/۷ درصد احساس آزردهندگی شدید و ۳۹/۸ درصد احساس آزردهندگی صوتی بسیار شدید داشتند. میانگین کلی احساس آزردهندگی صوتی در بین کارکنان $26 \pm 62/7$ و در محدوده شدید بوده است. رابطه بین میزان شدت صدای معادل با میزان آزردهندگی صوتی در کارکنان مستقیم و معنی دار بود ($P=0/007$ و $r=0/252$). کار در شیفت های مختلف بر روی میزان شدت صدا در بیمارستانها و احساس آزردهندگی صوتی در کارکنان تأثیر معنی داری نداشته است ($P>0/05$).

نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد، سروصدای موجود در بیمارستانهای شهر مریوان بیش از حد استاندارد کشوری بوده و همچنین کارکنان احساس آزردهندگی شدیدی نسبت به صدای موجود در محیط کار دارند. لذا با آموزش مدیران، کارکنان و مراجعین و همچنین اجرای روشهای مدیریتی و فنی مهندسی می توان سهم بسزایی در کاهش و کنترل سروصدای محیط داخل بیمارستانها در جهت سالم سازی محیط کار داشت.

واژگان کلیدی: صدا، آزردهندگی صوتی، شیفت، بیمارستان، مریوان



بررسی و اولویت بندی مولفه های تاثیر گذار بر HSE خوابگاه های دانشجویی بر اساس روش ANP

داود پیرانی^۱، رضا غلام نیا^۲

^۱ دانشجوی دکتری، رشته سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: Davoodpirani@gmail.com
^۲ دانشیار رشته مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: خوابگاه های دانشجویی بعد از مساله آموزش در ردیف اول اهمیت قرار می گیرند. مشخصه اصلی خوابگاه های دانشجویی تراکم بالای ساکنین آن است که این مکان ها رادزمان وقوع حوادث بسیار آسیب پذیر می کند. توجه به مسایل بهداشت، ایمنی و محیط زیست خوابگاه ها یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر می باشد هدف از پژوهش حاضر بررسی و اولویت بندی مولفه های تاثیر گذار بر HSE خوابگاه های دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می باشد

روش کار: روش مطالعه این تحقیق کاربردی از نوع توصیفی است که به اولویت بندی مولفه های تاثیر گذار بر سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE) خوابگاه های دانشجویی با استفاده از تکنیک ANP پرداخته است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها نیز از نرم افزار آماری SPSS (Version 22) و نرم افزار Super decision استفاده شد

یافته ها: نتایج پژوهش حاکی از آن بود که از بین مولفه ها مولفه امنیت، تعهد مدیریت به HSE، سلامت غذایی و مدیریت ریسک در بین سایر مولفه ها از درجه اهمیت و اولویت بالایی نسبت به سایر مولفه ها برخوردار بودند.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که اطلاعات حاصل از تکنیک ANP برای اولویت بندی مولفه های HSE می تواند به مدیران حوزه خوابگاه های دانشجویی در تصمیم سازی کمک کند و برای رشد و بلوغ HSE در خوابگاه های دانشجویی به موضوعات این حوزه تعهد لازم را داشته باشند.

واژگان کلیدی: خوابگاه دانشجویی، مولفه های تاثیر گذار HSE، ANP



شناسایی و اولویت بندی مخاطرات HSE در صنایع لاستیک سازی با استفاده از رویکرد

تلفیقی HEMP & AHP

کتایون جهانگیری^۱، داود پیرانی^۲، جواد کرمی^۳، ایمان فرهی آشتیانی^۴

^۱ دانشیار گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۲ دانشجوی دکتری، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: Davoodpirani@yahoo.com
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته HSE، دانشگاه علوم تحقیقات تهران
^۴ دانشجوی دکتری، گروه سلامت در بلایا و فوریت ها، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: یکی از ارکان اساسی در سیستم حمل و نقل کشورها؛ صنایع تولید کننده تجهیزات جانبی مانند صنعت لاستیک سازی می باشد و تاثیر جزو کالاهای استراتژیک و مهم به حساب می آید. صنعت تایر با وجود ۱۵۰۰۰ نیروی کار یکی از صنایع مهم و واسطه ای قدرتمند بین صنایع پتروشیمی و خودروسازی است. هدف از این مطالعه شناسایی و اولویت بندی مخاطرات سلامت، ایمنی و محیط زیست در صنعت لاستیک سازی یاسا با استفاده از رویکرد تلفیقی HEMP و AHP است.

روش کار: در این مطالعه تیم مدیریت HSE خطرات موجود در صنعت تایرسازی را شناسایی کردند و ریسک های صنعت را ارزیابی نمودند. سپس ریسک های غیر قابل قبول تعیین گردیدند و پس از درج در برگه مدیریت اثرات و خطرات (HEMP)، با فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) اولویت بندی شدند.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد در بین ریسک های شناسایی شده حجم بالای مواد قابل اشتعال، الکتریسیته، عملیات بار برداری با جرثقیل سقفی، وجود بار در ارتفاع و ترکیب بندی از ریسک بالایی برخوردار بودند که در اولویت بندی این خطرات توسط روش AHP خطر اشتعال پذیری اهمیت و وزن بالاتری داشت.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن بود که برای ریسک های پرخطر کارخانه باید بر طبق استانداردها و روش های ایمن موانع کنترلی و اقدامات لازم و موثر برای مشاغل بحرانی صنایع لاستیک سازی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: روش HEMP، لاستیک سازی، AHP



بررسی مقایسه‌ای سه روش RULA، LUBA و در پیش بینی میزان ریسک بروز

اختلالات اسکلتی - عضلانی اندام فوقانی در کارکنان یک صنعت تولید لوازم خانگی

محسن صادقی یارندی^۱، رضا پوربابکی^۱، پریسا نیازی^۲، علی اصغر ساجدیان^۱، سعید یزدانی راد^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. ایمیل: Eng.Sadeghi1995@Gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
۳. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی بهداشت حرفه‌ای، گروه بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: اختلالات اسکلتی-عضلانی اندام فوقانی مرتبط با کار (WRULDs)، از جمله علل مهم از کار افتادگی در کارکنان شاغل در صنایع می‌باشند. روش‌های زیادی به منظور پیش بینی و ارزیابی ریسک فاکتورهای موثر در بروز این اختلالات وجود دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای سه روش RULA، LUBA و در پیش بینی میزان ریسک بروز اختلالات اسکلتی - عضلانی اندام فوقانی در کارکنان یک صنعت تولید لوازم خانگی انجام شد.

روش کار: در مطالعه مقطعی حاضر، کلیه افراد شاغل در بخش عملیاتی یک صنعت تولید لوازم خانگی شامل ۳۴۶ نفر در شش گروه شغلی شرکت کردند. به منظور تعیین میزان ابتلا به اختلالات اسکلتی-عضلانی از پرسشنامه عمومی نوردیک استفاده شد. به منظور پیش بینی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی-عضلانی اندام فوقانی از سه روش RULA، LUBA و RULA، LUBA و RULA استفاده گردید. در نهایت داده‌های مربوط به مقادیر واقعی اختلالات اسکلتی - عضلانی و مقادیر ریسک پیش بینی شده توسط سه روش مذکور با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی اسپیرمن و ضریب توافق کاپا در سطح معناداری ۰/۰۵ و در محیط نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سن و سابقه کار افراد مورد مطالعه به ترتیب $39/52 \pm 4/81$ و $9/17 \pm 4/61$ سال بود. میزان همبستگی بین سطوح اختلالات اسکلتی - عضلانی و سطوح ریسک پیش بینی شده در روش‌های RULA، LUBA و RULA به ترتیب ۰/۷۰۱، ۰/۶۹۱ و ۰/۶۲۹ مشخص گردید ($P < 0/05$). میزان ضریب همبستگی سطوح ریسک پیش بینی شده در روش RULA با سطوح ریسک متناظر آن در روش‌های RULA و LUBA نیز به ترتیب ۰/۷۱۳ و ۰/۶۱۹ بود ($P < 0/05$).

نتیجه گیری: نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که روش RULA و روش LUBA به ترتیب در وظایف با ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی - عضلانی کم و متوسط و روش RULA در وظایف با ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی - عضلانی بالا و بسیار بالا پیش بینی‌های بهتری را ارائه می‌دهند و در حالت کلی بهترین روش جهت پیش بینی بروز اختلالات اسکلتی - عضلانی، روش RULA می‌باشد. از آنجا که هیچ یک از این روش‌ها برای ارزیابی هر چهار سطح ریسک جامعیت کافی را ندارند، پیشنهاد می‌شود روش‌های جدیدتری بر مبنای اصلاح و تقسیم بندی بهتر زوایا خصوصاً در حرکات اکستنشن و جانبی توسعه یابند.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی - عضلانی، روش RULA، روش LUBA، روش RULA



ارزیابی شاخص های بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی (HSE) پارک ها و فضای سبز شهر کاشان در سال ۹۷

حکیمه زمانی بادی^۱، نظام میرزایی^۲، مهدیه محمدزاده^۳

کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، گروه مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.
دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.

زمینه و هدف: با توجه به گسترش شهرنشینی و اهمیت وجود پارک ها در فضای شهری، موضوعات بهداشت، ایمنی و محیط زیست، از جمله موارد مهمی است که قبل از بروز حوادث و همچنین اثرات نامطلوب و جهت رفع نیازهای استفاده کنندگان از پارک ها و به نوعی تمام شهروندان، باید مورد توجه قرار گیرد. هدف از این پژوهش، ارزیابی شاخص های بهداشت، ایمنی و زیست محیطی پارک ها و فضاهای سبز شهری می باشد.

روش کار: شاخص های بهداشت، ایمنی و محیط زیست پارک های شهری از طریق مطالعات کتابخانه ای و بررسی های میدانی، از روش پرسشنامه ای جهت دریافت نظرات مسئولین پارک ها درمورد وضعیت بهداشت، ایمنی و محیط زیست کل پارک های شهر کاشان تعیین گردید و نتایج آن به کمک نرم افزارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: نتایج بیانگر آن است که میزان مطلوبیت شاخص های ایمنی پارک های تحت مطالعه با ۷۴/۷۷٪ از میزان مطلوبیت شاخص های محیط زیستی آن ها با ۷۹/۴۲٪ کمتر و از میزان مطلوبیت شاخص های بهداشتی آن ها با ۵۸،۸۶٪ بیشتر است. همچنین شاخص های وضعیت پارک ها از نظر داشتن امکانات امدادی، رسیدگی منظم و مستمر به وضعیت سلامتی کارکنان پارک، وضعیت دفع صحیح فاضلاب انسانی در پارک در سه بخش ایمنی، بهداشت و محیط زیست، به ترتیب با ۴۱/۹٪، ۰٪، ۲۵/۷۱٪ کمترین میزان مطلوبیت را در پارک های تحت مطالعه به خود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده انجام مطالعات مستمر به منظور تأمین ایمنی پارک های سطح شهر و همچنین ارتقای سطح بهداشت آنها توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: پارک های شهری، فضاهای سبز شهری، سامانه مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE)، کاشان



بررسی تأثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری‌های قلبی-عروقی

احمد واحد نصیری^۱، سالار عینی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران. ایمیل: salarsurgicaltechnologist@gmail.com

زمینه و هدف: استرس شغلی در نتیجه فرآیند کار و یا عوامل محیط کار است که منجر به بیماری‌های جسمی نظیر بیماری‌های قلبی-عروقی و بیماری‌های روانی می‌شود. در اغلب کشورهای توسعه یافته بیماری‌های قلبی-عروقی رتبه نخست مرگ و میر در اثر بیماری‌های غیر واگیر را به خود اختصاص می‌دهد. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر استرس شغلی بر میزان بروز بیماری‌های قلبی-عروقی انجام گردید.

روش کار: در این مطالعه مروری از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی (Pubmed)، (SID) و موتور جستجوگر (Google scholar) و با بهره بردن از واژه‌های کلیدی استرس شغلی، بیماری قلبی و عوامل خطر به مقالات دسترسی حاصل شد. ۱۹ مقاله که دسترسی به متن کامل آنها میسر بود از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ مورد مطالعه قرار گرفت که از ۱۴ مقاله در میان آنها در این مطالعه مروری بهره کامل گرفته شد.

یافته‌ها: فراوانی شیوع بیماری‌های قلبی-عروقی در مشاغل با استرس شغلی بالا ۵۰٪ بیشتر از سایر مشاغل است. استرس شغلی به طور میانگین سبب افزایش ۲/۲ برابر ریسک سکته قلبی می‌شود و خطر بیماری‌های قلبی را با افزایش سطح TG و LDL و فشار خون، تا ۴۰٪ افزایش می‌دهد. همچنین استرس شغلی سبب ضخیم شدن دیواره شریان کاروتید می‌شود که نشان اولیه بیماری قلبی-عروقی است.

نتیجه‌گیری: استرس در ایجاد بیشتر بیماری‌ها نقش دارد. همچنین استرس باعث افزایش ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی می‌شود. از طرفی استرس میزان اپی نفرین، نور اپی نفرین، فشار خون، کورتیزول، فیبرینوژن و ... را افزایش می‌دهد که این عوامل خود ریسک فاکتوری برای بیماری‌های قلبی-عروقی به شمار می‌روند. از این رو انجام تحقیقات بیشتر در این راستا توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، بیماری قلبی، عوامل خطر



بررسی تأثیر اختلالات اسکلتی-عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران

احمد واحد نصیری^۱، سالار عینی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی مراغه، مراغه، ایران. ایمیل: salarsurgicaltechnologist@gmail.com

زمینه و هدف: اختلالات عضلانی-اسکلتی (WMSDs) یکی از شایع‌ترین مشکلات سلامت شغلی می‌باشند که با صرف هزینه‌های زیاد و کاهش بهره‌وری همراه هستند. پرستاران به دلیل بار کاری زیاد و فعالیت فیزیکی طاقت‌فرسا به میزان قابل توجهی در معرض WMSDs قرار دارند. کیفیت زندگی یک مفهوم چندبعدی است که ابعاد جسمی، فردی، اجتماعی و عاطفی را در بر می‌گیرد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر اختلالات اسکلتی-عضلانی بر کیفیت زندگی پرستاران انجام گردید.

روش کار: این مطالعه مروری سیستماتیک در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، با بررسی مقالات ایندکس شده در پایگاه‌های اطلاعاتی Magiran, SID, Google Scholar, Pubmed, Iranmedex, irandoc و با ترکیب واژگان کلیدی مناسب صورت گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به دست آمده، بین اختلالات عضلانی-اسکلتی و کلیه ابعاد کیفیت زندگی رابطه مستقیم وجود دارد. ۷/۴٪ از پرستاران در هر هفته به علت فرسودگی و ناتوانی ناشی از اختلالات عضلانی-اسکلتی غیبت می‌کنند که ۸۰٪ بیشتر از سایر گروه‌های حرفه‌ای است. اختلالات عضلانی-اسکلتی ناحیه کمر با شیوع ۶۰/۹٪ شایع‌ترین WMSDs در بین پرستاران می‌باشد. شیوع اختلالات عضلانی-اسکلتی ناحیه کمر در پرستاران کشور تایوان ۷۶٪، آفریقا ۸۰٪، ایتالیا ۴۹٪ و در پرستاران ایرانی ۶۲٪ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: WMSDs در بین پرستاران از آمار بالایی برخوردار است و اغلب پرستاران از سطح کیفیت زندگی متوسطی برخوردارند. باتوجه به اینکه هر گونه مداخله جهت پیشگیری از WMSDs و بهبود کیفیت زندگی رابطه مستقیمی با کاهش فشار کاری در بین پرستاران دارد، به کارگیری تعداد کافی پرسنل پرستار در مراکز درمانی به منظور بهبود کیفیت زندگی و کاهش WMSDs در پرستاران توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: اختلالات اسکلتی-عضلانی، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، پرستاران



ارزیابی نیروی فشاری وارد بر کمر به روش یوتا (UTAH) در کارگران یک صنعت لبنیات

اسماعیل رادپور^۱، عبدالستار نیازی^۲، سلیمه آنه بردی پورقزل^۲، پویان قربانی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایمیل:

radpoor93@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت حرفه ای، مرکز بهداشت گمیشان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

زمینه و هدف: در اکثر صنایع وظایف کارگران به نحوی می باشد که حمل دستی بار غیر قابل اجتناب است. از مهمترین عوارضی که حمل دستی بار برای شاغلین این گونه صنایع در پی دارد آسیب های حاد کمر و حتی ناتوانی کارگران می باشد. لذا بررسی شرایط کار و اصلاح نواقص از جمله وظایفی است که بر عهده کارکنان حوزه سلامت، به خصوص در صنایع مرتبط می باشد. با توجه به این مهم، هدف این مطالعه ارزیابی ریسک های مربوط به حمل دستی بار در یک صنعت لبنیات و ارائه پیشنهادات اصلاحی در این زمینه می باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی- مقطعی در بین ۳۵ کارگر کارخانه لبنیات در سال ۱۳۹۷ که وظیفه حمل و جابجایی بار را برعهده داشته اند، انجام گرفت. ابتدا با استفاده از تکنیک آنالیز شغلی جدولی (TTA) مشاغل انتخابی در هر یک از ایستگاه های کاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس در کاربرد روش یوتا (Utah) اطلاعات مربوط به وظیفه مانند وزن بدن، وزن بار، فاصله افقی بار تا بدن، زاویه تنه از ۹۰-۰ درجه را وارد شد. در نهایت نیروی وارده به کمر هر فرد نیز با استفاده از فرمول محاسبه گردید.

یافته ها: در این مطالعه ۱۳ وظیفه شناسایی گردید. نیروی فشاری وارد بر کمر (FC) در ۸۴/۶۱ درصد وظایف بیشتر از حد مجاز استاندارد (۷۰۰ پوند) بود. وزن سنگین بار مسئول بیشترین نیروی وارده به کمر بوده و اصلاح زاویه کمر در حین حمل بار منجر به کاهش میزان نیروی وارد شده به کمر می گردد. بدترین شرایط اعمال نیرو در بلند کردن بارهایی بوده که وزن ۲۵ کیلوگرم داشته و در ارتفاع نزدیک به زمین قرار گرفته اند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، استفاده از اقدامات مهندسی جهت اصلاح زاویه کمر و کاهش فواصل افقی بار پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: روش یوتا، حمل دستی بار، کارگران صنعت لبنیات



بررسی تأثیر استقرار سیستم های مدیریتی مرتبط با HSE (بهداشت، ایمنی، محیط زیست) بر شاخص های حوادث در صنایع استان آذربایجان شرقی در یک دوره ده ساله

فرامرز عدل بخش^۱، فریبا خلیل وند^۲، مجتبی جعفروند^۳

^۱ کارشناسی ارشد مهندسی ایمنی صنعتی، مرکز بهداشت شهرستان تبریز، ایران. ایمیل: fadlbaksh@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مهندسی شیمی گرایش ایمنی و سلامت و محیط زیست شرکت سگال آذر تبریز

^۳ کارشناسی ارشد بهداشت حرفه ای، قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، موسسه عاشورا، تبریز، ایران

زمینه و هدف: یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار در شاخص های کمی و کیفی تولید، خطاهای انسانی و حوادث هست که به طور مستقیم از برنامه های ایمنی نقش می گیرد. برنامه های ایمنی تأثیرات خود را بر روی کارکنان به صورت رضایت مندی شغلی و بهره وری نیروی کار و بر روی محصولات به صورت کیفیت محصول نشان می دهد.

روش کار: این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی- تحلیلی گذشته نگر بوده و بر اساس اطلاعات ۱۰ سال آمار و مستندات ثبت شده در صنایع مستقر در استان آذربایجان شرقی به اجرا درآمد. در این تحقیق اطلاعات براساس پرسش نامه استاندارد (بری فیلد و روث) از صنایع استان آذربایجان شرقی جمع آوری شد که در آن برای تعیین درجه موفقیت برنامه های ایمنی از شاخص های مهم ایمنی مثل شاخص ارزیابی ریسک، شاخص ممیزی های انجام شده، شاخص آموزش ایمنی کارکنان و شاخص سرمایه گذاری در زمینه لوازم حفاظت فردی و برای تعیین درجه حوادث از شاخص فراوانی حادثه، شاخص شدت حادثه، شاخص شدت- فراوانی حادثه استفاده گردید. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین شاخص AFR در سال ۱۳۹۲ بیشترین مقدار (۴۶/۵۳) در بین ۱۰ سال مورد بررسی به خود اختصاص داده است. همچنین میانگین شاخص ASR بیشترین مقدارها (۵/۱۱ و ۵/۰۹) را، به ترتیب در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ را نشان داد. به علاوه نتایج نشان داد که بین استقرار سیستم های مدیریتی مرتبط با HSE و شاخص FSI ارتباط معناداری وجود دارد (۰/۰۵ < p).

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که استقرار سیستم های مدیریتی مرتبط با HSE می تواند در کاهش حوادث جانی و مالی تأثیرگذار باشد. همچنین توصیه می شود در استقرار استانداردهای مرتبط با ایمنی و حوادث، اطلاعات به صورت دقیق و جامع تر در سازمان یا شرکت پیاده سازی شده و ثبت گردد.

واژگان کلیدی: سیستم های مدیریتی، شاخص حوادث، صنایع آذر بایجان شرقی



فرسودگی شغلی و برخی عوامل مرتبط با آن در پرستاران بیمارستان امام خمینی اسفراین در

سال ۱۳۹۸

محدثه داورپناه^۱، احمد صادقی^۲، عابدین بخت آبنوس^۱، حسین روحانی^۲، فرشته عیدی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران
^۲ استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران. ایمیل: Ahmadsadeghi1363@gmail.com
^۳ کارشناس ارشد آمار حیاتی، دانشکده علوم پزشکی اسفراین، اسفراین، ایران

زمینه و هدف: قسمت عمده زندگی هر شخص، صرف اشتغال می گردد و می توان گفت، مواجهه مزمن با عوامل استرس زا مربوط به شغل می تواند باعث فرسودگی شغلی شود. با توجه به اهمیت حرفه پرستاری در ارائه خدمات درمانی، مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت فرسودگی شغلی و عوامل مرتبط با آن را در پرستاران شاغل در بیمارستان امام خمینی اسفراین انجام گردید.

روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی می باشد که بر روی ۱۱۰ نفر از پرستاران بیمارستان امام خمینی (ره) اسفراین که به روش سرشماری انتخاب شدند، در سال ۹۸-۹۷ انجام گرفت. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه استاندارد فرسودگی شغلی ماسلاچ و جکسون صورت گرفت که فرسودگی شغلی را در قالب چهار حیطه مسخ شخصیت، خستگی عاطفی و درگیری ارتباطی و عملکرد مورد سنجش قرار داد. داده ها جمع آوری و سپس وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ شد برای بررسی و توصیف فرسودگی شغلی از شاخص های پراکندگی و برای آنالیز روابط بین متغیرها از همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس و-t test استفاده گردید.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد وضعیت فرسودگی شغلی در حد متوسط به بالا برآورد گردید. بین شیفت کاری و سابقه کار با ابعاد فرسودگی شغلی ارتباط آماری معنی دار مشاهده گردید. ($P < 0.05$) بین متغیر وضعیت تاهل و میزان تحصیلات با حیطه های مسخ شخصیت، خستگی عاطفی و درگیری ارتباط معنادار دیده نشد. ($p\text{value} > 0.05$) حیطه مسخ شخصیت با وضعیت اقتصادی ارتباط داشت. ($P = 0.04$)

نتیجه گیری: اغلب پرستاران ابراز کردند که درجاتی از فرسودگی شغلی را دارا می باشند. از انجایی که شیفت کاری و حجم زیاد کارها و همچنین سابقه کاری از متغیرهای تاثیر گذار بر فرسودگی شغلی بوده، لذا پیشنهاد می گردد اقداماتی در راستای تغییر شیفت های کاری و تعدیل کارها و مسئولیت ها از سوی مدیریت صورت گیرد.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، پرستار، بیمارستان



ارزیابی ریسک گردوغبار قابل اشتعال در صنایع با ریسک انفجار در شهرستان شاهرود

زهرا مرادپور^۱، قاسم حسام^۱

^۱ دانشجوی دکترای مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: z.moradpoor69@gmail.com

زمینه و هدف: در بسیاری از موارد پراکندگی ذرات گردوغبار در مقدار و غلظت کافی سبب احتراق سریع و انفجار می شود. هدف از این مطالعه ارزیابی ریسک گردوغبار قابل اشتعال در برخی از صنایع در شهرستان شاهرود می باشد.

روش کار: در این مطالعه جهت بررسی غلظت گردوغبار در کارخانجات مورد نظر از روش NIOSH 0500 استفاده شد. سپس ارزیابی ریسک به روش تجزیه و تحلیل حالات خطر و اثرات ناشی از آن (FMEA) جهت بررسی ریسک جرقه زنی، صورت پذیرفت. همچنین منابع اصلی احتمالی انفجار ثانویه نیز بوسیله ی مشاهده و مصاحبه با مدیران و سرپرستان مشخص گردید.

یافته ها: نتایج بررسی غلظت گردوغبار قابل انفجار در صنایع مورد نظر نشان داد بیشترین تولید گردوغبار مربوط به صنایع PVC با غلظت 43 ± 74 میلی گرم بر مترمکعب می باشد. نتایج ارزیابی ریسک FMEA نیز مشخص نمود که وسایل و تجهیزات انتقال مواد، خشک کن ها، تجهیزات برشکاری و سوراخکاری، موتورها و تابلو برق ها از جمله وسایل و تجهیزات با بالاترین ریسک در ایجاد جرقه و اشتعال می باشند. به طور کلی مشخص شد سیلوها با ظرفیت نگهداری بالایی که دارند می توانند مهمترین منابع احتمالی انفجار ثانویه باشند.

نتیجه گیری: غلظت گردوغبار قابل انفجار نسبت به حداقل غلظت قابل انفجار بسیار پایین تر می باشد ولی با توجه به منابع وسیع جرقه زنی و منابع بزرگ ذخیره سازی محصولات پودری که وجود دارد، توجه به انفجار گردوغبار در برخی از این صنایع، بسیار حائز اهمیت می باشد.

واژگان کلیدی: گردوغبار، انفجار، ارزیابی ریسک، صنعت





شناسایی و ارزیابی خطاهای انسانی منجر به حوادث در مدیریت نورد کارخانه ذوب آهن اصفهان با استفاده از روش تجزیه و تحلیل فاکتورهای انسانی و طبقه بندی سیستم

هادی علیمرادی^۱، مهسا نظری^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. ایمیل: Nazarimahsa95@yahoo.com

زمینه و هدف: بروز حوادث برای مشتریان داخلی و خارجی هر سیستم از یک طرف موجب نگرانی کارکنان و از طرفی دیگر موجب نگرانی مدیریت و از بین رفتن سرمایه و اقتصاد جامعه می شود. حوادث یکی از مهم ترین علل بروز خسارات در یک سازمان می باشد که به واسطه سلسله ای از خطاهای اغلب جزئی و کم اهمیت یک فرد و یا یک مجموعه رخ می دهد. با وجود اینکه روش های ارزیابی ریسک و پیشگیری از حوادث در صنایع، نظیر صنعت فولاد به کار گرفته شده است، اما هنوز حوادث بی شماری در این صنایع مشاهده می شود. روش آنالیز فاکتورهای انسانی و طبقه بندی سیستم (HFACS) با آنالیز حوادث گذشته می تواند خطاهای انسانی را در صنایع فولاد بررسی نمایند. به همین دلیل این پژوهش با هدف شناسایی خطاهای انسانی منجر به حوادث با استفاده از مدل تجزیه و تحلیل فاکتورهای انسانی و طبقه بندی سیستم در کل مدیریت نورد کارخانه ذوب آهن اصفهان انجام گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه گذشته نگر می باشد که در مدیریت نورد کارخانه ذوب آهن اصفهان انجام شد. آمار حوادث از مدیریت نورد تهیه شد، ابتدا گزارش تحلیلی علل ریشه ای (RCA) حوادث که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ اتفاق افتاده بود تهیه شد و سپس با استفاده از چارچوب HFACS تجزیه و تحلیل گردید. این روش دارای ۴ سطح و ۱۸ زیرگروه می باشد که به ترتیب شامل: ۱ اعمال نایمن اپراتورها با ۴ زیرگروه، ۲ پیش شرایط برای اعمال نایمن با ۷ زیرگروه، ۳ نظارت نایمن شامل ۴ زیرگروه و ۴ تاثیر سازمان با ۳ زیرگروه می باشد.

یافته ها: در این تحقیق ۲۲۰ گزارش حادثه مربوط به مدیریت نورد با روش HFACS آنالیز گردید. بیشترین خطاها مربوط به سطح اول است یعنی خطاهای ناشی از اعمال نایمن که در این سطح زیرگروه «تخطی»، سطح ۲ زیرگروه «محیط فیزیکی»، سطح ۳ زیرگروه «نظارت ناکافی» و سطح ۴ زیرگروه «مدیریت منابع» بیشترین تعداد تکرار را در سطوح مذکور دارند.

نتیجه گیری: از مطالعه و آنالیز حوادث گذشته با استفاده از روش HFACS می توان علل اصلی و ریشه ای حوادث را شناسایی و از تکرار این حوادث و عواملی که منجر به بروز حادثه می شوند، جلوگیری نمود. با بکارگیری همزمان کنترل های مدیریتی و با ایجاد فضای آموزشی مناسب و بالا بردن سطح آگاهی افراد می توان به کاهش خطای انسانی در سازمان کمک کرد.

واژگان کلیدی: خطای انسانی، روش HFACS، تحلیل علل ریشه ای، تجزیه و تحلیل فاکتورهای انسانی



ارزیابی بار ذهنی کار در پرسنل نورد ۳۰۰ ذوب آهن با استفاده از شاخص NASA-TLX و

بررسی فاکتورهای موثر بر آن

مهسا نظری^۱، هادی علیمرادی^۱، محمد مهدی میرصالحیان^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. ایمیل:

hadialimoradi@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد مدیریت سلامت ایمنی و محیط زیست دانشگاه تهران (HSE)

زمینه و هدف: پیشرفت تکنولوژی باعث تغییر ماهیت کارها از حالت جسمانی به فعالیتهای ادراکی و مبتنی بر مدلهای دریافت و پذیرش ذهنی اطلاعات شده است. شاغلین نورد ۳۰۰ به دلیل نیاز به تصمیم گیری حیاتی، سرعت عمل و درک صحیح از سیستمهای کنترل در معرض بار ذهنی کار قرار دارند. اطلاع دقیق از میزان بار ذهنی کار در پیشگیری از خطاهای انسانی، تعیین سختی کار و تأمین سلامت پرسنل نورد ۳۰۰ حائز اهمیت است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی- تحلیلی می باشد. که در سال ۹۷ در جامعه آماری پرسنل نورد ۳۰۰ ذوب آهن استان اصفهان (۹۰ نفر مرد) انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، شاخص ارزیابی بار ذهنی کار ناسا (NASA-TLX) با ۶ مقیاس نیاز ذهنی، نیازهای فیزیکی، نیازهای زمانی، نحوه عملکرد، میزان تلاش و سطح ناامیدی بود. این آزمون به صورت خودارزیابی و در سه مرحله شامل تعیین وزن بار ذهنی، تعیین درجه بار ذهنی و محاسبه نمره نهایی بار ذهنی کار انجام گردید. روایی و پایایی این شاخص در مطالعات قبلی تایید شده است (آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳). آنالیز آماری آن با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۰ و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره و آزمون اسپیرمن انجام شده است.

یافته ها: میانگین نمره بار ذهنی در فعالیت های ساده و پیچیده نورد ۳۰۰ به ترتیب معادل $51/3 \pm 15/3$ و $80/2 \pm 4/5$ به دست آمد. تأثیرگذارترین عامل بار ذهنی کار در در فعالیت های ساده و پیچیده نورد ۳۰۰ به ترتیب مربوط به نیازهای فیزیکی ($0/05 < P$ و $\beta = 0/45$) و نیازهای ذهنی ($0/05 < P$ و $\beta = 1/36$) بود. ضریب تعیین مدل در فعالیت های پیچیده نورد ۳۰۰، $0/88$ ، به دست آمد که بر اساس آن می توان نمره بار ذهنی ۸۸ درصد پرسنل نورد ۳۰۰ ذوب آهن را با این مدل پیش بینی کرد. نتایج مطالعه نشان داد سطح تحصیلات افراد مورد بررسی با نمره بار ذهنی کار در فعالیتهای پیچیده رابطه معنی دار ($0/05 < P$) دارد. نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد کارکنان نورد ۳۰۰ ذوب آهن در معرض بار ذهنی بالا ($80/2$) قرار دارند که ناشی از نیاز به داشتن سرعت عمل، کنترل شمش ها، تصمیم گیری جهت برداشت و انتقال سریع شمش ها می باشد. در حالیکه نمره بار ذهنی در فعالیت های ساده در حد متوسط ($51/3$) می باشد. استخدام افراد با مدرک تحصیلی بالا نیز می تواند منجر به کاهش بار ذهنی و بروز خطاهای انسانی شود.

واژگان کلیدی: بار ذهنی کار، شاخص Nasa-Tlx، نیاز ذهنی، نیاز فیزیکی، نورد ۳۰۰



بررسی حساسیت اخلاقی پرستاران و ارتباط آن با رضایت بیماران از خدمات ارائه شده توسط پرستاران مراکز آموزشی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

صدیقه حنایی^۱، درین نیکبخت^۲، وحید رحمانی^۲، محمد عرب سرخی^۲، مصطفی خوری نژاد^۳، اسماعیل تیموری^۲

^۱ عضو هیئت علمی، گروه تکنولوژی اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: Tesmaeil@yahoo.com
^۳ کارشناس اتاق عمل، دانش آموخته دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سمنان، ایران

زمینه و هدف: چالش های اخلاقی یکی از مسائل مهم پیرامون حرفه های مختلف از جمله حرفه های مرتبط با ارائه خدمات بهداشتی درمانی محسوب می شود. حساسیت اخلاقی منجر به تصمیم گیری اخلاقی شده و در عملکرد حرفه ای و شناخت یک موضوع اخلاقی اهمیت بسزایی دارد. از طرفی سنجش رضایتمندی بیماران یکی از معیارهای اساسی در تعیین کیفیت خدمات بهداشتی درمانی محسوب می شود. از آنجا که تصمیم گیری های مختلف بر کیفیت خدمات ارائه شده و در نهایت رضایت بیمار تاثیر گذار است لذا هدف از این مطالعه تعیین حساسیت اخلاقی پرستاران و ارتباط آن با رضایت بیماران از خدمات ارائه شده توسط پرستاران مراکز آموزشی-درمانی دانشگاه علوم پزشکی سمنان می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی (توصیفی - همبستگی) است که بر روی ۲۰۰ نفر متشکل از ۱۰۰ پرستار از بخش های مختلف و یک بیمار به اداء هر پرستار از همان بخش در سال ۱۳۹۵ انجام شد. پرستاران با حداقل ۶ ماه سابقه کار و بیمارانی که حداقل ۲۴ ساعت از زمان بستری شدن آنها گذشته بود به روش نمونه گیری در دسترس و آگاهانه وارد پژوهش شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های دموگرافیک، رضایت بیمار (PSI) و حساسیت اخلاقی (MSQ) استفاده شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون تی مستقل، آنوا و پیروسون در نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: سطح حساسیت اخلاقی پرستاران از نمره (۹۸-۱۹۶)، 17 ± 40 ، $135/58$ محاسبه شده و ۴۳ درصد از بیماران از خدمات پرستاری ارائه شده کاملاً راضی و ۳۳ درصد رضایت متوسط داشتند. بین حساسیت اخلاقی پرستاران و رضایت بیماران از خدمات ارائه شده همبستگی معناداری وجود داشت ($P=0/04$). میانگین نمره حساسیت اخلاقی بر حسب مشخصات دموگرافیک تفاوت معناداری یافت نشد. بین سطح تحصیلات بیماران با رضایتمندی آنان ارتباط مستقیم و معناداری وجود داشت ($P=0/032$).

نتیجه گیری: افزایش حساسیت اخلاقی پرستاران بر ارتقاء رضایتمندی بیماران از کیفیت خدمات پرستاری مؤثر است. لذا پیشنهاد می شود راهکارهای مناسبی از سوی برنامه ریزان سیستم سلامت در راستای تعدیل یا برطرف کردن موانع پیش روی پرستاران و افزایش حساسیت اخلاقی آنها به منظور تصمیم گیری های اخلاقی اتخاذ گردد.

واژگان کلیدی: حساسیت اخلاقی، رضایتمندی بیماران، پرستاران، مراکز آموزشی درمانی



دیسترس اخلاقی و ارتباط آن با تمایل به ترک خدمت در تکنولوژیست های اتاق عمل مراکز منتخب آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران

صدیقه حنایی^۱، اسماعیل تیموری^۲، وحید رحمانی^۲، محمد عرب سرخی^۲، درین نیکبخت^۲

^۱ عضو هیئت علمی، گروه تکنولوژی اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: Dorrinblue@gmail.com

زمینه و هدف: دیسترس اخلاقی از جمله تنش های اخلاقی محسوب می شود که فرد با وجود داشتن آگاهی و توانایی های لازم، به دلیل محدودیت های موجود سازمان توانایی تصمیم گیری صحیح اخلاقی را ندارد. از طرفی ترک خدمت از مهمترین دغدغه های مدیریت انسانی به شمار می رود که هزینه های زیادی را بر سازمان تحمیل کرده و تبعات منفی زیادی را به دنبال دارد. بنابراین هدف مطالعه حاضر تعیین دیسترس اخلاقی و ارتباط آن با تمایل به ترک خدمت در تکنولوژیست های اتاق عمل مراکز منتخب آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی (توصیفی - همبستگی) است که در سال ۱۳۹۷ انجام شد. واحدهای پژوهش تکنولوژیست های اتاق عمل بودند که با توجه به معیارهای ورود و به روش سرشماری وارد مطالعه شدند (N=۱۰۰). اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه های دموگرافیک، دیسترس اخلاقی کورلی و مقیاس پیش بینی ترک خدمت جمع آوری شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون آنوا، تی مستقل و پیرسون در نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: طبق نتایج مطالعه ۸۵٪ زن و ۱۵٪ متاهل بودند. میانگین شدت دیسترس اخلاقی ۲/۶۷ و میانگین تکرار آن ۲/۴۵ از دامنه ۰-۵ و تمایل به ترک خدمت ۳/۰۷ از دامنه ۰-۵ به دست آمد. بین دیسترس اخلاقی و تمایل به ترک خدمت رابطه معناداری یافت نشد ($P > 0/05$). بین متغیرهای سن، جنس، سابقه کاری و پست سازمانی با دیسترس اخلاقی رابطه معناداری مشاهده نشد. بین متغیر سابقه کاری و تمایل به ترک خدمت رابطه معناداری وجود داشت ($P = 0/032$).

نتیجه گیری: هر چند رابطه معناداری میان شدت دیسترس اخلاقی و تمایل به ترک خدمت در تکنولوژیست های اتاق عمل یافت نشد اما با توجه به نتایج به دست آمده که سطح دیسترس اخلاقی را متوسط نشان می دهد، پیشنهاد می شود که مدیران بیمارستانی با اتخاذ راهکارهای مناسب در جهت شناخت و کاهش عوامل دیسترس زا اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: دیسترس اخلاقی، تمایل به ترک خدمت، تکنولوژیست اتاق عمل، مراکز آموزشی درمانی



بررسی مروری میزان رعایت اصول بهداشت دست در کارکنان اتاق عمل بیمارستان‌های دولتی

شهر تهران

محمد عرب سرخی میشابلی^۱، اسماعیل تیموری^۲، درین نیکبخت^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: mh.arabsorkhi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: در اتاق عمل انجام پروسیجرهای جراحی بیماران را بیشتر در معرض عفونت قرار می‌دهد لذا رعایت بهداشت دست کارکنان اتاق عمل در پیشگیری از عفونت‌های قبل و بعد از عمل حائز اهمیت است. هدف از این مطالعه بررسی میزان رعایت بهداشت دست در پرسنل اتاق عمل بیمارستان‌های دولتی شهر تهران می‌باشد.

روش کار: این پژوهش یک مقاله مروری - سیستماتیک می‌باشد، جهت دستیابی به اهداف مورد نظر از جستجوی پیشرفته در پایگاه‌های داده‌ای معتبر همچون ایرانداک، مگیران، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، گنج، پایگاه مجلات تخصصی نور بهره گرفته شده که با واژگان کلیدی‌های ((محلول بتادین، محلول دکوسپت، شستشوی دست برای جراحی، آلودگی دست افراد کارکنان اتاق عمل، وضعیت بهداشتی، انتشار عفونت، کنترل عفونت، بیمارستان‌های دولتی)) در مجموع ۵۰ مقاله مرتبط طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ یافت شده است که حاصل آن پژوهش مد نظر می‌باشد.

یافته‌ها: میانگین امتیازات بهداشت دست (۶۱/۳٪) امتیاز کامل و میزان رعایت در اکثر واحدهای پژوهش (۵۳٪) متوسط بود و امتیاز آن به تفکیک در بیمارستان فوق تخصصی، زنان و قلب به ترتیب (۶۰/۱٪)، (۶۴/۵٪) و (۶۲/۳٪) امتیاز کامل بود. کمترین مواردی که در بهداشت دست رعایت می‌شد، شستشوی دست‌ها با آب و صابون قبل (۴/۴٪) و بعد (۱۲/۵٪) از مراقبت و شستشوی دست‌ها پس از خروج دستکش از دست (۱۰/۸٪) بود، بعلاوه اکثریت (۶۷/۹٪) حین مراقبت از بیمار دستکش می‌پوشیدند.

نتیجه‌گیری: در این بررسی میزان رعایت بهداشت دست در حدود ۶۱/۳ به دست آمد، اگرچه کمتر به شستشوی دست با آب و صابون قبل و پس از مراقبت توجه می‌شد. همچنین به لحاظ اهمیت رعایت همه جانبه بهداشت دست ضروری است تمهیداتی در جهت رعایت کامل این اقدام مهم صورت گیرد و موانع اجرائی آن برطرف شود.

واژگان کلیدی: محلول بتادین، محلول دکوسپت، عفونت، بیمارستان‌های دولتی



طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه علائم غیر اختصاصی برای کارکنان در معرض مواجهه با نانومواد

سقراط عمری شکفتیک^۱، فرشاد حسینی شیرازی^{۲،۳}، رسول یاراحمدی^۱، مسعود سلیمانی دودران^۴،
محبوبه رسولی^۵، آزاده اشتری نژاد^۱

- ^۱ مرکز تحقیقات آلودگی هوا، گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: ashtarinezhad@iums.ac.ir
- ^۲ مرکز تحقیقات علوم دارویی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
- ^۳ گروه فارماکولوژی سم شناسی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
- ^۴ گروه اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
- ^۵ گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

زمینه و هدف: فناوری نانو از جمله حوزه هایی است که در چندین دهه اخیر با سرعت بسیار زیادی پیشرفت کرده است. این حوزه، بخش های مختلف علم و صنعت را تحت تاثیر قرار داده است که ناشی از ویژگی های خاص مواد در مقیاس نانو است، که آنها را، با وجود ترکیب شیمیایی یکسان، از مواد با مقیاس بزرگتر متمایز می کند. از طرف دیگر، همین ویژگی های متمایز، در سال های اخیر نگرانی هایی را در مورد احتمال آسیب رسانی نانومواد به انسان، حیوانات و محیط زیست ایجاد کرده است. لذا تحقیق حاضر با هدف ایجاد ابزاری ساده برای بررسی علائم کارکنان در معرض مواجهه با نانومواد انجام گرفته است.

روش کار: در این مطالعه، با استفاده از منابع علمی معتبر و به کمک اساتید مجرب از تخصص های مختلف (بهداشت حرفه ای، طب کار، سم شناسی و اپیدمیولوژی)، اقدام به طراحی و اعتبارسنجی یک پرسشنامه علائم غیر اختصاصی برای کارکنان در معرض مواجهه با نانومواد شده است.

یافته ها: پرسشنامه در ۶ بخش (مشخصات و عادات فردی، علائم پوستی، علائم گوارشی، علائم عصبی، علائم تنفسی و علائم چشمی) و در مجموع با ۵۷ گویه طراحی شد. بررسی انسجام درونی پرسشنامه با استفاده از ضریب کودر-ریچاردسون، نشان داد که این ضریب برای پرسشنامه ۰/۹۷ است؛ همچنین پایایی آزمون- بازآزمون برای ۲۵ کارگر در معرض مواجهه با نانومواد برای تک تک سوالات با استفاده از ضریب Kappa انجام گرفت.

نتیجه گیری: نتایج اعتبارسنجی نشان داد که ابزار طراحی شده، ابزاری مناسب برای هدف مورد نظر است.

واژگان کلیدی: نانومواد، مواجهه شغلی، علائم غیر اختصاصی، پرسشنامه، اعتبارسنجی



ارتباط ویژگی های شخصیتی با مشکلات روانی: مطالعه‌ای مقطعی بر روی نمونه‌ای بزرگ از بزرگسالان اصفهان

پریسا پورنظری^۱، عباس خدایی مهر^۱، یوحابه محمدیان^۲

^۱ کارشناسی ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده بهداشت، گروه آمار زیستی و اپیدمیولوژی، اصفهان، ایران. ایمیل: p.pournazari93@gmail.com

^۲ استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

زمینه و هدف: در مطالعات پیشین، رابطه بین کلیه ابعاد ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب، افسردگی و پریشانی روانی بررسی نشده است. در مطالعه حاضر، ارتباط همه ابعاد ویژگی‌های شخصیتی با اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی و ترکیب این سه متغیر به‌عنوان عامل مشکلات روانی، به‌طور هم‌زمان با استفاده از روش‌های آماری پیشرفته ارزیابی شده است.

روش کار: مطالعه حاضر، مبتنی بر داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های مربوط به ۴۷۶۳ شرکت کننده است که به صورت مقطعی در مورد "اپیدمیولوژی مشکلات روانی، سلامت غذایی و تغذیه" انجام شده است. ویژگی‌های شخصیتی با پرسشنامه ۶۰ آیتمی NEO، پریشانی روانی با پرسشنامه GHQ-12 و اضطراب و افسردگی با استفاده از مقیاس بیمارستانی HADS ارزیابی شدند. از رگرسیون عامل پنهان پیوسته مبتنی بر پاسخ‌های چندگانه، در نرم‌افزار R برای تحلیل و ارتباط‌سنجی‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: در نمونه‌ی مورد بررسی، میانگین (انحراف معیار) سن افراد مورد مطالعه (۸/۰۹) ۳۶/۵۸ سال و ۵۵/۸ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. نتایج مدل رگرسیون عامل پنهان پیوسته مبتنی بر پاسخ‌های چندگانه نشان داد که رابطه متغیر روان‌رنجوری با متغیرهای اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی، و برآیند این سه متغیر مستقیم و معنادار بود ($P < ۰/۰۰۱$) اما، ویژگی‌های شخصیتی دلپذیر بودن، باز بودن، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی با متغیرهای مذکور ارتباطی معکوس و معنادار داشتند ($P < ۰/۰۰۱$). (<

نتیجه‌گیری: مطالعه حاضر نشان داد، روان‌رنجوری با افزایش مشکلات روانی و سایر ویژگی‌های شخصیتی با کاهش مشکلات روانی همراه هستند. یافته‌های ما نشان می‌دهد که مشکلات روانی باید با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خاص جهت برطرف کردن اثرات مخرب این مشکلات و بهبود سلامت روان، هدایت شود.

واژگان کلیدی: اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی، مشکلات روانی، ویژگی‌های شخصیتی، پاسخ‌های چندگانه پیوسته



ارزیابی ریسک سقوط از ارتفاع در یک پروژه کار در ارتفاع با استفاده از روش فازی فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

کوثر توحیدی زاده^۱، پیمان یاری^۲، محمدطاها نعمتی^۳، سیدپوریا فاضلی^۲، احسان آسیوندزاده^۲، بنیامین عبدالحسینی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

^۲ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران yari.1989@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد، رشته آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

^۴ کاردانی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زمینه و هدف: در حوادث مرتبط با ایمنی در حوزه کار در ارتفاع، سقوط از ارتفاع یکی از جدی ترین آسیب های عمده مربوط به حوادث پروژه های ساختمانی و کار در ارتفاع است که کارگران را تهدید می کند. ارزیابی ریسک ابزاری مهم برای پیشگیری و کنترل خطر سقوط از ارتفاع است. از این رو هدف این مطالعه ارزیابی ریسک سقوط از ارتفاع به منظور فراهم آوردن زمینه پیشگیری از وقوع آن در یک پروژه بزرگ کار در ارتفاع ساختمانی می باشد.

روش کار: در این مطالعه ابتدا علل اصلی به وجود آورنده ریسک سقوط از ارتفاع به وسیله مطالعه تحقیقات پیشین، مصاحبه با کارشناسان و مهندسان و مشاهدات شناسایی شدند. وزن علل سطح یک خطر (عوامل سازمانی، مدیریت، فردی، تجهیزات و محیطی) با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (ماتریس مقایسه زوجی) مشخص گردید. سپس از حاصل ضرب فازی وزن نسبی هر عامل سطح یک (روش AHP) در هر عامل سطح دو (نتایج کیفی پرسشنامه و فازی سازی نتایج)، رتبه بندی علل سطح دو خطر (عوامل پایه ای خطر) بدست آمد. در نهایت ارزیابی ریسک سقوط از ارتفاع مبتنی بر الگوی ارزیابی فازی AHP و مجموعه های وزنی براساس AHP ایجاد گردیدند.

یافته ها: در صنعت ساختمان سازی و کار در ارتفاع، عوامل فردی بالاترین ضریب اهمیت را به خود اختصاص داد و با توجه به نتایج تحلیل سلسله مراتبی، عوامل بی احتیاطی و سطح هوشیاری پایین، رفتارهای نایمن و نظارت ضعیف بر ایمنی به عنوان مهمترین عوامل اصلی خطر سقوط از ارتفاع شناخته شدند. همچنین در این مطالعه عامل فیزیکی و محیطی کم اهمیت ترین عامل در بروز خطر سقوط از ارتفاع شناخته شد.

نتیجه گیری: مقایسه نتایج با تحقیقات پیشین و پرسش از گروه ارزیابی، نشان داد که روش پیشنهادی قابل اعتماد است. با توجه به ریسک بالای سقوط در کارگاه های ساختمانی، مدیران ایمنی پروژه های ساختمان سازی و کار در ارتفاع می توانند با استفاده از این روش، عوامل مهم بمنظور ارزیابی ایمنی را شناسایی کرده و خطر سقوط در این پروژه ها را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، منطق فازی، سقوط از ارتفاع، ارزیابی ریسک



ارزیابی و مدیریت ریسک در کارگاه های تراشکاری و جوشکاری در یکی از صنایع فلزی شهر اصفهان با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حالات شکست و اثرات آن (FMEA)

احسان الله حبیبی^۱، محسن سوری لکی^۲، پیمان یاری^۳، محمدطاها نعمتی^۴

^۱ استاد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

^۲ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ایمیل: mohsensouri70@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

^۴ کارشناسی ارشد، رشته آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

زمینه و هدف: FMEA تجزیه و تحلیل حالات شکست و اثرات آن یکی از شناخته شده ترین تکنیک های ایمنی سیستم بوده و به طور گسترده به عنوان یک ابزار به منظور شناسایی مورد استفاده قرار می گیرد. هدف از انجام این مطالعه، کاربرد روش FMEA در شناسایی و ارزیابی ریسک های موجود در کارگاه های تراشکاری و جوشکاری در یکی از صنایع فلزی شهر اصفهان می باشد.

روش کار: در یک مطالعه مقطعی، فعالیتهای انجام شده در کارگاه های تراشکاری و جوشکاری با استفاده از رابطه نمره اولویت خطرپذیری (RPN: Risk Priority Number) برای فعالیتهای انجام شده در این کارگاه ها مورد بررسی قرار گرفت. سپس نتایج حاصله با استفاده از نرم افزار Excel مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که بالاترین سطح نمره RPN در فعالیت سوراخکاری قطعات فلزی با مته و شیار دادن قطعات با فرز عمودی قبل و بعد از اقدامات اصلاحی به ترتیب دارای عدد RPN (۲۴۳) و (۹۰) می باشد. در حالی که نمره اولویت پذیری خطر در فعالیت تراش لنت ترمز سانتریفیوژ نمره RPN پایینی نسبت به بقیه فعالیت ها دارد اما دارای شدت آسیب زایی بالایی می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به بالا بودن نمره RPN در برخی از فعالیتها مانند سوراخکاری قطعات فلزی با مته و شیار دادن قطعات با فرز عمودی می توان با به کارگیری اقدامات کنترلی مناسب به سطح ریسک قابل قبولی رسید که نشان دهنده مفید و کارا بودن روش FMEA می باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی ریسک، تراشکاری، جوشکاری، FMEA



تجزیه و تحلیل حوادث لیفتراک به روش Accident weed با رویکرد پیشگیرانه

فاطمه شهر بابکی^۱، پردیس السادات علی پور^۲، مرضیه آموزنده^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی کرمان
^۲ دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی کرمان. ایمیل: p.alipour457@gmail.com
^۳ دانشجوی کارشناسی، رشته بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی کرمان

زمینه و هدف: امروزه با توجه به پیشرفت های صنعتی و تولید بیش تر محصولات در زمینه های گوناگون، نیاز به دستگاه های حمل و نقل نظیر لیفتراک، بیش از پیش احساس می شود. در طول سال های متمادی، بشر به موازات افزایش استفاده از دستگاهها، حوادث مختلفی ناشی از کار با آن ها را متحمل بوده است و در پی آن، هزینه های گرانبهایی را نیز پرداخت کرده است. بررسی حوادث لیفتراک ها و عواملی که در بروز این حوادث نقش دارند، می تواند نقش زیادی در پیشگیری و کنترل حوادث ناشی از کار داشته باشد. از این رو هدف از این مطالعه، تفسیر تعدادی از حوادث بزرگ لیفتراک جهت کاهش حوادث است.

روش کار: این مطالعه به صورت کیفی بوده و با استفاده از حوادث مربوط به لیفتراک چندین شرکت، در سال ۹۷ انجام گردید. به منظور تجزیه و تحلیل حوادث از مدل علف هرز (Accident weed) استفاده شد. در این روش به عوامل مستقیم و غیر مستقیم حوادث لیفتراک پرداخته شد که عوامل مستقیم شامل: شرایط و رفتار نایمن و عوامل غیر مستقیم شامل: زیر ساخت های اشتباه و نواقص ریشه ای انجام کار شد.

یافته ها: نتایج حاصل از بررسی حوادث نشان داد که رفتار های نایمن سهم بیشتری در بروز حوادث نسبت به شرایط نایمن دارا بودند. علی رغم تاثیر شرایط و اعمال نایمن، با حذف عوامل ریشه ای می توان در اکثر موارد از وقوع حوادث جلوگیری کرد.

نتیجه گیری: به علت ارتباط معکوس بین سطح ایمنی سازمان ها و آمار حوادث، راهکارهایی جهت ایمن سازی کار با لیفتراک ارائه شد که با به کارگیری این راهکارها، حوادث و هزینه های مستقیم و غیر مستقیم وارده به سازمان ها کاهش چشمگیری خواهد داشت.

واژگان کلیدی: لیفتراک، حوادث، Accident weed



بررسی میزان فرسودگی شغلی در کارکنان فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور

فاطمه ابارشی^۱، فاطمه سلیمی^۲، محمد حسن کوثری^۳، سید رضا رباطی^۴

۱. عضو هیئت علمی گروه مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران. ایمیل: ftm.salimi1996@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ایران
۴. دانشجوی کاردانی فوریت های پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، ایران

زمینه و هدف: فرسودگی شغلی در میان شاغلان در بخش های درمانی مختلف از جمله افرادی که در اورژانس پیش بیمارستانی و فوریت های پزشکی فعالیت می کنند، به دلیل وضعیت بحرانی بیماران، تعداد غیر قابل پیش بینی آسیب دیدگان و مأموریت های اعزامی و نیز تجربه موقعیت های استرس زا شایع تر است. از آنجا که فرسودگی شغلی باعث اثرات منفی در فرد و نیز در کیفیت مراقبت از ارباب رجوع تاثیرات به سزایی دارد، این مطالعه با هدف بررسی میزان فرسودگی شغلی در کارکنان فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی بود. ۱۰۰ نفر از کارکنان فوریت پزشکی شاغل در پایگاه های شهری و جاده ای دانشگاه علوم پزشکی نیشابور به روش نمونه گیری تصادفی در این مطالعه شرکت کردند. فرسودگی شغلی با استفاده از پرسشنامه استاندارد فرسودگی Maslach ارزیابی و امتیازات حاصل با نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج بدست آمده نشان داد از لحاظ دفعات، میانگین نمره فرسودگی شغلی کارکنان در بعد خستگی هیجانی $13/98 \pm 4/60$ (متوسط)، در بعد مسخ شخصیت $10/88 \pm 2/71$ (متوسط) و در بعد احساس عدم موفقیت فردی $25/25 \pm 5/38$ (متوسط) بوده است. در این مطالعه طبق آزمون آماری پیرسون، ارتباط معناداری بین فرسودگی شغلی با سابقه کاری ($P = 0/000$)، مقطع تحصیلی ($P = 0/044$) و مدرک تحصیلی ($P = 0/044$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، در صورت عدم انجام اقدامات لازم در جهت مدیریت فرسودگی شغلی و کاهش میزان استرس های شغلی، میزان فرسودگی و استرس ها رشد صعودی نامطلوبی خواهد گرفت. در این راستا می بایست از یک سری برنامه های مدیریتی از قبیل افزایش حقوق و مزایا، حمایت های مادی و معنوی، بسته های حمایتی از جمله سبد کالای خانوار و نیز برگزاری دوره های مشاوره و مهارت آموزی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: فرسودگی شغلی، پرسشنامه فرسودگی شغلی Maslach، پرسنل فوریت های پزشکی



بررسی اثر مثبت اندیشی بر روی عملکرد ایمنی افراد در کارکنان پالایشگاه نفت

یاسر خورشیدی بهزادی^۱، جواد باولی^۲

^۱ گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده علوم پزشکی آبادان، ایران. ایمیل: yaserkhorshidii@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد ریاضی محض دانشگاه خرم آباد، لرستان، ایران

زمینه و هدف: اعمال نایمن عامل ۰.۸۸٪ حوادث شغلی است و تمرکز بر روی فاکتورهای انسانی می‌تواند در کنار ارتقاء شرایط ایمن، راهی برای کاهش حوادث و در نهایت بهروری بالاتر باشد. از این رو در مطالعه حاضر به بررسی اثر مثبت اندیشی کارکنان بر روی عملکرد ایمن آنها در پالایشگاه نفت آبادان پرداخته شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی اطلاعات مورد نیاز از ۱۰۰ نفر از کارکنان مرد پالایشگاه نفت آبادان که به صورت تصادفی از میان کارکنان پالایشگاه نفت آبادان انتخاب شدند و از طریق ۲ پرسشنامه (مثبت اندیشی و عملکرد ایمنی) اعتباربخشی شده جمع آوری گردید. افراد منتخب اکثراً در واحدهای عملیاتی مشغول به فعالیت بودند. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون‌های آماری رگرسیون لجستیک، رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح معنی داری $P < 0.05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در مطالعه در حدود $44/7 \pm 88/34$ سال بود. ۳۲٪ از شرکت کنندگان، حوادث شغلی را تجربه کرده بودند. ۳۸٪ از آنها دارای تحصیلات بالا بودند. ۴۹٪ آنها دارای نگرش منفی و ۳۰٪ آنها در گروه افراد مثبت اندیش بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این تحقیق مثبت اندیشی با عملکرد ایمنی افراد ارتباط مثبت و مستقیم دارد. آگاهی و شناخت قوانین و مقررات ایمنی از اهمیت بیشتری در ایمنی محیط کار برخوردار بود و افزایش امتیاز در این ابعاد با کاهش حوادث همراه بوده است. با توجه به نتایج این مطالعه افرادی که دارای نگرش مثبت هستند تعداد حوادث کمتری را تجربه خواهند کرد و از این رو بررسی نگرش افراد می‌تواند در انتخاب صحیح نیروی کار برای فعالیت‌های عملیاتی به منظور جلوگیری از افزایش حوادث و به دنبال آن کاهش هزینه‌های ایمنی مفید باشد.

واژگان کلیدی: مثبت اندیشی، عملکرد ایمنی، صنعت نفت، بهداشت روان



مدلسازی پیامد ناشی از پارگی کامل مخزن وینیل کلراید از مخزن یک مجتمع پتروشیمی با

استفاده از روش PHAST

محمد جواد جعفری^۱، رحمان بهمنی^۲، مصطفی پویا کیان^۱، یاسر خورشیدی بهزادی^۳، سهیلا خداکریم^۴

^۱ گروه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت حرفه‌ای علوم پزشکی شهید بهشتی

^۳ گروه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده علوم پزشکی آبادان، ایران. ایمیل: yaserkhorshidii@gmail.com

^۴ گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: هر ساله حوادث بسیار زیادی در صنایع فرآیندی نظیر نفت، گاز و پتروشیمی اتفاق می‌افتد. صنایع فرآیندی اغلب با مواد شیمیایی پر خطر و واحدهای عملیاتی تحت شرایط دما و فشار بالا نظیر راکتورها و مخازن ذخیره‌سازی سروکار دارند. وینیل کلراید، ماده‌ای است بشدت سمی، آتشگیر و سرطازنا که در مخازن واحدهای مختلف پتروشیمی ذخیره می‌گردد. هدف از انجام این مطالعه مدلسازی حوادث ناشی از پارگی کامل مخزن (انفجار و آتش‌سوزی) و مشخص کردن شدت پیامدهای ناشی از این حوادث می باشد.

روش کار: روش انجام این مطالعه براساس روش QRA بود. این روش برای ارزیابی ریسک کمی در فرآیندهای شیمیایی، نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع حمل و نقلی بکار گرفته می شود. ابتدا فرآیند مرتبط با مخزن ذخیره سازی مونومر وینیل کلراید بطور کامل شناسایی شد. در مرحله بعد، سناریوها و خطرات محتمل شناسایی و تعیین گردید و برای مدلسازی پیامدها از نرم افزار تخصصی PHAST Risk نسخه ۷/۱۱ استفاده شد.

یافته ها: بکارگیری روش پیشنهادی نشان داد که خطرناکترین پیامدهای واحد ذخیره سازی وینیل کلراید شامل آتش ناگهانی و انفجار می باشد. نتایج نشان داد که بیشترین میزان مرگ و میر ناشی از آتش ناگهانی مربوط به شبهای تابستان با شعاع تحت تاثیر ۳۴۶ متر می باشد که احتمال مرگ و میر در این فاصله بین صفر تا یک در نظر گرفته شده است. در مورد انفجار کامل مخزن، شعاع تحت تاثیر مربوط به موج انفجار ۷۹ متر برآورد گردید که احتمال مرگ و میر در این فاصله بین ۰ تا ۹۹٪ می باشد.

نتیجه‌گیری: هرگونه نشستی و پارگی احتمالی مخازن مونومر وینیل کلراید ممکن است منجر به پیامدهای فاجعه باری گردد. فرآیند ذخیره سازی مونومر وینیل کلراید دارای سطح ریسک بالایی است که قابل تحمل نمی باشد. برای کاهش ریسک باید پارامترهای شدت پیامد و احتمال وقوع و یا میزان مواجهه را کم کرد. بدین منظور استفاده از مخازن کوچکتر، تعدیل متغیرهای عملیاتی (ظرفیت، فشار، دما و غیره) و کاهش سطح مواجهه در پروژه های مشابه، توصیه می گردد.

واژگان کلیدی: مونومر وینیل کلراید، آتش ناگهانی، انفجار ابر بخار، ریسک کمی، شعاع تحت تاثیر



ارزیابی آلودگی صوتی و تأثیر آن بر روی پارامترهای فشارخون و ضربان قلب، در کارکنان

صنعت نفت

یاسر خورشیدی بهزادی^۱

^۱ گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، دانشکده علوم پزشکی آبادان، ایران. ایمیل: yaserkhorshidii@gmail.com

زمینه و هدف: صدا به عنوان جزء اجتناب ناپذیری از زندگی روزمره انسان‌ها است. میلیون‌ها نفر از انسان‌ها بر اثر سکتة قلبی و مغزی جان خود را از دست می‌دهند و عامل اصلی این سکتة‌ها پرفشاری خون است. هدف از این مطالعه بررسی رابطه میان صدا با فشارخون و ضربان قلب کارکنان صنعت نفت است.

روش کار: در این مطالعه ۲۰۰ نفر از کارکنان فرودگاه مهرآباد به عنوان گروه مورد و ۲۰۰ نفر گروه شاهد، انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان مواجهه افراد با صدا از دستگاه دوزی‌متر SVANTEK مدل SV102، برای اندازه‌گیری فشارخون از دستگاه رزمکس مدل GB102 و برای اندازه‌گیری ضربان قلب از دستگاه ضربان سنج پلار استفاده شد. فشارخون و ضربان قلب گروه مورد و شاهد قبل و بعد از شیفت اندازه‌گیری شد. میزان مواجهه با صدا در افراد شرکت کننده با استفاده از دستگاه دوزی‌متر کالیبره شده و در حین شیفت کاری ثبت گردید. نرم افزار SPSS جهت تحلیل و آنالیز آماری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد میانگین میزان مواجهه فردی با صدا در گروه مورد معادل $88/33 \pm 2/7$ dB و بالاتر از حد استاندارد و همچنین بیشتر از گروه شاهد با تراز فشار صوت معادل $72/93 \pm 3/9$ dB می‌باشد. میانگین فشارخون سیستولیک و دیاستولیک قبل و بعد از شیفت در گروه مورد نسبت به شاهد تفاوت معنی‌دار نشان داد ($P < 0/05$) و رابطه معنی‌داری بین تراز معادل صوت با فشارخون سیستولیک و دیاستولیک وجود داشت.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد تماس با صدا می‌تواند یک عامل خطر برای افزایش فشارخون شریانی باشد. پیشنهاد می‌شود به منظور کنترل فشارخون پایش مداوم، آموزش افراد و معاینات دوره‌ای صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آلودگی صوتی، دوزی‌متری، صنعت نفت، فشارخون، ضربان قلب



مقایسه حریم‌های ایمن حاصل از مدلسازی و ارزیابی پیامدهای ایمنی نشت مخازن بوتان در یکی از پالایشگاه‌های نفت جنوب کشور

علی کریمی^۱، مهشید بهرامی^۲

۱. دانشیار، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران
 ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مهندسی بهداشت حرفه‌ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران. ایمیل: Alikarimi57@gmail.com

زمینه و هدف: نشت مواد خطرناکی همچون بوتان در صنایع فرایندی و شیمیایی، به‌عنوان یکی از عوامل تهدید کننده و مخرب برای جان و سلامتی افراد شاغل و افراد ساکن در اطراف اینگونه صنایع مورد توجه بوده است. لذا در مطالعه حاضر به مدلسازی پیامد نشت بوتان از مخازن آن با استفاده از نرم افزار PHAST (Process Hazard Analysis Software Tools) پرداخته شد.

روش کار: در این مطالعه تحلیلی، سناریوی نقص گسیختگی مخزن استوانه‌ای ذخیره بوتان و پیامدهای آتش سوزی و انفجار متناظر با آن توسط نرم افزار PHAST-7.2 شبیه سازی شد. سپس نتایج به دست آمده با معیارهای موجود مقایسه شد و شدت آسیب رسانی پیامدها مشخص گردید.

یافته ها: نتایج مدلسازی برای شرایط آب و هوایی فصول سرد و فصول گرم نشان داد که در اثر پیامد انفجار به ترتیب تا شعاع ۱۰۳/۵۳ متری و ۳۲/۴۴ متری امکان ایجاد خسارات شدید وجود دارد. بعلاوه، بر اساس معیارهای سنجش پیامد حوادث مرتبط با سطوح آسیب مانند موج انفجار، سرعت، جهت وزش باد در اثر وقوع سناریوی گسیختگی مخزن و در نظر گرفتن نتایج عددی مربوط به مدلسازی، پیامد این سناریو در شرایط آب و هوایی فصول گرم (بهار و تابستان) نسبت به شرایط آب و هوایی فصول سرد (پاییز و زمستان) بیشتر است.

نتیجه گیری: عواقب ناشی از انفجار مخزن بوتان در صنعت نفت جدی‌ترین خطری است که جان شاغلین را تهدید می‌کند. بنابراین انجام بازرسی طبق پیشنهاد شرکت سازنده در ارتباط با شیر اطمینان مخازن بوتان، تهیه طرح واکنش در شرایط اضطراری و ایجاد پناهگاه‌های مرتفع در محل نزدیک مخازن، نقش مؤثری در محدود نمودن اثرات زیان آور انتشار مواد خطرناک خواهد داشت.

واژگان کلیدی: مدلسازی پیامد، انفجار، نرم افزار PHAST، بوتان، صنعت نفت

Assessment of Safety Culture (HSE) in Power Distribution Company in Ilam Province in 2018

Ehsan Mohammadi¹, Pejman Azmoon²

¹ M.Sc student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Faculty of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran. Email: ehsan.mohammadi5592@gmail.com

² M.Sc Student of HSE, Faculty of Health, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

Background and Aim: Today, the process of industrialization and rapid growth of technology in human societies and various industries has caused the human being ever more vulnerable to accidents and risks. measures is not adequate to protect human, economic and environmental assets in industries. Therefore, promoting Health, Safety and Environment (HSE culture), as an alternative approach, is of great importance. The purpose of this study is to collect information about the HSE culture of a power distribution and transmission company and provide recommendations for reducing the likelihood and severity of accidents.

Methods: This is a cross-sectional descriptive-analytic study hat was conducted in 2018. The statistical population of the study includes 175 employees of a power distribution and transmission company and the research tool was HSE culture questionnaire and was used to measure the safety culture from the Likert scale. Sampling was simple random method. At the end of the data using statistical software and the tests SPSS23 T, ANOVA, logistic regression and correlation coefficients were analyzed.

Results: The mean age and work experience of the staff was 32.52 ± 6.09 and 10.51 ± 8.91 , respectively. The average safety performance score of the company was 186.48 with a standard deviation of 15.92. That share of people with negative immune culture (scores below 176) was determined to be 35.4%. There was a significant relationship between safety culture and work experience (P-value <0.05). There was no significant relationship between education with job, experience, education level and accident rate (P-value >0.05).

Conclusion: Among the variables of the safety culture, education was the most important factor we considered in this research; in other words, education in all occupations, with any previous education and with each other, should be considered as an incident. To improve safety culture in an organization, not only psychological and personal factors but also organizational and environmental factors should thoroughly be investigated. In this way, the actual problems would be identified, appropriate problem-solving methodologies be implemented and, ultimately incidents rate be reduced.

Keywords: HSE Culture, Health, Safety, Environment, Power





A cross-sectional questionnaire survey of the most factors associated with needle-stick injuries among hospital nurses in Sari city, Iran

solale ramzani¹, Siavash Etemadinezhad², Jamshid Yazdani Charati³

¹ M.Sc. Student of Occupational Health, Occupational Health Department, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran, EMAIL.solale.ramzany@gmail.com

² Associate Professor, Department of Occupational Medicine, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

³ PhD of Biostatistics, Associate Professor, Department of Biostatistics, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Background and Aim: Despite the development of protective processes and the awareness of nurses working in hospitals to accuracy in the work process and the consequences of needle-stick injuries, workers in these occupations continue to suffer from these kinds of injuries. Up to now, the factors affecting the occurrence of needle-stick injuries in nurses and the frequency of these events in hospitals of capital of Mazandaran province (Sari, Iran) has not been studied. Therefore, this study was designed and implemented.

Methods: A cross-sectional questionnaire survey of hospital nurses established in capital city of Mazandaran province (Sari, Iran). Data of hospitals features, characteristics of nurses, considered protective variables and the frequency of needle-stick injuries in the last year among total 212 nurses in 4 hospitals in this city were collected. Only 132 of total nurses employed responded to all questionnaire questions. Descriptive statistics and logistic regression analysis, chi-squared test were used to data analyzing with SPSS v.21 software to identify the most factors associated with needle-stick injuries of nurses in the last year.

Results: The response rate to the questionnaire was 63.8%, which showed a higher female participation rate than male (60.6% vs 39.4%). Among the studied hospital nurses 51 (38.6%) had experienced needle-stick injuries while working in the hospital in the previous year. There was no significant difference between the incidence rate and the nurses employed in public or private hospitals ($P < 0/05$). Also, there was no significant difference between employment in different parts of the hospital and the rate of injury. However, most of the incidents occurred in ICU and neurology nurses staff. Participation in retraining courses (81.1%) and scientific conferences and seminars (56.1%) were the most common factors in nurses' awareness and increased workload, over-hastiness, non-observance of protective measures and visual error when working, were the most common factors affecting injuries (62.7%, 41.2%, 37.3% and 9.8% respectively).

Conclusion: Needle-stick is one of the important occupational injuries experienced by nurses in hospitals that associated with characteristics of nurses and hospitals features. Therefore, hospitals can reduce injuries by providing better work environments, continuing education about protection and post-exposure protocols for nursing workers.

Keywords: Needle-stick injuries, Nurses, Hospitals features, Occupational health, Iran





بهداشت محیط



بررسی اثرات سمی میکروپلاستیک‌ها

محمد رفیعی^۱، اکبر اسلامی^۱، فاطمه آمره^۱

^۱ گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان آور محیط و کار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: amereh@sbmu.ac.ir

زمینه و هدف: در حال حاضر، تولید جهانی پلاستیک بالغ بر ۳۳۰ میلیون تن در سال تخمین زده می شود. پسماندهای پلاستیکی تبدیل به یک آلاینده زیست محیطی فراگیر شده و در سراسر زیستگاه های آبی و خاکی تجمع یافته اند. گزارش های متعددی مبنی بر پیامدهای زیست محیطی میکروپلاستیک ها در حیات وحش منتشر شده، اما اثرات بالقوه ذرات میکرو (>۵ میلی متر) و نانو (>۱۰۰ نانومتر) این مواد پلیمری به خوبی شناخته نشده است. هرچند اطلاعاتی که در این حوزه وجود دارد هنوز در مرحله ابتدایی است، شواهد رو به رشدی در خصوص پیامدهای مورفولوژیکی، رفتاری و تولیدمثلی ناشی از مواجهه با نانوپلاستیک ها وجود دارد. از این رو، لازم است تحقیقات بیشتری در مورد تاثیرات احتمالی نانوذرات پلاستیکی بر موجودات زنده از جمله انسان انجام گیرد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر نانوذرات پلی استایرن (PS-NPs) بر کیفیت اسپرم (حرکت، زنده ماندن، مورفولوژی، بلوغ و غلظت) و قدرت باروری موجود در یک مدل حیوانی انجام گرفته است.

روش کار: تعداد ۳۰ سر موش صحرایی نر با وزن ۱۸۰-۱۹۵ گرم به پنج گروه مساوی تقسیم شدند. گروه اول (کنترل) هیچ ماده ای را دریافت نکردند. ۴ گروه تجربی دیگر روزانه به ترتیب ۱، ۳، ۶ و ۱۰ میلی گرم نانو ذرات پلی استایرن بر کیلوگرم وزن بدن در روز به مدت ۳۵ روز دریافت کردند. در پایان آزمایش، اپیدیدیم چپ هر کدام از موش ها برای اندازه گیری پارامترهای کیفیت اسپرم جدا شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که قرار گرفتن در معرض نانو ذرات پلی استایرن به طور معنی داری باعث کاهش میزان غلظت اسپرم (۴۸/۱۳ درصد)، تحرک (۳۹/۴۳ درصد)، زیست پذیری (۴۷/۸۲ درصد)، بلوغ (۲۰ درصد) و افزایش اسپرم های با شکل غیرطبیعی (۲۷/۷ درصد) شد. علاوه بر این، حیوانات برای ارزیابی هیستوپاتولوژی بیضه ها مورد مطالعه قرار گرفتند و نتایج نشان داد که تغییرات بافتی در بیضه حیواناتی که در مواجهه با دز بالای نانو ذرات پلی استایرن بودند، بیشتر بوده است.

نتیجه گیری: هرچند مطالعات بیشتری مورد نیاز است، نتایج حاصل از این مطالعه با توجه به این واقعیت که سلامت باروری مردان روند کاهشی را نشان می دهد مورد توجه بوده و نگرانی های بیشتری را در مورد اثرات سمی پلاستیک ها بر سلامت انسان ایجاد می کند.

واژگان کلیدی: نانوذرات پلی استایرن، سمیت تولیدمثلی، کیفیت اسپرم، هیستولوژی



بررسی کیفیت میکروبی، فیزیکی-شیمیایی، خوردگی و رسوبگذاری آب آشامیدنی مناطق

روستایی شهرستان مرنند در سال ۱۳۹۷

سلیمان ستاروند^۱، حسین شهبازی^۲، حسن اصلانی^۳، امیر مرتضوی^۴، صمد طاهری^۵

^۱ کارشناس ارشد بهداشت محیط، مجتمع آموزش عالی سلامت مرنند، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
^۲ کارشناس ارشد آموزش سلامت جامعه نگر (سلامت محیط و حرفه)، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، آذربایجان شرقی، ایران. ایمیل: Hoseinshahbazi7012@gmail.com
^۳ استادیار، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
^۴ دانشجوی دکترای تخصصی پزشک خانواده، مجتمع آموزش عالی سلامت مرنند، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
^۵ دکترای حرفه ای، مجتمع آموزش عالی سلامت مرنند، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

زمینه و هدف: طبق نظر سازمان جهانی بهداشت، آب شرب مورد مصرف انسان باید عاری از عوامل میکروبی و مواد شیمیایی خطرناک برای انسان باشد. تامین آب آشامیدنی سالم یکی از اهداف مهم در جوامع بشری است. دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت در سایه سلامت افراد جامعه امکان پذیر است. هدف این مطالعه بررسی کیفیت میکروبی، فیزیکی-شیمیایی، خوردگی و رسوبگذاری آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان مرنند می باشد.

روش کار: مطالعه توصیفی-مقطعی می باشد. تعداد ۱۲۴ نمونه در بازه زمانی اوایل فروردین تا اواخر شهریور ۱۳۹۷ به منظور پایش کیفی منابع آب روستاهای شهرستان مرنند انجام گرفت. ۸۸ نمونه برای آنالیز میکروبی و ۳۶ نمونه جهت آنالیز فیزیکی-شیمیایی آب شرب تهیه شد و نتیجه با استانداردهای موجود مقایسه گردید. در نهایت داده ها با آزمون آماری آنالیز شد.

یافته ها: در فصل بهار ۳ درصد و در فصل تابستان ۷ درصد آب های آشامیدنی روستاهای مورد مطالعه آلودگی کلیفرم داشت. pH همه نمونه ها در محدوده استاندارد (۵/۵-۶/۸) قرار داشت. کلر آزاد باقیمانده ۴۱ درصد نمونه ها در حد استاندارد (۵/۸-۰/۰ میلی گرم در لیتر) و کلر آزاد باقیمانده ۵۹ درصد نمونه ها بالاتر یا پایین تر از حد استاندارد بود. یون فلوراید در ۶۷ درصد در حد مجاز و در ۳۳ درصد کمتر یا بیشتر از حد مجاز بود. میزان خوردگی برای منابع آب آشامیدنی روستایی شهرستان مرنند، با اندیس لانژلیه (۰/۲۱-)، رایزنر (۷/۸)، خوردگی (۱۱/۹) و پوکوریوس (۷/۳) در شرایط خوردگی متوسط قرار داشت.

نتیجه گیری: با در نظر گرفتن رهنمودهای سازمان جهانی بهداشت مشخص گردید کیفیت میکروبی آب های آشامیدنی روستایی شهرستان مرنند در فصل بهار و تابستان ۱۳۹۷ در وضعیت خوبی قرار دارد. مقایسه ۴ شاخص و نتایج به دست آمده نشان داد آب های آشامیدنی روستایی شهرستان مرنند دارای خاصیت خوردگی متوسط است. بنابراین لازم است کلاس های توجیهی برای آبانان روستاها جهت آموزش نحوه کلر زنی صحیح منابع آبی، با توجه به خصوصیات و ویژگی های هر منبع برگزار گردد.

واژگان کلیدی: آب آشامیدنی، کیفیت شیمیایی، کیفیت میکروبی، شهرستان مرنند



فناوری گیاه پالایی: مروری بر حذف فلزات سنگین توسط گیاهان در خاک های آلوده

مرضیه اکبری^۱، نظام میرزایی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان. ایمیل: akbari.2016.mm@gmail.com

^۲ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

زمینه و هدف: جست و جوی راه حلی مناسب برای پاسخ به مشکلات زیست محیطی که ناشی از صنعتی شدن جهان و رشد جمعیت است از چالش های اساسی برای دانشمندان می باشد. در حال حاضر از مهم ترین چالش ها در زمینه محیط زیست، افزایش تدریجی غلظت فلزات سنگین در خاک به دلیل عدم تجزیه آنها توسط میکروارگانیسم ها است. فلزات سنگین با اثرات بالقوه جهش زایی، تخریب سلول و سرطانزایی، مخاطرات را بر سلامت انسان و سایر موجودات زنده دارد. بنابراین، تصفیه خاک آلوده به فلزات سنگین می تواند تنها گزینه موثر برای کاهش اثرات منفی بر سلامت اکوسیستم باشد. تکنیک های رایج حذف فلزات سنگین از خاک آلوده بسیار گران و مخرب محیط زیست است. گیاه پالایی (Phytoremediation) با استفاده از گونه های مختلف گیاهی، کم هزینه و موثر بوده و برای پاکسازی بدون واسطه محیط زیست از فلزات سنگین مؤثر می باشد. هدف این مقاله مروری بررسی فناوری نوین گیاه پالایی و انواع روش ها برای کاهش آلودگی فلزات سنگین از خاک در نظر گرفته شد.

روش کار: این مطالعه به روش مروری بر روی مطالعات انجام شده در سایت های معتبر علمی در رابطه با گیاه پالایی فلزات سنگین در خاک های آلوده انجام گردید. معیار ورود اطلاعات مقالات مرتبط با موضوع و حاوی کلمات کلیدی تحقیق بوده است.

یافته ها: فرایند گیاه پالایی در سطح زمین تحت تاثیر عوامل مختلفی از قبیل توزیع ناهموار آلاینده ها، pH خاک، پاتوزن ها، مواد مغذی، رطوبت و دما است و شناسایی گونه های گیاهی با توانایی تولید زیست توده ای بالا و ظرفیت انباشت فلزات سنگین بسیار مهم است. گیاه پالایی مزایا قابل توجهی در مقایسه با سایر روش ها فراهم می کند و بعد از حذف آلاینده های استخراج شده، ممکن است مجدداً زیست توده محصول برای ایجاد و همگن سازی انرژی و تولید سوخت های زیستی یا به عنوان یک ماده خام برای فرایندهای صنعتی استفاده شود. با توجه به مزایای بالقوه، تکنیک های گیاه پالایی، یک جایگزین معتبر برای روش های فیزیکیوشیمیایی و بدست آوردن منافع در هر دو شرایط اقتصادی و محیطی است. دانش کاملتری از توانایی ها و محدودیت های گیاه پالایی قطعاً می تواند استفاده از این تکنیک را در آینده برای حذف فلزات سنگین افزایش دهد.

نتیجه گیری: تفاوت زیادی بین استفاده از گیاه پالایی و عدم استفاده از آن در کاهش آلودگی خاک وجود دارد. گیاه پالایی را می توان به عنوان یک راه حل برتر برای حذف فلزات سنگین به دلیل مزایای آن به عنوان یک تکنولوژی کم هزینه، کارآمد و سازگار با محیط زیست به کار برد.

واژگان کلیدی: فلزات سنگین، گیاه پالایی، آلودگی خاک، محیط زیست



ارتباط نگرش مذهبی با رعایت اصول بهداشت مواد غذایی در دانش آموزان دبیرستانی یزد

آمنه مرزبان^۱، ابوذر انصاری^۱، سعیده طاهرزاده^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: s.taherzadeh@yahoo.com

زمینه و هدف: اهتمام قران و سنت به امر تغذیه سالم و پاکیزه از آن روست که جامعه متعالی و مطلوب نیازمند انسانهایی سالم است. بسیاری از بیماری ها ناشی از عدم رعایت بهداشت مواد غذایی است. پژوهش حاضر به منظور سنجش ارتباط نگرش مذهبی با رعایت اصول بهداشت مواد غذایی در دانش آموزان دبیرستانی یزد صورت گرفت.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی بود که در بین ۵۰۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهر یزد در سال ۱۳۹۷ اجرا گردید. روش نمونه گیری خوشه ای- تصادفی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، نگرش مذهبی و بهداشت مواد غذایی بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-24 و بوسیله آماره های توصیفی، Chi-Square، ANOVA و T-Test در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار نمره نگرش مذهبی و بهداشت مواد غذایی به ترتیب $40/5 \pm 9/28$ و $61/9 \pm 11/14$ بدست آمد. نتایج آزمون پیرسون، همبستگی معناداری را بین نمره نگرش مذهبی و بهداشت مواد غذایی نشان داد ($r=0/6$ و $P=0/03$) همچنین بین متغیر جنس با نگرش مذهبی ($0/00$) و بهداشت مواد غذایی ($0/02$) رابطه آماری معنی داری مشاهده شد.

نتیجه گیری: توجه بیشتر و آموزش دستورات عملی دین اسلام در مورد تغذیه و بهداشت مواد غذایی به دانش آموزان و همچنین تقویت جاذبه های دینی، می تواند در بهبود عملکرد بهداشت مواد غذایی این گروه موثر واقع شود.

واژگان کلیدی: نگرش، مذهب، بهداشت مواد غذایی، دانش آموز، یزد



بررسی خواص فیزیکی، شیمیایی و میکروبیولوژی آب‌های زیرزمینی سبزوار در سال ۱۳۹۴ (حاصل تخریب قنات‌ها)

فاطمه نیکو^۱، عالیه ارحی^۱، فاطمه سلیمی^۲، فائزه سادات شبیری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ایمیل: Fateme.nico.1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

زمینه و هدف: آب یکی از حیاتی ترین مواد موجود در کره خاکی است. اهمیت آب همچنین برای بهداشت و توسعه به اندازه‌ای است که سازمان جهانی بهداشت مهمترین نارسایی قرن بیستم را عدم دسترسی همگان به آب آشامیدنی سالم و کافی عنوان کرده است. آب بهداشتی علاوه بر کیفیت فیزیکی مطلوب (از نقطه نظر رنگ، بو و طعم) باید فاقد مواد شیمیایی مضر، مواد سمی و میکروارگانیسم‌های بیماریزا نیز باشد. با توجه به اینکه یکی از منابع اصلی تامین آب شهر سبزوار آب‌های زیرزمینی (چاه و قنات) می باشد و از طرفی رشد شهرنشینی و تخریب قنات‌ها در اثر لوله کشی و تولید پساب‌های منازل باعث گردیده که سلامت آب قنات با تهدید مواجه گردد. هدف از این مطالعه بررسی خواص فیزیکی، شیمیایی و میکروبیولوژی آب‌های زیر زمینی وسنجش آن با استانداردهای متد و آخرین نسخه استاندارد آب آشامیدنی می باشد

روش کار: در این مطالعه نمونه برداری و انجام آزمایش آب چهارده قنات طبق استاندارد ملی (۱۰۵۳) انجام شد.

یافته‌ها: طبق نتایج بدست آمده از آزمایشات تقریباً تمام نمونه‌ها از نظر کیفیت فیزیکی و شیمیایی در حد مجاز و در اکثر پارامترها مطلوب بودند به جزء قنات میدان لاله که دارای PH و کدورت بالا و قنات افضل اباد که دارای نیتريت و کلرور بالا و قنات بعثت که دارای کلرور بالاتر از حد مطلوب بود. از لحاظ بار میکروبی همه ی قنات داری بار میکروبی متفاوت بودند.

نتیجه گیری: بر این اساس این آب‌ها برای شرب انسان مناسب نیستند. اما با توجه به اینکه از نظر پارامترهای فیزیکی و شیمیایی مشکل ندارد. می توان از این آب‌ها برای آبیاری فضای سبز سطح شهر و تغذیه مصنوعی چاه‌ها با ارتفاع پایین استفاده نمود و از هدر رفت بی‌رویه آن جلوگیری نمود.

کلمات کلیدی: سبزوار، کیفیت آب، خواص فیزیکی شیمیایی، قنات



اندازه گیری میزان نیترات و نیتريت آب شرب منطقه جوين شهرستان سبزوار در سال ۱۳۹۳

صفورا اصغری^۱، فاطمه نیکو^۱، فاطمه سلیمی^۲، فائزه سادات شبیری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ایمیل:

Fateme.nico.1375@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

زمینه و هدف: آلودگی منابع آب زیرزمینی و سطح نیترات یکی از مهم ترین مشکلات زیست محیطی و کشاورزی در برخی از نواحی دنیا می باشد. در چند دهه اخیر مصرف و مدیریت نادرست کودهای نیتروژن دار باعث افزایش میزان نیتريت و نیترات در درون خاک و سفره های زیر زمینی شده است. به دلیل حلالیت زیاد نیترات این ترکیب به راحتی درون خاک و آب های زیرزمینی نفوذ می کند. در مناطقی که میزان بارندگی کم و پوشش گیاهی ضعیفی دارد میزان این ترکیب بسیار بالاتر می باشد. نیترات به خودی خود نسبتاً غیر سمی است، اما احیاء آن به صورت نیتريت توسط باکتری های معده، سلامتی انسان را به خطر می اندازد و باعث بروز سرطان و تشدید بیماری قلبی و عروقی و بیماری متهموگلوبین می شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان نیتريت و نیترات در آب آشامیدنی منطقه جوين شهرستان سبزوار که دارای آب و هوای گرم و خشک و پوشش گیاهی فقیر می باشد.

روش کار: در این مطالعه از آب شرب ۱۵ شبکه آب روستایی نمونه برداری گردیده و میزان نیترات و نیتريت آن توسط روش استاندارد آزمایشگاهی نیترات و نیتريت و دستگاه اسپکتوفتومتری انجام شد.

یافته ها: یافته های حاصل از آنالیز ۴۵ نمونه برداشت شده از آب در شبکه ی توزیع شهرستان جوين مؤید آن است که غلظت میانگین غلظت نیترات ۳۲/۸۳ میلی گرم در لیتر با میانگین غلظت یون نیترات ۱/۳۲ میلی گرم در لیتر در کل نمونه های برداشت شده از تمام روستاهای منطقه جوين می باشد..

نتیجه گیری: به طور کلی نتایج نشان داد که آب شرب منطقه جوين طبق استاندارد جهانی از لحاظ وجود میزان نیترات و نیتريت سالم بوده و مشکلی از این بابت، سلامت شهروندان جوينی را تهدید نخواهد کرد.

واژگان کلیدی: آب آشامیدنی، نیترات، نیتريت، جوين



جانمایی سیستم های کنترل آلودگی هوا در کارخانجات آسفالت شهر اهواز

مصطفی صدری دلیک^۱، شفاعلی خلیلی پور^۲، امرالله خانی^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، شبکه بهداشت و درمان لنده

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آب و فاضلاب)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، شبکه بهداشت و درمان لنده

زمینه و هدف: کارخانه های آسفالت نیز از جمله صنایع منتشر کننده آلاینده های هوا مخصوصاً ذرات معلق هستند. کلان شهر اهواز دارای جایگاه نخست در زمینه آلودگی هوا و دومین شهر کشور در زمینه حاشیه نشینی می باشد. وجود ده کارخانه آسفالت در اطراف این شهر می تواند بر آلودگی آن افزوده و تاثیر نامطلوب چشمگیری بر سلامت ساکنین آن داشته باشد.

روش کار: در این تحقیق ابتدا کارخانجات آسفالت منطقه شناسایی و سه کارخانه جهت مطالعه انتخاب گردید. بعد از اندازه گیری ذرات با استفاده از دستگاه نمونه بردارذرات معلق (TCR-Tecora) قبل و بعد از سیکلون ها و اسکرابر های تر و بررسی وضعیت از نظر مدت زمان فعالیت در فصول سال و موقعیت مکانی کارخانجات نسبت به جانمایی اصولی آنها راهکارهای لازم ارائه گردید. جهت آنالیز آماری از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته ها: نتایج به دست آمده حاکی از پایین بودن راندمان اسکرابرها در دو کارخانه و سیکلون ها در یک کارخانه از کارخانجات مورد مطالعه می باشد. میزان کارایی اسکرابرها در کارخانه های شماره یک، دو و سه به ترتیب ۳۹/۵٪، ۳۰/۱٪ و ۶۸/۴٪ و سیکلون ها ۵۹/۵٪، ۶۴/۷٪ و ۴۸/۶٪ می باشد.

نتیجه گیری: رعایت فاصله مناسب کارخانجات از جاده های ارتباطی و استقرار آنها در خلاف بادهای غالب (شرق) در منطقه، استفاده از خنک کننده ها جهت کنترل شوک های گرمایی به اسکرابرها، استفاده از نیروی مجرب و متخصص جهت راهبری، تعمیر و نگهداری سیستم های کنترل آلاینده های هوا، قرار دادن سیکلون ها و بعد از آن اسکرابر تر در نزدیک ترین محل به گازهای خارج شده از دودکش کارخانجات آسفالت و استفاده از حفاظ اطراف نوار نقاله هدایت کننده به مخزن جهت جلوگیری از ریختن شن ها از بالای نوار نقاله بعد از دستگاه سنگ شکن و Hopper از مهمترین راهکارها جهت جانمایی مناسب دستگاههای کنترل آلاینده های هوا در کارخانجات آسفالت اطراف شهر اهواز می باشد.

واژگان کلیدی: آلودگی هوا، ذرات معلق، کارخانه آسفالت، سیکلون، اسکرابر تر، اهواز



ارزیابی عملکرد و وضعیت بهداشتی مراکز بازیافت مواد زائد جامد در شهرستان های جویبار و قائمشهر در سال ۱۳۹۷

علیرضا علاء، منیره مجلسی نصر^۱، محمد علی ززولی^۲، رستم مزده^۴

^۱ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. ایمیل: ala_alireza@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

^۴ دانشجوی دوره- MPH مدیران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

زمینه و هدف: بازیافت و تفکیک زباله ها از مبدأ می تواند موجب کاهش حجم ضایعات غیر قابل استفاده گردد. کارگران شاغل در این بخش در معرض آسیب های جدی هستند. هدف از این تحقیق بررسی میزان وضعیت بهداشتی کارگاه های بازیافت مواد زائد جامد در جویبار و قائمشهر است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-مقطعی است و ابزار جمع آوری داده های مورد نیاز، پرسشنامه محقق بوده که اعتبار پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. از ۴۰۰ کارگاه موجود در دو شهرستان، ۱۰۰ کارگاه با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب و پرسشنامه تکمیل و تحلیل پاسخ ها با نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و Excel انجام شد.

یافته ها: نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ۵۸٪ کف کارگاه ها، ۷۱٪ دیوار کارگاه ها و ۷۰٪ سقف کارگاه های جمع آوری ضایعات فاقد شرایط بهداشتی مطابق با قوانین مرتبط هستند. فاضلاب ۳۱٪ از این کارگاه ها موجب آلودگی محیط زیست و محصولات زمین های کشاورزی اطراف کارگاه می شود. تنها ۶٪ از کل شاغلین معاینات دوره ای را انجام داده اند، ۷۱/۵٪ کارگران شاغل در کارگاه ها از لباس کار مناسب استفاده نمی کنند و فقط ۲/۲٪ کارگران واکسینه شده اند. اکثریت کارگاه ها تنها کار تفکیک را انجام می دهند و تغییرات خاصی بر روی ضایعات انجام نمی دهند.

نتیجه گیری: وضعیت بهداشتی کارگاههای بازیافت مواد زائد و کارگران آن نامناسب است. لازم است مسولان و سیاستگذاران از نیازها و آسیب پذیری های این قشر شناخت دقیق داشته باشند و با شناسایی عوامل موثر در حفظ سلامت این گروه مداخلات لازم را در این زمینه انجام دهند.

واژگان کلیدی: بازیافت، مواد زائد جامد، تفکیک زباله، کارگاه بازیافت



بررسی شاخص های کشوری بهداشت محیط شهرستان ساری در سالهای ۹۶-۱۳۹۳

علیرضا علاء، فاطمه احمدیانپور^۲

^۱ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. ایمیل: ala_alireza@yahoo.com
^۲ کارشناس مسول بهداشت محیط، مرکز بهداشت شهرستان ساری، ایران

زمینه و هدف: کنترل عوامل محیطی جهت ارتقای سطح سلامت جامعه از اهداف خدمات بهداشت محیط در هر جامعه می باشد. از روش های بررسی میزان عملکرد و پیشرفت در بهداشت محیط و ارتقای سطح سلامت جامعه کنترل و بررسی شاخص های بهداشت محیط در آن جامعه می باشد. این مطالعه با هدف بررسی شاخص های کشوری بهداشت محیط شهرستان ساری در سال های ۹۶-۱۳۹۳ انجام پذیرفته است.

روش کار: در این مطالعه که به صورت توصیفی انجام پذیرفته است، آمارهای مربوط به ۴ سال فعالیت های بهداشت محیط شهرستان ساری در طی سالهای ۹۶-۱۳۹۳ جمع آوری و مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به استخراج ۲۵ شاخص از شاخص های بهداشت محیط کشوری در سطح شهر و روستا اقدام و تغییرات آن با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان می دهد، میانگین مجموع شاخص های بهداشت محیط شهری و روستایی به ترتیب ۶/۱۲ درصد و ۹/۱۹ درصد رشد داشته است. بیشترین مقادیر افزایش درصد شاخص های بهداشتی به میزان ۳۱/۶۶ درصد رشد و مربوط به واحدهای بهداشتی درمانی روستایی است، که از نظر بهداشت محیط دارای شرایط مطلوب هستند. بیشترین تغییرات در شاخص هم مربوط به نمونه های شیمیایی آب آشامیدنی شهری و روستایی بوده است که در طی این سالها مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه های آب آشامیدنی شهری و روستایی که از نظر آزمایش های باکتریولوژیک مطلوب شناخته شده اند، همواره با میزان ۱۰۰ درصد بالاترین درصد شاخص های بهداشتی بوده است.

نتیجه گیری: اکثر شاخص های کشوری بهداشت محیط در شهرستان ساری مطلوب و از رشد خوبی برخوردار است. کیفیت شیمیایی آب آشامیدنی شهری و روستایی نیاز به توجه بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: شاخص های بهداشت محیط، باکتریولوژیک، کیفیت شیمیایی، آب آشامیدنی



بررسی عملکرد ثبت فعالیتهای بهداشت محیط در سامانه جامع بازرسی مراکز خدمات جامع

سلامت شهری و روستایی شهرستان ساری در سال ۱۳۹۷

علیرضا علاء^۱، فاطمه احمدیانپور^۲

^۱ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران. ایمیل: ala_alireza@yahoo.com

^۲ کارشناس مسول بهداشت محیط، مرکز بهداشت شهرستان ساری، ایران

زمینه و هدف: با توجه به اینکه هدف کلیه فعالیتهای بهداشتی درمانی در کشور حفظ و ارتقای سطح سلامت جامعه می باشد، در این تحقیق به بررسی عملکرد واحدهای تابعه مرکز بهداشت شهرستان ساری در خصوص اجرای برنامه های بهداشت محیط با هدف ارتقاء شاخص های سلامت در مراکز خدمات جامع سلامت پرداخته شده است.

روش کار: در این مطالعه که به شکل توصیفی - مقطعی انجام شده است، چک لیست عملکرد بهداشت محیط برای ۵۴ مرکز خدمات جامع سلامت از مراکز شهری و روستایی در سامانه جامع بازرسی در نه ماهه اول سال ۹۷ تدوین گردیده و با توجه به فعالیتهای انجام پذیرفته و ثبت شده در سامانه جامع بازرسی و حد انتظار برای هر مرکز و فعالیت مربوطه، امتیاز کسب شده برای هر عملکرد جداگانه محاسبه و امتیاز عملکرد برای مراکز شهری و روستایی ثبت گردیده و نتایج در نرم افزار Excel مورد مقایسه و تجزیه تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: نتایج این تحقیق نشان می دهد میانگین عملکرد مطلوب ثبت فعالیتهای بهداشت محیط در سامانه جامع بازرسی طی نه ماهه اول سال ۹۷ در مراکز شهری ۶۵/۳۳ درصد و در مراکز روستایی ۵۱/۱۲ درصد است. حداکثر عملکرد مطلوب ثبت در مراکز شهری و روستایی در این مدت به ترتیب ۸۶/۱۲ درصد و ۷۶/۱۳ درصد بود. تعداد کلرسنجی های ثبت شده در روستا، بازرسی های ثبت شده در شهر و نمونه برداری پرتابل مواد غذایی ثبت شده در شهر به ترتیب از بیشترین فعالیتهای ثبت شده در سامانه جامع بازرسی بود.

نتیجه گیری: توزیع مناسب امکانات در شهر و روستا، فراهم آوردن بستر مناسب ثبت الکترونیکی فعالیتهای مراکز روستایی و برنامه ریزی در جهت فراهم آوردن تدارکات لازم برای فعالیت بازرسان بهداشت محیط در مراکز خدمات جامع سلامت شهری و روستایی تاثیر بسزایی در جهت ارتقای سطح سلامت جامعه دارد.

واژگان کلیدی: سامانه جامع بازرسی، مراکز خدمات جامع سلامت، بازرسی، نمونه برداری پرتابل



بررسی غلظت فلزات سنگین در سبزیجات کشت شده در محدوده دفن پسماند جامد شهر تهران

در سال ۱۳۹۷

شهلا کریمیان^۱، سید غلامرضا موسوی^۲، سکینه شکوهیان^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
^۲ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل: s.shekoohiyan@modares.ac.ir

زمینه و هدف: آلودگی به فلزات سنگین یکی از مشکلات مهم زیست محیطی و یکی از نگرانی های مهم بهداشت مواد غذایی است و تجمع آنها در بدن می تواند منجر به تغییرات آسیب شناختی در اندامها و بیماری های قلبی-عروقی، کلیوی، استخوانی و حتی سرطان گردد. از این رو در مطالعه حاضر به بررسی میزان غلظت فلزات سنگین از جمله کادمیوم، سرب، کروم، روی، منگنز و آهن را در سبزیجات کشت شده در محدوده دفن پسماند جامد، شهر تهران پرداخته شد.

روش کار: در این پژوهش دو نمونه سبزی (گل کلم و تره فرنگی) از نزدیکترین نقاط سبزی کاری شده در پایین دست محدوده دفن پسماند جامد شهر تهران تهیه و جهت آنالیز به آزمایشگاه منتقل شد. نمونه ها در پاییز ۱۳۹۷ جمع آوری شد. در آزمایشگاه سبزی ها پس از شستشو، در کوره ای با دمای ۱۰۵ درجه سانتیگراد به مدت ۲۴ ساعت خشک و در کوره ۵۰۰ درجه سانتیگراد به مدت ۴ ساعت خاکستر شده و سپس با اسیدنیتریک ۶۵٪ هضم اسیدی گردید و در نهایت غلظت فلزات سنگین با استفاده از دستگاه ICP تعیین شد و با نرم افزار SPSS آنالیز شدند.

یافته ها: میانگین غلظت کادمیوم، سرب و کروم در نمونه گل کلم و تره فرنگی کمتر از حد تشخیص دستگاه ICP بود در حالیکه غلظت روی، منگنز و آهن در نمونه های گل کلم به ترتیب ۵۸/۵، ۱۲۹/۵ و ۳۷ میلیگرم بر کیلوگرم و غلظت این فلزات در نمونه های تره فرنگی به ترتیب برابر ۷۵، ۵۴/۵ و ۱۹۷/۵ میلیگرم بر کیلوگرم بود. براساس نتایج به دست آمده غلظت روی، منگنز و آهن در نمونه های گل کلم و تره فرنگی بیشتر از حد استاندارد ارائه شده توسط FAO/WHO (۶۰ mg/kg، ۰/۳، ۰/۳) بود.

نتیجه گیری: غلظت فلزات سنگین مانند کادمیوم، سرب و کروم در گل کلم و تره فرنگی کشت شده در این منطقه تهدیدکننده سلامت افراد مصرف کننده نبوده و بایستی تدابیری اندیشیده شود تا علت غلظت بالای منگنز و آهن مشخص گردد.

واژگان کلیدی: فلزات سنگین، سبزیجات، لندفیل، شهر تهران



وضعیت مدیریت پسماندهای آزمایشگاهی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۶

امیرحسین نافذ^۱، شهره حشمتی^۲، فاطمه حسینی^۲، نوید ویسی^۲

^۱ مرکز تحقیقات عوامل محیطی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

^۲ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. ایمیل: heshmati.sh1995@gmail.com

زمینه و هدف: پسماندهای آزمایشگاهی شامل کلیه زائداتی می‌باشد که در اثر فعالیت‌های آزمایشگاهی و یا فرایندهای آموزشی و تحقیقاتی در آزمایشگاه‌ها و یا مراکز تحقیقاتی مشابه دیگر تولید می‌گردد که نیازمند مدیریت ویژه است. به منظور توسعه و اجرای موثر برنامه‌های مربوط به مدیریت پسماند در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، این مطالعه با هدف بررسی کمیت و کیفیت و وضعیت مدیریت پسماندهای آزمایشگاهی در دانشکده‌های مختلف این دانشگاه در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: دانشکده‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، شامل دانشکده‌های پزشکی، پیراپزشکی و پرستاری، بهداشت و تغذیه، دندانپزشکی و داروسازی مورد مطالعه قرار گرفتند. نمونه‌گیری از پسماندهای آزمایشگاهی به تعداد ۳ بار در ۳ روز و در سه هفته متوالی انجام شد و علاوه بر پر کردن چک لیست که مشتمل بر ۲۰ سوال بود، کمیت پسماندهای آزمایشگاهی نیز محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و MS-Excel-2010 استفاده شد.

یافته‌ها: بیشترین میزان پسماند تولیدی در دانشکده دندانپزشکی و کمترین میزان در دانشکده بهداشت و تغذیه بود. همچنین بیشترین سرانه تولید پسماند در دانشکده‌های دندانپزشکی، پزشکی و بهداشت و تغذیه مربوط به پسماند عفونی و در دانشکده‌های پیراپزشکی و پرستاری و داروسازی متعلق به پسماند عادی بوده است. نتایج آزمونهای آماری نشان داد که بین میانگین پسماندهای تولیدی در دانشکده‌های داروسازی و پزشکی تفاوت معنادار وجود دارد. اما در دانشکده‌های دندانپزشکی، پیراپزشکی و پرستاری و بهداشت و تغذیه بین میانگین پسماندهای تولیدی تفاوت معنادار وجود ندارد ($P > 0/05$). در دانشکده‌های بهداشت و تغذیه، پرستاری و پیراپزشکی، پزشکی و داروسازی بیشترین مقدار پسماند تولیدی به ترتیب در آزمایشگاه‌های میکروب شناسی، هماتولوژی-میکروب شناسی، ایمنی شناسی و فارماکونوزی و همچنین کمترین مقدار پسماند تولیدی به ترتیب در آزمایشگاه‌های تغذیه، فیزیولوژی-سرولوژی، الکتروفیزیولوژی و فارماسیوستیک بود.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه مشاهده گردید که وضعیت جداسازی پسماندهای آزمایشگاهی با استفاده از ظروف و کیسه‌های رنگی در آزمایشگاه‌های دانشکده‌های پزشکی و داروسازی نسبت به سایر دانشکده‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد، که علت اصلی آن نظارت بیشتر و آموزش کافی مسئولین آزمایشگاه‌های این دانشکده‌ها نسبت به اهمیت پسماندهای عفونی و خطرناک در انتقال بیماری‌ها و آسیب به محیط زیست باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت پسماند، پسماندهای آزمایشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی، کرمانشاه



کیفیت میکروبی آب شرب شهرستان بهبهان در سال ۱۳۹۷

ایمان پارسه^۱، سیده فائزه قائم مقامی^۲، ستایش محمد علی نژاد^۲، عیسی زراعت پیشه^۲

^۱ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران. ایمیل: faeze.ghaem1998@gmail.com

زمینه و هدف: آب شرب با کمیت و کیفیت مطلوب برای ادامه حیات بشر ضروری است. اولین اقدام در شناخت سلامت و کیفیت آب، بررسی پارامترهای میکروبی آب شرب است. کیفیت میکروبی آبهای آشامیدنی بر اساس حضور یا عدم حضور میکروارگانیسمهای شاخص (عمدتاً باکتریهای کلیفرم) تعیین می شود. هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان کیفیت میکروبی آب شرب شهرستان بهبهان در سال ۱۳۹۷ می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-مقطعی، نتایج آزمایش تعداد ۱۰۶۸ نمونه گرفته شده توسط مراکز بهداشتی شهرستان بهبهان در سال ۱۳۹۷ تجزیه و تحلیل شد. به منظور ارزیابی کیفیت آب شرب، معیارهای کل کلیفرم، کلیفرم گرمپای، کلر باقیمانده، کدورت، و pH مورد بررسی قرار گرفتند. آزمایشات میکروبی کل کلیفرم و کلیفرم گرمپای با روش تخمیر ۵ و ۹ لوله ای انجام و سایر معیارها نیز مطابق روشهای استاندارد سنجش می شدند. برای تحلیل دادهها از برنامه SPSS-23 استفاده شد.

یافته ها: از ۶۶۸ نمونه گرفته شده در مناطق شهری بهبهان، ۱۰۰ درصد فاقد کل کلیفرم و کلیفرم گرمپای بودند و از ۴۰۰ نمونه گرفته شده در مناطق روستایی، ۹۵ درصد (۳۸۰ نمونه) فاقد کل کلیفرم و ۹۹٫۲۵ درصد (۳۹۷ نمونه) فاقد کلیفرم گرمپای بودند. بطور کلی، به جزء کدورت و کلر باقیمانده در مناطق روستایی، ۱۰۰ درصد سایر معیارهای سنجش شده در مناطق شهری و روستایی در محدوده استاندارد سازمان جهانی بهداشت (WHO) بودند. کدورت در ۵٫۵ درصد و کلر باقیمانده در ۴٫۲۵ درصد از کل ۴۰۰ نمونه روستایی خارج از حد استاندارد WHO بود. بطور کلی، میانگین معیارهای کلر باقیمانده، کدورت، و pH آب شرب شهرستان به ترتیب ۰٫۳ ± ۰٫۰۴ ppm، ۰٫۳/۱ ± ۰٫۲/۲ NTU، ۰٫۳/۱ ± ۰٫۵/۲، بود. اختلاف این معیارها در مناطق شهری و روستایی از نظر آماری معنی دار نبود ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه گیری: مطابق رهنمود سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۶ برای ارزیابی سلامت میکروبی آب، می توان نتیجه گرفت کیفیت میکروبی آب شرب شهرستان بهبهان در محدوده عالی قرار دارد. با این حال، برای کاهش تعداد کل کلیفرم و کلیفرم گرمپای در روستاهای شهرستان بهبهان توصیه می گردد کلرزنی مرتب و تعویض لوله های فرسوده انجام گیرد.

واژگان کلیدی: آب شرب، کلیفرم گرمپای، کیفیت میکروبی



بررسی کیفیت میکروبی آب آشامیدنی مناطق روستایی شهرستان کهگیلویه در سال ۱۳۹۶

مصطفی صدری دلیک^۱، زینب خنجری^۲، فاطمه احسانی^۲، سعید تیموری^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ کارشناس مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

^۳ کارشناس بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: آب یکی از حیاتی ترین مواد موجود در کره ی خاکی است. کمبود منابع آبی به عنوان یکی از حیاتی ترین اهرم ها، زندگی انسان، گیاهان و جانوران را در بسیاری از کشورها، از جمله کشور ما مورد تهدید قرار داده است. مسئله آلودگی میکروبی آب از نظر مصارف شرب اهمیت دارد و آبی که بدین منظور تهیه می گردد باید سالم، بهداشتی و برخوردار از استانداردهای آب آشامیدنی باشد و طبق رهنمود WHO و استاندارد ایران آبی که تصفیه و گندزدائی شده است نباید دارای کلیفرم مدفوعی باشد. همچنین مجموع کلیفرمها نیز در ۹۵ درصد نمونه های مورد آزمایش در طول سال بایستی منفی باشد در غیر اینصورت مصرف این آب را برای آشامیدن آلوده و نامطلوب میدانند.

هدف این مطالعه تعیین کیفیت میکروبی آب آشامیدنی روستاهای شهرستان کهگیلویه و میزان بهره مندی این روستاها از آب آشامیدنی سالم از نقطه نظر کیفیت میکروبی در سال ۱۳۹۶ و مقایسه کیفیت آن با شاخص های ملی و بین المللی می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی، تحلیلی کیفیت میکروبی آب ۳۵۷ روستای شهرستان در سال ۱۳۹۷ با استفاده از 1027 نمونه میکروبی ارسال شده از مراکز خدمات جامع سلامت روستایی به آزمایشگاه آب مرکز بهداشت براساس چهار معیار کلیفرم غیر مدفوعی، کلیفرم گرمپای، میزان کلر آزاد باقیمانده و PH آب آشامیدنی مورد سنجش قرار گرفته شد. و نتایج به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

یافته ها: میانگین شاخص مطلوبیت آزمون فقدان کلیفرم غیر مدفوعی و کلیفرم گرمپای به ترتیب ۹۵/۶٪ و ۱۰۰٪، شاخص مطلوبیت کلر آزاد باقیمانده ۴۶/۵٪ و میزان PH به صورت ۱۰۰٪ در محدوده نرمال قرار دارد.

نتیجه گیری: بر اساس رهنمود WHO در سال ۲۰۰۶ جهت ارزیابی سلامت میکروبی آب شاخص مطلوبیت فقدان باکتریهای کلیفرم های گرمپای و غیر مدفوعی در سال ۱۳۹۶ روستاهای شهرستان کهگیلویه در محدوده عالی قرار دارند.

واژگان کلیدی: آب آشامیدنی، کلیفرم گرمپای، کلر آزاد باقیمانده، روستاهای کهگیلویه



بررسی کارایی سیستم نيزار مصنوعی (با علف و تيور) با جريان عمودی در حذف سرب و روی از فاضلاب صنعتی در شمال خوزستان

مصطفی صدری دلیک^۱، علی افروس^۲، حمزه علی کریمی^۳

^۱ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آلودگی هوا)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه. ایمیل: sadrim350@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی مهندسی محیط زیست (منابع آب)، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد دزفول

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست (آب و فاضلاب)، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، مرکز بهداشت کهگیلویه

زمینه و هدف: بهره‌مندی از تالاب‌های مصنوعی حاوی گیاه وتیور یک ایده نوآورانه و جدید برای تصفیه فاضلاب و گیاه‌پالایی است. از آنجایی که در منطقه شمال خوزستان، پسابهای مختلف صنعتی مانند پساب شرکت هفت تپه و صنایع جانبی، کشت صنعتی، کارخانجات خمیر مایه و ... که عمدتاً حاوی فلزات سنگین می‌باشند، این تحقیق به منظور بررسی کارایی سیستم نيزار مصنوعی تحت کشت گیاه وتیور، با جريان عمودی در حذف سرب و روی از فاضلاب صنعتی در شرایط آب و هوایی دزفول به انجام رسیده است.

روش کار: در این تحقیق از ظروف پلاستیکی بزرگ به قطر ۶۰ و ارتفاع ۱۰۰ سانتیمتر استفاده گردید. بستر محیط رشد، ترکیبی از شن درشت و ریز (لایه بندی شده) بود. در این تحقیق اثرات عمق سامانه (دو عمق ۳۰ و ۷۵ سانتی متری از سطح)، غلظت اولیه (سه غلظت ۲۰، ۴۰ و ۶۰ میلی گرم بر لیتر سرب و روی) و همچنین زمان ماند (سه زمان ماند ۵، ۱۰ و ۱۵ روزه) بر روی کاهش غلظت سرب و روی از فاضلاب شبیه‌سازی شده مورد بررسی قرار گرفت و وزن اندامهای هوایی و زیرزمینی، انباشت فلزات در بافتهای گیاهی و راندامان حذف فلزات از فاضلاب مورد بررسی، تحلیل آماری به صورت آزمون دانکن و آزمون مقایسه ای t و مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته ها: میانگین جذب روی در اندام های زیرزمینی و هوایی گیاه به ترتیب ۱۶۱۳ و ۵۵۰/۷ و در خصوص سرب به ترتیب ۲۱۴۸/۷ و ۲۷۹/۱ (میلی گرم در کیلوگرم وزن خشک گیاه) مشاهده گردید.

نتیجه گیری: نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت معنی داری بین اندامهای هوایی و زیرزمینی گیاه وتیور در انباشت هر دو فلز روی و سرب مشاهده گردید. علاوه بر این، تاثیر زمان ماند هیدرولیکی و عمق سامانه در راندامان حذف سرب و روی از فاضلاب شبیه سازی شده مورد استفاده نیز دارای تفاوت معنی داری می باشد.

واژگان کلیدی: وتیور، عمق سامانه، انباشت در بافتهای گیاه، سرب، روی



بررسی میزان غلظت فلزات سنگین (سرب، کادمیوم و مس) در رژلب جامد، مایع و مدادی عرضه شده در استان گیلان

زهرا امیری لگموج^۱، داریوش نقی پور^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس
^۲ دکتری، مهندسی بهداشت محیط، دانشیار دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گیلان. ایمیل: dr.naghipour@gmail.com

زمینه و هدف: در چند دهه اخیر توجه مردم نسبت به زیباییشان، نیاز و استفاده از لوازم آرایشی را افزایش داده بنابراین به دنبال آن پیشرفت چشمگیری در صنعت محصولات آرایشی مشاهده می شود. در صنعت تولید لوازم آرایشی جهت تثبیت رنگ موجود در رژ لب ها و نیز ایجاد رنگ قرمز از فلز سنگینی چون سرب و برای تولید رنگدانه زرد تا نارنجی از فلز کادمیوم استفاده می گردد. علاوه بر بکارگیری فلزات سنگین جهت ایجاد رنگ، لحیم کاری بسته بندی یا گرد و غبار آلوده به این فلزات از عوامل آلودگی رژ لب به شمار می آیند. مواجهه با فلزات سنگین به علت عدم تجزیه بیولوژیکی و خاصیت تجمع پذیری باعث اختلال در سلامتی می گردد. بر طبق آمار ارائه شده از سوی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ایران سومین مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه می باشد از طرفی ورود غیر مجاز و تقلبی محصولات مختلف، ممکن است به جامعه مصرف کنندگان آسیب جدی وارد سازد بنابراین این تحقیق با هدف بررسی میزان فلزات سنگین سرب، کادمیوم و مس در رژ لب های با مصرف معمول در استان گیلان انجام شده است

روش کار: مطالعه به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) در آزمایشگاه دانشکده بهداشت علوم پزشکی گیلان انجام شد. مارک های مختلفی از رژلب در انواع جامد، مدادی و مایع و هریک در سه رنگ قرمز، صورتی و قهوه ای به منظور تعیین غلظت فلزات سرب، کادمیوم و مس تهیه شده و غلظت ها با استفاده از دستگاه جذب اتمی بر حسب $\mu\text{g/g}$ اندازه گیری شدند.

یافته ها: میانگین میزان فلز سرب، کادمیوم و مس در رژلب به ترتیب $۰/۷$ ، $۲/۲۵$ و $۲/۸۶ \mu\text{g/g}$ به دست آمد. با توجه به آنالیز داده های بدست آمده، با افزایش غلظت مس در نمونه ها غلظت سرب افزایش یافت. میزان مس با قیمت کالا رابطه داشته و با افزایش قیمت، میزان فلز مس در نمونه ها کاهش یافت. بین رژ لب های جامد، مایع و مدادی مورد بررسی هیچ تفاوتی مشاهده نشد. میانگین میزان سرب و کادمیوم در نمونه های با رنگ های تیره بیشتر از رنگ های روشن به دست آمد.

نتیجه گیری: میزان سرب، کادمیوم و مس در رژلب عرضه شده در استان گیلان، در این تحقیق پایین تر از حد مجاز به دست آمد. اما غلظت کم آنها نیز می تواند امکان بروز و یا تشدید بیماری های مختلف از جمله آلرژی، التهاب و غیره اعمال کند. لذا می بایست تهیه و استفاده از این محصولات با توجه به استانداردهای موجود صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: سرب، کادمیوم، مس، رژلب



مطالعه آلودگی صوتی در منطقه ۱۵ شهرداری شهر تهران

مسعود فشکی^۱

^۱ کارشناس مهندسی بهداشت محیط و ممیز OHSAS 18000، آدرس: دانشگاه علوم پزشکی ایران پست الکترونیکی: masoud.feshki@yahoo.com

زمینه و هدف: بررسی آلودگی صوتی در محیط زیست، سابقه نسبتاً طولانی دارد. آلودگی صوتی یکی از مشکلات زیست محیطی مهم شهرها محسوب می شود که شدت آن در سال های اخیر رو به افزایش بوده است. با توجه به اثرات زیان آور آلودگی صوتی بر سلامت جامعه، ارزیابی تراز صدای معادل و تعیین میزان آلودگی صوتی در محیط های شهری از اهمیت بالایی برخوردار است. در این تحقیق برای سنجش آلودگی صوتی در منطقه ۱۵ شهرداری تهران ۳۶ مورد نمونه برداری در دی ۱۳۹۶ و تیر ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در منطقه ۱۵ شهرداری شهر تهران انجام شد. ابتدا ۳۶ ایستگاه در نواحی مختلف انتخاب شدند و برای اندازه گیری صدا در مناطق مختلف منطقه ۱۵ شهر تهران و بر اساس استاندارد شماره ANSI-SI4-1971، از دستگاه صدا سنج مدل Tes 1353H SotSONG استفاده شد. سپس نتایج در Excel وارد و در نهایت مورد ارزیابی قرار گرفت. در پایان داده ها وارد نرم افزار اطلاعات جغرافیایی (GIS) شد و لایه های اطلاعاتی جهت ارایه مقدار آلودگی در منطقه، تعیین پراکنش آلودگی صوتی، نقاط بحرانی، مناطق بدون آلودگی صدا و ... مشخص گردید.

یافته ها: اندازه گیری ها نشان دادند که میزان آلودگی صدا در فصل سرد کمتر از فصل گرم است و سروصدای اندازه گیری شده بیشتر از استاندارد تعیین شده مناطق مسکونی و صنعتی می باشد. همچنین نتایج نشان داد که عمده ترین منابع سروصدا در منطقه ۱۵ ناشی از وسایل حمل و نقل می باشد. البته وجود شهرک های صنعتی در اطراف منطقه به عنوان منبع نقطه ای سر و صدا حائز اهمیت است. ترازهای صوتی ناشی از وسایل حمل و نقل جاده ای (شامل موتورسیکلت، ماشینهای سواری، ماشینهای سنگین و نیمه سنگین) سهم عمده ای در تولید آلودگی صوتی منطقه دارند. از منابع دیگر سر و صدا در منطقه می توان به فعالیت های صنعتی، اشاره نمود که هر یک سهم مشخصی را در تولید آلودگی صوتی زیست محیطی دارند.

نتیجه گیری: بطور کلی می توان با سیاست گذاری و وضع قوانین و اجرای سیاست های زیست محیطی در کاهش آلودگی صوتی شهرها اقدامات موثری انجام داد. ازدیاد فضای سبز و استفاده از گیاهان در معماری شهرها، جلوگیری از فروش تراکم مسکونی مازاد، منع و جریمه استفاده از وسایل با صدای ناهنجار، گسترش مترو و ... از راه هایی است که در این تحقیق پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: آلودگی صوتی، تهران، منطقه ۱۵ تهران، صنعت، صداسنج



بررسی تاثیر آموزش بر آگاهی رابطين مراكز سلامت جامعه نسبت به تب مالت در شهر گناباد

معصومه عشقی^۱، فاطمه فدوی^۱، رویا پیروی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
^۲ دانشجوی دکتری بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران. ایمیل: rpeirovi@yahoo.com

زمینه و هدف: بروسلوز یا تب مالت یکی از بیماری های مشترک بین انسان و حیوان است که به دلیل عوارض ماندگار و طولانی مدتی که دارد به بیماری هزار چهره معروف شده است و طبیعتاً شناسایی راه های انتقال بیماری و کنترل آن می تواند سهم مهمی در سلامت جامعه داشته باشد. در حال حاضر بروسلوز شایع ترین بیماری مشترک بین دام و انسان در دنیاست. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه تاثیر زیادی در بهداشت و سلامت جامعه دارند. از آنجا که رابطين می توانند آگاهی های بهداشتی را با بیانی ساده به عموم مردم منتقل نمایند. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی میزان آگاهی رابطين نسبت به تب مالت و تاثیر آموزش بر آن انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مداخله ای، جامعه ی پژوهش شامل ۵۰ رابط مراكز سلامت جامعه ی شهر گناباد بود. داده های قبل و بعد از آموزش از طریق پرسشنامه جمع آوری شد و آموزش با استفاده از روش سخنرانی و پمفلت انجام گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمرات آگاهی رابطين قبل از آموزش $2/92 \pm 8/10$ بود که بعد از آموزش به $10/46 \pm 1/9$ افزایش یافت و T-test اختلاف معناداری بین میانگین آگاهی رابطين در مورد بیماری تب مالت قبل و بعد از آموزش نشان داد ($P < 0/001$).

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان می دهد که اختلاف میانگین آگاهی رابطين در گروه مداخله در قبل و بعد از آموزش معنادار بوده و در جهت افزایش آگاهی می باشد

واژگان کلیدی: آموزش، آگاهی، رابطين، تب مالت



تعیین میزان غلظت بنزوات سدیم در نمونه های دوغ توزیع شده در سطح شهر تهران

مرضیه پالیزبان^۱، مهتاب صانعی دارانی^۲، فاطمه ابراهیم پور^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، گروه بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین. ایمیل: mpalizban@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد آمار زیستی، گروه آمار، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی البرز، البرز

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران

زمینه و هدف: دوغ یک نوشیدنی تخمیری سلامت بخش است که به عنوان یکی از نوشیدنی های ملی در ایران در نظر گرفته میشود. مطابق استاندارد ملی ایران به شماره ۱۰۵۸۲ به جهت اثرات بهداشتی جانبی ناشی از افزودن نگهدارنده هایی چون بنزوات سدیم به دلیل نامشخص بودن میزان دریافت آن از چند منبع غذایی، استفاده از آن در این نوشیدنی تخمیری ممنوع میباشد.

روش کار: در مطالعه توصیفی - مقطعی صورت پذیرفته حاضر ۴۵ نمونه از ۵ برند دوغ دارای پروانه بهداشتی و عرضه شده در شهر تهران طی سه ماه تابستان جمع آوری گردید. قرائت نمونه ها با استفاده از دستگاه اسپکتروفتومتر مدل DR500 صورت پذیرفت. روش اسپکتروفتومتری به عنوان روشی کارآمد و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه می باشد. محلول استاندارد استوک بنزوات سدیم از غلظت ۲ (mg/lit) در آب مقطر دوبار تقطیر شده تهیه گردید. برای ترسیم منحنی کالیبراسیون به ترتیب از ۱ تا ۶ میلی لیتر از محلول استوک استاندارد در بالن های شیشه ای ۱۰۰ میلی لیتری با آب مقطر رقیق گردید. سپس ۵ میلی لیتر از هر کدام برداشت و به بالن حاوی ۰,۴ میلی لیتر اسید هیدروکلریک ۶ نرمال اضافه گردید و با پترولیوم بنزن به حجم ۵۰ میلی لیتر رسانیده و به مدت دو دقیقه به شدت هم زده شد. مقادیر جذب در مقابل بلانک قرائت و منحنی کالیبراسیون رسم گردید.

یافته ها: کلیه نمونه های جمع آوری شده حاوی بنزوات سدیم در دامنه ای از غلظت ۳/۴ تا ۸۰/۶ میلی گرم بر کیلوگرم بود. غلظت متوسط بنزوات سدیم در ۴۵ نمونه ۳۸/۹۸ mg/kg بود. تحلیل آماری نتایج حاصله با استفاده از آزمون t-single-sample و مقایسه با استاندارد اعلام شده در ایران ۰ mg/kg تفاوت معنی داری بین این استاندارد و میانگین بنزوات سدیم را نشان داد (p-value = 0.00, t -70.71).

نتیجه گیری: با توجه به میانگین نمونه ها، مقدار بنزوات سدیم در نمونه ها بطور قابل توجهی بالاتر از استاندارد ملی ایران است. با در نظر گرفتن اثرات مضر نگهدارنده های شیمیایی برای سلامت انسان، این غلظتها براساس استاندارد ارائه شده توسط مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (ISIRI.10582) قابل قبول نیست.

واژگان کلیدی: نوشیدنی تخمیری، اسپکتروفتومتری، نگهدارنده



مروری بر استراتژی های پس از برداشت و قبل از برداشت برای جلوگیری و سمیت زدایی

مایکوتوکسین ها در زنجیره غذایی

حدیث کرمی^۱، آرزو قربان زاده^۲، محدثه پیرهادی^۱، لیلا پیوسته رودسری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد بهداشت و ایمنی مواد غذایی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. ایمیل: paria.pirhadi371@gmail.com

^۳ مرکز پژوهش های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

زمینه و هدف: مایکوتوکسین ها متابولیت های ثانویه در محصولات کشاورزی در سرتاسر جهان هستند که تولید آنها باعث ایجاد سرطان و همچنین زیان اقتصادی میشود. رشد کپک ها و تشکیل مایکوتوکسین عمدتاً وابسته به عوامل محیطی (درجه حرارت و دسترسی به آب)، شیوه های کشاورزی و شرایط نگهداری می باشد.

رایج ترین روش برای سم زدایی مواد غذایی و خوراک آلوده به مایکوتوکسین، مواد جاذب برای حذف سموم از طریق جذب در طی عبور از دستگاه گوارش است. برخی از میکروارگانیسم ها قادر به سم زدایی از طریق تبدیل آنزیمی و تجزیه بیولوژیکی مایکوتوکسین ها هستند. این مطالعه مروری بر روی استراتژی های مهار رشد قارچ ها تمرکز می کند و تولید مایکوتوکسین ها را کاهش می دهد و در نهایت ایمنی مصرف کنندگان را به حداکثر می رساند.

روش کار: با توجه به اهمیت ایمنی مواد غذایی در رژیم غذایی و با توجه به خطر سمیت مایکوتوکسین ها برای انسان و حیوان، یک بررسی جامعی از استراتژی های مختلف از جمله روش های قبل از برداشت و روش های سمیت زدایی پس از برداشت مانند روش های فیزیکی، شیمیایی و روش های بیولوژیکی و سایر استراتژی های نوآورانه در حال توسعه توسط پژوهشگران در گزارش های اخیر منتشر شده است.

یافته ها: نتایج حاکی از آن است که روش های کنترل و جلوگیری از تشکیل مایکوتوکسین ها به احتمال زیاد ناشی از تنها یک تیمار نیست بلکه ناشی از ترکیب فاکتورهای محیطی مناسب، شیوه های مناسب کشاورزی و تولید محصولات، شرایط ذخیره مناسب، برنامه های مطمئن تضمین کیفیت و روش های سمیت زدایی زیست محیطی در طول فرایند تولید خواهد بود.

نتیجه گیری: موثرترین روش، پیشگیری از آلودگی قارچی و تولید مایکوتوکسین در محصولات گیاهی است. تعیین نقاط کنترل بحرانی در مراحل برداشت، خشک کردن و انبار و نگهداری به ویژه در زنجیره محصولات غلات برای کنترل و پیشگیری از تشکیل مایکوتوکسین ضروری می باشد.

واژگان کلیدی: مایکوتوکسین، قارچ، سمیت زدایی، ایمنی غذایی



حذف کدورت از آب با استفاده از سامانه فیلتر بافل دار

زهرا امیری لگموج^۱، غلامرضا موسوی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

^۲ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: moussavi@modares.ac.ir

زمینه و هدف: یکی از مسائل مهم در جوامع امروزی تامین آب برای مصارف گوناگون می باشد. کدورت در اثر وجود مواد معلق کلوئیدی در آب ایجاد می شود و معیاری برای میزان جذب نور و یا پراکندگی نور توسط مواد معلق در آب است. از جمله عوامل ایجاد کدورت تخلیه فاضلاب های شهری و صنعتی، روناب های سطحی ناشی از بارش های جوی، میکروارگانیسم ها، مواد حاصل از فساد و تجزیه جلبک ها و سایر گیاهان آبی، اسید هیومیک و سایر ترکیبات آلی منابع آب است. از جمله تاثیرات منفی کدورت آب می توان به کاهش مقبولیت عمومی و افزایش شرایط جذب سطحی مواد شیمیایی و بیولوژیکی و رشد جلبک اشاره نمود. بنابراین لزوم کاهش کدورت آب بدیهی است. فیلتراسیون فرآیندی است که در حذف ذرات معلق موثر است و به عنوان مرحله نهایی تصفیه آب استفاده می شود. لذا این مطالعه جهت تعیین کارایی سامانه ی فیلتر بافل دار در حذف کدورت از آب انجام گرفته است.

روش کار: این مطالعه از نوع تجربی بوده و در مقیاس آزمایشگاهی در دانشگاه تربیت مدرس انجام شد. جهت انجام فرآیند فیلتراسیون راکتوری از جنس پلاکسی گلاس با طول، عرض و ارتفاع به ترتیب ۳۵، ۴ و ۱۹/۵ سانتی متر و حجم مفید ۲ لیتر طراحی و ساخته شد. فیلتر مورد استفاده در این تحقیق فوم پلی اورتان با سطح ویژه $600 \text{ m}^2/\text{m}^3$ ، درصد تخلخل ۹۷ درصد و دانسیته 35 kg/m^3 بود. آب خام ورودی از بالا و پایین بافل عمودی عبور و وارد فیلتر متخلخل شد و پس از فیلتر شدن از راکتور خارج شد. متغیرهای مورد بررسی عبارت بودند از بار سطحی ($10 \text{ m}^3/\text{m}^2 \cdot \text{h}$ و $7/5$) و کدورت اولیه ($100-10 \text{ NTU}$). اندازه گیری کدورت با استفاده از دستگاه کدورت سنچ (Hach 2100N) انجام گردید.

یافته ها: در این مطالعه بیشترین راندمان حذف در کدورت ۵۰ نفلومتری با بار سطحی $7/5 \text{ m}^3/\text{m}^2 \cdot \text{h}$ برابر با ۹۱ درصد حاصل شد و با افزایش بار سطحی از $7/5$ به $10 \text{ m}^3/\text{m}^2 \cdot \text{h}$ میزان حذف کدورت از ۹۱ درصد به ۸۶ درصد کاهش یافت. میزان حذف در کدورت ۱۰ نفلومتری در بار سطحی $7/5$ و $10 \text{ m}^3/\text{m}^2 \cdot \text{h}$ به ترتیب ۸۶ درصد و ۸۵ درصد به دست آمد. با افزایش کدورت ورودی به ۱۰۰ نفلومتری میزان راندمان حذف در $7/5$ و $10 \text{ m}^3/\text{m}^2 \cdot \text{h}$ به ترتیب ۸۸/۵ درصد و ۷۶ درصد حاصل شد.

نتیجه گیری: در این مطالعه با افزایش کدورت و کاهش بار سطحی راندمان حذف در کدورت ۵۰ و ۱۰ نفلومتری افزایش یافت. نتایج این تحقیق نشان داد که سامانه فیلتر بافل دار می تواند گزینه مناسبی برای حذف کدورت آب های طبیعی باشد.

واژگان کلیدی: کدورت، فیلتر بافل دار، فیلتراسیون



بررسی وضعیت بهداشت محیط و ایمنی خانه های فرزند مشهد در سال ۱۳۹۵

مریم پایدار^۱، محمد واحدیان شاهرودی^۲، مریم ضرغامی^۳، سپیده اقبالی^۳، محمد بهروزی نسب^۲، مونا

تبریزی آزاد^۴

^۱ کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد.

^۲ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

^۳ کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

^۴ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: mona.tabriziazad2017@gmail.com

زمینه و هدف: در عصر حاضر، جامعه ما و البته بسیاری از جوامع دنیا با یک دشواری و معضل بزرگی به نام کودکان بی سرپرست و یا بد سرپرست روبرو هستند. خانه های فرزند به عنوان مکانی مطمئن در پرورش این کودکان و نوجوانان نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. در صورتی که اصول بهداشت محیط در خانه های فرزند رعایت نشود، کودکان و نوجوانان ممکن است به انواع بیماری ها و مشکلات مختلف روحی و جسمی دچار شوند. با توجه به اهمیت موضوع، مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت بهداشت محیط و ایمنی خانه های فرزند شهر مشهد انجام شد.

روش کار: این پژوهش به صورت توصیفی - مقطعی و در مدت سه ماه در سال ۱۳۹۵ بر روی ۳۶ خانه نگهداری فرزند در مشهد انجام شد. ابتدا با استناد به آیین نامه های بهداشتی وزارت بهداشت و دستورالعمل ها و بخشنامه های سازمان بهزیستی به اقدام به طراحی چک لیست شد. سپس با مراجعه حضوری به خانه های نگهداری اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزاری آماری SPSS نسخه ۱۶ صورت گرفت.

یافته ها: از مجموع شاخص بهداشت محیط کل (بررسی بهداشت محیط اتاق ها، آشپزخانه و سرویس های بهداشتی و همچنین وضعیت ایمنی و میزان آگاهی پرسنل شاغل) در ۷ مرکز (۱۹٪/۴۵) ضعیف، در ۱۸ مرکز (۵۰٪) متوسط و در ۱۱ مرکز (۳۰٪/۵۵) خوب ارزیابی شد. وضعیت بهداشتی در پاره ای از موارد به طور معنی داری در مراکز دخترانه بیشتر از مراکز پسرانه است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، و پایین بودن وضعیت بهداشتی برخی از مراکز از میانگین استاندارد باید تلاش بیشتری برای بهبود وضعیت بهداشت و ایمنی خصوصا در مراکز پسرانه صورت گیرد.

واژگان کلیدی: خانه فرزند، وضعیت بهداشت محیط، شبه خانواده، شهر مشهد



بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آرایشگران زن شهرستان تایباد از انواع بیماری های واگیر شغلی مرتبط در سال ۹۵

مریم پایدار^۱، محمد واحدیان شاهرودی^۲، زهرا داد محمدی^۳، محبوبه خسروی^۳، فاطمه تقی زاده^۳، مونا تبریزی آزاد^۴

^۱ کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد.

^۲ دانشیار، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

^۳ کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

^۴ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: mona.tabriziazad2017@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از مشکلات بهداشتی در اماکن عمومی مانند آرایشگاهها عدم آگاهی کافی متصدیان حرفه آرایشگری نسبت به اهمیت موازین بهداشتی در این حرفه می باشد. هدف این مطالعه بررسی میزان آگاهی، نگرش، عملکرد آرایشگران زن شهرستان تایباد از انواع بیماری های واگیر شغلی مرتبط در سال ۱۳۹۵ بود.

روش کار: این مطالعه توصیفی - مقطعی در سال ۱۳۹۵ انجام شد. برای انتخاب نمونه ها از مجموع ۱۴۰ آرایشگاه زنانه موجود در شهرستان تایباد با نمونه گیری تصادفی ۹۷ آرایشگاه به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. با مراجعه به تک تک این آرایشگاه ها، پرسشنامه ای که شامل سه بخش نگرش، عملکرد و آگاهی بود، تکمیل گردید. در نهایت داده های حاصل با بهره گیری از نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ تجزیه و تحلیل آماری شده اند.

یافته ها: نتایج بررسی روی ۹۷ آرایشگر زن شهرستان تایباد در خصوص آگاهی بیماری های مرتبط با شغل نشان داد که میانگین سنی آرایشگران ۲۸/۴۹ سال با انحراف معیار ۷/۷۵ می باشد. فقط ۴ نفر (۴/۱۷ درصد) از آرایشگران آگاهی مطلوبی و تعداد ۲۲ نفر (۲۲/۷ درصد) از آرایشگران نگرش مطلوبی نسبت به بیماری های واگیر مرتبط با شغل خود داشتند.

نتیجه گیری: طبق مطالعات انجام شده در این آزمون افزایش آگاهی و نگرش آرایشگران منجر به بهبود عملکرد در زمینه بهداشت و بیماریهای شغلی مرتبط با حرفه آرایشگری می شود. همچنین نیاز به افزایش سطح آگاهی، نگرش و عملکرد بهداشتی آنها از طریق برگزاری برنامه های آموزشی و بازآموزی احساس می شود.

واژگان کلیدی: آرایشگر زن، آگاهی، نگرش، عملکرد، تایباد



بررسی وضعیت بهداشت محیط سلف سرویس های دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

معصومه موسوی^۱، حامد کاظمی^۲، کاوه خیرخواه رحیم آباد^۳

^۱ کارشناس بهداشت محیط معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی mosavi13722@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست گرایش آب و فاضلاب، آموزشگاه بهداشت اصناف سیب سلامت

زمینه و هدف: یکی از مواردی که در سلامت افراد جامعه دخالت دارد مراکز تهیه و توزیع مواد غذایی هستند که می توانند در صورت عدم رعایت موازین بهداشتی نقش مهمی را در انتقال آلودگی به افراد جامعه داشته باشند. با توجه به اهمیت و ضرورت وجود شرایط بهداشتی در رستوران ها این مطالعه با هدف بررسی وضعیت بهداشت محیط رستوران ها و سالن های غذاخوری دانشگاه علوم پزشکی ارومیه انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-مقطعی، هردو رستوران مرکزی دانشگاه به مدت یک ماه مطابق آیین نامه ماده ۱۳ مواد خوردنی و آشامیدنی وزارت بهداشت مورد بازدید قرار گرفت و چک لیست مربوطه تکمیل گردید که در این مرحله ویژگی های آشپزخانه (سطوح کار، یخچال ها، محل شستشوی ظروف و نوع شستشو، شوینده های مورد استفاده، جنس ظروف)، ویژگی های ساختمانی (سقف، دیوارها، تهویه، روشنایی، سرویس های بهداشتی، وضعیت در و پنجره)، کیفیت آب مصرفی، انبار مواد غذایی، چگونگی دفع مواد زائد و همچنین قوانین مربوط به معاینات پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج بدست آمده نشان داد که بیش از ۹۵٪ پارامترهای بهداشتی در هردو رستوران رعایت شده بود و دارای وضعیت مطلوبی از لحاظ ویژگی های ذکر شده برای آشپزخانه بودند ولی از لحاظ ویژگی های ساختمانی، یکی از رستوران ها که دارای سقف کاذب بوده، محل مناسبی برای رشد و تکثیر حشرات و ورود جانوران مودی را فراهم می کرد. در بررسی های مربوط به چگونگی دفع مواد زائد، در هردو رستوران به دنبال اجرای طرح تفکیک پسماند، تفکیک از مبدا انجام می شد و پسماند های دورریز در مخازن موجود در کنار سلف ها ریخته می شد. لازم به ذکر است که همه کارگران بهداشت فردی را رعایت کرده اما حین کار اقدام به استعمال دخانیات می نمایند.

نتیجه گیری: از مطالعه حاضر چنین نتیجه گیری میشود که بیشترین تمرکز باید در جهت بهسازی ساختمان صورت گیرد؛ به طوری که در اسرع وقت جهت بهبود اوضاع فعلی و کنترل حشرات و جانوران مودی، سقف های کاذب حذف گردد. همچنین آموزش های لازم در زمینه ممنوعیت استعمال دخانیات کارکنان حین کار به آنها داده شود.

واژگان کلیدی: سلف سرویس، رستوران، بهداشت محیط، بهسازی محیط



بررسی شاخص های بهداشتی آب استخرهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال

۱۳۹۶

معصومه موسوی^۱، حامد کاظمی^۲، کاوه خیرخواه رحیم آباد^۳

^۱ کارشناس بهداشت محیط معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی mosavi13722@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست گرایش آب و فاضلاب، آموزشگاه بهداشت اصناف سیب سلامت

زمینه و هدف: استخرهای شنا یکی از اماکن عمومی است که در تمامی فصول سال به خصوص تابستان مراجعین و طرفداران فراوانی دارد. با توجه به اینکه بهداشت استخرهای شنا از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، در صورت عدم رعایت موازین بهداشتی، موجب انتقال انواع بیماری ها به انسان می گردد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی کیفیت فیزیکوشیمیایی و میکروبی آب استخرهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی و مقایسه آن با استانداردهای موجود بود.

روش کار: تحقیق حاضر از نوع مطالعات توصیفی مقطعی-تحلیلی بوده که در سال ۱۳۹۶ بر روی پنج استخر تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ارومیه بصورت سرشماری صورت گرفت. طی این مطالعه پارامترهای کلر آزاد باقیمانده و pH و کدورت و دما بصورت روزانه، سختی و قلیائیت بصورت هفتگی، کلیفرم کل و کلیفرم مدفوعی و HPC بصورت فصلی مورد سنجش قرار گرفتند و در پایان، نتایج با استانداردهای ملی ایران مقایسه گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که کلر باقیمانده در ۹۰٪، pH در ۱۰۰٪، کدورت در ۹۹/۵٪، قلیائیت در ۸۵/۳٪، کلیفرم کل و مدفوعی به ترتیب ۹۰٪ و ۹۳٪، سختی در ۸۹/۲٪ و HPC در ۸۹/۹٪ مطلوب بود و دما در گستره ۲۵-۲۷ درجه سانتیگراد قرار داشت.

نتیجه گیری: در مجموع بررسی های صورت گرفته نشان داد که کیفیت فیزیکوشیمیایی و میکروبی آب استخرهای شنا مورد مطالعه از استاندارد های قابل قبولی برخوردار است و برای بهتر کردن شرایط فعلی، باید پایش مداوم جهت رسیدن به کیفیت بهتر در این زمینه صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: شاخص بهداشتی، استخر شنا، کلیفرم، کیفیت آب



ارزیابی طرح تفکیک پسماندهای خشک با ارزش از مبداء در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در

سال ۱۳۹۷

معصومه موسوی^۱، حامد کاظمی^۲، کاوه خیرخواه رحیم آباد^۳

^۱ کارشناس بهداشت محیط معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی mosavi13722@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست گرایش آب و فاضلاب، آموزشگاه بهداشت اصناف سیب سلامت

زمینه و هدف: امروزه تفکیک در مبداء به عنوان یک راهکار اجرایی موفق در مدیریت پسماند کشور های مختلف پذیرفته شده است. در ایران این تفکیک در ابتدا با رویکرد کاهش حجم پسماند ایجاد شد؛ انتظار می رود که شهرستان ارومیه بعنوان یکی از کلانشهر های کشور توانایی طرح تفکیک پسماند با ارزش از سایر پسماندها را داشته باشد؛ پژوهش فوق به موضوع تفکیک زباله با ارزش از سایر زباله ها در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (بخش های اداری-آموزشی، اسکان دانشجویان و سلف سرویس ها) در سال ۱۳۹۷ می پردازد.

روش کار: پژوهش فوق از نوع توصیفی و مقطعی با در نظر گرفتن دو فرایند اصلی آموزشی است. در مرحله اول سیستم های جمع آوری با استقرار کانتینرهای مخصوص بازیافت و غرفه ها بررسی شد، سپس با تهیه پرسش نامه های استاندارد و استفاده از اطلاعات شهرداری شهرستان، همچنین انجام آنالیز فیزیکی زباله ها، برآورد تناژ زباله تولیدی در روز به ازاء هر نفر، داده ها در نرم افزار HELP بررسی شد.

یافته ها: با توجه به انجام طرح تفکیک در حوزه مربوطه و تحلیل های آماری، برآورد می گردد که در بازه زمانی یک سال، ماهانه حداکثر ۱۰۰ کیلوگرم پسماند قابل بازیافت جمع آوری گردید که با توجه به اعمال هزینه های کاملاً مقرون به صرفه برای عملی کردن طرح طی جمع آوری زباله های بازیافتی به دنبال فرهنگ سازی صحیح، هزینه های اعمالی به سرعت تبدیل به سوددهی برای حوزه ی مربوطه گردید. لازم به ذکر است که درصد زباله تولیدی به ازای هر دانشجو تقریباً ۶۵۰ گرم در روز محاسبه گردید.

نتیجه گیری: در مجموع بررسی های صورت گرفته نشان داد که با توجه به اقدامات صورت گرفته و تجربیات بدست آمده که با صرف هزینه در بخش های مختلف همراه بوده، سیستم موجود کارایی خود را به صورت عملی به دلیل تنوع روش آموزش مناسب اثبات نموده است.

واژگان کلیدی: تفکیک پسماند، بازیافت، جمع آوری پسماند، فرهنگ سازی



بررسی عملکرد لجن فعال در تصفیه فاضلاب بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا و

کیفیت پساب خروجی در سال ۹۷

صدیقه سواری^۱، فرامرز بهشتی^۲

^۱ کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا اهواز، اهواز، ایران. ایمیل: Sedighehsavari90@gmail.com

^۲ مدیر عامل بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا اهواز، اهواز، ایران

زمینه و هدف: یکی از پیامدهای زیست محیطی ناشی از فعالیتهای بیمارستانی، ایجاد آلودگی زیست محیطی ناشی از تولید فاضلابهای بیمارستانی می باشد. فاضلاب بیمارستانی بدلیل دارا بودن عوامل پاتوژن زا، مواد و ترکیبات سمی و خطرناک در صورت عدم تصفیه و دفع نامناسب، می تواند تهدید بسیار جدی برای محیط زیست و انسان باشد. از این رو احداث تصفیه خانه های فاضلاب به تنهایی نگرانی های زیست محیطی را برطرف نمی کند بلکه برای رسیدن به استانداردهای مطلوب زیست محیطی باید عملکرد این تصفیه خانه ها مدام تحت بررسی و ارزیابی قرار گیرند. هدف از انجام این مطالعه بررسی عملکرد لجن فعال در تصفیه فاضلاب بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا شهر اهواز و کیفیت پساب خروجی در سال ۹۷ می باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت دوره ای یک ساله در سال ۱۳۹۷، بر روی تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان تخصصی و فوق تخصصی آپادانا به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است و به منظور تعیین کیفیت فاضلاب و کارایی تصفیه خانه در هر ماه عمل نمونه برداری از پساب خروجی تصفیه خانه صورت گرفت و نمونه ها از نظر مقدار PH، EC، B، کدورت، کلر آزاد، کلیفرم مدفوعی و کلیفرم کل به روش استاندارد در آزمایشگاه معتمد محیط زیست، مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میانگین پارامترهای BOD, COD, TSS، کدورت، کلر آزاد، کلیفرم مدفوعی و کلیفرم کل در پساب خروجی تصفیه خانه به ترتیب $18/36$ mg/L، $75/93$ mg/L، $36/4$ mg/L، $8/36$ NTU، $1/05$ mg/L، کمتر از 2 MPN/100 ml، کمتر از 2 MPN/100 ml می باشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که میانگین پارامترهای BOD, COD, TSS، کدورت، کلر آزاد، کلیفرم مدفوعی و کلیفرم کل در حد استاندارد خروجی مصوب سازمان حفاظت محیط زیست کشور بوده و کیفیت پساب خروجی از تصفیه خانه فاضلاب بیمارستان آپادانا به دلیل نوع سیستم تصفیه عالی بوده و توانایی این سیستم عملکرد بالایی در حذف الاینده های ورودی داشته است.

واژگان کلیدی: فاضلاب بیمارستانی، بیمارستان آپادانا اهواز، تصفیه خانه فاضلاب، کیفیت پساب



بررسی آگاهی و نگرش دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شوشتر در ارتباط با بهداشت و

ایمنی مواد غذایی در سال ۱۳۹۷

نوید فهیم^۱، مهسا مرادپور دزفولی^۱، ضیاء سعدونی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian115@chmail.com

زمینه و هدف: یکی از مشکلات بزرگ سلامت عمومی در جوامع، بیماری ها و مسمومیت های منتقله از طریق مواد غذایی است و بهداشت و ایمنی مواد غذایی می تواند اصل مهمی در پیشگیری از این بیماری ها و مسمومیت ها می باشد. آگاهی پایین در زمینه بهداشت و ایمنی مواد غذایی می تواند احتمال بروز بیماری ها و مسمومیت های غذایی را افزایش دهد. هدف از این مطالعه تعیین آگاهی و نگرش دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شوشتر در ارتباط با بهداشت و ایمنی مواد غذایی بود.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بوده که بر روی ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی شوشتر، به روش چند مرحله ای تصادفی انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته با روایی و پایایی (آلفای کرونباخ /۰.۸۶) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری کای اسکوئر، تی زوجی، تی مستقل و آنالیز واریانس استفاده شد ($P < 0/05$).

یافته ها: از بین افراد مورد مطالعه ۴۴/۷٪ آنها پسر و ۵۵/۳٪ آنها دختر بودند. ۶۳/۵٪ دانشجویان دارای آگاهی خوب، ۳۱/۲٪ دارای آگاهی متوسط و ۵/۳٪ دانشجویان دارای آگاهی ضعیف بودند. به تفکیک رشته، دانشجویان رشته بهداشت عمومی با ۸۸٪ آگاهی، بیشترین آگاهی و دانشجویان رشته ی فوریت پزشکی با ۲۵/۳٪ آگاهی، کمترین آگاهی را از میان دانشجویان داشتند. بین رشته تحصیلی و میزان آگاهی رابطه معنی داری ($P < 0/001$) وجود داشت، بین گذراندن واحد های درسی مربوطه و میزان آگاهی رابطه معنی داری ($P < 0/022$) وجود داشت، بین کسب اطلاعات درباره بهداشت و ایمنی مواد غذایی از اینترنت و رسانه ها با میزان آگاهی و نگرش رابطه معنی داری ($P < 0/022$) وجود داشت که نشان دهنده تاثیر فضای مجازی و اینترنت بر افزایش آگاهی و نگرش در افراد مورد مطالعه بود و همچنین میان کسب اطلاعات و آگاهی از خانواده و دوستان با میزان آگاهی و نگرش رابطه معنی داری ($P < 0/001$) وجود داشت.

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه بهداشت مواد غذایی یکی از عوامل مهم تاثیر گذار بر زندگی انسان است و خصوصاً باید در دانشجو های علوم پزشکی این آگاهی بیشتر باشد، توصیه می شود کارگاه هایی جهت افزایش آگاهی دانشجویان، مخصوصاً دانشجویان رشته هایی که آگاهی کمتری از بهداشت مواد غذایی داشتند برگزار شود و همچنین واحد های درسی مربوطه با تاکید و تمرکز بیشتری تدریس شود.

واژگان کلیدی: بهداشت مواد غذایی، ایمنی، مواد غذایی، بهداشت



بررسی کارایی جاذب بیسموت اکسی‌یدید (BioI) در حذف رنگ متیلن بلو از محلولهای آبی

مجتبی افشارنیا^۱، علی‌اکبر دهقان^۲، حسین علی‌دادی^۳، نجمه افشار کهن^۴، صدیقه مجیدیان^۶

^۱ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
^۲ استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۳ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۴ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
^۵ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
^۶ کارشناس ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران. ایمیل: majidians1@mums.ac.ir

زمینه و هدف: پساب‌های رنگی حاصل از صنایع نساجی، یکی از عظیم‌ترین منابع آلوده کننده محیط‌های آبی می‌باشند. یکی از رنگ‌های پر کاربرد در صنایع نساجی، رنگ متیلن بلو می‌باشد. متیلن بلو که به دلیل آروماتیک بودن، اغلب سمی، سرطان‌زا، جهش‌زا و مقاوم به تجزیه بیولوژیکی است، اثرات مضر بر موجودات زنده در مدت زمان کوتاه مواجهه دارد. فرآیند جذب سطحی در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی امکان استفاده از نانوذرات بیسموت اکسی‌یدید در جذب رنگ متیلن بلو از فاضلاب سنتتیک انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر در مقیاس آزمایشگاهی بر روی نمونه‌های سنتتیک رنگ در سیستم ناپیوسته انجام گرفت. اثر متغیرهای مهم در فرآیند شامل pH (۱۱-۳)، دوز جاذب (۳-۱ گرم بر لیتر)، زمان تماس (۵-۹۰ دقیقه) و غلظت اولیه رنگ (۴۰-۱۰ میلی‌گرم بر لیتر) و همچنین مطالعه ایزوترم و سنتتیک فرآیند مورد بررسی قرار گرفت. جاذب مورد استفاده بیسموت اکسی‌یدید بود که طبق روش حلال-گرمایی در آزمایشگاه تهیه گردید.

یافته‌ها: حداکثر راندمان حذف رنگ متیلن بلو از محلول (۹۶/۲۷٪) در pH بهینه برابر ۹، زمان تماس ۳۰ دقیقه، دوز جاذب ۳ گرم بر لیتر و غلظت اولیه ۱۰ میلی‌گرم بر لیتر مشاهده شد. تبعیت حذف متیلن بلو از مدل کینتیکی شبه درجه ۲ و مدل ایزوترم لانگمویر نشان داد مرحله جذب به عنوان مرحله کنترل کننده فرآیند مطرح است.

نتیجه گیری: بیسموت اکسی‌یدید، از پتانسیل بالایی جهت حذف مولکول‌های رنگ متیلن بلو از نمونه‌های آب آلوده برخوردار است.

واژگان کلیدی: ایزوترم، بیسموت اکسی‌یدید، جذب، سنتتیک، متیلن بلو



حضور ترکیبات سرطان زا در هوای کلان شهرها

مهديه يعقوبی^۱

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: mahdieh.yaghoobi@yahoo.com

زمینه و هدف: ترکیبات پلی آروماتیک (PAH) از مهم ترین آلاینده های محیط زیست است. این ترکیبات بنا به وزن مولکولی آنها ۱۲۸-۲۷۸ در آلاینده ذرات معلق قابل رد یابی و استنشاق هستند. پلی آروماتیک ها معمولاً بی بو و در حرارت محیط جامد می باشند. ابتلا به سرطان ریه، پوست، مثانه، تومور ریه و بروز سایر بیماری ها در افرادی که در معرض غلظت بالایی از PAHs بوده اند مشاهده شده است. سرطان زایی این ترکیبات روی حیوانات نیز به اثبات رسیده است. تقریباً ۹۰ درصد PAH ها سرطان زا می باشد. مهم ترین علت ایجاد این آلودگی احتراق سوخت های فسیلی و مواد آلی از جمله موتورهای دیزلی هستند. هدف از این پژوهش تعیین مهمترین آلاینده های سرطان زا در هوای کلان شهرها می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر مقاله مروری می باشد و با جست و جوی کلماتی مانند پلی آروماتیک، سرطان زا، آلاینده هوا در پایگاه های اطلاعاتی SID, Scopus, IranMedex, Scupos, Sciencedirect انجام پذیرفت. در نهایت از بین تعداد ۳۵ مقاله جست و جو شده، ۱۳ مقاله مورد مطالعه قرار گرفت. اصل بودن، تازگی مقالات و تناسب با کلمات کلیدی از معیارهای گزینش مقالات بوده است.

یافته ها: عوامل گوناگون جغرافیایی، اقلیمی، صنعتی و بخصوص وسایل نقلیه موتوری اعم از گازوئیلی و بنزینی در تولید این آلاینده خطرناک ایفای نقش می کند و الگوی تغییرات غلظت آن تابعی از مجموعه این عوامل می باشد. براساس مطالعات انجام شده ۱۶ ترکیب طبق EPA از شاخص ترین ترکیبات PAHs هستند. در این میان ترکیبات بنزو پیرین از خاصیت سرطان زایی بسیار بالایی برخوردار است. حضور آلاینده PAHs در مقادیر بیش از حد مجاز تعیین شده توسط EPA می تواند احتمال ابتلا به انواع سرطان ها را در انسان افزایش دهد. در برخی مناطق جهان غلظت این آلاینده در هوا کمتر از حدی است که اثرات مزمن داشته باشد و در برخی مناطق نیز غلظت بالایی از آن گزارش شده است.

نتیجه گیری: از آنجا که تاکنون پایش و مطالعه آلاینده PAHs در هوای کلان شهرها کمتر انجام گرفته و با توجه به اثرات سرطان زایی شدید این ترکیبات، لذا ضروری است جهت اندازه گیری غلظت آنها در هوا و تعیین بهترین روش های مدیریتی و اجرایی جهت حذف این ترکیبات مخصوصاً در کلان شهرها اقداماتی اصولی انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: آلاینده هوا، PAHs، کلان شهر، سرطانزا



تولید بیودیزل از روغن های سرخ کردنی دورریز در حضور کاتالیست هتروژن

نادعلی علوی^۱، سعید اللهی^۲، نجمه مسیحی^۳، مرضیه مرادقلی^۴

^۱ استاد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^۳ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و ایمنی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: Najmehmasihi@yahoo.com

زمینه و هدف: با توجه به افزایش تقاضا برای انرژی مصرفی و کاهش منابع سوخت های فسیلی و تاثیراتی که این سوخت ها بر روی آلودگی هوا و گرمایش جهانی دارند، مطالعه بر روی یافتن جایگزین مناسب برای سوخت های فسیلی اهمیت زیادی پیدا کرده است. بیودیزل با توجه به اینکه ویژگی هایی مشابه با سوخت های فسیلی دارد، به عنوان جایگزین اصلی سوخت های فسیلی در حال تولید و مصرف می باشد. هدف از این مطالعه تولید بیودیزل از زائدات روغنی دورریز رستوران ها در حضور کاتالیست هتروژن می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع تجربی-آزمایشگاهی می باشد. در این مطالعه برای تولید بیودیزل از یک ظرف سه دهنه مجهز به کندانسور، دماسنج و صفحه گرم که در واقع هیتر می باشد، استفاده گردید. برای بررسی خاصیت کاتالیست هتروژن برای تولید بیودیزل زمان واکنش در سه سطح ۲، ۴، ۶ ساعت، درصد وزنی کاتالیست ۱، ۳، ۵ درصد و نسبت مولی متانول به روغن ۹/۱، ۱۲/۱ و ۱۵/۱ مورد بررسی قرار گرفته شد. دمای واکنش و شدت همزن ثابت و به ترتیب ۶۲ درجه سانتی گراد و ۸۰۰ دور بر دقیقه منظور شد. راندمان تولید بیودیزل بر اساس نسبت جرمی بیودیزل تولیدی بر مقدار روغن مصرفی محاسبه گردید.

یافته ها: حداکثر راندمان تولید بیودیزل در حضور کاتالیست هتروژن $85/22 \pm 1/48$ درصد به دست آمد. شرایط بهینه برای تولید بیودیزل نسبت مولی متانول به روغن ۱۲/۱، زمان واکنش ۴ ساعت و درصد وزنی کاتالیست ۳ درصد بوده است.

نتیجه گیری: کاتالیست هتروژن سنتز شده از زائدات، خاصیت کاتالیستی بسیار بالایی برای تولید بیودیزل به عنوان کاتالیست هتروژن دارد.

واژگان کلیدی: سوخت های فسیلی، انرژی های زیستی، سنتز کاتالیست، ترانس استریفیکاسیون



حذف الکتروشیمیایی کروم شش ظرفیتی از فاضلاب با استفاده از الکترودهای مش استیل

ندا سیدی^۱، عباس رضایی^۲، زهره اکبری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس
^۲ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: rezaee@modares.ac.ir
^۳ دانشجوی دکتری گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس

زمینه و هدف: کروم یکی از آلاینده های خطرناک مطرح در محیط زیست می باشد که در پساب برخی از صنایع و آبکاری ها وجود دارد. به منظور ارتقاء کیفیت بهداشت محیط، حذف کروم و عدم ورود آن به منابع پذیرنده محیطی توصیه شده است. جهت حذف کروم از آب و فاضلاب، روش های مختلفی با استفاده از فرآیندهای بیولوژیکی، شیمیائی و فیزیکی پیشنهاد گردیده است. در این میان، فرایند الکتروشیمیائی به دلیل کارایی بالا و انطباق بیشتر با محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این الکتروکوآگولاسیون دارای پتانسیل بسیار مطلوبی در تصفیه پساب های صنعتی با توجه به هزینه های مربوطه، میزان لجن تولیدی کم و اثرات محیط زیستی می باشد. هدف از انجام این مطالعه ارزیابی حذف الکتروشیمیایی کروم شش ظرفیتی از محلول های آبی با استفاده از الکترودهای مش استیل بوده است.

روش کار: در این مطالعه از الکترودهای مش استیل در یک راکتور الکتروشیمیائی در مقیاس آزمایشگاهی استفاده گردید و متغیرهای اصلی نظیر اثر pH (۳-۸)، غلظت کروم (۵۰-۲۰۰ میلی گرم در لیتر)، اثر حمایت کننده الکتrolیتی کلرید سدیم، دانسیته جریان (۳/۶-۲/۱۳ میلی آمپر بر سانتی متر مربع)، زمان (۵-۱۲۰ دقیقه) و فاصله الکترودها مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: بر مبنای نتایج اخذ شده، دانسیته جریان ۵/۳ میلی آمپر بر سانتی متر مربع، pH ۳، زمان ۳۰ دقیقه، ۰/۵ میلی گرم در لیتر حمایت کننده الکتrolیتی، فاصله الکترودها ۱ سانتی متر و غلظت کروم ۵۰ میلی گرم در لیتر به عنوان شرایط بهینه تعیین شدند.

نتیجه گیری: سیستم الکتروشیمیایی واجد الکترودهای مش استیل (آند و کاتد) دارای راندمان مطلوبی بوده و به طور موثری می تواند کروم شش ظرفیتی را از آب حذف نماید.

واژگان کلیدی: حذف الکتروشیمیایی، کروم، مش استیل، آب، فلزات سنگین



مطالعه اثر تیوگلیکولات جهت سنجش آهن در مطالعات بهداشت محیط

فاطمه خواجه^۱، عباس رضایی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: rezaee@modares.ac.ir

زمینه و هدف: آهن یکی از آلاینده های محیطی است که سنجش آن در مطالعات بهداشت محیط از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برخی آب های زیر زمینی و پساب های اسیدی حاصل از عملیات معادن، حاوی میزان قابل توجهی آهن می باشند که اگر غلظت آن در آب بیش از ۱ mg/l باشد علاوه بر ایجاد مزه تند، تلخ و شیرین عوارض بالینی برای انسان ایجاد می کند. آهن در منابع طبیعی بیشتر به شکل آهن فرو (Fe^{2+}) و فریک (Fe^{3+}) دیده می شود. روش های استاندارد سنجش آهن نظیر فنانترولین بر اساس سنجش آهن محلول استوار می باشند. در بسیاری از نمونه های محیطی آهن به شکل نامحلول فریک وجود دارد که نتایج کاذبی در آزمایشهای سنجش آهن ایجاد نموده و در دقت و صحت نتایج اخذ شده تاثیرگذار می باشد. با تغییر شرایط اکسیداسیون و ایجاد شرایط احیا، آهن از شکل نامحلول به محلول تبدیل می شود که با افزودن عوامل اسیدی با راندمان های مختلف قابل اجرا است. لذا در این راستا مطالعه اثر تیوگلیکولات جهت سنجش آهن در مطالعات بهداشت محیط انجام شد.

روش کار: در این مطالعه به منظور محلول سازی کامل آهن در سنجش آهن با استفاده از روش فنانترولین، اثر ماده احیاء کننده تیوگلیکولات مورد بررسی قرار گرفت. نمونه های سنتتیک حاوی مواد معلق و آهن با غلظت ۵۰ میلی گرم در لیتر با ۷ pH فراهم شد. جهت جدا سازی مواد معلق از دستگاه سانتریفیوژ با چرخش ۵۰۰۰ دور در دقیقه با مدت زمان ۵ دقیقه استفاده شد. اندازه گیری آهن در اشکال محلول فروس و نامحلول فریک با دستگاه اسپکتوفتومتر در طول موج ۵۵۰ نانومتر و با روش معمول فنانترولین، افزودن اسید کلریدریک غلیظ قبل از سانتریفیوژ نمونه ها با حذف اسید در مرحله هضم و تیمار نمونه ها با اسید تیوگلیکولیک قبل از سانتریفیوژ صورت گرفت.

یافته ها: نمونه های سنتتیک مورد ارزیابی با استفاده از روش فنانترولین، غلظت آهن سنجش شده را ۲۶ میلی گرم بر لیتر نشان می داد که بیانگر خطای زیاد آزمایش به دلیل عدم توانایی در سنجش آهن نامحلول می باشد. افزودن اسید کلریدریک که بصورت معمول جهت افزایش محلول سازی نمونه ها قبل از انجام سانتریفیوژ با حذف اسید در مرحله هضم پیشنهاد می گردد، غلظت ۵۰ میلی گرم در لیتر را حدود ۳۴ میلی گرم بر لیتر نشان می داد که بیانگر عدم کارایی مطلوب اسید کلریدریک در محلول سازی آهن می باشد. نمونه های تیمار شده اولیه با اسید تیوگلیکولیک مقدار آهن را حدود ۵۰ میلی گرم بر لیتر نشان می داد که بیانگر محلول سازی مطلوب آهن نامحلول است.

نتیجه گیری: بر مبنای نتایج اخذ شده از اثر محلول سازی تیوگلیکولات، این ماده احیاء کننده جهت افزایش حساسیت و دقت سنجش آهن در نمونه های محیطی توصیه می گردد

واژگان کلیدی: تیوگلیکولات، آهن فرو، آهن فریک، فنانترولین، شرایط احیا



ظرفیت سنجی میزان تولید متان از پسماند تولیدی استان خراسان رضوی با استفاده از

روش IPCC

حسین علیدادی^۱، علی اکبر دهقان^{۱،۲}، رضا عبدالله زاده^۳، فاطمه کریمی نژاد^۴

^۱ استادا، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^۲ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

^۳ کارشناس ارشد برنامه ریزی محیط زیست، سازمان مدیریت پسماند، مشهد، ایران

^۴ کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. ایمیل: Kariminezhadf3@mums.ac.ir

زمینه و هدف: جمعیت استان خراسان رضوی از ۵۵۹۳۰۷۹ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۶۴۳۴۵۰۱ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. این رشد سریع، سبب تولید مقادیر زیادی از مواد زائد در این استان می گردد. تخمین زده می شود بالغ بر ۹۰٪ از مواد زائد تولید شده در این استان به لندفیل ها برده شود که بزرگترین منابع ورود متان به اتمسفر هستند. متان به دلیل عامل مؤثر در گرمایش جهانی (۲۰ برابر بیشتر از دی اکسید کربن) به عنوان یک گازهای مهم گلخانه ای شناخته می شود. این مطالعه، ظرفیت تولید گازهای گلخانه ای توسط مواد زائد تولیدی در استان خراسان رضوی را توسط روش IPCC بررسی می کند.

روش کار: در مطالعه حاضر از مدل تجزیه درجه اول (FOD)، توصیه شده توسط هیئت بین دولتی در تغییرات آب و هوایی (IPCC) به منظور تخمین ظرفیت تولید متان از مواد زائد تولید شده در خراسان رضوی استفاده شد. داده های مربوط به بازه زمانی فروردین تا اسفند سال ۱۳۹۷ از سازمان مدیریت پسماند (مپ) جمع آوری شد. در نهایت نتایج حاصله توسط نرم افزار Excel 2016 و SPSS 16 آنالیز شد.

یافته ها: با توجه به ترکیب مواد زائد تولیدی استان خراسان رضوی، ظرفیت انتشار متان در رنج تقریبی ۴۰-۰/۱ گیگا گرم در سال بود. بیشترین میزان انتشار در مشهد و نیشابور با جمعیت ۳۰۰۱۱۸۴ و ۲۶۴۳۷۵ نفر و تولید ۲۲۰۰ و ۱۹۰ تن در روز مواد زائد ثبت شد. بطور مشابه، کمترین مقدار در رباط سنگ و یونسی با جمعیت ۱۵۵۱ و ۳۴۲۶ نفر و مقدار تولید مواد زائد ۱/۵ تن در روز بود. بر اساس نتایج حاصله، ظرفیت انتشار متان با جمعیت و مقدار تولید مواد زائد رابطه مستقیم دارد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد روش FOD در مواردی که اطلاعات مناسبی از ترکیبات مواد زائد در دسترس باشد می تواند تخمین مناسبی از میزان تولید متان فراهم آورد. با توجه به درصد بالای ترکیبات آلی و مواد غذایی، قابلیت تولید متان بالایی در این مواد زائد وجود دارد که می تواند به عنوان بیوگاز یا تولید برق در استان مورد استفاده قرار گیرد. از طرف دیگر، عدم مدیریت درست لندفیل ها می تواند با انتشار متان به اتمسفر (به عنوان عامل اصلی گازهای گلخانه ای) فاجعه آفرین باشد. مقایسه این مقدار تخمین زده شده با مقادیر واقعی به مطالعات دقیق و بلند مدت بیشتر نیاز دارد.

واژگان کلیدی: گازهای گلخانه ای، لندفیل، مواد زائد جامد، خراسان رضوی



ارزیابی رفتارهای پر خطر بهداشتی در مراجعین به استخرهای شنا

فاطمه کریمی نژاد^۱، منور افضل آقایی^۲، زهره رهنما برگرد^۳

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار، متخصص پزشکی اجتماعی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. Rahnamabz951@mums.ac.ir

زمینه و هدف: کثرت مراجعه به استخرهای شنا به عنوان یک مکان تفریحی و درمانی و عدم رعایت مسایل و موازین بهداشتی، استخرهای شنا را به کانون آلودگی و بیماری های مختلف تبدیل می کند. اطلاع از میزان رفتارهای بهداشتی مراجعه کنندگان و آموزش بهداشت به منظور حفظ شرایط محیطی سالم و ارزیابی سطح آگاهی، شکل گیری عقاید و گرایش ها، کسب رفتارها و شیوه های زندگی اهمیت دارد. از این رو این مطالعه با هدف ارزیابی رفتارهای بهداشتی در مراجعه کنندگان به استخرهای شنا در سطح شهر مشهد انجام گرفت.

روش کار: این پژوهش توصیفی مقطعی در استخرهای شنای فعال در سطح شهر مشهد بر اساس ۵ منطقه بهداشتی (مراکز بهداشت شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵) انجام شد. جهت جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته که پس از بررسی روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه دارای سه قسمت اصلی اطلاعات دموگرافیک و پایه، آگاهی، نگرش و میزان پیروی و بروز رفتارهای بهداشتی در کاربران استخر بود. پس از جمع آوری پرسشنامه های تکمیل شده و تجزیه و تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد که با توجه به افزایش وسایل آموزشی و اطلاع رسانی هنوز هم بسیاری از افراد از خطرات و آسیب های استخرها بی اطلاع هستند به عنوان مثال از مجموع ۱۳ نکته ای که افراد باید در استخر رعایت می کردند افراد به طور متوسط از ۵٫۸۶ موارد اطلاع داشتند. میانگین نمره عملکرد و آگاهی در افراد با تحصیلات بیشتر به نسبت افراد با تحصیلات کمتر بالاتر بود و همچنین افرادی که دوره آموزش شنا را گذرانده بودند به نسبت افرادی که این دوره ها را پشت سر گذاشته بودند دارای آگاهی و عملکرد بیشتری بودند. ولی عملکرد و آگاهی با تعداد دفعات مراجعه به استخر هیچ گونه ارتباطی نداشت. همچنین افراد بیشتر اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق اطلاعیه های نصب شده در محیط استخر و بعد از آن از طریق اینترنت کسب می کنند.

نتیجه گیری: از این رو با برنامه های آموزشی از زوش های مختلف می توان از انتقال بیماری ها در استخرها جلوگیری کرد. همچنین به نظر نصب تابلوهای بیشتر در محیط استخرها می تواند به عنوان مهمترین عامل در بالا بردن میزان آگاهی افراد باشد.

واژگان کلیدی: استخر، رفتار بهداشتی، مشهد



ارزیابی سمیت رنگ بیسیک بلو ۴۱ پس از تخریب فتوکاتالیستی توسط نانوکامپوزیت ZnO/Y-

Zeolite به وسیله دافنیا مگنیا

فاطمه کریمی نژاد^۱، محسن حقیقی^۲

۱. کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
۲. کارشناس ارشد بهداشت محیط، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران.
ایمیل: Mohsenhaghighi087@gmail.com

زمینه و هدف: رنگها یکی از عمده ترین آلاینده های زیست محیطی در پساب صنایع نساجی می باشند که سمی، سرطان زا، جهش زا و غیر قابل تجزیه بیولوژیکی می باشد. لذا، در این تحقیق سمیت محلول حاوی رنگ بیسیک بلو و محصولات حاصل از تجزیه آن پس از فرایند فوتوکاتالیستی توسط نانوکامپوزیت ZnO/Y-Zeolite مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش کار: ساختار و مورفولوژی نانوکامپوزیت ZnO/Y-Zeolite با استفاده از آنالیزهای XRD، FE-SEM و TEM بررسی شد. تاثیر پارامترهای مختلف عملیاتی مانند زمان واکنش، pH اولیه، و غلظت آلاینده مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، به منظور تعیین سمیت پساب خروجی از فرایند فوتوکاتالیستی، از آزمون Bioassay با استفاده از نشانگر زیستی دافنیا مگنیا استفاده شد و سمیت ۲۴، ۴۸ و ۷۲ ساعته مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله توسط نرم افزار Excel 2016 و SPSS 16 آنالیز شد.

یافته ها: نتایج حاصل از آنالیز XRD وجود ZnO و Y-Zeolite را به عنوان فاز بلوری در ساختار نانوکامپوزیت را تایید کرد. تصاویر FE-SEM و TEM نشان داد که نانو ذرات ZnO به صورت یکنواخت در سطح زئولیت پخش شده است. نتایج حاصل از مطالعات آزمایشگاهی نشان داد که در pH=۳، غلظت رنگ ۱۰ میلی گرم بر لیتر بیشترین راندمان حذف برابر ۹۵/۶٪ بعد از گذشت ۱۲۰ دقیقه از زمان واکنش بدست آمد. از طرفی، نتایج مطالعه سمیت نشان داد که در ابتدای فرایند سمیت محلول افزایش می یابد اما با گذشت زمان واکنش و تجزیه محصولات جانبی تخریب فوتوکاتالیستی آلاینده بطور پیوسته از سمیت محلول کاسته می شود به طوری که سمیت بسیار ناچیزی پس از گذشت ۱۲۰ دقیقه از زمان واکنش مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد نانوکامپوزیت ZnO/Y-Zeolite کارایی بالایی در حذف رنگ بیسیک بلو ۴۱ و کاهش سمیت ناشی از محصولات جانبی آن حین فرایند دارد و می تواند به عنوان یک روش موثر برای تصفیه فاضلاب های حاوی رنگ مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بیسیک بلو ۴۱، فتوکاتالیستی، نانوکامپوزیت، دافنیا مگنیا



تأثیر ذرات معلق هوا (PM2.5) بر میزان ابتلا کودکان به اوتیسم: بررسی مروری

هادی مشعلی^۱، گلاویژ برزگر^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران. ایمیل: hadimashali@gmail.com

^۲ عضو هیئت علمی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

زمینه و هدف: اوتیسم نوعی اختلال رشدی است که با رفتارهای ارتباطی، کلامی غیرطبیعی مشخص می‌شود. علل اختلال اوتیسم پیچیده هستند و علت اصلی آن ناشناخته است، اما عوامل محیطی به میزان گسترده‌ای در کنار عوامل ژنتیکی در بروز اوتیسم نقش دارند. مغز در حال رشد کودکان جوان بیشتر در معرض قرار گرفتن در معرض سموم محیطی قرار دارند و مطالعات متعدد نشان داده اند که این می‌تواند بر عملکرد مغز و سیستم ایمنی تأثیر بگذارد. بررسی احتمال وجود ارتباط بین آلودگی هوای بیرون و خطر ابتلا به اوتیسم مورد توجه تحقیقات زیادی بوده است.

روش کار: این پژوهش به صورت مروری در سال ۱۳۹۷ و از طریق جستجو در پایگاه های اطلاعاتی معتبر از قبیل PubMed، Google Scholar، ProQuest، Web of Science، Scopus با واژگان کلیدی "آلودگی هوا"، "اوتیسم، کودکان"، "ذرات معلق" انجام شد. در نهایت ۷ مقاله از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انتخاب گردید. پس از جمع آوری مقالات مرتبط داده های استخراج شده از مقالات به منظور تحلیل توسط پژوهشگران خلاصه برداری و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داد که هیچ ارتباطی بین اوتیسم و آلودگی ذرات ریز قبل یا ابتدای بارداری یا پس از تولد فرزند وجود نداشت. اما قرار گرفتن در معرض میزان بالای ذرات معلق با قطر کمتر از ۲/۵ در سه ماهه سوم، خطر ابتلا به اوتیسم را دو برابر کرد. هم چنین در نود درصد مطالعات ۳ ماهه سوم بارداری و ۲ سال ابتدایی زندگی در مناطق آلوده ناشی از ترافیک جاده ای مهم ترین دوران و موثرترین عامل شناخته شده اند.

نتیجه گیری: آلودگی هوا هم در در طول دوره بارداری، و هم پس از تولد، بویژه در نوزادانی که زودتر از موعد به دنیا آمده‌اند، خطر ابتلا به اوتیسم را افزایش می‌دهد. قرارگیری در معرض آلودگی هوا بر سیستم ایمنی یا غدد درون ریز تأثیر می‌گذارد، یا موجب فشار اکسایشی و التهاب می‌شود. این التهاب هم بر رشد شبکه عصبی تأثیر می‌گذارد که می‌تواند منجر به ابتلا کودک به اختلال اوتیسم شود، لذا بهتر است زنان بارداری که ۳ ماهه دوم و سوم بارداری‌شان را می‌گذرانند، تا جایی که امکان دارد در معرض هوای آلوده قرار نگیرند. مشخص نیست که چگونه ذرات معلق کوچک ممکن است باعث ایجاد اوتیسم شوند، اما آنها با ترکیب با آلاینده های بی شمار و نفوذ در سلول ها می‌توانند رشد مغز را مختل کند. اجتناب از آلودگی هوا آسان نیست چرا که پیرامون ما را فراگرفته است. اما باید توجه داشت که در بلندمدت مشکلات عیدیه‌ای را برای سلامت به همراه دارد.

واژگان کلیدی: آلودگی هوا، اوتیسم، کودکان، ذرات معلق



حذف بیولوژیکی فرمالدئید از جریان هوا با استفاده از سیستم بیوفیلتر

ایمان پارسه^۱، ملیکا حسینی نژاد^۲، حامد حاجی زاد^۲، امیر شاعری^۲، زهرا سیف^۲

^۱ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران. ایمیل: ایمیل نویسنده مسئول: melika.hosseinii2000@gmail.com

زمینه و هدف: فرمالدئید (CH_2O) کاربرد زیادی در صنعت دارد. همچنین برای ضدعفونی اماکن و وسایل، ابزار جراحی، دستگاه دیالیز و آندوسکوپی کاربرد دارد. فشار بخار بالای فرمالدئید (بیشتر از ۵ اتمسفر در دمای $25^{\circ}C$)، باعث می شود به راحتی وارد هوای محیط شود. بخارات این ماده سمی است و سازمان جهانی بهداشت (WHO) آن را جزء ترکیبات احتمالاً سرطانزا قرار داده است. هدف این مطالعه بررسی کارایی بیوفیلتراسیون در حذف فرمالدئید از هوا است.

روش کار: یک سیستم بیوفیلتر دو طبقه با حجم کل ۸٫۳ لیتر (ارتفاع مؤثر کل ۸۰ و قطر داخلی ۱۱٫۵ سانتیمتر) جهت تصفیه هوای آلوده به فرمالدئید استفاده شد. بستر بیوفیلتر شامل کمپوست، اسکوریا، باگاس با نسبت ۶، ۲، ۲ (به ترتیب) بود. در طول یک دوره ۳۰ روزه اثر غلظت ($11.6-1.5 mg/m^3$)، زمان تماس بستر خالی یا EBRT (۲۰، ۸۰، و ۱۲۰ ثانیه) و ارتفاع بستر بر کارایی بیوفیلتر بررسی شد. نمونه برداری و سنجش فرمالدئید مطابق روش EPA-TO5 و با استفاده از دستگاه HPLC انجام شد. داده‌ها با استفاده از SPSS16 تحلیل شدند.

یافته‌ها: طبق نتایج، میانگین کارایی حذف در سه محدوده غلظتی $1.2-2.5$ ، $4.3-5.75$ ، $9.3-11.6$ میلی گرم بر مترمکعب به ترتیب 95 ± 3 ، 94 ± 4 ، 90 ± 5 بود. همچنین میانگین کارایی حذف در EBRT معادل ۴۰، ۸۰، و ۱۲۰ ثانیه به ترتیب 93 ± 4 ، 95 ± 4 ، 93 ± 4 بود. میانگین حذف در طبقه اول و دوم بیوفیلتر نیز به ترتیب 77 ± 10 و 67 ± 15 به دست آمد.

نتیجه گیری: طبق نتایج، کارایی بیوفیلتر در حذف فرمالدئید با افزایش EBRT و کاهش غلظت ورودی به طوری معنی داری ($p < 0.05$) افزایش می یابد. همچنین مشخص شد بیش از ۶۸ درصد کل میزان حذف، در طبقه اول (۴۰ سانتیمتری ابتدایی بستر بیوفیلتر) اتفاق می افتد. به طور کلی، می توان نتیجه گرفت بیوفیلتر یک روش ارزان و ساده جهت حذف مؤثر فرمالدئید از منابع تولیدکننده آن است.

واژگان کلیدی: هوا، فرمالدئید، بیوفیلتر، بیولوژیکی



تجزیه فنتون هتروژنی رنگ راکتیو بلک ۵ بوسیله نانوکامپوزیت مگنتیک MWCNTs/Fe₃O₄ در محلول های آبی

نظام الدین منگلی زاده^۱، زهرا سیف^۲، سارا قربانی^۲، سحر محمدجانی^۲، ایمان پارسه^۳

^۱ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران

^۳ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران. ایمیل: iparseh97@gmail.com

زمینه و هدف: در سال های اخیر رنگ های آزو به دلیل فراوانی و چسبیدن راحت به الیاف به طور وسیع در صنایع نساجی مورد استفاده قرار گرفت. با اینحال رنگ های آزو دارای ساختار آروماتیک پیچیده و گروه -N=N- بوده که به آسانی بوسیله روش های بیولوژیکی و فیزیکوشیمیایی متداول حذف نمی شود. از اینرو در مطالعه حاضر از فرآیند فنتون هتروژنی در تجزیه رنگ راکتیو بلک ۵ به عنوان مدل رنگ آزو از محلول های آبی مورد استفاده قرار گرفت.

روش کار: در مطالعه حاضر نانولوله کربنی چند دیواره ای مگنتیک (MWCNTs/Fe₃O₄) بوسیله روش هم ترسیبی سنتز شده و مشخصات آن با استفاده از آنالیزهای SEM، XRD و FTIR تعیین شد. تاثیر فاکتورهای pH، دوز کاتالیست، غلظت H₂O₂، غلظت اولیه رنگ و زمان واکنش روی تجزیه رنگ راکتیو بلک ۵ مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل نشان داد که حداکثر بازدهی حذف رنگ در pH=3، غلظت H₂O₂ معادل ۱۰ mmol/L، غلظت اولیه رنگ ۲۵ mg/l و زمان واکنش ۶۰ دقیقه اتفاق افتاد. نتایج بررسی فاکتورها نشان داد که با افزایش pH و غلظت اولیه رنگ بازدهی حذف رنگ کاهش یافته، این در حالی که با افزایش معرف های فنتون همچون H₂O₂ و MWCNTs/Fe₃O₄ بازدهی حذف افزایش یافت. بازدهی حذف رنگ و COD در فرآیند فنتون بر پایه MMWCNTs ۱،۵ برابر بیشتر از فرآیند فنتون هموزن بدست آمد. این افزایش بازدهی ممکن است به دلیل کنترل بهتر تولید رادیکال هیدروکسیل، جذب آلاینده ها و فراهم آوردن بستر مناسب برای واکنش فنتون توسط نانولوله کربنی باشد. تست پایداری کاتالیست نشان داد که MWCNTs/Fe₃O₄ را می توان ۵ بار بدون کاهش قابل ملاحظه ای بازدهی بازیافت نمود.

نتیجه گیری: بر پایه نتایج، فرآیند فنتون هتروژنی بر پایه MWCNTs/Fe₃O₄ می توان به عنوان یک فرآیند جایگزین برای فنتون هموزن به دلیل بازدهی بالا، جداسازی آسان کاتالیست، فعالیت کاتالیتیک پایدار در سیکل واکنش های متوالی و عدم نیاز به احیاء کاتالیست مورد ملاحظه قرار داد.

واژگان کلیدی: رنگ راکتیو بلک ۵، فنتون، MWCNTs/Fe₃O₄ پایداری، محلول آبی



حذف دی متیل هیدرازین نامتقارن از هوای آلوده توسط فرآیند گیاه پالایی

ایمان پارسه^۱، امیر شاعری^۲، ملیکا حسینی نژاد^۲، زهرا سیف^۲، نظام الدین منگلی زاده^۳

^۱ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی بهبهان، بهبهان، ایران
^۳ استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی لارستان، لارستان، ایران. ایمیل: nezammengli65@gmail.com

زمینه و هدف: دی متیل هیدرازین نامتقارن (UDMH) به عنوان سوخت در موشک ها کاربرد زیادی دارد. این ترکیب به دلیل فشار بخار بالا به راحتی وارد هوای محیط می شود. UDMH خاصیت سرطانزایی و جهش زاوی دارد و جز ترکیبات احتمالاً سرطانزا (2B) دسته بندی می شود. هدف این مطالعه، بررسی کارایی گیاه پالایی در حذف UDMH از هوا است.

روش کار: برای اینکار از گیاه زینتی شفلرا آربوریکلا (*Schefflera arboricola*) درون یک محفظه پلکسی گلاس (طول ۸۴، عرض ۶۲، و ارتفاع ۷۲ سانتیمتر) استفاده شد، و به مدت یک ماه اثر سه محدوده غلظتی (۰، ۱-۰، ۲-۱، و ۵-۴ میلی گرم بر کیلوگرم) و زمان تماس بستر خالی یا EBRT (۳۰ و ۶۰ ثانیه) بر کارایی گیاه پالایی بررسی شد. ابتدا محفظه بدون گیاه و بمنظور کنترل اثر گیاه بر میزان حذف استفاده شد. نمونه برداری و سنجش میزان UDMH در هوا مطابق روش و NIOSH 3515 و توسط دستگاه DR-5000 انجام شد.

یافته ها: طبق نتایج، میانگین کارایی حذف UDMH در محفظه دارای گیاه در محدوده غلظتی ۰، ۱-۰، ۲-۱، و ۵-۴ میلی گرم بر کیلوگرم به ترتیب ۹۵±۴، ۹۱±۵ و ۸۵±۶ درصد بود که بطور معنی داری بیشتر از کارایی حذف در محفظه کنترل (بدون گیاه) بود ($p < 0/05$). همچنین میانگین کلی حذف در EBRT معادل ۳۰ و ۶۰ ثانیه به ترتیب ۹۳±۴ و ۸۶±۶ بود.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که با افزایش غلظت، درصد کارایی حذف کاهش می یابد. همچنین با کاهش EBRT، کارایی حذف کاهش یافت که دلیل این امر ممکن است کاهش تعداد برخوردهای مولکولهای گاز آلاینده با سطح برگ گیاه باشد. به طور کلی می توان نتیجه گرفت گیاه پالایی یک روش ساده و مؤثر در حذف UDMH از هوای آلوده است.

واژگان کلیدی: هوا، هیدرازین، گیاه پالایی، شفلرا آربوریکلا



بررسی وضعیت بهداشت محیط دبیرستان های شهرستان نوشهر در سال تحصیلی ۹۴-۹۳

عبدالایمان عمویی^۱، سعیده متاجی^۲

^۱ استاد، گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات سلامت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

زمینه و هدف: بهداشت مدارس شامل کلیه فعالیت هایی است که به منظور تأمین، حفظ و ارتقاء سطح سلامت دانش آموزان صورت می گیرد. محیط مدارس باید به گونه ای باشد تا از هر لحاظ به نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی دانش آموزان پاسخ دهد. مهم ترین عوامل کاهش دهنده سطح بهداشت محیط، ایمنی و ارگونومی در مدارس، سرانه ناکافی فضای آموزشی، نزدیکی مدرسه به مکان های غیر بهداشتی و غیر ایمن، قدیمی بودن ساختمان مدارس، شرایط غیر بهداشتی توالت، دستشویی و آبخوری، وضعیت غیر بهداشتی و غیر ایمن بودن کلاس درس و محوطه مدرسه، امکان برق گرفتگی و آتش سوزی، ناکافی بودن امکانات کمک های اولیه، نامناسب بودن تخته، میز و نیمکت دانش آموزان می باشد. در آموزش و پرورش نوین فضای فیزیکی به عنوان یک عامل زنده و پویا در انجام فعالیت آموزشی و تربیتی دانش آموزان تلقی می گردد. با توجه به نقش بهداشت محیط در ارتقاء سطح سلامتی جامعه، این پژوهش به منظور بررسی وضعیت بهداشت محیط دبیرستان های شهرستان نوشهر در سال ۹۴ انجام شد.

روش کار: مطالعه توصیفی- مقطعی حاضر در دبیرستان های شهرستان نوشهر در سال ۱۳۹۴ انجام شد. روش نمونه گیری به صورت سرشماری و ابزار گردآوری داده ها در این بررسی چک لیستی می باشد که بر اساس چک لیست مورد تایید وزارت بهداشت تنظیم گردید و توسط پژوهشگر و همکاران مراکز بهداشتی با مراجعه حضوری و مصاحبه با مسئولین مدارس تکمیل شده است. پس از جمع آوری و استخراج داده ها، با استفاده از نرم افزار Excel به تجزیه و تحلیل آنها اقدام گردید.

یافته ها: نتایج حاصل از ۲۷ مدرسه مورد مطالعه نشان داد که ۷۷٫۷۷٪ مدارس قدیمی و ۲۳/۲۳٪ مدارس نوساز می باشند. از ۲۷ مدرسه مورد مطالعه ۹۶/۹۲٪ دارای فاصله مناسب با آلاینده ها بودند. در ۵۹/۲۵٪ مدارس، تعداد آبخوری نسبت به تعداد دانش آموزان مطابق با استاندارد بود. ۶۶/۶۶٪ مدارس دارای بوفه اند که از این تعداد ۶۱/۱۱٪ دارای بوفه با شرایط بهداشتی بودند. کارکنان بوفه ۴۴/۴۴٪ از مدارس دارای کارت معاینه پزشکی بودند.

نتیجه گیری: با مقایسه نتایج به دست آمده از این پژوهش با استانداردهای مشخص شده در زمینه فضای فیزیکی مدارس و مشاهده فاصله ی بین شرایط موجود و شرایط مورد انتظار در مدارس شهرستان نوشهر، اقدام در جهت بازسازی و نوسازی مدارس به منظور حفظ سلامت جسمی و روانی دانش آموزان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، دبیرستان، نوشهر



کارایی اشعه های VUV و UVC در غیرفعالسازی باکتری اشرشیاکلی در آب آلوده

عشرت فتحی^۱، غلامرضا موسوی^۱

^۱ گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ایمیل: moussavi@modares.ac.ir

زمینه و هدف: کیفیت میکروبی آب، یکی از عوامل مهم محیطی موثر بر سلامت می باشد، زیرا آب حاوی میکروارگانیسم های بیماری زا موجب شیوع بیماری های منتقله از آب در میان مصرف کنندگان می شود. لزوم گندزدایی و غیرفعالسازی باکتری های بیماری زا، از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین توسعه فن آوری های جدید گندزدایی آب برای این امر ضروری می باشد. هدف از این مطالعه بررسی اثربخشی تابش VUV برای غیرفعالسازی باکتری اشرشیاکلی است.

روش کار: آزمایشات با استفاده از یک فتوراکتور مجهز به یک لامپ VUV انجام شد. به منظور مقایسه عملکرد فتوراکتور VUV، آزمایشات با لامپ UVC نیز انجام شد. در این مطالعه اثر پارامترهای غلظت NaCl و HRT بر راندمان غیرفعالسازی E. Coli با دانسیته میکروبی $10^7 \times 1/1$ CFU/mL در مقادیر pH برابر با ۸ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل نشان داد غلظت های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ گرم بر لیتر NaCl با دانسیته میکروبی $10^7 \times 1/1$ CFU/mL در زمان ۱۰ ثانیه در pH برابر با ۸ برای راکتور VUV دارای LRV به ترتیب ۱/۶، ۵/۸، ۵/۶، ۵/۵، ۵/۴ می باشد که باعث کاهش غیرفعالسازی اشرشیاکلی شده است و در pH برابر با ۶ برای راکتور UVC دارای LRV به ترتیب ۳/۷، ۳/۸، ۳/۸، ۳/۸، ۳/۹ می باشد که بر راندمان فتوراکتور UVC بی تاثیر است. غیرفعالسازی کامل اشرشیاکلی در فتوراکتور VUV در HRT برابر ۳ دقیقه بدست آمد، در حالیکه در HRT های آزمایش شده برای فتوراکتور UVC غیرفعالسازی کامل اتفاق نیفتاد و در بالاترین HRT تعداد باکتری های غیرفعال نشده ۳ CFU/mL بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، می توان نتیجه گرفت که تابش VUV یک روش کارآمد و امیدوار کننده است که می تواند بدون هیچگونه افزودنی شیمیایی خارجی باکتری ها را در آب آلوده حذف نماید.

واژگان کلیدی: غیر فعال سازی، اشرشیاکلی، LRV، HRT، UVC، VUV



مروری بر حضور آلاینده های نوظهور در منابع آب و اثرات آنها بر محیط زیست و سلامت انسان

نگار حریری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته ی بهداشت محیط، دانشکده ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی زنجان. ایمیل: negarhariri76@gmail.com

زمینه و هدف: هدف از این مطالعه بررسی اثرات نامطلوب آلاینده های نوظهور بر سلامت انسان و اکوسیستم و چگونگی ورود آنها به منابع آب می باشد. همچنین بررسی مختصری در رابطه با روش های حذف آنها صورت گرفته است.

روش کار: مقالات استفاده شده در این مطالعه از سایت های ScienceDirect و google scholar انتخاب شده و معیار انتخاب این مقالات جدید بودن و تعداد رجوع به آنها است.

یافته ها: در مطالعات اخیر برخی محققین بر این باور می باشند که طی فرایند تصفیه ی فاضلاب برخی مواد مانند تریکلوسان در حفرات مواد ته نشین شده، به دام افتاده و حلالیت آنها در آب کاهش می یابد این عمل می تواند باعث حذف این مواد از فاضلاب شود و دیگر خطری برای منابع آب آشامیدنی نداشته باشند حال آنکه باید توجه کرد که در صورت عدم تصفیه ی لجن و رهاسازی آنها به آبها، این مواد دوباره در آب حضور پیدا کرده و می توانند اثرات نامطلوبی داشته باشند. این ترکیبات به عنوان عنصر ضد عفونی کننده در بسیاری از محصولات حفاظت شخصی مانند خمیردندان، شامپو، صابون، کرم ضد آفتاب و یا در اسباب بازی ها و برخی لوازم آشپزخانه بکار رفته است. حضور متابولیت های سرسخت سورفاکتانت ها در پساب خروجی تصفیه خانه ی فاضلاب بسیار حائز اهمیت می باشد و باید مطالعات بیشتری در رابطه با حذف این متابولیت ها صورت گیرد. آنتی بیوتیک ها و برخی هورمون ها از جمله استروژن، آندروژن، پروستروژن و مینرالوکورتیکوئید (نوعی آلدوسترون که باعث افزایش فشار خون می شود) در برخی رودخانه ها که منبع آب آشامیدنی هستند، حضور دارند.

نتیجه گیری: حضور آنتی بیوتیک ها در محیط های آبی بسیار حائز اهمیت است چراکه می تواند باعث ایجاد ژن مقاوم در باکتری ها شود و وجود آنها در مواد غذایی دریایی در برخی جوامع موجب نگرانی شده است. تریکلوسان از طریق پسابها و دفع نادرست زباله ها وارد آب های سطحی و زیرزمینی می شود. در خروجی تصفیه خانه های فاضلاب صنعتی مانند دباغ خانه ها، نساجی و صنایع کاغذسازی متابولیت های اسیدی سورفاکتانت ها در غلظت بالا مشاهده شده است که سورفاکتانت ها و آفت کش های اسیدی بدلیل حضور در محیط آبی و پتانسیل اثرشان موجب نگرانی شده است. با وجود کمبود منابع آب دست نخورده و افزایش صنعت و کشاورزی، باید به روش های تصفیه ی پیشرفته (اسمز معکوس، فیلترهای ممبران و اکسیداسیون پیشرفته) به منظور استفاده ی مجدد از پسابها برای اهداف مختلف توجه نمود زیرا حذف اکثر آلاینده های نوظهور با روش های متداول تصفیه (لجن فعال) راندمان پایینی دارد.

واژگان کلیدی: آلاینده های نوظهور، منابع آب، پساب، ترکیبات دارویی، سورفاکتانت ها، آفت کش ها



بررسی وضعیت مدیریت بهداشت محیط بیمارستان های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷

ضیاء سعدونی^۱، محمد نیکزادیان^۲، نوید فهیم^۳

^۱دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Ziyasadony@gmail.com

^۲کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: مأموریت اصلی بیمارستان ارتقاء سلامت است. انجام این مأموریت متأثر از عوامل مختلفی از جمله رعایت موازین بهداشت محیط می باشد که عدم توجه کافی به آن می تواند مشکلاتی را در انجام رسالت بیمارستان به وجود آورد. بنابراین هدف از انجام این مطالعه تعیین وضعیت مدیریت بهداشت محیط بیمارستان های شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷ می باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی از نوع مقطعی می باشد. که در سه بیمارستان شهر شوشتر صورت گرفته است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بین پرسنل و مراجعه کنندگان به بیمارستان های شهرستان شوشتر انجام گردید. جمع آوری داده ها با استفاده از چک لیست برنامه ملی ارزشیابی بیمارستان های عمومی کشور (بخش بهداشت و نظافت)، مشاهده در محل و مصاحبه با مدیران و کارشناسان بهداشت بیمارستان ها انجام شد.

یافته ها: بیمارستان های مورد بررسی از نظر بهداشت آب، فاضلاب، دفع زباله، گندزدائی و بهداشت داخلی (بخش ها و اتاق های بیماران) مورد بررسی قرار گرفتند. بیشترین درصد اختلاف امتیاز با بیشترین حد استاندارد به بعد بهداشت آب و فاضلاب و کمترین آن به بعد بهداشت حرفه ای بیمارستان اختصاص داشت. وضعیت مراکز مورد مطالعه در بعد رسالت بهداشتی بیمارستان در ۶۵٪ موارد ضعیف، در بعد بهداشت محیط بیمارستان در ۵۸٪ ضعیف، در بعد بهداشت زباله های بیمارستانی در ۲۰٪ متوسط، در بعد بهداشت آب و فاضلاب در ۷۵٪ ضعیف، در بعد بهداشت حرفه ای در ۵۰٪ متوسط و در بعد بیماران و کنترل عفونت در ۶۳٪ خوب ارزیابی شد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج، مشکلات مربوط به بهداشت زباله، آب و فاضلاب به نبود ثبات مدیریتی و عدم وجود امکانات کافی جهت تصفیه خانه و دفع فاضلاب بر می گردد. در رابطه با بهداشت حرفه ای و کنترل عفونت، برگزاری کارگاه های آموزشی و کنترل عفونت جهت آموزش به پرسنل در بیمارستان ها خارج از وقت کاری و با پایش مستمر سطح آگاهی پرسنل و همچنین مراجعه کنندگان در مراکز بهداشتی می تواند کمک شایانی به بهداشت محیط بیمارستان ها کند.

واژگان کلیدی: بهداشت محیط، مدیریت، بهداشت



بررسی مهمترین بیماریهای ناشی از رخداد سیلاب و راهکارهای جلوگیری از آنها

بهناز محمدی اصل^۱، لفته سیاحی^۲

^۱ مدرس گروه بهداشت مدارس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد و کارشناس ارشد بهداشت مرکز بهداشت شهرستان دشت آزادگان.

ایمیل: setayesh_behnaz@yahoo.com

^۲ کارشناس آموزش بهورزی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

زمینه و هدف: سیل شایعترین بلای طبیعی جهان است و عامل حدود نیمی از کلیه بلاها و مرگ و میرهای ناشی از آنهاست. در ایران نیز آمارهای سیل نشان دهنده وقوع فزاینده این پدیده در دهه‌های اخیر و افزایش خسارتهای مالی و جانی آن است. نکته نگران کننده در رابطه با وقوع سیلاب‌ها، روند افزایشی تلفات و خسارات سیلاب در جهان بویژه بیماری‌های ناشی از سیل بوده است. علیرغم وفور زیاد سیل در ایران، مطالعات زیادی در رابطه با بیماری‌های ناشی از سیل شامل بیماری‌های منتقله از آب، بیماری‌های گوارشی، بیماری‌های واگیردار و ... و راهکارهای جلوگیری یا کاهش آنها انجام نگرفته است. لذا هدف از این مطالعه بررسی بیماریهای شایع پس از رخداد سیل و راهکارهای جلوگیری از آنها می‌باشد.

روش کار: در این مطالعه که به روش مروری انجام شده است با استفاده از کلیدواژه‌های مقالات مرتبط با بیماریهای ناشی از سیل در پایگاه‌های علمی-اطلاعاتی مختلف و نیز از طریق مصاحبه با دست‌اندرکاران سیستم سلامت در مناطق سیل زده، مطالب استخراج و نتایج بصورت دسته بندی برحسب نوع بیماری و روش‌های کنترل آن ارائه شدند.

یافته‌ها: نتایج مطالعه مختلف نشان می‌دهد که مهمترین بیماری‌های ناشی از رخداد سیل در تمامی مناطق جهان و از جمله ایران عبارتند از غرق‌شدگی، ضربه، عفونتهای حاد تنفسی فوقانی، بیماریهای منتقله توسط ناقلین و بیماریهای منتقله توسط آب مانند تیفوئید، وبا، هپاتیت عفونی، شیگلوزیس، سالمونلوزیس، اشرشیاکلای، آمیبیازیس، ژیاودیازیس، کریپتوسپوریوز، تیفوس شپشی (اپیدمیک)، طاعون، تب راجعه، مالاریا و غیره. همچنین انجام اقداماتی نظیر انجام ارزیابی سریع بهداشتی درمانی، انجام اقدامات بهداشتی، انجام اقدامات پزشکی و درمانی، اعمال مراقبت و اجرای دقیق سیستم نظارتی برای بیماریهای واگیردار و کنترل اپیدمی، واکسیناسیون، ارائه خدمات آزمایشگاهی و بسیج منابع (انسانی و غیر انسانی) جهت جلوگیری از این بیماری‌ها در زمان وقوع سیل ضروری می‌باشد.

نتیجه گیری: از بهترین روش کنترل بیماری‌های ناشی از سیل می‌توان توجه به رعایت کلیه معیارهای منطقی بهداشت عمومی جهت کاهش مخاطرات، تنظیم و یا برقراری روش‌های قابل اعتماد و گزارشی جهت شناسائی و تشخیص فردی انتشار و شیوع بیماریها و آغاز اقدامات کنترل کننده و ادامه اجرای برنامه‌های بهداشت عمومی و بهسازی محیط را توصیه کرد.

واژگان کلیدی: سیل، بیماری‌های ناشی از سیلاب، اپیدمیولوژی، پیشگیری



بیماری‌های شایع در مسیر پیاده روی بزرگ اربعین و ارائه راهکارهای جلوگیری از آنها

(مطالعه موردی: مرز چذابه)

بهناز محمدی اصل^۱، شکوفه الاسوند^۲

^۱ مدرس گروه بهداشت مدارس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد و کارشناس ارشد بهداشت مرکز بهداشت شهرستان دشت آزادگان.

ایمیل: setayesh_behnaz@yahoo.com

^۲ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان دشت آزادگان

زمینه و هدف: پیاده روی اربعین حسینی در سال‌های اخیر و بخصوص پس از سقوط حکومت جائر صدام، به فرهنگی جدانشدنی از سلوک شیعیان و آزادگان جهان تبدیل شده است و هرساله به جمعیت عاشقان حسینی و کاروان‌های پیاده افزوده می‌شود بطوریکه در سال‌های اخیر قریب به ۲۰ میلیون نفر در این مراسم شرکت می‌کنند و لذا این مراسم تبعات خاصی از جمله از نظر بهداشتی دارد. هدف از انجام این مطالعه عبارتست از بررسی بیماری‌های شایع در بین زائران اربعین از طریق مطالعه میدانی در پایگاه شبکه بهداشت مستقر در مرز چذابه و ارائه راهکارهای کاهش آنها.

روش کار: اطلاعات این مطالعه از طریق مصاحبه با دست‌اندرکاران سیستم سلامت مستقر در مرز چذابه در زمینه تعداد و نوع بیماری‌های شایع و نیز تهیه پرسشنامه‌ای در رابطه با بیماری‌های ۱۸۰ زائر اربعین که بطور تصادفی انتخاب شدند، جمع‌آوری شد. سپس مطالب مربوط به عمده‌ترین بیماری‌ها استخراج و نتایج بصورت دسته‌بندی برحسب نوع بیماری و روشهای کنترل آن ارائه شدند.

یافته‌ها: نتایج بررسی نشان داد که بیشترین بیماری‌های رایج در میان زائران، شامل ۳۶ درصد ابتلاء به بیماری‌های تنفسی (به خصوص سرماخوردگی)، ۱۹ درصد بیماری‌های گوارشی، ۱۷ درصد ابتلاء به انواع مشکلات عضلانی و اسکلتی، ۴ درصد ابتلاء به انواع عوارض پوستی و ۳ درصد ابتلاء به انواع به بیماری‌های قلبی و عروقی میباشد.

نتیجه گیری: علت اصلی بیماری‌های تنفسی شامل آنفولانزا و سرماخوردگی‌های بلندمدت و شبه‌آسمی را می‌توان به شرایط آب و هوایی منطقه، وقوع ریزگرد و نیز واگیردار بودن سرماخوردگی در این گردهمایی عمومی نسبت داد. دلیل عمده بیماری‌های گوارشی شامل بیماری‌های روده‌ای و مسمومیت غذایی را می‌توان به عدم وجود سرویس‌های بهداشتی مناسب و عدم رعایت نظافت شخصی در طول مسیر و نیز عدم ضدعفونی کردن مواد خوراکی نسبت داد. عامل اصلی بیماری‌های عضلانی و اسکلتی به دلیل مسیر طولانی پیاده‌روی و استفاده از کفش نامناسب و عوارض پوستی به دلیل گزیدگی حشرات و پیاده‌روی طولانی در زیر آفتاب نسبت داده شد. با توجه به نتایج بدست آمده باید در آینده به منظور پیشگیری و کاهش بیماری‌ها در میان زائران، تدابیری همچون آموزش‌های قبل از سفر و استفاده از ظرفیت کارشناسان بهداشتی در این گردهمایی عظیم اتخاذ شوند.

واژگان کلیدی: پیاده‌روی اربعین، بیماری‌های شایع، بهداشت، آموزش و جلوگیری



بررسی کارایی فیلتر دو لایه با بستر ماسه کوارتز و سر باره صنایع فولاد در حذف آلاینده ها از پساب خروجی از تصفیه خانه فاضلاب به روش برکه تثبیت اختیاری

بهناز محمدی اصل^۱، عبدالکاسم نیسی^۲

^۱ مدرس گروه بهداشت مدارس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد و کارشناس ارشد بهداشت مرکز بهداشت شهرستان دشت آزادگان.

ایمیل: setayesh_behnaz@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

زمینه و هدف: یکی از مراحل اصلی در تصفیه آب‌های سطحی، فیلتراسیون است. فیلترهای دولایه جایگزین مناسبی برای فیلترهای تک بستر هستند. این پژوهش در قالب یک مطالعه تجربی و در مقیاس پایلوت، با هدف بررسی عملکرد فیلتراسیون دوبستره ماسه کوارتز و سر باره صنایع فولاد در نسبت‌ها و نرخ بارگذاری‌های مختلف در کاهش میزان آلاینده‌های موجود در فاضلاب از جریان خروجی تصفیه خانه فاضلاب برکه تثبیت اختیاری سوسنگرد انجام شد.

روش کار: کل دوره نمونه برداری ۱۸۰ روز بود که از فروردین تا شهریور ۱۳۹۶، هر ماه یک نمونه از فاضلاب خروجی و یک نمونه از آب فیلتر شده به آزمایشگاه منتقل گردیده و پارامترهای کیفی شامل COD، BOD، EC، pH، TDS، TSS، کدورت و کلیفرم اندازه‌گیری شدند. نمونه برداری و انجام آزمایشات بر اساس روش‌های استاندارد انجام گرفتند. در پایلوت موردنظر تاثیر پارامترهای بارگذاری هیدرولیکی و نوع و نسبت دانه بندی بستر در کاهش پارامترهای مذکور مورد بررسی قرار گرفت و بهترین نوع لایه‌بندی و بارگذاری جهت بهبود شاخص‌های کیفی پساب تعیین شد.

یافته‌ها: اثر نسبت‌های مختلف دانه بندی بستر پایلوتها، نرخ فیلتراسیون و زمان در حذف تمامی آلاینده‌ها خصوصیات مورد اندازه‌گیری معنی‌دار بود. همچنین نتایج تجزیه وریانس نشان داد که اثر متقابل دو جانبه و سه جانبه بین متغیرها در سطح ۱ درصد معنی‌دار بود. نتایج آزمون مقایسه میانگین دانکن نشان داد که بالاترین راندمان حذف پارامترهای مورد مطالعه در تمامی ماه‌ها، در پایلوت با نسبت ۱:۳ سر باره صنایع فولاد به ۲:۳ ماسه سیلیس بدست آمد.

نتیجه‌گیری: مقایسه مقادیر COD، BOD، EC، TDS، TSS، کدورت و کلیفرم در آب خروجی از پایلوت‌ها با استانداردهای WHO، EPA و استاندارد ایران نشان داد که طبق استانداردهای تعیین شده همه پارامترهای کیفی به جز کلیفرم در پساب خروجی از دو پایلوت کمتر از حد مجاز می‌باشند که نشان می‌دهد که فیلتراسیون عمودی دو بستره با استفاده از ماسه سیلیس و سر باره صنایع فولاد می‌تواند بعنوان روشی موثر در تصفیه پساب مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تصفیه فاضلاب، سر باره صنایع فولاد، نسبت دانه بندی، فیلتراسیون دو لایه



مروری بر کاهش آمین های آروماتیک چند حلقه ای به عنوان عاملی جهش زا و سرطان زا در مواد غذایی

سارا عظیمی^۱، فاطمه محمدی^۲، لیلا پیوسته رودسری^۳، بهروز تاجدار اورنج^۴

^۱ دانش آموخته کارشناسی، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۴ دانشجوی دکتری، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: tajdar.tums@yahoo.com

زمینه و هدف: آمین های آروماتیک چند حلقه ای (HAAs) دسته ای از ترکیبات سرطان زا و جهش زا هستند که از طریق مواد غذایی خصوصا گوشت و فرآورده های گوشتی وارد بدن انسان می شوند. این ترکیبات زمانی ایجاد می شوند که گوشت و فرآورده های گوشتی تحت فرآیند پخت با دمای بالا قرار گیرند. مطالعات نشان می دهد که جذب این آمین ها در بدن از طریق مصرف محصولات گوشتی پخته شده، احتمال ابتلا به انواع سرطان را افزایش می دهد. هدف از این مطالعه بررسی میزان کاهش سطح HAA ها در مواد غذایی می باشد که در نهایت موجب کاهش اثرات سرطان زایی آن ها در جمعیت انسانی می شود.

روش کار: مقالات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در سه پایگاه اینترنتی Google scholar، Science direct و Pubmed جستجو شدند و مقالات آزمایشگاهی و مقالات مروری سیستماتیک که کاهش HAAs را با استفاده از سبزیجات در مواد غذایی بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

یافته ها: یک سری مداخلات ساده و ارزان قیمت وجود دارد که باعث کاهش اثرات سرطان زایی و تشکیل این مواد در غذاها می شوند. به عنوان مثال افزودن ترکیبات گیاهی خوراکی مانند سیر که توانست از تشکیل حدود ۷۰٪ HAA ها جلوگیری کند. هم چنین پیاز نیز اثرات قابل توجهی از خود نشان داد. افزودن یک درصد عصاره کنگر فرنگی توانست تا ۹۸٪ از اثرات مضر HAAs جلوگیری کند. مطالعات گذشته نشان دادند که روش پخت گوشت تاثیر زیادی در تشکیل این مواد دارند برای مثال روش کباب کردن می تواند موجب ایجاد این سموم در گوشت شود.

نتیجه گیری: روش پخت با دمای کمتر و مدت زمان طولانی تر می تواند از تشکیل این سموم جلوگیری کند و همچنین افزودن ترکیبات گیاهی همچون سیر، پیاز، رزماری و کنگر فرنگی به گوشت در آماده سازی قبل از پخت تاثیر بسزایی در کاهش تشکیل این سموم دارد.

واژگان کلیدی: آمین های آروماتیک چند حلقه ای، سرطان، جهش، غذا



مروری بر کاهش تشکیل آکریلامید در سیب زمینی سرخ شده

سارا عظیمی^۱، فاطمه محمدی^۲، لیلا پیوسته رودسری^۳، بهروز تاجدار اورنج^۴

^۱ دانش آموخته کارشناسی، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۴ دانشجوی دکتری، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: tajdar.tums@yahoo.com

زمینه و هدف: تشکیل آکریلامید در حین پختن فرآورده های دارای نشاسته بالا مانند سیب زمینی از مشکلات مهم در بهداشت و ایمنی مواد غذایی است. هنگام حرارت دهی ماده غذایی در طی واکنش میلارد، کربونیل و آمین شرکت کننده در واکنش یک بازنیف ایجاد می کند که با دکربوکسیلاسیون این ترکیب آکریلامید تشکیل می شود که یک ترکیب سرطان زا و جهش زا برای انسان شناخته شده است. هدف از این مطالعه بررسی روش هایی برای کاهش تولید این ماده در حین سرخ کردن سیب زمینی است.

روش کار: مقالات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در سه پایگاه اینترنتی Google scholar، Science direct و Pubmed جستجو شدند و مقالات آزمایشگاهی و مقالات مروری سیستماتیک که کاهش آکریلامید را بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

یافته ها: خیساندن سیب زمینی در اسید استیک و تترا پیرو فسفات به علت خروج قند های احیا کننده و اسید های آزاد باعث کاهش تولید آکریلامید در طی سرخ کردن می شود که اثر استیک اسید در این رابطه بیشتر است. دیده شده است تیمار قطعات سیب زمینی با آنتی اکسیدان ها می تواند با تولید محصولات اکسیداتیو باعث جلوگیری از تشکیل آکریلامید شود. از لحاظ بیولوژیکی تخمیر قطعات سیب زمینی توسط لاکتو باسیلوس پلانتاروم باعث کاهش تولید آکریلامید می شود علت این امر مصرف قند های احیا کننده توسط این میکروارگانیسم است. پیش گرم کردن باعث کاهش مدت زمان لازم برای سرخ کردن و انتقال بهتر آب از عمق محصول به سطح آن می شود که باعث کاهش میزان تولید آکریلامید در حین سرخ کردن می شود.

نتیجه گیری: با توجه به علاقه ی وافر کودکان در مصرف چیپس و فرآورده های سیب زمینی توجه به کاهش تولید آکریلامید امری ضروری محسوب می شود. می توان با فرآیند های شیمیایی، بیولوژیکی و فیزیکی تولید آکریلامید در محصولاتمانند سیب زمینی سرخ شده را کاهش داد.

واژگان کلیدی: آکریلامید، سیب زمینی، سرخ کردن



مروری بر کاربرد انواع روش های فیتیک بری در سبوس برنج

فاطمه محمدی^۱، سارا عظیمی^۲، لیلا پیوسته رودسری^۳، بهروز تاجدار اورنج^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۲ دانش آموخته کارشناسی، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۴ مرکز پژوهش های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۵ دانشجوی دکتری، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: tajdar.tums@yahoo.com

زمینه و هدف: سبوس برنج یک منبع غنی از پروتئین، فیبر، ویتامین های B، اسیدهای چرب غیر اشباع ضروری، مواد معدنی، ترکیبات فنلی و آنتی اکسیدان ها می باشد و کاربرد فراوانی در صنایع غذایی برای افزایش کیفیت تغذیه ای غذاهای فرآوری شده، پیدا کرده است. سبوس برنج، حاوی مقدار قابل توجهی از اسیدفیتیک است که به عنوان یک عامل ضد تغذیه ای عمل می کند و کاربرد آن را در فرمولاسیون مواد غذایی محدود می کند. این ترکیب در اجزای سبوس مانند آلورون و پریکارپ یافت می شود که به مواد معدنی متصل شده و باعث مهار جذب آن ها در بدن می شود. هدف این مطالعه بررسی انواع روش های حذف اسیدفیتیک در سبوس برنج می باشد.

روش کار: مقالات مرتبط با موضوع مورد مطالعه در سه پایگاه اینترنتی Google scholar، Science direct و Pubmed جستجو شده و مقالات آزمایشگاهی و مروری سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفته است.

یافته ها: مطالعات نشان می دهد خیساندن در دمای ۴۵ تا ۶۵°C و pH ۵ تا ۶ باعث فعال شدن فیتاز اندوزن و هیدرولیز فیتات می شود. به علاوه، تخمیر طبیعی می تواند pH بهینه برای فعالیت فیتاز (میکروبی و اندوزن) را فراهم کند. فیتاز، فرم هگزا اسیدفیتیک را به فرم های پایین تر کاهش می دهد که دارای ظرفیت اتصال کمتری با فلزات می باشد. جوانه زنی نیز به مدت ۱۰ روز موجب کاهش معنی داری در میزان فیتات غلات می شود. در فرایند اتوکلاو، با استفاده از پارامترهای مختلف از قبیل pH و زمان نگهداری، مقدار اسیدفیتیک به حدود ۹۶٪ کاهش یافته است. از فشار هیدرواستاتیک بالا در طول خیساندن می تواند برای کاهش عوامل ضد تغذیه ای استفاده کرد. اشعه مایکروویو در کاهش اسیدفیتیک، احتمالاً به علت تجزیه شیمیایی فیتات به فسفات های اینوزیتول کم تر و اینوزیتول یا شکستن حلقه فیتات مؤثر می باشد. اسیدفیتیک با استفاده از تکنولوژی ترکیبی امواج مایکروویو و اولتراسوند از سبوس برنج استخراج شده است.

نتیجه گیری: روش های مختلفی برای کاهش میزان اسیدفیتیک سبوس برنج از قبیل خیساندن، تخمیر، جوانه زنی، تیمارهای حرارتی، مایکروویو و اولتراسوند مطرح شده است تا بتوان این ماده را وارد صنعت غذا کرد.

واژگان کلیدی: سبوس برنج، اسیدفیتیک، فیتیک بری



مروری بر کاربرد ارگانوژل در فرآورده‌های گوشتی

فاطمه محمدی^۱، سارا عظیمی^۲، لیلا پیوسته رودسری^۳، بهروز تاجدار اورنج^۴، آیناز مسچی^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی، رشته علوم و صنایع غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۴ مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی تهران
^۵ دانشجوی دکتری، رشته بهداشت و ایمنی مواد غذایی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ایمیل: tajdar.tums@yahoo.com

زمینه و هدف: اسیدهای چرب اشباع و ترانس، اثرات مضر بر سلامت مصرف‌کنندگان دارند. بنابراین تولیدکنندگان صنعت غذا همواره به دنبال جایگزین مناسب برای آن‌ها هستند، که علاوه بر حفظ ساختار جامد محصولات چرب از اشباع‌شدگی کم‌تری برخوردار باشد. محققان در این حوزه، به منظور توسعه ویژگی‌های چربی‌های جامد، از پایدار کردن روغن‌های خوراکی مایع و ایجاد ژل در محلول‌های آلی بهره می‌گیرند. در بررسی حاضر، به مطالعه ویژگی و ظرفیت‌های کاربردی ژل‌سازهای آلی در فرآورده‌های گوشتی نظیر سوسیس خواهیم پرداخت.

روش کار: با جست و جوی واژگان کلیدی‌های Organogel, Oleogel, Meat products, Frankfurter sausages و لغات مرتبط با آن‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی Science direct و Google Scholar، تعداد ۱۵ مقاله منتشر شده، جمع‌آوری شد و مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داده‌اند که ساخت الیوژل‌ها با اتیل سلولز به تنهایی از لحاظ تکنولوژیکی امکان‌پذیر است و استفاده از اتیل سلولز به همراه سوربیتان مونو استئارات باعث افزایش خاصیت انعطاف‌پذیری ژل و در نتیجه بهبود خواص حسی و بافتی از جمله سختی و جوش‌پذیری در ساختار امولسیون محصولات گوشتی می‌شود. یافته‌ها نشان‌دهنده عدم توانایی فیتو استرول در تشکیل ژل به تنهایی است. در صورتی که استفاده از مونو گلیسیرید به همراه فیتو استرول باعث افزایش قوام ژل می‌شود. علاوه بر این، استفاده از روغن آفتابگردان که حاوی ترکیبات گاما اریزانول و بتا سیتوتروپول و غنی از اسیدهای چرب غیر اشباع می‌باشد، می‌تواند سبب کاهش چربی حیوانی بدون تغییر در خواص فیزیکی‌شیمیایی، بافتی و حسی شود.

نتیجه‌گیری: الیوژل‌های ساخته شده با ژل‌سازهای آلی نظیر اتیل سلولز به تنهایی و یا به همراه سوربیتان مونو استئارات، مونوگلیسرید به همراه فیتو استرول، گاما اریزانول و بتا سیتوتروپول دارای خواص مکانیکی قابل مقایسه با چربی حیوانی هستند. هر چند که جایگزینی کامل چربی حیوانی امکان‌پذیر نمی‌باشد، جایگزینی جزئی آن به وسیله الیوژل‌ها می‌تواند محصولی با ویژگی‌های حسی و بافتی قابل قبول در مقایسه با سوسیس‌های ساخته شده از چربی حیوانی تولید کند.

واژگان کلیدی: ارگانوژل‌ها، الیوژل‌ها، فرآورده‌های گوشتی





Application of response surface methodology for the adsorption optimization of reactive dyes onto recoverable magnetic carbon

Babak Kakavandi¹, Donya Khoshkhazeh², Narges Salehi Taleghani²

¹Department of Environmental Health Engineering, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran

²Student Research Committee, Alborz University of Medical Sciences, Karaj, Iran; Email: kh.donya@yahoo.com

Abstract

Background and Aim: Discharging the effluents of textile wastewaters into potable water resources can endanger the ecosystem, due to their reactivity, toxicity, and chemical stability. In this research, the application of powder activated carbon modified with magnetite nanoparticles (PAC-MNPs) as an adsorbent for removal of reactive dyes (Reactive black 5 (RB5)) and reactive red 120 (RR120)) was studied in a batch system.

Method: The adsorption performance was evaluated as a function of temperature, contact time and different adsorbent and adsorbate concentrations. The levels of factors were statistically optimized using Box-Behnken Design (BBD) from the response surface methodology (RSM) to maximize the efficiency of the system. The adsorption process of both dyes was fit with the pseudo-second order kinetic and Langmuir isotherm models.

Results: The identified optimum conditions of adsorption were 38.7 °C, 46.3 min, 0.8 g/L and 102 mg/L for temperature, contact time, adsorbent dose, and initial dyes concentration, respectively. According to the Langmuir isotherm, the maximum sorption capacities of 192.6 and 188.7 mg/g were obtained for RB5 and RR120, respectively. Thermodynamics studies indicated that the adsorption process of the reactive dyes was spontaneous, feasible, and endothermic in its nature. After five cycles, the adsorption efficiency was around 84 and 83 % for RB5 and RR120, respectively.

Conclusion: A highly value of desorption was achieved suggesting that the PAC-MNPs have a good potential in regeneration and reusability; and also can be effectively utilized in industrial applications. PAC-MNPs also shows a good anti-interference potential for removal of reactive dyes in dye-industry wastewaters.

Keywords: *Reactive dyes; Response surface method; Box-Behnken design; Adsorption; Magnetic composite.*



Determination of process developing effects of cement factory on PM₁₀ dispersion using AUSTAL 2000 model

Ali Atamaleki¹, Ghasem Hesam², Meysam Faramarzi³, Saeed Motesaddi Zarand⁴

¹ PhD student, Environmental health Department, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² PhD student, Occupational health Department, School of Public Health and Safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Bachelor, Occupational health Department, Public Health School, North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnourd, Iran

⁴ Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health and safety, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: motesaddi@yahoo.com

Background and Aim: There is well-documented relationship between industrial development and environmental pollution, but there are no enough studies that have predicted development impacts on pollutants emission. In the current study, impacts of three development periods of Bojnourd cement factory on PM₁₀ emission was investigated using the AUSTAL 2000 model.

Methods: The collected emission data during 19 years were classified for each period and analyzed via the model, separately. Two sets of monitoring point (5 points for each) determined at the model; first set for estimation of PM₁₀ concentration in residential areas (three villages, one suburban, and one city), and the second set for model validity assessment located near the factory.

Results: According to model results, the second development period had the highest emission load per unit area for PM₁₀ by 164%. However, by applying the bag filter at the beginning of the third period, PM₁₀ concentration was reduced significantly to the same as the first period. Moreover, the model showed a good agreement with the field measured data that it could be usable to predict pollutants emission.

Conclusion: The findings of this paper prove the importance of predicting the emissions prior to construction or any stages of industrial upgrading and development. In other words, it emphasizes environmental protection during economic boost. Also, the model showed how the use of pollution control equipment (bag filter) during development can be effective to reduce the pollutants emission.

Keywords: *air pollution; modeling; AUSTAL 2000; cement factory; industry development*





Study of Physical & Chemical Properties of Solid Waste in Mashhad- 2016

Elham Rezaee ¹, Zohre Rahnama Bargard ², Mahnaz Kharghani ³, Zahra Aghalari ⁴

¹ PhD Student in Environment, Department of Environment, Islamic Azad University North of Tehran, Tehran, Iran

² MSc Student in Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran. Email: Rahnama.b.z@gmail.com

³ MSc Student in Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

⁴ MSc Student in Environmental Health Engineering, Student Research Committee, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Background and Aim: Recognizing the physical and chemical properties of solid waste reduces the problems in storage, collection, transport, final disposal and resuscitation projects such as composting, energy and biogas, recycling and reuse. Therefore, the present study was conducted to determine physical and chemical characteristics of waste in Mashhad.

Methods: This cross sectional study was conducted in Mashhad in 2016. In order to determine the components of urban waste, the solid waste was classified into seven categories of corrosive materials, paper and carton, glass, plastic, textiles, wood and metals, and weight was obtained from each component by weight. For physical analysis of the waste, a random sample of half a cubic meter was placed inside the density gauge. After filling the density gauge, the solid waste was isolated according to the type and placed in the nylon bags, then the percentage of each component was calculated. Also, sampling was carried out by Landfill Leachate and according to the standard method, heavy metals were tested (BOD, COD, pH).

Results: The highest amount of waste produced in the city of Mashhad was in the summer of 2190 tons per day and the lowest amount in winter was 1890 tons per day. Qualitative analysis of waste products showed that the highest amount of waste was related to corrosive materials at 1407000 kg/day and the minimum amount pertaining to glass was 236 kg/day. Experiments conducted on leachate showed that the highest type of heavy metal was in the milk of the city of Mashhad, Ni (3.1 mg/L). The experiments showed that the BOD, COD, and leachate pH was 6.5, 49900, and 1980 mg/L, respectively.

Conclusion: Considering the high level of corrosive materials in the waste products, it is recommended that composting be taken into consideration and then the necessary measures to recycle valuable materials such as paper and cardboard should be placed on the agenda of the solid Waste Management and Municipality of Mashhad.

Keywords: *Solid Waste, Physical, Chemical, Mashhad*



Does pristine polystyrene nanoparticles exposure at different dose cause behavioral disorders in rats?

Mohammad Rafiee^{1,2}, Akbar Eslami^{1,2}, Fatemeh Amereh^{1,2}

¹ Environmental and Occupational Hazards Control Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: amereh@sbmu.ac.ir

Background and Aim: The increasing use of plastics has raised concerns about pollution of marine and freshwater by these polymeric materials. Knowledge about their potential effects on environmental and public health, however, is limited. Recent publications have suggested that the degradation of disposed plastics will result in the release of nano-sized plastic particles to the environment. Therefore, it is of utmost importance to gain knowledge about whether and how plastic nanoparticles affect living organisms, including humans. The present study aimed to analyse potential neurobehavioral effects of polystyrene nanoparticles (PS-NPs) after long-term exposure on one representative organism for physiologically resembling humans (rat).

Methods: Potential effects of PS-NPs were investigated using four test dosages (1, 3, 6, and 10 mg PS-NPs/kg of body weight/day) delivered orally with adult Wistar male rats for five weeks. Neurobehavioral tests were chosen to assess a variety of behavioral domains including spontaneous locomotor activity, spatial working memory, anxiety-related behavior, motor coordination, and passive avoidance memory performance. Particle diameters in test suspensions were determined through dynamic light scattering (DLS) and showed an average hydrodynamic diameter of approximately 38.92 nm.

Results: No statistically significant behavioral effects were observed in all tests performed ($p > 0.05$). In the elevated plus maze (EPM), PS-NPs-exposed rats showed greater number of entries into open arms compared to controls. Also, PS-NPs had no significant influence on body weight of animals.

Conclusion: Taking into account the subtle and transient nature of neurobehavioral consequences, however, these results underline the possibility of even pristine plastic nanoparticles to induce behavioral alteration in the rest of the food web, including for marine biota and humans. Indeed, even though studied neurobehavioral effects in our study was not statistically significant, the observed subtle effects may be clinically considerable.

Keywords: Nanoplastics, Polystyrene, Neurobehavioral effects, Rat, Oral delivery



ارگونومی و سلامت در بلایا



پوست برتر

بررسی تاثیر کفپوش ارگونومیک و سطح سخت بر توزیع فشار کف پای در افراد سالم هنگام ایستادن

سعیده طاهرزاده^۱، محمد صادق قاسمی^۲، حسن سعیدی^۳، ناصر دهقان^۴، زهرا رحیمی^۵

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: Saeidehtaherzadh95@gmail.com

۲ دانشیار گروه ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۳ دانشیار گروه توان بخشی، دانشکده توان بخشی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۴ استادیار گروه ارگونومی، مرکز تحقیقات طب کار، دانشگاه علوم پزشکی ایران

۵ دانشجوی دکتری، رشته آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران

زمینه و هدف: این مطالعه با هدف بررسی تاثیر کفپوش ارگونومیک و سطح سخت بر توزیع فشار کف پای در افراد سالم انجام گردید. تا بر اساس آن اثر استفاده از کفپوش ارگونومیک در مقایسه با سطح سخت توزیع مناسب تر کاهش فشار وارد بر کف پا مشخص گردد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی، تحلیلی ۱۶ نفر از دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی که ۸ مرد و ۸ نمونه خانم با پای سالم به صورت نمونه های در دسترس به صورت غیر تصادفی انتخاب ، و با استفاده از دستگاه pedar-x فشار کف پا در حالتی که افراد داوطلب پابرهنه بودند، در دو سطح مختلف در ۸ نقطه آناتومیکی از کف پا اندازه گیری شد. داده های حاصل با آزمون های آماری پارامتریک تی زوجی و ویلکاکسون ناپارامتریک مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: در حالت کلی استفاده از کفپوش مقدار میانگین فشار به صورت معنی دار نسبت به سطح زمین کاهش داده است. میزان میانگین فشار در پای چپ هنگام استفاده از کفپوش $39/63 \pm 19/202$ و در پای راست $49/49 \pm 87/199$ به دست آمد در حالی که میانگین فشار در پای چپ هنگامی که افراد بر روی سطح زمین ایستاده بودند $28/333 \pm 1$ و در پای راست $18/122 \pm 24/343$ به دست آمد و این یافته ها موید آن است که استفاده از کفپوش به صورت معناداری باعث توزیع مناسب تر میانگین فشار در کف پا شده است.

نتیجه گیری: بین توزیع و میزان فشار کف پای در کفپوش ارگونومیک و سطح سخت تفاوت وجود دارد. کفپوش ارگونومی نسبت به سطح زمین باعث توزیع مناسب تر همچنین کاهش فشار وارد بر کف پا در هنگام انجام فعالیت های استاتیک می شود.

واژگان کلیدی: کفپوش ارگونومیک، سطح سخت، بیومکانیک، توزیع فشار کف پای





پوستر برتر

بررسی میزان آگاهی و نگرش در مورد کمک های اولیه هنگام سوانح و حوادث در پرسنل

خدماتی شهرستان شوشتر در سال ۱۳۹۷

نوید فهیم^۱، مهسا مرادپور دزفولی^۱، ضیاء سعدونی^۲، محمد نیکزادیان^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: nikzadian115@chmail.com

زمینه و هدف: حوادث و بلایای طبیعی همیشه به صورت غیر مترقبه اتفاق می افتند. کشور ما جزو کشورهای سیل خیز و زلزله خیز است. در شرایط بحران میزان آگاهی و نگرش مردم آن منطقه به خصوص پرسنل مراکز خدماتی در باره کمک های اولیه می تواند در کمتر کردن و یا پیشگیری از وارد آمدن خسارت های جدید نقش حائز اهمیتی داشته باشد. هدف از این مطالعه تعیین میزان آگاهی و نگرش در مورد کمک های اولیه هنگام سوانح و حوادث در پرسنل خدماتی شهرستان شوشتر بود.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی است که بر روی ۴۵۰ نفر از پرسنل شهرداری، اورژانس، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی، آتشنشانی و تاکسیرانی انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای انجام شد و جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ۴۵ سوالی؛ ۱۵ سوال دموگرافیک، ۱۸ سوال آگاهی و ۱۲ سوال نگرش، دارای روایی و پایایی (آلفای کرونباخ /۰.۸۶) بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری کای اسکوئر، T-test، آنالیز واریانس انجام شد ($P < ۰/۰۵$).

یافته ها: میانگین سنی افراد شرکت کننده در آزمون $41/28 \pm 9/86$ بود (حداقل سن ۲۸ و حداکثر سن ۶۰ سال) که همگی مرد بودند. در حیطه آگاهی، میانگین نمرات $18/21 \pm 2/33$ و در حیطه نگرش میانگین نمرات $3/12 \pm 11/56$ بود. بیشترین امتیاز آگاهی مربوط به پرسنل اورژانس بوده، با میانگین امتیاز $26/8$ و کمترین امتیاز مربوط به پرسنل تاکسیرانی با میانگین امتیاز $10/3$ از حداکثر نمره ۳۰ بود. بیشترین امتیاز نگرشی مربوط به پرسنل اورژانس با میانگین امتیاز $17/6$ و کمترین امتیاز مربوط به پرسنل تاکسیرانی با میانگین امتیاز $4/1$ از حداکثر ۲۰ بود. بین میزان آگاهی و نگرش با سطح تحصیلات رابطه معنی داری ($P < 0/001$) وجود داشت، یعنی هرچه سطح تحصیلات بیشتر باشد، آگاهی و نگرش هم افزایش می یابد، بین کسب اطلاعات از اینترنت و رسانه ها با میزان آگاهی و نگرش رابطه معنی داری ($P < 0/001$) وجود داشت، بین تجربه قبلی مواجهه با سانحه و سن با میزان آگاهی و نگرش رابطه معنی داری ($P < 0/022$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه حوادث و بلایای طبیعی به صورت ناگهانی اتفاق می افتد، مردم حادثه زده نیاز به امداد رسانی اولیه همه جانبه دارند و پرسنل این سازمان ها بیشترین ارتباط را با مردم حادثه زده دارند، توصیه می شود دوره های آموزشی جهت افزایش سطح آگاهی و نگرش آنها در مورد کمک های اولیه جهت افزایش عملکرد برگزار شود.

واژگان کلیدی: آگاهی و نگرش، کمک های اولیه، سوانح، حوادث، پرسنل خدماتی



بررسی خشونت و رفتارهای پرخطر اجتماعی در محیط کاری و راهکارهای کاهش آن: مقاله

مروری

نیلوفر شیبانی^۱، روبیا دبیری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. ایمیل: nsheibani@razi.tums.ac.ir

زمینه و هدف: خشونت در محل کار به عنوان یکی از خطرات شغلی، زنگ خطری برای سلامت روان می باشد که اخیراً موجب نگرانی عمومی مردم شده است و عدم رسیدگی به آن، موجب توسعه و ترویج رفتارهای خشونت بار در آن جامعه می شود. مطالعات متعددی به منظور بررسی خشونت محل کار علیه کارمندان صورت گرفته است اما توافق نظر در این خصوص وجود ندارد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی وضعیت خشونت محل کار علیه پرسنل در مشاغل مختلف و راهکارهای کاهش آن می باشد.

روش کار: این مطالعه، مروری بر روی پژوهش های انجام شده در زمینه خشونت در محل کار می باشد. کلیه مقالات فارسی زبان چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی در داخل و خارج از کشور بدون محدودیت زمانی مورد بررسی قرار گرفتند. جستجو از طریق بانک های الکترونیکی مشتمل بر پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) بانک اطلاعات نشریات علوم پزشکی کشور، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (IranDoc) بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، Ovid، PubMed، Google Scholar، Science Direct، ProQuest صورت گرفت.

یافته ها: نتیجه این جستجو دستیابی به ۳۷ مقاله و چهار طرح پژوهشی (مجموعاً ۴۱ مطالعه) مرتبط با موضوع بود که از این میان ۱۰ مقاله به علت دارا نبودن معیارهای ورود، حذف و نهایتاً ۳۱ مطالعه در محدوده سال های ۲۰۱۸-۱۹۹۸ وارد پژوهش شدند. پس از حذف مقالاتی که معیارهای ورود به مطالعه را نداشتند، متن کامل تمام مقالاتی که واجد معیارهای ورود به مطالعه بودند، تهیه و مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج، نشان دهنده مفهوم اصلی شامل "انواع خشونت در محل کار"، "زمینه های بروز خشونت در محل کار"، "رابطه ای عدالت سازمانی ادراک شده و بروز خشونت در محل کار"، "خشونت در میان کارکنان مراقبت های بهداشتی" و "راهکارهای کاهش خشونت در محل کار" می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به بررسی ها به نظر می رسد که حذف کامل بروز انواع خشونت ها در محیط کاری امکان پذیر نمی باشد. ایجاد و معرفی اداراتی برای ثبت گزارش دهی حادثه و پیگیری آن، افزایش حقوق و برگزاری دوره های آموزشی کنترل و مدیریت خشم برای پرسنل در این زمینه ضروری می باشد. نتایج این مطالعه مروری نشان می دهد که خشونت محل کار علیه پرسنل یک مشکل جدی می باشد. براساس نتایج حاصله، اجرای مطالعات قوی تر از جمله مطالعات مداخله ای ضروری می باشد. در این راستا پژوهشگران، مدیران، سیاستگذاران، کارمندان و سایر ذینفعان بایستی به منظور یافتن راهکارهای خلاقانه در جهت پیشگیری و کنترل خشونت علیه پرسنل با مشارکت یکدیگر وارد عرصه شوند.

واژگان کلیدی: خشونت در محل کار، خشونت فیزیکی و کلامی، راهکارهای کاهش رفتارهای پرخطر



عوامل موثر بر تصادفات جاده ای و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن

آمنه مرزبان^۱، ابوذر انصاری^۱، محمدتقی قانعیان^۲، سعیده طاهرزاده^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران

^۲ استاد مهندسی بهداشت محیط، گروه اکولوژی انسانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران، ایمیل: s.taherzadeh@yahoo.com

زمینه و هدف: امروزه تعداد تصادفات جاده ای در کشور ما در حال افزایش است و خسارات مالی، جانی، روانی و اجتماعی جبران ناپذیری را به جامعه تحمیل کرده است. پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر تصادفات جاده ای و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن در شهر یزد صورت گرفت.

روش کار: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود که در بین ۳۰۰ نفر از مردم شهر یزد با سابقه تصادف در سال ۱۳۹۷ اجرا گردید. روش نمونه گیری تصادفی بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد بود. داده ها با استفاده از نرم افزار-SPSS 24 و بوسیله آماره های توصیفی و رگرسیون در سطح معنی داری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بیشترین علت تصادفات مربوط به علل انسانی با ۵۲ درصد بود و در الویت دوم علل مربوط به جاده با ۲۷ درصد بود. از بین علل مربوط به انسان در مردان سرعت غیر مجاز و رانندگی در اوج خستگی و در بین زنان بی تجربگی در رانندگی درون و برون شهری و عدم رعایت فاصله قانونی بیشترین فراوانی را دارا بودند.

نتیجه گیری: برای کاهش تصادفات باید فرهنگ سازی انجام گیرد اما قبل از آن باید آموزشها، تعهدات اخلاقی و انضباطی را در جامعه نهادینه کرد که بستر اول سطح مدارس، به ویژه کودکان بوده که به نوبه خود در خانواده ها بازتاب مثبتی دارد.

واژگان کلیدی: تصادف، راهکار، جاده، یزد



بررسی عوامل خطر سبک زندگی مردم شهر شیراز در ارتباط با پیشگیری از سرطان

آمنه مرزبان^۱، سعیده طاهرزاده^۲، نگار فانی^۳، ابوذرا انصاری^۱، وحید رحمانیان^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد اکولوژی انسانی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران
^۳ کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
^۴ مرکز تحقیقات مؤلفه های اجتماعی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران. ایمیل: vahid.rahmani1392@gmail.com

زمینه و هدف: عوامل محیطی و سبک زندگی در بروز انواع سرطان نقش بارزی دارند و با اصلاح آنها می توان از بروز بسیاری از سرطان ها پیشگیری کرد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل خطر سبک زندگی مردم شهر شیراز در پیشگیری از سرطان انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه یک بررسی توصیفی-تحلیلی با حجم نمونه ۵۰۰ نفر از شهروندان شیرازی بود. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای مشتمل بر ۲ بخش اصلی؛ مشخصات فردی و عوامل خطر سرطان بود. داده ها در یک نوبت و بصورت مصاحبه جمع آوری شدند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-25 و با استفاده از آزمون آماری مجذور کای و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: ۵۲٪ از افراد مورد مطالعه هیچگاه مستقیم با نور خورشید تماس نداشتند. ۵۷٪ از افراد مورد مطالعه با ماده سفید کننده تماس داشتند. ۶۱٪ از افراد مطالعه دچار عصبانیت می شدند. ۵۵٪ از افراد مطالعه سبک زندگی نامطلوبی داشتند.

نتیجه گیری: با توجه به نامطلوب بودن ابعاد سبک زندگی در شهروندان شیراز ضروری است مسئولین و کادر بهداشتی درمانی برای اصلاح سبک زندگی، رفتارهای بهداشتی و عادات افراد برنامه ریزی کنند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، عوامل خطر، سرطان، پیشگیری



تأثیر تمرینات تایچی بر عملکرد حرکتی بیماران پارکینسون

محمود مخبری^۱، منصوره مخبری^۲

^۱ دانشجوی رادیولوژی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران. ایمیل: m.mokhberi252@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رفتار حرکتی - کنترل و یادگیری حرکتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: یکی از شایع ترین بیماری های حال حاضر در جهان، بیماری های اختلال حرکتی از جمله پارکینسون است. بیماری پارکینسون که همان لرزش در وضعیت استراحت می باشد، عارضه آن شامل ارتعاش و لرزش دست و پا در حال استراحت، کندی حرکات، سفتی و خشک شدن دست و پا و بدن ون داشتن تعادل می باشد که شیوع آن در سنین پیری بیشتر از دوران نوجوانی است. تای چی نوعی هنررزمی (ملایم) چینی است که برای بهبود سلامتی، افزایش طول عمر، افزایش تمرکز و آرامش روحی و فکری انجام می شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر تمرینات تای چی بر بیماران پارکینسون صورت گرفته است.

روش کار: این پژوهش به صورت یک مقاله مروری می باشد که از طریق جست وجود پایگاه های اطلاعاتی معتبر و منابع کتابخانه ای در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ بررسی جامع و عمیقی صورت گرفته است. از مجموع ۶۷ مقاله یافت شده در نهایت پس از بررسی عنوان و چکیده با تأیید مرتبط بودن و تکراری نبودن ۲۱ مقاله انتخاب گردیده است

یافته ها: فعالیت های فیزیکی لذت بخشی همچون ورزش و تمرینات تای چی در دوران نوجوانی احنمال ابتلا به بیماری پارکینسون را در سنین بالا کاهش می دهد، همچنین باعث کاهش علائم بیماری در بیماران پارکینسون شده است. باتوجه به مطالعات و بررسی های انجام شده آهستگی در تمرینات تاچی باعث شده تا تمرکز فکری فرد افزایش یابد و از طرفی باعث کاهش استرس شخص می شود. این توانایی به عملکرد بهتر دستگاه عصبی فرد در شرایط بحرانی و فشار عصبی کمک می کند.

نتیجه گیری: از مطالعات انجام شده می توان نتیجه گرفت که تمرینات تای چی باعث می شود تا عضلات بدن نرم، انعطاف پذیر و قوی شوند، از طرفی افزایش تمرکز، کاهش استرس، آرامش فکری و تقویت روحی و عصبی را به همراه دارد تای چی نوعی هنررزمی (ملایم) چینی است که برای بهبود سلامتی، افزایش طول عمر، افزایش تمرکز و آرامش روحی و فکری انجام می شود. وباعث بهبود عملکرد تعادل و توانایی فعالیت های روزانه فرد شده است. انجام تکنیک های تای چی یک عامل بسیار مؤثر در کاهش استرس می باشد. اگر این تمرینات به صورت دوره ای انجام شود بیمار آرامش فکری و ذهنی را در جهت بهبود عملکرد حرکتی کسب خواهد کرد.

واژگان کلیدی: ورزش تای چی، کنترل حرکتی، بیماری پارکینسون



کاربرد صندلی های پویا در ارتقا توجه و کاهش تکانش گری کودکان مبتلا به اختلال

بیش فعالی: مقاله مروری

رؤیا دبیری^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ارگونومی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: rdabiri@razi.tums.ac.ir

زمینه و هدف: از عوامل موفقیت تحصیلی کودک، توانایی او در انجام تکالیف درسی با حداقل حواس پرتی در کلاس درس است. یکی از عمده ترین مشکلات کودکان مبتلا به اختلال ADHD، ناتوانی آنها در نشستن، تمرکز کردن و توجه در کلاس است. این کودکان اگر درمان نشوند ممکن است دچار صدمات جسمی جدی، مشکلات تحصیلی، مهارت اجتماعی و همچنین مشکلات عدیده ای در روابط بین والدین و فرزند شوند. برای این اختلال هیچ درمانی پیدا نشده است، اما بسیاری از درمان های موجود می توانند علائم ADHD را کاهش دهند. هدف از این مطالعه بررسی صندلی های پویا در کلاس درس برای کودکان ADHD است.

روش کار: این پژوهش به روش مروری انجام شده است. جستجوی مقالات از سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ در سایت های PubMed, ProQuest, ScienceDirect و با کلمات اصلی Hyperactivity, Attention Disorder, Physical Activity, Dynamic Seating صورت گرفت.

یافته ها: در این مطالعه در مجموع ۵۸ مقاله مورد بررسی قرار گرفت. با ارزیابی عنوان ها، ۳۶ مقاله مرتبط و با بررسی چکیده ۱۷ مقاله و در نهایت ۴ مقاله که فول تکست آن ها در دسترس بود انتخاب شدند. این مقالات به بررسی اثربخشی صندلی های پویا در کودکان مبتلا به ADHD در بهبود عملکرد آن ها پرداخته اند.

نتیجه گیری: طراحی صندلی های مختلف به انواع پاسخ های رفتاری در کودکان، الگوی حرکتی، موقعیت نشستن و توانایی تمرکز کمک می کند. یافته های پژوهش، اثر بخشی صندلی های جایگزین را در درمان کودکان ADHD در کاهش مشکلاتی مانند خواب آلودگی و بیش فعالی و همچنین افزایش سطح ایمنی، تمرکز و یادگیری نشان می دهد.

واژگان کلیدی: بیش فعالی، تکانش گری، صندلی های پویا، فعالیت فیزیکی، نقص توجه



ارزیابی ریسک ارگونومیک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی به روش ارزیابی خستگی عضلانی (MFA) در کارگران آرماتوربندی در یک سازه عمرانی بزرگ

کوثر توحیدی زاده^۱، پیمان یاری^۲، محمدطاها نعمتی^۳، سیدپوریا فاضلی^۲، احسان آسیوندزاده^۲، محسن

سوری لکی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

^۲ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران. ایمیل: yari.1989@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد، رشته آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

^۴ کارشناسی ارشد، رشته مهندسی بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

زمینه و هدف: در پروژه های ساختمانی یکی از اصلی ترین مشاغل آرماتوربندی می باشد. در این حرفه عوامل متعددی از جمله عوامل فیزیکی، فردی، روانی می تواند بر وضعیت بدنی نامطلوب فرد در حین انجام کار تاثیر داشته باشد، براین اساس آن ها در معرض ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی می باشند. یکی از عوامل مهم ایجاد کننده اختلالات اسکلتی عضلانی و کاهش بهره وری در صنایع مختلف خستگی می باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی به روش ارزیابی خستگی عضلانی (MFA) در کارگران آرماتوربندی در یک کارگاه ساختمانی انجام پذیرفت.

روش کار: در این پژوهش مقطعی، ۳۵ نفر از کارگران آرماتوربند یک پروژه ساختمانی به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های مورد نیاز در این مطالعه از طریق مشاهده مستقیم، مصاحبه با مهندسين، پرسشنامه نوردیک و سلامت عمومی بدست آمد. در مطالعه حاضر از روش کیفی ارزیابی خستگی عضلانی (Muscle Fatigue Assessment: MFA) برای ارزیابی ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی در کارگران استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد.

یافته ها: نتایج حاصل از ارزیابی ریسک به روش ارزیابی خستگی عضلانی (MFA) نشان داد که اندام های کمر و مچ دست ها به ترتیب در ۵۱/۸٪، ۴۶/۲٪ از کارگران در سطح "ریسک بالا" اقدامات اصلاحی بودند و بنابراین اندام های کمر و مچ دست ها در سطح اولویت اقدامات اصلاحی قرار گرفتند. در این مطالعه مشخص شد که ۵۲/۸۵ درصد از افراد مورد مطالعه از سلامت عمومی برخوردار بودند.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه شیوع اختلالات اسکلتی عضلانی در این مطالعه در ناحیه کمر و مچ دست ها، به ترتیب بالاترین درصد را دارا می باشد و به علت خستگی بالا در این اندام ها احتمال بروز اختلالات اسکلتی عضلانی وجود دارد. بنابراین باید ارتقاء سلامت عمومی این گروه مورد توجه ویژه قرار گیرد و برای بهبود پوسچر کاری از صندلی و میز کار مناسب استفاده شود. همچنین آموزش روش صحیح انجام کار که منجر به تغییر رفتار گردد، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی خستگی عضلانی، سلامت عمومی، پروژه ساختمانی



بررسی عوامل ایجاد کننده استرس شغلی در پرستاران بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص)

تهران در سال ۱۳۹۷

بتول دلشادی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد ارگونومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی ایران

زمینه و هدف: هدف از این مطالعه بررسی عوامل ایجاد کننده استرس شغلی در پرستاران بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) تهران در سال ۱۳۹۷ بود.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی توصیفی همبستگی است که از روش نمونه گیری آسان استفاده شد و ۳۰۰ نفر از پرسنل پرستار تمام بخش های بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) تهران در این مطالعه شرکت نمودند. اطلاعات توسط پرسشنامه خود گزارشی جمع آوری گردید. ابزار بکار رفته شامل: پرسشنامه استرس شغلی و پرسشنامه سلامت روان و فرم اطلاعات دموگرافیک بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، آزمون های آماری آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون صورت گرفت.

یافته ها: میانگین نمره استرس شغلی پرستاران $32/134 \pm 1/13$ بوده و $2/63\%$ افراد استرسی در حد طبیعی داشته اند. بین مولفه استرس شغلی با سابقه کار ($p < 0/05$) و ($r = 0/21$) ارتباط معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سابقه کار، استرس شغلی کمتر شد در حالیکه سلامت عمومی بیشتر درگیر می شد.

نتیجه گیری: به مدیران پرستاری توصیه می شود، در محل کار افراد تدابیری اندیشند و مداخلاتی را انجام دهند که استرسهای محیط کار کاهش یابد. همچنین می توانند برنامه های منظمی را در خصوص برگزاری دوره های آموزش رفتارهای تسهیل کننده و ارتقاء دهنده سلامت در پرستاران مانند: آشنایی با رشد معنوی، تاب آوری، مهارت های ارتباطی، مسئولیت پذیری سلامتی، مدیریت تنش، کنترل فشار و بارکار و افزایش توانمندی و آگاهی پرستاران را تدوین نمایند و اجرا کنند.

واژگان کلیدی: استرس شغلی، پرستار، بیمارستان



ضرورت آموزش اخلاق حرفه ای در حوادث و بلایا در سیستم بهداشت و درمان ایران

مریم بهشتی فرا^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پرستاری نظامی، دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران. ایمیل: maryam.beheshtifar@gmail.com

زمینه و هدف: کشور جمهوری اسلامی ایران در قاره آسیا یکی از بلاخیزترین سرزمین هاست. سلامت و بهداشت در حوادث و بلایا یکی از مهم ترین ماموریت های بیمارستان ها در رده پشتیبانی محسوب می گردد و این شرایط اجتناب عنوان یک اصل می کند که کلیه دست اندرکاران نظام سلامت برای بهبود شرایط بازماندگان بلایا تمام همت و تلاش خود را به کار برند. در حوزه نظام ارائه دهنده خدمات بهداشتی، وضعیت استرس زای حاکم بر حوادث و بلایا، ممکن است تصمیم گیری منطقی و صحیح را برای کارکنان نظام سلامت مختل می کند. پرسنل بهداشت و درمان به دلیل ارتباط نزدیک با زندگی و مرگ انسان ها، بیشتر از گروه های دیگر، با مسائل اخلاقی حاکم بر وضعیت استرس زا روبه رو هستند، از این رو علاوه بر انجام وظایف شغلی و احساس مسئولیت در قبال آن، نکات اخلاقی و انسانی را در نظر داشته باشند. لذا این مطالعه با هدف بیان ضرورت آموزش اخلاق حرفه ای در حوادث و بلایا در سیستم بهداشت و درمان ایران انجام شده است.

روش کار: این مطالعه از نوع مروری است که با استفاده از روش بررسی تحقیقات گذشته انجام شده مرتبط با موضوع مورد نظر در منابع کتابخانه ای، پایان نامه ها و داده پایگاه هایی از جمله: SID، Google Scholar، Iran doc، Magi ran انجام گرفته است.

یافته ها: در زمینه موازین اخلاق پزشکی در بلایا در دنیا، در کشور ما، راهنما و دستورالعمل منظم و قاطعی و همچنین آموزش جامعی برای پرسنل بهداشت و درمان در این زمینه تنظیم نشده است. چرا که تدوین قوانینی منظم درباره رعایت اصول رعایت اخلاق پزشکی در حوادث و بلایا، همراه با آموزش های لازم به پرسنل بهداشت و درمان، به ارائه خدمات بهتر به مصدومان و عموم مردم می انجامد، پرسنل این سیستم را از سردرگمی نجات می دهد منجر به انتخاب بهترین گزینه در مواجهه با مسائل اخلاقی و حفظ کرامت انسانی می شود.

نتیجه گیری: اهمیت این موضوع در این است که کشور ما همواره در معرض حوادث و بلایای زیادی است. نظر به نقش مهم بیمارستان ها به عنوان جزئی از نظام سلامت در رده پشتیبانی در حوادث و بلایا، تصویب دستورالعمل های اخلاق پزشکی، با توجه به تجربیات کشور در حوادث و بلایا و متناسب با جامعه، فرهنگ و قوانین ما به منظور تدوین اصول، کدها و معیارهای عملکرد اخلاقی پرسنل بهداشت و درمان ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آموزش، اخلاق حرفه ای، پرسنل بهداشت و درمان، حوادث و بلایا



بررسی میزان آمادگی پرستاران در حوادث و بلایا در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال

۱۳۹۷

ضیاء سعدونی^۱، محمد نیکزادیان^۲، نوید فهیم^۳، محدثه اکبری^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران. ایمیل: Ziyasadony@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی بهداشت، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده علوم پزشکی شوشتر، شوشتر، ایران

زمینه و هدف: آمادگی عمومی در برابر حوادث و بلایا، موجب کاهش ترس و اضطراب و نیز کاهش خسارات ناشی از سوانح می‌شود. از طرفی پرستاران بعنوان افراد پیش گام در بهداشت و درمان جامعه، نقش مهمی در قبل، حین و پس از بلایا دارند. بنابراین هدف از این مطالعه تعیین میزان آمادگی پرستاران در حوادث و بلایا در بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر در سال ۱۳۹۷ می‌باشد.

روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی می‌باشد. نمونه‌های پژوهش ۲۲۰ پرستار بیمارستان خاتم الانبیاء شوشتر می‌باشند. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام گردید. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه محقق ساخته "آمادگی مقابله با بلایا" با انجام روایی و پایایی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون‌های آماری استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، مجذور کای و آزمون T-test) و واریانس یک طرفه تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد در اطلاعات توصیفی ۱۵۶ (۷۰٪/۹) زن و ۱۸۷ (۸۵٪) متاهل می‌باشند. میانگین سن و سابقه کاری افراد مورد مطالعه به ترتیب برابر با 32.68 ± 8.57 و 11.82 ± 6.18 سال بود. در اطلاعات تحلیلی، میانگین نمرات دانش پرستاران ۱۹/۸۸ و نگرش آنان ۷۲/۴۱ و عملکرد ۱۲/۴۸ که به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری دارد ($P < 0.001$). همچنین میانگین نمره کل آمادگی افراد در بعد پیگیری ۱۰۴/۷۷ می‌باشد، که از لحاظ آماری معنی‌دار است ($P < 0.001$).

نتیجه‌گیری: طبق نتایج بدست آمده از این پژوهش، میزان آمادگی پرستاران در مقابله با حوادث و بلایا متوسط ارزیابی گردید. لذا پیشنهاد می‌گردد؛ به منظور ایجاد و حفظ آمادگی پرسنل پرستاری، آموزش و اجرای برنامه‌های آمادگی مقابله با بلایا جزء مباحث آموزش مداوم این افراد قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بلایای طبیعی، آمادگی، پرستار، حوادث



عوامل موثر بر شیوع اختلال تحمل گلوکز در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور: مرور سیستماتیک

فردین حیدری^۱، فاطمه حبیبی کردعلیوند^۲، راضیه شیرزادگان^۳

^۱دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران.

^۲دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

^۳کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد، ایران

زمینه و هدف: تالاسمی ماژور از شایع ترین بیماری های ژنتیکی در ایران و سراسر جهان است. اگرچه تعویض خون دردهه های اخیر باعث افزایش طول عمر و داشتن زندگی نسبتاً طبیعی در این بیماران شده است اما با این حال اختلال تحمل گلوکز (IGT) و دیابت قندی (DM) از متداول ترین عوارض هستند که در پی تجمع آهن اضافی و مسمومیت با آهن در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور به چشم می خورد. لذا مطالعه حاضر باهدف بررسی عوامل موثر بر شیوع IGT در بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور انجام شده است.

روش کار: این جستجو در پایگاه های داده ای sid، Scopus، Pubmed، Google scholar، Iran medex، magiran با کلیدواژه های تالاسمی ماژور، اختلال تحمل گلوکز، دیابت، شیوع، Diabetes mellitus، IGT، Thalassemia در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه براساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر دو متغیر تالاسمی ماژور و اختلال تحمل گلوکز در مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸-۲۰۰۸) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۸ مقاله، تعداد ۳۶ مقاله پس از ارزیابی کیفیت انتخاب و در مطالعه حاضر از آنها استفاده گردید.

یافته ها: طبق متون شیوع IGT در بیماران تالاسمی ماژور ایران بالا و این اختلال چند سال قبل از دیابت قندی (MD) به وجود می آید. و فراوانی آن در جنس مذکر بیشتر می باشد. عواملی همچون میزان فریتین سرم، سابقه فامیلی ابتلا به DM، مدت زمان تعویض خون و میزان استفاده از داروی دسفرال از عوامل مستعد کننده جهت ابتلا به MD و IGT در بیماران تالاسمی ماژور می باشد. از سویی دیگر بزرگی کبد و طحال نیز با شیوع دیابت قندی در ارتباط و زمینه ساز ابتلا در این بیماران می باشد.

نتیجه گیری: باتوجه به افزایش روز افزون اختلالات اندوکراین در بیماران تالاسمی ماژور، اجرای برنامه غربالگری جهت تشخیص زودرس اختلالات درون ریز خصوصاً در سنین بالاتر از ۱۰ سال ضروری می نماید. لذا عمل به این روش می تواند از بروز IGT نیز جلوگیری کند.

واژگان کلیدی: تالاسمی ماژور، اختلال تحمل گلوکز، دیابت، شیوع



رابطه بین دین‌داری و افسردگی در جوامع اسلامی: مروری سیستماتیک

فردین حیدری^۱، فاطمه محمدی پور^۲، رضوان مرادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران.

^۲ استادیار، دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم‌آباد، ایران.

^۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، بروجرد، ایران

زمینه و هدف: افسردگی شایع‌ترین اختلال روانی شناخته شده است که به آن لقب سرماخوردگی روانپزشکی را داده‌اند. براساس نظر سازمان بهداشت جهانی (WHO) افسردگی یک عارضه ناتوان کننده است و تا سال ۲۰۲۰ دومین بیماری شایع در بین تمام بیماری‌ها خواهد بود. دین‌داری اتکای روانی فرد به منبعی والا است. معنویت و اعمال دینی به عنوان سپر حمایتی عمل می‌کنند و این مسئله باعث شده است در سال‌های اخیر به دین و معنویت به عنوان چشم‌اندازی نوین در درمان بیماری‌های روانی به‌ویژه افسردگی توجه شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بین افسردگی و دین‌داری انجام شده‌است.

روش کار: این جستجو در پایگاه‌های داده‌ای Iran medex، magiran، Scopus، sid، Google scholar، Pubmed با کلیدواژه‌های افسردگی، دین‌داری، معنویت، Religious و Depression در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ انجام شد. مقالات مرتبط با مطالعه براساس معیارهای ورود (وجود همزمان هر دو متغیر دین‌داری و افسردگی در خلاصه مطالعه و تاریخ انتشار مقالات از ۲۰۱۸ - ۲۰۱۰) و خروج (عدم دسترسی به متن کامل مقالات) توسط دو محقق به طور مستقل بررسی و از بین ۶۵ مقاله، تعداد ۳۳ مقاله پس از ارزیابی کیفیت انتخاب و در مطالعه‌ی حاضر از آنها استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد افرادی که پایبند به باورهای دینی هستند به میزان کم‌تری دچار افسردگی می‌شوند. درحقیقت بین مولفه‌های معنویت و سلامت روان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در واقع دین‌داری یک عامل مهم در شکل‌گیری سلامت روانی جامعه است. با توجه به مطالعات انجام شده؛ از مهم‌ترین اعمال دینی موثر بر تسکین و کنترل افسردگی، می‌توان به نماز سروقت، انس با قرآن، حضور در مسجد، دعا و اعتقاد به زندگی ابدی اشاره کرد. در یکی از مطالعات به این نکته اشاره شده است که رابطه بین دین‌داری و افسردگی به صورت دقیق مشخص نیست و به فرهنگ جامعه مورد مطالعه نیز بستگی دارد.

نتیجه‌گیری: دین‌داری راهی اساسی جهت پیشگیری و بهبود اختلالات روانی به‌ویژه افسردگی است. به دلیل اینکه بیشتر مطالعات در کشورهایی با تعداد مسلمان کم صورت گرفته‌است؛ توصیه می‌شود در جوامع اسلامی مطالعاتی گسترده تر انجام گیرد تا نتایج دقیق‌تری حاصل شود.

واژگان کلیدی: افسردگی، دین‌داری، معنویت، جوامع اسلامی



اهمیت نقش مراکز بهداشتی و درمانی در مدیریت و کاهش خطر در بلایا

حامد کاظمی^۱، معصومه موسوی^۲، کاوه خیرخواه رحیم آباد^۳

^۱ کارشناس بهداشت محیط مرکز بهداشت شهرستان ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی. ایمیل: h.kazemi81@gmail.com

^۲ کارشناس بهداشت محیط معاونت فرهنگی و دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی

^۳ کارشناس ارشد مهندسی محیط زیست گرایش آب و فاضلاب، آموزشگاه بهداشت اصناف سبب سلامت

زمینه و هدف: اهداف مدیریت و کاهش خطر بلایا در نظام سلامت، مشخص کردن چالش ها و نقاط قوت و فرصت ها، راهبردهای پیشنهادی در راستای توانمندسازی مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی می باشد. بهورزان در این زمینه به عنوان پیشتازان این طرح نقش مهمی در ارتقاء سطح آگاهی، افزایش مشارکت های مردمی، ارزیابی نقائص و تلاش برای رفع کمبودهای این بخش و بازیابی سلامت جسمی، اجتماعی و روانی در قبل، حین و پس از حادثه ایفاء می کنند و لازم است در این زمینه تلاش بیشتری شود.

روش کار: مطالعه حاضر با استفاده از بانک های اطلاعاتی و موتورهای جستجو نظیر Elsevier, Google Scholar, SCOPUS و واژگان کلیدی «بلایا» و «مدیریت بحران» انتخاب شدند. مقالات با طراحی های مقطعی، کارآزمایی بالینی و نیز مرور سیستماتیک می باشند. همچنین مقالات فارسی با استفاده از بانک های اطلاعاتی SID, Magiran, Iran Medex و نیز جستجو در سایت های مجلات علمی-پژوهشی داخلی انجام گرفت. بازه زمانی مقالات مورد استفاده از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۷ بود. در پایان یافته ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج نشان داد که سطح متوسط آمادگی خانوارهای ایرانی در برابر بلایا تنها حدود ۸ درصد است. این در حالیست که تقریباً تمام جمعیت کشور در برابر انواع بلایا قرار دارند و سالانه بطور متوسط حدود ۴ هزار نفر در کشور در اثر این بلایا کشته می شوند و حدود ۱,۵ میلیون نفر تحت تاثیر قرار می گیرند.

نتیجه گیری: مداخلات نظام سلامت از طریق ظرفیت های نظام شبکه می تواند آمادگی خانوارها در برابر بلایا را طی چند ماه تا حدود ۷ برابر افزایش دهد. این برنامه اولین برنامه از این دست در سطح منطقه بوده و مورد توجه ویژه سازمان جهانی بهداشت نیز قرار دارد.

واژگان کلیدی: بلایا، مدیریت بحران، مراکز بهداشتی درمانی





بررسی اثر زلزله بر سلامت روان جامعه و راهکارهای حفظ سلامت

فاطمه گرگانی^۱

^۱ دانشجوی دکتری عمومی، رشته پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. ایمیل: gorgani_f76@yahoo.com

زمینه و هدف: زلزله یکی از سهمگین ترین وقایع در میان بلایای طبیعی است که غیرقابل پیش بینی است. دانستن این نکته که در حال حاضر برای پیشگیری از زلزله کاری نمیتوان انجام داد؛ ما را ملزم به آموختن از تجربیاتمان می کند. هر کشور نیاز به مدیریت خوب با پروتکل های خاص برای هر یک از فاجعه های مورد انتظار هنگام وقوع بلایای طبیعی و همچنین بعد از آن دارد. این پروتکل ها باید محیط، موارد پزشکی و جنبه های سلامت اجتماعی را در برگیرد. این مقاله یک بررسی سیستماتیک است که به اثرات روحی و روانی زلزله بر سلامت جامعه و همچنین ارتباط هر یک از این اثرات بر یکدیگر، می پردازد. همچنین در مقاله به بررسی راهکارهای ارائه شده، برای به حداقل رساندن مشکلات سلامت روحی و روانی افراد پس از زلزله مانند افسردگی و جلوگیری از آنها که در مقالات آمده است، پرداخته ایم.

روش کار: مقالات با کلیدواژه های زلزله، سلامت، اثرات روحی و روانی، راهکارها بین سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۸ در scopus و pubmed مورد جستجو قرار گرفته و مقالات مرتبط استخراج، بررسی و جمع بندی شده اند.

یافته ها: اطلاعات بدست آمده از بررسی ها حاکی از آن است که از شایع ترین اثرات روحی و روانی میتوان به اضطراب، افسردگی، وسواس، اشکال در تمرکز، اختلال در تصمیم گیری، عدم کنترل احساسات، احساس ناامیدی، اختلال در خواب و کابوس های شبانه اشاره کرد که در اغلب مقالات مورد جستجو به آنها اشاره شده بود.

نتیجه گیری: زمین لرزه ها باعث ترس، وحشت، بیماری ها، مرگ و میر و تغییرات محیط زیست می شوند و مردم را آسیب پذیر می کند. طبق بررسی های انجام شده نتایج ما نشان داد که مشکلات روانی در میان بازماندگان زندگی پس از زلزله شایع است. علاوه بر این، زنان بیشتر از مشکلات سلامت روان رنج می برند. بنابراین، نیاز به تمرکز بر عوامل خطر مانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و ... وجود دارد. بدین ترتیب، هر کشور نیاز به مدیریت فاجعه خوب با پروتکل های خاص برای هر نوع فاجعه مورد انتظار دارد. بنظر می رسد با توجه به زلزله های اخیر در کشورمان نیاز به بررسی ها و تلاش های بیشتر در این حیطه باشد.

واژگان کلیدی: زلزله، اثرات، سلامت اجتماعی، سلامت روحی و روانی، راهکارها



بررسی ارگونومی ناشی از ایستادن طولانی مدت در کارکنان اتاق عمل: مطالعه مروری

نازنین صراف^۱، حامد تقی لو^۱، افسانه عسگر خواه^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته تکنولوژیست اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران. ایمیل: nazaninsarrafi95@gmail.com

زمینه و هدف: حداقل ۵۰ درصد از کارکنان در معرض مشکلات اسکلتی-عضلانی ناشی از ایستادن طولانی مدت در سر کار هستند، که باعث مشکلاتی برای سلامتی افراد از قبیل: کمر و زانو درد، مشکلات قلبی-عروقی، خستگی و بروز عوارض در کارکنان می‌شود. هدف این مطالعه بررسی ارتباط بین میزان زمان ایستادن و بروز این عوارض در کارکنان اتاق عمل می‌باشد.

روش کار: این مطالعه مروری با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی google scholar, pub med, science direct, scopus با استفاده از واژگان کلیدی operating room nurses/staff, prolonged standing و musculoskeletal disorders انجام شد؛ و در نهایت ۴۰ مقاله مرتبط که در راستای هدف اصلی پژوهش بود، انتخاب شد.

یافته‌ها: بر اساس بررسی مقالات، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد ایستادن طولانی مدت در سر کار باعث عوارض ناخوشایندی برای سلامت می‌شود؛ همچنین اغلب مقالات به مؤثر بودن مداخلات در کاهش عوارض ناشی از این مسئله تأکید داشتند؛ که مداخلات پیشنهادی شامل: استفاده از کفی طبی، تعبیه مکان یا صندلی برای نشستن در کنار محل کار، استفاده از جوراب، کفش مناسب و ساق‌دار بودند.

نتیجه‌گیری: استفاده از مداخلات مؤثر و پیروی از دستورالعمل‌های پیشنهاد شده برای ساعات ایستادن از سوی دولت و سازمان‌های مرتبط باعث کاهش خطرات سلامت ناشی از ایستادن طولانی مدت می‌شود.

واژگان کلیدی: کارکنان اتاق عمل، پرستار اتاق عمل، ایستادن طولانی مدت، مشکلات اسکلتی-عضلانی، ارگونومی



Prevalence of job burnout and its related factors among nurses of Imam Khomeini medical education Center in Ilam city at 2018

Ehsan Mohammadi¹, Edris Mohammadi², Arman Mohammadi³, Soraya Mohammadi⁴,
Mohammad Reza Feili⁵

¹ M.Sc Student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Faculty of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

² M.Sc Student of Molecular Cell Biology, Faculty of Science, Department of Biology, Razi University, Kermanshah, Iran

³ Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ B.Sc Student of General Psychology, Payame Noor University, Ravansar, Iran. E.mail: soraya.mohammadi2050@gmail.com

⁵ Student Research Committee, Ilam University of Medical Sciences, Ilam. Iran

Background and Aim: Nurses constitute the main part of the human resources of the health system and And one of the pillars of optimal care in the hospital And the quality of their services can be affected by destructive factors such as job burnout and lead to increased absenteeism, energy degradation and quality deterioration. Job burnout is one of the effective factors in reducing the quality of employees' performance. This disorder is seen among the staff of various types of occupations, such as social workers, physicians, police, nurses, midwives, and such occupations. The aim of this study was to determine the status of job burnout and its related factors in the nurses of Imam Khomeini medical education Center in Ilam in 2018.

Methods: In this cross-sectional descriptive study, 215 nursing staff participated in the study in Imam Khomeini Hospital in Ilam. The data were collected by a questionnaire including questions on demographic characteristics and Maslach Burnout Inventory (MBI). Data using statistical software SPSS-23 and Chi-square tests and $p < 0.05$ level of significance was analyzed.

Results: From the dimensions of job burnout, emotional exhaustion was low in 25.5% of subjects, 33.3% were moderate and 41.2% were moderate to high. In the case of individual failure, 71.5% of cases were low, 6.9% moderate and 21.6% of cases were moderate to high. In the depersonalization aspect, 39.6% were low, 25.8% were moderate and 34.6% were medium to high. There was a significant relationship between Marital status and emotional exhaustion (0.05), Sufficiency and Marital status (0.003), Shift work and sufficiency (0.001), Shift work and emotional exhaustion (0.001), Education and depersonalization (0.001), Shift work and depersonalization (0.001), Education and Sufficiency (0.05), Depersonalization and recruitment (0.05), Age and Sufficiency (0.05), Work experience and depersonalization (0.005) and work experience with adequacy (0.001).

Conclusion: Regarding the physical, psychological and social problems caused by job burnout, all researchers emphasize on prevention methods. Therefore, the creation of strong supportive systems in the workplace and outside it is an effective way to prevent job burnout. Also attention to the development of interpersonal relationships and control and change in factors such as hours and shift work, can reduce emotional exhaustion and increase the level of progress and personal development of the staff.

Keywords: Job Burnout, Nurse, Maslach, Hospital, Ilam





Comparing cardiac patients' stress coping strategies and healthy individuals in Mostafa Khomeini Hospital in Ilam in 2018

Ehsan Mohammadi¹, Edris Mohammadi², Arman Mohammadi³, Soraya Mohammadi⁴,
Mohammad Reza Feili⁵

¹ M.Sc Student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Faculty of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

² M.Sc Student of Molecular Cell Biology, Faculty of Science, Department of Biology, Razi University, Kermanshah, Iran

³ Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ B.Sc Student of General Psychology, Payame Noor University, Ravansar, Iran. E.mail: soraya.mohammadi2050@gmail.com

⁵ Student Research Committee, Ilam University of Medical Sciences, Ilam. Iran

Background and Aim: Stress is a physiological response to defined biological and psychological stressors and coping strategies are a set of individual's cognitive and behavioral efforts used to interpret and correct a stressful situation. Compatibility problems have been more reported in those cardiac patients have social problems and more stress beside their heart condition. Due to the fact that prevention and early detection of mental disorders can reduce some of its harmful effects, the present study aimed to compare cardiac patients' stress coping strategies and healthy individuals in Mostafa Khomeini Hospital in Ilam in 2018.

Methods: In this case-control study, the sample included 150 cardiac patients and 150 healthy subjects with suitable demographic data in comparison with the experimental group to be used as the control group. They were asked to complete Lazarus & Folkman coping strategies questionnaire which included 66 questions. Data was analyzed by SPSS software version 16 using independent t test.

Results: Cardiac patients had a higher mean score of direct confrontation subscale than healthy people in terms of seeking social support, solution planning and positive reappraisal. Meanwhile, cardiac patients had a lower mean score of seeking social support subscale, solution planning and positive reappraisal than healthy people. Independent t-test showed statistically significant differences ($P < 0.005$). There was no significant difference between the experimental group and the control group regarding subscales of taking a distance, self-control, avoiding and evading responsibility ($P > 0.005$). However, the experimental group had a higher mean of using coping strategies than the control group while the control group had a higher mean of taking responsibility subscale than the experimental group.

Conclusion: Cardiac patients used coping strategies more frequently to deal with stressful situations than healthy individuals and used less problem-focused strategies. Obviously, health planners should note this point in planning and implementing mental health program for cardiac patients.

Keywords: Lazarus & Folkman coping strategies, stress, cardiac patients





The relationship between burnout and mental health of nurses in teaching hospitals affiliated with Ilam University of Medical Sciences in 2018

Ehsan Mohammadi¹, Edris Mohammadi², Arman Mohammadi³, Soraya Mohammadi⁴,
Mohammad Reza Feili⁵

¹ M.Sc Student of Occupational Health Engineering, Student Research Committee, Faculty of Health, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran

² M.Sc Student of Molecular Cell Biology, Faculty of Science, Department of Biology, Razi University, Kermanshah, Iran

³ Student Research Committee, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁴ B.Sc Student of General Psychology, Payame Noor University, Ravansar, Iran. E.mail: soraya.mohammadi2050@gmail.com

⁵ Student Research Committee, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

Background and Aim: Burnout is one of the main factors in the decline in performance, loss of manpower and physical and psychological effects, especially in the human services professions. Given the important role of nurses in the health care system, this study was conducted to investigate the relationship between burnout and mental health of nursing staff in teaching hospitals affiliated with Ilam University of Medical Sciences in 2018.

Methods: This is a descriptive-analytic study on 215 nurses of the 340 nurses in hospitals affiliated with Ilam University of Medical Sciences. Goldberg and Maslach Burnout Inventory was used to assess the relationship between burnout and mental health and data was analyzed by SPSS software version 16 using χ^2 Tests, T-Test and correlation tests.

Results: In the case of burnout, the majorities of studied factors were low in terms of depersonalization and lack of efficiency and at a high level in terms of emotional exhaustion. 15% of samples were marked in case of mental health and there was a significant relationship between burnout and mental health ($P < 0.005$). Considering demographic variables, the relationship between burnout and gender, age, experience, and place of residence was not significant ($p > 0.005$). Also, there was no significant relationship between experience, gender, age, place of residence and mental health ($p > 0.005$). Meanwhile, marital status had a significant relationship with burnout and mental health ($P < 0.005$).

Conclusion: Due to the stressful nature of the nursing profession and the high prevalence of mental health problems with regard to the general population and staff burnout, especially in younger and less experienced nurses and given the strong correlation between the two variables of mental health and burnout, serious attention of the authorities involved in mental health is essential to prevent or solve this problem.

Keywords: *Mental health, burnout, nursing, hospital*



The effects on shift work schedules on Self-rated health and fatigue: a cross-sectional study

Masoud Khosravipour¹, Payam Khanlari², Faramarz Gharagozlou³, Farid Khosravi¹,
Zahra moradi¹ Hadis mohammadi sarableh¹

¹ Student research committee, Kermanshah University of medical sciences, Kermanshah, Iran

² Students Research Center, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran. E.mail: ayamba19@gmail.com

³ Occupational Health Department, School of Health, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.

Background and Aim: The purpose of this study was to determine the effects of different shift work schedules on the self-rated health and fatigue levels among workers of an oil refinery in western Iran. Also, additionally aimed to investigate the correlation between fatigue and self-rated health level.

Methods: The numbers of 114 workers recruited in this study based on types of shift work schedules divided into following groups: fixed day shift work (FDSW) and rotating shift work (RSW). A 3-part self-administrated questionnaire includes Socio-demographic information, EuroQol visual analog scale (EQ-VAS) and visual analog fatigue scale (VAFS) was used to collect data. The logistic regression models were applied to determine the risks of poor health status and severe fatigue.

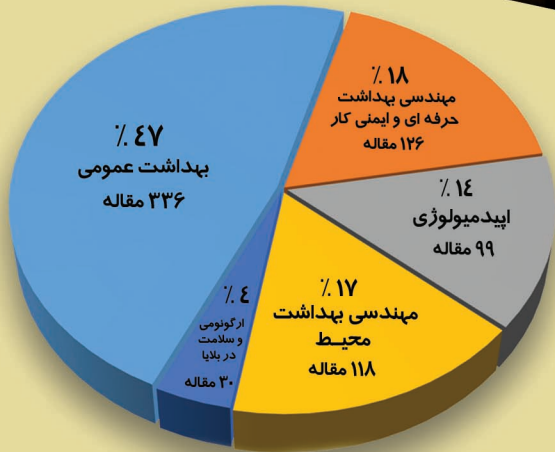
Result: The mean and standard deviation (SD) for the EuroQol and VAFS scales in FDSW vs. RSW groups were 79.04(15.94) vs. 81.27(19.58) and 5.22(7.68) vs. 6.83(2.64) respectively. Significant difference was found between fatigues levels in RSW compared to FDSW group. The adjusted odds ratio for poor health status and severe fatigue in RSW compared to FDSW were estimated (OR = 0.72 .95% CI = 0.31.1.67, P= 0.446) and (OR = 2.78.95% CI = 1.21.6.34, P= 0.016) respectively. Also, we found a significant inverse correlation between fatigue and health status levels (coefficient= - 0.229, p-value=0.014).

Conclusion: Our study showed that RSW schedule can associated with high level of fatigue. However, more studies are required to confirm our findings and investigate the effects of other types of shift work schedules.

Keywords: Rotating shift work, self-rated Health, Fatigue, Visual analog scale, Iran



The 12th Student scientific Conference on Innovation in Health Sciences



۷۰۹ مقاله

آمار مقالات دریافتی در دوازدهمین همایش
دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور



www.ihsc.bsbmu.ir

دانشجوی خلاق
کلید توسعه سلامت

اعضای تیم ما

دوازدهمین همایش دانشجویی تازه های علوم بهداشتی کشور

دکتر محمد آقاچانی ریاست دانشکده علوم پزشکی شعبه بهداشت	دکتر افشین زرگی معاون تحقیقات و فناوری دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی	دکتر اکبر اسلامی ریاست دانشکده بهداشت و ایمنی دانشکده علوم پزشکی شهید بهشتی	آتنا رافعی پور دانشجوی دکتری بهداشت دانشکده خراسان و ایمنی کار بهداشت	مصطفی راسخی نژاد دانشجوی دکتری دانشکده پزشکی
امیر فرهی آشتیانی دانشجوی دکتری بهداشت دانشکده بهداشت و ایمنی	سودا فلاح دانشجوی دکتری بهداشت دانشکده محیط	سودابه یارمحمدی دانشجوی دکتری مهندسی انرژی بهداشت و ارتقاء سلامت	زهره محمدی دانشجوی دکتری بهداشت دانشکده خراسان و ایمنی کار بهداشت	سارا عظیمی دانشجوی دکتری بهداشت دانشکده پزشکی

دبیرخانه

تهران، بزرگراه چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریار
بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده بهداشت و ایمنی
دبیرخانه دوازدهمین همایش تازه های علوم بهداشتی کشور

WWW.IHSC.BSBMU.IR

IHSC.BSBMU@GMAIL.COM

۰۲۱ ۲۲ ۴۳ ۱۵ ۹۷ / ۰۹۰۳۸۰۸۷۰ ۸۶

@TAZEHA_12